

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه‌نامه

| فصلنامه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌شناسی اندیشکده ادبیات پایداری |

| حوزه هنری انقلاب اسلامی |

| شماره ششم | پاییز و زمستان ۱۴۰۱ |

صاحب امتیاز: حوزه هنری انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا سنگری

سرمدیر: دکتر جواد کامور بخشایش

اداری - اجرایی: جواد سمنازی

مدیر داخلی: راضیه ابراهیمی

نمونه‌خوان: زهرا طاووسی

هیئت تحریریه: لیلا باقری، فاطمه سنگری، زهرا قاسمی

باسپاس ویژه از مسعود امیرخانی

مدیرهنری: حسین کریمزاده

نشانی: تهران، انتهای خیابان سمیه، حوزه هنری انقلاب اسلامی، طبقه چهارم، اندیشکده ادبیات پایداری

تلفن: ۰۲۱۹۱۰۸۸۱۷۹

رایانامه: andishkadeh.paydari@gmail.com

اندیشه‌نامه پایداری آمادگی دارد

گزارش نشست‌های تخصصی، اخبار همایش‌های علمی- پژوهشی،

معرفی و نقد آثار شاخص ادبی و پژوهشی در حوزه ادبیات پایداری داخل و خارج از ایران را منتشر کند.

علاقه‌مندان می‌توانند نسخه ورد مطالب را به رایانامه ارسال کنند.

مطالب ارسالی پس از بررسی در هیئت تحریریه منتشر خواهد شد.

اندیشه‌نامه پایداری در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.

آنچه در این شماره می‌خوانید:

- ۶ | یادداشت سردبیر
- ۸ | ماندگاری ادبیات پایداری در گرو پژوهش‌های ادبی؛ گفت‌وگو با دکتر احمد خاتمی
- ۱۸ | اشاره
- ۱۹ | ده نگاه؛ پژوهش به روایت ده استاد؛ گفت‌وگو با ده تن از استادان و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌ها
- ۶۲ | پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری، چالش‌ها و مسئله‌ها
- ۶۵ | مبانی مفهومی و مرزهای پژوهشی مطالعات ادبیات پایداری
- ۷۲ | برزخ غیب و شهادت در ادبیات دفاع مقدس
- ۷۷ | روش پژوهش در هنر (پایداری)
- ۸۵ | جستاری در ستایش و نکوهش پژوهش در ادبیات پایداری
- ۹۱ | خاطرات نورالله لارودی؛ جلوه‌ای از پایداری ایرانیان در دوره اشغال کشور، طی جنگ جهانی دوم
- ۱۰۸ | نوشتار مشارکتی؛ راهبردها و فعالیت‌های با هم‌نویسی مؤثر
- ۱۱۵ | معرفی کارگروه‌های اندیشه‌ورز اندیشکده ادبیات پایداری
- ۱۱۸ | گزارش نشست: بررسی وجوه افتراق و اشتراک ادبیات داستانی دفاع مقدس و ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم
- ۱۲۴ | گزارش نشست: دفاع مقدس، زیستمان ایرانی و ظرفیت‌های مختلف آن
- ۱۲۸ | سوژه ایرانی یا تمنای بازاحیای انسان بسیجی دهه شصت؟
- ۱۴۰ | گزارش نشست: وجوه افتراق و اشتراک شعر دفاع مقدس و شعر دوره پهلوی دوم
- ۱۴۴ | گزارش نشست: «شعر اعتراض»؛ گزارشی از نشست تخصصی گروه انقلاب اسلامی
- ۱۵۱ | مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان؛ گفت‌وگو با فرزانه قلعه‌قوند
- ۱۶۱ | تأملی بر محتوای کتاب «تأملی بر روش‌شناسی پژوهش در حوزه دفاع مقدس»
- ۱۷۱ | خاطره‌نویسی در زیست‌بوم دفاع مقدس
- ۱۷۴ | بر دیوارهای سوریه
- ۱۷۹ | جنگ و مطالعات ادبی؛ مفاهیم انتقادی کمبریج
- ۱۸۹ | کتاب‌های پژوهشی منتشره ادبیات پایداری در سال ۱۴۰۰
- ۲۰۳ | معرفی آثار مکتوب استان‌ها
- ۲۱۰ | اخبار و رویدادها

یادداشت سردیر

دکتر جواد کامور بخشایش

پژوهش پویه‌ای است عالمانه و روشمندانه برای کشف و فهم مسائل که نیازمند دقت و سعه صدر و ژرف‌کاوی و وقت‌گذاری است. پژوهشگری که در پی یافتن و کشف و فهم است باید با پرهیز از پیش‌داوری‌ها، شتاب‌زدگی‌ها و احیاناً خوشامد‌های این و آن به کاوش و تحقیق بپردازد و دست‌آورد پژوهش خود را برای بهره‌وری در اختیار دیگران قرار دهد. یکی از شاخه‌های پژوهش، پژوهش ادبی است که خود دارای زیرشاخه‌هایی چون ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، تاریخ ادبیات و مطالعات بینارشته‌ای است. در این میان، پژوهش در حوزه ادبیات پایدار از فراخ‌ترین و گسترده‌ترین عرصه‌های پژوهش ادبی به‌شمار می‌آید. پژوهش‌های ادبی پایدار تمامی عرصه‌ها و گونه‌های ادب پایدار را شامل می‌شود که به لحاظ و اعتبار گونه‌ها و قالب‌های ادبی شامل سروده‌ها (سروده‌های حماسی، سوگمنده، عاشقانه، عارفانه، معترضانه و روشنگرانه و...)، ادبیات داستانی (داستان‌های سیاسی، اجتماعی، فلسفی، عارفانه، عاشقانه و...)، خاطره‌نوشته‌ها (خودنوشت و دیگرنوشت)، زندگی‌نامه (خودنوشت و دیگرنوشت)، ادبیات نمایشی (فیلم‌نامه، نمایش‌نامه و...)، نامه، وصیت‌نامه، قطعه ادبی و دیگر انواع ادبیات منثور می‌شود. در پژوهش‌های ادبی پایدار، یکی از شاخه‌های مهم، ادبیات تطبیقی پایدار است؛ ادبیات تطبیقی که



به ارزیابی و بررسی متن می‌پردازد. پژوهش‌های نقد ادبی در حوزه ادب‌پایداری نیازمند شناخت روش‌های گوناگون نقد ادبی است و بهره‌گیری از تجربه‌های ارجمند نقد در گذشته ادبی ایران و دستاوردهای نقد ادبی در جهان است. نقد ادبی در قلمرو ادب‌پایداری در ایران بسیار جوان و نوشکفته و نوپا است و زمان می‌طلبد تا با حضور صاحب‌نظران و صاحب‌اثران عرصه نقد ادبی پویایی و زبایی بیشتر بیابد.

تاریخ ادبیات‌نگاری پایداری در ایران از نقد ادبی نیز جوان‌تر و بهتر است بگوییم کودک است، کودکی که در بدایت راه افتادن است و باید دستش گرفت و پا به پایش برد تا شیوه راه رفتن بیاموزد!

در این شماره از نشریه کوشیده‌ایم به مدد الهی و به همت استادان و پژوهشگران پرونده ویژه «پژوهش‌های ادبی» را مورد واکاوی قرار دهیم و در مجالی اندک با چند گفت‌وگو و چند مقاله بُعدی از ابعاد این موضوع را بشکافیم.

امیدواریم اندیشه‌نامه پایداری پنجره‌ای باشد برای تنفس در این فضاها و نوپافته و فرصتی تا سکوت کوچه‌هایی که به قول عیسی مسیح هنوز صدای پای رهگذران در آنها نیچیده، شکسته شود. باید به انتظار طنین و پژواک گام‌های مصمم در این مسیر ایستاد! ■

در آلمان «تاریخ ادبیات همگانی» نامیده می‌شد، فرصتی فراهم می‌آورد تا در مطالعه متن‌ها در جوامع گوناگون، ورود چرخش عناصر فرهنگی، مشترکات، تواردها و دادوستدهای فرهنگی را دریابیم و مهم‌تر از آن روشن سازیم که مفاهیم فرهنگی چگونه خود را با محیط و فضای هر جامعه همراه و هماهنگ و بازآفرینی می‌کنند. ادبیات تطبیقی، که در ادبیات عرب «ادب المقارنه» نامیده می‌شود، رشد و تعالی قابل اعتنائی یافته است و در ایران نیز با تأسیس رشته ادبیات تطبیقی به شکوفایی و باروری نسبی رسیده است. تطبیق ادبیات پایداری ایران با ادبیات پایداری عرب به‌ویژه محور مقاومت، مجال مناسبی برای کشف و فهم مشترکات و شباهت‌ها و تعامل این دو قلمرو ادبی با همدیگر است. بسیاری ادبیات تطبیقی را زیرمجموعه تاریخ ادبیات دانسته‌اند و طبیعی است که در تاریخ ادبیات‌نگاری پایداری از توجه و پرداختن به تأثیر و تأثرهای ادبی و فرهنگی ناگزیریم.

نقد ادبی شاخه مهم دیگر در حوزه پژوهش‌های ادبی است: نقد ادبی (Literary criticism) دانش ارزیابی، ارزش‌یابی و بررسی در حوزه زیباشناختی، معرفت‌شناختی و ساختاری متون ادبی است؛ نقاد ادبی پژوهشگری است که با بهره‌گیری از علوم گوناگون مانند روان‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و زیباشناسی

ماندگاری ادبیات پایداری در گرو پژوهش‌های ادبی

گفت‌وگو با دکتر احمد خاتمی؛
رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه سنگری - لیلا باقری

گسترش ادبیات پایداری از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون، ضرورت بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون آن را سبب شده و به دنبال آن، پژوهش‌های این حوزه روبه‌روز در حال افزایش است. یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد گرایش ادب پایداری در فضای دانشگاه تأکید بر گسترش روشمند و علمی این نوع ادبی است. از آنجاکه در حال حاضر رشته ادبیات پایداری در بیش از ۴۰ دانشگاه کشور فعال است و نزدیک به ۱۴ سال از تأسیس این رشته در ایران می‌گذرد، نیاز به تولید آثار پژوهشی و منابع علمی و نظری بیش از پیش احساس می‌شود.

به همین مناسبت، برای رسیدن به پاسخ پرسش‌هایی در این موضوع، گفت‌وگویی با دکتر احمد خاتمی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، در تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ صورت گرفت. در این مصاحبه کوشش شد تا موضوع پژوهش در ادبیات پایداری و ابعاد آن بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

این است که پشتوانه‌های پژوهشی برای آن تعیین شود و قدرتی که پژوهش به علم عطا می‌کند انکارناپذیر است. اگر بناست در حوزه ادبیات پایداری هم صاحب جایگاهی باشیم و ادبیات پایداری بتواند خود را در سطوح دانشگاهی و فرادانشگاهی در سطوح ملی و بین‌المللی مطرح کند، باید درباره ادبیات پایداری تحقیق کنیم.

● برای ورود به بحث لازم است اول به این پرسش اصلی پاسخ بدهیم که جایگاه و نقش پژوهش در مطالعات ادبیات پایداری چگونه است؟

اصولاً همه شاخه‌های علمی و ادبی و هنری نیازمند تحقیق و پژوهش‌اند. توسعه علم در هر حوزه‌ای نیازمند



کمی از حوزهٔ شعار دربارهٔ ادبیات پایدار به حوزهٔ تحقیق جدی در حوزهٔ ادبیات پایدار وارد شویم، راه ورود و مسیر درست، انتخاب پژوهش‌های کاربردی و بنیادی است.

● چون به بحث «نیازسنجی در گرایش ادبیات پایدار» اشاره کردید، اتفاقاً به تازگی این مسئله در جلسات داخلی اندیشکده و به‌ویژه کارگروه‌های تخصصی مطرح شده است. در مجموعهٔ اندیشکدهٔ ادبیات پایدار چهار گروه مرجع در حال فعالیت هستند که هرکدام از این گروه‌ها با حضور افراد متخصص کارگروه‌هایی تشکیل داده‌اند. در جلسات کارگروه‌های تخصصی نیاز به این مسئله را دریافتیم اما هنوز کم و کیف و چگونگی اجرای

البته ممکن است تحقیقات ما هدفمند نباشد و زیان کنیم؛ بنابراین پیش از پژوهش و نقش پژوهش، آنچه اهمیت دارد نیازسنجی است؛ اینکه ما چه نیازهایی در حوزهٔ ادبیات پایدار داریم، مهم است. پس از مشخص شدن نیاز، می‌توان سفارش علمی به افراد متخصص داده تا پژوهش‌های دقیق علمی صورت بگیرد. این قطعاً به نفع ادبیات پایدار است و چاره‌ای جز این هم نیست. اگر قرار است ادبیات پایدار به‌عنوان یک نوع (ژانر) ادبی در دانشگاه‌های ما موضوعیت پیدا کند و به‌صورت جدی مطرح شود و قابلیت دفاع در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی پیدا کند، باید تحقیقات دامنه‌دار، جدی و گسترده‌ای به همت متخصصان انجام بدهیم. بنابراین، پاسخ سؤال شما کاملاً روشن شد که ما بدون پژوهش نمی‌توانیم در حوزهٔ علم نفس بکشیم. اگر نگاه ما به ادبیات پایدار یک نگاه علمی است و می‌خواهیم

تبیین کنید. باید نیازهای دانشگاه را بسنجید و بهترین کسانی که می‌توانند به شما کمک کنند فارغ‌التحصیلان رشته ادبیات پایداری‌اند. دانشجویی که تحت عنوان کارشناس ارشد پایداری فارغ‌التحصیل شده است، بهتر از هر کس دیگری می‌فهمد که خلأها و ضعف‌ها کجاست و برای «تحصیل» چه نیازهایی داشته‌اند؟ از استنادی که در این رشته تدریس کرده‌اند باید پرسید که نیاز رشته برای «تدریس» کجاست؟ از دانشجویان، «نیازهای تحصیل» و از استادان «نیازهای تدریس» را بررسییم. قطعاً و حتماً وقتی رشته‌ای تازه تأسیس است با مشکلاتی روبه‌رو است.

من وقتی با دانشجویان رشته ادبیات پایداری صحبت کردم، احساس کردم سردرگمی حتی در مبانی آغازین، سردرگمی حتی در تعاریف و اصطلاحات، سردرگمی در کتاب‌های درسی، سردرگمی در محدوده ادبیات پایداری، سردرگمی در مصادیق ادبیات پایداری وجود دارد. اینها از مشکلاتی است که دانشجویان این رشته دارند. یعنی نمی‌دانند برای چه آمده‌اند و چه می‌خواهند و چه فایده‌ای برای جامعه دارند؟ اینها خیلی

مهم است. بنابراین، اگر شما نیازسنجی‌تان را به سمت دانشجویان سوق بدهید، حرف‌هایی خواهید شنید که تا حالا نشنیده‌اید. واقعاً مقصود رشته ادبیات پایداری این است؟ ما باید این را از کس دیگری بررسییم که هدف چه بوده است؟ چه فکر می‌کردی و چه اتفاق افتاد؟ اصلاً گروهی باید بنشینند و حد و حدود ادبیات پایداری را مشخص کنند. شما از ادبیات مقاومت یک برداشت و از ادبیات پایداری یک برداشت دارید. از ادبیات جنگ یک

این طرح، موضوعات و ابعاد آن مشخص نشده است. با توجه به احساس نیاز اندیشکده به این مسئله و نیز طرح همین دغدغه ازسوی شما، نظر و پیشنهاد حضرت‌عالی در این باره چیست؟

ازنظر من، نیازسنجی ربط مستقیم با مخاطب و همچنین ربط مستقیم با هدف تأسیس اندیشکده و مراکز علمی دارد که برای این موضوع تعریف شده‌اند. بنابراین، وقتی

شما می‌خواهید نیازسنجی کنید، اول باید مخاطب‌شناسی کنید و بدانید مخاطب شما در حوزه ادبیات پایداری کیست؟

اگر مخاطب شما دانشجویان‌اند، باید سراغ دانشجویان برویم و از دانشجویان بررسییم که شما در حوزه فهم ادبیات پایداری و کار در این حوزه به چه چیزهایی نیاز دارید؟ این نیازها ممکن است نیازهای علمی بسیار بنیادی و یا نیازهای سطحی باشند که با سرعت بشود آنها را رفع کرد.

اگر مخاطب ما استادان دانشگاه‌اند، باید سراغ آنها رفت و اگر علاقه‌مندان به حوزه ادبیات پایداری‌اند، نیاز آنها ممکن است

متفاوت شود. بنابراین، پیوندی بین نیازسنجی و مخاطب، و پیوندی بین مخاطب و هدف وجود دارد و باید این سه رکن را در نیازسنجی در نظر داشت. باید مشخص شود هدف من از تحقیق در ادبیات پایداری چیست؟ اصلاً ادبیات پایداری چیست و فهم شما از آن چگونه است؟ اینها را باید تبیین کرد و توضیح داد. ممکن است که شما به این نتیجه برسید که فقط در حوزه دانشگاه کار کنید و ادبیات پایداری را در حوزه دانشگاه

توسعه علم در هر حوزه‌ای

نیازمند این است که

پشتوانه‌های پژوهشی

برای آن تعیین شود و قدرتی

که پژوهش به علم عطا می‌کند

انکارناپذیر است. اگر بناست

در حوزه ادبیات پایداری هم

صاحب جایگاهی باشیم

و ادبیات پایداری بتواند خود را

در سطوح دانشگاهی و

فرادانشگاهی در سطوح ملی

و بین‌المللی مطرح کند،

باید درباره ادبیات پایداری

تحقیق کنیم.

در حوزه ادبیات پایداری چاپ کرده‌ایم؟ همه اینها با هم ارتباط دارند. ممکن است کسی در مورد ادبیات پایداری به قصه‌گویی و داستان‌نویسی بپردازد، دیگری در این باره شعر بگوید و یکی تحقیق کند. پیوند اینها با یکدیگر کجاست؟ هر کس دارد کار خودش را انجام می‌دهد. علت این است که ما هدف‌گذاری‌های دقیق نکردیم. تأسیس مراکز علمی و پژوهشی اختصاصاً برای این موضوع امر مبارکی است، اما اگر قرار است دانشکده، پژوهشکده، اندیشکده یا نهاد علمی را فعال کنیم مستلزم این است که نقشه راه هم معلوم باشد. نقشه راه را خوب طراحی کنیم و در آنجا لحظه به لحظه، گام به گام معلوم شود چه قدمی برداشتیم و این قدم چه هدفی و چه فایده‌ای داشت و ما را به چه نزدیک کرد. اگر این کار را نکنیم آب در هاون کوبیده‌ایم و چهارصد سال بعد هم به نتیجه‌ای نخواهیم رسید، چه برسد به چهل سال بعد.

● اینک فرمودید در اجرای طرح نیازسنجی لازم است کسانی که جامعه‌شناسی و رشته‌های دیگر خوانده‌اند وارد میدان شوند، علت طرح این نکته خلأ و نیازی است که در حوزه روش تحقیق در رشته ادبیات وجود دارد؟ شاید به زعم بعضی، رشته ادبیات اصلاً نیازی به روش تحقیق ندارد.

اشتباه محض است. متدولوژی یا روش‌شناسی تحقیق داریم که امری عمومی است و همه دانشجویان باید آن را بلد باشند. به یاد دارم در دوران دانشجویی آقای دکتر خوانساری جزوه‌ای تحت عنوان متدولوژی را به ما درس می‌داد. او از گروه فلسفه بود و دو واحد متدولوژی و دو واحد منطق به ما درس می‌داد. آقای دکتر داوری دو

برداشت و از ادبیات دفاع مقدس یک برداشت دارید. گمان نمی‌کنم برای دانشجوی رشته ادبیات پایداری روشن باشد؛ همان طور که برای استاد او مشخص نیست. همچنان که بین خودمان هم ممکن است اختلاف نظر داشته باشیم که قطعاً هم داریم. بنابراین، در نیازسنجی بین هدف، مخاطب و نیاز ارتباط منطقی وجود دارد. این است که هدف‌گذاران باید بگویند که ما چه می‌خواهیم و بعد مخاطبان چه نیازهایی دارند و بعد نیازهایشان را شما سفارش بدهید که رفع کنند.

بعضی از این نیازها مانند کمبود منابع درسی علمی است و ممکن است بعضی هم غیرعلمی باشند. بهترین کسانی که می‌توانند برای ما نیازسنجی کنند، خود دانشجویان رشته ادبیات پایداری هستند.

آنها در کنار یک دانشجوی فارغ‌التحصیل در جامعه‌شناسی می‌توانند به میدان تحقیق وارد و کار شسته‌رفته‌ای انجام بدهند. به نظر من همه دست‌اندرکاران ادبیات پایداری باید تا تعیین مراتب نیاز متوقف بشوند تا کارهای موازی انجام نشود؛ شاخه به شاخه نپریم، کارهای بلا تکلیف نکنیم، سفارش‌های بیهوده و ناکارآمد ندهیم. اینها را باید تعریف

و چارچوب آن را مشخص کنیم و براساس آن چارچوب و نقشه راه جلو برویم. یکی از کارهای خیلی خوب نقشه راه ادبیات پایداری است؛ ما الان کجای این نقشه ایستاده‌ایم؛ کجا می‌خواهیم برویم؛ مسیرمان را باید به چه شکلی تعریف بکنیم؛ باید به چه شکل ادامه بدهیم؛ از چه وسایلی باید استفاده کنیم؛ چه کسانی را همراه کنیم؛ اینها الزامات سفر هدمند است. ما الان ۴۳ سال است که از ادبیات پایداری حرف می‌زنیم، اما واقعاً چند اثر شاخص گره‌گشای مفید

وقتی شما می‌خواهید نیازسنجی کنید، اول باید مخاطب‌شناسی کنید و بدانید مخاطب شما در حوزه ادبیات پایداری کیست؟ اگر مخاطب شما دانشجویان اند، باید سراغ دانشجویان برویم و از دانشجویان بپرسیم که شما در حوزه فهم ادبیات پایداری و کار در حوزه ادبیات پایداری به چه چیزهایی نیاز دارید؟ این نیازها ممکن است نیازهای علمی بسیار بنیادی و یا نیازهای سطحی باشند که با سرعت بشود آنها را رفع کرد.

به نظر شما این اندیشکده در مسئله‌مندی و سامان‌دهی پژوهش‌های حوزه ادبیات پایدار به‌ویژه از منظر مباحث نظری و اندیشگی و سیاست‌گذاری چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

همه رشته‌های علمی به مراکز پژوهشی پشتیبان نیاز دارند. این یک امر مهم است. همه رشته‌ها نیاز به پژوهش و تحقیق دارند. در دانشگاه‌ها معمولاً آموزش و پژوهش توأمان صورت می‌گیرد. در بعضی از رشته‌های خاص به لحاظ اهمیتشان پشتیبان‌های خارج از دانشگاه هم دارند. الان در کشور ما، برای طرح‌های کلان، فرهنگستان‌های متعدد داریم. کار فرهنگستان‌ها حمایت و پشتیبانی از موضوعاتی است که در شاخه‌های علمی مطرح می‌شود؛ مثلاً فرهنگستان هنر قاعدتاً باید پشتیبان رشته‌های هنری و فرهنگستان علوم باید پشتیبان شاخه‌های علمی باشد. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی هم باید پشتیبان همه مباحثی باشد که امروز با آن روبه‌رو هستیم.

به نظر من، طراحی اندیشکده ادبیات پایدار به‌عنوان تشکیلاتی مستقل، متمرکز و متخصص، اتفاق مناسب

و دقیقی است که البته خیلی دیرنگام است. همان‌طور که اشاره فرمودید این مجموعه به‌تازگی فعالیت خود را آغاز کرده و زمان زیادی نگذشته که ما بتوانیم فعالیت این مرکز را تحلیل و ارزیابی کنیم. این تحلیل مستلزم این است که شاهد خروجی‌های اندیشکده باشیم و ببینیم که چه خروجی‌هایی را به جامعه علمی و نیازمند تحقیق عرضه می‌کند. بنابراین، الان قضاوت درباره آن زود است، اما درباره

واحد فلسفه عمومی به ما درس می‌داد. اینها را بعد از رشته ما حذف کردند، درحالی‌که این مباحث به نظام‌مند کردن ذهن دانشجوی رشته ادبیات خیلی کمک می‌کند تا منطقی فکر کند، منطقی بنویسد، منطقی پاسخ بدهد و روشمند تحقیق کند. بعدها، درس منبع‌شناسی و روش تحقیق را جایگزین کردند که منبع‌شناسی غلبه پیدا کرد و رفته‌رفته کمتر به روش تحقیق پرداخته شد.

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که رشته زبان و ادبیات فارسی نیازمند روش تحقیق نیست. این حرف از بنیان غلط است. مگر می‌شود یک شاخه علمی، روش تحقیق نداشته باشد؟ اما در بحث نیازسنجی، منظور من این بود که نیازها به یک متخصص تحقیق اجتماعی هم منتقل شود تا در کنار هم بتوانند به سمت وسوی شناخت نیازها و رفع نیازها بپردازند. هرکدام تخصصی دارند. این تخصص می‌تواند در شناخت نیازها باشد، آن می‌تواند تخصصش در سامان‌دهی به نیازها و رفع نیازها باشد. به نظر من، این نیازسنجی باید به شکل یک تحقیق میدانی گسترده، هدفمند، کاملاً طراحی شده و به روش دقیق علمی در سطح دانشگاه‌های کشور صورت

بگیرد و بعد بتوانیم از تحلیل نهایی به نتایجی برسیم که آن نتایج به ما کمک می‌کند که چه بکنیم که ادبیات پایدار قوام و دوام یابد.

● کمی از بحث اصلی فاصله گرفتیم. در ادامه بخش اول گفت‌وگو و با توجه به تأسیس و شکل‌گیری اندیشکده ادبیات پایدار،

اگر قرار است دانشکده، پژوهشکده، اندیشکده یا نهاد علمی را فعال کنیم مستلزم این است که نقشه راه هم معلوم باشد. نقشه راه را خوب طراحی کنیم و در آنجا لحظه‌به‌لحظه، گام‌به‌گام معلوم شود چه قدمی برداشتیم و این قدم چه هدفی و چه فایده‌ای داشت و ما را به چه نزدیک کرد. اگر این کار را نکنیم آب در هاون کوبیده‌ایم و چهارصد سال بعد هم به نتیجه‌ای نخواهیم رسید، چه برسد چهل سال بعد.

آن پیدا شود. اندیشکده می‌خواهد نظارت کند و این اتفاق خوبی است، ولی انصافاً همه‌مان در حق ادبیات‌پایداری ظلم کردیم. ما در زمینه قصه، رمان، داستان و شعر شاید موفق‌تریم، اما در زمینه تحقیق واقعاً ضعیفیم. در زمینه نقد شعر و داستان کتاب‌هایی منتشر می‌شود و کسانی کار می‌کنند. چند نفری در حوزه شعر و داستان‌پایداری مطرح‌اند، ولی محصولات ما خلاق نیست، یعنی محصولات

مبتنی بر کشفیات و تحقیقات علمی نیست. ما در این زمینه کمبود داریم و در این چهل و سه سال گه‌گاه کسانی تحقیقات شخصی یا پایان‌نامه‌ها را به سمت تحقیق برده‌اند و کارهایی انجام شده، ولی اصلاً برای این موضوع با این گستردگی کافی نیست. اگر موضوع گسترده ادبیات‌پایداری را فقط به دوره انقلاب اسلامی اختصاص دهید و بخواهید آن را در سطح ملی و بین‌المللی مطرح کنید، ماجرا خیلی متفاوت است. به‌ویژه آنکه در این زمینه آمادگی لازم و آثار منجمد تألیفی به زبان فارسی نداریم. من حتی در زمینه ادبیات مقاومت تحقیق جامع و کاملی ندیده‌ام. کارهای پراکنده‌ای ترجمه شده ولی تحقیقات ایرانی زیاد نیست. ایرانیان متأسفانه خودشان را

در زمینه قصه،
رمان، داستان و شعر شاید
موفق‌تریم، اما در زمینه تحقیق
واقعاً ضعیفیم.
در زمینه نقد شعر و داستان
کتاب‌هایی منتشر می‌شود
و کسانی کار می‌کنند.
چند نفری در حوزه شعر
و داستان‌پایداری مطرح‌اند،
ولی محصولات ما خلاق نیست،
یعنی محصولات مبتنی بر
کشفیات و تحقیقات
علمی نیست.

درگیر تحقیق نکرده‌اند. اینکه اندیشکده ادبیات‌پایداری سفارش کتاب درسی داده است، مزده خیلی خوبی است. سرفصل این کتاب‌ها اهمیت دارد و باید سرفصل‌های علمی باشد. اگر سرفصل‌ها مناسب نباشد، کتاب را هر کس بنویسد باز هم بد از آب درمی‌آید. ضمناً متخصصان را باید شناسایی کرد. کسی که در مورد ادبیات‌پایداری کتاب درسی می‌نویسد، باید قولش

تأسیس آن می‌شود گفت یک اقدام مناسب و خردمندانه است که این مرکز بتواند متولی ادبیات‌پایداری باشد. مراکز دیگری هم در سطح کشور عهده‌دار موضوعات مربوط به پایداری هستند، اما به صورت تخصصی با عنوان اندیشکده ادبیات‌پایداری، گمان می‌کنم منحصر باشد.

● یکی از اهداف اصلی تأسیس اندیشکده،

ایجاد ارتباط بین حوزه‌ها
و نهادهای فعال ادبیات
پایداری و دانشگاه و
تقویت این تعامل است.
بر اساس همین هدف و
رسالت و با توجه به کمبود
منابع درسی‌گرایش ادبیات
پایداری، اندیشکده از سال
گذشته (۱۴۰۰) در تعامل
و مذاکره با استادان این
گرایش در چندین دانشگاه
از نقاط مختلف کشور،
اقدام به سفارش نگارش
۱۴ عنوان کتاب درسی
دانشگاهی کرده است
که البته هنوز در مرحله
نگارش و تکمیل هستند و
هنوز خروجی نداریم، اما با
توجه به نقش اندیشکده

در سیاست‌گذاری این حوزه، چه راهکارهایی
برای ایجاد همکاری بهتر بین پژوهشگاه‌ها و
دانشگاه‌ها در حوزه ادبیات‌پایداری وجود دارد؟

این مزده‌هایی که شما می‌دهید و اینکه کار اندیشکده اگر همین باشد که به کار این رشته سروسامان و نظام بدهد، خوب است. خود این معلوم است نیازسنجی شده که نیاز رشته ادبیات‌پایداری این است که صاحب و متولی برای

ندارید آن رشته را درس بدهد، کتاب دیگری را درس می‌دهد. این خدمت به رشته نیست، آسیب هم می‌زند. بعد به جای اینکه به آن تخصصی نگاه کنیم و همان‌جا نگه داریم و تقویت کنیم، آن را گسترش هم داده‌ایم. چندین دانشگاه آزاد فقط یک ترم دانشجوی ادبیات پایدار می‌گرفتند و بعد هم نتوانستند از عهده‌اش بر بیایند و بعد هم دانشجویان استقبال نکردند و این خیلی بد است. رشته

ادبیات پایدار که پشته‌های مردمی، پشته‌های جنگ و دفاع مقدس و این همه خون عزیزان شهید را دارد، به جایی می‌رسد که داوطلب نداشته باشد. من نمی‌دانم الان استقبال از رشته ادبیات پایدار چقدر است و چند نفر داوطلب می‌شوند که کارشناسی ارشد ادبیات پایدار برونند؟ ما اگر خوب عمل کنیم، شمار دانشجویان این رشته هر سال باید افزایش پیدا کند. شاید اگر طبق آن برنامه و نقشه راه، فقط یک یا دو دانشگاه عهده‌دار این کار بشوند و تمام هم و غمشان را بر این کار بگذارند، بهتر باشد.

● فکر می‌کنید علت نابسامانی در پژوهش‌ها و اینکه هنوز به آن مرحله مطلوب نرسیده‌ایم چیست؟ چه موانعی وجود دارد؟

علت دو سه مسئله است. اگر بخواهم اندکی وسیع‌تر بگویم، یک مسئله‌اش این است که ما آن‌طور که باید، مسئله را درک نکردیم. این کشور هشت سال درگیر جنگ بوده و بعد از آن مراکز تحقیقاتی را راه‌اندازی کرده است. این مراکز در بخش تحقیقات نظامی عملکرد خوبی داشته، اما عملکرد مراکز تحقیقات علمی و فرهنگی

حجت باشد؛ یعنی همه با دیده احترام به او نگاه کنند و او به عنوان متخصص این حوزه مورد قبول همگان باشد. این خیلی مهم است. ممکن است وقتی که می‌خواهیم تاریخ پایدار را بنویسیم، آن را یک متخصص تاریخ بنویسد، متخصص تاریخی که حوزه کارش ادبیات پایدار بوده است. حتی استفاده از نویسندگان، عالمان و متخصصان این حوزه به نظر بهتر است. به هر حال اتفاق زیبایی است،

چون معلوم می‌شود که به نیازی رسیده‌ایم. این گام مثبتی است، ولی باید بینیم که بعد از انتشار، از این کتاب‌ها چقدر استقبال می‌شود و چه میزان بازتاب مثبت دارند. یعنی ما نمی‌خواهیم جزوه درسی طراحی کنیم، یک کتاب درسی می‌خواهیم که بعداً به آن استناد شود. بنابراین، دوباره تأکید می‌کنم نگاه من به ادبیات پایدار در شرایط فعلی نگاه تحقیقات و فعالیت‌های کور، نامنظم و نامسجم است. ما در حوزه ادبیات پایدار نظم و نظام نداریم؛ یعنی هر کسی کار خودش را می‌کند. هر کس از روی علاقه خودش کار می‌کند. اصرار بر اینکه یک نقشه راه باشد برای این است که کارهایی به جهت مختلف بلااستفاده مانده است و به درستی انجام نمی‌شود و نظارتی بر آن نیست تا سروسامان پیدا کند که ما احساس کنیم که به جلو می‌رویم.

بر آن نیست تا سروسامان پیدا کند که ما احساس کنیم که به جلو می‌رویم. کارهای خوبی هم انجام شده اما در جایگاه خودش نیست؛ یعنی در آن حلقه و زنجیره تکاملی قرار نگرفته است. مثلاً تأسیس رشته ادبیات پایدار، بدون کتاب درسی و بدون استاد متخصص، یک امر مضحک است. مثلاً شما در دانشگاه دولتی یا آزاد تأسیس رشته می‌کنید، بعد کتاب ندارید، استاد ندارید و چون استاد

دانشجو جذب کنیم. چون ادبیات کودک را جدی‌تر گرفتیم. البته این رشته یک مزیتی که دارد آن است که منابع خارجی هم به آن کمک می‌کند.

● پس به نظر شما یکی از مصادیق نیازسنجی

می‌تواند این باشد که بدانیم جامعه چقدر

به متخصص ادبیات پایداری نیاز دارد و

ازسوی دیگر، فارغ‌التحصیلان این

رشته در جامعه به لحاظ استفاده

از ظرفیت علمی آنها چه جایگاهی

دارند؟

بله. الان اگر ۴۴ دانشگاه، هرکدام

۱۰ دانشجو جذب کنند، ۴۴۰ نفر

فارغ‌التحصیل ادبیات پایداری

خواهیم داشت. عرضه را که زیاد

می‌کنید، تقاضا کم می‌شود. مگر

جامعه ایرانی چقدر به فارغ‌التحصیل

ادبیات پایداری نیاز دارد؟ ولی اگر

شما جاذبه ایجاد کنید و حداکثر ۵

دانشگاه در این رشته دانشجو جذب

کنند، می‌توانیم برای ۵۰ نفر کار تولید

کنیم. بالآخره بازار کار و اقتصاد و

موقعیت اجتماعی فارغ‌التحصیلان

این رشته هم مهم است. باید کاری

کنیم که برای متخصص ادبیات

پایداری حرمت قائل شوند. در

رشته‌های دیگر، این کارها را کردند. شما مثلاً گرایش

ویراستاری دارید، بازار کارش خوب است، قطعاً دانشجو

زیاد دارد. در این حوزه باید بدانیم آسیب‌ها کجاست.

آسیب در کتاب درسی است، آسیب در استاد است، آسیب

در بازار کار است، آسیب در بی‌ارزش کردن رشته است،

آسیب در خودمحوری استادان دانشگاه نسبت به ادبیات

پایداری است. همه این‌ها را باید آسیب‌شناسی کنیم.

چندان خوب نبوده است. پس یکی از علت‌ها این است که ما مسئله را جدی نگرفته‌ایم و آن موقع که باید در وقت خودش شروع می‌کردیم، این کار انجام نشده است.

مسئله دیگر این است که چون جدی نگرفتیم و خیلی

خوب شروع نکردیم، آن را سست کردیم و این سست نشان

دادن یک جریان علمی، ادبی، فرهنگی، هنری، بی‌میلی

و بی‌رغبتی ایجاد می‌کند. این اتفاق سبب شده است

که خیلی از افراد دارای صلاحیت

نزدیک این کار نروند و نوعی زندگی

یا بی‌میلی ایجاد شود. بنابراین، یک

گرفتاری جدی که در دانشگاه‌ها

وجود دارد این است که استادان

دانشگاه سعی می‌کنند خودشان را

درگیر مسئله دفاع مقدس و جنگ

تحمیلی و ادبیات پایداری نکنند.

این به معنای این نیست که اعتقاد

ندارند و نمی‌خواهند بلکه به معنای

این است که پشتوانه‌ای ندارند.

بنابراین، بی‌میلی‌ای که ممکن

است بعضاً در دانشگاه‌ها احساس

کنید، ریشه‌اش در همین جاست.

یعنی خودمان بد عمل کردیم. اگر

این رشته به صورت جدی تأسیس

می‌شد و حمایت‌های جدی از

این رشته می‌شد، فارغ‌التحصیلان

هم دانش‌آموختگان برجسته‌ای

می‌شدند، و جذب مراکز تحقیقاتی حوزه تخصصی

خودشان می‌شدند، قطعاً شرایطمان فرق می‌کرد. مثلاً

گرایش ادبیات کودک و نوجوان در دانشگاه‌های ایران

تقریباً تازه‌کار (کمتر از بیست سال) است و فکر می‌کنم

اولین بار این گرایش را در دانشگاه شهید بهشتی تأسیس

کردیم (دانشگاه شیراز زودتر از دانشگاه شهید بهشتی

بوده است). با این حال، توانستیم موفق عمل کنیم و

● با توجه به اینکه در طول سال، سمینارها و جشنواره‌های ارزیابی کتاب و... برگزار می‌شود، به نظر شما نقش برنامه‌هایی از این دست در جریان‌سازی چیست؟ چه راهکارهایی برای اصلاح و تقویت آنها دارید؟

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد اگر ما تعریف روشن و مشخصی از ادبیات پایدار و اهداف آن نداشته باشیم (همچنان که در کتاب‌ها و مقالات حوزه ادبیات پایدار

این‌گونه است)، صرف هزینه در این برنامه‌ها هدر خواهد رفت. چون ممکن است جشنواره ملی یا حتی بین‌المللی هم طراحی کنید و هزینه هم بشود، اما در نهایت تعدادی از افراد می‌آیند و سخنی می‌گویند و بعد هم به سراغ کارشان می‌روند و هدف این برنامه مشخص نیست. ممکن است در نهایت مجموعه مقالاتی هم چاپ بشود، اما آیا همان مجموعه مقالات سفارش‌شده متناسب با هدف است یا خیر؟ آیا هر کس هر آنچه می‌خواهد می‌تواند بنویسد، یا محور بحث‌ها و اهداف همایش مشخص و محدود است؟ چون در بعضی از همایش‌ها مثلاً ده محور معرفی می‌شود و در پایان هم اضافه

می‌کنند: محورهای دیگر. این به معنای هدفمندی نیست. هدفمند یعنی تنها دو محور برای پذیرش مقاله مشخص شود. این نشان می‌دهد که می‌دانیم چه می‌خواهیم انجام دهیم. البته من منکر تأثیر همایش‌ها، سمینارها و... نیستم، اما معتقدم اول باید آنها را هدفمند کرد؛ یعنی آن نقشه راه برای شما مشخص باشد و طبق آن به این برسید که برای اثبات توانمندی‌ها و پیشرفت‌ها، برگزاری کنگره‌ای بین‌المللی ضرورت دارد. صرف برگزاری کنگره اگر

هدفمند نباشد، قاعده‌ای ندارد. بنابراین، اگر اندیشکده هم می‌خواهد همایشی برگزار کند، باید نیازسنجی را انجام بدهد و بداند با چه هدفی و برای رفع کدام مشکل به این کار اقدام می‌کند. در این صورت، کار خوبی است و صرف هزینه در این راه هم ارزش دارد. اما اگر این کار تشریفاتی و برای تهیه گزارش باشد، ارزشی ندارد. در عرصه پژوهشگری، پژوهشگرانی اهمیت دارند که فی‌نفسه و فقط برای ادبیات پایدار، بدون سفارش، تحقیق می‌کنند و چشم‌داشتی به امتیاز برای ارتقا ندارند. کسانی که

به این حوزه علاقه دارند، چند نفر هستند و چقدر به این نوع کتاب‌ها و مقالات و همایش‌ها پایبندند و در آنها شرکت می‌کنند و یا از نتایج آن بهره می‌برند. بنابراین، به نظر من به این برنامه‌ها نمی‌توان چندان امید بست. اما اعتراضی که وجود دارد این است که مستقل از امتیازات مالی و مادی و دانشگاهی، ما چقدر محقق داریم که بر این موضوع متمرکز باشند و از روی علاقه به ادبیات پایدار، خود را وقف این کار کرده باشند؟ مثلاً اگر ۱۰ یا ۱۵ نفر بیاییم، حضور این افراد خیلی مغتنم است. همچنین، این افراد اگر به مطالعات نیازسنجی و یا گزارش‌های شما دسترسی بیابند،

می‌توانند در خط و مسیر کار شما قرار بگیرند؛ چون آنها براساس نیازسنجی‌های خودشان کار می‌کنند. در کار شخصی، امکانات محدود و نیازسنجی‌ها دم‌دستی است. اما مثلاً اگر یک مؤسسه نیازهای رشته ادبیات پایدار را اعلام کند، این فهرست کمک می‌کند تا آنها مطمئن‌تر در جهت رفع نیازها حرکت کنند. در این حالت، وقتی که پژوهشگر به این کار اختصاص می‌دهد، مفیدتر و تأثیر اجتماعی و علمی کار هم بیشتر خواهد بود.

اگر اندیشکده هم می‌خواهد همایشی برگزار کند، باید نیازسنجی را انجام بدهد و بداند با چه هدفی و برای رفع کدام مشکل به این کار اقدام می‌کند. در این صورت، کار خوبی است و صرف هزینه در این راه هم ارزش دارد.

همیشه در زمینه ادبیات پایداری گله‌مند است و حق هم با ایشان است؛ چون نسبت به عمر و حجمی که ادبیات پایداری دارد، نسبت به اتفاقاتی که در ادبیات پایداری هست، ما هنوز کار جدی در این زمینه انجام نداده‌ایم. الان تازه یادمان افتاده که فیلم‌هایی از مقاومت سربازان و فرماندهان بسازیم. تعداد محدودی فیلم درباره دفاع مقدس داریم که تعداد فیلم‌های موفق هم بسیار کم است. در حوزه موسیقی، معماری، مجسمه‌سازی و...

چه کرده‌ایم؟ در حوزه اجتماعی چه کرده‌ایم؟ آیا قرار است که تأثیر آثار این حوزه در محدوده ادبیات پایداری و دانشجویان به عنوان مخاطبان این حوزه قرار بگیرد یا تأثیرگذاری در سطح جامعه اهمیت دارد؟ تأثیرات ادبیات پایداری باید در سطح جامعه و فرهنگ جامعه باشد.

علاوه بر بحث اجتماعیات باید حتی در بحث اقتصادی مطرح شود. باید ابعاد مسئله را گسترده‌تر ببینیم.

در این باره کلان‌نگری مسئله مهمی است؛ یعنی شما در زمینه ادبیات پایداری فهرستی از بالاترین حرف‌هایی که گفته شده (به عنوان اسناد فرادستی و سیاست‌های کلان)

تا تعریف دانشجوی ادبیات پایداری از آن را در دست داشته باشید. این می‌تواند برای شما راهگشا باشد و برای رسیدن به نوک مخروط کمک کند. این از آن مفاهیمی است که از بالا به پایین باید به آن نگاه کرد. به نظرم مقام معظم رهبری راجع به این قضیه دیدگاه شفاف و روشنی دارند که می‌شود از طریق سامانه‌های موردنظر به آن دیدگاه‌ها دست یافت و آنها را برای برنامه‌ریزی‌های علمی و آموزشی مدنظر قرار داد. ■

● در آخر، با سابقه و اشراف شما در این حوزه اگر نکته‌ای باقی مانده بفرمایید. خصوصاً درباره مسئله‌شناسی و نیازهای پژوهشی در مطالعات ادب پایداری. به نظر شما با توجه به جایگاه مسئله‌شناسی در پژوهش‌های ادبیات پایداری، بایسته‌ها و مسئله‌ها چیست؟

نیاز اصلی رشته ادبیات پایداری، نیازسنجی است. نیاز اصلی این است و دومین نیاز، برنامه‌ریزی و طراحی نقشه راه و هدف‌گذاری است. این هدف‌گذاری نباید توسط یکی دو نفر صورت گیرد بلکه برای تعیین اهداف هم باید یک کار گسترده علمی انجام شود و مثلاً بر مبنای سیاست‌های کلان کشور، بیانات مقام معظم رهبری و اقداماتی که پیش‌تر صورت گرفته هدف‌گذاری شود.

از دیگر نیازها، طبقه‌بندی کردن همه آن چیزهایی است که تحت عنوان ادبیات پایداری در سخنرانی، نامه‌ها، کتاب‌ها، صحیفه نور، آثار امام خمینی، آثار و بیانات مقام معظم رهبری آمده است. اینها تکلیف نهایی را تعیین خواهند کرد.

مثلاً شما باید از کسانی بخواهید که با مراجعه به صحیفه نور، مطالب مرتبط با اهداف ادبیات پایداری را شناسایی و استخراج کنند. از این طریق مشخص می‌شود که هدف‌ها به چه شکل سیاست‌گذاری شده‌اند؟ این مسئله در ذهن امام به چه شکلی بوده است و در ذهن مقام معظم رهبری به چه شکلی است؟

اصلاً انتظار ایشان از ادبیات پایداری و از اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها و مراکز علمی این حوزه چیست؟ ایشان

اشاره

حوزه، چه راهکارهایی برای ایجاد همکاری بهتر بین پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در حوزه ادبیات پایدار وجود دارد؟

۴. با توجه به گستردگی موضوعات ادبیات پایدار، رویکردهای پژوهش را چگونه می‌بینید؟
۵. با توجه به جایگاه مسئله‌شناسی در پژوهش‌های ادبیات پایدار، بایسته‌ها و مسئله‌ها چیست؟ و این آثار تا چه اندازه علمی و مسئله‌مند است؟

۶. نظر به اینکه در طول سال، سمینارها، کنگره‌ها، جشنواره‌های ارزیابی کتاب و... برگزار می‌شود، نقش آن‌ها در جریان‌سازی چیست و چه راهکارهایی برای اصلاح و تقویت آن‌ها وجود دارد؟

۷. با توجه به پژوهش‌های انجام شده در حوزه ادبیات پایدار، این آثار تا چه اندازه در حل مسائل و تبیین وضعیت موجود کاربرد داشته است؟

۸. امکانات و موانع پیش رو در راه پژوهشگران حوزه مطالعات ادبیات پایدار چیست؟ برای رفع موانع و آسیب‌های این حوزه، چه پیشنهادات و راهکارهایی ارائه می‌دهید؟

آن چه در پی می‌آید، بررسی محتوایی گفتگوهای این بزرگواران است که با عنوان نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت پژوهش در ادبیات پایدار از منظر استادان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. هرگونه تلخیص و تغییر در متون مصاحبه به تأیید مصاحبه‌شوندگان رسیده و بر نظرگاه‌های مندرج، مهر تأیید و صحه نهاده‌اند. ■

پژوهش وجه مهمی از فعالیت‌های انسان است که توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در گسترش مرزهای معرفت و دانش داشته باشد. پیشرفت‌های جامعه بشری و یافتن راه حل مسئله‌ها و حل تضادها، حاصل پژوهش‌هاست. تحقیق یا پژوهش، جست‌وجویی نظام‌مند و روش‌مند است که در فرایند اجرای آن، پژوهشگر به صورت فعالانه و هوشمندانه در پی کشف و یا بازنگری در موضوع یا موضوعاتی مشخص و کشف روابط بین پدیده‌ها است.

پرونده ویژه این شماره اندیشه‌نامه به مطالعات و پژوهش‌های ادبی عرصه ادبیات پایدار اختصاص یافته است. به همین منظور برای دستیابی به آرا و نظرات با تعدادی از پژوهشگران، استادان، صاحب‌نظران و منتقدان این حوزه به گفتگو نشستیم. افراد مصاحبه‌شونده به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: محمدصادق بصیری، سیده زیبا بهروز، کامران پارسی‌نژاد، فرانک جهانگرد، احمد خاتمی، احمد رضی، محمود رنجبر، حامد صافی، محمدرضا صرفی، اسحاق طغیانی و کاظم کاظمی. در این گفتگوها پرسش‌های زیر مد نظر قرار گرفتند:

۱. جایگاه و نقش پژوهش در مطالعات ادبیات پایدار چیست؟

۲. ضرورت پژوهش در حوزه ادبیات پایدار چیست؟

۳. اندیشکده ادبیات پایدار چه نقشی در مسئله‌مندی و ساماندی پژوهش‌های حوزه ادبیات پایدار به‌ویژه از منظر مباحث نظری و اندیشگانی و سیاستگذاری می‌تواند داشته باشد؟ با توجه به نقش اندیشکده در سیاستگذاری این

ده نگاه پژوهش به روایت ده استاد

گفت‌وگو با ده تن از استادان و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌ها

فاطمه سنگری - لیلا باقری

دکتر محمدرضا صرفی

جایگاه و نقش پژوهش در ادبیات پایدار

باید توجه داشت که هیچ پدیده‌ای به‌خصوص در مجموعه اندیشه‌های فرهنگی و ادبی بدون پژوهش کامل نیست. ادبیات پایدار نیز از این امر مستثنا نیست. آنچه اهمیت دارد آن است که به جایگاه و نقش پژوهش در مطالعات ادبیات پایدار از دو چشم‌انداز باید نگریست: نخست از چشم‌انداز وضعیت موجود و دوم از دریچه وضعیت مطلوب و آرمانی. طبیعتاً بین این دو جنبه از مطالعه و پژوهش تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. هیچ‌گاه مطالعه و تحقیق در ادبیات پایدار به شکل نهایی و کامل خود نخواهد رسید و همیشه پژوهشگرانی پا به عرصه وجود خواهند نهاد که از چشم‌اندازی متفاوت با دیگران و با بهره‌گیری از نظریه‌های ادبی جدید، که



دکتر محمدرضا صرفی

برود، حاصل کار ما در هر دو حوزه ناقص و ناتمام خواهد ماند. پژوهش آن‌گاه ارزشمند است که کاربردی شود و آفرینش زمانی قابل اعتنا و اصیل خواهد بود که مبتنی بر مبانی و اصول هنری و زیبایی‌شناسانه قابل ادراک باشد.

ضرورت پژوهش در ادبیات پایدار

حضور وجه پایدار در تمام ژانرها و گونه‌های ادبی امری انکارناپذیر است. منتها این حضور در هریک از انواع ادبی شکلی متفاوت با حضور آن در ژانری دیگر دارد. به عنوان مثال، در ادبیات حماسی، بیشتر جنبه اغرابی و هویت‌بخشی دارد و برانگیزاننده برای اقدام به عملی خاص است. در ادبیات تعلیمی، با بیان نکته‌هایی ظریف به ارائه الگوهای اخلاقی، رفتاری و تبیین اصول و مبانی پایدار توجیه می‌شود. در ادبیات عاشقانه و غنایی، از خودگذشتگی در راه معشوق و ایثارگری را می‌آموزاند و در ادبیات عرفانی، ابواب جدیدی از جهاد را به روی آدمی می‌گشاید و با گذر از جهاد اصغر به جهاد اکبر، به پایدار در برابر خواهش‌های نفسانی و هواجس درونی می‌انجامد و با تبیین برتری قلم بر خون شهید، مسئولیتی سنگین را بر دوش مخاطب خود می‌گذارد. همچنین، این وجه ادبی در گونه‌های دیگر ادبی، به شکل دعوت انسان به اغتنام فرصت و لزوم بهره‌گیری از زیبایی‌های جهان هستی، رساندن فریاد اعتراض، بیان دلتنگی‌های آدمیان و سرگذشت مظلومان و ستم‌دیدگان نمود می‌یابد. در تمام این ژانرها، نکته‌های مبهم و ناشناخته به مراتب بیش از شناخته شده‌هاست.

نقش اندیشکده ادبیات پایدار در مسئله‌مندی

و سامان‌دهی پژوهش‌های حوزه ادبیات پایدار

فلسفه وجودی تأسیس اندیشکده‌ها، زمینه‌سازی و گشودن افق‌های جدید به روی پژوهشگران است. از این‌رو، پاره‌ای از کارهای مهم که در دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها عملاً قابل اجرا نیست، در اندیشکده‌ها

پیاپی در جهان ایجاد می‌شود، به آثار هنری و ادبیات پایدار خواهند نگریست و نکته‌هایی را در آن خواهند یافت که از نگاه دیگران مغفول مانده است. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که پژوهش‌های این حوزه مهم به شکل نهایی و آرمانی خود برسند؛ همیشه می‌توان با تغییر زاویه دید به موضوعات چندوجهی‌ای مثل موضوعات ادبیات پایدار نگریست و به نتایج جدید و مطلوبی رسید که دیگران به آنها دسترسی نداشته‌اند. پس، همیشه باب مطالعه و تحقیق در ادبیات پایدار گشوده است. با این حال، با بررسی پژوهش‌های موجود که توسط صاحب‌نظران تدوین شده است، این نکته بر ما آشکار می‌شود که در برخی از زمینه‌ها، تحقیقات با دقت فراوان و ریزبینی‌های گوناگون همراه بوده است و در برخی از زمینه‌ها جاهایی خالی وجود دارد.

باید توجه داشت که پژوهش و مطالعه در ادبیات پایدار نباید صرفاً جنبه مطالعات در زمانی و تاریخی به خود بگیرد، بلکه آنچه مهم‌تر است مطالعات هم‌زمانی و مطالعاتی است که در روزگار معاصر به امر بهبود آفرینش‌های ادبی در حوزه‌های داستان، شعر، خاطره، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و کوتاه‌نوشته‌های ادبیات پایدار منجر شود و بتواند به ما کمک کند تا آثاری با معیارهای جهانی و مورد پسند طیف وسیعی از خوانندگان به وجود آوریم. به بیان دیگر، لازم است در این حوزه خاص بین آفرینش ادبی و پژوهش ادبی نوعی تعامل به وجود آید و هریک در تکمیل دیگری مؤثر واقع شوند. پژوهشگران با تبیین فضای حاکم بر آثار ادبی، به تدوین الگوهای آفرینش ادبی بپردازند و زمینه تبدیل درون‌مایه‌های واقعی را به دست‌مایه‌هایی برای آفرینش‌های ادبی فراهم کنند و نویسندگان آثار ادبی با توجه به نظریه‌پردازی‌های دقیقی که توسط پژوهشگران صورت می‌گیرد، به بازنگری آثار خود بپردازند و نقاط قوت خود را تقویت کرده و نقاط ضعف خود را اصلاح کنند. در غیر این صورت، اگر قرار باشد پژوهش به راه خود برود و آفرینش به راه دیگری

بین‌رشته‌ای به منظور بهره‌گیری از روش و متد سایر رشته‌ها یا استفاده از یافته‌های دیگران برای ارتقای پژوهش و آفرینش در ادبیات پایدار و از همه مهم‌تر، تلاش برای نظریه‌پردازی و ارائه آفرینش‌ها و پژوهش‌های عمیق و مورد نیاز جامعه ازجمله راهکارهایی است که لازم است در اندیشکده به آنها توجه و اهتمام بیشتری شود.

رویکردهای پژوهش

در مطالعات ادب پایدار

ادبیات پایدار یکی از زیرمجموعه‌های خانواده بزرگ ادبیات و هنرهای کلامی است. ازاین‌رو، از تمامی رویکردهای مطرح در نقد ادبی برای تحلیل و بررسی این نوع آثار می‌توان بهره گرفت. باین‌همه، در عمل، میزان بهره‌گیری از نظریه‌ها و رویکردها محدود به چند نوع ساده و سهل‌الوصول شده است و توجه پژوهشگران غالباً به تحلیل مضمونی و محتوایی ادبیات پایدار جلب شده است. شاید دلیل اصلی این امر آن باشد که به‌تدریج و در طول زمان، کلیشه‌هایی ایجاد شده و این کلیشه‌ها به‌راحتی بر گونه‌های

مختلف آثاری که با رویکرد ادبیات پایدار آفریده شده‌اند قابل انطباق است. ازاین‌جهت، به‌نظر می‌رسد باید با تأمل و تفکر دقیق‌تر در ابعاد گوناگون نظریه‌ها، آنها را با ادبیات پایدار همسو کرد و در زمینه تحلیل آثار ادب پایدار مورد استفاده قرار داد. درحال حاضر، رویکردهای پژوهشی نسبت به موضوعات موجود در ادبیات پایدار از تنوع چندانی برخوردار نیستند. ما می‌توانیم

می‌توان پیرامون آنها برنامه‌ریزی کرد و به اجرای آنها پرداخت. اندیشکده‌ها طبیعتاً توان آن را دارند که با بهره‌گیری از اعضای پاره‌وقت، و با استفاده از فضاهای مجازی و رسانه‌هایی که در اختیار دارند، زمینه همکاری گروه بسیاری از متخصصان را در حوزه فعالیت خویش را فراهم آورند و از آنجا که همه چیز را همگان دانند، همکاری همگان سبب دستیابی به نتایج عالی خواهد شد. هر

پژوهشگر با توجه به زمینه تخصصی و دانش خاص خود، مسائل و موضوعاتی را برای تحقیق و مطالعه برمی‌گزیند و به پژوهش‌های خویش سامان می‌بخشد. این تحقیقات گاه به‌علت جزئی‌نگری بیش از حد، به یکی از دو سوی افراط یا تفریط فرومی‌غلطد. ازاین‌جهت، در اندیشکده‌ها با توجه به برنامه‌های بالادستی و با توجه به احاطه‌ای که بر پژوهش‌های انجام‌شده وجود دارد، می‌توان افق‌های جدیدی را ترسیم کرد و پژوهشگران را برای انجام پژوهش‌های عمیق و اصیل در آن افق‌ها هدایت و حمایت کرد.

ایجاد همکاری بین اندیشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در وهله اول نیازمند ایجاد فضای همکاری

مشترک و نشان دادن دغدغه‌های مشترک بین این مراکز است. لذا به‌نظر می‌رسد برگزاری نشست‌های تخصصی، به اقتراح گذاشتن موضوعات مورد نیاز، معرفی تازه‌های نشر و تحلیل و بررسی آنها، طرح پرسش و درخواست پاسخ از متخصصانی که در دانشگاه‌ها یا مراکز مختلف پژوهشی در سراسر کشور پراکنده‌اند، همگام کردن سلايق گوناگون، ایجاد زمینه‌های مطالعات

پژوهش و مطالعه

در ادبیات پایدار نباید

صرفاً جنبه مطالعات در زمانی

و تاریخی به خود بگیرد،

بلکه آنچه مهم‌تر است

مطالعات هم‌زمانی و مطالعاتی

است که در روزگار معاصر

به امر بهبود آفرینش‌های ادبی

در حوزه‌های داستان، شعر،

خاطره، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه

و کوتاه‌نوشته‌های ادبیات

پایدار منجر شود و

بتواند به ما کمک کند

تا آثاری با معیارهای جهانی و

مورد پسند طیف وسیعی از

خوانندگان به وجود آوریم.

پایداری- هم در حوزهٔ آفرینش و هم در حوزهٔ پژوهش- گروهی محدود هستند؛ یعنی ما برای خود می‌نویسیم و خود می‌خوانیم و خود از آنها استفاده می‌کنیم. آثار ما به فرهنگ‌های دیگر راه ندارند و به‌ندرت مخاطب جهانی پیدا می‌کنند. از این لحاظ یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها، که پیرامون آن مسائل جزئی متعددی مطرح می‌شود، آن است که چگونه می‌توان برای این همه آثار ارزشمند مخاطبان

جهانی دست‌وپا کرد و چگونه می‌توان توجه پژوهشگران عرصه‌های مختلف آثار ادبی را به اهمیت و ضرورت پژوهش در آثار ادبیات پایداری جلب کرد؟ امروزه بسیاری از صاحب‌نظران بنا به دلایل گوناگون از ورود در عرصهٔ مطالعاتی ادبیات پایداری اجتناب می‌کنند. دلیل این امر آن است که آنان کمتر وارد این عرصه شده‌اند و عظمت‌های آن را نشناخته‌اند. بسیاری از شاهکارهای جهانی ادبیات، پیرامون مسائل جنگ، دفاع و پایداری ملت‌ها شکل گرفته است؛ اما در کشور ما شاید به‌سبب وجود فضاهای نیمه‌روشنفکرانه و سیاست‌زدگی برخی از منتقدان و صاحب‌نظران، ورود در عرصهٔ ادبیات پایداری منحصر به گروه‌های خاصی شده است و این گروه‌ها بدون آنکه

مهارت لازم را کسب کرده باشند، به تولید بی‌کیفیت و کم‌اهمیت آثار متعدد اقدام می‌کنند و به این ترتیب، به جای آنکه در ترویج ادبیات پایداری و فرهنگ عمیق آن مفید و مؤثر باشند، زبان‌رسان و دفع‌کننده می‌شوند.

نقش کنگره‌ها و همایش‌ها در جریان‌سازی

یکی از اهداف مهم در برگزاری همایش‌ها آن است که

با استفاده از رویکردهای شناخته‌شده، ادبیات پایداری را از دیدگاه‌های مختلف زبانی، فرمی، محتوایی، ژانری، وابستگی به مکاتب ادبی و زیبایی‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم؛ اما مقدم بر همه لازم است در تمامی این رویکردها تغییراتی ایجاد شود و متناسب با اهداف و زمینه‌های ادبیات پایداری، بازنگری لازم در آنها صورت پذیرد.

جایگاه مسئله‌شناسی

در پژوهش‌های ادبیات پایداری

پژوهش‌های انجام‌شده در ادبیات پایداری در دسته‌های گوناگون جای می‌گیرند. برخی از پژوهش‌ها بسیار عمیق، علمی، مسئله‌محور و کاربردی هستند و برخی دیگر از پژوهش‌ها بسیار بی‌ربط، شعاری، برای رفع تکلیف و گرفتن امتیاز و یا ارائهٔ آمار تهیه شده‌اند. بین این دو طیف، تحقیقات دیگری وجود دارد که از لحاظ کُتی و کیفی یکسان نیستند. بنابراین، در کنار پژوهش‌های مسئله‌محور، که روشمند و علمی هستند، پژوهش‌های کم‌اهمیت قرار دارند.

بسیاری از پژوهشگران حوزهٔ ادبیات پایداری گونه‌های مختلف

پژوهش را نمی‌شناسند و احیاناً تصور درستی از مسئله و موضوع ندارند و این دو را به جای هم به‌کار می‌برند. این امر یکی از آسیب‌های مهم در حوزهٔ ادبیات پایداری است و ضربه‌های متعددی بر پیکرهٔ آن فرود می‌آورد.

یکی از مسائل مهم و بایسته در ادبیات پایداری آن است که تلاش شود این آثار برای مخاطبانی با طیف‌های وسیع نوشته شود. در حال حاضر، گوینده و شنوندهٔ ادبیات

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حاشیه همایش‌ها نیز موضوعی بسیار مهم و تأثیرگذار است که غالباً از آن غفلت می‌شود.

ادبیات پایداری از موضوعات مستحدث و جدید در قلمرو ادبیات فارسی و ادبیات جهانی به‌شمار می‌آید. به همین سبب، به نظر می‌رسد پژوهش‌های انجام‌شده در عرصه ادب پایداری در قلمرو زبان و ادبیات فارسی، جوان و کم‌سابقه است و تا رسیدن به وضعیت آرمانی و مطلوب فاصله‌ای طولانی دارد؛ لذا نمی‌توان انتظار داشت که این پژوهش‌ها به تمام نیازها و مسائل روز پاسخ لازم، کامل و قانع‌کننده بدهند. هرچه بر عمر پژوهش‌های این حوزه افزوده می‌شود، چشم‌اندازهای جدیدی به روی موضوع باز می‌شود و مسائل جدیدی در افق دید صاحب‌نظران قرار می‌گیرد و جریان مطالعاتی ادبیات پایداری کامل‌تر می‌شود. این قانون کلی و حاکم بر تمام پژوهش‌ها در همه زمینه‌هاست و طبیعی است که با گذر زمان و افزوده شدن بر عمر مطالعات مرتبط با ادبیات پایداری، زمینه‌های فهم دقیق‌تر مسائل اساسی و تفکیک آنها از موضوعات غیرضروری بیشتر فراهم می‌شود. استمرار در انجام پژوهش و تحقیق و بازنگری مداوم در حاصل پژوهش‌ها به تدریج زمینه تکمیل موضوع را فراهم خواهد ساخت و بر غنای پژوهش‌ها افزوده خواهد شد و با درک وضعیت موجود، امکان ترسیم نقشه راه برای رسیدن به وضعیت مطلوب فراهم خواهد شد.

امکانات و موانع پیش روی پژوهشگران

سرزمین ایران به سبب موقعیت خاص خود در جهان و به علت برخورداری از ثروت‌های خدادادی متنوع و بسیار زیاد، پیوسته مورد هجوم بیگانگان و عرصه تاخت‌وتاز ستمگران و خیانت‌کاران داخلی بوده است. ازاین‌رو، سرزمین ما بهشت مقاومت و پایداری است. ازیک سو، آموزه‌های دینی و الگوهای مذهبی مشوق ایرانیان در امر پایداری بوده است و ازسوی دیگر، خلق و خو و ویژگی‌های

پژوهشگران مختلف با دیدگاه‌ها و سلیق گوناگون، که در ارتباط با موضوع محوری همایش و سمینار مشغول فعالیت هستند، در یک‌جا جمع شوند و با به اشتراک گذاشتن نتایج پژوهش‌های خویش، از یافته‌های دیگر پژوهشگران نیز بهره‌مند شوند و با ایجاد فضای نگرش بین‌الذهانی هریک از محققان به تعامل با یکدیگر بپردازند و با استفاده از تجربه دیگران به اصلاح یا تکمیل تجربه و دانش خویش توفیق یابند.

در بسیاری از سمینارهایی که برگزار می‌شود، برای شرکت صاحب‌نظران سیاست‌های تشویقی در نظر گرفته نمی‌شود. ازاین‌رو، بخش عمده‌ای از صاحبان مقالات را نویسندگانی تشکیل می‌دهند که در آغاز راه هستند و یا از علم و اندیشه عمیق و همه‌جانبه درباره موضوع همایش برخوردار نیستند. بهتر است در هر همایشی به تعدادی از پژوهشگران برتر، که قابلیت‌های خود را به اثبات رسانده‌اند، سفارش مقاله داده شود و با حمایت مادی و معنوی از آنها، زمینه لازم فراهم آید تا پژوهشگران جوان بتوانند با گفت‌وگو با آنها به اصلاح یا تکمیل دانش خود اقدام کنند. ازسوی دیگر، بسیاری از همایش‌ها حوزه موضوعی بسیار وسیعی را برای خود برمی‌گزینند و هر نوع مقاله‌ای، با هر نوع نگاهی، به این همایش‌ها راه می‌یابد و همایش به صورت جنگ در می‌آید. بهتر است برگزارکنندگان همایش‌ها نسبت به انتخاب موضوع سخت‌گیرانه‌تر عمل کنند و همایش‌ها را تخصصی، عمیق و مسئله‌محور برگزار کنند. نکته دیگر آنکه میزان موفقیت سمینارها به برگزارکنندگان آنها و نوع داوری مقالات و ترکیب هیئت علمی همایش‌ها بستگی تام دارد. صرف دقت و وقت در این امر سبب خواهد شد پژوهش‌های ارائه‌شده در همایش‌ها، عمیق‌تر و غنی‌تر شوند. یکی دیگر از معایب مهم همایش‌ها و سمینارها و جشنواره‌ها این است که بلافاصله بعد از پایان همایش، پژوهش‌های انجام‌شده به بایگانی سپرده می‌شوند و مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار نمی‌گیرند و جنبه کاربردی پیدانمی‌کنند.

اهمیت دارد، کثرت کارهاست و غالباً در آمارهای خود از ده‌ها اثر کم‌ارزش نام می‌برند و کمیت را بر کیفیت ترجیح می‌دهند.

در حوزه پژوهش نیز بخش مهمی از پژوهش‌ها عنوانی شبیه به: «بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر یا داستان...» دارند و مؤلفه‌های مورد نظرشان به چند عنوان کلی مثل: وطن‌پرستی، شهادت، تجلیل از قهرمانان، اعتراض، ظلم‌ستیزی، جوانمردی، ایثار و... محدود می‌شود. در این پژوهش‌ها با توجه به جامعه آماری پژوهش، فقط شواهد تغییر می‌کنند و مطالب یکسان باقی می‌مانند. بخش عمده‌ای از مسائل اساسی و مورد نیاز نادیده گرفته شده و پژوهش‌های انجام شده در مورد آنها بسیار محدود است.

دکتر اسحاق طغیانی

حجم گسترده

تولید و ضرورت پژوهش

ادبیات پایداری نوعی از ادبیات است که در شرایط وجود عواملی مثل استبداد داخلی، تجاوز نظامی و در سطح دیگر، تهاجم فرهنگی به وجود می‌آید که درون مایه آن، ایستادگی، مقاومت و پایداری در برابر

عوامل متجاوز و یا کسانی است که آگاهانه یا ناخودآگاه در جهت ترویج تفکر و منافع دشمن تلاش می‌کنند. در حوزه دین و عرفان اسلامی هم مقاومت و مبارزه در برابر نفس و نفسانیت جایگاه خاص خود را دارد. ادبیات فارسی از دیرباز جایگاه مفاهیم پایداری بوده است؛ به این معنا که شاعران و نویسندگان ضمن آگاهی دادن به مخاطب از آن چیزی که حق هست و باید باشد و در واقع نیست، در آثارشان

خاص مردم این سرزمین آنها را سخت‌کوش، مبارز، فهیم و با فرهنگ بازآورده است. به علاوه، مردم ایران به تجربه دریافته‌اند که بهترین راه رهایی از هجوم بیگانگان و رسیدن به آرامش نهایی، راه مبارزه و از خودگذشتگی است. براین اساس، در فرهنگ ایرانی، پایداری و مقاومت نهادینه شده و نمونه‌های قابل توجهی در طول تاریخ و در آثار ادبی ما به وجود آورده است. بنابراین، مهم‌ترین

زمینه، پرداختن به این جنبه‌هاست و بخش عمده‌ای از امکان مطالعه در ادبیات پایداری را باید در همین امر و موضوع کلیدی جست.

درعین حال، این حوزه با موانع و آسیب‌های متعددی نیز مواجه است. گروهی از نویسندگان و پژوهشگران تصور می‌کنند که تقدس دفاع و پایداری به تقدس آنان نیز می‌انجامد و مانند مفاهیمی مثل دفاع، جهاد، شهادت، آزادگی، وطن، دین‌داری و... مقدس هستند؛ پس، هرکسی هم در این حوزه‌ها مطلبی بنویسد، نوشته‌اش مقدس است و نباید از آن ایرادی گرفت. مغالطه تقدس موضوع و تعمیم آن به مدعیان و نویسندگان این حوزه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این حوزه است که باب انتقاد را بر روی ادبیات

پایداری می‌بندد. یکی دیگر از آسیب‌های ادبیات پایداری، به تعدد نویسندگان جوان و بی تجربه مربوط می‌شود که بدون کسب مهارت‌های نویسندگی، به بیان احساسی و سطحی مطالب می‌پردازند و نوشته‌هایشان جنبه شعاری و گزاشی به خود می‌گیرد و فاقد جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و عمیق است. دخالت مسئولان دولتی نیز یکی دیگر از آسیب‌های ادبیات پایداری است، زیرا برای آنچه برای آنها

ادبیات پایداری، که امیدواریم در برابر جریان‌های مسموم پایدار و مقاوم باشد، به عنوان یک سازمان نظم‌دهنده و خط‌دهنده می‌تواند نقش مهمی در سامان‌دهی و ایجاد زمینه‌های مناسب پژوهشی در مورد این آثار داشته باشد و همچنین در هدایت تحقیقات ادبیات پایداری، نظام بخشیدن به مسائل مربوط به آن و پیشگیری از تکرارهایی که ممکن است به وجود آید و جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و حتی انحرافات احتمالی این عرصه نقش محوری خود را ایفا کند، و با شناسایی و ارتباط گرفتن با محققان متعهد و توانا در دانشگاه‌ها و خارج از آن به رونق پژوهش در این حوزه به خصوص از جهت کیفی کمک کند.

نیاز به کار تخصصی

در شاخه‌های ادبیات پایداری

از آنجاکه بازتاب ادبیات پایداری در آثار ادبی ایران و جهان بسیار گسترده است، باید در این باره حوزه‌های تخصصی ایجاد شود. مثلاً در حوزه ادبیات کلاسیک می‌توانیم از افراد متخصص این حوزه بهره‌گیریم و در زمینه‌های دیگر نیز مانند ادبیات حماسی (به‌ویژه شاهنامه فردوسی که آثار بسیار زیادی به تقلید از آن به وجود آمده است و بخشی از آنها را مرحوم دکتر صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران آورده است)، ادبیات معاصر، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات مشروطه، ادبیات مربوط به وصیت‌نامه شهدا، خاطرات دوران دفاع مقدس و ادبیات پایداری در منطقه و جهان اسلام، حتی در اروپا، شرق، آمریکای لاتین و ادبیات مقاومت در آفریقا قابل بررسی است. تخصصی کردن کار در حوزه تحقیق و پژوهش به

به صورت آشکار و پنهان، تعهد و احساس مسئولیت خود را به نمایش گذاشته‌اند. البته این نوع ادبیات را در بسیاری از آثار ادبی جهان نیز می‌توان دید، اما در ادبیات فارسی پررنگ‌تر و گسترده‌تر دیده می‌شود. براین اساس، ادبیات پایداری جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های پژوهش و تحقیقات ادبی پیدا می‌کند؛ به خصوص در دوره‌های معاصر که بر این موضوع تمرکز بیشتری شده است. علت این تمرکز،

مواجهه ما با تهجمات سیاسی، نظامی و همچنین تهاجم فرهنگی گسترده‌ای است که از دوره‌های قبل از طرف عوامل خارجی و داخلی دشمن نسبت به عقاید و باورهای دینی و انقلابی ما و جهان اسلام- که ما نسبت به آن بی تفاوت نیستیم- و حتی ملیت ما شروع شده بود. در برخی از مقاطع هم این تهاجم شدت گرفته است و البته همچنان ادامه دارد. بنابراین، در ارتباط با این مسائل، که هرکدام از آنها زمینه بحث‌های دامنه‌داری را فراهم کرده، آثار ادبی فراوانی تولید شده است به طوری که گفته می‌شود فقط در دهه‌های اخیر، در حدود بیست هزار اثر ادبی در این باره چاپ شده است. از این رو، تولید انبوه این قبیل آثار که غالباً از بن‌مایه‌های مفاهیم پایداری

و مقاومت سرشار است، ضرورت بررسی و پژوهش در این حوزه گسترده را ایجاد می‌کند.

در این ارتباط، در حال حاضر و در جهان معاصر ما، این اندیشکده‌ها هستند که در بسیاری از ساحت‌ها خطوط اصلی و راهبردهای سرنوشت‌ساز را تعیین می‌کنند و در جهت تحقیق و حتی تعدیل برخی از سیاست‌های مربوط نقش اساسی برعهده دارند. از این جهت اندیشکده نوآیین



دکتر اسحاق طغیانی

انسانی و ملی را در نظر بگیریم، می‌توانیم بسیاری از آسیب‌های این قبیل همایش‌ها را برطرف کنیم.

هیچ کاری بدون مانع و مسئله نیست

در هر کاری موانعی وجود دارد، موانعی که در جریان این کار ممکن است وجود داشته باشد عبارت از قبول نداشتن ادبیات‌پایداری از سوی برخی از افراد، مشکلات مالی در انجام کارهای پژوهشی، کمبود و یا حتی نبود نیروهای متعهد برای انجام کار در این حوزه و توجیه نبودن برخی از پژوهشگران نسبت به موضوعات مربوط است. از دیگر موانع این است که در دانشگاه‌های دارای رشته ادبیات‌پایداری، هنوز این رشته برای مسئول مربوطه جا نیفتاده است یا حتی ممکن است در برابر آن مقاومت کند. این مشکل معمولاً به جذب نیروهای متعهد برمی‌گردد که متأسفانه در سال‌های اخیر در دانشگاه‌ها از آن غافل شده‌ایم.

یکی از مواردی که پیش از ورود به پژوهش درباره ادبیات‌پایداری به تحقیق و پژوهش وسیعی نیاز دارد ارائه تعریف درستی از ادبیات‌پایداری است. تعریف و معرفی ادبیات‌پایداری می‌تواند در قالب تشکیل کلاس‌ها، برگزاری سمینارها و نگارش مقالات باشد. علاوه بر این، باید معرفی ادبیات‌پایداری به شکل‌های مختلف و به صورت‌هایی که در سطح جهان تبیین شده است صورت پذیرد. همچنین، علاوه بر تعریف آن، بدانیم موضوع این نوع ادبی چیست؟ انسان است؟ تاریخ است؟ مردم است؟ یا چیز دیگر؟ البته این برمی‌گردد به اینکه تعریف درستی از ادبیات و موضوع آن داشته باشیم. و در نهایت بدانیم ادبیات و نوع پایداری آن چه فایده و منفعتی می‌تواند داشته باشد.

دکتر کاظم کاظمی

دو رویکرد اصلی در پژوهش‌های ادب‌پایداری

ورود من به ادبیات از منظر جامعه‌شناسی و بینارشته‌ای

افزایش کیفیت تولید آثار کمک می‌کند و از این جهت، تولید مقالات و کتاب‌های تخصصی از این حیث برای معرفی و تحقیق در ادبیات‌پایداری مورد نیاز است.

نقش همایش‌ها، کنگره‌ها و جشنواره‌ها

همایش‌ها و جشنواره‌ها به سبب جهت‌دهی کلی و تمرکز بر یک موضوع یا یک شخصیت خاص، نقش مؤثری در این حوزه دارند. از آنجاکه معرفی و برگزاری سمینارها و برنامه‌هایی از این دست، براساس تفکر و دیدگاه خاصی شکل می‌گیرند، اهمیت ویژه پیدا می‌کنند. معمولاً وقتی سمیناری برگزار می‌شود یا جشنواره‌ای مطرح می‌گردد، در ارتباط با موضوعات آنها مقالات جدیدی تألیف می‌شود که بسیاری از این مقالات، منشاء کتاب‌ها و مقالات دیگر می‌شوند و همچنین این قبیل مجامع علمی، زمینه معرفی دیگر آثار مرتبط با موضوع همایش را فراهم می‌کنند و همه اینها به همراه تبادل نظرهایی که توسط مؤلفان حاضر صورت می‌گیرد باعث تولید اندیشه و آثار بیشتر می‌شود. اساساً تمرکز بر یک موضوع در این قبیل همایش‌ها اتفاق خوبی است که به هدفمندسازی بیشتر کمک می‌کند و می‌تواند موجب پیدایش جریان‌ها و جرقه‌هایی شود. می‌توان گفت هسته اولیه بسیاری از مقالات و کتاب‌هایی که در حال حاضر در حوزه تحقیقات ادبی و به خصوص ادب‌پایداری در اختیار داریم، حاصل همین همایش‌ها و کنگره‌ها بوده است و برگزاری آنها انگیزه شرکت‌کنندگان را در تولید آثار علمی و تحقیقی افزایش داده است. البته برگزاری این برنامه‌ها نباید جنبه نمایشی و تبلیغی پیدا کند و طرح موضوعات خاص و یا شخصیت‌های خاص با وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای، نژادی و منطقه‌ای می‌تواند آفت‌زا باشد؛ مثلاً در یک منطقه نباید برای معرفی آن منطقه و شخصیت‌های آن، همایش‌هایی برگزار کنند که جریان‌های فکری خاص نه چندان مطلوب را به دنبال داشته باشد. اگر در حوزه ادبیات‌پایداری بتوانیم جنبه‌های اصیل دینی، اسلامی،

نوع از تحقیقات از مرزهای سه قلمرو کشف، استخراج و توصیف و تبیین، که سه غایت استراتژی‌های اصلی حاکم بر پژوهش در علوم (اعم از علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی) است، خارج می‌شود و به جای ورود به متن از زاویه این سه‌گانه‌ها، پژوهشگر متعهد به این نوع نگاه باید نهایتاً خود را در مقام پاسدار و منعکس‌کننده عناصر متعالی ارزشمند و مقدس نهفته در متن بداند.

نگاه دیگر این است که جامعه پژوهشگران واقعیت وجودی متن ادبی پایدار را هم‌تراز سایر متون ادبی قلمداد کنند. این هم‌ترازی و هم‌وزنی به این معناست که برای ورود به متون حوزه پایدار از جامعه و نظام اجتماعی، که بر نظام آکادمی و دانشگاهی یا جامعه علمی-پژوهشی مسلط است، توقع ایدئولوژیک یا توقع سیاسی-اجتماعی نداشته باشند و اینکه آنها این متن را حاوی عناصر قدسی و حریم خاص نینگارند و خود را در مقام حافظان و پاسداران و حلقه‌ای در زنجیره اجتماعی ستایندگان قدسیت مفروض در این متون ندانند.

تفاوت نگاه و رویکرد علمی پژوهشگر در فرایند پژوهش متون ادبی است که مشخص می‌کند

پژوهش چه مسیری خواهد پیمود. این مسئله شاید یکی از اصلی‌ترین مسائلی بوده که در طول سال‌هایی که مطالعات جنگ با عناوین مختلفی چون مطالعات جنگ، دفاع، دفاع مقدس، پایداری، جنگ تحمیلی و... صورت گرفته، از لحاظ معرفت‌شناسانه بر حوزه روش‌شناسی تأثیر گذاشته است و پیوسته خود را به پژوهشگران این حوزه می‌نمایاند. این مهم‌ترین دوگانه

است. در بررسی متن ادبی پایداری باید بدانیم که از لحاظ نظری و عملی در چه قلمرو و مرزهایی امکان پژوهش و تحقیق داریم؛ مثلاً وقتی از لحاظ نظری به متنی از آفرینش‌های ادبی به عنوان امر مقدس و حقیقت ناب بنگریم و برای آن نوعی حرمت و قداست لحاظ کنیم، پیابند این نوع نگاه این خواهد بود که محقق با نگاهی که جنبه‌های فلسفی و اجتماعی در آن غلبه دارد به متن می‌نگرد. در این نوع نگاه، اخلاق و

روش تحقیق برای محقق از پیش تعیین شده است به نحوی که گویا دغدغه پژوهشی صرف برای او در اولویت دوم قرار می‌گیرد. اولویت اول او برخلاف رویکرد وبری است که در جامعه‌شناسی نسبت به رابطه ارزش و پژوهش، رابطه عینیت و پژوهش وجود دارد.

همان رویکردی که به محقق توصیه روش‌شناسی می‌کند که ضمن سهیم کردن سوگیری‌های ارزشی خود با سوگیری‌های منبعث از جامعه پیرامونی‌اش، تمام تلاشش را به کار می‌بندد تا در فرایند اجرای پژوهش از اثرگذاری این ارزش‌ها بر فرایند تحقیق جلوگیری کند. ولی با اتخاذ این موضع پیشینی حرمت‌مدارانه، او باید به عنوان

پژوهشگر خود را حلقه‌ای از زنجیره پاسداران و حافظان میراث ناب مقدس بداند و با حرمت خاصی که در متن از خالق اثر به یادگار گذاشته شده، اثر پژوهشی خود را نوعی پرده‌برداری و کشف عناصر متعالی و مشرف شدن به حریمی مقدس تلقی کند که برون داده‌های این نوع پژوهش نیز لاجرم الگوهای حاکم بر این فضای خاص را منعکس می‌کند یا سعی در انعکاس آن دارد. بنابراین، این



دکتر کاظم کاظمی

پژوهش‌های ادب پایدار گویای این مسئله است که پژوهشگران ضمن ابراز علقه به جنبه‌های ارزشمند انسانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متون ادب پایدار (متون داخلی و خارجی) در فرایند پژوهش توانسته‌اند آن را از دو مرحله اساسی پژوهش، یعنی مواجهه با واقعیت‌های میدان تحقیق و تحلیل و آنالیز منفک کنند و به نتایج و برون داد نهایی برسند، به گونه‌ای که از این علقه‌ها متمایز باشد.

ضرورت تشکیل اجتماعات علمی در جهت بنیان‌سازی و کمک به اتصال به زنجیره علم جهانی

از ضرورت‌های این حوزه این است که کارگزاران و نظام اجتماعی-سیاسی محیط بر نظام دانشگاهی و پژوهشکده‌ها، باید اصالتی را در بطن روش علمی قائل شوند. نخستین رکنی که روش علمی و آکادمی و دسته‌بندی‌های نظری و عملی بر آن قائم است اجتماعات علمی است؛ یعنی مجموعه‌ها و قبایل معرفت و علم که آنها باید برای خودشان اقلیم‌ها و سرزمین‌های مستقلی از نظام سیاسی و نظام اجتماعی داشته باشند. اگر آزادی و استقلال اینها تأمین بشود، آن وقت است که

این مفاهیم و روش‌های مندرج در کتاب‌ها را می‌توانند با تعامل بین‌الذهانی خودشان به‌کار بگیرند و باهمدیگر هم‌زیستی بین‌الذهانی و فکری و دانشی و معرفتی و علمی داشته باشند. ماحصل این اتفاق برخلاف ترسی است که در نظام خارج از دانشگاه نسبت به برون داد چنین پژوهش‌هایی وجود دارد. ترسی که نسبت به نظام ارزشی وجود دارد و اینکه خلاف حرمت‌هایی باشد که در نظام

مسئله‌ای است که باید در مورد آن تعیین تکلیف شود، چون در شروع پژوهش‌های مطالعات جنگ، همواره با آن برخورد می‌کنیم.

آفرینش ادبی و علم ادبیات، دو مقوله متفاوت‌اند

کار علم و به‌طور اعم دانش، روشنگری واقعیت موجود است. کارکرد علم از جنس اتصال به واقعیت در میدان‌های

مختلف است. اما اثر ادبی فرایندی از جنس ساخت‌وساز است. هنر بر ساخت دو عنصر معنا و احساس است که محصول و مخلوقش ذیل عنوان زیبایی قرار می‌گیرد. در اثر ادبی معنایی در لباسی زیبا آفریده می‌شود و در مخاطب هم احساس خلق می‌کند و وجه دیگر آن سرگرم کردن مخاطب است. هیچ اثر ادبی نمی‌تواند رسالت یک اثر معرفتی را - که ذاتاً روشنگری در باب واقعیت موجود است - بر دوش بگیرد. هنر حقیقت‌ساز است؛ حقیقتی که با عناصر و مصالح برگرفته از واقعیت و به قصد معنا سازی و خلق احساس توأمان توسط هنرمند و از منظر و مجرای وجودی او متبلور و آفریده می‌شود. اشکال اول این است که گاهی بین آفرینش ادبی و علم

تفاوت نگاه

و رویکرد علمی پژوهشگر
در فرایند پژوهش متون ادبی
است که مشخص می‌کند
پژوهش چه مسیری خواهد
پیمود. این مسئله شاید یکی از
اصلی‌ترین مسائلی بوده
که در طول سال‌هایی که
مطالعات جنگ با عناوین
مختلفی چون مطالعات جنگ،
دفاع، دفاع مقدس، پایداری،
جنگ تحمیلی و... صورت گرفته،
از لحاظ معرفت‌شناسانه بر
حوزه روش‌شناسی
تأثیر گذاشته است و پیوسته
خود را به پژوهشگران
این حوزه می‌نمایاند.

ادبیات تفکیک و تمیز داده نمی‌شود و اشکال دوم این است که در بحث‌ها به ماهیت اثر ادبی توجه نمی‌شود. ماهیت اثر ادبی، آفرینش معنا و احساس در مخاطب در مواجهه با متن ادبی است. اشکال دوم این است که ما از متن ادبی، کارکرد علمی یا معرفتی انتظار داشته باشیم. اینها دو مقوله و دو جهان متفاوت هستند و اصلاً در مخاطب دو هدف متفاوت را پی می‌گیرند. سیر

پژوهشی، پژوهشگران پژوهشکده، استادان آموزشی ادبیات‌پایداری یا استادان آموزشی شاخه‌های جنبی آن، استادانی که پایان‌نامه زیر نظر آنها نوشته شده یا طرح پژوهشی داشته‌اند، به‌عمل بیایید. در این تحقیق نقاط قوت و ضعف از دید کارشناسان و استادان در کل کشور مشخص می‌شود و نقاطی که به‌عنوان فرصت‌های آینده در این حوزه وجود دارد شناسایی می‌شوند و با نگاهی که به پژوهش‌های ادبیات جنگ یا مطالعات ادبی در جهان دارند، فرصت‌های عملی را به‌طور مشخص می‌بینند و همچنین مشخص می‌کنند که با این سیر و سازمان‌دهی که نظام آکادمی و نظام مدیریت علم و دانش در شوراها و وزارتخانه و... داشته است، چه تهدیداتی را از لحاظ معرفت‌شناختی و از لحاظ برون‌دادهای عملی می‌توان متصور شد. این پژوهش را باید دویست تا سیصد کارشناسی که در طول یک تا دو دهه اخیر در این حوزه عملاً کار می‌کرده‌اند استخراج کنند و براساس این برآورد، نقشه مسیر و برنامه تحقیقاتی آماده شود. اگر این برنامه تحقیقاتی در پژوهشکده‌ها آماده شود، و بعد براساس آن با استادان ارتباط برقرار شود، بخشی از فضای مطالعات‌پایداری از این روند روزمرگی که به آن دچار شده خارج می‌شود و به یک برنامه تحقیقاتی منسجم می‌رسد.

این طرح فراتر از حوزه ادبیات، مطالعات بینارشته‌ای پایداری (اجتماعی، روان‌شناسی و...) را هم شامل می‌شود. هدف این طرح شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات حاکم بر پژوهش‌های مطالعات‌پایداری از منظر استادان آموزشی و پژوهشی و پژوهشگران و کارشناسان این حوزه است.

دکتر احمد رضی

جایگاه و اهمیت پژوهش

در مطالعات ادبیات‌پایداری

پایداری برای تحقق آرمان‌ها، موضوعی است که در ادبیات همه ملت‌ها حضور دارد و از گذشته‌های دور مورد توجه

اجتماعی-سیاسی مدنظر است. علم ذاتاً وقتی برون‌داد دارد که «اجتماعات علمی» به رسمیت شناخته شوند نه اینکه اجتماعات علمی به‌صورت ذرات منفردی درنظر گرفته شوند که با بخشنامه‌ها یا نظم و ترتیب از چارچوب یک وزارتخانه، سازمان یا شورا، از بالا به این ذره‌ها بنگریم و بخواهیم در چارچوب مقیاس‌ها، جدول‌ها و نظام‌های امتیازبندی و در قالب جلساتی، مجموع این عناصر را به‌طور مصنوعی به همدیگر پیوند بزنیم. محصل این اتفاق همان چیزی است که الان روی میز علم ایران است؛ ذره‌های منفک از همدیگر که نهایتاً تولید بین‌الذله‌ای را انجام نمی‌دهند بلکه با نگاه به کارفرما و یا هدف‌گذاری فلان وزارتخانه یا دانشگاه برای بالا بردن میزان تولیدات، محتوای تولید را در آن قالب منحصر می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به نظام علم در علوم انسانی و اجتماعی است، چون نهایتاً این عناصر با هم ارتباطی غیر از ارتباطات شهودی-که براساس آیین‌نامه شکل گرفته- ندارند و خروجی آن با زنجیره علم جهانی اتصالی ندارد و محتوای اصیل و رهایی‌بخش و به‌عبارت بهتر بنیان‌سازی تولید نمی‌شود. پژوهشگران اگر از نظام دانشگاهی یا نظام سیاسی منفک شوند و اجتماعات علمی خودشان را ارزیابی و راهبری و مدیریت کنند، می‌توانند به لحاظ کمی و کیفی ده‌ها برابر بیش از الان محتوای اصیل و جریان‌ساز برای این کشور بیاورند. دومین عنصر سازنده علم همان مجموعه مرزها و آستانه‌ها و شیوه‌های عمل مورد توافق بین‌الذله‌ای اجتماعات پژوهشگران است که روش‌شناسی آن علم نامیده می‌شود.

بررسی وضعیت موجود برای رسیدن به نقشه راه

اگر ما بخواهیم تحول توسعه‌ای در این حوزه داشته باشیم، گام اساسی بررسی وضعیت موجود است. پیشنهاد من با همین روش‌های موجود علوم انسانی و علوم اجتماعی، یک تحقیق «SWOT حوزه مطالعات‌پایداری» است که باید از حوزه استادان آموزشی و

ترویج گسترده و مستمر هر موضوعی از جمله ادبیات پایدار اگر با پژوهش‌های نو همراه نباشد، کم‌کم آن را به موضوعی کلیشه‌ای و تکراری تبدیل می‌کند و جذابیت خود را برای مخاطبان از دست می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از جنبه‌های ادبیات پایدار ناشناخته است، به‌ویژه در عرصه‌هایی که ادبیات پایدار با سایر هنرها و یا با سایر رشته‌های دانشگاهی پیوند می‌خورد.

نگاه مسئله‌محور، مهم‌ترین راهبرد

نقش اندیشکده ادبیات پایدار در این موضوع ارائه راهکارهاست. اندیشکده‌ها می‌توانند محلی برای ایده‌پردازی باشند و اتاق فکری که در آن تلاش می‌شود با مطالعه عمیق و همه‌جانبه به مجریان و ذی‌نفعان مشاوره بدهند. اندیشکده می‌تواند با پیشنهاد راهبردها، مشخص کردن سیاست‌ها، زمینه‌سازی برای تصمیم‌گیری‌های خوب و ارائه راه‌حل برای مسئله‌های مبتلا، اثرگذار باشد. اندیشکده ادبیات پایدار زمانی می‌تواند نقش‌آفرین باشد که کارگروهی را اساس قرار بدهد و بتواند همه افراد و نهادهای دخیل را مشارکت بدهد. مهم‌ترین راهبرد این است که نگاه مسئله‌محور به این

موضوع داشته باشد نه نگاه صرفاً تبلیغی و ترویجی، یعنی بنا را بر این بگذارد که هر تحقیقی در این زمینه گرهی را بگشاید. هر پژوهش، مانعی را از سر راه بردارد. لازمه این کار در ابتدا شناسایی و طبقه‌بندی مسائل حوزه ادبیات پایدار است. مسئله‌ها و گره‌های زیادی در مطالعات ادبیات پایدار وجود دارد. مثلاً تعریف ادبیات پایدار که مرور آنها نشان از آشفتگی دارد؛ یا مسائل میان‌رشته‌ای،

شاعران و نویسندگان بوده است؛ البته در میان بعضی از ملت‌ها بیشتر و در بعضی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شاعران و نویسندگان هر کشور متناسب با فرهنگ خودشان حول محور پایداری مضمون‌پردازی کرده‌اند. پایداری به معنای عام یک جریان عادی در زندگی عموم مردم است و نقش مهمی در بقای نسل انسان و بقای جوامع گوناگون داشته است. بنابراین، ادبیات پایدار

هم فرازمینی و هم فرامکانی است. ادبیاتی همه‌جایی است. همین فرامکانی و فرازمانی بودن می‌تواند موضوع مهمی برای پژوهشگران باشد و دستاوردهای پژوهش‌های آنان، چراغی فرا راه نسل امروز قرار بدهد که بخشی از آنها درگیر بحران هویت شده‌اند.

پژوهش ادبیات پایدار زمینه‌ساز شکل‌گیری و تولید دانش جدید در این حوزه مطالعاتی است، زیرا یکی از ویژگی‌های پژوهش نوآوری، طرح حرف‌های تازه، حل مسئله و باز کردن گره‌هاست. هرچند با کثرت نشر آثار پژوهشی در حوزه مطالعات ادبی پایدار مواجهیم، اما اغلب آنها جنبه اطلاع‌رسانی دارند و بیشتر در صدد باز نشر و تبلیغ و ترویج یافته‌های موجود

هستند. اگر هم نوآوری در آنها دیده شود، بیشتر در نحوه عرضه مطالب و شیوه بیان است. قاعدتاً پژوهش‌های اصیل دستاوردهای تازه‌ای خواهند داشت. یافته‌های جدید پژوهشی به آفرینشگران ادبی هم کمک خواهد کرد. شاعران و نویسندگان برای خلق آثار ادبی در ادبیات پایدار نیاز به اطلاعات درست و دقیقی دارند که از راه پژوهش علمی به دست می‌آید.



دکتر احمد رضی

مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داد. با رویکرد تاریخی می‌توان بازتاب پایداری را در ادبیات پیشینیان از جمله ادبیات کلاسیک مطالعه کرد و سیر تحول آن را نشان داد. به ویژه در ادبیات حماسی، با رویکرد بلاغی می‌توان عناصر زیبایی‌شناسانه آن را ارزیابی کرد. با رویکرد زبانی می‌توان چگونگی به‌کارگیری عاطفی و واژگان و نحوه چینش آنها را برای اثرگذاری بر مخاطب مورد مطالعه قرار داد. با رویکرد تطبیقی می‌توان موضوع پایداری را در ادبیات ملل مختلف با هم مقایسه کرد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را معرفی کرد و عوامل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و همچنین شباهت‌ها و تمایزات را بررسی کرد. می‌توان ترجمه آثار ادبی با موضوع پایداری را دنبال کرد. حتی با رویکرد نسخه‌پژوهی می‌توان به تصحیح نسخه‌های به‌جامانده از آثار ادبی پایداری پرداخت. مهم‌تر از همه می‌توان با رویکرد میان‌رشته‌ای چگونگی پیوند ادبیات پایداری با سایر رشته‌ها را مطالعه کرد؛ مثل سیاست، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل، نشانه‌شناسی، مطالعات فرهنگی. همچنین، می‌توان با رویکرد بیناهنری چگونگی بازتاب پایداری را در هنرهای ترکیبی مثل نمایش، سینما، موسیقی و خطاطی مورد مطالعه قرار داد.

مسئله‌ها چیست؟

تقلیل دادن ادبیات پایداری به ادبیات چند دهه اخیر ایران یا به ادبیات دوران دفاع مقدس یکی از مسئله‌هاست. اصرار بر اینکه ادبیات پایداری خاص تاریخ معاصر سرزمین ماست، نه مفید است و نه درست.

یعنی آنجایی که ادبیات پایداری با هنرها و سایر رشته‌های علمی پیوند می‌خورد.

اندیشکده‌ها معمولاً یا در مراکز علمی ایجاد می‌شوند و یا رکن اصلی آنها را دانشگاهیان تشکیل می‌دهند. ارتباط اندیشکده ادبیات پایداری با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، که از مراکز اصلی تحقیق و پژوهش به‌شمار می‌روند، در به ثمر نشستن تلاش‌ها بسیار مؤثر خواهد بود.

همایش‌های علمی در سطح ملی یا بین‌المللی هم محل خوبی برای این شبکه‌سازی هستند که البته به‌صورت سنتی برگزار می‌شوند، اما با شکل‌گیری و گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، امکانات تازه‌تری برای این کار فراهم شده که باید از آنها استفاده کرد. اندیشکده ادبیات پایداری به‌خوبی می‌تواند از ظرفیت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برای رسیدن به اهداف خودش بهره‌برد، ولی این ارتباط باید به‌گونه‌ای باشد که پژوهشگران مراکز علمی احساس نکنند که افراد یا نهاد‌های غیرمتخصص در بیرون از دانشگاه در صددند تا برای آنها تعیین تکلیف کنند یا محتوایی را به آنها القا کنند و یا اینکه از آنها انتظار داشته باشند با شیوه‌ای غیرآکادمیک به مسائل

بپردازند. در اندیشکده ادبیات پایداری، حمایت از پژوهش‌های اصیل دانشگاهی، حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی با موضوع مسئله‌های اولویت‌دار، باید مورد توجه قرار بگیرد.

رویکردهای پژوهش در ادبیات پایداری

رویکردهای پژوهش در ادبیات پایداری را از منظرهای

پژوهش ادبیات پایداری

زمینه‌ساز شکل‌گیری

و تولید دانش جدید

در این حوزه مطالعاتی است،

زیرا یکی از ویژگی‌های

پژوهش نوآوری،

طرح حرف‌های تازه، حل مسئله

و باز کردن گره‌هاست.

هرچند با کثرت نشر آثار

پژوهشی در حوزه مطالعات

ادبی پایداری مواجهیم،

اما اغلب آنها جنبه اطلاع‌رسانی

دارند و بیشتر در صدد بازنشر

و تبلیغ و ترویج یافته‌های

موجود هستند.

در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بحث‌ها به سمت تکراری شدن و کلیشه‌ای شدن پیش می‌روند. بسیار از مقالات صرفاً توصیفی‌اند و غیرکاربردی و غیرروشمند. برخی از مقالات منتشرشده حتی در مجلات علمی ادبیات پایدار، از همین شرایط پیروی می‌کنند. علت اصلی به وجود آمدن چنین شرایطی، مسئله‌محور کار نکردن و بسنده کردن به توصیف و بی‌توجهی به نقد است. به نظر می‌رسد موقع آن فرا رسیده که مجموعه آثار پژوهشی منتشرشده با نگاه آسیب‌شناسانه مورد ارزیابی قرار بگیرند و مطالعات جدید با رویکرد انتقادی همراه باشد، و مهم‌تر از همه، مسئله روشمندی در تحقیق ادبیات پایدار جدی‌تر گرفته شود. اکنون بهترین زمان ارزیابی و آسیب‌شناسی تحقیقات منتشرشده درباره ادبیات پایدار است. پیشنهاد می‌شود نشست‌های تخصصی با حضور صاحب‌نظران دانشگاهی برای ارزیابی وضعیت موجود پژوهش ادبیات پایدار برگزار شود و چگونگی ایجاد تحول در این حوزه مطالعاتی مورد بحث قرار بگیرد. برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور مشارکت پژوهشگران خارج از ایران هم می‌تواند خوب باشد و بُعد بین‌المللی مطالعات پایدار را تقویت کند و اصلاً زمینه‌ساز گسترش مطالعات تطبیقی شود.

اهمیت بانک منابع و اسناد

مهم‌ترین نیاز پژوهشگران دسترسی آسان به منابع و اسناد ادبیات پایدار است. اگر مواد و مصالح کاری آماده نباشد، اجرای درست و به موقع آن دشوار می‌شود. در این خصوص، باید زمینه برای بهره‌گیری از امکانات فناوری اطلاعات کتابخانه مجازی برای مطالعات ادبیات پایدار ایجاد شود تا امکان دسترسی هر پژوهشگر از هر مکان و در هر زمانی به منابع فراهم شود. این کار اگر به شیوه دانشنامه (ویکی‌پدیا) انجام شود، در زمانی کوتاه می‌توانیم کتابخانه بسیار بزرگی در حوزه ادبیات پایدار داشته باشیم که آثار ایرانی و آثار دیگر ملت‌ها را در خود

هرچند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بحث درباره ادبیات پایدار و مبانی آن مورد توجه ویژه قرار گرفت و رشته ادبیات پایدار در بسیاری از دانشگاه‌ها راه‌اندازی شد، مجلاتی در این حوزه شروع به فعالیت کردند، کتاب‌ها و مقالات زیادی حول محور آن منتشر شد، همایش‌های علمی متعددی برگزار شد، اما موضوع پایدار موضوعی است که همیشه مورد توجه گروهی از شاعران و نویسندگان بوده است که بازتاب آن را می‌شود در گذشته ادبیات فارسی و همچنین در ادبیات گذشته ملت‌های دیگر دید. در دهه ۸۰، به سرعت شاهد گسترش کمی کرسی‌های ادبیات پایدار در دانشگاه‌ها بوده‌ایم، بدون آنکه درباره مبانی نظری و اندیشه‌گانی آن به اندازه کافی بحث و توافق شده باشد. این اقدام زمینه‌ساز انتشار شبه تحقیقاتی شده که به صورت سطحی و کلیشه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند و چون گروهی از این‌گونه آثار جزو اولین‌ها بوده‌اند، مرتباً به وسیله دیگران به عنوان الگو مورد استفاده قرار می‌گیرند و کلیشه‌وار بازتولید می‌شوند. از دیگر دلایل ناباروری پژوهش‌های ادبیات پایدار بهره‌گیری از مهارت‌های آفرینش آثار ادبی در پژوهش ادبی است؛ درحالی‌که ماهیت این دو حوزه با هم متفاوت است و هر کدام روش، فرم و زبان خاص خود را دارند. در آفرینش ادبی تخیل، عاطفه و ذوق هنری دخالت دارد و شاعر می‌تواند از ابزارهای ضمنی همچون تمثیل بهره بگیرد، اما حوزه پژوهش ادبی از نوع دانش و شناخت است و ابزار کار پژوهشگر استدلال و منطق علمی است. او حق ندارد از حس تحلیل‌های شاعرانه برای تبیین موضوعی و بیان چرایی وقوع رویدادی بهره بگیرد.

اهمیت روشمندی در پژوهش‌های ادب پایدار

همایش‌ها و کنگره‌ها امکان خوبی برای این است که پژوهشگران تازه‌ترین یافته‌های خود را عرضه کنند و مسئله‌ها طرح و برای حل آنها ایده‌یابی و بحث شود. اما مرور مجموعه مقالات همایش‌های حوزه پایدار

به کنه موضوع پی برد؛ پس برای پی بردن به مسئله انسان در جنگ به روحیه پژوهشی نیاز داریم، زیرا انسان مسئله‌مند به عنوان سوژه پژوهش ضرورتاً چندمنظری است و پژوهش به ماکمک می‌کند بخشی از این زوایا را نشان دهیم.

اندیشکده ادبیات‌پایداری و سامان‌دهی پژوهش‌های دانشگاهی

در طول دو دهه اخیر کارهای ارزشمند و ماندگاری در حوزه پایداری صورت گرفته است. بدون شک، آثار ادبیات‌پایداری ایران از نظر کمی، حتی از آثار پدیدآمده با موضوع جنگ جهانی بیشتر است، اما این آثار هنوز نتوانسته‌اند به جایگاه شاخص خود دست یابند. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، فقدان پیشران علمی و ریل‌گذاری دقیق در حوزه ادبیات‌پایداری است. به عبارتی، تلاش دو دهه اخیر مصروف جمع‌آوری نیم‌بند خاطرات و دقایق پایداری شد، اما هنوز نتوانسته‌ایم منظم، کنترل‌شده و انتقادی، اسناد، مدارک و رویدادهای پایداری را جهت‌دهی کنیم. این مسئله نیازمند وقت و انرژی، دانش و هدف است.

برای رسیدن به این مهم، اندیشکده ادبیات‌پایداری می‌تواند راهبرد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تعریف کند و ضرورتاً چندوجهی به موضوع توجه کند. به عبارتی، به سطوح انسانی-فرهنگی جامعه و حتی طبیعت نگاهی کاوش‌مدارانه داشته باشد. انسجام فکری و خلاقیت در به‌کارگیری از ظرفیت‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها یکی دیگر از راهکارهایی است که به اندیشکده این امکان

دارد. در اجرای این طرح، ضمن اینکه منابع الکترونیکی تهیه و در کتابخانه قابل دسترسی است، این امکان برای کاربران وجود دارد که آنها هم بتوانند منابع و اسناد و هر چیزی را که در اختیار دارند به صورت الکترونیکی به اشتراک بگذارند و امکان جست‌وجوی پیشرفته در محتوای منابع هم فراهم باشد.

دکتر محمود رنجبر

چیستی مسئله‌مندی

در مطالعات ادبیات‌پایداری

بی‌تردید، پژوهش فعالیتی روشمند پیرامون مسئله است. بنابراین، اگر بپذیریم که پایداری به عنوان مظلوف واجد مسئله و مسئله‌مندی است، پس نیازمند ظرفی است که یکی از آنها ادبیات است. در رویکرد پژوهش‌های مسئله‌محور، توصیف و هدف ابژه‌هاست که تعیین‌کننده اهمیت پژوهش است. به عبارتی، ادبیات مسئله‌ای خودبنیاد است و پایداری نیز به عنوان مضامین، متغیرها، مفهومی‌ها و فرضیه‌هایی دارد که نیازمند کاوش است. البته کاوش در هر پدیده‌ای، از سر ذوق، ره به جایی نخواهد برد بلکه باید روش، ابزار و شیوه‌هایی آزموده داشت که با اعتبارسنجی بتوان آنها را شناسایی کرد.

ادبیات‌پایداری مانند هر پدیده انسانی واجد برخی کنش‌هایی است که برای حاضران و ناظران نیز ناشناخته بود؛ چه بسا بسیاری از ریزرویدادها و گزاره‌های آن برای آیندگان نیز ناشناخته بماند. بنابراین، در خلال امور بسیار ساده و پیش‌پاافتاده رزمندگان و خانواده‌های آنان مسائلی وجود دارد که باید با آشنایی‌زدایی از آن

درازدامن می‌انجامد که چارچوب و گستره کار یا طول و عرض آن را نشان می‌دهد.

سیر و تطور در پژوهش‌های حوزه ادب پایداری

در حوزه ادبیات پایداری سه مرحله طی شده است: در ابتدا پژوهش‌ها ذوقی و تفننی بود و بسیاری از پژوهش‌های این حوزه به صورت گزاره‌های بداهتی در نشریات و محافل علمی پدیدار شد. مرحله دوم از سال ۱۳۷۰ به بعد و پس از چاپ کتاب ساختار و تأویل متن بابک احمدی آغاز شد که به اجمال، پاره‌ای از نظریه‌های ادبی فرمالیست‌ها تا جامعه‌شناسی را معرفی کرد و منتقدان با تلفیق ذوق و نظریه سراغ نقد آثار رفتند. مرحله سوم نقد دانشگاهی بود که با گسترش نشریات علمی-دانشگاهی و ضرورت تعریف عملیاتی و ساخت‌مند، پژوهش متغیرهای مستقل در نقد پدید آمد و از اعتبار و پایایی نسبتاً خوبی برخوردار شد. با کاوش در آثار پژوهشی اخیر می‌توان مسئله‌ها و ضرورت‌های پژوهش را برشمرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله، فقدان مسئله در حوزه ادبیات پایداری است.



دکتر محمود رنجبر

رامی‌دهد که فکر خود را با یاری همکارانش اجرا کند. همچنین، اندیشکده ادبیات پایداری نباید به حوزه اجرایی وارد شود بلکه تلاش برای سیاست‌گذاری کلان و اجماع نهادهای تأثیرگذار و ضابطه‌مند کردن نهادهای متولی ادبیات پایداری است که موجب هم‌افزایی خواهد شد. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین راه‌های سیاست‌گذاری در این حوزه، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری اندیشکده با

دانشگاه‌هاست؛ البته قبل از امضای تفاهم‌نامه نیاز است با معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تفاهم‌نامه امضا شود و دانشگاه‌ها به مناطق پنج یا شش‌گانه تقسیم شوند و سپس با تک‌تک دانشگاه‌ها وارد گفت‌وگو شد.

پژوهش در پژوهش‌های ادبیات پایداری

پژوهش‌ها به دو دسته پژوهش مسئله‌محور یا روش‌محور و ابزارمحور تقسیم می‌شوند. غالب پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته در این دو دسته جای می‌گیرند. از طرف دیگر، پژوهش‌های پایداری عمده‌تاً بنیادی هستند و خود «پژوهش پایداری» به عنوان مسئله تاکنون مورد توجه جدی

قرار نگرفته است. به هر حال، باید موضع خود را در قبال «کلان پژوهش» مشخص کنیم؛ به عبارتی، ما درباره چیستی مسئله سخن می‌گوییم یا درباره چرایی و تبیین آن. این همان ریل‌گذاری است که پیش‌تر به آن اشاره شد. فرضیه‌های پژوهش در پژوهش حوزه ادبیات پایداری درصدد است روابط علی و معلولی پدیده‌ای به نام پایداری را سامان‌دهی کند. این مسئله به بحثی

سمینارها محل اجتماع صاحبان اندیشه و نظر

سمینارها، کنگره‌ها و جشنواره‌های ارزیابی کتاب، از سندرم «تکرار بی‌قرار» رنج می‌برند. علت این مسئله، نداشتن راهبرد (استراتژی) کلان و تکیه و توکل به «باری به هر جهت» است. سمینار زمانی باید شکل بگیرد که

آگاه و بینا نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و در قالب ادبیات، آثاری را می‌آفرینند. این آثار «ادبیات پایداری» را می‌سازند.

درباره جایگاه و نقش پژوهش در مطالعات ادبیات پایداری باید گفت که پژوهش به مطالعات جان می‌دهد و جایگاه و ارزش آفرینش‌های ادبی را مشخص می‌کند. تا زمانی که بر روی آفرینش‌های ادبی پژوهشی انجام نشود، ما ارزش و وزن آنها را در میان آثار ادبی ایران از ابتدای تاریخ ادبیات تا امروز در نمی‌یابیم. از ویژگی‌های ادبیات پایداری این است که به موازات رخداد‌های سیاسی و اجتماعی پیش می‌رود، ولی ممکن است در ذهن شاعر یا نویسنده واکنشی هیجانی و دفعی ایجاد کند و بلافاصله شعری بسراید و یا اثری خلق کند که از لحاظ ادبی چندان جایگاهی نداشته باشد، اما در آن برهه تأثیر فراوانی به جای گذارد. در بررسی این آثار، باید آنها را با معیارهایی سنجید تا مشخص شود جایگاه این آثار در آن بازه زمانی چه بوده است و نیز جایگاه آنها در تاریخ ادبیات کجاست؟ این آثار چون در دوره‌ای از تاریخ بسیار مؤثر بوده و کارکردی در تهییج، آگاهی و ایجاد اتحاد مردم داشته‌اند، اهمیت دارند. در سنجش این جایگاه، نقش پژوهش پیداست. پژوهش‌ها مشخص می‌کنند که هرچه ما از آن دوره فاصله می‌گیریم، این مطالب در ذهن و آثار خردمندان و شعرا و نویسندگان پخته‌تر می‌شوند. بنابراین، برای تبیین وضعیت ادبیات پایداری به پژوهش احتیاج داریم.

پژوهش‌ها و ارتقای آفرینش‌ها

پژوهش‌ها می‌توانند آفرینش‌ها را ارتقا بدهند؛ پژوهش درباره میزان ادبیت متن، شناخت نقایص و شتاب‌زدگی‌ها و رفع آنها کمک می‌کند. جنگ دیگر از تاریخ ایران جداشدنی نیست و تأثیرات آن تا قرن‌ها ممکن است ادامه پیدا کند؛ پژوهش‌های ادبی در حوزه ادبیات پایداری باعث می‌شود که متن‌ها به سمت تأثیرگذاری

نظریه‌ای جدید در جراید و فضای مجازی پدید آمده و نقد‌های نوشتاری نمی‌توانند انعکاس‌دهنده و بازگوی تمام وقایع باشند؛ بنابراین، باید صاحبان اندیشه و فکر جمع شوند و به گفت‌وگو درباره آن نظریه یا مسئله بپردازند و به اجماع برسند؛ حال آنکه سمینارهای ما به آمیخته‌ای از پژوهش‌های تکراری و رونویسی‌های ناشیانه بدل شده است. البته اخیراً سمینارهایی مثل کنگره کرمان به سمت تخصصی شدن پژوهش پیش رفته‌اند که جای شکر آن باقی است.

موانع پژوهش

و محدودیت‌های پژوهشگران این حوزه

مهم‌ترین مانع پژوهش نبود کتابخانه تخصصی و نداشتن اطلاعات دقیق از کارهایی است که تاکنون صورت گرفته است. متأسفانه، چاپ کتاب براساس مأموریت‌های عملکردی برای حوزه هنری و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس باعث شده کتاب‌هایی در حوزه پایداری چاپ شود که موجب وهن مسئله شده است. برای رفع این مانع نیز به پیشران (آینده‌نگری) و اتاق فکر مناسب نیازمندیم. ضمن آنکه به علت گرانی نشر، انتشار بسیاری از آثار در حوزه پژوهش در لابه‌لای انتشارات مأموریت‌گرای استان‌ها صورت می‌گیرد و عملاً دیده نمی‌شوند. از این رو، باید اندیشکده وارد عمل شود و طی گفت‌وگو با مراکز متولی ادبیات پایداری، به نظارت دقیق کتاب‌ها توجه داشته باشد.

فرانک جهانگرد

ادبیات پایداری در ذات خود پویاست

ادبیات پایداری همگام با جامعه، سیاست و تاریخ پیش می‌رود و تمام تغییرات اجتماعی بر آن تأثیر می‌گذارند. بنابراین، این‌گونه از ادبیات در ذات خود بینا، هوشیار و پویاست. هرگاه قرار باشد جنگ خارجی یا شورش داخلی به تمامیت ارضی و هویت ملی آسیب برساند، قشر دانا،

در پایان نامه یا مقاله‌نویسی کمک می‌کند تا موضوع بهتری بیابند و منابع را بشناسند. این کارگاه‌ها می‌تواند پیوندی بین اندیشه‌شکده و دانشگاه‌ها شکل دهد. بعد از دوره کرونا، زیرساخت‌های خوبی برای استفاده از ظرفیت فضای مجازی ایجاد شد که امکان برگزاری کارگاه‌های مجازی و دسترسی گسترده در همه جای کشور را برای دانشجویان این رشته فراهم کرد. پیش از همه، ایجاد بانک اطلاعاتی ضرورت دارد؛ برای مثال، بانک اطلاعاتی از دانشجویان رشته ادبیات پایدار. از طریق تهیه پرسشنامه برای دانشجویان می‌توان درباره دغدغه‌ها و کمبودهای آنها مطلع شد. نتایج این بررسی‌ها می‌تواند به ارتقای جایگاه اندیشه‌شکده یاری رساند. همچنین، این کارگاه‌ها می‌تواند به پژوهش‌ها سمت و سوی مناسبی بدهد.

مسئله‌شناسی

پژوهش‌های ادبیات پایدار

همواره نوعی نگاه نقادانه در ادبیات پایدار وجود داشته است. برای نمونه، نقد جامعه، نقد سیاست و نقد جنگ به عنوان یک اقدام سیاسی. بنابراین، یکی از مسئله‌ها همین مسئله نقد است. شاید در

متن‌ها این سوپیه انتقادی به صورت یک مقوله محتوایی کمتر دیده شده باشد. این سوپیه انتقادی خود را در دوگانه خیر و شر یا استعاره‌هایی مثل حق و باطل، کافر و مسلمان، یزید و امام حسین (ع) نشان می‌دهد. این نگاه نقادانه به خصوص در رمان‌های پایدار می‌تواند جنبه فلسفی به کار بدهد. موفق‌ترین رمان‌ها خوانش‌های فلسفی دقیق‌تری دارند. این متن‌ها از لحاظ نقد فلسفی

پیش بروند و آفرینش‌های ادبی پخته‌تر شوند و ارتقا پیدا کنند.

راهکارهایی برای تقویت پژوهش در فضای دانشگاهی

ضروری است که طبقه‌بندی و معرفی موضوعات برای دانشجویان رشته ادبیات پایدار صورت گیرد. در حوزه ادبیات پایدار تقریباً با همه رویکردهای نقد ادبی

می‌شود متن‌ها را بررسی کرد؛ چون جنگ عواقب گوناگونی دارد و می‌توان آن را از لحاظ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بررسی کرد. از ویژگی متن‌های پایدار این است که مدلی از انسان کامل را ارائه می‌کند؛ انسان کامل به این معنا که چشم بر بسیاری از بهره‌های دنیوی می‌بندد و برای هدفی متعالی تلاش می‌کند. از این نمونه‌ها و الگوها در ادبیات پایدار بسیار وجود دارند. بنابراین، برای بعضی از رویکردها در ادبیات پایدار اتفاقاً نمونه‌های بهتری می‌توان پیدا کرد. حتی نوعی مشرب عرفانی را در متون ادب پایدار به صورت شاخص‌تر می‌بینیم. نوعی تهذیب نفس در قهرمان‌های این آثار وجود دارد. بحث قهرمان در رمان‌های پایدار بسیار مهم است.

قهرمان‌ها در ابتدا انتزاعی و فرشته‌خو بودند، اما بعدها به تدریج زمینی‌تر و دست‌یافتنی‌تر می‌شوند.

در حوزه ادبیات پایدار هنوز به تولید مقاله و اثر و همچنین برگزاری سمینار برای طبقه‌بندی موضوعات نیازمندیم. اما برگزاری کارگاه‌های آموزشی، پژوهشی و متن‌شناسی از موضوعاتی است که می‌تواند در دستور کار اندیشه‌شکده قرار بگیرد. این کارگاه‌ها به دانشجویان

درباره جایگاه
و نقش پژوهش در مطالعات
ادبیات پایدار باید گفت که
پژوهش به مطالعات
جان می‌دهد و جایگاه و ارزش
آفرینش‌های ادبی را
مشخص می‌کند. تا زمانی
که بر روی آفرینش‌های ادبی
پژوهشی انجام نشود،
ما ارزش و وزن آنها را در میان
آثار ادبی ایران
از ابتدای تاریخ ادبیات تا امروز
در نمی‌یابیم.

آرا و دیدگاه‌های مختلف و خروجی‌های متنوع می‌شود. امکانات و موانع پیش روی پژوهشگران این حوزه، فقدان اساتید شاخص، برجسته و صاحب اثر است و این باعث می‌شود که پژوهشگر به سراغ کتاب‌های ترجمه‌ای برود که عموماً هم ناظر بر ادبیات مقاومت عرب است. البته زمانی پژوهشی برجسته‌ای خواهیم داشت که آثاری برجسته و شاهکار داشته باشیم. در حال حاضر، در این چرخه، پژوهش خوب به ایجاد آفرینش خوب کمک می‌کند و برعکس. اتفاقاً اندیشکده ادبیات پایداری می‌تواند وارد این چرخه شود و آفرینش‌های ارزشمند را چه در حوزه ترجمه، چه تألیف معرفی کند.

از کارهای خوب دیگر، ترجمه آثار شاخص جهانی است؛ اینکه الگوهای پایداری در فرهنگ‌های دیگر چگونه شکل می‌گیرند و چگونه بر جامعه تأثیر می‌گذارند. ضروری است که بدانیم آنها در مورد ما چه می‌اندیشند. همان‌طور که ما تصویری از مردم عراق در ذهن داریم، آیا آنها هم تصویری از مردم ایران دارند؟ با ترجمه چند نمونه از آثار شاخص فرهنگ‌های دیگر می‌توانیم بدین پی ببریم که ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود و جایگاه خودمان را بهتر خواهیم شناخت.

کامران پارسی‌نژاد

پژوهش، پژوهشگر و ادبیات پایداری

پیدایش، ابداع، نوآوری، نواندیشی، آزاداندیشی و تحول بنیادین در گستره پویا و عظیم ادبیات پایداری

جنگ ارزشمندند و در کنار آن حمایت از دفاع، ضرورت و فلسفه دفاع در آنها قابل بررسی است.

امروزه، جنگ یک کنش سیاسی است. در گذشته، مغول‌ها برای بهره‌برداری از مزایای طبیعی، رسیدن به یک زندگی بهتر و رفاه اقتصادی بیشتر به مناطق مختلفی حمله می‌کردند، اما در بستر تاریخ سیاسی معاصر، جنگ یک رویداد سیاسی است. بنابراین، در گذشته جنگ‌ها و لشکرکشی‌های بیشتر زیربنای اقتصادی داشته، اما در تاریخ معاصر هرچند مسائل اقتصادی مطرح هستند، اما زیربنای آن مسائل سیاسی بوده است.

به نظر من، ادبیات پایداری به شدت با هویت پیوند دارد. هویت مؤلفه‌های مختلفی دارد. در هر دوره‌ای ممکن است یکی از این مؤلفه‌ها مورد هجوم قرار بگیرد. این مؤلفه‌ها گاهی به صورت ملموس و عینی و گاهی ممکن است معرفتی باشند، مانند مذهب یا زبان. اکنون چند سالی است که زبان فارسی دائماً در معرض هجوم زبان‌های بیگانه است. گاهی در مقابل این تهاجم احساس ناتوانی می‌کنیم. واقعیت این است که فرهنگستان زبان و ادب فارسی هنوز

نتوانسته از عهده این تهاجم فرهنگی برآید. شناسایی مؤلفه‌های در معرض آسیب بودن آنها، جهت‌دهی پژوهش‌ها و آفرینش‌ها، آینده‌نگری و... وظیفه ادبیات پایداری است.

خوشبختانه، رویکرد اندیشکده ادبیات پایداری در پرداختن به مسائل رویکردی باز است که اجازه طرح افکار مختلف را می‌دهد. این رویکرد سبب ایجاد تضارب



دکتر فرانک جهانگرد

و هنر کاملاً احساس می‌شود. حیات ادبیات پایداری به‌نوعی به آزاداندیشی بستگی دارد. درواقع، ضرورت درک این مسئله برای داستان‌نویسان ما، مانند ضرورت ماده‌حیاتی آب است برای انسان. ادبیات به‌هرصورت راه خود را پیدا می‌کند و در قالب و شکل‌های دیگری حرفش را بیان می‌کند. هنرمندان ازطریق فنون، صناعات ادبی و تکنیک‌های مختلفی ازقبیل ایهام، طنز، تمثیل، نماد و سایر عناصر ادبی ناگفته‌های پایداری را بیان می‌کنند و هیچ‌گونه جای اعتراضی هم به این مسئله وجود ندارد، زیرا مهم‌ترین خصیصه ادبیات چندوجهی بودن آن است.

گستره و پیشینه ادبیات پایداری

ادبیات پایداری یکی از مهم‌ترین ژانرهای ادبی تأثیرگذار در جهان است که تنها روایت‌گر رویدادهای جنگ و مسائل پیرامون آن نیست؛ ادبیات پایداری گستره عظیمی را شامل می‌شود که ادبیات جنگ، بخشی از آن به حساب می‌آید. درمجموع، هر رویداد، کشمکش و مضمونی که بیانگر نوعی استقامت و پایداری در تقابل با نیرویی خارجی باشد در حوزه ادبیات پایداری جای می‌گیرد.

ادبیات پایداری از پیشینه بسیار طولانی و غنی برخوردار است و قرن‌هاست که این ژانر ادبی در غرب حضوری جدی دارد. شایان ذکر است که تاریخ و مورخان بخش ناچیزی از پایداری را ثبت و مطرح می‌کنند و آن چنان تمایلی به تشریح جزئیات ندارند. تاریخ غالباً به مسائل عمده و اصلی پایداری و پیامدهایش توجه دارد و به مسائل پیرامون پایداری چندان توجهی ندارد. ازاین‌رو، برای ثبت رویدادهای مهم پایداری باید به ژانر ادبیات داستانی روی آورد. ادبیات داستانی همواره بر آن بوده تا رویدادهای مختلف پایداری را بدون کم‌وکاست ثبت کند؛ رویدادهایی که از چشم مورخان دور می‌ماند و تاریخ توانایی پرداختن به آنها

به مبانی نظام‌مندی چون نخبه‌گرایی، کسب تجارت ارزشمند از رویدادها و پیامدهای پایداری، ژرف‌اندیشی و تحلیل اصولی بستگی دارد. پایداری و مقاومت از زمان پیدایش بشر در دوران‌های مختلف همواره وجود داشته و ادبیات تا حد توانش توانسته در تبیین مقاومت و پایداری بشری نقش‌آفرینی کند. در طی سالیان متمادی، آثار بی‌شماری در حوزه ادبیات به منصفه ظهور رسیده‌اند و بالطبع پژوهش‌های بی‌شماری در این وادی ارائه شده است.

پژوهشگران می‌دانند که ادیبان قادرند جهانی نو، بی‌همتا و منحصربه‌فرد خلق کنند و این کار میسر نمی‌شود مگر آنکه به زبان داستان اشراق کامل داشته باشند، از قدرت تخیل خوبی برخوردار باشند و اثر خود را مطابق اصول داستان‌نویسی و قالب‌های ادبی به رشته تحریر درآورند. نویسندۀ داستان باید نسبت به مسائلی که در پیرامونش می‌گذرد بی‌تفاوت نباشد و تا آنجا که در توان دارد در ثبت و درک درست حقایق پنهان ساحت هستی دقت کند. او جهانی خاص را در داستان‌هایش می‌آفریند و با این کار، عملاً اندوخته‌ها و تجارب ارزشمند به‌دست می‌آورد و خود را از منظری متفاوت در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از مردم از آگاهی و دانش لازم جهت درک مسائل پیچیده ساحت هستی برخوردار نیستند و اصولاً شناخت خوبی از رویدادها و مسائل مختلف پیرامونشان ندارند. ازاین‌رو، نقش محوری پژوهش و تحلیل‌گران ادبی به میان می‌آید. دراین‌راستا، مخاطب توقع دارد تا پژوهشگران ادبی کلیه مسائل پیچیده ساحت متن ادبی را برایش رمزگشایی کنند و تمامی رویدادهای مهمی را که از مقابل دیدگانش گذشته و او قادر به درک آنها نبوده، بازبینی و رصد کنند.

اصولاً پژوهش ادبی و آزاداندیشی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و ضرورت وجود آزاداندیشی در ادبیات

ادبی در حوزه پایداری، لازم است هرگونه یک‌سونگری و برداشت‌های جانبدارانه کنار گذاشته شود و منتقدان به ارزیابی، رصد و آسیب‌شناسی ادبیات این حوزه بپردازند و همچنین، با بهره‌گیری از انواع شیوه‌های نقد ادبی، با دقت و ریزبینی خاصی به مصاف آثار ادبی تولیدشده بروند و فرازها و فرودهای آن را تبیین و مشخص سازند. در این راستا، باید دید که ادبیات داستانی تا چه حد توانسته است زوایای پنهان رویدادها و پیامدهای نفس پایداری را در حوزه‌های مختلف رمزی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، نژادی، جنسیتی و... نشان دهد. این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران در ایران تاکنون به بررسی دقیق روند خلق ادبیات پایداری نپرداخته‌اند و برای نظریه‌های خود هیچ‌گونه پشتوانه و دلیل بنیادین و منطقی ارائه نداده‌اند.

چند پیشنهاد

برای پژوهش و مطالعه

در این راستا، مباحث و سؤالات طرح‌شده زیر می‌تواند مد نظر تحلیل‌گران باشد:

• بررسی عملکرد مراکز دولتی و نیمه‌دولتی؛

• نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری جشنواره‌های ادبی در خلق ادبیات پایداری؛

• بررسی نقطه‌نظرات صاحبان نظر در این وادی؛

• تحلیل و ارزیابی ادبیات پایداری و شیوه‌های داستان‌پردازی رایج؛

• تحلیل جریان‌ها و انواع گونه‌های ادبیات پایداری؛

• تحلیل نقش‌آفرینی خاطرات و مستندات و تأثیر آن بر

را ندارد. لذا در وادی پایداری، ادبیات داستانی است که فراتر از شعر می‌تواند به ثبت حقایق تاریخی بپردازد. جدای از آن، میزان تأثیرگذاری ادبیات فراتر از تاریخ و ثبت حقایق است. بررسی و واکاوی ادبیات پایداری به واسطه پژوهش در این راستا امکان‌پذیر است. توجه به این مسئله مهم ضروری است که بخشی از منابع ادبیات پایداری از طریق خاطره‌نویسی و مستندنگاری تأمین می‌شود، اما بخش عمده کار باید از راه پژوهش ادبی و براساس اسناد و مدارک معتبر به جای مانده انجام شود.

پژوهش پایداری محملی

برای طرح اندیشه‌های نو و ناب

پژوهش در حوزه ادبیات پایداری، ضمن ترسیم چهره حقیقی پایداری، باید محملی برای طرح اندیشه‌ها و تجارب ناب باشد و بتواند با ساختاری مستحکم، طرحی نو دراندازد و مضامین بدیعی مطرح سازد. در دوره کنونی از پژوهشگران ادبیات پایداری بیش از هر زمان توقع می‌رود تا بسیار مقتدرانه نقش‌آفرینی کنند و در بستر جامعه ادبی جریان‌ساز باشند. براین اساس، بایسته



کامران پارسی‌نژاد

است پژوهشگران ادبیات پایداری با تبیین ساختار و بن‌مایه‌های به‌کارگرفته‌شده در آثار ادبی، نواقص کار را مشخص کنند و این کار تنها با افزایش میزان تحقیق، تجربه‌اندوزی، دست‌یازیدن به آگاهی و شناخت پیرامون پایداری، نقد و ارزیابی و پژوهش‌های بنیادین حاصل می‌شود.

براین اساس، پس از ظهور ذهنیت‌های نو و خلق آثار

روند شکل‌گیری ادبیات؛

- بررسی تطبیقی ادبیات‌پایداری در غرب و ایران؛
- ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای سطح کیفی و کمی ادبیات‌پایداری؛
- آیا باید پذیرفت هیچ حقیقتی حقیقت محض نیست؟ آیا می‌توان تا حدودی حقایق‌پایداری و مضامین به‌کارگرفته در آن را نسبی برداشت کرد؟
- آیا در بیان حقایق‌پایداری تنها باید ساده‌نویسی کرد، به‌گونه‌ای که همه مضامین آن برای عموم قابل درک باشد؟
- آیا در توصیف‌پایداری و شرح حقایق آن می‌توان از ساختار و طرحی پیچیده سود جست؟
- جایگاه عینیت‌نگری در این حوزه چیست؟
- آرمان‌گرایی تا چه میزان می‌تواند در بازشناخت حقایق‌پایداری تأثیرگذار باشد؟
- جدای از این، می‌بایست نحله‌ها و مکاتب ادبی با دقت و موشکافی خاصی که در نهاد نویسندگان و تحلیل‌گران ادبی وجود دارد، مورد ارزیابی قرار گیرند تا از این طریق بتوان ادبیات بومی‌پایداری را براساس انواع مکتب‌های رایج ادبی

است پژوهشگران عرصه ادبیات‌پایداری رئالیسم ادبی را به‌دقت واکاوی کنند.

دراین‌میان، سایر نحله‌ها و جریان‌های ادبی چون رئالیسم جادویی، سوررئالیسم، ناتورالیسم، مدرنیسم، که گاه به‌عنوان ابزاری برای تحریف حقایق‌پایداری و پیامدهایش مورد استفاده شماری از نویسندگان قرار می‌گیرد، نباید از نظرهای مخفی بماند. دگرگونی و سیاه‌نمایی حقایق‌پایداری، معمولاً با به‌کارگیری تکنیک‌ها و شگردهایی که در بطن این قبیل نحله‌ها نهفته است، صورت می‌پذیرد و برخی مخاطبان داستان، به‌سبب ناآشنایی با ترفندهای مختلف ادبی، اغفال می‌شوند و از دست یازیدن به حقایق مسلم بازمی‌مانند. باید به این مسئله توجه داشت که تأثیرپذیری مخاطب از ژانر ادبیات داستانی از مطالعه آثار علوم انسانی همچون کتب تاریخی بسیار بیشتر است. ازاین‌رو، داستان‌نویسان می‌توانند تأثیر چشمگیری بر مخاطبان خود بگذارند و این کار میسر نمی‌شود مگر اینکه داستان‌های قوام‌یافته با پرداختی قوی و طرح بن‌مایه‌های درخور توجه خلق شوند.

مخاطب توقع دارد
تا پژوهشگران ادبی
کلیه مسائل پیچیده ساحت
متن ادبی را برایش رمزگشایی
کنند و تمامی رویدادهای
مهمی را که از مقابل
دیدگانش گذشته و او قادر
به درک آنها نبوده،
بازبینی و رصد کنند.

نیاز به تعیین میزان نقش‌آفرینی و جریان‌سازی مراکز مرتبط با ادبیات‌پایداری

یکی دیگر از مسائلی که باید به آن توجه کرد نقش‌آفرینی مراکز دولتی و خصوصی در رشد و شکوفایی ادبیات‌پایداری است. طی سالیان متممادی، آثار بی‌شماری در حوزه ادبیات‌پایداری در ایران خلق و راهی بازار کتاب شده است. در پی آن سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی در

تبیین و ارزیابی کرد. گرایش شدید به عنصر دلالت‌گری و مستندسازی و بالطبع رئالیسم، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در حوزه ادبیات‌پایداری ایفا می‌کند. در گذر زمان، نویسندگان به نحله‌های ادبی مختلفی روی آورده‌اند، اما همواره و در همه حال رئالیسم را سرلوحه کارهای خود دانسته و از انواع رئالیسم ادبی سودها برده‌اند. لذا، در ابتدای راهی که پیش رو داریم، لازم

پرسش‌های جدی و مهمی است که شاید در نگاه نخست ساده به نظر برسد، اما برای پاسخ روشن و قطعی به تحقیق و پژوهش دربارهٔ تک‌تک آنها نیاز است. بنابراین، اگر در مطالعات ادبی، پژوهش برای کشف افق‌های نو و تازه اهمیت دارد، در ادبیات پایدار باید یک گام عقب‌تر برویم و ابتدا خود ادبیات پایدار را بشناسیم و به خود اصطلاح ادبیات پایدار، چارچوب و چیستی آن بپردازیم. مشخص است که باید پژوهش در این عرصه را با جدیت دنبال کرد. باید سیاست‌گذاری دیگری در تدوین پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در نظر گرفت.

ضرورت پژوهش در حوزهٔ ادبیات پایدار

سرزمین ایران از دیرباز، به دلایل گوناگون ازجمله زمینه‌های جغرافیایی و فرهنگی، همواره مورد هجوم متجاوزان و بیگانگان قرار داشته است. همین مسئله زمینه را برای شکل‌گیری روحیهٔ پایداری و مقاومت در مردم این مرزوبوم فراهم ساخته است. از سال‌های دور که بگذریم، جریان ادبیات پایدار در نیم‌قرن اخیر، جریان غالب ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود. انقلاب اسلامی ایران و هشت سال جنگ تحمیلی، که با نام «دفاع مقدس» در ذهن‌ها به یادگار مانده است، مهم‌ترین خاستگاه تشدید ادب مقاومت در دورهٔ اخیر بوده است. طبیعی است که شاعران و نویسندگان تحت تأثیر این رویدادها، آثار متنوعی را در قالب‌های گوناگون آفریدند. ازسوی دیگر، وقوع سایر رویدادهای جهانی مانند قضیهٔ فلسطین و جنگ جهانی، زمینهٔ تولید ادبیات مقاومت در دیگر ملل را نیز فراهم ساخته است. بنابراین، بخش اعظمی از آثاری که تحت تأثیر این رویدادها ثبت شده است، بی‌سابقه و بدون پیشینه محسوب می‌شوند. طبیعی می‌نماید که کار منتقد و پژوهشگر ادبی، پس از آفرینش ادبی آغاز می‌شود. اگر آثاری که در یک گونهٔ ادبی قرار دارند قابل توجه باشد، ضرورت طبقه‌بندی، تحلیل و نقد آن ضروری خواهد بود. از آنجاکه برخی از

این گسترهٔ بزرگ و سرنوشت‌ساز فعالیت کرده‌اند. میزان تأثیرگذاری مراکز ادبی تنها از طریق پژوهش ادبی ممکن است. متأسفانه، در ایران پژوهش‌های عمیقی در این باره صورت نگرفته است و میزان نقش‌آفرینی و جریان‌سازی مراکز ادبی مرتبط با ادبیات پایدار هنوز مشخص نشده است. از این رو، این مراکز و نهادها برای برنامه‌ریزی و اهداف آتی خود طرح مدوّن و مشخصی ندارند، زیرا با نقاط ضعف و قوّت خود آشنایی کافی ندارند.

لذا باید با سرمایه‌گذاری مناسب، عملکرد و نقش سازمان‌های دولتی و خصوصی بررسی و تأثیرگذاری این نهادها در بستر جامعهٔ ادبی ارزیابی شود. جدای از مسائل طرح‌شده، لازم است آثار مطرح ادبیات پایدار در دهه‌های مختلف مورد سنجش قرار گیرد و بسیاری از مسائل مطرح‌شده چون سفارشی‌نویسی، شعارنویسی، تولید انبوه داستان، آرمان‌گرایی و سیاه‌نمایی و... مطرح و مورد تحلیل قرار گیرد.

دکتر حامد صافی

جایگاه و نقش پژوهش

در مطالعات ادبیات پایدار

دستیابی به شناخت علمی تنها زمانی میسر خواهد بود که با روش‌شناسی صحیح و عالمانه وارد عرصهٔ شناخت شویم. مطالعات ادبیات پایدار، نسبت به دیگر گونه‌های ادبی، نسبتاً تازه و متأخر است، تا جایی که می‌توانیم بگوییم ما دربارهٔ ابعاد گوناگون ادبیات پایدار هنوز به شناخت کافی نرسیده‌ایم؛ این شناخت حتی در بخش مباحث آغازین و بنیادی ادبیات پایدار نیز قابل بحث است. بنابراین، پژوهش در ادبیات پایدار اهمیت انکارناشدنی دارد. خود بحث «پژوهش در ادبیات پایدار» مسئلهٔ قابل توجهی است؛ اینکه ما با چه رویکردی به سراغ مطالعهٔ این گونه برویم؟ اصلاً ادب پایدار گونه است یا زیرگونه؟ در مطالعات ادب پایدار از چه روش‌ها و ابزارهایی باید استفاده کرد؟ اینها

رویکردهای پژوهش در ادبیات‌پایداری

رویکردهای پژوهش در ادبیات‌پایداری باید کاملاً متفاوت و با توجه به چیستی ادب‌پایداری باشد. موضوعات ادبیات‌پایداری گسترده است و کاهش ضریب خطا، انتخاب رویکرد و روش درست پژوهش اهمیت بسیار زیادی دارد. یکی از رویکردهای نو در پژوهش، رویکردهای تلفیقی و انتقادی است. در موضوعات ادبیات‌پایداری

گاهی یک روش یا یک رویکرد به تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد. گاهی هم بررسی میدانی و هم کتابخانه‌ای لازم است. گاهی بررسی کمی و کیفی با هم درمی‌آمیزد تا ابعاد گوناگون موضوع به دقت واکاوی شود. بنابراین، مطالعات ادبیات‌پایداری عرصه خطیری است که لازم است پژوهشگران این حوزه بر روش‌ها، رویکردها و ابزارهای لازم مسلط باشند. برای نمونه، رویکرد تطبیقی یکی از رویکردهایی است که به سبب همسانی‌ها و اشتراکات فرهنگ مقاومت و پایداری در ملل گوناگون باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ حال اگر بخواهیم دادوستد متون درون‌زبانی را بررسی کنیم، رویکرد بینامتنی هم خودنمایی می‌کند.

درواقع، هرچه گستره موضوعات وسیع‌تر باشد، تنوع روش‌ها و رویکردها باید افزایش یابد. از این رو، اهمیت تسلط پژوهشگر بر رویکردها و روش‌ها روشن می‌شود. حال اینکه پژوهشگران عرصه ادبیات‌پایداری این تسلط را دارند یا نه، پرسشی بحث‌برانگیز است که به بررسی انتقادی پژوهش‌های صورت‌گرفته نیاز دارد. اکنون پاسخ این پرسش این‌گونه است که بسیاری از پژوهشگران این

آثار تولیدشده در گونه ادبیات‌پایداری در سنت ادبی بی‌سابقه است، انجام پژوهش‌های بنیادی در زمینه‌های گونه‌شناسی، روش‌شناسی و طبقه‌بندی متون، ضرورت دارد. بر اساس همین ضرورت و اهمیت، در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری در قالب‌های گوناگون انجام شده است.

اندیشکده ادبیات‌پایداری حلقه وصل دانشگاه‌ها

اندیشکده ادبیات‌پایداری باید محلی برای اندیشیدن در مسائل بنیادی باشد. این نقطه دقیقاً اشکالی است که درباره پرداختن دانشگاه‌ها به ادبیات‌پایداری قابل طرح است. سال‌ها از راه‌اندازی رشته ادبیات‌پایداری در دانشگاه‌ها می‌گذرد، اما دانشگاه‌ها نتوانسته‌اند مسائل بنیادی این رشته را طرح یا حل کنند؛ مسائلی مانند تعاریف، محدوده‌ها، روش‌های پژوهش در ادبیات‌پایداری. نقش اساسی اندیشکده ادبیات‌پایداری درست از همین نقطه آغاز می‌شود. علاوه بر این، اندیشکده ادبیات‌پایداری، حلقه وصل مناسبی برای دانشگاه‌ها خواهد بود. پرداختن به



دکتر حامد صافی

مسائل بنیادی ادبیات‌پایداری در قالب تدوین منابع و برگزاری نشست‌های علمی (که در دستور کار اندیشکده قرار گرفته است)، آینده پرامیدی را نوید می‌دهد. گام بعدی، اتصال اندیشکده به بدنه وزارت علوم خواهد بود که در این صورت، بدون تردید، این قابلیت وجود خواهد داشت که این اندیشکده مرجعیت ادبیات‌پایداری را برای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به دست آورد.

باشد، اصالت است؛ موضوع پژوهش باید حاوی مبحثی تازه برای مخاطب باشد. اصالت موضوع تنها با مطالعه فراوان و احاطه کامل بر افق‌های دانش دست‌یافتنی است. ممکن است اصالت پژوهش به روش تازه‌ای بازگردد که پژوهشگر از آن بهره گرفته است. به بیانی دیگر، پژوهشگر مسئله‌ای را که پیش از او، دیگری به آن پرداخته، با روشی تازه و دیگرگون بررسی می‌کند. جامعه مورد مطالعه و حوزه جغرافیایی پژوهش، عامل دیگری

برای اصالت بخشی به پژوهش است؛ برای نمونه، ممکن است پژوهشگر مؤلفه‌های ادب پایداری را در شعر شاعری بررسی کند که پیش از این کسی به آن نپرداخته است. در این صورت، پژوهش او از نظر تازگی جامعه آماری اصالت دارد. حال اگر اشعار ایرانی را که بارها به آن پرداخته شده با روش تطبیقی با اشعار شاعران عرب مقایسه و بررسی کنیم، پژوهش ما از منظر روش، اصالت خواهد داشت.

فقدان مسئله‌یابی، بزرگ‌ترین آسیب

همان‌گونه که آثار ادبیات پایداری به سبب شرایط تازه اجتماعی-فرهنگی جهان کم‌سابقه‌اند،

پژوهش‌های عرصه ادب پایداری نیز پشتوانه تاریخی دور و درازی ندارند. بنابراین، این آسیب در اغلب پژوهش‌های این عرصه دیده می‌شود. پریشانی در تعریف ادبیات پایداری یکی از این آسیب‌هاست. تعاریف مرزهای هر دانش را فراروی دانش پژوه و پژوهشگر ترسیم می‌کند؛ اگر تعریف درست، جامع و مانعی از «ادبیات» نداشته باشیم، این خطا از ما سر خواهد زد که آثاری را

عرصه دانشجویانی هستند که در دوره کارشناسی ارشد، گرایش ادبیات پایداری را برای تحصیل انتخاب کرده‌اند. اینکه آیا دوره کارشناسی ارشد می‌تواند تسلط بر رویکردها و روش‌های پژوهش در ادب پایداری را به دانشجو بیاموزد یا نه، پرسش چالش برانگیز دیگری است که پاسخش را به عهده مخاطب می‌گذارم. به نظر من اندیشکده می‌تواند در قالب دوره‌های کوتاه مدت و بلندمدت این مهارت را به نوپژوهشگران بیاموزد.

جایگاه مسئله‌شناسی

در پژوهش‌های ادبیات پایداری

پژوهشگر باید در زمینه‌ای که می‌خواهد به آن ورود کند احاطه کافی داشته باشد. برای مثال، اگر می‌خواهیم در زمینه شعر دفاع مقدس پژوهشی را بیاغازیم، باید بر شعر معاصر احاطه کافی داشته باشیم. باید توجه داشت که احاطه بر موضوع به این معنا نیست که جزء صاحب نظران موضوع باشیم بلکه باید مبانی موضوع تخصصی خود را بشناسیم و نسبت به منابع آن آگاهی کافی داشته باشیم. علاوه بر این، پژوهشگر باید فرایند پژوهش را بدون سوگیری و پیش فرض‌های لایتغیر به سرانجام برساند و اگر فرضیه‌ای

طرح می‌کند، برای اثبات آن به استدلال‌های علمی و تحلیل‌های منطقی متوسل شود. البته طبیعی است که هر پژوهشگر، پیش از آغاز پژوهش، علاقه و باورهای شخصی دارد؛ اما این علایق نباید موجب جهت‌گیری برای پیشبرد بحث و تحلیل داده‌ها شود و پژوهش نباید عرصه عرضه علایق شخصی نویسنده باشد. مهم‌ترین بایسته‌ای که پژوهشگر باید در نظر داشته

«بررسی مؤلفه‌های ادبیات‌پایداری در شعر...» عنوانی پربسامد در مقالات مرتبط با ادبیات‌پایداری است. خاستگاه این آسیب، فقدان مسئله‌یابی است. درنهایت، چنین پژوهش‌هایی بدون مخاطب هم خواهند بود.

نگاهی گذرا به عناوین و چکیده‌های پایان‌نامه‌های دانشگاهی نشان می‌دهد که اگر نگوییم رونویسی پژوهشی، دست‌کم دچار زاویه دید ثابت در این زمینه شده‌ایم. یعنی نه تنها حاضر نیستیم به کشف مسائل تازه بپردازیم، گویی به جای مسئله‌یابی، روش‌ها و رویکردهای پژوهشگران دیگر را به متون تحمیل می‌کنیم. بیشتر پژوهش‌هایی که در قلمرو ادبیات‌پایداری انجام می‌شود از روش‌هایی یکسان و تکراری پیروی کرده‌اند. چه بسا تازگی موضوعات و زمینه‌های پژوهش ادبیات‌پایداری پژوهشگران را از دستیابی به روش‌های نوین بازداشته است؛ فقدان مبانی مستحکم و درست روش‌شناختی در پژوهشگران را می‌توان عامل دیگری در خلق این آسیب برشمرد.

در طول سال سمینارها و کنگره‌ها و جشنواره‌های ارزیابی کتاب، در جریان‌سازی و تولید اثر (پژوهشی یا ادبی) نقش قابل توجهی دارند. افزون‌براین، جشنواره‌های ارزیابی کتاب در معرفی کتاب و اثر برگزیده و برتر به مخاطبان نیز نقش دارند. با این حال، به نظر می‌رسد همان آسیب‌های حوزه پژوهش ادب‌پایداری در این قبیل برنامه‌ها هم قابل پیگیری است؛ فقدان مسئله‌یابی دقیق، روشن، بی‌تعارف و علمی، به‌هرصورت، سیاست‌گذاران این جشنواره‌ها و کنگره‌ها باید براساس مسئله‌ها و برای کمک به حل آنها برنامه‌ریزی کنند تا دچار کار نمایشی و ظاهری نشویم. نکته دیگر اینکه در کنار توجه به مسائل کاربردی، نباید از پژوهش‌های بنیادی و بسط آنها در سمینارها و کنگره‌ها غافل شد.

امکانات و موانع پیش‌رو در راه پژوهشگران

بهره‌گیری بیش از حد پژوهشگران از آرای متفکران

که ارزش ادبی ندارد در زمره ادبیات برشمیریم و به بررسی آنها بنشینیم و برعکس، از شاهکارهای ادبی چشم‌پوشانیم. بنابراین، پژوهشگر باید به تعاریف درست و متقن از موضوع اصلی و دانش مدنظر خود مسلح باشد. تشبث و پریشانی در برداشت از مفهوم «ادبیات‌پایداری» را می‌توان مهم‌ترین چالش و آسیب‌فراروی پژوهشگران این عرصه دانست. در کنار پریشانی تعاریفی که از ادبیات‌پایداری ارائه شده است، فهم نادرست از ادبیات‌پایداری یکی از آسیب‌های پژوهش در این عرصه است؛ تا جایی که متون تاریخ شفاهی و خاطره‌نیز از زیرگونه‌های ادب‌پایداری شمرده می‌شود. باورمندان به این تقسیم‌بندی از این نکته غافل مانده‌اند که هر متن برای آنکه در زمره آثار ادبی به‌شمار آید، وابسته به ویژگی‌هایی است که آن را از سخنی غیرادبی ممتاز و متفاوت می‌سازد. درست است که خاطره می‌تواند یکی از انواع نثر ادبی به‌شمار رود، اما توجه به برجستگی‌های ادبی، قاعده‌افزایی‌ها و شگردهای ادبی در متن خاطره می‌تواند از شروط اصلی برای ادبی بودن آن به‌شمار رود. اصرار بیش از اندازه برخی از سازمان‌ها (که از لحاظ سازمانی متولی فرهنگ دفاع مقدس هستند) بر جمع‌آوری تاریخ شفاهی و القای متون تاریخ شفاهی به عنوان ادبیات‌پایداری آسیب جدی و چالش بزرگی است که عرصه ادبیات‌پایداری را تهدید می‌کند. اندیشکده ادبیات‌پایداری می‌تواند در ترمیم و تصحیح این برداشت نادرست، سهم بزرگی داشته باشد.

یکی از آسیب‌هایی که در پژوهش‌های ادبیات‌پایداری به‌وفور دیده می‌شود، فقدان مسئله‌یابی است. جست‌وجوی ساده در مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی حاکی از آن است که بسیاری از نوپژوهشگران با الهام از عنوان‌های پژوهش‌های پیشین، بدون آنکه به مسئله پژوهش دست یابند، عناوین جدیدی را رونویسی کرده‌اند. این در حالی است که مسئله‌یابی نیازمند مطالعه و تمرکز عمیق در زمینه پژوهش است. برای نمونه، عنوان

اگر تجارب تاریخی و عملی به ضوابط و قواعد منطقی، علمی و ذهنی تبدیل نشود، ارزش معرفت‌شناسانه خود را از دست می‌دهد. نتیجه اینکه بحث «روش علمی» باید به عنوان پایه و محور تمام مطالعات قرار گیرد تا بتوان به برون‌داد آن اعتماد کرد.

هر پدیده نوظهور و یا نوتعریف و یا نوشناس، قطعاً نیاز به پژوهش به روش علمی دارد تا ابعاد جزئی و کلی آن در مراتب بنیاد، نهاد و نماد، معین و صیورت آن مشخص و جریانات موافق و مخالف آن قابل بررسی و پیش‌بینی باشد. به همین دلیل است که ادبیات پایدار به عنوان پدیده‌ای پُرسابقه ولی نوظهور، هنوز در مرز تعریف و بازشناسی قرار دارد و به شدت نیازمند پژوهش‌های علمی و همه‌جانبه است.

ضرورت پژوهش در عرصه ادبیات پایدار چند سالی است که مورد توجه مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی قرار گرفته و پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالاتی چند به منظور تبیین مبانی ادبیات پایدار و شناخت محدوده، محتوا و شاخه‌های آن منتشر شده است، اما نبود مرکزی که اولاً به سامان‌دهی این پژوهش‌ها براساس نیازهای علمی

بپردازد، ثانیاً از پژوهش‌های غیرعلمی و ضعیف پیشگیری کند، و ثالثاً مواظب کارهای تکراری، موازی و بعضاً متناقض باشد شدیداً احساس می‌شود. بنابراین، اگر اندیشکده ادبیات پایدار کمر همت برای انجام دادن چنین رسالت خطیری بسته، جای بسی خوش‌وقتی و امیدواری است. در این راه خطیر باید توجه داشت که هر پژوهش روشمند علمی دارای سه مرحله اساسی است:

کشورهای دیگر و اتکا به نظریه‌های ادب مقاومت در ملل دیگر، یکی از موانع پیش‌روست که موجب برداشت نادرست از چیستی ادب پایدار و باعث چالش و پریشانی در تعریف شده است. به همین سبب، ضروری است پژوهشگران و اندیشمندان ادبیات پایدار با تکیه بر اندیشه‌های بومی و جهان‌بینی دینی و اسلامی که قابل تطبیق بر مسائل امروز جهان است، دست به نظریه‌پردازی در ادبیات پایدار بزنند.

یکی از فرصت‌های پیش‌روی پژوهشگران حوزه ادبیات پایدار دسترسی آسان به منابع این حوزه است. وجود کتابخانه‌های تخصصی ادبیات پایدار به‌ویژه کتابخانه جنگ حوزه هنری یکی از این فرصت‌هاست. البته پژوهشگران استان‌ها دسترسی محدودتری به این منابع دارند. حوزه هنری می‌تواند با اجرای طرح‌هایی این دسترسی را گسترش دهد. برای نمونه، توسعه کتابخانه‌های دیجیتال گامی مؤثر و راهگشا خواهد بود.

دکتر محمدصادق بصیری

ضرورت پژوهش

در عرصه ادبیات پایدار

شکی نیست، مهم‌ترین مسئله هر نوع معرفت‌شناسی و علم‌شناسی، ایجاد تعادل بین عینیت و ذهنیت در علم است. اگر تجربه عینی به قواعد و قوانین ذهنی و روشمند نینجامد، علم و معرفت تشکیل نمی‌شود و اگر قواعد ذهنی، بریده از واقعیت عینی باشد، واقع‌نمایی و حکایت‌گری (رئالیسم) خود را از دست می‌دهد. همچنین،

۱. مسئله (طراحی مسئله)،
۲. نظریه (ابداع نظریه)،
۳. آزمون (ارزیابی و اعتبارسنجی).

مسئله (طراحی مسئله)

تحقیق و پژوهش علمی «فرایند حل مسئله است» و در مقابل، تعلیم و آموزش «فرایند پاسخگویی به سؤال»

محسوب می‌شود. چه تفاوتی بین «سؤال» و «مسئله» وجود دارد؟ و تحقیق و پژوهش چرا مسئله‌محور، نه سؤال‌محور است؟ تمایز و تفکیک منطقی سؤال و مسئله از اهمیت بسزایی در روش تحقیق برخوردار است و خلط این دو مقوله به خلط حوزه پژوهش و آموزش می‌انجامد؛ همین آفتی که امروز در بیشتر تحقیقات علوم انسانی به‌ویژه در ساحت ادبیات‌پایداری مشاهده می‌شود. گویا پژوهشگران ما نمی‌دانند که یک تحقیق و پژوهش علمی منطقاً پس از آموزش و تعلیم و یا لاقلاً در عرض آموزش عالی مورد توجه قرار می‌گیرد و این بدان معناست که طراحی و تبیین مسئله پژوهشی اساساً پس از پاسخگویی به سؤالات آموزشی شکل می‌گیرد و



دکتر محمدصادق بصیری

و واقعیات را در پرتو تئوری‌ها و نظریات موجود و مورد قبول، توجیه و تفسیر کنیم. مسئله پژوهشی آن‌هنگام در ذهن شکل می‌گیرد که این انتظار برآورده نشود؛ یعنی در پرتو نظریات موجود، انسان از توضیح و تفسیر پاره‌ای پدیده‌ها عاجز باشد؛ دراین صورت، انتظار و توقع توجیه، تفسیر و تبیین برآورده نمی‌شود و مسئله زاییده می‌شود؛ به عبارت دیگر، اگر ذهنیت علمی ما در توضیح عینیت خارجی ناتوان باشد، مسئله ایجاد می‌شود؛ مسئله از تعارض و تقابل عینیت و ذهنیت (علم و جهل) خلق می‌شود. بنابراین، به‌وضوح درمی‌یابیم که اگر ذهنیت علمی مناسبی وجود نداشته باشد، اساساً مسئله‌ای نیز به وجود نخواهد آمد، زیرا در زمینه‌ای که انسان فاقد اطلاعات است (به سؤالی پاسخ نگفته) طبعاً مسئله‌ای نیز ندارد.

نظریه و آزمون

از تقابل و تعارض بین ذهنیت علمی و واقعیت خارجی مسئله زاییده می‌شود و هنگامی که ذهن از توضیح عینیت و واقعیت باز می‌ماند، مشکل ایجاد می‌شود. این مطلب درعین حال بدین معناست که مسئله به‌وجودآمده راه‌حلی در چارچوب تئوری‌ها و نظریات موجود ندارد؛ زیرا به فرض وجود چنین راه‌حلی، اساساً مسئله به وجود نمی‌آید؛ پس به ناگزیر، محقق برای حل مسئله باید به طراحی و تدوین فرضیه‌ای جدید و نظریه‌ای بدیع مبادرت کند. مرحله آزمون نیز در روش علمی شاید مهم‌ترین رکن روش تحقیق باشد، زیرا این مرحله، روش محقق کردن نظریات و فرضیه‌ها را موجب

بنابراین، آموزش مناسب مقدمه، زمینه و شرط لازم یک پژوهش ارزشمند و ثمربخش است. وقتی در حوزه‌ای معین، مثل ادبیات‌پایداری، اطلاعات کافی و مناسب کسب می‌کنیم (آموزش) و با تئوری‌ها و نظریات موجود در این حوزه به میزان لازم آشنا می‌شویم، این اطلاعات علمی در ما انتظاراتی را خلق و ایجاد می‌کنند؛ انتظار این است که در حوزه مورد مطالعه بتوانیم پدیده‌ها و

در سطح ملی به تصویب انجمن رسید و اولین کنگره در ۱۷ و ۱۸ اسفندماه ۱۳۸۴ در کرمان برگزار شد و تاکنون این کنگره به‌طور دوسالانه برگزار و مقالات آن تحت عنوان «نامه پایداری» چاپ و منتشر شده است.

براساس ضرورت‌های پیشنهادی در کنگره اول مبنی بر طرح نظریه ادبیات پایداری در یک کرسی نظریه‌پردازی، این امر در سال ۱۳۸۶ تحقق یافت و نظریه ادبیات پایداری همراه با بیان تعریف علمی از آن در دانشگاه شهید باهنر کرمان با حضور متخصصان و صاحب‌نظران و داوران در یک کرسی نظریه‌پردازی توسط بنده ارائه شد که این تعریف در کرسی‌های دیگر تکمیل شد و در کتاب سیر تحلیلی شعر مقاومت در ایران (ج ۱) از طرف انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان به چاپ رسید.

با راه‌اندازی رشته ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها، ضرورت تحقیق و پژوهش بیشتر در این زمینه برای تقویت علمی مباحث و روزآمد شدن استادان احساس شد و پیشنهاد راه‌اندازی نشریه علمی پژوهشی ادبیات پایداری مطرح و با پیگیری فراوان، مجوز این نشریه از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گرفته شد و این نشریه به عنوان نخستین نشریه علمی پژوهشی در حوزه ادبیات پایداری ایران به سال ۱۳۸۸ در دانشگاه شهید باهنر کرمان منتشر شد و تاکنون به صورت دوفصلنامه با هیئت تحریریه متخصص و با داوری‌های بسیار دقیق، در حال انتشار است.

اما با تمام این فعالیت‌های علمی و خالصانه، همچنان ضعف مسئله‌یابی و ابداع نظریه و ارزیابی و اعتبارسنجی برقرار است. امیدواریم پویایی که در اندیشکده ادبیات پایداری در امر پژوهش آغاز شده به لطف خداوند متعال و با همت بلند و دانش و دلسوزی اعضای محترم، بتواند راهگشا و راهنمای رشد و بالندگی ادبیات پایداری به شمار آید.

می‌شود و منظور از روش تحقیق به معنای دقیق کلمه، همین مرحله است.

اندیشکده ادبیات پایداری باید در نخستین گام به این ندانم‌کاری پایان دهد و راه را برای پژوهش‌های مسئله‌محور، نظریه‌پرداز و قابل ارزیابی و اعتبارسنجی بگشاید.

هنوز در بیشتر برگه‌های پیشنهاد پژوهشی (پروپزال) سؤال و مسئله را یک‌جا می‌آورند و پژوهشگران بدون توجه به تفاوت آنها، برحسب عادت و برای خالی نبودن عریضه، چیزهایی می‌نویسند و شوراها پژوهشی نیز بدون دقت، موضوعاتی را تصویب می‌کنند که عمدتاً نه مسئله‌ای را حل و نه ابهامی را رفع می‌کند. اگر این روش ادامه یابد، کارنامه ادبیات پایداری چیزی جز تکرار مکررات و توضیح واضحات و سرنوشت آن جز فراموشی و اضمحلال تدریجی نخواهد بود.

نقش دانشگاه شهید باهنر کرمان در تقویت علمی ادبیات پایداری

البته نباید از نظر دور داشت که در سال‌های اخیر گام‌های خوبی برای علمی کردن و روشمند ساختن ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها صورت گرفته است. برای مثال، در دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۸۳ جمعی از استادان زبان و ادبیات فارسی با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، انجمن ادبی دفاع مقدس را بنیان نهادند و در گام نخست، موضوع ایجاد رشته ادبیات پایداری در دانشگاه مطرح و پس از طی مراحل قانونی، نسبت به تعیین سرفصل‌های این رشته در مقطع کارشناسی ارشد اقدام شد و نهایتاً به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید و این رشته ابتدا در دانشگاه شهید باهنر کرمان و سپس در دانشگاه‌های دیگر کشور شکل گرفت.

در گام دیگر برای کسب نظر سایر محققان ادبی در سراسر کشور، طرح برگزاری کنگره ادبیات پایداری

سیده زیبا بهروز

لُزوم رعایت روشمندی و معیارمداری در پژوهش

فارغ از اینکه برای ادبیات بتوان مناسبی با علم قائل بود یا خیر، اما بی‌تردید، پژوهش در ادبیات فرایندی علمی است. حتی به دلیل پیچیدگی‌های آثار ادبی و انسانی بودن آن، روش‌مندی پژوهش‌ها در ادبیات اهمیت بیشتری دارد. تحقیق و تتبع در ادبیات پایداری مستلزم

تمام بایسته‌های تحقیق در دیگر گونه‌های ادبیات است و از آنجاکه این حوزه در آغاز راه خود در بیرون شدن از محاق ناشناختگی و تزامم دیگر گونه‌های ادبی و عرضه شدن در قالب چارچوبی معین و منحصربه‌خویش قرار دارد، باید ابتدا بتوان سرشت پایداری در یک اثر ادبی را از پس لایه‌های چندتوی ادبیات آن به‌وضوح مشاهده کرد و بدیهی است که شناخت این وجه غالب و متمایزکننده هرچند در مرزبندی قاطعی نگنجد بدون شناخت وجوه ممیزه دیگر گونه‌ها همچون ادبیات عرفانی، ادبیات غنایی، ادبیات عامه یا ادبیات حماسی و... به‌سادگی یا باطمینان حاصل نخواهد شد.

ازسوی دیگر، پژوهش علمی آن

است که صرفاً برای و به‌خاطر پژوهش نباشد بلکه با انجام آن، مجهولی معلوم شود یا مسئله‌ای مطرح یا حل شود یا افق تازه‌ای فراروی مخاطبان گشوده شود. پژوهشگر ادبی، برخلاف پژوهشگر علوم طبیعی، با پدیده‌ای تمام و کمال در خود و منحصربه‌فرد و تکرارناپذیر روبه‌روست، بنابراین رویکرد اصلی و تمرکزیش بیشتر بر کشف روابط گوناگون درون‌متنی، بینامتنی و فرامتنی آثار و درک

و دریافت اندیشه و ایده مستتر در آن خواهد بود. به‌هرحال، اظهارنظر درباره‌ی کم و کیف یک اثر ادبی زمانی قابل ارائه در مجامع جهانی و کانون توجه خواهد بود که دلایل ارائه‌شده متقن و مستند باشند؛ فارغ از اینکه برخی آن را بپذیرند یا برخی با دلایل دیگر به خلاف آن معتقد باشند. ازسوی دیگر، نحوه‌ی بسط و شرح موضوع و درنظر داشتن منطق کلامی و استنادی نیز اهمیت دارد.

درک اندام‌وارگی پدیده ادبی

در پژوهش

در تحلیل و نقد ادبی شاید هیچ رویکردی لغزش‌پذیرتر از توجه به بخش یا جنبه‌ای از اثر با قطع ارتباط آن با کلیت و تمامیت حیات‌مند آن اثر نباشد. همان‌طور که بررسی فرایند فتوسنتز در برگ جداشده از درخت امکان‌پذیر نیست، و به بیان مولانا در اتاقی تاریک و تنها با لمس عضوی از بدن فیل نمی‌توان درباره‌ی او نظر داد، بررسی و مطالعه‌ی یک صحنه از یک اثر مثلاً مرگ سهراب به دست رستم به‌صورت قاب‌بندی‌شده و منفک از کل شاهنامه نیز نتیجه و درک درستی از آن صحنه و اثر به‌دست نخواهد داد و چه بسا خلاف حقیقت امر را به ذهن متبادر کند. اندام‌وارگی در

اثر ادبی نخستین خصیصه‌ای است که یک پژوهشگر باید درنظر داشته باشد. دقیقاً در همین موضع است که رشته ارتباطی بین رویکردهای گوناگون به یک اثر ادبی نیز آشکار می‌شود؛ به‌نحوی که نتایج یکی مؤید دیگری خواهد بود. بررسی‌های ریخت‌شناختی، پدیدارشناختی، هستی‌شناختی، معناشناختی، نشانه‌شناختی که همگی مطالعاتی درون‌متنی هستند و فارغ از عوامل بیرونی و

از مسائلی که
در حوزه پژوهش در ادبیات،
به‌ویژه ادبیات پایداری
در برهه کنونی رخ نموده است،
یکی مسئله نقد و تحلیل
علمی و تأثیرگذار است که البته
هرچند مقوله‌ای تالی است،
اما اهمیت آن کمتر از مقدم،
یعنی همان اثر ادبی نیست؛
به بیانی دیگر، اثر ادبی به یاری
نقدها و تحلیل‌های
قوی و منصفانه است که
رسالتش کامل می‌شود.

و گرایش‌های ذهنی و امیال و نیازهای مردم آن دوره با شیوه و بیانی بلیغ، آثار را نقد و معرفی می‌کنند.

در وضعیت موجود که از یک سو، تسلط بر اندیشه و ذهنیت انسان‌ها، هدف قدرت‌طلبی‌ها و بهره‌جویی‌ها شده و از سوی دیگر، اندیشه‌ها و اذهان نیز در برابر ورود ایده‌ها و شکل‌گیری باورها اعم از درست یا نادرست مقاوم‌تر شده‌اند، حساس بودن و داشتن عملکردی واقعی و اساسی اهمیت دارد. واژه‌ها و کلمات در ذهن نسل جدید در حال دگردیسی‌اند و اگر این اتفاق به نحوی صحیح هدایت و مراقبت نشود، چه بسا برخی از مهم‌ترین آنها رنگ باخته و مضمحل شوند. اینجاست که باید نقش و مفهوم واژه‌پایداری را-که وجه مثبت در آن غالب است-بیش از پیش در زندگی و جامعه نمایان ساخت و آن را در برابر واژه‌مقاومت-که حامل هر دو بار معنایی مثبت و منفی است-برکشید. برای روشن‌تر شدن مطلب، چند مورد را برای نمونه بازگو می‌کنم که از قضا نه تنها بحث اصلی متفکران حوزه‌پایداری است بلکه مسئله‌امروزی جامعه نیز به‌شمار می‌رود: یکی دین و صبغه دینی و رسالت دینی و موضوعات مرتبط به دین است، و دیگری موضوع زن و مقام و جایگاه اوست.

به‌طور مثال، در مورد موضوع دین ابتدا باید پرسید که اساساً منظور از صبغه مذهبی و دینی چیست؟ ضرورت آن و ملزومات آن کدام است؟ آیا همین که در اثری جابه‌جا صرفاً از کلیدواژه‌هایی مثل سجاده و نماز و ذکر و تسبیح و... استفاده شود منظور برآورده می‌شود؟ یا لازم است که از منظر بنیادی نیز تبیین و به جایگاه انسان در مقابل خدا و مسئله عبودیت به نحوی هنرمندانه و ضمنی، همساز با تجارب زیسته نسل حاضر نگریست و با معیارهای سطحی و بدون ژرف‌نگری همه‌جانبه و تأثیر کلی آنها بر آثار برجسب نزد.

به‌نظر می‌رسد پی‌ریزی محکم در چنین بنایی است که منشأ تأثیرگذاری است نه نمای آراسته آن؛ زیرا نیاز نسل کنونی آن است که بتواند ابتدا مدلول را درک کند و

محیط و مؤلف به متن می‌نگرند، همگی تنها در دایره حفظ چنین پیوندی به دستاوردهایی همگرا و به عبارتی علمی از یک اثر رهنمون می‌شوند که قطعاً این همسویی در غایت رویکردها به داوری منصفانه نیز خواهد انجامید.

روزآمدی و ژرف‌نگری در نقد اثر ادبی

از مسائلی که در حوزه پژوهش در ادبیات، به‌ویژه ادبیات



دکتر سیده زیبا بهروز

پایداری در برهه کنونی رخ نموده است، یکی مسئله نقد و تحلیل علمی و تأثیرگذار است که البته هرچند مقوله‌ای تالی است، اما اهمیت آن کمتر از مقدم، یعنی همان اثر ادبی نیست؛ به بیانی دیگر، اثر ادبی به یاری نقدها و تحلیل‌های قوی و منصفانه است که رسالتش کامل می‌شود. اثر ادبی پیام است و تحلیلگران چونان پیامبران در دوره‌های مختلف هستند که متناسب با هر دوره

عظمت خداوند و عشق و محبت میان آن دو، تمام آن چیزی است که دین درصدد ابلاغ آن است و اندیشکده پایداری می‌تواند به انسان کنونی در این مسیر یاری رساند. با این هدف، می‌توان مفهوم دین را نه فقط در بین مسلمانان بلکه از منظر تمامی دین‌مداران دیگر نیز همدلانه در آثار طرح کرد و آن را برای پیروان ادیان دیگر هم ملموس ساخت.

در مورد موضوع دوم یعنی تبیین نقش زن و جایگاه او، به جرئت می‌توان گفت اشعار و داستان‌های ادبیات پایداری دست‌مایه‌های خوبی برای این تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن هستند؛ چه در مقام تولید اثر، چه در مقام نقد و تحلیل آن. همین رگه‌های ظریف وجود زن در داستان‌ها، چنانچه کشف و ادراک شوند، یک وجه تمایز مهم میان آثار پایداری شرق و غرب یا بهتر بگوییم ایران و دنیای غرب را آشکار خواهد ساخت، و آن اکرام مقام زن است. زن در ادبیات پایداری ایرانی، به‌ویژه پس از انقلاب، زنی مدیر و مدبّر و کاردار و قوی ظاهر شده است. توانایی‌ها و احساسات او ستوده شده و نقطه عطف بوده است.

در چنین ادبیاتی زن با آن کوچک‌شماری، تنزل جایگاه، تحت جبر و سیطره مردان بودن و در موقعیتی مغلوب یا به‌شکل موجودی نیازمندِ ترخّم که عموماً در داستان‌های غربی توصیف شده دیده نمی‌شود؛ برای نمونه، در رمان پل معلق، تصویر چشمان دختر روستایی در ذهن سرباز نماد جسارت و اراده است. در سفر به گرای ۲۷۰ درجه، مادر مسلط بر اوضاع بحرانی

از گرفتاری در دام دال‌هایی که برایش بی‌معنی یا بدمعنی شده رها شود و به بینشی حقیقی و صحیح دست پیدا کند و به بیان مولانا با عبور از پوسته به مغز برسد و در پسِ نمودهای بعضاً خطاپذیر، آن بودِ حقیقی را ببیند. توجه به این مهم از نهادهای چون اندیشکده پایداری انتظار می‌رود.

اکنون زمانی است که باید در آثار به دنبال رگه‌های

اندیشگانی دین بود که چون رشته‌های انسجام‌بخش در کل آن اثر خزیده و پیچیده است و در عمق جان خواننده نفوذ می‌کند؛ به بیانی بهتر، «روزآمد» (سنگری، ۱۴۰۱، ۱۲) اندیشید و در ادبیاتی که واجد این ویژگی است، تحلیل سنتی ارائه نکرد. ویژگی ادبیات دوران مدرن این است که از چنبره پیرنگ و قالب‌های محدودکننده رها شده و در همان جایی که ایستاده جهان را درمی‌نوردد. ادبیات مدرن برخلاف ادبیات کلاسیک که طرحی پویا، واقع‌گرا و غایتمند داشته و مبتنی بر عدالت ادبی بوده است، آزاد از طرحی خاص، ایستا، درون‌گرا و فارغ از دغدغه غایت یا پایانی لزوماً عدالت‌محور است. این ادبیات در پی ایجاد تکانه ذهنی از طریق

گشودگی در برابر جهان هستی است؛ انسانِ دوران مدرن برخلاف انسانِ دوران کلاسیک که می‌نوشته تا بگوید که در آرزوی چیست، می‌نویسد تا بگوید که کیست و جهان هستی در نظرش چگونه است. این همان گام نهادن در مسیری شناختی است که چنانچه هدایت شود به آگاهی منتهی خواهد شد و تمام مشکلات و موانع از سر راه کنار خواهند رفت. شناخت موقعیت و مرتبه آدمی در برابر

اثر ادبی پیام است
و تحلیلگران چونان پیامبران
در دوره‌های مختلف هستند
که متناسب با هر دوره
و گرایش‌های ذهنی
و امیال و نیازهای مردم آن دوره
با شیوه و بیانی بلیغ،
آثار را نقد و معرفی می‌کنند.

دفاع مقدس اما جای تردیدی نیست که مسئله دفاع از همین ارزش‌های انسانی و همسو با مفهوم مثبت مقاومت مطرح است. از این منظر، جایگاه انسان نه تنها ذره‌ای تنزل نمی‌یابد بلکه خود جنگ و مقاومت اساساً برای حفظ همین جایگاه و در خدمت آن است. از این نمونه‌ها در آثار فراوان می‌توان یافت که هریک به‌شکلی گویای افکار و نگرش‌های نویسندگان و در بعد وسیع‌تر، یک ملت نسبت به مفاهیم و پدیده‌ها هستند و اندیشه‌مندان این حوزه را به پژوهش و واکاوی فرامی‌خواند.

اهمیت پژوهش در زمانی در مورد اصطلاحات و مفاهیم

در تحقیق درباره معانی و مفاهیم و به‌ویژه اصطلاحات تخصصی نیز گردآوری اطلاعات جامع درباره ساخت واژه‌ای که بر آن معنا و مفهوم دلالت می‌کند، ریشه‌شناسی، محل و تاریخچه پیدایش و سیر تطور آن (رویکرد در زمانی) نخستین گامی است که به‌واسطه آن پژوهشگر در مسیر صحیح و با احتمال خطای کمینه قرار می‌گیرد؛ بدیهی است که این رویکرد در ادامه راه به پژوهش هم‌زمانی نیز منتج خواهد شد.

به‌هرروی، به‌نظر می‌رسد که هر گونه اظهارنظری در زمینه‌های تخصصی به تأمل و دقت نظر و تحقیق و پژوهش جامع نیازمند است و ورود به عرصه تحقیق در ادبیات به روشی علمی و قاعده‌مند مستلزم گذر از موانعی است که بی‌توجهی به آنها از منظر آسیب‌شناختی زمینه‌ساز خلل و نقصان در کار خواهد بود. ■

خانواده و تنش‌های آن است و در جهت برقراری آرامش می‌کوشد و خواهر شخصیتی محبوب و دوست‌داشتنی است که یادش قوت قلب سرباز است. اما در رمان در جبهه غرب خبری نیست، حتی مادر موجودی بینوا، زجرکشیده و مقهور جنسیت خود و مادر شدنش تصویر شده است.

در آثار غربی با موضوعات جنگ و انقلاب و مقاومت، غالباً جنگ بر انسان‌ها و روابطشان غلبه داشته و به ناکامی‌های احساسی و سرخوردگی عواطف و دست شستن از اعتقاد و علایق متعالی زن و مرد ختم شده است. برای نمونه، در رمانی مثل خاموشی دریا، که ازجمله بارزترین رمان‌ها در ادبیات مقاومت فرانسه در زمان اشغالگری آلمانی‌ها محسوب می‌شود، با وجود متانت ذاتی و بیان فاخر و جذاب راوی و پردازش خوب شخصیت‌ها، روند داستان به یک ناکامی بزرگ ختم می‌شود که مولود قدرت و سلطه قواعد جنگ است. افسر آلمانی از عشق خود به فرانسه و فرهنگ و آدم‌هایش به خاطر جنگ و قوانین بی‌رحمانه آن دست می‌کشد و دختر فرانسوی نیز احساس خود را بروز نمی‌دهد و هر

دو تا انتهای داستان، نمایش جنگ را بازی می‌کنند و خود واقعیشان نیستند.

آیا چنین مقاومتی را باید به معنای ایثار در راه هدفی متعالی که برای آنها میهن‌پرستی است دانست یا رجحان هر چیز دیگری در دنیا به انسان و ارزش‌های او؟ گاهی بهتر است قضاوت نکرد و داوری را با طرح نکات درخور تعمق به خواننده سپرد. در داستان‌های

در تحقیق درباره معانی
و مفاهیم و به‌ویژه اصطلاحات
تخصصی نیز گردآوری اطلاعات
جامع درباره ساخت واژه‌ای
که بر آن معنا و مفهوم دلالت
می‌کند، ریشه‌شناسی،
محل و تاریخچه پیدایش
و سیر تطور آن
(رویکرد در زمانی) نخستین
گامی است که به‌واسطه آن
پژوهشگر در مسیر صحیح و
با احتمال خطای کمینه قرار
می‌گیرد؛ بدیهی است که
این رویکرد در ادامه راه
به پژوهش هم‌زمانی نیز
منتج خواهد شد.

چکیده

نگاهی به وضعیت پژوهش‌های ادب‌پایداری و برنامه‌ریزی مناسب به‌منظور رفع نقاط ضعف آن‌ها از مسئله‌یابی تا ارائه نتایج راهبردی، اهمیت مطالعه این موضوع را ضروری می‌نماید.

بدین منظور این نوشتار با هدف بررسی آسیب‌شناسانه پژوهش‌های انجام شده در تبیین وضعیت موجود و نقش سازمان‌هایی مانند اندیشکده ادبیات پایدار حوزه هنری در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و ساماندهی پژوهش‌های ادب‌پایداری از منظر استادان رشته زبان و ادب فارسی و ادبیات پایدار انجام شده است.

۱. سرمایه‌انسانی؛ ۲. مسئله‌شناسی؛ ۳. مباحث نظری و ۴. روش‌شناسی است.

آسیب‌های حوزه ساختاری - سازمانی نیز شامل چهار بُعد؛ ۱. غلبه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک؛ ۲. فقدان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان؛ ۳. مسائل و مشکلات اقتصادی؛ ۴. مدیریت ناکارآمد و غیر متخصص است.

همچنین نقش اندیشکده ادبیات پایدار در سیاستگذاری و فعالیت‌های راهبردی، شبکه‌سازی و برقراری ارتباط با سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشگران، آموزشی (ساماندهی رشته ادبیات پایدار)، و ساماندهی پژوهش‌ها از منظر مصاحبه‌شوندگان بررسی شده است.

نگاهی آسیب‌شناسانه به پژوهش‌های ادبیات پایدار از منظر استادان زبان و ادب فارسی

لیلا باقری^۱، فاطمه سنگری^۲

واژگان کلیدی

پژوهش، ادبیات پایدار، روش‌شناسی، مسئله، نظریه، آسیب‌شناسی، سیاستگذاری.

طرح مسئله

توجه به پژوهش نقش مهمی در گسترش علوم دارد و پرداختن به رویکردها و روش‌های گوناگون پژوهشی می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه تحقیقات کارآمد و مؤثر باشد. پژوهش، بستری مناسب برای ارتباط بین مسائل و واقعیت‌های جامعه و پاسخگویی تخصصی و کاربردی به آن‌ها است. همچنین پژوهش «فرصتی برای تولید

روش استفاده در این مقاله، روش تحقیق اکتشافی بوده است. روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با یازده تن از پژوهشگران و منتقدان مطالعات ادب پایدار بوده است. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.

نتایج برآمده از این مطالعه نشان می‌دهد که آسیب‌های حوزه پژوهش در دو سطح علمی - پژوهشی و ساختاری - سازمانی طبقه‌بندی می‌شوند. آسیب‌های حوزه علمی - پژوهشی شامل چهار بُعد:

۱. دانش‌آموخته دکتری سیاستگذاری فرهنگی.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱۳۹۶ از نظر تعداد مقالات^۱ و در سال ۱۴۰۰ از نظر تعداد پایان‌نامه‌ها به اوج خود رسیده است.^۲

از مجموعه پژوهش‌های علمی که در زمینه ادبیات پایداری انجام شده انتظار می‌رود دریچه تازه‌ای را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد و برای مسائل موجود، راه‌حل‌های مناسب و کاربردی ارائه دهد. لازمه بررسی این مهم پاسخگویی به این سؤالات است که پژوهش‌های ادبیات پایداری تا چه اندازه مسئله‌محور بوده‌اند؟ به چه میزان به روش‌های تحقیق علمی پایبند بوده‌اند؟ چه مقدار پاسخگوی مسائل جامعه بوده‌اند؟

بررسی وضعیت پژوهش‌های ادب پایداری از منظر استادان رشته ادبیات فارسی و ادبیات پایداری می‌تواند در ترسیم تصویری کلی، یاریگر اندیشکده ادبیات پایداری در انجام رسالت خطیر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی رشته تحصیلی ادبیات پایداری و تعیین اولویت‌های پژوهشی باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکردهای میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های ادبی در سال‌های اخیر روبه‌گسترش بوده است (حیدری، ۱۳۹۹) و موجب بازخوانی آثار ادبیات فارسی با نگاهی تازه، چندوجهی و استفاده از روش‌های پژوهشی جدید شده است. این امر ضرورت ایجاد افق‌های جدید فکری، برقراری رابطه ادبیات پایداری با سایر رشته‌های علوم انسانی، تقویت استفاده از روش‌های پژوهشی را در آثار پژوهشی ادبی بیش از پیش می‌نمایاند. هدف از انجام این مطالعه بررسی آسیب‌شناسانه پژوهش‌های انجام شده در تبیین وضعیت موجود و حل مسئله و نقش سازمان‌هایی مانند اندیشکده ادبیات پایداری حوزه هنری در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و ساماندهی پژوهش‌های ادب پایداری از نظر استادان رشته زبان و ادب فارسی و ادبیات پایداری است.

دانش و پایگاهی برای تضارب آراست». (راز، ۱۳۹۴: ج) پژوهش‌های ادبیات پایداری یکی از گسترده‌ترین و پرتنوع‌ترین رویکردهای پژوهشی حوزه ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود. با وجود آنکه ادبیات پایداری و عنوان ادبیات پایداری شاخه نسبتاً جوانی از درخت زبان و ادبیات فارسی است، اما از میانه دهه هشتاد شمسی به بعد به سبب تأسیس رشته ادبیات پایداری، راه‌اندازی فصلنامه‌ها و نشریات علمی با این موضوع و ادبیات تولید جنگ هشت ساله (دفاع مقدس)، پژوهش‌های بسیار زیادی در این حوزه انجام شده است. چنانچه هنگامی که کلیدواژه «ادبیات پایداری» را در پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) جستجو می‌کنیم، با ۲۴۶۰ پایان‌نامه و رساله دکتری در این حوزه مواجه می‌شویم. تعداد رکورد‌های مقالات نوشته شده در این حوزه نیز بیش از ۱۰۰۰۰ مورد در جویشگر علمی فارسی (علم‌نت) نمایش داده می‌شود.

پژوهش‌های ادبی در ایران در تمام مراحل انجام تحقیق از ابتدا تا انتها به لحاظ کیفیت و مراحل تحقیق علمی دچار نقصان و کاستی‌های زیادی است (رضی، ۱۳۹۱) امروزه شیوه انجام پژوهش با مسئله‌مندی، فرآیند منطقی، منسجم، نظریه‌مند، روشمند و بدیع می‌تواند گره از مشکلات حوزه ادبی گشوده و بخشی از نیازهای جامعه را مرتفع نماید. انجام پژوهش با رعایت موارد ذکر شده، نیازمند ملزوماتی است که شامل برخورداری از مهارت‌های محققان در مسئله‌یابی، چارچوب‌بندی پژوهش، بهره‌گیری از روش تحقیق مناسب و پیوند ذهن و واقعیات روز جامعه است. «آموزش در زمینه تحقیق، مهارت‌ها و تکنیک‌ها عنصری کلیدی در رشد دانشجویان و محققان ادبیات است» (Sekar J. Johan, 2019).

نیم‌نگاهی به کارنامه پژوهشی ادبیات پایداری نشان می‌دهد که فعالیت‌های علمی این عرصه به لحاظ کمی بسیار رشد کرده است. به‌ویژه در سال‌های ۱۳۹۵ و

1. <https://elmnet.ir/search?q=%D8%A7%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D8%AA+%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C>
2. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/search?keywords=%D8%A7%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D8%AA%20%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C&basicscope=1>

روش‌شناسی

رویکرد انجام این پژوهش، کاربردی بوده و با روش تحقیق کیفی اکتشافی انجام شده است. بدین منظور با یازده تن از پژوهشگران و منتقدان مطالعات ادب پایداری مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق انجام شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شد. استخراج مضامین به این ترتیب بود که پس از پیاده‌سازی فایل مصاحبه ضبط شده، و خوانش مکرر متن مصاحبه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۲، کدهای اولیه استخراج و ایجاد شدند. شیوه نمونه‌گیری در مطالعه حاضر، روش نمونه‌گیری هدفمند یا معیارمحور بوده است. مصاحبه‌شوندگان با توجه به سابقه پژوهش ادبی، تجربه و تخصص انتخاب شدند و معیار کفایت تعداد مصاحبه‌شوندگان، اشباع نظری بوده است. این افراد به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

• **محمدصادق بصیری**، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
• **سیده زیبا بهروز**، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی؛

• **کامران پارسى‌نژاد**، عضو دائمی هیئت علمی حلقه ادبیات پژوهشگاه اندیشه، معاون پژوهش بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان؛

• **فرانک جهانگرد**، استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

• **احمد خاتمی**، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، استاد تمام و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، و مدیر قطب علمی «تاریخ ادبیات فارسی» دانشگاه شهید بهشتی؛

• **احمد رضی**، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛

• **محمود رنجبر**، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه گیلان؛

• **حامد صافی**، مدیر پشتیبانی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر؛

• **محمد رضا صرفی**، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛

• **اسحاق طغیانی**، عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان؛

• **کاظم کاظمی**، استادیار بخش علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده در دو شاخصه اصلی ارائه شده است که به ترتیب عبارتند از:

(الف) آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در تبیین وضعیت موجود و حل مسئله؛

(ب) نقش اندیشکده ادبیات پایداری در سیاستگذاری و ساماندهی پژوهش‌ها.

(الف) آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در تبیین وضعیت موجود و حل مسئله

مصاحبه‌شوندگان با رویکردی آسیب‌شناسانه به وضعیت موجود پژوهش‌های ادبیات پایداری پرداختند. آسیب‌های مطرح شده در دو سطح علمی، پژوهشی، و ساختاری - سازمانی طبقه‌بندی شد. آسیب‌های علمی - پژوهشی شامل چهار بُعد: ۱. سرمایه انسانی، ۲. مسئله‌شناسی، ۳. مباحث نظری، ۴. روش‌شناسی است.

آسیب‌های ساختاری - سازمانی نیز به چهار بُعد: ۱. غلبه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک، ۲. فقدان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان، ۳. مسائل و مشکلات اقتصادی، ۴. مدیریت ناکارآمد و غیر متخصص تقسیم شده است. در ادامه به توضیح مقولات مربوط به هر بعد در دو سطح نامبرده می‌پردازیم.

1. Thematic Analysis
2. Maxqda

مرکزی تحقیق فاصله بگیرد، و به ارائه اطلاعات درباره موضوع‌های مختلف بپردازد، پژوهش دچار آسیبی به نام «موضوع محوری» می‌شود. (قبول، ۱۳۹۰: ۳۴)

۳-۱. مباحث نظری: معمولاً در پژوهش‌های ادبیات پایدار، پژوهشگران با چارچوب مفهومی و نظری تحقیق نمی‌کنند و به تعاریف متغیرها یا واژه‌های مهم پژوهش بسنده می‌کنند. الف) نامشخص بودن تعریف و انواع ادبیات پایدار، ب) تحریف حقایق پایدار به دلیل به کارگیری نادرست نظریه‌های مکاتب غربی و فقدان دانش بومی، دو مقوله مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به ویژه بصیری، جهانگرد، صافی، طغیانی، و پارسی‌نژاد بوده است. برخی پژوهش‌های ادب پایدار به دلیل برداشت‌های نادرست و سطحی از مفاهیم نظری، دچار اشتباه شده و انفصال بین نظریه و روش ایجاد شده است.

علیرضا محمدی کله‌سری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «گزینش متن و روش‌شناسی مطالعات ادبی» به این نتیجه دست یافته است که در پژوهش‌هایی که در پرتو نظریه‌ای شناخته شده - از نوع نظریه‌های مورد استفاده در نقد ادبی - به خوانش متن می‌پردازند، عدم گزینش روشمند متن پیوندی جدی با غلبه نظریه بر پژوهش دارد. به نظر می‌رسد تأکید بر تمایز میان روش تحقیق و روش‌شناسی و همچنین نظریه و چارچوب نظری می‌تواند اهمیت روش‌شناختی گزینش متن را بیش از پیش آشکار کند (محمدی کله‌سری، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵).

۴-۱. روش‌شناسی: در بعد روش‌شناسی، دو مقوله الف) فقدان مبانی مستحکم روش‌شناختی، ب) پیروی از روش‌های تکراری و یکسان از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. پژوهش اصیل در چهارچوب روش‌شناسی، معنا و مفهوم حقیقی و علمی خود را می‌یابد. روش‌شناسی

۱. آسیب‌های مربوط به حوزه علم و پژوهش:

۱-۱. سرمایه انسانی: منظور از سرمایه انسانی، استادان، دانشجویان، پژوهشگران و متخصصانی هستند که در عرصه ادبیات پایدار به فعالیت مشغولند. رضی، طغیانی، خاتمی، و صرافی، نقش محققان را در تولید علمی و پژوهشی ادبیات پایدار مهم برشمردند. سه مقوله اصلی استخراج شده در بعد سرمایه انسانی ادب پایدار شامل موارد زیر است: الف) نقش محققان پیشگام در الگوسازی و کلیشه‌سازی؛ ب) کمبود پژوهشگران متخصص و متعهد؛ ج) تعداد اندک مخاطبان پیشگام پژوهش در هر رشته تخصصی در الگوسازی تولیدات علمی و بنانهادن خشت اول این بنا نقش مهمی دارند. به ویژه اگر تعداد محققان و مخاطبان علاقمند به پژوهش و تولید در حوزه مربوطه اندک باشد. این امر موجب می‌شود تا تولیدات علمی در چرخه تعداد اندکی از همین پیشگامان محصور شده و با تأکید بر روش‌ها و نگرش خاص افراد همین جریه، الگوهای مشابه و قدیمی، و بعضاً غیرپاسخگو به مسائل جدید روز ادبیات پایدار شکل بگیرد.

۲-۱. مسئله‌شناسی: در این بعد، سه مؤلفه الف) عدم شناخت پژوهشگران نسبت به مسئله، ب) عدم پاسخگویی به مسائل روز به دلیل جوان بودن این حوزه، ج) فقدان مسئله‌یابی از متن سخنان مصاحبه‌شوندگان استخراج شده است. صافی، صرافی، رنجبر و بصیری بر این بعد از مطالعات ادب پایدار تأکید داشته‌اند.

در پژوهش‌های مسئله‌محور، قدرت تحلیل و تفکر پژوهشگر در چهارچوب روش‌شناسی تحقیق، اهمیت و جایگاه بی‌بدیلی دارد. نظریه‌ها و دستاوردهای تحلیل ادبی، حاصل پژوهش‌های مسئله‌محور است. لذا مقصود از پژوهش در معنای اصیل و تخصصی آن همین نوع از تحقیق است که آغاز آن مسئله‌ای با تقابل ذهن و عین برای پژوهشگر مطرح می‌شود و پایان آن به نظری جدید و استنتاجی نو ختم می‌شود. چنانچه پژوهشگر از مسئله

جدول ۱: آسیب‌شناسی مربوط به حوزه علم و پژوهش

سطح	ابعاد آسیب‌شناسی	مقولات
سرمایه انسانی		نقش محققان پیشگام در الگوسازی و کلیشه‌سازی
		کمبود پژوهشگران متخصص و متعهد
		تعداد اندک مخاطبان
		عدم شناخت پژوهشگران نسبت به مسئله
مسئله‌شناسی		عدم پاسخگویی به مسائل روز به دلیل جوان بودن این حوزه
		فقدان مسئله‌یابی
		نامشخص بودن تعریف و انواع ادبیات پایداری
مباحث نظری		تحریف حقایق پایداری به دلیل بکارگیری نادرست مکاتب غربی و فقدان دانش بومی
		فقدان مبانی مستحکم روش‌شناختی
روش‌شناسی		پیروی از روش‌های تکراری و یکسان

این بعد تأکید داشته‌اند. این مقولات به شرح زیر است:

الف) جهت‌دهی پژوهش‌ها توسط نهادهای ذی‌نفع،

ب) سفارش‌های سازمانی در حوزه تاریخ شفاهی، ج) فقدان نقدپذیری به دلیل تقدس‌بخشی به حوزه ادب پایداری،

د) فضای نیمه‌روشنفکرانه و سیاست‌زده (انحصاری شدن پژوهش‌ها و اختصاص یافتن به گروه خاص).

علاوه بر سازمان‌ها، برخی پژوهشگران نیز با نگاهی ایدئولوژیک به پژوهش در حوزه جنگ پرداخته‌اند؛ کمری درباره تعیین نقش «باورها» در پژوهش و تحقیق در باب جنگ می‌نویسد: «باور در اینجا یعنی اعتقاد ایدئولوژی شده نه تعصب و تصلب. با وجود این پژوهشگر صرفاً باید به اهمیت و ضرورت نفس الامر موضوعی که پژوهش می‌کند باورمند باشد. این سخن هرگز به معنای آن نیست که پژوهشگری را بتوان تصور کرد منهای باوری که به او زاویه دید دهد بلکه به معنای آن است که باورها تعیین‌کننده روش زندگی‌اند چندان‌که باورهای یک پژوهشگر نیز تعیین‌کننده روش تحقیق او برای زیستن با موضوع مطالعه‌اش محسوب می‌شوند. (جمشیدی و کمری، ۱۳۹۷: ۱۵۳)

فرایند علمی هدایت و انجام یک پژوهش علمی از طرح سؤال تا نتیجه‌گیری و گاهی منجر به نظریه‌پردازی است. بر اساس روش‌شناسی پژوهشگر می‌تواند مبتنی بر اطلاعات تخصصی و تفکر انتقادی برای سؤال‌های علمی مطرح شده ساختار و طرح علمی، دقیق، آزمون‌پذیر و منظم تعریف کند و توانایی پیشبرد تحقیق از آغاز تا پایان را با یک مجموعه‌ای از روش‌های مرتبط بیابد. (سرمد، ۱۳۷۶: ۱۹-۲۵؛ گری، ۲۰۰۴: ۲۵)

۲. آسیب‌های مربوط به حوزه ساختاری و سازمانی:

آسیب‌های مربوط به حوزه ساختاری و سازمانی به چهار بعد: ۱. غلبه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک، ۲. فقدان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان، ۳. مسائل و مشکلات اقتصادی، ۴. مدیریت ناکارآمد و غیرمتخصص تقسیم شده است که به ترتیب به بررسی هر کدام از این موارد می‌پردازیم.

۱-۲. غلبه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک: در این بعد چهار مقوله استخراج شده است که بهروز، کاظمی، صرفی، صافی، رنجبر و پارسی‌نژاد در مطالعات ادب پایداری بر

۲-۲. فقدان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان:

مصاحبه‌شوندگان از جمله رضی، خاتمی و صافی به فقدان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان در حوزه ادبیات‌پایداری اشاره کرده‌اند. در این بعد به دو مقوله، (الف) رشد کمی کرسی‌های دانشگاهی رشته ادبیات‌پایداری بدون توجه به وجه اندیشگانی و نظری، (ب) رونویسی پژوهشی اشاره شده است.

مقوله رونویسی پژوهشی نه تنها در این رشته بلکه بر جامعه علمی ایران سایه افکنده است و نیازمند مدیریت، برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر این معضل است که اهمیت و رشد علمی را در ورطه سقوط انداخته است.

نعیمه آقائوری (۱۳۹۵) در مقاله خود به سرقت ادبی به عنوان یکی از آسیب‌های جدی پژوهش‌های ادب‌پایداری اشاره کرده است. از میان انواع مختلف سرقت‌های پژوهشی، سه نوع «مسخ»، «نسخ» و «انتحال» را به عنوان مهمترین انواع سرقت مورد بحث قرار داده است.

۲-۳. مسائل و مشکلات اقتصادی: خاتمی و طغیانی به

دو مقوله (الف) عدم حمایت مالی از طرح‌های پژوهشی، (ب) ایجاد نشدن فرصت‌های شغلی و تحقیقاتی برای دانشجویان رشته ادبیات‌پایداری اشاره کرده‌اند. از این رو، لازم است به ارتقای علمی فارغ‌التحصیلان رشته ادبیات‌پایداری توجه ویژه‌ای شود و جاذبه، علاقه و انگیزه در دانشجویان برای تحصیل در این رشته فراهم شود. همچنین با محدودیت در پذیرش دانشجو و دانشگاه‌ها، زمینه جذب نیروی کار مفید و مورد نیاز جامعه در بازار کار و موقعیت اجتماعی مناسب ایجاد شود.

۲-۴. مدیریت ناکارآمد و غیرمتخصص: سه مقوله،

(الف) عدم آشنایی مدیران و مسئولان ذی‌ربط در مراکز علمی با ادبیات‌پایداری، (ب) ایجاد بی‌رغبتی در فضای دانشگاهی، (ج) نظام امتیازبندی و توجه به کمیت کار برای ارتقای علمی (انجام پژوهش‌های سطحی و بی‌کیفیت) مربوط به این مؤلفه از سوی طغیانی، خاتمی و کاظمی مطرح شده است.

جدول ۲: آسیب‌شناسی مربوط به حوزه سازمانی و ساختاری

سطح	ابعاد آسیب‌شناسی	مقولات
		جهت‌دهی پژوهش‌ها توسط نهادهای ذی‌نفع
	غلبه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک	سفارش‌های سازمانی در حوزه تاریخ شفاهی
		فقدان نقدپذیری به دلیل تقدس‌بخشی به حوزه ادب‌پایداری
		فضای نیمه‌روشنفکرانه و سیاست‌زده (انحصاری شدن پژوهش‌ها و اختصاص یافتن به گروه خاص)
۳ ۲ ۱	فقدان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان	رشد کمی کرسی‌های دانشگاهی رشته ادب‌پایداری بدون توجه به وجه اندیشگانی و نظری
۳ ۲ ۱		رونویسی پژوهشی
		عدم حمایت مالی از طرح‌های پژوهشی
	مسائل و مشکلات اقتصادی	ایجاد نشدن فرصت‌های شغلی و تحقیقاتی برای دانشجویان
		عدم آشنایی مدیران و مسئولان ذی‌ربط در مراکز علمی با ادبیات‌پایداری
	مدیریت ناکارآمد و غیرمتخصص	ایجاد بی‌رغبتی در فضای دانشگاهی
		نظام امتیازبندی و توجه به کمیت کار برای ارتقای علمی (انجام پژوهش‌های سطحی و بی‌کیفیت)

اندیشکده ادبیات‌پایداری ورود به سیاستگذاری‌های کلان و همکاری در این زمینه است. این امر موجب ضابطه‌مند شدن نهادهای متولی ادبیات‌پایداری و در نتیجه هم‌افزایی خواهد شد.

در اندیشکده با توجه به برنامه‌های فرادستی و با توجه به احاطه‌ای که بر پژوهش‌های انجام شده وجود دارد، می‌توان افق‌های جدیدی برای پژوهشگران ترسیم نمود و آن‌ها را برای انجام پژوهش‌های عمیق و اصیل، هدایت و حمایت کرد.

۲. شبکه‌سازی و برقراری ارتباط با سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشگران: اغلب مصاحبه‌شوندگان بر شبکه‌سازی و ارتباط اندیشکده ادبیات‌پایداری در دو سطح دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و مراکز فعال در حوزه ادب‌پایداری و متخصصان و پژوهشگران و دانشجویان رشته ادبیات‌پایداری تأکید داشتند. همچنین بر عدم دسترسی به منابع ادبیات‌پایداری اشاره کردند. از این رو، تشکیل کتابخانه دیجیتال و گردآوری منابع برای دسترسی به علاقمندان این حوزه را به عنوان نقش اندیشکده در توسعه مطالعات ادب‌پایداری مهم می‌دانند.

بنابر نظر مصاحبه‌شوندگان، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و استفاده از ظرفیت‌های این نهادها یکی از مهم‌ترین راه‌های سیاستگذاری در این زمینه است. همچنین با شکل‌گیری و گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، امکانات تازه‌تری برای پیوند بین فعالان این عرصه وجود دارد.

۳. آموزشی (ساماندهی رشته ادبیات‌پایداری): مصاحبه‌شوندگان بر گسترده‌سازی ادبیات‌پایداری در ایران و جهان اشاره کردند و معتقدند که باید در این زمینه، حوزه‌های تخصصی ایجاد شود. حوزه‌های تخصصی مانند: ادبیات کلاسیک، ادبیات حماسی بویژه شاهنامه فردوسی، ادبیات معاصر، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات

ب) نقش اندیشکده ادبیات‌پایداری در سیاستگذاری و ساماندهی پژوهش‌ها

نقش اندیشکده ادبیات‌پایداری از منظر مصاحبه‌شوندگان به چهار دسته قابل تقسیم است:

۱. سیاستگذاری و فعالیت‌های راهبردی: یکی از مهمترین نقش‌های اندیشکده ادبیات‌پایداری به عنوان مرکزی برای اندیشیدن و ایده‌پردازی، تعیین نقشه راه و مشخص نمودن سیاست‌ها در رشته ادبیات‌پایداری با اتصال به بدنه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. البته پرواضح است که سیاستگذاری در اندیشکده ادبیات‌پایداری جدای از سیاستگذاری کلان دولت نیست. به این منظور لازم است که جایگاه ادبیات‌پایداری در اسناد فرادستی بررسی و وضعیت مطلوب پیش روی اندیشکده قرار بگیرد که اقداماتی در این خصوص از سوی اندیشکده ادبیات‌پایداری انجام شده است.

از سویی دیگر، تسهیل‌گری و مانع‌زدایی و همچنین ایجاد فضای باز به منظور تضارب آرا، لازمه شکل‌گیری و پیدایش جنبش‌های ادبی و بروز خلاقیت‌های ادبی است که این امر به عنوان یکی از نقش‌های اندیشکده از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح شده است.

«از نگاه جهانگرد با ادبیات می‌توان به پایین‌ترین لایه‌های جامعه نفوذ کرد»؛ بنابراین اگر توجه ادبیات‌پایداری معطوف به رابطه ادبیات و فلسفه زندگی باشد، می‌توان در مقابل جریان‌های مسموم چون ادبیات بی‌تفاوت، ادبیات پوچ، ادبیات تسلیم، ادبیات سازشکار، به سمت ادبیات‌پایداری جریان‌ساز رفت که ایجادکننده تغییر و تحول باشد.

همچنین از کلیشه‌پردازی و پرداختن به زندگی روزمره به سمت ملی‌گرایی ایرانی و اسلامی زنده و پویا و جنبه‌های خلاقانه حرکت کرد و برای ادبیات‌پایداری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی منزلت اجتماعی ایجاد کرد.

رنجبر معتقد است که یکی از نقش‌های اثرگذار

و پژوهش است. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی در مسئله‌شناسی، مباحث و رویکردهای نظری، روش‌های تحقیق، برگزاری نشست‌های علمی در سطح ملی و فراملی، تدوین منابع و کتب درسی در تولید دانش ادبیات پایدار بسیار مؤثر است.

مشروطه، ادبیات مربوط به وصیت‌نامه شهدا، ادبیات پایداری در منطقه خاورمیانه، ادبیات پایداری در جهان اسلام، ادبیات پایداری در اروپا و شرق و در آمریکای لاتین، ادبیات مقاومت در آفریقا که البته هر کدام از این‌ها نیازمند تولید منابع درسی، مقالات، کتاب‌های تخصصی

جدول ۳: نقش اندیشکده ادبیات پایداری در سیاستگذاری و ساماندهی پژوهش‌ها از منظر مصاحبه‌شوندگان

مؤلفه‌ها	ابعاد ایجاد
اتصال اندیشکده به وزارت علوم برای به دست آوردن مرجعیت ادبیات پایداری در ایران	سیاستگذاری و فعالیت‌های راهبری
تعیین نقشه راه و سیاست‌ها	
شناسایی مسائل حوزه ادبیات پایداری	
اتاق فکر و ایده‌پردازی	
جریان‌سازی	
ممانعت از موازی‌کاری‌ها	شبکه‌سازی و برقراری ارتباط از طریق کارگروه‌ها
ایجاد فضای باز برای شکل‌گیری بحث و تضارب آرا	
تدوین دستورالعمل جامع و ضابطه‌مند کردن نهادهای متولی	
ارتباط‌گیری با محققان متعدد و متخصصان	
ارتباط‌گیری با دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها	
تشکیل بانک منابع و کتابخانه دیجیتال	آموزشی (ساماندهی رشته ادبیات پایداری)
ایجاد حوزه‌های تخصصی رشته ادبیات پایداری	
برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی	
برگزاری نشست‌های علمی در سطح ملی و فراملی	
تدوین منابع و کتب درسی	
حمایت از پژوهش‌های علمی ادب پایداری	ساماندهی پژوهش‌ها
سیاستگذاری و جهت‌دهی پژوهش‌ها با نگاه مسئله‌محور	
هدایت پژوهش‌ها به سمت کاربردی شدن با توجه به مسائل روز جامعه	
تعیین جایگاه آرمان‌گرایی و عینیت‌گری در بازشناخت حقایق ادبیات پایداری	
انجام پژوهش‌های بنیادی به منظور تعریف اصطلاحات و مفاهیم اصلی ادبیات پایداری	
جریان‌شناسی	رفع ضعف پژوهش‌ها
آفرینش‌های ارزشمند در ترجمه و نقد و پژوهش‌های تطبیقی	
رفع ضعف پژوهش‌ها	

۴. ساماندهی پژوهش‌ها:

(الف) حمایت از پژوهش‌های ادب پایداری،
(ب) سیاست‌گذاری و جهت‌دهی پژوهش‌ها با نگاه مسئله‌محور،
(ج) هدایت پژوهش‌ها به سمت کاربردی شدن و حل مسائل روز جامعه،
(د) تعیین جایگاه آرمان‌گرایی و عینیت‌گرایی در بازشناخت حقایق ادبیات پایداری،
(هـ) انجام پژوهش‌های بنیادی به منظور تعریف اصطلاحات و مفاهیم اصلی ادبیات پایداری،
(و) جریان‌شناسی،
(ح) آفرینش‌های ارزشمند در ترجمه و نقد و پژوهش‌های تطبیقی،
(ط) رفع ضعف پژوهش‌های این حوزه، مقولاتی است که از متن مصاحبه‌های انجام شده استخراج شد.

جمع‌بندی

بر اساس آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، در پژوهش‌های ادبیات پایداری همچنان رویکرد سنتی (یعنی توجه و تمرکز بسیار کم برای استفاده از روش‌های پژوهش) غلبه دارد. در این نوع نگاه ارتباط منطقی و منسجم بین مسئله، مباحث نظری، و روش‌شناسی وجود ندارد و هر کدام از این موارد دچار آسیب‌های جدی هستند.

امروزه با توجه به نیازهای جدید جامعه و مسائل متنوع پیش رو، همچنین گستره موضوعی ادبیات پایداری، استفاده از رویکرد بینارشته‌ای و کاربردی کردن پژوهش موجب توسعه و رشد علمی این حوزه خواهد شد. برای ورود به این امر، لازم است از روش‌های نوین تحقیق علمی حتی با رویکرد ترکیبی کمی و کیفی استفاده شود. بدین منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در دو بعد علمی-پژوهشی و ساختاری-سازمانی اهمیت شایانی دارد. نتایج این مطالعه در بعد علمی-پژوهشی نشان داد

که در پژوهش‌های تخصصی ادبیات پایداری ارتباط محکم و استواری بین طرح مسئله، چارچوب و رویکردهای نظری و روش‌شناسی وجود ندارد. یکی دیگر از مباحث مطرح در پژوهش‌های ادبی، بی‌توجهی به جایگاه فرضیه‌سازی است که نقطه اتصال بین مباحث نظری و روش‌شناسی است. همچنین یکی از معضلات عینی روش‌شناسی پژوهش‌های ادبیات پایداری، نبود روش مشخص یا استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و سطح تحلیل توصیفی است. گاه‌ها در این پژوهش‌ها عدم سنخیت بین مسئله پژوهش با روش‌شناسی دیده می‌شود. البته این امر به دلیل ناآشنایی پژوهشگران ادبی با شیوه‌ها و ابزارهای پژوهش، عدم آگاهی و آموزش محققان این حوزه از مهارت‌های پژوهش، نحوه کاربرد و عملیاتی کردن روش‌های تحقیق است.

در حال حاضر، آموزش روش‌های تحقیق و مهارت‌های پژوهشی در یک درس دو واحدی در سطح کارشناسی ارشد رشته ادبیات پایداری ارائه می‌شود که بیشتر آن به طرحنامه‌نویسی و منبع‌شناسی یعنی مباحث مبانی و مقدماتی برای ورود به روش‌های تحقیق می‌پردازد.

به دلیل جدی گرفته نشدن روش‌های تحقیق در رشته ادبیات فارسی به طور عام و ادبیات پایداری به طور خاص، کتاب‌های روش تحقیق مناسب و راهنمای عملی برای دانشجویان تحریر نشده است که البته این امر جزء دغدغه‌های اندیشکده ادبیات پایداری بوده و تألیف چنین کتابی به سفارش این اندیشکده در دست انجام است. نقیصه آموزش محور در همه رشته‌های دانشگاهی وجود دارد و بسیار مطلوب خواهد بود که حرکت به سمت آموزش‌های مهارتی و کاربردی در رشته ادبیات پایداری برنامه‌ریزی شده و اجرا شود.

در بعد ساختاری و سازمانی آنچه اهمیت دارد این است که برخی سازمان‌هایی که متولی حفظ و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس بوده‌اند، بر جمع‌آوری تاریخ شفاهی به عنوان ادبیات پایداری تأکید کرده‌اند که نوعی

پایداری؛

- ه نظارت و هدایت دقیق اندیشکده ادبیات
- پایداری بر تولید و نشر آثار؛
- ه برگزاری کنگره و همایش فرامنطقه‌ای هدفمند
- با رویکرد مطالعات تطبیقی؛
- ه برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌محور؛
- ه و ... ■

منابع

۱. آقائوری، نعمیه (۱۳۹۵). «مغالطه‌ها، مصادره‌ها و چالش‌های کاذب، موانع اصلی در پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری». نقد ادبی. س. ۹. ش. ۳۶، صص ۷-۳۹.
۲. امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۶). «اقتدار نظریه در پژوهش‌های ادبی معاصر؛ نگاهی آسیب‌شناختی به نسبت متن و نظریه در پژوهش‌های نظریه‌محور». نقد ادبی. شماره ۳۸، صص ۹۷-۱۲۰.
۳. جمشیدی، فرانک و علیرضا کمری (۱۳۹۸). سه نگاه: به برخی از مسئله‌های موجود در سه ساحت فرهنگ، روایت و پژوهش جنگ. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۴. راز، عبدالله (۱۳۹۴). «تحلیل رویکردهای پژوهشی در مقالات ادبی مجلات علمی-پژوهشی دهه هشتاد ایران». رساله دکتری زبان و ادب فارسی دانشگاه گیلان. به راهنمایی دکتر احمد رضی.
۵. رضی، احمد (۱۳۹۱). «پژوهش‌های ادبی مسئله‌محور در مطالعات ادبی». فنون ادبی. سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۶)، صص ۱۳-۲۶.
۶. سرمد، زهره و همکاران (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
۷. فرهنگی، سهیلا (۱۳۸۸). «رویکرد میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های ادبی». رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان. به راهنمایی دکتر محمدرضا یوسف‌پور.
۸. محمدی کله‌سری، علیرضا (۱۳۹۲). «گزینش متن و روش‌شناسی مطالعات ادبی». نقد ادبی. س. ۶. شماره ۲۳، صص ۳۷-۵۸.
9. Gray, David E. (2004), Doing Research in the Real World. SAGE publication
10. Sekar J. John (2019). "Is there a Method/Methodology for Literary Research?" Conference Paper · March 2015:1-10. See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/337112003>

آسیب و چالش در این حوزه به شمار می‌آید.

سیاست‌گذاری یکی از دیگر مقولات بسیار مهم در آسیب‌شناسی حوزه ادبیات پایداری است. تا چند سال اخیر ۴۴ دانشگاه در رشته ادبیات پایداری در جذب دانشجو فعال بوده‌اند که به دلیل فقدان برنامه‌ریزی صحیح و کمبود منابع درسی برای این رشته تحصیلی، فقدان توسعه مباحث نظری و تعاریف رشته ادبیات پایداری و...، تعداد دانشگاه‌های فعال و دانشجویان علاقه‌مند به این رشته کاهش یافته است.

از منظر اغلب مصاحبه‌شوندگان اندیشکده ادبیات پایداری به عنوان اتاق فکر و اندیشه‌ورزی می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی داشته باشد. برای تحقق این مهم لازم است این اندیشکده موارد زیر را در نظر داشته باشد:

ه تعیین نقشه راه و سیاست‌ها؛

ه شبکه‌سازی و ارتباط بین وزارت علوم با دانشگاه‌ها و نهادهای فعال در این حوزه به منظور شبکه‌سازی و استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها برای هم‌افزایی و پیشگیری از موازی‌کاری‌ها؛

ه شناسایی مسائل و جریان‌سازی؛

ه ایجاد فضای باز برای شکل‌گیری بحث و تضارب آرا؛

ه تشکیل بانک اطلاعات و....

از سوی مصاحبه‌شوندگان راهکارها و پیشنهادهایی برای رفع نقاط ضعف، کاهش تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها ارائه شده است. این موارد به شرح زیر است:

ه تعیین نقشه راه و ریل‌گذاری؛

ه استفاده از تحلیل swot به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها؛

ه انجام نیازسنجی و شناسایی وضعیت موجود ادبیات پایداری در فضای دانشگاهی؛

ه ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی به عنوان فرصتی برای تضارب آرا و رشد نظریه‌پردازی در ادب

پژوهش‌های حوزه ادبیات پایدار، چالش‌ها و مسئله‌ها

محمد رضا سنگری

ارزش‌ها و مصالح اجتماعی می‌پردازد و در مقابل عناصر تهدید کننده و تحدید کننده مقاومت و پایداری می‌ورزد ادبیات پایدار خوانده می‌شود. چالش بزرگ دیگری که رویاروی پژوهش‌های ادب پایدار، قرار دارد فقر و فقد اسناد و منابع و مآخذی است که پژوهشگر با دستیابی به آن‌ها می‌تواند پژوهش دقیق و عمیق را سامان ببخشد.

پژوهش‌هایی که محروم از این منابع و اسناد و مدارک هستند معمولاً پژوهش‌هایی نارس و نامطمئن و دست کم، کمتر قابل اتکا و اعتمادند.

فاصله گرفتن از رویدادهای حوزه پایدار، امکان تحریف، خطا و به ویژه از دست دادن برخی عناصر یاریگر پژوهش و پژوهشگر را در پی خواهد داشت. برای نگارش در حوزه ادبیات دفاع مقدس ما با این چالش مواجهیم، اسناد زنده به تدریج از دست می‌روند و یا رد پاها و رصدگاه‌ها گم می‌شوند و همین حسرت و خسارتی است که هم اکنون با آن دردمندان زندگی می‌کنیم!

واقعۀ خاص حسی- قوی‌تر است. هر چه این روایت‌ها از رخدادهایشان دورتر باشند، خلوص اتفاقات کمتر و عنصر تأمل قوی‌تر می‌گردد که توجه را به درون،

مطالعه، پژوهش، نقد و تحلیل و تبیین در قلمرو ادبیات پایدار در ایران با چند چالش اساسی و بنیادین روبروست، نخستین مسئله نو پا بودن پژوهش‌ها و مطالعات در این عرصه فراخ و گسترده است که سبب اصلی آن طرح و ظهور تازه این گونه ادبی در ادبیات ایران است، گونه‌ای که بیش از چند دهه از پدیدآیی عنوان آن در ادبیات ایران نمی‌گذرد.

روشن است که پدیده‌های نو در ساحت علم و از آن حساس‌تر در قلمرو هنر و ادبیات مدت‌ها با چالش تعریف و معلوم کردن کرانه‌ها و مرزهای خود مواجه‌اند؛ تکثر و تنوع و حتی گاه تعارض تعاریف، پژوهشگران را با این پرسش بزرگ مواجه می‌سازد که درباره «چه چیز» سخن می‌گوییم، حدود و ثغور آن کجاست؟ چه مقوله‌ها و موضوعاتی زیر چتر این عنوان قرار می‌گیرند یا باید آن‌ها را در «جغرافیای مفهومی» آن قرار داد.

اگر ادبیات پایدار را ادبیاتی بدانیم که روایت پایداری انسان در دفاع و پاسداشت سازه‌ها (عناصر) هویتی جامعه باشد، تا حدی تکلیف خود را با قلمروهای این گونه ادبی روشن کرده‌ایم. در آن صورت ادبیاتی که به پاسداشت هویت جغرافیایی، زبان و دین و فرهنگ،

از اسناد زنده را از دست خواهند داد. این چالش تنها متوجه آفرینندگان نیست که «آثار» جنگ / دفاع مقدس را نیز شامل می‌شود. آثار در خطر «گم شدگی»، «زدودگی و امحا»^۲ و استحاله هستند.

اگر پژوهشگران ورود تأخیری به میدان پژوهش پیدا کنند، در آینده اندوه و دریغ و آوای فراوان خواهیم داشت. بخشی از نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، لباس نوشته‌ها، میثاق نامه‌ها، دشت نوشته‌ها، جاده نوشته‌ها و... که یادگاران دوران هشت ساله دفاع مقدس اند از آن جمله‌اند.

در روزگار ما نیز دو رویداد کرونا و مدافعان سلامت و نزدیک‌تر از آن ادبیات فضای مجازی اعتراض و اغتشاش سال ۱۴۰۱، باگذشت زمان ممکن است «از دست رفتگان حوزه پژوهش» باشند.

چهارمین چالشی که فرا روی همه پژوهش‌ها و پژوهشگران و از آن جمله پژوهشگران ادبیات پایدار است ناپختگی و فقدان ورزیدگی در پژوهش و ناآشنایی با بایسته‌های پژوهش و معیارها، فرایندها، نحوه سامان بخشی به پژوهش و ساختار مناسب بخشیدن به آن است که سبب می‌شود پژوهش‌هایی شتاب زده، کم عمق، احساسی و عاطفی و ذوقی یا تک بعدی و جانبدارانه و غیر قابل اعتماد و استناد، عرضه شود.

مروری بر مقالات و بخش قابل توجهی از کتاب‌هایی که عنوان پژوهش در مقوله‌های ادبیات پایدار / جنگ / دفاع مقدس یافته‌اند گواهی صادق بر این مدعاست. در کنار این ناپختگی، آفتی دیگر متوجه پژوهشگران یا بهتر است بگوییم پژوهشگر نماها وجود دارد و آن رونویسی، کپی‌برداری، برداشت نادرست و ناقص و سوءرفتارهای پژوهشی است که شوربخانه در محیط‌های علمی و دانشگاهی نیز به وفور یافت می‌شود. گاه چاپ چندباره مطالب با اندکی دستکاری و گاه



معنا و واکنش ذهن معطوف می‌دارد؛ دیگر صرفاً نباید بگوییم چه اتفاقی افتاده، بلکه باید بگوییم چه معنایی می‌دهد؟ چه طور بر من تأثیر می‌گذارد! چه طور من را تغییر داد؟^۱

پژوهشگرانی که امروز در باب شعر جنگ، شعارها، ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی، نامه‌ها و... سر پژوهش دارند با دسترسی به آفرینندگان این آثار، تصویری روشن‌تر فرا روی مخاطب‌ها قرار می‌دهند که شاید یکی دو دهه دیگر با از دست دادن این صاحب اثران، بخشی

۲. نمونه بارز آن از بین بردن سنگ مزارها به بهانه یکسان سازی بود که به «محو» بخشی از فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس منجر شد.

۱. خاطره و گفتمان جنگ، به اهتمام فرهاد ساسانی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷، ص ۳۳

چالش در حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی ادبیات پایداری، مسئله یابی، مسئله شناسی و مسئله گشایی است. باید دید کدام مسائل در اولویت و گاه فوریت پژوهشی قرار دارند و کدام مسائل یا مسئله نیستند! یا پرداختن به آن‌ها اتلاف توان، زمان و تومان است!

برای شناخت مسائل راهی جز مطالعه عمیق و «حضور» در عرصه «ادبیات پایداری» نیست، چون خاستگاه مسئله «علم» است و معلوم است هرچه مطالعه ادبیات پایداری با درنگ و ژرفای بیشتر صورت پذیرد، دامنه پرسش وسعت و فراخی و کثرت بیشتر می‌یابد.^۲

شناخت نیازهای پژوهشی و فهم نسبت پژوهش با نیازهای جامعه و پاسخ به پرسش‌های اساسی جامعه در حوزه ادبیات پایداری / دفاع مقدس / انقلاب اسلامی ضرورت دیگری است که پژوهشگران باید بدان توجه کنند.^۳

هشتمین چالش پیش‌روی ادبیات پایداری استنفاف و پرهیز پژوهشگران شاخص و از جمله دانشگاه‌ها به پژوهش در این حوزه است؛ عدم ورود این گونه ادبی به فضاهای دانشگاه‌ها علی‌رغم تأسیس رشته کارشناسی ارشد گرایش ادبیات پایداری ناشی از نابرابری‌ها و ورود عناصر ناتوان و کم‌توان علمی به این حوزه است.

به نظر می‌رسد برای ورود پژوهشگران به این حوزه و نگارش پژوهش‌های سخته و ساخته و ترازمند، نیازمند فضا سازی، تسهیل زمینه‌های پژوهشی، امکان دسترسی روان‌تر به اسناد و منابع، تربیت و آموزش پژوهشگران جوان در این عرصه، حمایت‌های گسترده علمی، معنوی و مالی از پژوهشگران و همکاری و هم‌افزایی نهادهای مسئول در این حوزه هستیم. ■

۲. برای شناخت برخی مسائل حوزه ادبیات دفاع مقدس / انقلاب اسلامی، ر.ک (ساخت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس: محمدرضا سنگری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱، و سه نگاه: علیرضا کمری، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۸)

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک (ویژه نامه اولین دوره دوسالانه انتخاب آثار برتر پژوهشی دفاع مقدس و مقاومت، گاهنامه، بهمن ۱۳۹۹، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس)

فربه‌سازی بیهوده مزید بر این آسیب‌هاست. اشتها یا شهوت چاپ، عدم گذراندن پژوهش از صافی ویرایش و نقد و نظر، سبب ناهمواری در متن، دشوارخوانی، خستگی ذهن و رمندگی و زدگی خوانندگان می‌شود که این همه ناشی از همان ناورزیدگی در حوزه پژوهش و نابسندگی رفتاری و سلوک برخی از نویسندگان است.

پنجمین چالشی که پیش روی پژوهشگران حوزه ادبیات پایداری - به ویژه دانشجویان - هست، گستره، تنوع، تکثر و فراخانی وسیعی است که فراوری پژوهشگر وجود دارد، کلی‌گویی و گنجاندن مطالب کلی در حوصله یک مقاله، به انداختن حبه قندی در استخر می‌ماند که هرگز حلاوت و شیرینی را به چشندگان نمی‌بخشد، انتخاب موضوع جزئی، تمرکز و درنگ در حوزه‌ای محدود اما ژرف کاوی و تبیین درست و دقیق بهتر از آن است که تصاویر کلی مبهم و مه‌آلود عرضه شود. در ادبیات پایداری و از جمله دفاع مقدس که به تعبیری «بهشت محققانش»^۱ می‌توان ناامید و فرصت تماشای همه گل‌ها و چشم اندازه‌های بشکوه نیست و در این گشت و گذار باید به اندکی بسنده کرد و معلوم است که این گزینش و انتخاب و جزئی‌کاوی مستلزم درنگ و گشت و تأمل و تحمل سختی‌های راه پژوهش است و به تعبیری دیگر اگر جنگ یک گنج است، استخراج آن با «رنج» همسایه است.

پراکندگی مراکز پژوهشی، حمایتی و متولیان امر پژوهش و آموزش ادبیات پایداری / دفاع مقدس / انقلاب اسلامی و شگفت‌تر از آن فقدان حساسیت برخی نهادها و مراکز مسئول در این حوزه، نه تنها کندی و رکود در این زمینه که گاه کارهای سطحی، شتابزده و کم عمق و دردناک‌تر از آن تحریف زده و ضعیف را باعث شده است، این آشفته‌گی و پراکندگی را ششمین آفت و آسیب پژوهش‌های ادب پایداری می‌توان نامید. هفتمین

۱. پژوهش دفاع مقدس (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش اول تا پنجم پژوهش دفاع مقدس)، تهران، شکیب، ۱۳۸۹، ص ۹۷ (این تعبیر از علیرضا کمری است) تعبیر جنگ یک گنج است از مقام معظم رهبری است.

مبانی مفهومی و مرزهای پژوهشی مطالعات ادبیات‌پایداری

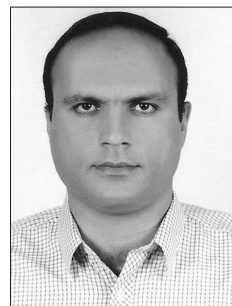
کاظم کاظمی^۱

اجتماعی ایجاد کرده‌اند؟ در مقاله حاضر با بررسی و تحلیل نظری مفاهیم جنگ، دفاع مقدس و پایداری، یک مبنای نظری، مفهومی برای پوشش پژوهش‌های ادبیات‌پایداری و همچنین جنگ و دفاع مقدس ارائه می‌گردد. این ساختار مفهومی با ارائه یک مرزبندی روش‌شناسانه بین واژگان حوزه، رشته و میدان در مطالعات جنگ، دفاع مقدس و ادبیات‌پایداری تکمیل می‌شود. در نتیجه علاوه بر ترسیم الگوی کلی فعالیت پژوهشی در ادبیات‌پایداری، مفاهیم پایه و تعاریف نظری آن‌ها در جهت سامان یافتن پژوهش‌های آینده مشخص می‌گردد. تشخیص یافتن علمی مجموعه این پژوهش‌ها به عنوان یک جریان علمی متمایز در علوم انسانی و اجتماعی نتیجه عملی این پژوهش است.

کلمات کلیدی

ادبیات‌پایداری، جنگ، دفاع مقدس، مبانی مفهومی، مرزهای پژوهشی

تحقیقات علمی بر اساس تبعیت از الگوهای عام روش‌شناسانه هویتی واحد یافته و دو شاخص اعتبار و پایایی برای آن‌ها مشخص می‌گردد. اما شاخص‌هایی که تعیین‌کننده هویت یگانه یک حوزه علمی است،



بسترهای نظری پارادایمی خاص آن میدان علمی است. این چارچوب‌های کلی، مبانی مفهومی و مرزهای پژوهشی یک رشته خاص را تعیین می‌کند. با ملاحظه ابعاد کمی و کیفی تولیدات پژوهش‌های ادبیات‌پایداری در سال‌های اخیر در عین التفات به جنبه مشترک این آثار، آیا می‌توان از مفاهیم بنیادین نظری مورد اجماع پژوهشگران و صاحب‌نظران آن سخن گفت؟ آیا مجموعه پژوهش‌های مطالعات پایداری مرزهای مشخص و متمایز پژوهشی در جغرافیای کلی علوم انسانی و

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه و طرح مسئله

در تاریخ هر کشوری وقایعی هستند که نقطهٔ چرخشی در روند تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شوند. جنگ هشت‌سالهٔ عراق علیه ایران یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است. جامعهٔ ایران در عمیق‌ترین و گسترده‌ترین سطوح از این واقعه متاثر گردید. بعد از گذشت بیست و پنج سال از پایان این

جنگ دغدغهٔ فهم و درک زوایای مختلف آن در عرصه‌های گوناگون علمی و هنری جریان دارد. تفسیرها و ایدئولوژی‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی، این واقعه را از زاویه‌های مختلف آن می‌نگرند. ادبیات تولیدشده در باب جنگ و دفاع مقدس، در فضای دانشگاهی و غیر دانشگاهی در زمان جنگ و پس از آن، بنابر تنوع واژگان، اصطلاحات، مضامین و رویکردها نشان از وسعت تعامل جامعهٔ کنونی ایران با این پدیدهٔ برجسته و منحصر به فرد تاریخی دارد. در سال‌های اخیر در زمینهٔ پژوهش‌های علمی مرتبط با جنگ و دفاع مقدس، شاهد رشد چشمگیر برون‌دادهای متنی و محتوایی هستیم. رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی

با ابزار روشی و نظری مرسوم خود سعی داشته‌اند به داده‌های مستقیم و غیر مستقیم ناشی از جنگ، پرتوی تازه بیفکنند. در این میان، تلاش عمدهٔ دست‌اندرکاران نظام آموزشی و پژوهشی کشور به تدقیق و تحدید مرزها و ساختار تخصصی مرتبط با این حوزهٔ مطالعاتی اختصاص یافته است. تأسیس رشته‌های دانشگاهی جدید یکی از گام‌های مهم در این عرصه بوده است. با بنیان نهادن

رشتهٔ دانشگاهی ادبیات پایدار این‌گونه فرض شد که شاخه‌ای از جریان پژوهشی مطالعات جنگ و دفاع مقدس در قالب فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی این رشته پیگیری می‌شود. اگر از جایگاه بیرونی به مجموعه عناصر و فرایندهای تولید علمی با ملاحظهٔ بسترهای فرهنگی - اجتماعی حاکم در شاخهٔ ادبیات پایدار نظری بیفکنیم، در این صورت است که به عرصهٔ مطالعهٔ جامعه‌شناسی علم ورود نموده‌ایم.

انتظار آن را داریم که در این سال‌ها پژوهشگران مطالعات ادبیات پایدار هم در فضای دانشگاهی کشور و هم در فضاهای پژوهشی خارج از آن، بر یک زمینهٔ مشترک از مفاهیم بنیادی توافق نظری و عملی داشته باشند. در این میان، وجود یک نوع سازگاری منطقی و علمی بین مفاهیم به‌کار گرفته شده در متون تولید شده نیز انتظار می‌رود. مرزهای پژوهشی مطالعات ادبیات پایدار با مرزبندی مفهومی آن مرتبط است، اما با رجوع به واقعیت موجود و مشاهدهٔ نظرات دست‌اندرکاران در این حوزه اولاً تنوعی از مفاهیم بنیادی در تولیدات مشاهده می‌شود. ثانیاً در مورد مرزهای پژوهشی ادبیات

پایدار زمینهٔ متنوعی را شاهدیم. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، بررسی وضعیت دو بعد مفاهیم بنیادی و مرزهای پژوهشی در مطالعات ادبیات پایدار است. در گام بعدی ارائهٔ یک مبنای نظری برای مفاهیم بنیادی و مرزهای پژوهشی در این حوزه می‌باشد.

شواهد مرتبط با نظرات دست‌اندرکاران ادبیات و پژوهش‌های ادبی و علوم انسانی و اجتماعی این حوزه بر

**مرزهای پژوهشی
مطالعات ادبیات پایدار
با مرزبندی مفهومی آن
مرتبط است، اما با رجوع
به واقعیت موجود و مشاهدهٔ
نظرات دست‌اندرکاران
در این حوزه اولاً
تنوعی از مفاهیم بنیادی
در تولیدات مشاهده می‌شود.
ثانیاً در مورد مرزهای پژوهشی
ادبیات پایدار
زمینهٔ متنوعی را شاهدیم.**

مطالعاتی است. تمام سرمایه‌گذاری انسانی و مالی در آینده پژوهش‌های جنگ عراق و ایران در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، منوط به هماندیشی دست‌اندرکاران برای رسیدن به تصویری روشن از وضعیت فعلی و نظام مطلوب علمی آینده است. این پژوهش گامی است در رسیدن به این هدف.

بحث و چارچوب نظری

بعد از طرح مسئله، به تفکیک سه بعد محوری نظام پژوهش‌های علمی می‌پردازیم.

شاخه های علمی

(Scientific Disciplines)

از بعد معرفت‌شناسی (Epistemology)، دانش بشر به انواع مختلفی تقسیم می‌گردد. بنابر تقسیم‌بندی ترنر (۲۰۰۳) علم (Science) در کنار دین، فلسفه و ایدئولوژی بخش‌های عمده دانش موجود جوامع انسانی را شکل داده است. دانش علمی در قالب زیرشاخه‌های متعدد در اجتماعات علمی (Scientific Communities) مختص به خود، تولید و ارزیابی و منتشر می‌گردد. شاخه‌های مختلف علوم پایه و طبیعی همچون فیزیک و شیمی، علوم فنی و مهندسی همچون برق و مکانیک، علوم پزشکی همچون طب و پرستاری، علوم اجتماعی و انسانی همچون جامعه‌شناسی و ادبیات، نظامی شامل مسائل محوری، بینش‌های بنیادی درباره بخشی از جهان مورد مطالعه، نظریات و الگوهای توصیفی و تبیین‌گر، مفاهیم پایه و روش‌های کاوش و پژوهش را دربرمی‌گیرد. فیلسوفان علم و جامعه‌شناسان معرفت

تنوع رویکردها و بعضاً تقابل و تضاد بین مفاهیم و واژگان و مرزها دلالت می‌کند: «صفت مقدس به چه اشاره دارد؟ به دفاع؟ یا ادبیات دفاع یا هر دو» (نجفی، ۱۳۸۹: ۳۲۸). جنگ یک دغدغه جهانی است و همه ملت‌های جهان در برهه‌ای خاص از تاریخ، مستقیم و یا غیر مستقیم با آن درگیر بوده‌اند، اما دفاع هشت‌ساله ملت ایران در مقابل سربازان متجاوز دشمن به لحاظ داشتن ویژگی‌های

خاص با آنچه در دیگر سرزمین‌ها به وقوع پیوسته متفاوت است. «فرهنگ پایداری به معنای خاصی که امروزه به کار می‌رود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی به وجود آمد و با آغاز جنگ فضای کشور و روحیه مردم دچار تغییر شد». (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۷۷) در نمونه‌های بسیاری از پژوهش‌ها و اظهار نظرهای انجام شده مفاهیم متعددی مثل جنگ عراق و ایران، جنگ تحمیلی، جهاد، دفاع مقدس و پایداری به کار رفته است. از طرفی نظرات توجیهی برای اثبات حقانیت رویکردی خاص به این پدیده ارائه شده است. سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف دولتی و غیر دولتی نیز در صدد سیاست‌گذاری، حفظ منابع، روایت، مدیریت، نشر

و پژوهش در مورد جنگ هشت‌ساله هستند. از سوی دیگر، شاهد تولیدات در فضای بین‌المللی در این زمینه هستیم.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش معطوف به تعیین جایگاه عناصر و ارتباطات پژوهشی و نظام علمی و حوزه

و آثار فیزیکی، مانند دست‌ساخته‌ها و غیره، ظاهر می‌کنند.

میدان یا حوزه مطالعه، برای هر شاخه علمی، مجموعه‌ای از عوارض و آثار است که مورد بررسی قرار می‌گیرد. در علم ادبیات، عوارض و آثار کنش انسانی در قالب چیدمان زبانی بررسی می‌شود. شیوه‌های توأمان ایجاد معنا و احساس از طریق خلق متن ادبی، با رویکردهای مختلف در علم ادبیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابر این میدان مطالعه علم ادبیات کلیه عوارض و آثاری است که محصول نوعی خاص از کنش‌های زبانی به‌شمار می‌رود. این عملیات خاص در عرصه زبان که تولیداتش مورد مطالعه و توجه پژوهشگران علم ادبیات است، منجر به خلق معنا و احساس می‌گردد.

رشته‌ها و برنامه‌های تحصیلی نظام آموزش عالی (Programs)

آموزش عالی به‌عنوان سطحی از یادگیری و تربیت کنشگران در هر شاخه علمی افراد را برای دستیابی به اهدافی و برای تحصیلات پایه و کلاسیک آماده می‌کند. پیشتر به دو فضای کلی (الف) فضای انتزاعی شاخه علمی و (ب) فضای میدان مطالعاتی اشاره شد. در این میان تنها یک پرسش باقی می‌ماند و آن این است که: چه فرآیندی جریان مداوم انتقال و ارزیابی علمی را در جهان علم به‌صورت عملیاتی تضمین می‌کند؟ به عبارتی دیگر حلقه واسطه بین نظام نظری و انتزاعی شاخه‌های علمی، و حوزه عینی و موجودیت‌یافته میدان‌های مطالعاتی چیست؟

نظام آموزشی و پژوهش عالی در فرم‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی به‌صورت رشته‌ها و برنامه‌های درسی و پژوهشی متجلی شده است. رشته‌های دانشگاهی دارای شاخه‌های علمی متفاوتی هستند که البته یک رشته در یک مقطع تحصیلی در نظام آموزش عالی می‌تواند هم‌نام کل یک شاخه علمی و یا یک میدان مطالعاتی باشد. مثلاً رشته مطالعاتی کارشناسی ارشد و

با یک بررسی مرتبه دوم بر روی ویژگی‌های تولیدات و سازمان علم، برای پوشش این مجموعه نظری از مفاهیمی مثل مکتب و پارادایم استفاده کرده‌اند. پارادایم دربرگیرنده تمام این مفاهیم بوده است. بنابراین در هر شاخه علمی برای مطالعه واقعیت مورد نظر، چندین نظام متفاوت وجود دارد. مثلاً در جامعه‌شناسی سه پارادایم اصلی تفسیرگرایی، انتقادی و اثباتی در کنار یکدیگر برای مطالعه واقعیت مورد نظر جامعه‌شناسان که امر اجتماعی است حضور دارند. در هر مکتب یا پارادایم گروهی از افراد جامعه علمی آن رشته فعالیت می‌کنند و متعهد به دفاع از پیش‌فرض‌ها و مسائل خاص خود هستند.

میدان‌ها یا حوزه‌های مطالعاتی (Fields of Study)

برخلاف محتوای دانش‌های دینی و فلسفی که درباره ذات و حقیقت جهان هستی سخن می‌گوید شاخه‌های مختلف علوم، صرفاً عوارض و آثار ناشی از واقعیت موجود در جهان را بررسی می‌کند. این واقعیت به دو بخش عوارض و آثار ناشی از انسان، و عوارض و آثار ناشی از هستی فیزیکی و طبیعی تقسیم می‌شود. علوم انسانی و اجتماعی عوارض و آثار ناشی از انسان و فعالیت‌های او را مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد. مثلاً علم جامعه‌شناسی عوارض و آثار حاصل از کنش‌های جمعی انسان‌ها را بررسی می‌کند. علم روانشناسی عوارض و آثار ناشی از فعالیت‌های روانی انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد. علم ادبیات به بررسی آثار و عوارض کنش انسان‌ها در زمینه تولید معانی و تفاسیر و احساسات از طریق کنش‌های زبانی می‌پردازد.

بنابراین در هر شاخه علمی علوم انسانی و اجتماعی، بخشی از عوارض و آثار موجود انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی در علوم انسانی و اجتماعی عوارض و آثار خود را در قالب محتوای ذهنی، متون - که خود به دو دسته نوشتاری و تصویری تقسیم می‌شوند -

ه متون متأثر و مرتبط با جنگ. این متون به دو گروه متون تصویری و نگارشی تقسیم می‌گردد. متون نگارشی به دو گروه متون ادبی و غیر ادبی تقسیم می‌شود. ه آثار فیزیکی مرتبط با جنگ ویا متأثر از آن، شامل مجسمه‌ها، نماها و غیره.

پس کل میدان مطالعاتی جنگ در این موارد متجلی شده است. از طرفی دیگر، شاخه‌های مختلف علمی می‌توانند این میدان مطالعاتی را مورد بررسی قرار دهند. با ملاحظه بحث قبلی در هر یک از این شاخه‌ها رویکردهای مختلفی از لحاظ مسائل تحقیقاتی، نظریات و روش‌ها برقرار است که می‌تواند حوزه جنگ را مورد کاوش قرار دهد. بنابر این بر ساخته‌های زبانی دارای معنا و احساس که در هر یک از عوارض و آثار بالا تجلی یافته است می‌تواند مورد مطالعه و بررسی پژوهشگران علم ادبیات قرار گیرد. حال اگر به اینجا برسیم که رویکردی خاص نسبت به این میدان جنگ داریم و یا اینکه بخش خاصی از میدان مورد توجه ماست و یا اینکه، مجموعه‌ای از مسائل خاص را مد نظر داریم که می‌خواهیم با استفاده از کندوکاو در آثار ادبی موجود در این اشیا آن‌ها را بررسی کنیم باید در درون آن شاخه علمی توجیهاتی نظری و مفهومی داشته باشیم. از این رو مفاهیمی چون پایداری، دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، و هر مضمونی که از زاویه آن به میدان مطالعه جنگ می‌نگریم باید درون شاخه اصلی مادر نظریه‌پردازی کنیم و توجیه بنیادی داشته باشیم که این مفاهیم با چه توجیهات نظری و درون شاخه‌ای شکل گرفته‌اند. پس از این مورد می‌توان با در نظر گرفتن ویژگی‌های

دکتری جامعه‌شناسی هم‌نام شاخه علم جامعه‌شناسی است، در حالی‌که رشته ارشد و دکتری بیمه و رفاه اجتماعی هم‌نام یک میدان و یا حوزه مطالعاتی است. در هر صورت رشته‌های تحصیلی همان شاخه‌های علمی و یا میدان‌های مطالعاتی نیستند و باید به صورت دقیق این سه مورد را از یکدیگر تمیز داد.

رشته‌های تحصیلی در نظام آموزش عالی، بنابر مجموعه‌ای از تقاضاها و اهداف در درون و بیرون جامعه علمی تأسیس می‌شوند. از این‌رو ممکن است در یک رشته تحصیلی بخشی از یک میدان مطالعاتی بزرگ، و یا قسمتی از مسائل محوری و رویکردها و یا یک پارادایم خاص علمی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، و افراد به طور متمرکز بر اساس این برنامه برای توانا شدن در جهت مقاصدی خاص تربیت می‌شوند. اگر رشته تحصیلی با توجه به رویکردی خاص به میدان مطالعه و یا بخشی از آن شکل گرفته باشد باید نظریات و دیدگاه‌هایی نظری در میان باشد که بر اساس آن‌ها این برنامه‌سازی تحصیلی و دانشگاهی توجیه گردد. در صورت فقدان این بستر نظری، ایجاد رشته جدید به عنوان زیرشاخه‌ای از شاخه اصلی موجب سردرگمی خواهد شد.

حال با توجه به مسائل مطروحه در بالا می‌توانیم نتیجه بگیریم که در یک میدان مطالعاتی حاصل از فعالیت‌های انسانی، تحت نام جنگ، عوارض و آثار این‌گونه فعالیت انسانی به صورت اشکال مختلفی بروز و ظهور می‌یابد:

ه معانی و تفاسیر درون ذهن افراد متأثر و مرتبط با جنگ. این معانی به صورت کمی و یا کیفی قابل استخراج هستند؛

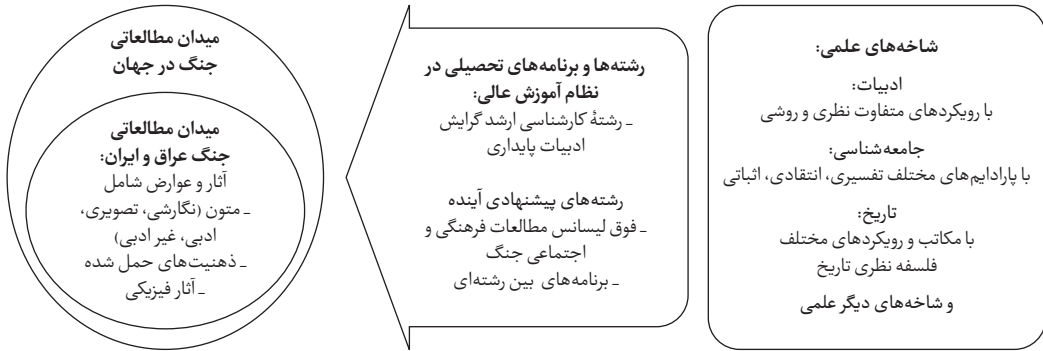
میدان‌های مطالعاتی:

عینیت یافته عوارض و آثار حاصل از
کنش‌های انسانی

رشته‌ها و برنامه‌های تحصیلی
در نظام آموزش عالی

شاخه‌های علمی:

مسائل محوری، پارادایم‌ها، موضوع‌گیری‌های نظری،
رویکردهای روش‌شناسی



پژوهش‌های مرتبط با میدان مطالعاتی جنگ، در ایران بسیار حائز اهمیت است:

• لازم است در حیطه بینش‌های بنیادی، مکتبی و پارادایمی، مجموعه‌ای مشخص برای پشتیبانی مفهوم و الگوی پایداری به وجود آید؛ یعنی اینکه مفهوم ادبیات پایداری از حیث نظری پرورده گردد و مشخص شود چه استنباط نظری از این مفهوم در بین کنشگران علمی وجود دارد. در حال حاضر چهار نوع رویکرد را در این زمینه می‌توان توضیح و پیشنهاد داد:

ه رشته تحصیلات تکمیلی ادبیات پایداری از حیث حوزه مطالعاتی فقط منحصر به میدان جنگ عراق و ایران. در اینجا برای مفهوم پایداری هیچ پشتوانه نظری و مفهومی ارائه نمی‌شود و صرفاً مراد از پایداری کل میدان مطالعاتی جنگ هشت ساله است. در اینجا نکته مهم این است که محدودیت میدان با توجهات سیاست‌گذارانه و یا نظری به اجتماع علمی ملی و جهانی اعلام شود. زیرا خروج قسمت‌هایی از میدان مطالعاتی جنگ در ایران، مثلاً جنگ‌های ایران و روس، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم نباید خالی از وجه نظری و تحلیلی باشد.

ه رشته تحصیلات تکمیلی پایداری با تمرکز بر میدان مطالعاتی علاوه بر جنگ، شامل میدان

دو مورد بالا، به تأسیس رشته‌های عملیاتی اقدام نمود که در این رشته‌ها دانشجویان و مدرّسان حول یک محور و دیدگاه نظری خاص مثلاً مفهوم نظری پایداری با حدود و تعاریف و بنیاد نظری مشخص گرد می‌آیند و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود را بر این مبنا تنظیم می‌کنند و می‌کوشند از طریق تولیدات علمی و به‌گرددش درآوردن آن در اجتماع علمی ملی و بین‌المللی، از مواضع نظری خود به‌طور عملی با پاسخگویی به مسائل پژوهشی دفاع کرده، آن را اصلاح کنند و توسعه دهند.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی با ملاحظه نظرات دست‌اندرکاران حوزه مطالعات ادبیات پایداری و در سطح وسیع‌تر، پژوهش‌های جنگ و دفاع مقدس در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ایران مشخص می‌شود که نوعی پریشانی نظری و عملیاتی حاکم است. برای برون‌رفت از این فضا و مشخص شدن برنامه فعالیت‌های آینده آموزشی و پژوهشی به‌ویژه در رشته ادبیات پایداری، توجه به الگوی عناصر سه‌گانه سازنده نظام پژوهش‌های علمی بسیار ضروری است. پژوهش علمی یک فعالیت چند وجهی است.

پیشنهادهات

علاوه بر این، تأمل در موارد زیر برای ارتقای سطح علمی

پایداری توجه می‌کنند و برای این مفهوم ساز و برگ‌ی از تعاریف و نظریات و الگوهای نظری فراهم می‌آورند.

● نگاه بین‌رشته‌ای به میدان مطالعاتی جنگ فواید بسیاری را برای جامعه علمی ایران و جهان دربرخواهد داشت. علاوه بر فواید آن تأسیس رشته‌های بین‌رشته‌ای برای پژوهش در میدان مطالعاتی جنگ ایران و عراق ضرورت دارد؛ زیرا تمام عناصر این میدان که حامل عوارض و آثار کنش‌های انسانی حاصل از فعالیت جنگ هستند، در دایره هدف ابزار نظری و روشی علم ادبیات قرار نمی‌گیرند. مثلاً بررسی ذهنیت‌ها و نظام تفسیری افراد در مورد جنگ و آثار ادبی آن یا آثار فیزیکی و یا متون تصویری مرتبط با جنگ را با روش‌ها و بینش‌های معمول علم ادبیات نمی‌توان بررسی کرد. از این‌رو، برای تکمیل پژوهش‌های ادبی میدان مطالعاتی جنگ، تأسیس رشته‌های بین‌رشته‌ای مانند ادبیات، جامعه و جنگ در مقاطع ارشد و دکتری ضروری به نظر می‌رسد.

● در تأسیس رشته‌ها یا مقاطع جدید تعیین نقش اهداف، برنامه و سرفصل‌های پیشنهادی در ارتباط بین شاخه‌های علمی و میدان تحقیق جنگ بسیار ضروری است بر این اساس باید بررسی کرد در مقطع و رشته جدید آیا کل میدان مطالعاتی جنگ هدف آموزش و پژوهش است یا بخشی از آن. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از مسائل محوری خاص، بینش‌های توجیه‌گر و روش‌های پژوهش متناظر با آن نیز ارائه گردد. ■

منابع

۱. اسلامی (۱۳۸۸) مریم. «از میان آتش و باروت». مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس. به اهتمام محمود رضا اکرامی فر. بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.
۲. نجفی (۱۳۸۹) رضا. «درآمدی تطبیقی بر آسیب‌شناسی ادبیات پایداری». مجموعه مقالات همایش اول تا پنجم. ناشر: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
3. Turner (2003), Jonatan. Modern Sociological Theory. London: Rutledge Press.

مطالعاتی انقلاب نیز می‌باشد. در اینجا هم صرف تمرکز بر این میادین خاص توجیه‌گر مفهوم پایداری شده است. شایسته است در اینجا مشخص شود مصادیق میدان مطالعاتی تا چه حد وسیع است: آیا پدیده‌های سیاسی و یا پدیده‌های طبیعی مثل فقر و خشکسالی را نیز دربرمی‌گیرد.

ه در حالت سوم برای مفهوم پایداری یک مبنای نظری ساخته و پرداخته شده است، اما نکته در این جاست که این مبنای نظری دارای ریشه ایدئولوژیک است و در بسترهای تحولات سیاسی و اجتماعی خارج از اجتماع علمی پژوهشگران ادبیات حرکت می‌کند. بنابر این با تحولات اجتماعی سیاسی و به موازات آن تغییر ایدئولوژی نظام سیاسی اجتماعی، رویکرد پژوهشگران نیز دستخوش تغییرات می‌گردد. فی‌المثل با تغییر سیاست دولتی درباره مسلمانان چین یا چچن، یا در درون ایران نسبت به اقوام، برنامه‌های پژوهشی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

ه در بهترین حالت، با تمرکز بر میدان مطالعاتی جنگ، جریان‌های متفاوت نظری و روشی درون رشته مادر ادبیات و یا خارج از آن به صورت بین رشته‌ای به وجود می‌آید. تمام این جریان‌ها سعی دارند در امر آموزش و پژوهش روی میدان جنگ به تولید علم و تربیت نیرو بپردازند. تفاوت این جریان‌ها در رویکردهای متفاوت آنها به تمام یا بخشی از میدان جنگ است. مثلاً یک عده از اندیشمندان علم ادبیات، مبنای نظری و روشی را حول توجیه مفهوم دفاع مقدس ارائه می‌کنند و می‌کوشند مسائل محوری خاصی را بر اساس این بینش نظری پاسخ دهند. گروهی دیگر به همان میدان مطالعات جنگ عراق و ایران، از زاویه یک بنیاد نظری و مفهومی دیگر مثلاً

برزخ غیب و شهادت در ادبیات دفاع مقدس

علیرضا عبدالرحمان / حسین الهی

در چشم سیه خانه‌نشینان شهادت
دیدار بتان روزنه‌ی عالم غیب است

(صائب تبریزی)

۱

در متن و مطاوی بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های برآمده از جنگ و جبهه، خصوصاً یادگزاره‌ها، رگه‌هایی از روایت‌ها به دید می‌آیند که همانند خطورات قلبی و الهامات غیبی اهل کشف و نظر، واقعه‌هایی از حضور دل‌انگیخته جبهه‌گیان و هم‌طریقان ایشان را در وقایع این دوران به نظر تداعی می‌کند.^۱ دریافت و درک این احوال و بازنمود آنها، عمدتاً از سوی جبهه زیستگان و مرتبطان با آنان (خاصه مادران و همسران) به گفت

و نوشت آمده است. در بدایت امر چنین می‌نماید که هرگاه زی متعارف فرد یا آحاد جامعه به سبب وقوع رخداد‌های نامنتظر دگرگون می‌شود این نوع انگاشت‌ها در باورها و گفتارها زمینه‌هایی برای تولد و تکوین می‌یابد.

شایان درنگ است که در پیدایی و نمو این‌گونه پدیدارها وجود استعداد‌های بالقوه، کهن‌یادهای ماندگار و تعلقات تاریخی فرهنگی مدخلیت تام دارد. مزید بر این، اقتضائات وقت و حال، و مناسبات گفتمانی موجود در بارورسازی و باورپذیری و گسترش این‌گونه بینش‌ها و برداشت‌ها تأثیرگذار و جهت‌دهنده است. این نحوِ نگر و نموده‌های آن می‌تواند دلیل بر ارتباط و احاله‌ی امور واقع به ماورای واقع امور،

گویا هست هستی پرده پندار از چشم رهرو برمی دارد و رشحاتی از بود نمودها به وی نشان داده می شود. تحقق و تماشای این جهان به وجهی در یک نشئه و جلوه، آن گاه که روح مجال آزادی از قید جسم می یابد ممکن می گردد؛ رؤیت رؤیا، رؤیت و رؤیا هر دو ریشه در رأی دارند، یکی به واسطه چشم ظاهر بر آفاق و عالم صغیر نظر می کند و آن دگر به دیده دل، جهان انفس را به تماشای آورد و بر عالم برین نظر می اندازد.^۲ در این گشتاگشت دیدار فرق و فاصله میان غیب و شهادت از میان برمی خیزد و از این روست که دیده ور رؤیا چشم بر ندیده ها می گشاید و گاه / حتی پیش از رخ نمود بعضی وقایع به وقوع آنها وقوف می یابد. زبان گفت و نوشت خواب نماشدگان و رؤیادیدگان رمزآلود و استعاری و مآلاً در مرتبه کاشفیت معنا نیازمند تأویل و تعبیر است. گستره این گونه مکاشفات معنوی و پندارین الزاماً معطوف و منحصر به خواب / رؤیا و پنداره نیست، بلکه آنچه به گاه بیداری، در مقام دیدار و تجلی، درک و دریافتی از مشاهدات و مکاشفات فرادید می آورد، در روایت راویان نیز بر گونه رؤیاها منعکس شده است؛ رؤیای بیداران.^۳

خواب، رؤیا، پنداره و حالاتی غریب از این گونه دریافت های خیال انگیز واقعیتی است انکارناپذیر که بنی آدم به هر کیش و آیینی، فراخور دنیای درون و برون خود در طول مدت حیات به دفعات متعدد آن را تجربه می کند.

اندیشیدن برای پی بردن به چیستی رؤیا / خواب و رازگشایی از آن بدو تأثیر از باورهای ماورایی اسطوره ای و آموزه های دینی مطمح نظر قرار گرفته است. در کتاب های آسمانی و مآثورات وحیانی، رؤیای صادقه بسان دلیل یا رهنمودهایی برای شناخت ژرفای رویدادهای عینی و اکتونی و آتی وانمود شده است. در

هم پیوندی میان عالم غیب و شهادت و از نظرگاهی دیگر، گذر از جهان عین به فراخنای عالم ذهن و زبان بنماید. چند و چون این ارتباط یا تحویل و تحول، در کسوت اخلاقیات، آداب و مناسک خاص، به ویژه در ریختار زبان و روایت اهل جبهه و ادبیات دفاع مقدس به بروز و ظهور رسیده است. بن مایه ای این ماجرا بر ماهیت دینی آرمانی انقلاب اسلامی، رویگردانی از مظاهر عالم مدرن و مدرنیته بی اندام در ایران و عزم بر بازگشت به خویشتن خویش قرار و قوام یافته است. رجوع به سنت، عهد قدسی و مدینه فاضله / آرمانشهر، مبتنی بر اندیشه ها و آموزه های وحیانی و شیعی سازنده نظام اندیشگانی این عهد است.^۴ مبنی بر این فرض / مفروض، به نظر می رسد ادبیات دفاع مقدس بالذاته متأثر از ادبیات اشراقی عرفانی، تداعی کننده و احیاگر یادها باشد.

۲

نزد جبهه باوران، جنگ فارغ / فارق از عینیت نظامی و سیاسی، مجلای مواجهه نور و ظلمت / حق و باطل، آزمونگاهی برای وصول به مراتب معنوی و تهذیب نفس تلقی شده است. در این طریقیّت امر واقع، متمرکز بر وقوع انسان جبهه زیسته و مدّرك واقعه است. جنگ در جغرافیای عینی آن با هبوط پذیرش قطعنامه متارکه نبرد به پایان رسید و پی آمدهای آن به دنیای سیاست سپرده شد، اما وقوع انسان آرمانی این عهد در هنر و ادبیات، بی تعلق از نظامی گری و نبرد و سیاست بازتاب و تداوم یافت و از قید مکان و زمان، بلکه معاینه تاریخ بماهواتاریخ بیرون شد. از زمره خصوصیات ادبیات روایی مردمانه دفاع مقدس / جبهه نوشت ها، ردّ و نشان مشاهده ها، مکاشفه ها و مشخصاً رؤیاهاست. پیش آگاهی از شهادت، دیدار امام غایب، امدادهای غیبی و امثال این احوال توسعاً مصادیقی از دریافت های رؤیایی به شمار می آیند. در این مقام،

ذهن / حافظه) محل توجه واقع شده است. اما نگرش تاریخی / تاریخ‌شناختی به خواب و خواب‌دیدگان و منقولاتِ رؤیایی به مثابه رخدادی تاریخی و بایسته پژوهش چندان مسبوق به سابقه نیست جز آنکه در پاره‌ای از گزارش‌ها / وقایع‌نامه‌ها، خواب‌گزاره‌ها و رؤیاساخته‌های حکمرانان و ارباب مناصب چنان رویدادی عینی مورد توجه و نقل واقع شده است. قرائنی در دست است که روایت و انتشار افواهی این‌گونه رؤیاها در بسطِ قدرت و کسب مشروعیت و اقتناع / تمکین توده‌ی مردم نقش و کارکرد فراوان داشته است. مع الوصف و رای راست یا دروغ بودن وقوع رؤیا و پنداره یا آنچه معبران و خواب‌گزاران از تعبیر خواب بالادستان اظهار کرده‌اند، رؤیاگفته‌ها و خواب‌نوشته‌ها چنان گونه‌ای از داده‌های تاریخی و تاریخ‌شناسانه، خاصه از این حیث که نقل و انتشار این‌گونه اخبار چگونه پرداخته و انتشار یافته و چه آثار و تبعاتی بر آن مرتب بوده است، جای تأمل دارد. اما توجه به خواب‌ها و رؤیاها و روایت‌های مردمی / مردمانه رویکردی جدید و بی‌سابقه در مطالعات تاریخی است و این مهم متأثر از موضوعیت یافتن تاریخ اجتماعی / مردم‌شناسی تاریخی و توسعه معنایی تاریخ فراتر از انحصار حاکمیت و سیاست، محل اعتنا واقع شده است. از این منظر خواب‌ها، رؤیاها و الهامات و خیالات، همانند داده‌های کرداری، گفتاری و باورهای طبقات اجتماعی به عنوان بخشی از معتقدات عامه و شناسه‌های آگاهی دستمایه‌ی مطالعات و تحقیقات محسوب می‌شوند. از طریق تحلیل مجموعه متنوع این‌گونه گفته‌ها، که سرشار از باورها و مشاهدات رؤیایی و تمثلی است، پس از گردآوری دقیق از طریق مصاحبه‌های شفاهی و بازیابی مخطوطات شخصی، از جمله یادداشت‌ها / خاطره‌نوشته‌ها / نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها می‌توان به باور کنشگران و شاهدان پی برد و به چگونگی و چرایی نوع اندیشه و عمل نقش‌آوران وقایع دقیق‌تر نگریست.

چند سوره از قرآن کریم، منزلت رؤیا و نقش آن در آگاهی از رخدادهای محل توجه و تذکار قرار گرفته است که در این میان، بیش از همه، نقل ماجرای مربوط به حضرت یوسف، و افاضه یا تعلیم تأویل و تعبیر رؤیا از سوی خداوند به این پیامبر برجسته و بارز است. بی‌وجه نیست که در پیشینه‌ی رؤیاشناسی، ابتدائاً وحی‌آوران، کاهنان و پیشوایان دینی و نهان‌باوران جای دارند و راجع به اعتبار و دلالت معنا و عوالم تو در توی رؤیا سخن‌ها گفته‌اند. الهیات رؤیا فصل مُشبع دین‌پژوهشی است. اهل حکمت و عقل‌اندیشان / فیلسوفان نیز از متقدمان شناخت عوالم رؤیا و خیال به‌شمار می‌آیند. نزد اهل اشراق و عرفان، الهامات باطنی و مشاهده‌ی رؤیا طریقی خاص، به مثابه وحی، از دست‌یابی به معرفت بلاواسطه و حضوری تلقی شده و بر این بُرنهاد کتاب‌ها و رساله‌های متعدد مبتنی بر نقل و شناخت الهامات و مکاشفات و فتوحات نوشته‌اند. دانستنی است نظرداشت مناسبات میان دین و حکومت و در خدمت‌گرفتن اعتقادات دینی در حکمروایی به‌مرور، سبب پیدایی مُعبران و خواب‌گزاران در دستگاه قدرت و سیاست شد و موجبات نوشتن کتاب‌ها و رساله‌های متعدد در تعبیر و توجیه رؤیاها را فراهم آورد. علی‌ای حال در دوران سنت یا پیش‌مدرن، بُردانمندترین ژرف‌کاوی‌ها و رمزگشایی‌ها در باب رؤیا به دین و پیشوایان دینی و دین‌ورزان اختصاص دارد. شایان نظرست که ادبیات ملل و نخل سرشته و دربردارنده‌ی روایتِ رؤیاها و رمزهاست. ادبیات ایران و آثار ادب فارسی از این جریان قوی و غنی آن‌سان برخوردار است که می‌توان از آن به عنوان نوع / گونه‌ای گسترده یاد کرد: ادبیات رمز و رؤیا / رمز و رؤیا و روایت در ادبیات.

۴

در عصر جدید از منظر مطالعات علمی خواب‌بینی و رؤیا به‌طور مستوفی در روان‌شناسی، علوم شناختی (ترکیب‌واره‌ای از روان‌شناسی، عصب‌شناسی، فلسفه‌ی

سخت تحت تأثیر وجه باطنی واقعه بوده است. به همین سبب، مطالعات تاریخی / سیاسی / نظامی این دوران به منظور استنباط یا اتخاذ راهبردهای استراتژیک برای آینده، بدون نظرداشت ژرف به پدیدار اندیشگانی و عناصر فرهنگی رویداد ناممکن است و تصویری ناروشن و سطحی از چند و چون پیدا و ناپیدای این دوران به دست خواهد داد. مبتنی بر آنچه گذشت، می‌توان به علت موجبه موجودیت، برجستگی و تداوم ادبیات دفاع مقدس پی برد. برآیند تأمل در پدیدار ادبیات دفاع مقدس با عنایت به نقش و نسبت روایت‌های رؤیایی / رؤیاگون و نقل‌های فراسوی زمان و مکان عینی، و رها از الزام به احراز صدق و کذب در گزاره‌های برهانی منطقی، نتیجه‌بخش تحقق / وجودیافتگی «ادبیات مقدس دفاع در ادبیات دفاع مقدس» است. در این تلقی صفت مقدس، بالاصاله به ادبیات و نه به جنگ / دفاع مقدس، ربط و نسبت می‌یابد. اجمالاً شایسته اعتناست که اظهار و اذعان (به) کاربرد اصطلاح / عنوان ادبیات مقدس دفاع، منضم به ادبیات دفاع مقدس با انگاره‌های نوع‌شناسانه در ادبیات (انواع ادبی) قابل اثبات و استدلال است. در این گونه / نوع، روایت‌های رؤیاسرشت، حسب مضمون و محتوا / قالب و زبان احصا و بازشناسی می‌شوند. فراتر از این، مدافعه در صورت‌های نوعیه پنداره‌ها / رؤیاها، زیرگونه‌های ادبیات مقدس دفاع را شناسا می‌کند. رشت به این ساحت ناشناخته، فراتر از آنچه پیش‌تر ذیل عنوان مؤلفه‌های ادبیات پایداری / ادبیات دفاع مقدس از آن یاد شده است، مستلزم شناسایی و گردآوری مصادیق و مواد موضوعه در ادبیات جنگ / دفاع مقدس، خصوصاً یادگزاره‌ها و مستندات برآمده از متن جنگ و جبهه / ادبیات غیرمُتصنع دفاع مقدس یا ادبیات فطرت است. استناد و تحلیل در این نوع گزاره‌ها در مکتوبات منتشرشده نیازمند دسترسی به روایت مرجع و بسا مرجع روایت و سنجش نوع دلالت و کیفیت رابطه میان روایت و راوی است.

بدیهی است دستاورد این‌گونه یافته‌ها را نمی‌توان جدای از سایر ادله و قرائن در نظر گرفت و به کار برد، بلکه با توجه توأمان به همه‌ی عناصر و داده‌ها، از جمله شنن فرهنگی و مناسک و پنداشته‌های روایی قوم است که امکان شناخت لایه‌های پنهان یا دورمانده فراهم می‌آید. مبنی بر این نظر به‌رغم اهمیتی که واریسی مکاشفات و مشاهدات و رؤیاها و پنداره‌ها داشته‌اند وقوف بر این ضرورت تقریباً پس از خیزش مشروطیت و به میدان آمدن مردم در منصفی سیاسی و اجتماعی موضوعیت می‌یابد و آشکار می‌شود.^۵

۵

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در پیامد آن جنگ / دفاع مقدس، زمینه و امکان کنش‌گری و حضور بی‌سابقه همه لایه‌ها و طبقات اجتماعی شهری و روستایی را در حوادث واقعه این دوران رقم زد. با وجود تنوع فرهنگ‌های اقلیمی بومی / قومی، زبان‌ها و گویش‌های منطقه‌ای، این دو رخداد به هم پیوسته تحت تأثیر عاملیت و راهبرد دین، اعتقادات دینی و تداعی و احیای کهن یادها / سنت‌های همگانی و مردم‌نهاد، وحدت در کثرت آحاد و لایه‌های اجتماعی را ممکن ساخت. بر این منوال تحویل یا احاله‌ی جنگ. در معنای مواجهه خونین به منظور غلبه قدرتمندانه بر دشمن. به میدان مواجهه ارزش‌ها و آرمان‌ها، جبهه را به مکان یاد مقدس دستیابی به معرفت نفس و جهاد و شهادت مبدل کرد. قصد غالب جبهه‌روندگان و روح حاکم بر اندیشه ایشان پیش‌برد جنگ از طریق تفوق قاطع نظامی بر خصم و کشتار نبود؛ میراندن نفس و مواجهه با خود و رسیدن به عالم بقا و شهادت غایت آمال جبهه‌گیان بود. زمان نیز نزد اهل جبهه، فراسوی معنای متعارف آن به مجال، وقت ادراک و نصیب حال تلقی شد. نظامی‌گری و سیاست‌ورزی در این ماجرا، حتی در ناگزیرگاه‌هایی که تدریجاً، خاصه در اواخر جنگ، به عین و عیان رسید،

– نصر، سیدحسین (۱۳۸۲). نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میان‌داری، قم: مؤسسه فرهنگی طه.

– نصر، سیدحسین (۱۳۸۵). در جست‌وجوی امر قدسی؛ گفت‌وگوی رامین جهان‌نگلو با سیدحسین نصر، ترجمه سیدمصطفی شهرایی، تهران: نشر نی. ۳. رؤیت مشاهده به چشم است خواه در این جهان و خواه جهان دگر، رؤیت عیان حضرت باری در این جهان متعذر است، اما در باب رؤیت خداوند در عالم دیگر بحث‌های پردامنه‌ای میان معتزله و شیعه از یک‌سو و اشاعره و اهل تصوف درگرفته است. رک. به: پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵). رؤیت ماه در آسمان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۴. از باب نمونه راجع به رؤیای بیداران و بیدارانه رک. به: ناشنیده‌ای از ملاقات علامه محمدتقی جعفری با امیرالمؤمنین (ع)، پایگاه خبری انتخاب، ۱۳۹۰/۸/۲۲.

– مکاشفات و رؤیاهای علامه حسن‌زاده آملی، در آثار متعدد ایشان از جمله: – صدی آملی، داود (۱۳۷۹). شرح دفتر دل، جلد دوم، قم: نبوغ.

– حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۷). انسان در عرف عرفان، تهران: سروش.

– عمده کتاب‌هایی که در قلمرو عرفان و تصوف به قلم آمده‌اند مشحون از این‌گونه روایات هستند؛ از اسرارالتوحید، محمدین منور تا روح مجرد به قلم سیدمحمدحسین حسینی تهرانی در شرح حال و مقامات سیدهاشم حداد به شیوه‌های متنوع رؤیاهای و مشاهدات رؤیابینان گزارش شده است. شماری از روایت گزاره‌های شهید سیدمرتضی آوینی در مجموعه کنجینه آسمانی، متأثر از حال و هوای رؤیت و رؤیا به قلم آمده است. شاید بتوان گفت در این میان محی‌الدین ابن عربی مثل اعلای رؤیابینی و رؤیازاری در عالم اسلام است؛ دو اثر به غایت پیچیده و منحصر به فرد و عالم‌گیر و پراوازه‌ا، به حسب آنچه خود وی بدان تصریح کرده است حاصل رؤیاهای الهامات است؛ فصوص الحکم و فتوحات مکیه.

درباره‌ی ابن عربی و آثار او رک. به «ابن عربی» دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مجلد چهارم.

– جهانگیری، محسن (۱۳۷۵). محی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵. درباره‌ی رؤیاشناسی و خواب‌گزاری از منظر دین پژوهی و متن‌شناسی و روایت به عنوان نمونه رک. به:

– مارلو، لوییژ (۱۳۹۳). خواب و رؤیای فراسوی مرزها، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

– مازنیار، امیر (۱۴۰۰). رؤیا، استعاره و زبان دین. متن دینی چون متن هنری، تهران: نشر کرگدن.

این کتاب به رغم اختصار، دربردارنده تحلیل و بازشناخت دقیق درباره وجه و حیانی رؤیا در کلام و فلسفه و بازمنود رابطه زبان رؤیا با آموزه‌ها و متون دینی/ ادبی هنری است.

– عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (۱۳۹۳). تعطیر الانام فی تعبیر المنام / عطر خوش جان در تاویل خواب و رؤیا، ترجمه سیدناصر طباطبایی، تهران: نشر مولی. مقدمه مترجم کتاب دربردارنده بحثی در باب خواب‌شناسی و خواب‌گزاری و بررسی اشاره‌وار به آرای دین‌پژوهان، فلاسفه و عارفان و روان‌شناسان درباره رؤیا، منضم به فهرست‌واره‌ای از خواب‌نامه‌ها و خواب‌گزاره‌هاست. متن و محتوای کتاب به صورت فرهنگ‌نامه‌ای تألیف و تدوین شده است.

درباره اهمیت خواب و رؤیا در بررسی‌های تاریخی و تاریخ‌شناختی رک. به: – رحمانیان، داریوش و زهرا حاتمی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر رؤیاشناسی تاریخی / مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

۶. رک. به: عشقی، لیلی (۱۳۷۹). زمانی غیرزمان‌ها (امام، شیعه و ایران)، ترجمه‌ی احمد نقیب‌زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

مع الوصف، بخش معتنابه‌ی از گزاره‌های رؤیاگون و خواب‌ها و خلسه‌واره‌های واقعه به بیان و کتابت نرسیده است و اطلاع و دست‌یابی به آنها در فرایند گفت‌وگوی دقیق خاطره‌پرسان خاطره‌شناس ممکن و حاصل می‌شود. در این مرحله‌ی گذر و گزار و قوف علمی و الزام اخلاقی به امانت‌داری و صیانت از میراث‌داری یادها، و پرهیز از تصرف و دگرگون‌سازی‌های ساختگی، شرط اول قدم در وادی ورود به یادپژوهشی و یادگزاری است. سعی در شناسایی و گردآوری، نوع‌شناسی محاکات روایی و رخ‌نمون آنها در تداوم و پیوستگی با ادبیات رؤیا/ رؤیاهای ادبی در آثار عرفانی تعلیمی گذشته و بازتولید هنر و ادب عهد قدسی، و تشرّف / حضور انسان ایرانی در این ساخت در زمانه سيطرة کیمیت بی‌وجه و سبب نیست؛ اینکه دانسته شود چرا و چگونه یک رویداد عینی در معرض تماشا و تلقی شاهدان واقعه به پدیداری روایی قدسانی، مکانی فرازمینی، و زمانی فراتر از زمان‌ها راه می‌جوید، پر و بال می‌گشاید و استعلا می‌یابد. ■

قصد از عرضه این نوشتار کوتاه صرفاً جستارگشایی و تشحیذ ذهن پژوهندگان اندیشه و ادبیات برای ورود مستوفاه به موضوع / مسئله‌ی جهان غیب و شهادت در ادبیات دفاع مقدس و ادبیات مقدس دفاع است. بدیهی است شرح و تفصیل مطلب، چنان‌که باید و شاید، منوط به طرح مبسوط مبانی نظری بحث و فراهم‌سازی و استناد به مصادیق موضوعه در این باب است.

پی‌نوشت

۱. از جمله کتاب‌هایی پرشمار که در آنها نقل رؤیاهای و خوارق راه‌یافته است می‌توان به «حرمان هور / شهید احمدرضا احدی»، «تپه برهانی / محمدرضا طالقانی»، «جلوه‌های رحمت حق جل و علا / شهید محمدرضا موسوی»، و اخیراً، به عنوان نمونه، به «رؤیای بانو / کاظم عاملو» و «تنهاگریه کن / اشرف السادات موسوی» اشاره کرد. بازجست روایت‌های رؤیاگون در خاطرات / یادداشت‌ها و نامه‌ها / وصیت‌نامه‌ها و... نیازمند تهیه فهرست‌واره کتابشناسانه است.

۲. درباره هنر و عهد قدسی و مواجهه سنت و تجدید پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، در این باره از جمله رک. به:

– افشارکهن، جواد (۱۳۸۳). بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجدیدطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: انتشارات آوای نور.

– فرهادی، مرتضی (۱۴۰۰). صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن (دو جلد)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

روش پژوهش در هنر (پایداری)

رضا صفری

مقدمه^۱



متنوعی در پژوهش انجامید. صرف نظر از این تلاش‌ها، جهت‌گیری‌های استعمارگراییانه و استیلاجویانه آنها همیشه جزو یکی از اهداف اصلی‌شان بوده است؛ ولی در کل نتایج جانبی هم از دستاوردهای این تلاش‌ها به دست آمد که البته در این نوشته جای نقد آن وجود ندارد. این نکته حائز اهمیت است که نتایج تلاش‌های آنها امروزه به شیوه‌های مختلف پژوهش، در حوزه آکادمیک^۲ وارد شده است. در اینجا تعریف ما از «پژوهش» یا «تحقیق»، مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور پاسخ دادن به یک یا چند پرسش یا مسئله انجام می‌شود. در مباحث هنری، عموماً مدل‌های تحقیق و شیوه‌های متنوعی به کار می‌رود و در همه آنها مؤلفه‌های نظری یا کاربردی به عنوان موارد ضروری دارای اهمیت هستند.

کشور ما در ادوار تاریخی هنر، آثار ارزشمندی از طریق هنرمندان این مرز و بوم به ثبت رسانده است. همچنین رشادات‌ها و فداکاری‌هایی نیز در دفاع از آب و خاک، به

پژوهش درباره فرهنگ و هنر یک جامعه، امری واضح است که نیاز چندانی به تأکید ندارد. آنچه در این میان از اهمیت ویژه برخوردار است، چگونگی انجام چنین پژوهشی است. هنر حاصل

آفرینش انسانی است و به نوعی با مسئله انسان‌شناسی^۳ رابطه تنگاتنگی دارد. بحث انسان‌شناسی و فرهنگ و هنر زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که کشورهای غربی به مسئله شناخت فرهنگ‌های دیگر، احساس نیاز پیدا کردند به همین جهت تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفت.^۴ این تلاش‌ها به ابداع شیوه‌های

1. Introduction.

2. Anthropology.

۳. پژوهش فرهنگی و مردم‌نگاری در جوامع پیچیده، ترجمه بیوک محمدی،

مقدمه

4. Academic.

عنوان والاترین ارزش‌ها، در تاریخ خود جای داده است. این‌ها بخشی از هویت ملی و فرهنگی هنری کشور ما را رقم می‌زنند. که بایستی به طرز شایسته‌ای حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شوند.

مطالعه، شناسایی و انتقال و ثبت حقایق آنها از طریق کارهای تحقیقی و مطالعات بینارشته‌ای، چه به صورت علمی و چه به صورت نظری به درستی انجام نگرفته است و آنچه در این حوزه به ثبت رسیده، بیشتر وقایع نگاری است که اطلاعات تاریخی را کم‌وبیش در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. بنابر این جای پژوهش‌های هنری که منتج به پیشرفت‌هایی در حوزه فرهنگی هنری می‌شود، خالی است. البته علت اینکه چرا در این حوزه پیشرفت‌هایی حاصل نشده است به عوامل زیادی وابسته است که از حوزه این مقاله خارج است. در این زمینه می‌توان فقط به این موضوع اشاره کرد که اگر کشورهای غربی از شیوه‌های مختلف به بررسی مسائل هنری خود می‌پردازند، نگرانی آنها در این مسیر، فقط نتایج حاصله از کار تحقیقی آنها است؛ در صورتی که در کشور ما به تازگی و آرام‌آرام ضرورت پرداختن به این مسئله در محافل دانشگاهی و فرهنگی، هنری احساس شده است و ضعف روش‌شناسی^۱ به وضوح در این حوزه مشخص است.

آنچه در این مقاله آمده، اشاره‌ای ساده به یک روش پژوهش برای رشته‌های مختلف هنر به صورت کلی است، که موضوعات و زیرشاخه‌های موضوعی آن، به عنوان مثال «هنر پایداری»، را نیز می‌تواند شامل شود. در اینجا منظور از روش^۲، خط مشی منظم و معقولی برای دستیابی به هدفی معین و راه درست برای نتیجه‌گیری‌های صحیح است^۳. کشور ما که بعد از انقلاب اسلامی، بلافاصله درگیر جنگ تحمیلی شد؛ همیشه به دنبال اثبات هویت فرهنگی و هنری خود در جهان است. پژوهش موضوعاتی مانند هنر پایداری و مقاومت می‌تواند جزو اولویت‌های

پژوهشی ملی قرار گیرد. انجام پژوهش در چنین حوزه‌هایی می‌تواند توسعه مسائل فرهنگی و هنری را ترغیب و تکوین باورهای ملی و مذهبی را برای نسل‌های بعدی در کشور تسهیل کند.

عموماً پژوهشگر برای بررسی یک مسئله می‌داند که چه موضوع و مشکلی را بررسی کند؛ ولی نمی‌داند چگونه آن را انجام دهد و از کجا شروع بکند که به یک نتیجه مفید برسد، و از درون آن پیشنهاد یا پیشنهاداتی را بیرون بکشد. برای یک پژوهشگر مبتدی همیشه بیم آن می‌رود که پیش از شروع، قدم در بیراهه بگذارد. پس برای رسیدن به موفقیت ابتدا باید دید که چه کارهایی را نباید انجام داد. پژوهشگران مبتدی عموماً به ورطه شتاب زدگی، بن‌بست در فرضیه‌ها و استفاده از کلمات تو خالی می‌افتند. درباره شیوه نوشتن پژوهش، کتاب‌های فراوانی به انگلیسی وجود دارد و علاقمندان کم‌وبیش در بخش نگارش با شیوه‌ها و معیار نوشتن آشنا می‌شوند^۴.

در این مقاله سعی شده است تا یکی از روش‌های تحقیق علمی در هنر را به زبان ساده و قابل فهم برای پژوهشگران مبتدی شرح داده شود. مسئله شناخت علمی برای پدیده‌های اجتماعی و هنر و نیز پدیده‌های طبیعی اساساً به یک صورت مطرح می‌شود. یعنی در هر دو حالت فرضیه‌های نظری را باید با داده‌های مشاهده یا تجربه مقابله کرد. پس باید پذیرفت که برای رسیدن به یک هدف راه‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. اما باید توجه داشت که هر تحقیق باید پاسخگوی چند اصل پایدار و همسان باشد. اینجا تأکید ما ارائه یک روش ساده و ورود آسان به یک پژوهش هنری به صورت کلی است. پرواضح است که روش پیشنهادی به زیر شاخه‌های آن قابل تعمیم است. «لوین شوکینگ»^۵ می‌گوید به جای اثر، عوامل سازنده ذوق باید بررسی شوند^۶. یعنی در این روش پژوهشگری که به دنبال گردآوری اطلاعات است

۴. راهنمای نگارش پژوهش دانشگاهی، سعید عدالت‌نژاد، ص ۹-۱۰
5. Leuin schucking

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به جامعه شناسی هنر، ناتالی هینیک،

1. Methodology.

2. Method.

۳. «روش تحقیق با تأکید بر تاریخ، جهان‌بخش ثوابت، ص ۷»

جنبه عملی طرح پژوهش

یعنی دیدگاه عملی در طرح پژوهشی حاکم باشد. باید در پیش از شروع طرح به زمان، بودجه، گروه‌های همکار پژوهشی و مهم‌تر از همه به صلاحیت‌های پیش‌بردن چنین تحقیقی بیشتر توجه شود.^۱ چنانچه امکانات انسانی و مدیریتی برای اجرایی کردن طرح وجود نداشته باشد طرح صرفاً در مرحله ایده خواهد ماند و به سرانجام نخواهد رسید. پس بایستی درنظر داشته باشیم که عنوانی که برای یک موضوع یا موضوعاتی انتخاب می‌شود بسیار حائز اهمیت است. زیرا «عنوان» اولین قسمت یک مقاله یا طرح است که دیده می‌شود و چنانچه مبهم باشد مورد توجه قرار نمی‌گیرد و پژوهشگر هم در مسیر تحقیق به مشکل برمی‌خورد. بنابراین عنوان مقاله باید اطلاعات کافی و مناسبی را در اختیارخوانندگان قرار بدهد تا جذابیت موضوعی داشته باشد. در اینجا به چند مورد از معیارهای انتخاب عنوان مقاله اشاره می‌شود:

۱. گیرایی و جذابیت؛
 ۲. سادگی و قابل فهم بودن؛
 ۳. جامع و خلاصه بودن؛
 ۴. بازگوکننده محتوای مقاله؛
 ۵. مبتکرانه و خلاق؛
 ۶. پرهیز از آوردن اعداد و ارقام در عنوان.
- محقق در ابتدا طرح پژوهشی خود را معرفی می‌کند. در این طرح باید نقشه راه آینده طرح‌ریزی شده باشد تا بتوان با حرکت گام به گام به هدف غایی دست پیدا کرد. حرکت به سمت هدف، می‌تواند از شیوه‌های مختلفی پیروی کند. اما مسیر، همیشه باید به وضوح و روشنی انتخاب شود. هر روش پژوهشی که انتخاب می‌شود، معمولاً موارد زیر را شامل خواهد شد:

۱. طرح
۲. بیان مسئله

به پژوهش خود انسجام بخشد، می‌تواند با مد نظر قرار دادن این جمله به حوزه وسیع‌تری در مسیر جستجوی خود بپردازد. یعنی در تبیین موضوعات اجتماعی از جمله مسئله پایداری و مقاومت مسائل ذوقی و هنری بیشتر توجه کرد. البته اصول اساسی که در هر روش پژوهشی وجود دارد به‌نوعی صورت‌های خاصی از روش علمی می‌تواند باشد.

اینجا یک روش ساده و در عین حال یک روش نتیجه بخش از طرح‌های پژوهشی، برای روش کار محققین عرصه هنر معرفی می‌شود. و آن اینکه، یک پژوهشگر می‌تواند طرح پژوهشی خود را به صورت پرسشی^۱ مطرح کند. البته خود پرسش طرح، بایستی از قواعد خاصی پیروی کند، تا نتیجه آن اثربخش باشد. به عبارتی پرسش‌ها زمانی می‌توانند مفید باشند که به‌صورت درست و روشن تدوین شده باشد پس پرسش خوب و واضح هم باید خصوصیتی داشته باشد تا محقق دچار سردرگمی نشود.

از این رو، معیارهای پرسش‌های آغازین در یک طرح پرسشی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

شفافیت و عدم ابهام طرح پژوهشی^۲

یعنی تفسیرهای احتمالی از آن نشود و اطلاعات دقیق از مقاصد طرح ارائه گردد. حتی‌المقدور کوتاه طرح شود تا ابهامی در معانی نباید وجود داشته باشد. برای اطمینان بخش بودن این قسمت از گزاره پژوهشی، می‌توان از جمع کوچکی از اشخاص متخصص، بدون اینکه شرح و تفسیری از آنها اخذ شود، خواسته شود که آنچه را از پرسش فهمیده‌اند بیان کنند. اگر پاسخ‌ها با مقاصد پرسش همگرا و همسو بود، مسیر پژوهش روند درستی را طی کرده است. زیرا همه آنها یک معنا را فهمیده‌اند.

۱. روش تحقیق در علوم اجتماعی، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهو، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، ص ۱۲

1. Opening question
2. research project



۳. اهداف (اصلی، فرعی)
 ۴. فرضیه (ها)
 ۵. جامعه آماری یا جامعه هدف
 ۶. نمونه و روش نمونه‌گیری
 ۷. ابزار یا روش‌های جمع‌آوری اطلاعات
 ۸. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
 ۹. مشخص بودن زمان بندی اجرا و قلمرو اجرای طرح.
- مراحل پیشنهادی در این مقاله، با پرسش آغازین شروع می‌شود و با مراحل بعدی که بدان اشاره می‌شود ادامه می‌یابد. با توجه به موضوع و روش‌های منتخب پژوهشگر، در هر یک از مراحل، ممکن است با تغییراتی همراه شود. اما در کل یک روش ساده و به دور از ابهام و پیچیدگی است.
۱. پرسش آغازین
 ۲. مطالعات اکتشافی (خواندن، مصاحبه)
 ۳. طرح نظری مسئله تحقیق
 ۴. ساختن مدل تحلیلی
 ۵. مشاهده
 ۶. تحلیل یافته‌ها
 ۷. نتیجه‌گیری

«در واقع سؤال اولیه وسیع است و به تدریج در ضمن تحقیق محدودتر و متمرکزتر می‌شود و این موقعی صورت می‌گیرد که مفاهیم و روابط مربوط و نامربوط با آنها کشف شوند»^۲؛ مانند شخصی که می‌خواهد ساختمانی را بنا کند اما موقتاً یک اتاقک یا چادری جهت انجام امورات اولیه در آنجا برپا می‌کند که بعد از تکمیل ساختمان آن هم برچیده می‌شود. پس پژوهشگر در جریان کاری خود می‌تواند چشم‌اندازش را تغییر دهد. البته این می‌تواند موضع کاملاً موقتی باشد. بنابراین اولین گام روش پژوهشی که با پرسش آغازین شروع می‌شود باید تمامی جوانب کار محقق را دربرگیرد.

۲. اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، ص ۳۶

۱. پرسش آغازین
همچنان‌که اشاره شد انتخاب یک پرسش باید دارای معیارهای مناسب باشد. پس گام اول طرح پژوهشی یعنی پرسش آغازین، ویژگی‌های خاص خود را دارد. هر پرسشی بیانگر منظوری است و متناسب با این مطلب پرسش‌ها هدف‌دار هستند^۱، اما این نکته نباید فراموش شود که طرح پژوهشی می‌تواند در ابتدا ناکامل و دارای نقص باشد. یعنی محقق از همان ابتدا قصد ندارد همه چیز بی‌نقص بیان شود، بلکه کاستی‌ها و خطاهای مسیر راه را می‌پذیرد.

۱. روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم زاده، ص ۹۱

اندیشه‌های پژوهشگران قبل و بعد از خود باشد که بتواند افق اندیشه‌هایش را از تعبیر رایج زمانه خود فراتر ببرد؛ یا به بیان ساده می‌توان گفت که محقق چیزهایی را می‌بیند که دیگران نمی‌بینند. پژوهشگر وقتی یک کار تحقیقی را شروع می‌کند این احتمال وجود دارد که قبلاً به صورت جزئی و یا کلی، مستقیم یا غیر مستقیم در مورد آن تحقیق کرده باشند. این مسئله باعث نمی‌شود که محقق کار خود را متوقف کند. منظور این است که از کارهای قبلی اثر می‌پذیرد و در کارهای بعدی اثر می‌گذارد.

۲-۲. همچنین برای خواندن متون هم باید معیارهایی وجود داشته باشد؛ یعنی منابع مکتوب یا غیر مکتوب با عنوان پرسش ابتدایی مطابقت داشته باشد. چون پرسش ابتدایی در واقع خط راهنمای محقق در طول مسیر پژوهش است. بنابراین در این بخش بر مطالعه هدفمند تأکید می‌شود و تنها صرف وقت و زمان بیشتر نباید ملاک قرار گیرد.

۲-۳. مطالعه نباید خسته‌کننده و کسالت‌بار و طولانی شود. در اینجا پیشنهاد می‌شود که گزینشی عمل شود. یعنی محقق، مسیر مطالعه را به صورت موضوعی جلو ببرد.

۲-۴. آثار مورد مطالعه باید منابع جامع و درخوری برای موضوع پژوهش و نقشه راه باشند و در آن حداقل به مبانی تحلیل و تفسیر کار خود اشاره داشته باشند.

۲-۵. مورد مطالعه اگر بتواند نگرش‌های متنوع و گوناگونی را ارائه دهد می‌تواند بسیار مفید باشد. در این زمینه می‌توان با افراد خبره هم مشورت کرد.

۲-۶. انتخاب اوقات معین برای خواندن و مطالعه و جلوگیری از انباشتگی مطالب در ذهن هم می‌تواند تسهیل‌کننده مسیر پژوهش باشد.

۳. طرح نظری مسئله تحقیق

آماده‌سازی طرح نظری پژوهش معمولاً در سه مرحله صورت می‌گیرد.



۲. مطالعات اکتشافی

پس از آنکه پرسش، مسیر راهنمایی پژوهش را تعیین کرد، باید به چگونگی کسب داده‌ها و اطلاعات پرداخته شود. در واقع باید روشن کرد که چگونه میدان پژوهش را برای تدوین مسئله نظری خود ببیماید. در مرحله مطالعه باید به موارد ذیل بیشتر توجه کرد:

۲-۱. خواندن؛ در این مرحله محقق باید به بعضی از موارد از قبل آگاهی داشته باشد. به عبارت دیگر، محقق باید در آن حوزه پیش‌زمینه مطالعاتی لازم را داشته باشد و از جامعیت و تخصص لازم در امر تحقیق برخوردار باشد. صرف نظر از هر گرایش و تخصصی، باید در مسیری که نقشه راه را انتخاب کرده است از مهارت کافی برخوردار باشد. این معارف می‌تواند آشنایی محقق با افکار و

مسئله تحقیق خود را آشکارسازی کند. آشکار سازی عملیاتی است مبتنی بر تعریف مفاهیم اساسی و ساختار مفهومی که قضایایی را مطرح می‌کند. این قضایا در پاسخ به پرسش آغازین حک و اصلاح می‌شود و در ساختمان مدل نظری به صورت واقعی در می‌آید. این مرحله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که محقق چارچوب نظری تازه‌ای را مطرح و یا پرسش موجود را اصلاح کند. در هردو حالت، باید تعریف روشنی از آنها به دست بیاید. زیرساخت مدل تحلیلی در این مرحله شکل می‌گیرد. چون مدل تحلیلی قرار است فرضیه‌هایی را توصیه کند که در مقابل واقعیات رسیدگی شده قرار خواهند گرفت.^۱

۴. مدل تحلیلی^۲

برای ایجاد یک مدل تحلیلی، باید به این نکته توجه کرد که شیوه‌های متعددی در این مسیر وجود دارد. چون هر پژوهش تجربه‌ای منحصربه‌فرد است که از مسیرهای خاص خود به دست می‌آید.

می‌دانیم که فرضیه در واقع پاسخ موقت به یک پرسش است. بنابراین برای ساختن مدل تحلیلی یک بار دیگر پرسش را بررسی می‌کنیم. بعد از آن، کیفیت مطالعات اکتشافی اهمیت پیدا می‌کند. متون متنوعی که در ارتباط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفته است بایستی به درستی تجزیه و تحلیل شود. یعنی اگر متون مطالعه شده به صورت صحیح با هم مقابله شوند و شیوه استخراج مصاحبه‌ها به صورت صحیح انجام بگیرد؛ پژوهشگر با داشتن آنها در ساخت مدل تحلیلی به مشکل خاصی بر نمی‌خورد. در واقع می‌توان گفت که به مرور که کار مطالعاتی به طرز صحیحی پیش می‌رود، روابط مناسبی میان فرضیه و یا فرضیه‌ها و مفاهیم اصلی شکل می‌گیرد. پس باید به این مسئله توجه کرد که ساخت مدل تحلیلی در واقع در طول مرحله مطالعه شکل می‌گیرد.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به روش تحقیق کیفی (رویه‌ها و شیوه‌ها)، آنسلم استراس، ص ۱۴۸

2. Analytical model.

پس از مد نظر قرار دادن متون مطالعه شده و گردآوری جنبه‌های مختلف مصاحبه‌ها که از جهات گوناگون پرسش آغازین مطرح شده و نیز روابط حاکم میان آنها مشخص می‌شود. ممکن است جنبه‌های گوناگون یک مسئله از دیدگاه‌ها یا جهت‌گیری‌های نظری بسیار متفاوت در بخش مصاحبه‌ها قرار بگیرد. در این صورت می‌توان از میان آنها یکی را که از همه متفاوت‌تر است انتخاب کرد. انتخاب آن باید از طریق مقایسه و مقابله سایر دیدگاه‌ها و تحلیلی منطقی از بین آنها باشد.

۱. مرورنگرش‌های گوناگون؛

۲. انتخاب یک چارچوب نظری؛

۳. آشکارسازی چارچوب نظری؛

۱. در این مرحله باید نگرش‌های گوناگون و متنوعی که ممکن است از یک موضوع واحد وجود داشته باشد را مد نظر قرار می‌گیرد و در نهایت با احتساب نگرش‌های گوناگون به مواردی که با خصوصیات اصلی پرسش آغازین سازگارتر است توجه کرد.

۲. در این مرحله محقق می‌تواند مسئله پژوهش خود را در یک چارچوب نظری مطرح کند و یا چارچوب نظری تازه‌ای ابداع کند. در این باره به پژوهشگران مبتدی توصیه می‌شود که یک چارچوب نظری شناخته شده را انتخاب کنند. این انتخاب باید بین اطلاعات به دست آمده از مطالعات پرسش آغازین و چارچوب نظری از همگرایی لازم برخوردار باشد. در این مرحله است که پرسش آغازین معنای دقیقی می‌یابد؛ یا اگر پرسش نظری به صورت دقیق انتخاب نشده باشد در این مرحله فرصت مناسبی برای فرمول‌بندی مجدد آن دست می‌دهد و در نتیجه میان آن پرسش با چارچوب نظری سازگاری ایجاد می‌شود.

۳. آشکارسازی: در این مرحله محقق باید چارچوب نظری

شروع کار تحقیقی عنوان می‌شود. بنابراین پژوهشگر در طول مسیر تحقیق خود، فرضیه‌هایی را تدوین می‌کند و به مشاهداتی که در خصوص فرضیه‌ها هستند، اهتمام می‌ورزد. پس نتایج مشاهدات را با نتایج فرضیه‌ها می‌سنجد و بعد از آن، یافته‌های بازمینی خود را تحلیل می‌کند. در این مرحله، اطلاعات جمع‌آوری شده را برای آزمون فرضیه‌ها آماده‌سازی می‌کنند، سپس تحلیل روابط بین متغیرها (اعم از کیفی یا کمی) و بعد مقایسه نتایج مشاهده شده یا نتایجی که فرضیه‌ها دنبال آن بودند انجام می‌گیرد.

بنابراین در این مرحله، اطلاعات جمع‌آوری شده را به صورتی بیان می‌کند که خصوصیات متغیرها از طریق توضیح و تفسیر به اثبات برسد. همچنین مطابق با شیوه‌ای که فرضیه آن را تعیین کرده است روابط میان متغیرها را هم اندازه‌گیری کرد. در نهایت در مرحله تحلیل می‌توان روابط مشاهده را با روابط مسائل نظری تحقیق مقایسه کرد.

تنها در این صورت است که افتراقات، اشتراکات و نیز انحرافات اطلاعات جمع‌آوری شده مشخص شده و وضعیت آنها به نتیجه می‌رسد.

۷. نتیجه‌گیری^۲

در این مرحله پژوهشگر باید تمام نتایج مراحل قبلی را با دقت بنویسد. معمولاً قسمت نتایج مقالات بیشتر از سایر قسمت‌های دیگر خوانده می‌شود. به علت اینکه خواننده وقت زیادی برای خواندن کل مقاله ندارد و زودتر سراغ قسمت نتیجه‌گیری می‌رود. بنابراین این بخش از تحقیق که بخش پایانی هم نامیده می‌شود؛ باید با دقت نظر پژوهشگر انجام گیرد. بخش نتیجه‌گیری کار پژوهشی معمولاً از سه قسمت تشکیل می‌شود. اول یادآوری خطوط اصلی روش پژوهش که در طول تحقیق دنبال شده است. خطوط اصلی همان پرسش‌آغازی،

فرضیه در واقع یک جور گمانه زنی است که درست یا نادرستی آن مورد پژوهش قرار می‌گیرد. ولی در گام اول یک جواب غیر قطعی است که در طول تحقیق باید به درستی و یا نادرستی آن دست پیدا کرد. آنچه در مدل تحلیلی بسیار حائز اهمیت است، عملی کردن ارتباط میان فرضیه (ها) و مفاهیم است. همچنین برای روشن شدن مفاهیم هم، ابعاد احتمالی و شاخص‌های آن را باید مورد بررسی قرار داد. در مورد فرضیه بایستی متغیرها و روابط میان آنهايي که در فرضیه وجود دارد را توضیح داد.

۵. مشاهده

در این بخش، پژوهشگر باید بداند که چه نوع اطلاعاتی را جمع‌آوری کند. به بیان دیگر مشاهده عبارت است از ساختن ابزاری که بتواند اطلاعاتی را که شاخص‌های فرضیه ایجاد کرده‌اند را جمع‌آوری یا تولید کند. مثلاً می‌تواند آمار تولیدات کتاب‌هایی که در رابطه با هنر پایداری چاپ شده‌اند را مورد توجه قرار داد. البته باید به این نکته هم توجه کرد که تحقیق از نوع کیفی یا کمی و یا ترکیبی است. عموماً ابزار مشاهده می‌تواند پرسشنامه یا شیوه‌نامه‌ای برای یک نوع مصاحبه باشد. در هر دو حالت اطلاعات آنها برای ثبت موضوعاتی که در فرضیه وجود دارد به‌کار می‌رود. این مرحله، بیشتر در روش‌های کمی کاربرد دارد. در کل ابزارهای اندازه‌گیری و گردآوری اطلاعات دو نوع هستند: استاندارد یا محقق ساخته. از میان آنها ابزارهای استاندارد قابلیت اعتماد بالایی دارند و بیشتر مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرند.^۱

۶. تحلیل یافته‌ها^۲

هدف پژوهش پاسخ دادن به پرسش‌آغازین است که در

۱. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، محمد رضا حافظ‌نیا، ص ۱۷۲
2. Analysis of findings .

چند منظوره، بیشتر از آن بهره می‌برند. یعنی حوزه‌های کمی و کیفی را دربر می‌گیرد. هنر پایداری در این روش‌ها می‌تواند به نتایج خوبی برسد. مثلاً در شاخه هنرهای تجسمی که گرایش آن، هنر پایداری است؛ روش تحقیق به شیوه ترکیبی، یعنی هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی (اندازه و مقدار و جامعه و...) مورد بررسی قرار می‌گیرد. یک شیوه ترکیبی می‌تواند همزمان هردو شیوه پژوهش را به نتیجه برساند. اگر تعیین حدود هنر پایداری دشوار است به این دلیل است که این رشته هم با رشته‌هایی که به طور نسبی به موضوع هنر می‌پردازد ارتباط تنگاتنگی دارد. مانند تاریخ هنر، نقد هنر و حتی زیبایی‌شناسی و... و هم با رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی و غیره در ارتباط است، مانند تاریخ، انسان‌شناسی و... به این دلیل تحقیق با روش‌های ترکیبی به رشته‌های هنری و هنرهای پایداری وزن و اعتبار بیشتری خواهد داد. ■

منابع

۱. انسلم استراس و جولیت کوربین. اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۲. پتر اتسلندر، روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۳. ثواقب، جهانبخش، روش تحقیق با تاکید بر تاریخ، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۵.
۴. جیمزب. اسپردلی و دیوید. مک‌کوردی. پژوهش فرهنگی و مردم نگاری در جوامع پیچیده، ترجمه بیوک محمدی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۶. ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود. روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۷. عدالت نژاد، سعید. راهنمای نگارش پژوهش دانشگاهی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶.
۸. کرول‌گری و جولی ین ملینز، روش تحقیق در هنر و طراحی، ترجمه طاهر رضا زاده، تهران: انتشارات فرهنگ هنر، ۱۳۹۵.

مدل تحلیلی، روش‌های مشاهده و تحلیل می‌باشد. دوم معرفی دستاوردهای نوین شناخت که تحقیق علت پیدایش آن بوده است. این دستاوردها ممکن است شناخت‌های نوین در ارتباط با موضوع پژوهش باشد؛ یا شناخت‌های تئوری نوین باشد. و سوم ارائه راه‌کارها و پیشنهادات^۱. این بخش از تحقیق می‌تواند در مقایسه با دستاوردهای قبلی و مشابه آن، آن را تصحیح یا حتی باطل کند.

هنر پایداری یا مقاومت در واقع دانشی است بینا رشته‌ای، که با سایر شاخه‌های هنری مرزهای مشترک و نامشخصی دارد. هنر پایداری، ممکن است دغدغه یک هنرمند باشد که به صورت تصاویر یا کلمه بروز می‌یابد و درونمایه این نوع هنرها، پایداری و مقاومت را نشان می‌دهد. درحالی که اگر در حوزه ادبیات پایداری، این اتفاق بیفتد؛ پژوهش بیشتر از لحاظ سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد که به نوعی به حیطه نمادگرایی و یا واقع‌گرایی سوق می‌یابد. بنابراین، روش پیشنهادی پژوهش در این مقاله، در واقع یک رویکرد ساده و متفاوت به موضوع پژوهش هنر به صورت کلی است.

اما چون هنر پایداری در حوزه‌های مختلف با دستاوردها و تحلیل متفاوت همراه می‌شود، می‌توان گفت که هنر پایداری با روش‌های متفاوت پژوهش هنر، که به نوعی نظام‌مند شده است سازگاری دارد. در خصوص هنر پایداری در حوزه‌های مختلف هنری از جمله، تجسمی، سینمایی و... می‌توان از روش‌های ترکیبی هم بهره جست. به عنوان مثال، روش «دیمتل فازی»^۲ یکی از آنهاست که در ابتدا برای پژوهش‌های کمی به کار می‌رفت. اما امروزه در حوزه پژوهش‌های کیفی و هنر هم استفاده می‌شود و یکی از شیوه‌های پژوهشی است که در حوزه روش‌های ترکیبی و تصمیم‌گیری‌های

۱. رجوع شود به کتاب «روش تحقیق» تألیف لوک وان کامپنهود، ص ۲۳۸.
2. Fuzzy dematel

جستاری در ستایش و نکوهش

پژوهش در ادبیات پایداری

مهدی کاموس



با یکدیگر مصرف می‌شوند تا مسئله بیان و تبیین شود. هرگاه بین سطح مطلوب و وضع موجود فاصله‌ای رخ داده باشد، «مسئله» امکان ظهور می‌یابد؛ اما این همه ماجرایی نیست. در ظاهر «مسئله» برخاسته از مشکل

۱

هر کجا، مسئله‌ای باشد، پژوهش همان جاست. پژوهش، فرایندی روشمند در پاسخ به سؤالات برآمده از «مسئله» است. در پژوهش، نظریه‌ها و روش‌ها در تلفیق و ترکیب

مانند آنچه در سطح مطلوب کمونیسم یا سوسیالیسم تخیلی مطرح شده است. در کمونیسم، سطح مطلوب حکومت در رسیدن به کمون ثانویه و جامعه برابر تعریف می‌شود که در آن جامعه، ابزار تولید در اختیار و مدیریت طبقه پرولتاریا باشد و سرمایه‌داری امکان سلطه نداشته باشد. از این‌رو، سرمایه‌داری به عنوان مسئله بروز می‌یابد و پژوهش‌ها درباره آن شکل می‌گیرد. در سطح آرمانی مسئله، پژوهش‌ها متناسب با نهادی که آن سطح مطلوب را تعریف کرده اتفاق می‌افتد. سطح آرمانی معمولاً در پیوند با ایدئولوژی و سلطه هژمونیک و نشأت گرفته از ادیان، مکاتب فکری و ایدئولوژیک، تاریخ جوامع و اسطوره‌هاست.

مسئله‌ها همیشه امکان ظهور دارند زیرا سطح مطلوب قابل عدول، قابل نقض، موقتی، لرزان، شکننده و گاه دست‌نیافتنی است و همیشه فاصله‌ای بین وضع موجود و وضع مطلوب پدید می‌آید یا وجود دارد. اما پرسش آن است که چگونه مسئله‌ها بروز می‌یابند و امر پرلماتیک محقق می‌شود؟ در واقع چگونه مسئله، پژوهش را به میدان می‌آورد؟

مسئله‌ها برای این‌که به مرحله پژوهش برسند شرط دیگری فراتر از ضرورت فاصله معنادار میان وضع موجود و مطلوب دارند. پیدایش «فاصله‌های بحث‌برانگیز» شرط دوم است. در فرایند بروز مسئله «تحلیل انتقادی فاصله»، خودآگاهی انتقادی نسبت به وضع موجود را پدید می‌آورد و پشت پرده و مبناهای فاصله‌ساز را «بحث‌برانگیز» می‌کند. هرگاه گمانه‌زنی‌ها درباره فاصله‌ها محل اختلاف و دیدگاه‌های متفاوت و متضاد شد، «مسئله» در آستانه ظهور قرار می‌گیرد و «فاصله‌های بحث‌برانگیز» فرایند پژوهش را می‌طلبند.

اما در حوزه فرهنگ و جامعه، شرط دیگری هم لازم است. شرط سوم، فراگیری و مطالبه درباره فاصله‌های بحث‌برانگیز است که بر ساخت مسئله در انظار عمومی، بافت جامعه و افق‌های تاریخی را نشان می‌دهند.

یا معضلی است که در وضع موجود مشاهده یا حس می‌شود. اما مسئله ناشی از بُعد ذهنی و انگاره ما از پدیده‌ها، رویدادها و مفاهیم است. «مسئله» بعد ذهنی problem و همان انگاره و تصور ادراکی از مشکل یا معضل (problem) است. در واقع، «مسئله» و «معضل» دو روی سکهٔ پرابلم هستند؛ معضل، بُعد عینی، انتشار یافته و وابسته به وضع موجود و مسئله، بعد ذهنی، انحصار یافته و ناظر به سطح مطلوب است.

مسئله امری ذهنی و بر خلاف تصور عمومی، وابسته به سطح مطلوب است. سطح مطلوب، در سه شکل متصور است: الف) شکل طبیعی و ذاتی، ب) تاریخی و ج) آرمانی. در شکل طبیعی سطح مطلوب برخاسته از سنت‌های آفرینش یا هنجارهای پذیرفته شده در جامعه است که به شکل امرعادی و پیش‌فرض وجود دارند؛ مثل سلامت و صحت بدن که بدن انسان‌ها به شکل طبیعی باید سالم باشد، وقتی که علت یا بیماری پیش می‌آید، بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله‌ای رخ می‌دهد، مسئله بروز می‌کند و احتمالاً پژوهش در حوزه سلامت یا پزشکی اتفاق می‌افتد. در مثال دیگر می‌توان بیان کرد که در جامعه ایرانی، تشکیل خانواده، هنجاری پذیرفته شده و مطالبه شده از سوی جامعه است. در صورت کاهش میل به تشکیل خانواده و تهدید نهاد خانواده، «مسئله» یا «مسائل» امکان ظهور می‌یابند.

در شکل دیگر سطح مطلوب به شکل ذاتی یا طبیعی وجود ندارد بلکه این وضع مطلوب، سابقه تاریخی دارد؛ مثلاً مدیری در سازمان یا حاکمی در کشوری، سطحی از رفاه را تعریف و اجرا کرده است؛ حال وقتی در دوران مدیر یا حاکم بعدی آن سطح رفاه رعایت نمی‌شود و بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله می‌افتد، مسئله ایجاد می‌شود.

در حالت سوم سطح مطلوب به شکل آرمانی تعریف شده، یعنی سطح مطلوبی در ذهن‌ها وجود دارد که هنوز محقق نشده است و مصداق بیرونی و خارجی ندارد،

بین وضع موجود و مطلوب چگونه بررسی می‌شود؟
جنس مسئله در ادبیات چیست؟ و مسائل ادبیات از کجا
می‌آیند؟

«مسئله» در ادبیات وابسته به انگاره‌های سطح
مطلوب از آن است. تصاویر پذیرفته شده از ادبیات مانند
شاهکارهای ادبی جهان (کلاسیک‌ها)، امر زیبا، امر نو،
امر عامه‌پسند و پر فروش‌ها، سطوح مطلوب از ادبیات
را می‌سازند که می‌توان آن‌ها را در تاریخ ادبیات، ادبیات
دینی، فرمالیسم، ادبیات متعهد، ادبیات عامه‌پسند،
ادبیات سیاسی و انقلابی و غیره بررسی کرد.

مسئله، برخاسته از رویکردهای ما به سطح مطلوب در
ادبیات است. چنانچه رویکرد گذشته‌نگر و تاریخ‌ادبیاتی
داشته باشیم، سطح مطلوب را در شاهکارهای پیشینیان و
عموماً کلاسیک‌های جهان می‌دانیم. در این رویکرد، سطح
مطلوب، مسبوق به سابقه و تاریخی است و تراز مطلوب را
آثار برجسته جهان مشخص کرده‌اند و شاخص‌ها بر اساس
آن‌ها شکل گرفته‌اند. پیشینه پژوهش‌ها در حوزه ادبیات
نشان می‌دهد که عموماً این پژوهش‌ها جنبه تاریخی و
تاریخ‌ادبیات دارند و پژوهشگران در مورد مالکیت متن
ادبی تحقیق داشته‌اند و به این‌که متن ادبی از کیست،
در چه دوره‌ای خلق شده، در چه زمانی نوشته شده، چه
حاشیه‌هایی داشته و... پرداخته‌اند. در این رویکرد به
سطح مطلوب، مسئله ادبیات ما این است که چرا دیگر
حافظ، سعدی، مولانا و صائب تبریزی نداریم. چرا غزل‌ها
دیگر به پای غزل حافظ نمی‌رسد، چرا در نثر همانند
ناصرخسرو و بیهقی نیستیم؟ چرا حماسه‌ای مانند نامه
باستان حکیم فردوسی نداریم؟ در سطح جهانی هم به
دنبال این هستیم که چرا از یک سو جنگ و صلح یا از
سوی دیگر، در جبهه غرب خبری نیست و در انتهای شب
نداریم؟

چنانچه رویکرد طبیعی و معطوف به ذات ادبیات
داشته باشیم، سطح مطلوب را در زیبایی‌های طبیعی
ادبیات و امر زیبا می‌دانیم. در این رویکرد تعریف امر زیبا،

مسئله‌ها وقتی تن به پژوهش می‌دهند یا به عبارت دیگر
پژوهش، وقتی به سراغ مسئله‌ها می‌رود که بحث بر سر
فاصله‌ها منجر به مطالبه (تخصصی یا عمومی) برای
پرداختن به آن و به اصطلاح «فراگیر» شده باشد.

شرط فراگیری و مطالبه‌سازی مسئله‌ها را «همگرایی»
نظام جهانی شدن، فناوری‌های نو و امر رسانه‌ای شدن
می‌سازند. بیش از دو دهه است که دیگر فرایند جهانی
شدن و مواجهه ملل با آن در همگرایی با فناوری‌های نو
و با تبدیل رویدادها، تجربه‌ها، احساسات و مفاهیم به
امر رسانه‌ای، پیدایش مسئله‌ها و دستور زبان پژوهش‌ها
را ساماندهی می‌کند. در حوزه مطالعات فرهنگی
مسئله‌های فمینیسم، تولید فضا و مکان اجتماعی، حق
به شهر، صنعت، هنر عامه‌پسند، حمایت از حیوانات،
ال.جی.بی.تی آسیب‌های اجتماعی، فقر، حاشیه‌نشینی،
بی‌خانمانی، جامعه نمایشی، نمایش خود، زندگی روزمره،
جوانی، عصر پزشکی، جراحی و زیبایی، مد، شهرت،
ورزش، معنویت‌های نوپدید، دین رسانه‌ای شده، فرهنگ
هیپ‌هاپ امریکایی، فرهنگ هالیوود کره‌ای، زندگی دوم،
فراواقعیت و غیره، همگی محصول چنین همگرایی
هستند.

چنان‌که اشاره شد در زمینه مطالعات فرهنگی
«مسئله»، مطالبه انتقادی و فراگیر (درحوزه تخصصی
یا عمومی) نسبت به وضع موجود در بافت اجتماعی و
فرصت تاریخی جامعه است.

۲

در پژوهش‌های حوزه ادبیات، «مسئله» چگونه ساخته
می‌شود؟ فرایند پژوهش چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ وضع
مطلوب چگونه تعریف شده است؟ آیا وضع مطلوب یک
بحث ذاتی و طبیعی است؟ آیا وضع مطلوب مسبوق
به سابقه یا برخاسته از نوعی ایدئولوژی و آرمان است؟
آیا مسئله‌ها در ادبیات نیازمند فرایند رسیدن به
بحث‌برانگیزی، مطالبه‌سازی و فراگیری هستند؟ فاصله

صنعت فرهنگ و اقتصاد فرهنگ بر کارکرد ادبیات، نقد می‌شود. در این جا، تبدیل ادبیات به کتاب، کتاب‌آرایی و کالایی شدن ادبیات نقد می‌شوند؛ زیرا عامه‌پسند شدن و مصرف انبوه و اقتصادی آن باعث یکسان‌سازی فرهنگی و مانع از آزادی تفکر می‌شود.

پژوهش‌های اصیل و کاربردی حوزه ادبیات به دنبال مسئله‌های آن در نسبت به سطح مطلوب شکل می‌گیرند اما بسیاری از پژوهش‌ها برخاسته از مسئله نیستند و پژوهش‌نما پژوهش‌هایی که مبتنی بر مسئله‌ای در ادبیات نیستند، فارغ از این‌که پژوهش‌نما هستند، گشودن گره‌هایی دشوار و پیچیده بر کیسه‌ای تهی هستند.

۳

پژوهش‌ها در مواجهه با مسئله‌های خود چگونه عمل می‌کنند؟ این‌که پژوهش‌ها در کدام پارادایم‌های علمی رخ می‌دهد؛ شیوه استفاده از نظریه‌ها و روش‌ها در پاسخ به سؤالات مسئله مشخص می‌شود.

در پارادایم‌های اصلی پژوهش، چهار پارادایم: (۱) پوزیتیویستی، (۲) تفسیرگرا، (۳) انتقادی و (۴) پراگماتیسمی داریم. ما کدام

پارادایم را در پژوهش‌های ادبیات مدنظر داریم؟ پارادایم‌های حاکم در حوزه ادبیات ما بیشتر «تفسیرگرا» هستند، ما بیشتر در سایه پارادایم‌های تفسیرگرا به مطالعه ادبیات کشورمان می‌پردازیم و کمتر وارد پارادایم‌های انتقادی شده‌ایم. اگر پارادایم مطالعاتی‌مان را درست انتخاب کنیم، متناسب با آن نظریه‌ها و روش‌ها را صحیح انتخاب می‌کنیم. مجدداً

منشأ تشخیص و ادراک سطح مطلوب است. چنانچه قوه معرفتی امر زیبا را در بیرون از خود و در طبیعت بدانیم یا در درون خود یا بر اساس نظر جمع و اکثریت، شاخص‌ها متفاوت خواهد بود. در این رویکرد سطح مطلوب در نسبت با امر زیبا سنجیده شده است و تراز مطلوب را معیارهای زیبایی مشخص کرده‌اند و شاخص‌ها بر اساس آن‌ها شکل گرفته‌اند. پیشینه پژوهش‌ها در حوزه ادبیات

نشان می‌دهد که چنانچه به عنوان امر زیبا به متن ادبی نگاه کنیم، بحث فرم، ساختار، الهام، آفرینش و... عموماً در رویکرد ساختارگرایانه مطرح است. در این سطح، پژوهش در حوزه ادبیات مربوط به ساختار و چگونگی نوشته شدن یا پیدایش متن ادبی است و مسئله این است که متن ادبی را چگونه می‌نویسند، بحث عناصر داستان، عناصر شعری و ویژگی‌های خلق یک اثر مدنظر است. عموماً این پژوهش‌ها با آموزش هم پیوند دارند.

اگر سطح مطلوب آرمانی باشد بحث ادبیات متعهد، ادبیات والا، ادبیات عامه‌پسند، ادبیات دینی، کارکرد اجتماعی ادبیات، تاریخ اجتماعی ادبیات، مصرف ادبیات، صنعت فرهنگ و... مطرح است.

در اینجا رویکردهای متضاد و کارکردگرایانه مطرح است. ادبیات در سطح آرمانی در دو انگاره کلان «قداست» و «کارکرد اجتماعی» خلاصه می‌شود. در سطح مطلوب ادبیات، عموماً رویکرد کارکردگرایانه مدنظر است. در رویکرد کارکردگرایانه به متن ادبی، بازتاب باورها، ایدئولوژی‌ها، ساختارهای جامعه و تاریخ اجتماعی مطرح است. از سوی دیگر در سطح آرمانی، بحث تأثیر

**ادبیات در سطح آرمانی
در دو انگاره کلان
«قداست» و «کارکرد اجتماعی»
خلاصه می‌شود.
در سطح مطلوب ادبیات،
عموماً رویکرد کارکردگرایانه
مدنظر است.
در رویکرد کارکردگرایانه
به متن ادبی، بازتاب باورها،
ایدئولوژی‌ها،
ساختارهای جامعه و
تاریخ اجتماعی مطرح است.**

کارکرد اجتماعی و تاریخ اجتماعی دور است. تلقی و انگاره عمومی از ادبیات پایداری، ادبیات دفاع مقدس است که ریشه‌ها و تصویرهایش را باید در ادبیات مقاومت، ادبیات متعهد، ادبیات سیاسی و ادبیات جنگ جست‌وجو کنیم. اگر ادبیات پایداری را نوعی ادبیات قدسی، ادبیات دینی، ادبیات متعهد و سیاسی بدانیم، پارادایم‌های پژوهشی در حوزه مطالعات ادبیات پایداری، تفسیرگراست.

در کنار سطح تاریخی، کسانی هم بر «ادبیات بودن» ادبیات پایداری تکیه دارند و سطح امر زیبا را در نظر می‌گیرند، اما جای نگاه فرهنگی و اجتماعی به مطالعات ادبیات پایداری خالی است.

مطلوب من در این جستار، نگاه به ادبیات پایداری به عنوان یک متن با کارکرد فرهنگی و کارکرد اجتماعی است. متنی کارکرد اجتماعی دارد که مصرف آن می‌تواند در جامعه منجر به عمل اجتماعی شود و گفتمان ساز باشد. هرگاه از ارتباط خوانندگان با متنی، گفتمانی در جامعه شکل بگیرد که بتوان درباره کارکردهای اجتماعی‌اش صحبت کرد، با متنی روبه‌رو هستیم که کارکرد اجتماعی دارد و در این‌جا بحث تحلیل گفتمان و رویکرد

انتقادی مطرح می‌شود. مثلاً بسیاری از نوحه‌های ما در ابتدای جنگ کارکرد اجتماعی داشتند. بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ما با شنیدن نوحه‌های صادق آهنگران، دچار نوعی ترکیه و تخلیه درونی می‌شدند و نوعی وفاق حسی بینشان ایجاد می‌شد و نوحه‌ها کارکرد اجتماعی می‌یافتند. در کنار سخنان مبلغان که متون غیرادبی بودند، نوحه‌ها که متون ادبی یا شبه ادبی به

برمی‌گردیم به این‌که تصور ما از وضعیت مطلوب ادبیات چیست؟ ما اگر ادبیات مطلوب را امر زیبا در نظر بگیریم، پارادایم، روش و مسئله ما نسبت به مطالعه ادبیات فرق می‌کند. اگر ادبیات را نوعی ادبیات قدسی، ادبیات دینی، ادبیات متعهد و سیاسی بدانیم، پارادایم مسلط پژوهشی، نظریه‌ها و روش‌های ما متفاوت خواهد بود.

۴

حال ببینیم پژوهش با مطالعات ادبیات پایداری چه نسبتی دارد. وقتی بحث پژوهش در حوزه ادبیات پایداری مطرح است، انگاره و تصور از ادبیات پایداری در ذهن ما چیست؟ سطح مطلوبی که ما برای ادبیات پایداری تعریف می‌کنیم برخاسته از کدام رویکرد یا تلفیق کدام رویکردهاست، آیا مسئله‌ها بحث‌انگیز هستند، آیا فراگیر شده‌اند که بخواهیم در مورد آن‌ها پژوهش کنیم؟

واقعیت امر این است که از نظر تئوریک، سطح مطلوبی که برای ادبیات پایداری تعریف کرده‌ایم، وضعیت روشنی ندارد. عقب‌ماندگی دانشگاه‌ها از مسائل روز و انفصال آن‌ها با فضای ادبی کشور و متون

تولید شده در جامعه، در کنار سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نامناسب مانع ارائه تصویر روشنی از انگاره ادبیات پایداری شده است.

اما اگر بخواهیم براساس وضع موجود بحث کنیم؛ عموماً سطح مطلوبی که از ادبیات پایداری تعریف شده در طیف ادبیات متعهد، ایدئولوژیک، دینی و سیاسی می‌گنجد و سطح مطلوب ادبیات پایداری از امر زیبا،

انگاره عمومی

از ادبیات پایداری، ادبیات دفاع مقدس است که ریشه‌ها و تصویرهایش را باید در ادبیات مقاومت، ادبیات متعهد، ادبیات سیاسی و ادبیات جنگ جست‌وجو کنیم. اگر ادبیات پایداری را نوعی ادبیات قدسی، ادبیات دینی، ادبیات متعهد و سیاسی بدانیم، پارادایم‌های پژوهشی در حوزه مطالعات ادبیات پایداری، تفسیرگراست.

متون ادبی چگونه تولید معنا می‌کنند؟ وقتی بازتاب دهه شصت را در رمان‌های شبه‌روشنفکرانه دهه هشتاد و دهه نود بررسی می‌کنیم، یافته‌ها نشان می‌دهند که انگاره‌ای که از دهه شصت در رمان‌ها ساخته می‌شود با فرهنگ، تاریخ و ادبیات رسمی کشور متفاوت است. در ادبیات رسمی از دهه شصت، دو انگاره ساخته شده است؛ یک این که مسئولین و مردم ساده‌زیست بودند، مقاومت می‌کردند و در آرزوی دیدار خدا، شهادت و ایثار بودند و حاضر بودند جانشان را فدا کنند، دیگر این که با وجود دشمنان داخلی و جنگ تحمیلی، امنیت و رفاه نسبی در جامعه برقرار بود. اما در طیف وسیعی از رمان‌های دهه هشتاد و نود، تصویری که از دهه شصت ساخته می‌شود، تصویر افرادی است که با استفاده از قدرت در دهه شصت به پول و ثروت در دهه‌های بعدی رسیده‌اند و جامعه‌ای تصور می‌شود که امنیت نداشت و در آن جامعه به خاطر روابط دختر و پسر، کمینه انقلاب اسلامی مرتب جوانان را بازداشت می‌کرد. جای پژوهش در مورد تولید معناهای فرهنگی در ادبیات ما خالی است. در حوزه مطالعات ادبیات پایدار لازم است پژوهش‌هایی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی به متون و در پارادایم‌های انتقادی و پراگماتیستی داشته باشیم. در پارادایم انتقادی به دنبال کارکرد اجتماعی متون پایداری و در پارادایم پراگماتیستی که در واقع تلفیقی از رویکردهاست به دنبال امر فرهنگی باشیم. بینیم متون ادبیات پایداری چه معنایی را نسبت به جنگ، رزمندگان، دین، حاکمیت و ساختارهای جامعه تولید می‌کنند. مثلاً ادبیات پایداری در دهه شصت و هفتاد درباره دفاع مقدس در جامعه معنایی تولید می‌کرد که با معنای تولید شده از سوی برخی از متون در دهه هشتاد به این‌سو تفاوت معناداری دارند. ما از این جنس پژوهش‌ها نداریم؛ یعنی پژوهش‌های مطالعات فرهنگی و پژوهش‌هایی که به تحلیل گفتمان انتقادی و به کارکردهای اجتماعی متون پایداری بپردازند. ■

حساب می‌آمدند، عمل اجتماعی را شکل می‌دادند. وقتی مبلغی به مدرسه‌ای می‌رفت و تبلیغ می‌کرد، بعد از آن نوحه‌ای هم خوانده می‌شد؛ فردایش می‌دیدیم که تعدادی از دانش‌آموزان آماده‌اند که به جبهه بروند! این یعنی آن نوحه‌ها کارکرد اجتماعی داشتند. مثلاً تلویزیون و رادیو در ایام کرونا دعای فرج را هر شب ساعت ۹ شب پخش می‌کرد و بسیاری از مردم با آن همراهی می‌کردند و می‌خواندند. نوع مصرف این دعا در آن بافت اجتماعی و فرصت تاریخی در جامعه، ایجاد نوعی عمل اجتماعی می‌کرد، مردم دعا می‌کردند و روحیه می‌گرفتند.

در ادبیات داستانی هم متونی داریم که منجر به عمل اجتماعی شده‌اند. مثلاً داستان‌ها با گرایش چپ سوسیالیستی که در دهه‌سی تا پنجاه در کشور ما نوشته شد، کارکرد اجتماعی داشتند؛ طبقه فقیر و طبقه متوسط را نسبت به طبقه سرمایه‌دار مسئله‌مند می‌کردند و نوجوانان و جوانان با خواندن آثار صمد بهرنگی، محمود به‌آذین، بزرگ علوی، جلال آل احمد، علی‌اشرف درویشیان، محمود دولت‌آبادی و دیگران نسبت به طبقه حاکم و سرمایه‌دار، زاویه‌دار و مسئله‌مند می‌شدند؛ یعنی این متون کارکرد اجتماعی داشتند. در دهه ۵۰ در حوزه دینی و انقلابی، متن‌های ادبی و داستانی دکتر علی شریعتی مانند کویریات، حسن و محبوبه و داستان‌های محمود حکیمی مانند اشرف‌زاده قهرمان، سوگند مقدس، طاغوت، عصر یخبندان و... خوانندگان را نسبت به طاغوت زمان خودش یعنی حکومت پهلوی مسئله‌مند می‌کرد و این متون کارکرد اجتماعی داشتند.

در مطالعات ادبیات پایداری سراغ کارکرد اجتماعی متون ادبی نرفتیم؛ این جای خالی پژوهش‌های ادبیات پایداری ماست.

از سوی دیگر، متنی فرهنگی است که بتواند تولید معنا کند یا در تولید معنا در جامعه نقش و مشارکت داشته باشد و متنی کارکرد فرهنگی دارد که بتواند مسئله خود را به امر فرهنگی تعالی دهد.

خاطرات نورالله لارودی

جلوهای از پایداری ایرانیان در دوره اشغال کشور، طی جنگ جهانی دوم

محبوبه شمشیرگرها^۱

چکیده

به‌رغم بی‌اعتنایی حاکمیت وقت ایران و مواضع رسمی ارتش در وادادگی سیاسی در طول جنگ جهانی دوم، نمی‌توان از تلاش‌های محدود و پراکنده برخی عناصر نظامی، سیاسی و فرهنگی در برابر هجوم متفقین و حضور طولانی‌مدت قوای بیگانه در کشور غافل بود. یکی از جلوه‌های این پایداری را می‌توان در ماجرای حبس و تبعید حدود ۲۰۰ نفر از ایرانیان در این دوره، به‌دست نیروهای انگلیس و روس در شهرهای اراک، رشت و تهران ملاحظه کرد. متأسفانه از ماجرای حبس این افراد که تعدادی از آن‌ها معترضین به نقض استقلال ملی کشور بودند، گزارش‌های متعدد و مفصلی به‌جا نمانده است؛ طوری‌که دست‌کم با اطلاعات امروز، تنها کسی که شرح این ماجرا را همراه با جزئیاتی دقیق و خواندنی ارائه کرده، نورالله لارودی، از جوانان روشنفکر و شرافتمند این عصر

است. او یکی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران پُرکار در دوره پهلوی بود که به جرم انتشار مقالاتی تُند در انتقاد به سیاست‌های مداخله‌گرایانه و فریب‌کارانه انگلیسی‌ها در ایران و اعتراض به عملکرد برخی عوامل داخلی آن‌ها، نزدیک به دو سال را (مرداد ۱۳۲۲ تا خرداد ۱۳۲۴) در زندان انگلیسی‌ها به‌سر برد و سال‌ها بعد، پس از رهایی از تنش‌های روحی قلم به‌دست گرفت و خاطرات خود را به شیوه‌ای شیرین و سرشار از جذابیت، البته با زبان و قلمی گزنده به نگارش درآورد که حاصل آن پس از مدت‌ها تأخیر، در سال ۱۳۳۲ با عنوان اسیران منتشر شد. خاطره‌نامه لارودی را می‌توان با توجه به ویژگی‌های ادبی و تاریخی در شمار موفق‌ترین زندگی‌نوشت‌های اول شخص فارسی جای داد. به‌طوری‌که در کنار جایگاه پیش‌تازانه در سنت زندگی‌نگاری مدرن ایرانیان در خاطره‌نویسی حبس، و نیز نوآوری و یکپارچگی در شرح موقعیت‌ها و رخداد‌های مربوط به این واقعه، اشتغال برانبوهی از اشارات سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و مردم‌شناسی

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ ah.shamshirgarha@yahoo.com

حضور و فعالیت آلمان‌ها و آلمان دوست‌ها در ایران، در ۳ شهریور ۱۳۲۰ کشورمان را اشغال و مقدمات خروج رضاشاه از ایران را فراهم کردند و سپس در پی تشکیل دولت دست‌نشانده و تحمیل پیمان اتحاد سه‌گانه، به اشغال‌گری و لطمه‌زنی‌های خود در این دوره، وجههٔ مصالحه بخشیدند.* در شمار اقدامات آن‌ها در دورهٔ اشغال می‌توان از ایجاد اسارت‌گاه‌هایی در قلمروی حاکمیت ملی، در شهرهای اراک، رشت و تهران و حبس ده‌ها ایرانی از اقشار گوناگون نام برد که حتی در میان‌شان بسیاری از رجال نامدار سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نظیر نخست‌وزیر اسبق، نمایندهٔ مجلس، افسران عالی‌رتبهٔ ارتش، روحانیون برجسته، بازرگانان صاحب‌نام و اصحاب مطبوعات بودند. در کنار این، برخی دیگر را از خانه و کاشانهٔ خود دور و به اقامت اجباری در شهرهای دیگر واداشتند که همه این اقدامات در کنار نشان دادن خصومت و بی‌اعتمادی متفقین به حاکمیت و ملت ایران، ناقض حق حاکمیت ملی و حتی پیمان‌نامهٔ مذکور بود. دربارهٔ این واقعیت بزرگ تاریخی، گذشته از برخی منابع دست اول^۱، چندان‌که درخور باشد پژوهش‌های عمیق به چشم نمی‌آید. اما شاید بتوان در متمرکزترین و جدی‌ترین آن‌ها از تلاش سجاد راعی‌گلوجه و سپس سیدمحمود سادات‌بیدگلی در دو مقاله‌ای^۲ یاد کرد که در آن‌ها کلیات و گاه جزئیاتی از این ماجرا دربارهٔ ماهیت، علت، نحوه، طیف‌های مختلف اسیران، اماکن

* برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این رخداد و چگونگی تحمیل این پیمان‌نامه اتحاد، رک: راعی‌گلوجه، سجاد (۱۳۸۸) «اتحاد ایران با متفقین: استراتژی یا تحمیل»، تاریخ روابط خارجی، سال دهم، شماره ۴۱، زمستان، صص ۱۷۱-۲۰۸. و نیز: راعی‌گلوجه، سجاد (۱۳۹۱) «نقش انگلیس در اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و تحمیل پیمان اتحاد سه‌گانه»، مجموعه مقالات دومین همایش ایران و استعمار انگلیس، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱، صص ۲۴۳-۲۶۳.

گفتنی است دربارهٔ این واقعه تاکنون چندین مجموعه اسناد و مدارک منتشر شده که به جهت پرهیز از تطویل این مقال از اشاره به آن‌ها صرف نظر می‌شود. کاوه بیات اغلب این منابع را در مقاله‌ای مفصل در سیری تاریخی و تا حدودی ارزش‌گذارانه، برشمرده است. (رک: بیات، کاوه (۱۳۹۲) «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم»، ایران‌نامک، سال ۲۸، شماره ۱، بهار.

خواننده را از دامنهٔ گستردهٔ اطلاعات عمومی نویسنده در تاریخ و فرهنگ ایران و جهان بهره‌مند می‌سازد. اما در کنار محتوای ارزنده و ساختار استوار این خاطره‌نامه، نمی‌توان از هنر نویسنده در کاربرد نثری ساده و در عین حال پخته، همراه با لحنی صمیمانه و گاه طنزآلود، علاوه بر استفاده از انواع ظرافت‌های زبانی، خصوصاً در گویش تهرانی چشم پوشید. این ویژگی‌ها موجب شده است که پس از گذشت هفتاد سال از چاپ نخست آن، آن‌هم نه در چاپی منقح، بار دیگر متن خاطرات لارودی، همراه با مقدمه‌ای در ارائهٔ حاصل پژوهش در این موضوع و نیز حواشی و تعلیقاتی در گویاسازی محتوای اصلی آمادهٔ چاپ گردد. مقالهٔ پیش رو به همین مناسبت و به قصد فراهم آوردن بستری برای بازخوانی این رویداد بزرگ تاریخی به نگارش درآمده است.

کلیدواژه

خاطرات حبس، خاطره‌نامه، تاریخ معاصر، جنگ جهانی دوم، متفقین

مقدمه

تحمیل رنج حبس و تبعید، از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری است و هر ملتی که در طول تاریخ، چه در برابر هجوم قدرت‌های زیاده‌خواه بیگانه و چه ظلم و جور حاکمان داخلی ایستادگی کرده باشد، در کنار انبوه هزینه‌های جان‌گداز، به‌نحوی طعم تلخ زندان را در انواع مختلف آن چشیده است. ایرانیان نیز در طول سده‌های گذشته، بُرهه‌هایی از بازداشت، تبعید و زندان را تجربه کرده و گاه آثاری از خود به جای گذاشته‌اند که در ترسیم گوشه‌ای از تاریخ پایداری این کشور مفید است. در یکی از این عرصه‌ها، همزمان با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم در ایران، رنج حبس به‌دست بیگانه، آن‌هم در وطن خویش بر برخی فرزندان این کشور تحمیل شد. متفقین در این زمان با دستاویز

زیادی به عنوان سرپناه اسیران برپا بود، در سه کیلومتری شرقی شهر، حوالی نظم‌آباد به نام «گُن‌گُن» قرار داشت. اسیران این بازداشتگاه همزمان با آغاز فصل سرما در آبان ۱۳۲۲، به شهر و بازداشتگاه زمستانی، واقع در روبروی اداره قند و شکر منتقل شدند و تا خرداد سال بعد را در همان جا سپری کردند (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۵۸-۲۵۹).

در تهران نیز اسیران انگلیسی‌ها عمدتاً در بیمارستان پانصد تخت‌خوابی واقع در محل شمال غربی تهران و حدود ۶۰۰ متری بالای جاده مخصوص تهران - کرج نگهداری می‌شدند. این بازداشتگاه از سه عمارت اصلی و چندین بنای فرعی تشکیل شده بود که پیشتر، آلمان‌ها آن را احداث کرده بودند. شوروی نیز با ایجاد بازداشتگاهی در رشت که خانه شخصی به نام «ملکی رمضان» واقع در شمال شرقی شهر و محلی معروف به «انبار نفت» بود از این اقدام عقب نماند. این در حالی است که در آغاز و پیش از ایجاد این سه بازداشتگاه نیز، اسیران در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ادارات شهربانی در شهرهای مختلف محبوس می‌شدند. انتقال تبعیدیان بین این دو بازداشتگاه، یعنی میان انگلیس و شوروی نیز گاه صورت می‌گرفت (سادات‌بیدگلی، ۱۳۹۹: ۸۸-۹۱؛ صفایی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

اما به‌رغم طرح اتهام ستون پنجمی آلمان و طرفداری از دول محور از سوی متفقین، واقعی‌ترین انگیزه از این سلسله حبس‌ها و تبعیدها، جلوگیری از اثرگذاری منفی بر روند بررسی و تصویب پیمان‌نامه اتحاد در مجلس و ممانعت از ایجاد چالش‌هایی در راستای پیشبرد اهداف

و واکنش‌های دولت ایران آمده و در این جا تکرار آن‌ها روا نیست. تنها در ادامه، اجمالی از این واقعیت تلخ تاریخی بیان خواهد شد.

دستگیری و تبعید ایرانیان و حتی برخی اتباع غیر ایرانی مقیم ایران که عمدتاً از دُول محور بودند، از نخستین روزهای پس از اشغال آغاز شد؛ ولی در سطح گسترده، چند ماه پس از تصویب و عقد پیمان اتحاد

در بهمن ۱۳۲۰، به‌ویژه در آستانه انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در نیمه اول ۱۳۲۱ شدت گرفت و به‌تنایب و به‌طور پراکنده تا پایان جنگ ادامه یافت. روال تبعید این افراد به این صورت بود که متفقین در منطقه اشغالی خود فهرستی از افراد، تهیه و دولت ایران را وادار می‌کردند عمدتاً از طریق شهربانی آن‌ها را دستگیر کند و به نیروهای بریتانیا و شوروی تحویل دهد (راعی‌گلوجه، ۱۳۹۵: ۴۲).

این محبوسین به طبقه‌ای خاص تعلق نداشتند و طیف گسترده‌ای از رجال سیاسی و حتی دولتمردان و دیگر گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شدند؛ نظیر نخست‌وزیر، وزیر، نماینده مجلس، افسران نظامی، انتظامی و کارکنان شهربانی،

مهندسان، مدیران و کارکنان ادارات و بنگاه‌های دولتی به‌ویژه راه‌آهن، افراد مرتبط با سفارت و کنسول‌گری‌ها و مؤسسات آلمانی، روحانیون و رجال مذهبی، فعالان فرهنگی و مطبوعاتی و نیز شاغلین آزاد اعم از بازرگانان، ملاکان، کشاورزان، هتل‌داران و بانکداران. انگلیسی‌ها در اراک، دو بازداشتگاه تأسیس کرده بودند؛ تابستانی و زمستانی. بازداشتگاه تابستانی که در آن چادرهای



از ۲۰۰ نفری که بی‌شک در این دوره طعم تلخ حبس را کشیده‌اند، دست‌کم با اطلاعات امروز، تنها کسی که شرح مفصلی از این رخداد را به همراه جزئیاتی مفصل و خواندنی ارائه کرده، نورالله لارودی، از رجال روشنفکر و شرافتمند آن عصر است و اندک افراد دیگری که به این رخداد توجه کرده‌اند، این موضوع را نه به‌طور مستقل بلکه در خلال دیگر رخدادهای زندگی، آن هم به‌صورت کلی و نه چندان گویا و قابل‌ترسیم بیان کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

یکی از این افراد، محمود شروین (۱۲۸۹، تهران - ۱۳۷۹، تهران)، از اطباء و فعالان سیاسی و فرهنگی به‌ویژه در همراهی با مبارزات آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی است. او که پس از اخذ دکتری در رشته پزشکی در سال ۱۳۱۷ فعالیت خود را در وزارت بهداشت آغاز کرد، در پی اشغال ایران، به زندان اراک انگلیسی‌ها و مدتی بعد به زندان رشت شوروی‌ها افتاد. او که از این دوره با آیت‌الله کاشانی آشنا و از ارادتمندان وی گردید، پس از رهایی از زندان در همه فعالیت‌های سیاسی همراه او بود. شروین در اواخر عمر به نگارش خاطرات زندگی خود با تکیه بر فعالیت‌های سیاسی در کنار آیت‌الله کاشانی و نیز دکتر مصدق به‌ویژه در مبارزات ملی‌گرایانه و نهضت ملی شدن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخت که برای نخستین بار با عنوان دولت مستعجل: دکتر محمد مصدق - آیت‌الله کاشانی منتشر شد.^۲ بخشی از روایت‌های فصل سوم این کتاب: «جنگ جهانی دوم، نهضت همگانی» به چگونگی بازداشت و ماجراهای زندان، نظیر سرگرمی‌ها در بازداشتگاه در کمپ زمستانی اراک، جلسات تحقیق زندانیان، انتقال سی و یک نفر از زندانیان به رشت، اسامی بازداشتی‌های مورد تقاضای شوروی و اوضاع آیت‌الله کاشانی در زندان رشت اختصاص یافته است.

محمدرضا خلعتبری نیز به مدت دو سال در زندان‌های اراک، رشت و تهران گرفتار بود. وی در این دوره دفترچه‌ای تهیه کرد و ضمن نگارش خاطراتی کوتاه

خود بود. چراکه عمده محبوسین به سیاست‌های بیگانگان در اشغال کشور و مداخله آن‌ها در امور ایران از جمله در مطبوعات، ارتش، ادارات، سازمان‌های دولتی و صنوف مردمی اعتراض داشتند و همین می‌توانست به تحریک احساسات علیه آن‌ها منجر شود. از این رو، دستگیری و انتقال برخی خبگان به اسارتگاه‌ها که تقریباً از سوی دو دولت شوروی و انگلیس با رویه‌ای یکسان صورت می‌گرفت، در واقع نوعی تبعید پیشگیرانه برای جلوگیری از فعالیت آنان علیه متفقین در جنگ بود (برای اطلاعات بیشتر، رک: سادات بیدگلی، ۱۳۹۹: ۷۷-۷۹). ضمن اینکه در کنار این افراد، بازداشت بسیاری از کارکنان راه‌آهن به علت دسترسی به اطلاعات مهم در این زمینه و بی‌اعتمادی انگلیسی‌ها به آنان رقم خورد. دستگیری این افراد که اتفاقاً به لحاظ آماری بیشترین محبوسین را تشکیل می‌دادند، بدان منظور بود تا اطلاعات حمل و نقل انگلیسی‌ها همچنان محرمانه بماند و متفقین از پرداخت کرایه و عوارض مربوط نیز معاف باشند (برای اطلاعات بیشتر درباره مهم‌ترین محورهای علت بازداشت‌ها، رک: راعی‌گلو، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۹). در کنار حبس‌های تبعیدی، گاه نیز این افراد، «ممنوع از اقامت» در زادگاه خود یا محل حضور متفقین می‌شدند. چنانکه عبارت «عدم صلاحیت اقامت در مناطق نفت‌خیز» در اسناد تبعیدیان از خوزستان به دست انگلیسی‌ها و نیز «عدم صلاحیت اقامت در آذربایجان» در اکثر اسناد تبعیدیان شمال کشور از سوی شوروی به چشم می‌خورد (رک: سادات بیدگلی، ۱۳۹۹: ۸۱). این اقدام در نقض آشکار استقلال سیاسی و قضایی ایران، علاوه بر تحقیر و توهین به ایرانیان، خسارات مادی و معنوی فراوان به دولت و ملت ایران وارد کرد.

خاطره‌نویسی ایرانیان از دوره حبس در زندان متفقین

متأسفانه نمی‌توان از وجود بخش قابل توجهی از گزارش‌های بی‌واسطه درباره این رخداد بزرگ سیاسی - اجتماعی در کشور خبر داد، به‌طوری‌که از میان بیش

ادامهٔ تحصیل در سوئد، از سال ۱۳۱۸ مراحل ترقی را در راه آهن طی کرد اما پس از حملهٔ متفقین، به اتهام همکاری با آلمان دستگیر شد. خاطرات شریف‌امامی به‌همت حبیب لاجوردی و در قالب طرح «تاریخ شفاهی ایران» از سوی مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، در سه جلسه طی سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۲ در خانهٔ او در نیویورک ضبط و تنظیم و بارها در ایران با عنوان خاطرات جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر منتشر شد. او در بخش کوتاهی از این گفت‌وگوی شفاهی، ضمن بیان سرگذشت سیاسی و مشاهدات فردی، به‌طور کلی و موجز به ماجرای ورود متفقین و بازداشت خویش اشاره کرده است.^۶

از جهانگیر تفضلی (۱۲۹۳، مشهد-۱۳۶۹)، روزنامه‌نگار، فعال مطبوعاتی و سیاستمدار دههٔ ۱۳۲۰ نیز خاطراتی کوتاه دربارهٔ این رویداد باقی مانده است. او پس از شهریور ۱۳۲۰ به روزنامه‌نگاری و نویسندگی سیاسی پرداخت و در سال ۱۳۲۱ به‌اتفاق چند نفر از جمله خسرو اقبال، حزب «بیکار» را تأسیس و سپس روزنامهٔ تندروی نبرد را منتشر کرد و پس از توقیف، در کنار اقبال و غلام‌علی پرویزی، امتیاز ایران ما را گرفت. وی که به لحن تند شهرت داشت، در شهریور ۱۳۲۲ به همراه اقبال، از سوی نیروهای متفقین به جرم آلمان دوستی دستگیر و راهی زندان اراک، سپس برای هفت ماه تحویل روس‌ها شد. او عمدهٔ خاطرات خود را هر چند شامل همهٔ فراز و نشیب‌های زندگی‌اش نیست، در سال ۱۳۶۵ با کمک حافظه به نگارش درآورد که حاصل آن را پس از گذشت چند سال، یعقوب توکلی، محقق علوم سیاسی و متخصص تاریخ معاصر ایران با عنوان خاطرات جهانگیر تفضلی منتشر کرد. توکلی خاطرات ایام بازداشت تفضلی را در اردوگاه متفقین که خود او پس از آزادی در روزنامهٔ ایران ما در نوشتاری با عنوان «پازده ماه در بازداشتگاه متفقین» منتشر کرده بود در بخش دوم کتاب آورده است.^۷ برخی محبوسین نیز پس از رهایی از اسارت، به

از خود، آن را در اختیار بیش از ۱۵۰ نفر از هم‌بندان و اسیران دیگر قرار داد تا به خط خودشان یادداشت‌ها و خاطراتی را به ثبت برسانند. فرزند وی، انوشیروان خلعتبری در سال ۱۳۶۳ با استفاده از این دفترچه، به نگارش و تدوین کتابی با عنوان محبوسین متفقین در ایران (۱۳۲۲-۱۳۲۴) همت گماشت.^۸ او ضمن ارائهٔ اسناد و مدارکی به‌قلم بازداشتی‌ها، این اثر را در شش فصل تنظیم کرد و در بخش‌هایی از فصل چهارم و پنجم، «چگونگی بازداشت برخی از مقامات ایرانی تحت عنوان ستون پنجم» و «بازداشت مخالفان متفقین در نقاط مختلف» از دفترچه پدر بسیار بهره برد.

اسیر دیگر، احمد متین‌دفتری (۱۲۷۵، تهران-۱۳۵۰، تهران)، ملقب به «اعتضاد لشکر» و «متین‌الدوله»، از رجال معروف سیاسی است که قریب نیم‌قرن در عرصه‌های مختلف اداری تا نخست‌وزیری حضور داشت. او در آغاز جوانی با دلبستگی به اندیشه‌های ملی‌گرایانه، پس از عهده‌داری معاونت وزارت عدلیه و ازدواج با دختر دکتر مصدق، کاندیدای نمایندگی مجلس از تهران شد، اما قبل از انتخابات به جرم طرفداری از آلمان توسط متفقین دستگیر شد و یک سال را تحت نظر انگلیسی‌ها و یک سال را نیز تحت نظر روس‌ها به‌سر برد. متین‌دفتری در سال ۱۳۳۵ به پیشنهاد، ترغیب و همت باقر عاقلی، از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران به ثبت خاطرات سیاسی اجتماعی خویش پرداخت که سال‌ها بعد در قالب کتابی با عنوان خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین‌دفتری) منتشر شد.^۹ او طی فصل چهارم، «اسارت از طرف بیگانگان»، از نحوهٔ بازداشت و ماجراهای حبس، دشمنی‌های سیدضیاءالدین طباطبایی با او و اتهام آلمان دوستی علیه خویش گفته است.

یکی دیگر از محبوسین، جعفر شریف‌امامی (۱۲۸۹، تهران-۱۳۷۸، نیویورک) است. او پس از انجام تحصیلات در رشتهٔ راه‌آهن در آلمان در این بخش مشغول به‌کار شد و به‌ویژه پس از بازگشت دوباره به ایران در پی

تبعید آیت‌الله کاشانی به دست انگلیسی‌ها مختصراً یافت می‌شود.^{۱۰}

معرفی نورالله لارودی

نورالله لارودی (متولد: ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱) فرزند حبیب‌الله لارودی مشکینی آذربایجانی بود. بنابراین اصالت خانوادگی وی به خطه آذربایجان شرقی، مشکین شهر می‌رسد. میرزا

حبیب‌الله که به اذعان فرزند، عمر خود را در راه تحصیل و تعلیم و آموزش و پرورش نوباوگان وطن گذراند، در ایام جوانی از مدافعین آزادی خواهی بود و حتی به برخی مبارزان مشروطه، در مواقع فرار و اضطرار پناه می‌داد. اینکه آیا میرزا حبیب به اتفاق خانواده عازم پایتخت می‌شود یا نورالله و برادران، خود در آغاز بالندگی راه تهران را پیش می‌گیرند معلوم نیست، اما تسلط لارودی بر کاربردهای متنوع و ظرافت‌های گویش تهرانی نشان می‌دهد او مدتی طولانی ساکن پایتخت و در آن جا به کسب علم و موقعیت اجتماعی مشغول بوده است، تا اینکه در وزارت دارایی به استخدام دولت درمی‌آید و در همین شهر ازدواج می‌کند و حدود سه سال پس از به دنیا آمدن فرزند نخستش

«شیرین»، در سال ۱۳۲۱ طی مأموریتی اداری، همراه با خانواده، به استان هفتم (فارس) عزیمت می‌کند. در این مأموریت، رکن‌الدین احمدی، از صاحب‌منصبان وزارت دارایی، مأمور خرید تریاک استان فارس می‌شود و لارودی نیز با معرفی یکی از مأمورین عالی‌رتبه وزارت دارایی، همراه وی به عنوان رئیس بازرسی دارایی و اقتصادی عازم شیراز می‌شود. اولین مأموریت او در حوزه کارزون تعیین می‌شود

ثبت خاطرات خود در قالب تک‌نگاشت‌هایی کوتاه پرداختند. برای مثال می‌توان از حبیب‌الله نوبخت نام برد که یادداشتی از او با عنوان «در بازداشتگاه اجانب» به همت سیف‌الله وحیدنیا در جلد سوم خاطرات و اسناد؛ مجموعه‌ای از خاطرات خاطره‌نویسان نخبه و عکس‌ها و اسناد معتبر منتشر شد.^۸ جز این می‌توان به نوشتارهایی از احمد نامدار، محمدحسین حسام‌وزیری، عباس

نمی‌توان از هنر نویسندہ در کاربرد نثری ساده و در عین حال پخته، همراه با لحن صمیمانه و گاه طنزآلود، علاوه بر استفاده از انواع ظرافت‌های زبانی، خصوصاً در گویش تهرانی چشم پوشید. این ویژگی‌ها موجب شده است که پس از گذشت هفتاد سال از چاپ نخست آن، آن هم نه در چاپی منقح، بار دیگر متن خاطرات لارودی، همراه با مقدمه‌ای در ارائه حاصل پژوهش در این موضوع و نیز حواشی و تعلیقاتی در گویاسازی محتوای اصلی آماده چاپ گردد.

حکیم معانی و بهرام شاه‌رخ اشاره کرد که لارودی در آغاز خاطرات خود از آن‌ها نام می‌برد. از برخی دیگر نظیر آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (۱۲۵۴، تهران - ۱۳۴۰، تهران) نیز که در پی ناکامی نخست انگلیسی‌ها از هجوم به خانه او و یک سال زندگی و مبارزه مخفیانه، سرانجام توسط روس‌ها دستگیر و راهی زندان رشت و در ادامه به زندان انگلیسی‌ها در اراک و سپس کرمانشاه منتقل گردید، هر چند به قلم خود او خاطره‌نویسی صورت نگرفته، خاطراتی اندک گاه به گفتار و نوشتار همراهان باقی مانده است. در کتاب آیت‌الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات که بعدها به همت محمود کاشانی گردآوری و تنظیم و منتشر شد،^۹ در میان انبوه اسناد و خاطره‌های کوتاه از اطرافیان

و همراهان و بازماندگان آیت‌الله درباره شخصیت، دیدگاه‌ها و اقدامات وی تک‌نگاشت‌هایی پراکنده و اندک از برخی محبوسین یافت می‌شود. چنانکه در آثاری دیگر نظیر خاطرات عزیزالله کمال (۱۲۸۵، تهران - ۱۳۶۹، تهران)، از افسران و رجال نظامی سیاسی برجسته در دوره پهلوی، و به طور خاص از بستگان و ارادتمندان آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی نیز خاطراتی از ماجرای دستگیری و زندان و

صورت می‌دادند. در همین راستا، لارودی نیز در روز ۲ مرداد ۱۳۲۲ هنگامی که همچنان رئیس بازرسی دارایی و اقتصادی استان هفتم بود، به‌دستور دستگاه شهرانی و بر اساس نامه دادستان فرمانداری نظامی شیراز به اتهام «معارضه بر علیه امنیت کشور» دستگیر و پس از چند روز بازداشت موقت در عمارت کریم‌خانی شیراز که آن زمان در اختیار شهرانی این شهر بود، به افسران انگلیسی تحویل و

برای انتقال به زندان عازم سلطان‌آباد (اراک) می‌شود. او با کاروانی از کامیون‌ها و سربازان انگلیسی در مسیری طولانی، سفر خود را از جاده شیراز - تخت جمشید آغاز می‌کند و با گذر از چندین شهر و روستای میان راه در فارس و اصفهان، از جمله سیوند، سعادت‌آباد، ده‌بید، شهرضا، اصفهان، آبخشان، دلیجان و خمین و نیز مدتی توقف در مقر انگلیسی‌ها در میان راه به مقصد می‌رسد و به اسیران ایرانی بازداشتگاه تابستانی در «کامپ شماره ۱۲ ارتش انگلیس» می‌پیوندد. این جوان سی و دو ساله بیش از دو ماه را در کنار سایر اسیران در چادرهای مستقر در محوطه این اسارتگاه می‌گذراند. تا آنکه با آغاز فصل سرما، در اوایل آبان همراه با دیگر محبوسین به اردوگاه زمستانی

منتقل می‌شود. در اوایل خرداد ۱۳۲۳ لارودی به همراه ۱۴ تن از بازداشتی‌های دیگر، به زندان دیگر انگلیسی‌ها در تهران فرستاده و در ساختمان «بیمارستان پانصد تخت‌خوابی» جای داده می‌شود. او در این زمان می‌تواند از نعمت ملاقات مکرر خانواده‌اش برخوردار شود. همسر و دختر چهار ساله و نیز پسر تازه متولد شده او که در هنگام اسارت پدر، تنها دو ماه داشت، پس از اسارت لارودی، به

و پس از حصول موفقیت به شیراز بازمی‌گردد و بلافاصله مأمور خرید منطقه آباده، اقلید، چهاردانگه، سمیرم و توابع می‌شود که همه را با توفیق سپری می‌کند. او طی این مأموریت‌ها با برخی رجال سیاسی و مبارزان میهنی از جمله مردانی از قبیله قشقایی مانند سهراب خان قشقایی آشنا و بر دانش و تحلیل سیاسی‌اش افزوده می‌شود.

لارودی که به مسائل سیاسی، اجتماعی ایران و جهان آگاه، و از طرف دیگر به نگارش نیز علاقه‌مند بود، از آغاز جوانی با چندین روزنامه در تهران و شیراز همکاری و از این جهت با بسیاری از رجال سیاسی و مطبوعاتی حشر و نشر داشت. وی در کنار امور اداری و مأموریت‌ها، به مقاله‌نویسی برای جراید معتبری نظیر مرد امروز و جهان‌نما، عمدتاً در انتقاد به اوضاع اسفبار کشور مشغول بود و مطالبی متنوع با لحن جدی یا فکاهی برای آن‌ها می‌نوشت. لارودی چنانکه خود را معرفی می‌کند فردی کم‌حوصله، جوشی، مخالف تظاهرات و نمایش و ادا و اطوار بود. این ویژگی در کنار روحیه سرشار از حمیت ملی و عرق وطنی موجب شده بود قلم‌تُند و تیز وی در انتقاد به سیاست‌های مداخله‌گرانه انگلیس در ایران طی دوره اشغال به مذاق متفقین و عمال

داخلی آنان خوش نیاید. در این زمان همانند بسیاری از شهرهای ایران در شیراز نیز بسیاری از مسئولیت‌های اداری و مناصب دولتی و حساس را عمال بیگانه به‌ویژه مزدوران جاسوسی کنسول‌گری انگلیس اشغال کرده بودند. از جمله، مسئولین شهرانی و فرمانداری نظامی، به‌تحریک کنسول‌گری‌ها اقداماتی علیه افراد اثرگذار و غیرتمند شیراز به‌ویژه نویسندگان جوان و پُرشور مطبوعات

**همزمان با شعله‌ور شدن
آتش جنگ جهانی دوم
در ایران، رنج حبس به‌دست
بیگانه، آن‌هم در وطن
خویش بر برخی فرزندان این
کشور تحمیل شد. متفقین
در این زمان با دستاویز
حضور و فعالیت آلمان‌ها و
آلمان‌دوست‌ها در ایران، در
۳ شهریور ۱۳۲۰ کشورمان
را اشغال و مقدمات خروج
رضاشاه از ایران را فراهم
کردند و سپس در پی تشکیل
دولت دست‌نشانده و تحمیل
پیمان اتحاد سه‌گانه، به
اشغال‌گری و لطمه‌زنی‌های
خود در این دوره، وجهه
مصالحه بخشیدند.**

همیشه ترک و خود را به زراعت و گاه نویسندگی مشغول کرد. از سرگذشت او پس از این دوره اطلاع چندانی به دست نیامد و حتی زمان درگذشت وی معلوم نیست.

فعالیت‌های پژوهشی و روزنامه‌نگاری نورالله لارودی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تلاش لارودی، فعالیت حرفه‌ای در عرصه نویسندگی است. او که از اواخر دوره پهلوی اول، به روزنامه‌نگاری در تهران مشغول بود، پس از عزیمت به شیراز و حتی ظاهراً سال‌ها بعد نیز همچنان به فعالیت مطبوعاتی ادامه داد و به این ترتیب، دست‌کم در ایام جوانی، با نگارش مقالاتی آتشین، با برخی جراید تهران و شیراز نظیر مرد امروز، جهان‌نما، آیین‌ه جنوب، پارس، پیغام، داریا و نامه صبا همکاری یا به‌نحوی با صاحبان و مدیرانشان مراد شده است. در این میان، به‌طور خاص به محمد مسعود، صاحب‌امتیاز و مدیر منتقد و تندنویس مرد امروز، بیش از بقیه ارادت می‌ورزید و او را یاری می‌رساند.

البته نویسندگی لارودی تنها به جریده‌نویسی محدود نبود؛ بلکه از او کتاب‌هایی نیز باقی مانده است. لارودی یادگارهای جوانی را که مجموعه یادداشت‌هایی پراکنده است، به روح پدرش، حبیب‌الله لارودی تقدیم کرده، در سرآغاز آن می‌نویسد: «این یادداشت‌های پراکنده که به‌صورت داستان گرد آورده‌ام خلاصه نظریات اجتماعی و نمونه‌ای از طرز تحریر امروزه است که خیلی از نویسندگان دنیا مجذوب و فریفته آن‌اند» (لارودی، بی‌تا: ۳). این جستارها، برخلاف آنچه از عنوان کتاب برمی‌آید، به خاطرات جوانی خود نویسنده مربوط نیست. بلکه در هر یک از بخش‌های کوتاه و چند صفحه‌ای، او ماجرای جالب از یکی از دوستان و آشنایانش را به زبان داستان و به‌نحوی شیرین روایت کرده است.^{۱۳} همچنین وی نابغه شرق را متضمن شرحی از زندگی ابن سینا، فیلسوف و پزشک نامدار ایرانی و مایه افتخار ملل شرق با هدف اصلی

کمک یکی از دوستان نزدیک او به تهران آمده بودند و به‌ویژه با کمک برادرش به نام لطف‌الله نگران لارودی که از نظامیان و ساکن پایتخت بود^{۱۴} در این شهر ساکن شدند. در اواخر پاییز ۱۳۲۳ در پی افزایش فشارهای انگلیسی‌ها بر اسیران، لارودی و دو تن از دوستان و هم‌بندان نزدیکش در راستای افشای جنایت‌های متفقین و عمال آن‌ها و برهم‌زدن سکوت سیاه مجامع حکومتی علیه این رخدادهای، نقشه‌ای برای فرار طراحی کردند و آن را عملی ساختند. در این زمان آن‌ها به بهانه دندان‌درد همراه چند زندانی دیگر جهت مداوا به خارج از اسارتگاه اعزام شدند. آن‌ها توانستند با استفاده از غفلت مأموران و فرصت انتظار بیماران، از ورودی فرعی بیمارستان فرار کنند و سراسیمه خود را به مجلس شورای ملی برسانند. این سه فراری بازداشتی توانستند فریاد تظلم‌خواهی اسیران را به گوش نمایندگان به‌ویژه دکتر مصدق و نیز خبرنگاران حاضر در محوطه مجلس برسانند، پس از تنظیم شکایتی خطاب به رئیس مجلس و دادستان تهران تصمیم گرفتند به‌قصد حصول نتیجه تا آزادی همه محبوسین، از قبول هرگونه تقاضا و دستور برای خروج از مجلس سرباز زنند و در همانجا متحصن شوند. اما در شب ۲۴ آذر، در پی هجوم مسلحانه مأموران به داخل مجلس، تحصن آن‌ها شکسته شد و هر سه، دستگیر و به‌اجبار به اسارتگاه بازگردانده شدند. مدتی بعد، غم از دست دادن فرزند کوچک‌اش، «خسرو»، به سرخوردگی و غم بی‌نتیجه ماندن اعتراض و فرار افزود. این طفلی دوساله با مرگ خود در زمستان ۱۳۲۳ داغ سنگینی بر دل پدر گذاشت؛ چنانکه این غم در کنار اندوه اسارت، وی را دچار یاسی جان‌گداز کرد. بالأخره آخرین ماه‌ها و روزهای بازداشت، سپری و پس از تسلیم آلمان از اواسط اردیبهشت ۱۳۲۴ آزادی اسرا آغاز شد و تا مرداد همان سال به طول انجامید. لارودی نیز در ۱۸ خرداد در لیستی ۱۵ نفره آزاد شد. اما روح او از تأثرات این دوره چنان افسرده و خاطرش آزرده بود که خدمات دولتی را برای

از اشارت لارودی در خاطراتش معلوم می‌شود که وی همچنین کتابی به نام تاریخ آتشین مشتمل بر روایت مدافعات سلحشوران جنوب ایران را تا مراحل پایانی به نگارش درآورده اما پیش از انتشار، انگلیسی‌ها آن را ضبط کرده‌اند. همچنین بنابر اظهار نویسنده، وی در حبس، کتاب هزار و یک جنایت را نوشته که پیش از انتشار مفقود شده است.^{۱۵}

نکته دیگر درباره لارودی آنکه وی در کنار نوشته‌های رسمی و هدفمند که عمدتاً حاصل آن‌ها در قالب کتاب یا در جراید منتشر شده است، اهل یادداشت‌برداری و ثبت گزارش‌های شخصی از رخداد‌های زندگی فردی نیز بوده است. بنابراین با استنباط از قرائن موجود، شکی نیست که خاطره‌نویسی لارودی بی‌سابقه نبوده و او پیشتر، دست‌کم در طول سفرها و مأموریت‌های اداری پیشین، به یادداشت‌برداری اهتمام داشته و حتی گاه از مناظر طبیعی و زیبای مناطق محل مأموریت فیلم برمی‌داشته است!

شکل‌گیری خاطره‌نامه لاروی

لارودی به‌رغم برخورداری از توان و هنر نگارش، تا شش سال پس از رهایی از زندان، قلم را به دست نگرفت، تا اینکه در سال ۱۳۲۸ نوشتن را دوباره آغاز کرد و خاطرات روزهای اسارت را به منزله «خونابه دل دردمند یک جوان رنج‌کشیده ایرانی» در سی و هفت سالگی به انجام رساند که حاصل آن پس از چند سال تأخیر، در سال ۱۳۳۲ منتشر شد.^{۱۶} عنوان اصلی کتاب در این چاپ، اسیران است؛ اما در ادامه، توضیحات بیشتری ذیل عنوان فرعی چنین آمده است: «فجایع عمال تبهکار انگلیس در ایران؛ متضمن سرگذشت دو سال اسارت ۱۸۰ نفر از ملیون و رجال و شخصیت‌های برجسته و امرا و افسران ایرانی و جمعی از اتباع خارجی در بازداشتگاه‌های سیاسی متفقین طی جنگ دوم بین‌المللی، از شهریور سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ (سپتامبر ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ م)».^{۱۷}

استفاده از آن «در تهیه فیلم مجلل و براننده‌ای از زندگی استاد» (لارودی، ۱۳۳۷: ب) به نگارش درآورد که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۸ منتشر شد.^{۱۸} لارودی به نادرشاه علاقه زیادی داشت و او را یکی از خدمتگزاران هویت و استقلال ملی ایرانیان می‌دانست. در مشهورترین و محتملاً نخستین تلاش خود در این زمینه، کتابی متضمن شرح حال، ویژگی‌ها و اقدامات این شاه با عنوان تاریخ زندگانی نادرشاه؛ پسر شمشیر به نگارش درآورد که هرچند چاپ نخست آن به‌دست نیامد، اما نظر به یادداشت‌های مندرج در چاپ‌های بعد، این اثر برای نخستین بار در نیمه دوم سال ۱۳۱۸ یا در سال ۱۳۱۹ محتملاً از سوی کتابفروشی ابن سینا منتشر شده است. او خود در توصیف اثرش در مقدمه می‌نویسد: «در این کتاب شاهکارهای تاریخی و جنگی این شاهنشاه بزرگ و کشورگشای تاج‌بخش را که به گواهی تاریخ، پرکارترین و بی‌باک‌ترین سرداران نامی جهان بوده و ۳۰ سال از عمر خود را در سواری، راه‌پیمایی جنگی، اردوکنشی، محاصره دژهای نظامی و شهرها، جنگ و کشورگشایی به‌سر برده و در یازده جنگ بزرگ و بیش از بیست و یک جنگ دیگر شرکت داشته و در همه جنگ‌ها پیروز گردیده و دو تاج به پادشاهان هند و توران بخشید، با یادداشت‌های نوینی از چگونگی شهرستان کلات که نخستین جایگاه سپاهیان کشورستان او بوده و از همانجا خورشید بخت بلندش نمودار گردیده گرد آورده، برای دوستان بزرگی و سرافرازی ایران و ایرانیان از خود به یادگار می‌گذارم» (لارودی، ۱۳۶۹: ۲۹). در بزرگی شخصیت فرهنگی و شأن علمی لارودی همین بس که سه تن از نامداران ادب و تاریخ روزگار، یعنی رشید یاسمی، سعید نفیسی و صادق رضازاده شفق، هر یک به‌طور جداگانه، مقدمه و یادداشت‌هایی در تأیید و ستایش این کتاب و نویسنده جوان آن نوشته‌اند که در آغاز چاپ‌های موجود قابل ملاحظه است.^{۱۹}

جامعه است، با روحیه‌ای به دور از مشی تسلیم‌منشانه و رویکردهای صوفیانه که در روح و اعماق اجتماع آن روز رسوخ کرده بود، و نیز با بی‌اعتنایی به خوش‌آمدها و بدآمدهای دیگران، در پی «طغیان احساسات وجدانی خویش»، پس از گذشت سال‌ها سرانجام، خود را ناگزیر از عریان‌نویسی دیده تا بتواند بدین طریق، اوج رذالت و حقارت سردمداران و برخی مردمان کشور خود را «صاف و پوست‌کنده» بنویسد و رسالت اجتماعی خویش را در مقام کسی که نزدیک به دو سال با بخشی از واقعیت‌های دردآور آن روز از نزدیک مواجه بوده ادا کند. او با بیان این هدف، در آغاز کتاب به صراحت و پیش‌دستانه به این سوءظن برخی مخاطبان پاسخ می‌دهد که بر آن نیست تا نوای یأس و نومیدی در گوش هم‌وطنان بخواند و تنها هدفش آن است تا وضع ننگین محیط زندگی خود را در آنچه از سر گذرانده تجسم کند.

ساختار خاطره‌نامه لارودی

لارودی روایت‌های خود را طی سه بخش تنظیم می‌کند. بخش نخست را پس از مروری کوتاه بر اوضاع سیاسی فارس و جایگاه و فعالیت‌های خویش

در این شهر، با شرح شناسایی و دستگیری در پی ورود مأموران حکومت نظامی و شهربانی به خانه‌اش آغاز می‌کند و با توصیف دقیق ماجراهای ایام بازداشت موقت در شهربانی شیراز از جمله ویژگی‌ها و عملکردهای پاسبانان و زندانیان و نیز با بیان رخداد‌های سفر در مسیر انتقال از شیراز به کمپ انگلیسی‌ها در اراک ادامه می‌دهد. بخش دوم، در کنار توصیف اوضاع ظاهری بازداشتگاه تاپستانی

لارودی که گاه از نوشتار خود، به منزله «تاریخچه» و «سرگذشت» یاد می‌کند، در واقع یکی از نمونه‌های برتر خاطره‌نویسی اسارت را در طول تاریخ زندگی‌نگاری مدرن فارسی، در قالب «خاطره‌نامه» شکل داده است. راقم این سطور اصطلاح مذکور را در بیان نوعی از زندگی‌نوشت‌های اول شخص به‌کار می‌برد که به شیوه خاطره‌نویسی، به شرح مکتوب فرد درباره تنها بخشی برجسته از زندگی و

لارودی که

به مسائل سیاسی، اجتماعی ایران و جهان آگاه، و از طرف دیگر به نگارش نیز علاقه‌مند بود، از آغاز جوانی با چندین روزنامه در تهران و شیراز همکاری و از این جهت با بسیاری از رجال سیاسی و مطبوعاتی حشر و نشر داشت. وی در کنار امور اداری و مأموریت‌ها، به مقاله‌نویسی برای جراید معتبری نظیر مرد امروز و جهان‌نما، عمدتاً در انتقاد به اوضاع اسفبار کشور مشغول بود و مطالبی متنوع با لحن جدی یا فکاهی برای آن‌ها می‌نوشت.

تجربیات متمرکز بر دوره‌ای خاص از آن اختصاص دارد. خاطره‌نامه‌ها که در آن‌ها پیوستگی رویدادها در بافتی خطی و سلسله‌وار رعایت می‌شود، اغلب از سوی افراد مشهور، سیاستمداران، نظامیان و صاحبان حرفه‌های اثرگذار به نگارش درمی‌آیند که دست‌کم در بخشی از زندگی، نقش اجتماعی متمایزی را عهده‌دار بوده‌اند و از این جهت، خاطرات آنها بیش از اهمیت در ترسیم ابعاد زندگی شخصی فرد، در تبیین رویداد، دوره، گروه و طبقه‌ای خاص و شناساندن آن به سایر افراد جامعه مؤثر است.^{۱۸} گفتنی است هر چند به صراحت از نوشته‌های لارودی برنمی‌آید، اما به قرائن محتوایی، وی در دوران حبس به نحوی به یادداشت‌برداری مشغول بوده و در نهایت پس از

چند سال با بهره‌مندی از حاصل آن، شرح ماقع را در نظم تاریخی و سلسله‌وار به سلک تحریر کشیده است. نویسنده هدف خود را از این اقدام، به دور از تظاهر، تنها افاده برای جامعه دانسته؛ تا افراد آن بتوانند در سایه نور این مشعل فروزان از بی‌غولۀ تاریک به سلامت و هدایت عبور کنند و با پاره کردن زنجیر اسارت به ساحل نجات ملی برسند. او که از اندیشه‌ورزان و دغدغه‌مندان

طبری در شکنجه‌های رضاخان قلدر: یادداشتهای زندان و غلامحسین بقیعی در مسئله شکنجه^{۱۹} از نمونه‌های نخست زندگی‌نوشت‌های اول‌شخص جدید در این زمینه به‌شمار آورد. اما در کنار این، نمی‌توان از نوآوری و منحصر به فردی این اثر در شرح واقعه حبس در زندان‌های متفقین طی جنگ جهانی دوم چشم پوشید. چنان‌که گفته شد، هرچند خاطراتی موجز و کلی در قالب تک‌نگاشت‌هایی پراکنده از برخی

اسیران این واقعه به‌جا مانده، اما خاطره‌نامه لارودی دست‌کم تاکنون تنها اثری است که در ساختاری مطول و مفصل، متضمن روایتی جزئی و جذاب از سرگذشت یکی از آنان است. در کنار این‌ها، اهمیت دیگر خاطرات لارودی متأثر از اشتغال بر انبوهی از اطلاعات سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و مردم‌شناسی روزگار است. او که بسیار اهل مطالعه و غور در تاریخ و فرهنگ ایران و جهان بوده، جز ارائه اطلاعات دست اول از جامعه و شرح رویدادهایی که به‌نحوی در آن حضور داشته، در لابه‌لای نوشته‌هایش آگاهی‌هایی فراوان در موضوعات گوناگون به شیوه‌هایی متنوع و هنرمندانه بازتاب می‌دهد.

به عبارت دیگر خواننده در کنار کسب اطلاعاتی از رخداد‌های زندگی نویسنده، طی شهریور ۱۳۲۲ تا خرداد ۱۳۲۴ و حتی دوره پس از آن تا نگارش روایت‌ها، در گستره وسیع اطلاعات عمومی نویسنده حضور می‌یابد. اما در کنار محتوای ارزنده، اهمیت دیگر این کتاب در ساختار استوار و نیز شیوه نگارش پخته و در عین حال هنرمندانه آن است. نویسنده در مقام فردی دست‌به‌قلم و دارای

و زمستانی اراک و ترسیم محوطه بیرونی و فضاهای درونی هر یک، به شرح جزئیات زندگی راوی و سایر زندانیان نظیر معرفی اسیران ایرانی و غیرایرانی و مأموران بازداشتگاه اعم از افسران انگلیسی و سربازهای انگلیسی و هندی، خلق و خو و رفتار آنان، اوضاع تغذیه، بهداشت و نظافت، سرگرمی‌ها، خوشی و ناخوشی‌ها و از این قبیل اختصاص دارد. این بخش با پایان دوره اسارت در اراک و انتقال راوی و تعدادی از هم‌بندان

او به تهران ادامه می‌یابد و بخش پایانی، با توصیف بنا و فضاهای درونی و بیرونی بازداشتگاه تهران در بیمارستان پانصد تختخوابی آغاز می‌شود. نویسنده شرح اوضاع زندگی و مراودات انسانی در اینجا را نیز با جزئیاتی همانند بازداشتگاه قبل پی‌می‌گیرد و در کنار آن، رخداد‌های دیگر را نیز نظیر فرار و تحصن در مجلس و همچنین مرگ فرزند تا پایان دوره بازداشت شرح می‌دهد.

اهمیت خاطرات لارودی

بی‌شک خاطره‌نامه لارودی در شمار موفق‌ترین زندگی‌نوشت‌های فارسی جای دارد. امتیازات و برجستگی‌های ویژه آن در وجه تاریخی و ادبی،

از گسترده‌ی دانش و اطلاعات عمومی نویسنده، دقت در کلیات و جزئیات امور، حافظه قوی، توانایی تحلیل و روشنگری و نیز ذوق و هنر نگارش وی حکایت می‌کند.

یکی از وجوه امتیاز این اثر به جایگاه پیش‌تازانه آن در سنت زندگی‌نگاری مدرن ایرانیان در ادبیات اسارت مربوط می‌شود؛ به طوری که می‌توان آن را در کنار خاطرات کسانی مانند علی دشتی در ایام محبس، احسان

یکی از وجوه امتیاز این اثر
به جایگاه پیش‌تازانه آن
در سنت زندگی‌نگاری مدرن
ایرانیان در ادبیات اسارت
مربوط می‌شود؛
به طوری که می‌توان آن را
در کنار خاطرات کسانی
مانند علی دشتی
در ایام محبس، احسان طبری
در شکنجه‌های رضاخان
قلدر: یادداشتهای زندان
و غلامحسین بقیعی
در مسئله شکنجه^{۱۹}
از نمونه‌های نخست
زندگی‌نوشت‌های اول‌شخص
جدید در این زمینه
به‌شمار آورد.

۲-۱. بیان واقعیت‌هایی از تاریخ ایران در دوره پهلوی و پیش از آن

خاطرات نویسندہ‌ای که هنوز به چهل سالگی نرسیده، مشتمل بر اطلاعات عمومی گسترده‌ای در زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، ادبی، هنری، اجتماعی و مردم‌شناختی است. چنانکه توجه او به اوضاع فلاکت‌بار شهرها و روستاهای بین راه فارس، اصفهان و اراک، مشکلات سربازان انگلیسی، برخی مظاهر فرهنگ عامه مردم عادی نظیر رسم و عادات شیرازی‌ها در طلا انداختن زن‌ها و رسم گنبدکلاتی‌ها در پوشیدن کلاه کائوچویی، کمتر در آثار نویسندگان این دوره به چشم می‌خورد. همچنین از لابه‌لای روایت‌ها می‌توان اطلاعاتی درباره سابقه اماکن جغرافیایی و بناهای تاریخی و کاربری‌های آن‌ها در فارس، اصفهان و تهران نظیر عمارت کریم‌خانی، مقبره باباکوهی، امام‌زاده حسن قریه دهکانک، بیمارستان یوسف‌آباد و بیمارستان پانصد تختخوابی یافت. اما اطلاعات لارودی تنها به مشاهدات و رخداد‌های عصر خود مربوط نمی‌شود، بلکه خاطرات او که ساعات زیادی از عمر خود را به مطالعه می‌گذرانده و به تعبیر خود، «مبتلا به مرض مطالعه و کار» بوده، سرشار از اطلاعاتی مربوط به تاریخ دوره‌های جدید ایران به‌ویژه سلسله زندیه و پس از آن است.

۳-۱. اشاره‌هایی به تاریخ و فرهنگ جهان

افزون بر این، نمی‌توان از ویژگی ستودنی این خاطرات از حیث در بر داشتن اشاره‌هایی کوتاه به تاریخ و فرهنگ جهان به‌ویژه اروپا و به‌طور خاص فرانسه چشم پوشید. نویسندہ که در دوره حبس، زبان فرانسه را بیش از پیش به کمک یکی از هم‌بندانش به‌خوبی فرا می‌گیرد، آن را در کنار علاقه به مطالعه، وسیله‌ای برای شناخت ملل دیگر قرار می‌دهد. اشارات کوتاه و هنرمندانه او به تمدن‌های نخست یونان و روم و مصر در دوره باستان تا

آثار متعدد، با تسلط بر گویش تهرانی و ظرافت‌های آن، به ساده‌نویسی و صریح‌گویی پای‌بند بوده و به این ترتیب توانسته خاطرات خود را به شیوه‌ای دلنشین بنگارد، به نحوی که خواننده علاقه‌مند را نه تنها با خود همراه سازد، بلکه او را با شور و احساس سرشار در میان واژه‌ها و تعبیرات، به همدردی فراخواند.

ویژگی‌های خاطرات لارودی

۱. وجه تاریخی

۱-۱. شرح موقعیت‌ها و ماجراهای حبس

این اثر به‌منزله اصلی‌ترین و روشن‌ترین گزارش تاریخی از رویداد حبس ایرانیان در دوره اشغال ایران، بیش از هر مدرک دیگر در تبیین جزئیات این رویداد به کار پژوهشگران تاریخ معاصر می‌آید. گزارش‌های مندرج در این اثر درباره اوضاع حاکم بر کشور و علت حبس گسترده مخالفان سیاست‌های بیگانگان در امور داخلی، اوضاع شهربانی شیراز و نحوه اداره آن خصوصاً با تسلط افسران انگلیسی بر دستگاه شهربانی، همراهی اسیران با کاروان انگلیسی‌ها و اردوگاه‌های متفقین در خارج شهر، موقعیت ظاهری و منظره داخلی و خارجی بازداشتگاه‌های تابستانی و زمستانی اراک، برخورد مأمورین انگلیسی و نیز مسلمانان هندی و سیک‌ها با محبوسین، نام و خصوصیات آنان، فعالیت‌های مختلف و روابط محبوسین، نقل و انتقال اجباری آنها میان بازداشتگاه‌های مختلف، موقعیت ظاهری بیمارستان پانصد تختخوابی تهران، ماجراهای واقعه فرار و تحصن در مجلس، اقدامات مأمورین حکومت نظامی و شهربانی تهران و سیاست‌های مأموران در تحبیب و تهدید اسیران، به تفصیل و با دقتی بی‌نظیر به تصویر درآمده است. دقت نویسنده در ارائه اطلاعات تا جایی است که حتی با حوصله به ترسیم نقشه‌ها و کروکی‌هایی از موقعیت‌های فیزیکی بازداشتگاه‌ها پرداخته است.

۲-۲. تحلیل اوضاع سیاسی ایران

لارودی هرگز فعال سیاسی و به قول خود «اهل سیاسی بازی» نبود. او تنها هنگامی که در تهران به سر می‌برد، مدتی کوتاه در حزب «میهن پرستان»، از احزاب سوسیال دموکرات که در برابر اندیشه‌های حزب توده و ایجاد عدالت اجتماعی فعالیت خود را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرده بود عضویت داشت، ولی به زودی استعفا داد و به این ترتیب تنها همین یک بار، آن هم برای مدتی کوتاه سابقه عضویت حزبی پیدا کرده و با وجود بی‌طرفی در عرصه‌ها و مجادلات سیاسی و پای بندی به استقلال فکری و دوری از غرض‌ورزی، از روحیه‌ای سرشار از تعهد وطنی نیز برخوردار بود. او در پُررنگ‌ترین جلوه، سردمداران حکومت را در دولت و مجلس، مسئول جنایات انگلیسی‌ها از جمله در بازداشت ۱۸۰ نفر از لایق‌ترین فرزندان کشور در اراک می‌دانست. دستگیری و روزهای نخست بازداشت او با نخست‌وزیری علی سهیلی و تصدی سید محمد تدین بر وزارت کشور همزمان بوده است. نویسنده با حمله به این دو و حتی برخی دیگر از مسئولان دولتی در دوره‌های بعد و نیز اکثر نمایندگان مجلس، بر آن است که نه تنها آنان در جهت ممانعت از این اقدام متفقین کاری نکردند، بلکه خودشان به نحوی عمال بیگانگان بودند و در نتیجه، به کمک مأمورین خود در بخش‌های مختلف از جمله شهربانی و فرمانداری‌ها این شرمساری ملی را رقم زدند.

۳-۲. تحلیل اوضاع اجتماعی ایران

لارودی وضعیت کشور و مردم ایران را اسفناک می‌خواند و وادادگی عمال بیگانه و بسیاری از رجال مملکتی را عامل فلاکت کشور می‌داند و بر این باور است که راهی برای اصلاح ایران وجود ندارد. او در سراسر کتاب از سر یأس و درد از ایران در آن دوره، با یکی از عناوین «کشور نفرین شده»، «سرزمین ویران شده»، «ماتمکده»، «کشور فلک زده»، «سرزمین مُردگان متحرک»، «کشور بی صاحب»، «کشور

تاریخ معاصر اروپا به نحوی است که نشان می‌دهد او را از بسیاری رویدادها، موضوعات، رجال، مناطق و شهرهای مشهور دنیا آگاهی داشته است. ذکر برخی افراد اثرگذار از جرگه سیاستمداران، دانشمندان، پادشاهان، قهرمانان افسانه‌ای، مبارزان جنگی، پژوهشگران، نویسندگان و شاعران و نیز برخی موضوعات مانند مجسمه مومیایی رامسس دوم، جنگ‌های طبرق، فجایع جنگ‌های شمال آفریقا، نبردهای کارتاژ، سرنوشت پمپه‌ئی، غلزائی‌های قندهار، رخدادهای انقلاب کبیر فرانسه، زندان‌های باستیل و قرارداد رژی و جنایات انگلیس در دنیا از زمره این اشارات است.

۲. وجه تحلیلی - انتقادی

۱-۲. برخورداری از لحن تند انتقادی

لارودی صراحت لهجه و بی‌باکی در اعتراض بی‌پرده را در سبک بیان از جمله در این نوشتار افتخار خود می‌داند و گاه بر آن تأکید می‌ورزد: «من از لحن تند و عریان مطالب مندرج در این کتاب به هیچ وجه و از هیچ مقامی پروا ندارم و معتقدم اگر به این صراحت و سادگی ننویسم حقایق را کتمان نموده‌ام». دیدگاه صریح او مبنی بر آنکه نباید تسلیم دشمن شد و کوتاه آمد و اینکه انسان تا می‌تواند باید با بیدادگری بجنگد، در سراسر اثرش جاری است. حتی گاه به جایی می‌رسد که نمی‌تواند خود را از نثار ناسزا و فحش به برخی بیگانگان و عمال داخلی آن‌ها بازدارد. اما این ویژگی، او را از جاده انصاف خارج نمی‌سازد. بلکه در جای خود، از مردان نیک روزگار با احترام و تعظیم و ادب یاد می‌کند و از بیان لقب‌هایی مانند «بزرگوار»، «دانشمند»، «بلندهمت»، «نیک‌نام» و «سرباز میهن پرست» در شأن این افراد مضایقه نمی‌کند. او حتی طریق بی‌غرضی را چنان می‌پیماید که در بیان افسران و سربازان انگلیسی که به ندرت رفتار و روحیات آن‌ها را انسان دوستانه دیده، از واقعیت چشم نمی‌پوشد.

است، حضور «من» فردی نویسنده در این اثر کاملاً برجسته است. به عبارت دیگر، خاطره‌نامهٔ لارودی برخلاف برخی خاطره‌نامه‌های هم‌عصر و پیش از خود، آیین‌های درخشان از اوصاف، باورها، ویژگی‌ها و عملکردهای خود را در برابر مخاطب قرار می‌دهد.

۲-۳. برجستگی عنصر توصیف

یکی از ویژگی‌های نویسنده، قدرت توصیف او از رخداد‌های بیرونی و نیز حالات و احساسات درونی خود است به‌نحوی که خواننده را در تجسم جزئیات پدیده‌ها اعم از ظاهر افراد و خُلقیات آن‌ها، مناطق و بناها و نیز ماجراها یاری می‌رساند. برای مثال می‌توان به تصویر دوستان شیرازی نویسنده، پاسبان مفلوک شیرهای در عمارت کریم‌خانی، مواجههٔ سگ فلانندی و صاحبش و موقعیت ظاهری اسارتگاه‌ها اشاره کرد. جز این، توان لارودی در شرح عواطف درونی خویش در صحنه‌هایی مانند دیدار نخست با دختر خردسالش در حبس و نیز مواجهه با گداهای گرسنه و زن‌های ژولیده و بدبخت دلیجان، چنان هنرمندانه و ستودنی است که به‌خوبی می‌تواند احساسات عمیق مخاطب را با اندوه، حسرت و شرمساری با نویسنده همراه سازد.

۳-۳. کاربردهای هنری زبان

کاربردهای عامیانه و دوری از رسمی‌نویسی لارودی را می‌توان نقطه عطف هنر نویسندگی او دانست که به آن

صاحب‌مُرده»، «قبرستان»، «خراب‌شده» و «مُلک بی‌در و دروازه» یاد می‌کند. نویسنده گاه پارافراتر از این می‌گذارد و به تناسب موضوع مانند یک روان‌شناس و جامعه‌شناس، به ریشه‌یابی مشکلات رعیت گرسنه و مفلوک ایران و نیز مظاهر فساد اخلاقی و مالی می‌پردازد. برای مثال او به سیستم آموزشی در مدارس می‌تازد که فرزندان کشور را برای زندگی در جامعه و عهده‌داری معقول امور شخصی و اجتماعی آماده و تربیت نمی‌کند.

همچنین با وجودی که خود را مسلمان و شیعهٔ امام علی (ع) می‌داند به برخی متظاهرين دين و روحانی‌نمایی که مذهب و منبر را ابزار منفعت‌طلبی خود قرار داده‌اند و نیز شاعران صوفی مسلک و به دور از واقعیات فرهنگ و جامعهٔ معاصر ایران می‌تازد.

۳. وجه هنری

در کنار گزارش‌ها و تحلیل‌های ارزنده در خاطرات لارودی آنچه این کتاب را در ردیف یکی از ارزشمندترین و خواندنی‌ترین زندگی‌نوشت‌های فارسی قرار داده، توانمندی نویسنده در به‌کارگیری زبان و شیوهٔ نوشتاری ساده و در عین حال هنرمندانه است. در ادامه، از برخی جلوه‌های دلنشین خاطرات او یاد می‌شود:

۱-۳. برجستگی «من» فردی

برخلاف عمدهٔ زندگی‌نوشت‌های اول‌شخص، خصوصاً در آغاز دورهٔ زندگی‌نگاری مدرن ایرانیان که در آن -ها تمرکز اصلی نویسنده بر شرح مشاهدات بیرونی و نه بیان حالات و روحيات و عملکردهای شخصی

۳-۲. گستردگی واژگان و اصطلاحات

نمونه‌هایی از انبوه اصطلاحات زبان محاورهٔ لارودی به‌ویژه در گویش تهرانی از این قرار است: گربه‌رقصانی، واسطه‌تراشی، پاپوش دوزی، دنگ و فَنگ، دک و دنده، تَلکه‌تَسمه، لِفَت‌ولیس، لِه‌وَلورده، برج زهرمار، ریغونه، زیر جُلّی، هَشَلَهَف، لولو سَرِ خرمن، شیشکی، فکَسَنی، خَرپول، سَرِ خر، شازده‌پسر، تیتیش مامانی، از ما بهتران، آبگوشت محله، سُقَلمه، هُلَفَدونی، جَنقُولک بازی و خوش‌رقصی. نویسنده حتی گاه اصطلاحات محلی شیرازی نظیر «اهل رم» و «سی کن» را به‌کار می‌برد. در همین بخش به‌جاست از واژه‌هایی یاد شود که توجه به آن‌ها نشان می‌دهد در روزگار نویسنده در معنایی غیر از معنای متداول امروزی آن به‌کار می‌رفته‌اند؛ یا دیگر در زبان محاوره به‌کار نمی‌آیند. از این قبیل: جامه‌دان (صندوق لباس)، اتاقل (سلول)، برگردان (آستر)، پیش‌گیر (پیش‌بند)، خبرکشی (خبر بردن و خبر آوردن) و پُفنم (آب دهان). همچنین نظر به مطالعات لارودی و احاطهٔ علمی او بر فرهنگ غربی و عمدتاً زبان فرانسه، واژه‌های غیرفارسی، اغلب با تلفظ فرانسوی آن در این اثر کم نیستند؛ نظیر

انتلیجنت، گراور شدن، اریستوکراسی، پلوتوکراسی، مازور، دیریزابل، ستاسیون، دزنفکسیون، سیویل، پارابلوم، آتاشه، دیکسیونر و پرنسپ.

۳-۳. فراوانی ضرب‌المثل‌ها

یکی از ویژگی‌های هنری زبان لارودی که آن را تا سطح اثری ادبی ارتقا داده، کثرت استفاده از مثل‌ها چه در

صمیمیت و شیرینی خاصی بخشیده است. او به‌خوبی با درک حال و اقتضای کلام در خاطره‌نویسی به‌طور عام، و در این خاطرات دردناک به‌طور خاص توانسته با نزدیکی به مرزهای صداقت، صراحت و لطافت که هر یک به‌نوعی، شرط کاسته شدن فاصلهٔ مخاطب و نویسنده است، روایت‌های خود را به شیوه‌ای خودمانی و باورپذیر بیان کند. از این‌رو هر چند نویسنده، تسلط خود را به زبان

فارسی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن در سنت‌های بیانی کهن اعم از شعر و نثر نشان می‌دهد، التزام به سادگی و نیز استفادهٔ گسترده از ظرفیت‌های زبان عامیانه به‌ویژه گویش تهران قدیم یا لهجهٔ تهرانی را در عین رعایت درستی، پختگی و استواری کلام برمی‌گزیند. چنانکه کاربردهای این لهجه، نظیر مثل‌ها و تعبیرهای زبان محاوره را می‌توان یکی از ویژگی‌های این خاطرات برشمرد. برخی از این کاربردها عبارت‌اند از:

۳-۱. انبوهی تعبیرهای عامیانه

نمونه‌هایی از تعبیرهای عامیانه لارودی عمدتاً از گویش تهرانی از این قرارند: سفره کردن شکم، شهید راه قاقالی‌لی شدن، شاخ گول شکستن،

کافی بودن برای هفت پشت، بادنجان دور قاب‌چین، با لنگر خواندن، ننه من غریبم درآوردن، گوش شیطان کر و چشم شیطان کور بودن، نان قرض دادن، قیمة شدن، بید موله، سرکیسه کردن، درو کردن با مسلسل، افاده فروختن، موج‌موج کشیدن، هوار کردن، تا پتل پورت دویدن، بُر زدن و بُرخوردن با کسی، شب پابره‌نه خوابیدن، گرم بودن کله.

او در سراسر کتاب
از سرِ یأس و درد از ایران
در آن دوره، با یکی از
عناوین «کشور نفرین‌شده»،
«سرزمین ویران‌شده»،
«ماتمکده»، «کشور فلک‌زده»،
«سرزمین مُردگان متحرک»،
«کشور بی‌صاحب»،
«کشور صاحب‌مُرده»،
«قبرستان»، «خراب‌شده»
و «مُلک بی‌در و دروازه»
یاد می‌کند.

آب «تایمز» تعمیم یافته و هدف اساسی او اطاعت اوامر معلمین عزیز بود نه تأمین آسایش ما! (ص ۲۲۷)

۳-۵. ظرافت در کاربرد آرایه‌های ادبی نویسنده در عین آنکه بنا ندارد آرایه‌های ادبی پیچیده و تعبیرات دشوار به کار برد، گاه از برخی آرایه‌های عمدتاً معنوی نظیر تشبیه، استعاره، تلمیح و کنایه در شیوه‌ای ساده و خودمانی و به نحوی جاری در جان کلام - و نه مصنوعی و زاید- بهره گرفته است. نمونه‌های این کاربرد چنین‌اند:

• دودکش‌های کارخانه‌ها رو به آسمان مشغول چپق کشیدن هستند. (ص ۱۳۱)

• کتاب‌ها را به دقت و با ورق‌شماری معاینه کردند. (ص ۲۴)

• سربازی که سوارکار بود، عکس زنش را که یک نی قلیان واقعی و بسیار بدترکیب و مومیایی اندام بود به من نشان داد. (ص ۱۴۵)

• قوام‌الدوله ترکستان را به همسایه می‌بخشد، نفت را به خال هندو. (ص ۲۰)

• به من می‌گفتند تو بر علیه امنیت کشوری معارضة کرده‌ای که سربازان هفتاد و دو ملت از سیاه و سفید و سرخ و زرد در آن آزادانه بدون هیچ‌گونه مانع و رادعی مرتکب هر عمل خلاف و هر نوع تعدی و تجاوزی می‌شدند. (ص ۴۲) ■

پی‌نوشت

۱. مفصل‌ترین منبع دست اول در این موضوع، اثر پیش رو از نورالله لارودی است. اما دفترچه‌ای حاوی خاطرات و دست‌نوشته‌های محمدرضا خلعتبری، یکی از زندانیان گرفتار و محبوس این رویداد نیز بعدها توسط فرزندش انوشیروان، به همراه یادداشت‌ها و اطلاعاتی از هم‌بندان وی تنظیم و منتشر شد. (رک: خلعتبری، انوشیروان (۱۳۸۵) محبوسین متفقین در ایران (۱۳۲۲ - ۱۳۲۴)، با همکاری مصطفی شمس، تهران: اهورا) همچنین ابراهیم دهگان، مورخ و نویسنده و از مشاهیر شهر اراک، در کارنامه یادو بخش دیگر از تاریخ اراک که به بیان برخی

سنت ادبی قدیم و چه زبان عامیانه معاصر عمدتاً با گویش تهرانی است. برخی از آنها از این قرارند: از مرغ هوا تخم دزدیدن، بیضه دستمال زدن، یاسین به گوش خر خواندن، آهن سرد کوبیدن، سرگاو به خمره نرفتن، از نم‌د کلاه برداشتن، سر آوردن به پاسخ کلاه خواستن، با کسی جوال رفتن، در و چهارچوبه به هم انداختن، شاخ خود را بند کردن یا چسباندن، نام زنگی را برعکس کافور نهادن، ایز را به گربه گم کردن، از خر شیطان پیاده شدن، ماست‌ها را کیسه کردن، دندنان طمع کشیدن، خر کریم را بغل کردن، حب جیم خوردن، سگ صاحبش را نشناختن، از پاپ کاتولیک‌تر شدن، خر آوردن و معرکه بار کردن و باد در آستین انداختن.

۳-۴. فراگیری لحن طنز و طعنه ویژگی دیگر زبان نویسنده، به لحن خاص او مربوط می‌شود که در آن، به فراوانی از جملات و تعبیرات طنزآمیز و ریشخندگونه بهره برده و همین، بر شیرینی و ملاحظت نثر او افزوده است. برای مثال، در شایع‌ترین کاربرد، او با طعنه‌ای به مفهوم سیاسی «متفقین» در ایران و نیز «اتحاد سه‌گانه»، به وفور عباراتی نظیر «دوستان ما!» و «دوستان زورکی»، «متفقین عزیز و مهربان ما!» و «متفقین ارجمند و گرامی» را به کار برده است. نمونه‌های دیگری از این کاربردها از این قرارند:

• چند روزی از طریق ناوه‌کشی و آجرسانی، نان خود را از آجر و سنگ به سنگ تبدیل نمود. (ص ۴۵)

• با دست‌های پینه‌بسته خود در داخل بادیه‌های مس به جست‌وجوی نخود و سیب‌زمینی و استخوان و احیاناً گوشت و غضروف پرداخت و رmq محتویات ظروفی را که قبلاً تجزیه شده و از هفت‌خوان گذشته بود به این ترتیب گرفت. (ص ۳۴)

• از آن جهت به ریاست این میسیون تعیین گردید که در

مجموعه نوول‌های سرگذشت‌ها نیز به نگارش درآورده است. از آنجا که به رغم جستجو، اثری از آنها دست‌یاب نشد، به درج اطلاعات نه چندان مورد اطمینان آنها در این پایورقی اکتفا گردید.

۱۶. اما به رغم اهمیت و جذابیت، خاطرات او هرگز دوباره به چاپ نرسید. راقم این سطور مدتی پیش، در پی جستجو برای یافتن زندگی‌نوشت‌های اول شخص فارسی برای تهیه «شناخت‌نامه خاطرات ایرانیان (دوره قاجار و پهلوی)»، با ملاحظه این اثر در چاپی نه چندان زیبنده و درخور، تلاش برای انتشار دوباره این اثر را به همراه نتایج تحقیقات و توضیحات لازم آغاز کرد که حاصل آن آماده انتشار است.

۱۷. چنانکه می‌بینیم لارودی متأثر از تلقی رایج در جامعه از سوی انگلیسی‌ها، در عنوان و سراسر کتاب، اصطلاح «بازداشت» و مشتقات آن را در بیان این رویداد به‌کار برده است.

۱۸. برای اطلاعات بیشتر درباره خاطره‌نامه و انواع آن در سنت زندگی‌نوشت‌های فارسی، رک: شمشیگرها، محبوبه (۱۴۰۰) «خاطره‌نامه‌های فارسی: گونه‌ای رایج در میان زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سراشت»، جستارهای نوین ادبی، شماره ۲۱۳، تابستان، صص ۷۷-۱۰۳.

۱۹. رک: طبری، احسان، شکنجه‌های رضاخان قلدر، یادداشتهای زندان. [بی‌جا]: [بی‌نا]؛ بقیعی، غلامحسین، مسئله شکنجه. شیراز: مصطفوی، ۱۳۵۸. دشتی، علی، ایام محبس: بانضمام یادداشتهای جدید نویسنده دربارهٔ سومین دوره حبس خود در سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵. [تهران]: صفی‌علیشاه، ۱۳۱۵.

منابع و مأخذ

۱. دهگان، ابراهیم (۱۳۴۵) کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۲. راعی‌گلوجه، سجاد (۱۳۹۵) «تحلیل تاریخی علت بازداشت و تبعید ایرانیان توسط متفقین در دوره اشغال: شهریور ۱۳۲۰- شهریور ۱۳۲۴»، تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۶، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۹، بهار، صص ۳۹-۶۲.
۳. سادات‌بیدگلی، سیدمحمود؛ مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۹) «تحلیل مؤلفه‌های تبعید تبعیدیان جنگ جهانی دوم»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۷۵-۱۰۰.
۴. لارودی، نورالله (۱۳۳۸) نابغه شرق (خورشید بی‌غروب): سرگذشت خطیر دوران جوانی شرف‌الملک، حجة‌الحق، شیخ‌الرئیس پزشک و وزیر ابوعلی سینا، [تهران]: پروین.
۵. لارودی، نورالله (۱۳۶۹) نادر پسر شمشر، تهران: ایران‌زمین.
۶. لارودی، نورالله (بی‌تا) یادگارهای جوانی، [تهران]: بی‌تا.

وقایع شهرستان اراک از سال ۱۲۷۱ تا زمان نگارش اختصاص دارد، طی چند صفحه و نه چندان مفصل، از موضوع بازداشت چندین ایرانی و بازداشتگاه‌های انگلیسی‌ها در اراک یاد کرده است. (برای اطلاعات بیشتر، رک: فهرست منابع)

۲. رک: فهرست منابع.
۳. رک: محمود، شروین (۱۳۷۴) دولت مستعجل: دکتر محمد مصدق - آیت‌الله کاشانی. تهران: علمی. گفتنی است خاطرات دکتر شروین همچنین بار دیگر با عنوان خاطرات دکتر محمود شروین توسط مرکز اسناد و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ منتشر شد.
۴. رک: خلعتبری، انوشیروان (۱۳۸۵) محبوسین متفقین در ایران (۱۳۲۲ - ۱۳۲۴). با همکاری مصطفی شمسا. تهران: اهورا.
۵. رک: متین‌دفتری، احمد (۱۳۷۰) خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین‌دفتری). نویسنده باقر عاقلی. تهران: علمی.
۶. رک: شریف‌امامی، جعفر (۱۳۸۷) خاطرات جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر (۱۳۴۰ - ۱۳۳۹ و ۱۳۷۵). ویراستار حبیب لاجوردی. تهران: صفحه‌سفید.
۷. رک: تفضلی، جهانگیر (۱۳۷۶) خاطرات جهانگیر تفضلی. به کوشش یعقوب توکلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
۸. رک: وحیدنیا، سیف‌الله (۱۳۶۹) خاطرات و اسناد: مجموعه‌ای از خاطرات خاطره‌نویسان نخبه و عکس‌ها و اسناد معتبر، ج ۳، تهران: وحیدنیا.
۹. رک: کاشانی، محمود (۱۳۸۶) آیت‌الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات. تدوین محمود کاشانی. ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. رک: کمال، عزیزالله (۱۳۶۱) گوشه‌ای از خاطرات. [بی‌جا]: مطبوعات (چاپخانه).
۱۱. لطف‌الله نگران لارودی، در سال ۱۳۱۹ فرمانده وقت پادگان نظامی کلات، و همزمان با نگارش این خاطرات، با درجه سرگردی، معاون هنگ ژاندارمری شیراز بوده است.
۱۲. تنها چاپ باقی‌مانده از این کتاب، گویا همان چاپ نخست، فاقد نام ناشر و سال نشر است.
۱۳. چند چاپ از این کتاب مربوط به سال‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۳ از سوی نشر پروین و نیز ۱۳۸۰ از سوی نشر افسون به ملاحظه درآمد.
۱۴. این اثر سپس بارها و به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸ از سوی انتشارات ایران‌زمین، فرزانه‌سازان، دنیای کتاب، قصه‌پرداز، کتاب پارسه، آدینه سبز، آتیس، هلال نقره‌ای و آسمان علم منتشر شد.
۱۵. گویا لارودی سه کتاب دیگر به نام‌های قهرمان گمنام، شیدا و

نوشتار مشارکتی

راهبردها و فعالیت‌های با هم‌نویسی مؤثر^۱

لورلی لینگارد^۲

ترجمه سحر محمداسماعیل زاده

مقدمه

را دریافت می‌کند، آن احساس انزوا از بین می‌رود و هر یک از ایمیل‌ها بازخورد منحصر به فردی از کار را ارائه می‌دهد و باعث ویرایش پیش‌نویس او می‌شود.

نوشتن به صورت اشتراکی می‌تواند بهترین و یا بدترین حالت نگارش را داشته باشد در بهترین حالت، کاری بسیار ارزشمند صورت می‌گیرد؛ همکاران الهام‌ها و ایده‌های خود را در مورد آن نگارش ادبی روی هم می‌گذارند و با بحث دقیق و متفکرانه در مورد ایده‌های یکدیگر سطح نگارش را ارتقا می‌دهند. آن‌ها بارها متن را بازسازی می‌کنند و تار و پود آن را به طور دقیق به هم پیوند می‌دهند. در بدترین حالت، کاری بسیار خسته‌کننده است. همکاران ایده‌های نامنسجم را به اشتراک می‌گذارند و هر یک می‌کوشند نگارش را به سمت و سویی بکشاند که آن را پیچیده‌تر و یا ضعیف‌تر می‌کند.

آنها متنی فرانکن اشتاین‌گونه^۳ می‌سازند که به هم دوخته شده است. بنابراین پیشبرد نویسندگی مشترک، حرفه‌ای پیچیده است و منابع بسیاری وجود دارد که به

معمولاً نوشتار علمی کاری انفرادی نیست؛ پژوهشگر مانند رمان‌نویس عمل نمی‌کند چرا که رمان‌نویس به تنهایی به امید گرفتن الهاماتی یک شب زمستانی طولانی را تا به سحر، پشت

لپ تاپ خود می‌نشیند. اما برخلاف او، نویسنده پژوهش به ندرت به تنهایی معمار متنی است که او خلق می‌کند. او تنها پشت میزش می‌نشیند، اما به تنهایی نمی‌نویسد. او به نمایندگی از گروهی از همکاران می‌نویسد. اگرچه ممکن است بخاطر اینکه آن‌ها هنوز در رختخواب گرم خود خوابیده‌اند و او همچنان در نور کم‌رنگ صبحگاهی نشسته است، کمی رنجیده باشد. ولی حس انزوای او موقتی است. چرا که دقیقاً در همان زمان که چند ایمیل



1. Collaborative writing: Strategies and activities for writing productively together. Perspect Med Educ (2021) 10:163–166 https://doi.org/10.1007/s40037_021_00668_7.

2. Lorelei Lingard

۳. ابداع یا اختراعی که سازنده خود را نابود می‌کند.

• نوشتن در واکنش با هم؛^۴

• نوشتن چندروشی.^۵

هریک از این راهبردها، رویکردی متفاوت برای هماهنگ کردن کار نوشتن در گروه ارائه می‌دهند، و هر یک برای بافت‌های مشارکتی متفاوت مناسب هستند. در ادامه به بررسی هر یک از این راهبردها پرداخته می‌شود. «نوشتن یکی برای همه»: این نوع نوشتار زمانی رخ می‌دهد که یک نفر از طرف گروه بنویسد. این راهکار زمانی مناسب است که کار نوشتن ساده و خطرپذیری آن، اندک باشد. مثلاً بسیاری از گروه‌های مشارکتی یک نویسنده واحد دارند که او در توصیف مناظرات گروه در جلسه پژوهش، گزارشی تحلیلی می‌نویسد.

«نوشتن یکی برای همه»: انسجام و بهره‌وری را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند ساختار توافق یا تجدید نظر را محدود کند، مگر اینکه به صراحت در مجموعه اثر از چند و چون این ساختار سخن به میان آمده باشد. بنابراین، بهتر است گروه‌هایی از آن استفاده نمایند که درک مشترکی از نوشتن داشته باشند. این نوشتار در عین حال می‌تواند راهی مؤثر و کم‌هزینه به منظور نگارش اولین پیش‌نویس قابل درک برای گروه باشد که با استفاده از راهبردهای نوشتاری دیگر دستخوش تکرار خواهد شد. نگارش اولین پیش‌نویس به هیچ‌روی کار آسانی نیست، اما زمانی که هدف انجام کار مشترک به منظور خلق اثری باشد آن‌گاه «یکی برای همه» به درستی معنا می‌یابد.

«نوشتن به ترتیب پشت سر هم»: این نوع نوشتار زمانی رخ می‌دهد که یک نفر نوشتن را شروع می‌کند و تا جایی پیش می‌برد و پس از آن ادامه نوشتن را به نفر بعدی محول می‌نماید. این نوع نوشتار برای گروه‌هایی مفید است که به صورت ناهمزمان کار می‌کنند و اغلب یکدیگر را نمی‌بینند و در این میان زیرساخت‌های اشتراکی اسناد نقش اصلی را در تحقق موفقیت در

ساختار پژوهش مشارکتی کمک و از آن حمایت می‌کند. افزون بر دغدغه‌های حرفه نویسنده‌گی به نوشتار مشارکتی چندان توجهی نمی‌شود. قسمت‌های آتی به شما کمک خواهد کرد تا روابط نوشتاری رضایت‌بخش و مؤثری را در گروه تحقیقاتی خود پیروانید.

راهبردهایی برای نوشتار مشارکتی

نوشتار مشارکتی فرایندی تکراری و اجتماعی است که یک گروه با هدفی مشترک بدان می‌پردازند. این گروه در طی خلق یک اثر مشترک با هم تبادل نظر می‌کنند، هماهنگ می‌شوند و ارتباط برقرار می‌کنند. نوشتار مشارکتی می‌تواند راهبردهای متفاوت زیادی را دنبال کند، اما در این میان پنج راهبرد بسیار رایج است. این راهبردها عبارتند از:

• نوشتن یکی برای همه؛^۱

• نوشتن به ترتیب پشت سر هم؛^۲

• نوشتن همه به موازات هم؛^۳

4. all-in-reaction writing.
5. multi-mode writing.

1. one-for-all writing.
2. each-in-sequence writing.
3. all-in-parallel writing.

به‌طور همزمان و نه متوالی و نه به‌ترتیب کار می‌کند. این روش در صورتی که وظیفه نوشتن به‌سادگی قابل تقسیم است و بخش‌های جداگانه به هم وابسته نیستند، به‌خوبی عمل می‌کند؛ چرا که در این روش بازدهی و استقلال نویسنده بیشتر از روش «نوشتن به ترتیب پشت سر هم» می‌باشد. «نوشتن همه به موازات هم» می‌تواند خروجی سریع و با حجم بالایی داشته باشد. این روش زمانی بسیار مؤثر است که تقسیمات کاری، اختیاری نباشد، بلکه بر اساس تخصص اصلی هر نویسنده برنامه‌ریزی شده باشد. مثلاً ممکن است روش‌شناس یک گروه تحقیقاتی اولین پیش‌نویس بخش روش‌ها را بنویسد. در حالی که یکی از اعضای گروه که در حوزه تولید محتوا مهارت دارد، نوشتن بخش پیشینه پژوهش را برعهده بگیرد. اصلی‌ترین چالش «نوشتار همه به موازات هم» این است که هر یک از نویسندگان هنگام نوشتن بخش خود نسبت به نوشته دیگر نویسندگان اشراف ندارد، و این می‌تواند منجر به نگارش مطالب حشو و متناقض شود. به‌منظور کاهش این نقیصه «موازی‌نویسی» باید از قبل دقیقاً برنامه‌ریزی شود و طرح کلی نوشتار از چگونگی ارتباط اجزا با یکدیگر تا چشم‌انداز مشترک مخاطب، هدف نگارش متن و همچنین فرآیند رفع اختلافات سبکی در آن مشخص باشد.

«نوشتن همه در واکنش با هم»: وقتی محققان همزمان با هم سندی را خلق می‌کنند که بدون برنامه‌ریزی قبلی و هماهنگی صریح با تغییرات یکدیگر سازگار می‌شوند، آنها از روش «نوشتن همه در واکنش با هم» استفاده می‌کنند. برای مثال، تصور کنید که شما اولین پیش‌نویس یک مقاله را می‌نویسید و همزمان برای همکاران نویسنده خود می‌فرستید تا آن را بررسی کنند و به شما پاسخ دهند. آن‌ها ممکن است به‌طور همزمان مقاله شما را ویرایش کنند و ویرایش‌های آن‌ها ممکن است با یکدیگر و یا با متن شما موافق یا در تضاد باشد. همچنین ممکن است به‌دقت متن را بررسی کنند یا با نگاهی گذرا و سرسری

این نوع نوشتار دارد و باعث می‌شود متن را به‌خوبی درک کنیم. برای مثال، این روش امکان هماهنگی مستقیم کار تقسیم‌شده را فراهم می‌کند. ممکن است این ترتیب هدفمند باشد؛ مثلاً نویسنده اصلی مقدمه را بنویسد، سپس دستیار پژوهشی روش‌ها را بنویسد و پس از آن سومین نفر از گروه نتایج را به‌رشته تحریر درآورد و در هر بخش، نوشته به نویسنده اصلی بازگردد تا او بحث را تکمیل نماید. با این حال در عمل، ترتیب مطالب اغلب به‌صورت تصادفی است و نویسندگان هر زمانی که بتوانند به قسمت‌های مربوط به خود می‌پردازند.

«نوشتن به ترتیب پشت سر هم»: با چالش‌هایی نیز مواجه است: الف) تعامل اجتماعی اندک، ب) عوامل کندکننده مربوط به کار یک نفره، ج) انسجام نداشتن متن به دلیل ناسازگاری ایده‌های مختلف، د) کنترل کیفیت مطالب نوشته شده به صورت تصادفی و سایر موارد از جمله چالش‌هایی است که موجب کاهش انسجام اثر و نگارش می‌شود، و گروه‌ها در جلسات اولیه باید به این چالش‌ها رسیدگی کنند. این جلسات به‌منظور بیان واضح وظایف نوشتن و همچنین بحث پیرامون حوزه‌هایی که بالقوه با هم همپوشانی و یا تعارض دارند، برگزار می‌شود. افزون بر این، توافق درمورد روند اصلی نگارش مهم است و اینکه چگونه این روند می‌خواهد در تمام بخش‌ها ادامه یابد. همچنین رویکرد مشترک برای اصول سبک نوشتار، مانند روایت اول یا سوم شخص در داستان و ساختار وجه معلوم یا مجهول در نوشتار نیز مهم است. انسجام نیز با تعیین یک نویسنده اصلی بهبود می‌یابد؛ او کسی است که بر این ترتیب نظارت می‌کند و مسئولیت یکپارچگی متن را برعهده می‌گیرد. نویسنده اصلی باید اختیار کامل داشته باشد تا بتواند این نقش را با موفقیت به سرانجام برساند.

«نوشتن همه به موازات هم»: به این صورت است که کار نویسندگی را به واحدهای مجزا تقسیم و نویسندگان

به ترتیب توسط اعضای گروه بررسی شود. این بررسی به دو صورت است: اگر برنامه کاری آن‌ها اجازه دهد (هریک به صورت تصادفی) یا در یک ترتیب از پیش برنامه‌ریزی شده (هریک به ترتیب هدفمند) اتفاق می‌افتد. سپس بازبینی‌ها را خود دانشجو به روش «یکی برای همه» انجام می‌دهد و پس از آن هر یک از اعضای گروه نسخه بازبینی شده مربوط به تخصص خود را به دقت بررسی می‌کند؛

یعنی به روش «همه به موازات هم». ممکن است همه اعضای گروه به صورت همزمان، در بخش اسناد گوگل^۱ یا با ارسال تعداد بسیار زیادی ایمیل چکیده را بنویسند که اغلب ساعت‌ها قبل از آخرین فرصت ارائه کنفرانس انجام می‌شود. این روش به کاهش تعداد کلمات و اولویت‌بندی پیام‌های کلیدی کمک می‌کند (روش همه در واکنش). تضمین اینکه همه نویسندگان قادر به استفاده از تکنولوژی‌هایی هستند که از فرآیند اشتراکی حمایت می‌کند بسیار حیاتی است. این پنج روش چارچوبی برای تفکر انتقادی در مورد شیوه‌های نوشتار اشتراکی شما ارائه می‌دهد.

این سؤالات را از خود بپرسید:
• گروه ما از چه روش‌هایی استفاده

از روی آن گذشته باشند. یک مزیت نوشتار اشتراکی به روش «همه در واکنش با هم» این است که این است که همه نویسندگان با بیان روان و خلاقانه خود بر حمایت از کار اجماع نظر داشته باشند. همچنین می‌تواند بحث برانگیز بوده و امکان ظهور معانی نو و غیر منتظره را فراهم کند.

البته در این میان نمی‌توان معایب این‌گونه نوشتار را

نادیده گرفت. مهم‌ترین معایب نوشتار «همه در واکنش» از این قرار است: هماهنگی در این روش محدود است، متن این ظرفیت را دارد که سیری بی‌نظم و آشفته داشته باشد و به دلیل همزمانی در نوشتن، مشکلاتی با نسخه کنترل به وجود آید و برای بیشتر نویسندگان تازه‌کار و غیرحرفه‌ای گروه تجربه‌ای ناخوشایند و پرتلاطم ایجاد کند. از این رو این نوع نوشتار در گروه‌های کوچک و غیر سلسله‌مراتبی بهترین کارایی را دارد؛ گروه‌هایی که همه اعضا در آن برای بیان نظرات و عقاید خود احساس راحتی و امنیت می‌کنند. وقتی چنین شرایطی به وجود آید این روش می‌تواند برای گروه‌های بین‌رشته‌ای روشی قدرتمند باشد که مفاهیم جدید را فراتر از مرزهای تفکر تأدیبی و انضباطی متعارف خلق می‌کنند.

«نوشتار چندروشی یا ترکیبی»: بسیاری از گروه‌های پژوهشی ترکیبی از این روش‌ها را در طول یک طرح نوشتاری به کار می‌برند که به آن «نوشتار چندروشی یا ترکیبی» می‌گویند. به عنوان مثال، یک دانشجوی کارشناسی ارشد ممکن است اولین پیش نویس پژوهش خود را به روش «یکی برای همه» بنویسد که بعدتر

**نوشتن به صورت اشتراکی
می‌تواند بهترین و یا بدترین
حالت نگارش را داشته باشد
در بهترین حالت،
کاری بسیار ارزشمند صورت
می‌گیرد؛ همکاران الهام‌ها
و ایده‌های خود را در مورد آن
نگارش ادبی روی هم می‌گذارند
و با بحث دقیق و متفکرانه
در مورد ایده‌های یکدیگر سطح
نگارش را ارتقا می‌دهند. آن‌ها
بارها متن را بازسازی می‌کنند
و تار و پود آن را به طور دقیق
به هم پیوند می‌دهند.**

می‌کند؟

• آیا روش‌های ما هدفمندند و بر اساس ماهیت گروه و نیازهای پروژه انتخاب شده‌اند، یا تصادفی‌اند؟
• آیا در مورد چگونگی هماهنگ کردن کار با هم گفتگو می‌کنیم یا هر یک به طور ضمنی هر دفعه همان روش را به اجرا درمی‌آوریم؟

1. Google Docs.

کیفی که از روش نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود. فعالیت «مفهوم‌سازی»، ادغام و اولویت‌بندی ایده‌های طوفان فکری را در برمی‌گیرد تا موضوع اصلی نوشتار را بیان کند. بعضی از این ایده‌ها چون خیلی کامل نیستند و به هدف اصلی مطالعه ربطی ندارند، کنار گذاشته می‌شوند. هدف اصلی مطالعه در جریان تحلیل و خوانش پیشینه‌های پژوهش نظری و تجربی مرتبط دنبال می‌شوند. هر گاه مطالعه‌ای

بیش از یک داستان را ایجاد کند، فرآیند مفهوم‌سازی نیز باید ترتیب نوشته‌های مختلف باشد و مخاطبان آن را در نظر گیرد؛ اینکه کدام موضوع باید اول گفته شود؟ و آن موضوع برای چه کسی نقل می‌شود؟

زمانی که داستان مفهوم‌سازی شود، «ترسیم طرح» با جزئیات توضیح می‌دهد که چگونه این داستان در سرتاسر بخش‌های نوشته پژوهشی آشکار می‌شود:

- چه چیزی باید در مقدمه مطرح شود و چه چیزی غیرضروری است و نیازی به بیان شدن ندارد؟
- بخش روش‌ها تا چه اندازه باید به جزئیات بپردازد؟
- کدام نتایج باید ذکر شوند و ترتیب آن‌ها به چه صورت باید باشد؟

- چگونه ایده‌های مطرح شده در مقدمه در بخش بحث و نتیجه‌گیری بسط پیدا می‌کنند؟
- ترسیم طرح، فعالیتی است انفرادی تا کار اشتراکی، با این حال اگر یک نویسنده در ترسیم طرح پیش‌تاز شود، این فرآیند باید برای دیگر اعضا نیز قابل مشاهده باشد. یک راه برای افزایش بهره‌وری فرآیند نوشتن این است که در مورد طرح کلی در گروه گفتگو کنیم و سپس

- آیا ما به گونه‌ای روش‌ها را به کار می‌بریم که قابلیت‌های آن‌ها را به حداکثر و چالش‌هایشان را به حداقل برساند؟
- آیا ما از تکنولوژی برای پشتیبانی از فعالیت‌های اشتراکی به درستی استفاده می‌کنیم؟
- صریح و هدفمند بودن راهبردهای نوشتار اشتراکی به گروه شما کمک می‌کند تا قابلیت‌های منحصر به فرد آن را افزایش و چالش‌هایش را کاهش دهید.

فعالیت‌های نوشتن مشارکتی

نویسندگی اشتراکی کاری بیش از یک نویسندگی است. نویسندگان پژوهشگر، پنج فعالیت اصلی را بیان می‌کنند:

۱. طوفان فکری؛
 ۲. مفهوم‌سازی؛
 ۳. ترسیم طرح؛
 ۴. پیش‌نویس؛
 ۵. مرور، بازنگری و ویرایش.
- در «طوفان فکری»، گروه نویسندگی فهرستی از ایده‌های بالقوه برای نگارش مقاله ارائه می‌کند. آن‌ها از طریق گفتگو موارد زیر را بررسی می‌نمایند:
- چگونه باید یافته‌ها را به بهترین شکل نشان داد؟
 - چه چیزی درباره این یافته‌ها و سؤال تحقیق بیان می‌شود؟

- چه موضوع‌های اصلی برای یک بحث قانع‌کننده ایجاد می‌شود؟
- آن متن چه مباحثی را به پیشینه پژوهش پیوند می‌زند؟
- طوفان فکری زمانی شروع می‌شود که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هنوز در جریان است، به‌ویژه در تحقیق

زمانی که متن اساساً کامل، منسجم و از نظر بلاغی مؤثر شود، ادامه می‌یابد. «ویرایش»، بازبینی‌هایی در سطح خرد است که سبک، دستور زبان و جریان نوشتار را در برمی‌گیرد و ممکن است قسمت‌های کامل‌شده را جداگانه، یا تمام اثر را به صورت یکپارچه فرا بگیرد. ممکن است ویرایش در این سطح فعالیت‌ی باشد که یک نویسنده از گروه آن را به عهده گرفته است تا خوانش نوشتار به نحوی نباشد که گویی چندین نفر آن را نوشته‌اند.

این فعالیت‌های نوشتار اشتراکی پویا و تکراری هستند. گاهی موضوع اصلی پس از یک نوبت مرور اصولی، نیاز به بازبینی دارد. مرور ممکن است به بازنگری تبدیل شود یا ممکن است بعضی قسمت‌های تکمیل‌شده ویرایش شوند، در حالی که بقیه قسمت‌ها همچنان در حال بررسی می‌باشند. به همین دلیل، همکاری موفق مستلزم پرورش درکی مشترک است از اینکه کدام فعالیت در هر زمان به عهده گرفته می‌شود. آیا طوفان فکری شما تمام شده است؟ روی یک مفهوم‌سازی توافق شده و اکنون برای طرح کلی نوشتار آماده است؟ اگر یک نویسنده چنین فکر کند ولی نویسنده دیگر همچنان در حالت طوفان فکری به سر ببرد، این رویداد می‌تواند مانع پیشرفت شود. آیا برخی از نویسندگان در سطح ویرایش خرد، بازخورد مرور خود را ارائه می‌دهند، در حالی که دیگر نویسندگان با مفهوم‌سازی داستان در پیش‌نویس دست و پنجه نرم می‌کنند؟ آیا مرور یک پیش‌نویس «یکی برای همه» به بازنگری «همه در واکنش با هم» تبدیل می‌شود؟ سخن گفتن از فعالیت‌های گوناگونی که در نویسندگی اشتراکی درگیر هستند، می‌تواند به تشخیص و رفع چنین سوگیری‌های مختلفی نسبت به کار کمک کند و به خاطر داشته باشید که این فعالیت‌ها «خنی» نیستند. آن‌ها در شرایط پویایی بین‌فردی در گروه پژوهشی رخ می‌دهند. همکاران هنگامی که با فعالیت‌های

آن طرح را که نویسنده اصلی خلق کرده، مرور نماییم. در تهیه «پیش‌نویس»، بخش‌های مطرح شده به جملات، پاراگراف‌ها و استدلال‌ها تبدیل می‌شوند. در زمان ایجاد یک برنامه واقعی برای این فعالیت به نظر می‌رسد این طرح است که تمام نوشتار را می‌چیند، ولی از اهمیت جزئیات نباید غافل شد:

• آیا پیشینه پژوهش به ترتیب زمانی نوشته شده یا بر اساس نقطه نظرات موجود در گفتگوی علمی حاضر بیان شده است؟

• چارچوب نظری چه مقدار باید در مقدمه ارائه شود؟
• روش‌ها چقدر باید دقیق باشند و توازن مناسب بین توصیف و توجیه چیست؟

• نتایج اصلی چگونه باید توضیح داده شود؟
• کدام داده‌ها باید به صورت جدول، شکل، ترسیم و بیان نقل قول ظاهر شوند؟

• چگونه خط اصلی داستان و رای خلاصه نتایج و محدودیت‌ها در بخش بحث، بسط داده می‌شود؟

در حقیقت زمانی که پیچیدگی نوشتاری پیش‌نویس اولیه را تصدیق می‌کنید، به این نکته پی‌می‌برید که قطعه‌قطعه نوشتن بخش‌های متن معقول‌تر به نظر می‌رسد. به عنوان مثال روش‌ها و نتایج جفت‌سازی و همچنین مقدمه و بحث را در نظر بگیرید، این بخش‌ها به ترتیب سیر مطالعه و نوشتار را بیان می‌کنند.

«مرور، بازنگری و ویرایش» معمولاً به صورت چرخه‌ای رخ می‌دهند. در بخش مرور، تمام اعضا پیش‌نویس مطالب را می‌خوانند و بازخورد خود را شفاهی، از طریق ایمیل یا در خود متن به صورت کامنت ارائه می‌دهند. در حالت ایده‌آل، «مرور»، فعالیت‌ی هدایت شده است که در آن از اعضای گروه خواسته می‌شود تا در فرآیند نوشتن در نقاط مشخص روی مسائل خاص تمرکز کنند. «بازنگری»، بررسی دقیق، اولویت‌بندی و ادغام بازخورد اعضای گروه نسبت به نوشته است. چرخه‌های مرور و بازنگری تا

بیاید، آن‌ها زمان‌های خاصی برای مرور تصمیمات قبلی و شاید مفهوم‌سازی مجدد تعیین می‌کنند. به هر حال، وقتی چنین اتفاقی به این دلیل رخ می‌دهد که بعضی از همکاران از فعالیت‌های قبلی آگاهی ندارند، ممکن است موجب ناامیدی آنان شود و یا به روند پژوهش آسیب رساند.

نتیجه‌گیری

به‌منظور اینکه همکاری پژوهشی شما در نویسندگی مشارکتی به اوج موفقیت خود برسد، لازم است «نوشتن» را به فعالیت‌های تشکیل‌دهنده آن تقسیم کنید و برای هماهنگی در مورد استفاده از راهبردها با هم به توافق برسید. ■

منابع

1. Bennett LM, Gadlin H, Levine_Finley S. Collaboration and teamscience: afieldguide.
2. Bethesda: «ational Institutesof». Health. 2010. 2. Berndt AE. Developing collaborative research agreements. JEmergNurs. 2011; 37:497 – 8. 3. Lowry PB, Curtis A.
3. Lowry MR Building a taxonomy and nomenclature of collaborative writing to improve interdisciplinary research and practice. J Bus Commun. 2004;41:66–99.
4. Ede L, Lunsford A. Singular texts / plural authors: perspectives on collaborative writing. Carbondale, IL: Southern. Illinois: UniversityPress; 1990.
5. Sharples M, Pemberton L. "Representing writing: external representations and the writing process". In: Holt P, WilliamsN, editors. Computers andwriting: state of the art. Oxford.UK: Intellect. : KluwerAcademic; 1992.
6. Lingard L. Does your discussion realize its potential? PerspectMedEduc. 2017; 6:344 – 6.
7. Lingard L, Watling C. It's a story, not a study: writing an effective researchpaper. AcadMed 2016; 91: e12.
8. Larsen_Ledet I, Korsgaard H. Territorial functioning in collaborative writing: fragmented exchanges and common outcomes. Comput Supported Coop Work. 2019; 28:391–433.

مختلف مربوط به نویسندگی کار می‌کنند، حوزه فکری را علامت‌گذاری می‌کنند، مدعی آن می‌شوند و از این حوزه دفاع می‌نمایند و همچنین آن را مجدد ترسیم می‌کنند. توجه به قانون قلمروخواهی در سرتاسر فرآیند نوشتن می‌تواند به شما کمک کند تا به جای منحرف شدن از مسیر اصلی روی نقاط تنش تمرکز کنید که خود موجب می‌شود تا فرصت بهتری برای ایجاد تفکری نافذ به دست آید.

این هفت فعالیت بسته به نوع طرح نوشتار، تأکید و توجه گوناگونی را دریافت می‌کنند. بعضی از نتایج که صریحاً موضوع اصلی را تعیین می‌کنند، نیاز به ایجاد طوفان فکری را کم‌رنگ می‌نمایند. برخی از مفهوم‌سازی‌ها آنقدر دقیق‌اند که با وجود آن‌ها می‌توان طرح کلی را جزئی‌تر بیان کرد. بعضی از نویسندگان همان‌طور که پیش می‌روند، ویرایش نیز می‌کنند که باعث می‌شود آن ویرایش در انتها خیلی مفصل نباشد. ارزش شناخت این فعالیت‌ها این است که در مورد فرآیند طرح‌های خود تأمل کنید:

• آیا گروه نویسندگی تمایل دارد از برخی از این مراحل مانند «ترسیم طرح» چشم‌پوشی کند؟ و چه تأثیری دارد؟

• آیا بعضی از اعضای گروه نویسندگی (نه همه آن‌ها) برای انجام برخی از فعالیت‌ها مانند «مرور» تعهد دارند؟

در هر گروه یک نویسنده عمدتاً درگیر همه فعالیت‌ها نمی‌شود. اما درجاتی از مشارکت در همه فعالیت‌های نویسندگی، همکاری رضایت‌بخش و مؤثرتری را به وجود می‌آورد. مثلاً اعضای گروهی که فعالیت‌های طوفان فکری و مفهوم‌سازی را انجام نمی‌دهند ممکن است به‌اشتباه در بخش مرور و بازنگری پیش‌نویس‌های خود، موضوع اصلی نوشتار را بیان کنند، در حالی که گروه قصد داشته در نوشتاری دیگر در مورد آن بحث کند. وقتی چنین تنش‌هایی در نویسندگی میان همکارانی که در همه فعالیت‌ها مشارکت دارند پیش

یکی از ارکان اصلی و مهم اندیشکده ادبیات‌پایداری، گروه‌های تخصصی هستند. طبق ماده ۸ اساسنامه این اندیشکده، گروه‌های مرجع عبارتند از:

- ادبیات انقلاب اسلامی
- ادبیات دفاع مقدس
- ادبیات مقاومت بین‌الملل (ادبیات بیداری)
- مطالعات بینارشته‌ای ادبیات‌پایداری.

کارگروه‌های تخصصی به عنوان اتاق فکر هر گروه و بازوان علمی اندیشکده، حلقه ارتباطی بین اندیشکده ادبیات‌پایداری با صاحب‌نظران، اهالی دانش و متخصصین دانشگاهی این حوزه و راهی برای گره خوردن بین علم و تجربه، مهارت و تخصص به شمار می‌روند.

سه تن از صاحب‌نظران متخصص و صاحب تجربه حوزه ادبیات‌پایداری به عنوان عضو ثابت هر کارگروه به مدت یک سال انتخاب می‌شوند و این اعضا به طور منظم در جلسات هم‌اندیشی کارگروه مشارکت می‌کنند. مدیر هر یک از گروه‌های چهارگانه وظیفه دبیری جلسات کارگروه‌ها را برعهده دارد.

برخی از اهداف تشکیل کارگروه‌ها حول پنج محور اصلی اقدامات بنیادین، شناسایی وضعیت موجود، پژوهش، آموزش و سیاست‌گذاری، به شرح زیر است: فراهم کردن بستری مناسب برای ارائه ایده‌های جدید، تولید علم و نظریه‌پردازی، انجام پژوهش‌های مرجع و بنیادین، تکمیل و پیگیری کاستی‌ها، پاسخ‌گویی به نیازهای موجود جامعه، جریان‌سازی و جریان‌شناسی، درهم تنیده شدن بیش از پیش تجارب کاری با یادگیری آموزش عالی، شناسایی اولویت‌ها و ضرورت‌های پژوهشی در حوزه ادبیات‌پایداری، ایجاد ارتباط و تعامل اندیشکده با سایر مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاهی به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، توانمندسازی نیروی انسانی و هم‌افزایی سازمان‌ها به منظور تولید علم.

در ادامه به معرفی اعضا و شرح اجمالی فعالیت‌های سه کارگروه فعال از گروه‌های مرجع در سالی که گذشت^۱، می‌پردازیم:

گروه مرجع ادبیات انقلاب اسلامی

منظور از ادبیات انقلاب اسلامی مجموعه آثاری است که با زبان و بیانی هنرمندانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به باورها، هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، شخصیت‌ها و رخداد‌های انقلاب اسلامی در بازه زمانی شکل‌گیری انقلاب اسلامی (سال ۱۳۴۲) تاکنون، به ویژه از زمان اوج‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی

معرفی کارگروه‌های اندیشه‌ورز اندیشکده ادبیات پایداری

۱. تا پایان بهمن ۱۴۰۱.

جامعه ایران در ماه‌های اخیر مطرح شد، نشستی با سخنرانی رضا اسماعیلی با عنوان «شعر اعتراض» در ۲۸ آذر ۱۴۰۱ برگزار گردید. در این نشست محمدرضا سنگری و علی داودی نیز به طرح مباحثی دربارهٔ این موضوع پرداختند.^۱

گروه مرجع ادبیات دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس مجموعه آثار ادبی منتشر شده با موضوع و مضمون دفاع مقدس را از شروع جنگ تاکنون دربرمی‌گیرد. دفاع مقدس به‌عنوان مهم‌ترین واقعه دوران معاصر، یکی از موضوع‌هایی است که در همهٔ شاخه‌های ادبی به آن پرداخته شده است. شناسایی آن چه تاکنون به‌عنوان ادبیات دفاع مقدس شکل گرفته، مشخص کردن جایگاه کنونی ادبیات دفاع مقدس و تلاش برای روشن کردن مسیر پیش رو، از مسئولیت‌های گروه ادبیات دفاع مقدس است.

اعضای فعلی کارگروه ادبیات دفاع مقدس عبارتند از:

• **زهرا قاسمی:** دبیر کارگروه ادبیات دفاع مقدس، کارشناسی ارشد ادبیات پایداری؛

• **علی داودی:** دکتری زبان و ادبیات فارسی، شاعر، مدیر دفتر شعر حوزه هنری؛

• **مهدی سعیدی:** دکتری زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، متخصص در حوزه ادبیات داستانی؛

• **محبوبه شمشی‌گرها:** دکتری زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، متخصص در حوزه اطلاع‌شناسی؛

آنچه در جلسات این کارگروه مطرح شده، علاوه بر تعیین خط مشی کارگروه، بیشتر حول اندیشه‌نامه و بررسی مسائل کلی حوزه ادبیات پایداری بوده است. مسئله آسیب‌شناسی ادبیات پایداری، شناخت وضعیت

۱. گزارش این نشست در همین شماره نشریه آمده است.

در سال ۱۳۵۷ پرداخته‌اند. این گستره، همه آثار منظوم و منثور متناظر با گفتمان انقلاب، در داخل و خارج از ایران را دربرمی‌گیرد. عرصه ادبیات انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون حوزه‌های موضوعی متعدد و متنوعی را پشت سر گذاشته است که شاخص‌ترین آن‌ها ادبیات عصر تکوین تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، ادبیات جنگ و دفاع مقدس، ادبیات پساانقلاب، ادبیات مدافعان حرم و... است.

اعضای فعلی کارگروه ادبیات انقلاب اسلامی عبارتند از:

• **فاطمه سنگری:** دبیر کارگروه مرجع ادبیات انقلاب اسلامی، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

• **رضا اسماعیلی:** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، شاعر، پژوهشگر، مدرس و منتقد ادبی؛

• **کامران پارسی‌نژاد:** کارشناسی زبان انگلیسی، داستان‌نویس، پژوهشگر و منتقد ادبی؛

• **رضایات:** دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر، شاعر و مدرس دانشگاه.

در جلسات این کارگروه موضوعاتی چون «وضعیت‌سنجی حوزه ادبیات انقلاب اسلامی»، «شناسایی مسئله‌ها و نیازها»، «تعیین حد و مرز و تعریف ادبیات انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب»، «واکنش نسبت به اتفاقات روز ادبی در بستر ادبیات انقلاب اسلامی»، «حمایت‌های علمی اندیشکده از دانشجویان گرایش ادبیات پایداری»، «استفاده از فرصت فضای مجازی برای اطلاع‌رسانی گسترده از تولیدات اندیشکده»، «توجه به نسل شاعران و نویسندگان برجسته انقلاب که در حال از دست دادن آن‌ها هستیم و فوریت زمانی این کار»، «شناسایی و بررسی آثار، افکار و دیدگاه‌های چهره‌های برجسته انقلاب در قالب یک طرح منسجم و منظم» مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین در این جلسات ضرورت واکنش اندیشکده نسبت به جریان‌ات اعتراضی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ مطرح شد. از این رو، با توجه به دغدغه‌ای که نسبت به فضای ادبیات امروز و به‌ویژه شعر اعتراض در فضای سیاسی و اجتماعی

محورهای مورد توجه و بحث در جلسات این کارگروه موارد زیر بوده است:

• تعریف و چارچوب وظایف کارگروه: انجام کارهای

مطالعاتی و و مرجع، تهیه و تدوین کتب درسی دانشگاهی، استفاده از ظرفیت‌ها و مشخص کردن مسیرفعالیت‌ها توسط کارگروه، تعریف چشم‌انداز کارگروه، چگونگی مسئله‌یابی، توجه به امر پژوهش و تولید.

• مسئله‌های حوزه مطالعات بینارشته‌ای ادبیات

پایداری: تعریف اصطلاحات و مفاهیم ادبیات‌پایداری با توجه به پیشینه تجربی و پژوهشی، روایت‌شناسی، انجام مطالعات تطبیقی، تاریخ شفاهی شکل‌گیری ادبیات‌پایداری در حوزه هنری، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ادبیات‌پایداری، بررسی چندآوایی نبودن شخصیت‌ها در کتاب‌های ادبیات‌پایداری به‌ویژه در رمان، بررسی مفهوم مرگ در ادبیات‌پایداری و سایر موارد.

• **آسیب‌شناسی:** آسیب‌شناسی شخصیت و هویت، کمبود اندیشه‌ورز علاقه‌مند به حوزه مطالعات بینارشته‌ای ادبیات‌پایداری، ضعف روش تحقیق در انجام پژوهش‌های این حوزه، شناسایی نقاط ضعف، انجام نیازسنجی، آسیب‌شناسی ترجمه پدیده‌های فرهنگی ادبیات‌پایداری و در واقع جهانی‌سازی ادبیات‌پایداری ایران.

• **راهکارها:** ایجاد فضای نقد همراه با پذیرش و انعطاف‌پذیری بیشتر، تربیت نیروی انسانی، آینده‌پژوهی، توجه به ترجمه آثار خوب، توجه به طنز در ادبیات‌پایداری، حمایت از پایان‌نامه‌های برتر به لحاظ علمی و مسئله‌شناسی.

لازم به ذکر است که در جریان فعالیت‌های اندیشکده ادبیات‌پایداری، پس از برگزاری هر جلسه کارگروه، نتایج و دستاوردهای بحث‌های صورت‌گرفته درباره شناسایی مسائل و نیازها در جلسات شورای علمی اندیشکده مطرح می‌شود و متناسب با این دستاوردها و نتایج به اجرای طرح‌های پژوهشی، برگزاری نشست و سایر موارد پرداخته خواهد شد. ■

موجود ادبیات دفاع مقدس و تعیین اولویت‌ها در این حوزه دغدغه اعضای این کارگروه است.

گروه مرجع مطالعات بینارشته‌ای ادبیات‌پایداری

مطالعات بینارشته‌ای، یکی از ابزارهای مهم در رشد و توسعه علوم انسانی به‌ویژه در حوزه ادبیات‌پایداری است که اگر به‌درستی صورت گیرد، به هم‌افزایی علمی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط در علوم انسانی، ارتقای توانمندی علمی پژوهشگران و دانشجویان و همچنین کاربردی‌تر شدن حوزه ادبیات‌پایداری و تولید دانش بومی منجر می‌شود. روشن است که ادبیات‌آئینه تمام‌نمای فرهنگ، هویت، تفکرات، اندیشه‌ها و باورهای یک ملت است و فرهنگ و تمدن هر ملت با همه تحولات سیاسی و اجتماعی خود در ادبیات انعکاس می‌یابد. بنابراین بستر مطالعاتی مناسبی برای مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات با رشته‌های علوم اجتماعی، تاریخ، روانشناسی، هنر و معماری، مطالعات فرهنگی، روانشناسی و... وجود دارد.

اعضای فعلی کارگروه مطالعات بینارشته‌ای ادبیات‌پایداری به شرح زیر است:

• **لیلا باقری:** دبیر کارگروه مطالعات بینارشته‌ای ادبیات‌پایداری؛ دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی؛

• **ابوالفضل حری:** دکتری زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبائی، عضو هیئت علمی دانشگاه اراک، متخصص در حوزه‌های ادبیات تطبیقی، روایت، نظریه و نقد ادبی، مطالعات فیلم و سینما و مطالعات قرآنی؛

• **مسعود کوثری:** دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، متخصص در حوزه‌های مطالعات بینارشته‌ای جنگ، مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ارتباطات و رسانه؛

• **مرتضی گودرزی دیباج:** دکتری فلسفه هنر از دانشگاه مرکزی انگلیس در بیرمنگام، مدرس دانشگاه، متخصص در حوزه‌های هنر انقلاب، هنر‌پایداری، تاریخ تطبیقی هنر.

گزارش نشست

بررسی وجوه افتراق و اشتراک ادبیات داستانی دفاع مقدس و ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم

گروه مرجع ادبیات دفاع مقدس



دوم» بود. دکتر محمد حنیف، رمان‌نویس و پژوهشگر عرصه ادبیات داستانی، در این نشست وجوه اشتراک و افتراق این دو دوره را مورد بررسی قرار داد. دکتر محمد حنیف، متولد ۱۳۳۹ ش. در بروجرد و دارای دکترای تاریخ است. وی به رمان‌نویسی علاقه

اولین نشست تخصصی گروه ادبیات دفاع مقدس اندیشه‌شناسی ادبیات پایداری، روز سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۱ ش. در حوزه هنری، سالن صفارزاده از ساعت ۱۴ تا ۱۶ برگزار شد. موضوع این نشست «وجوه افتراق و اشتراک ادبیات داستانی دفاع مقدس با ادبیات داستانی دوره پهلوی

• ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، به صورت مستقل از ادبیات انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده است.

وجوه افتراق و اشتراک

ادبیات داستانی دفاع مقدس و دوره پهلوی دوم

ویژگی‌های ادبیات داستانی دوره پس از انقلاب اسلامی
ادبیات داستانی دوره پس از انقلاب اسلامی، دارای شاخص‌هایی از جمله: صبغه دینی و بومی، نزدیکی به سطح زندگی عامه، ورود واژگانی از جمله آزادی، استقلال، ایمان، اسلام، شهادت، ایثار، قیام، شرافت و کرامت انسانی، مبارزه، تعهد، مردانگی، مقاومت، ستم‌ستیزی، جانبازی، بسیج، ولایت، شهید، برابری، عدالت، رشادت و حماسه است که تا پیش از آن کمتر بدان توجه شده بود.

برخی آثار شاخص در حوزه ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس، در جایگاه خود به سه گروه زیر تقسیم می‌شود:

- رمان‌هایی که به ابعاد مختلف دفاع مقدس پرداخته‌اند که کتاب نخل‌های بی‌سر^۱ نخستین اثر در این گروه است.
- رمان‌های انتقادی که می‌توان از آن‌ها به عنوان آثار «دوره گذار» یاد کرد. به عبارتی این آثار نه کاملاً ضد جنگ بودند و نه دفاع مقدس را رد و یا ترویج می‌کردند. نویسندگان این دوره، از حماسه‌پردازی به سمت پلشتی‌های جنگ رفته‌اند. کتاب‌های باغ بلور^۲، ریشه در اعماق^۳، خانه سفید^۴، من قاتل پسران هستم^۵ از این دست است.
- رمان‌های پیشرو که در ویژگی‌های فنی دارای برتری است. بعضی آثار در این حوزه از شکل واقع‌گرایانه خطی بیرون آمده و به سمت پیچیدگی در قالب روی آورده‌اند.

۱. نخل‌های بی‌سر، قاسمعلی فراست، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۲. باغ بلور، محسن مخملباف، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۶۵ ش.
۳. ریشه در اعماق، ابراهیم حسن‌بیگی، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۷۳ ش.
۴. خانه سفید، یعقوب آژند، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵. من قاتل پسران هستم، احمد دهقان، تهران: افق، ۱۳۸۳ ش.

دارد و در کنار آن به پژوهش و فعالیت‌های اجرایی نیز می‌پردازد. بیشتر پژوهش‌ها و داستان‌های وی در زمینه ادبیات عامیانه، اجتماعی و دفاع مقدس است. او داستان را تابعی از شرایط اجتماعی می‌داند.

یکی از ضرورت‌های بررسی‌های ادبی، شناخت انواع ادبی است. در ادبیات دفاع مقدس هم شناخت انواع و دسته‌بندی آن‌ها، یکی از مسائل این حوزه است. اندیشکده برای پرداختن به ادبیات داستانی دفاع مقدس به عنوان یک نوع از انواع ادبی، پیشینه‌شناسی این کار را در اولویت قرار داده است. ویژگی‌هایی در ادبیات داستانی دفاع مقدس وجود دارد که آن را با دوره‌های دیگر متفاوت می‌کند، البته اشتراکاتی هم بین ادبیات داستانی دفاع مقدس با دوره‌های قبل از آن به‌ویژه دوره پهلوی دوم وجود دارد. بررسی و شناخت این وجوه اشتراک و افتراق ادبیات داستانی دفاع مقدس با ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم، بخشی از پیشینه این نوع ادبی را مشخص خواهد کرد. آنچه در این نشست بدان پرداخته شده مختصری از پژوهش‌ها و دانسته‌های دکتر حنیف درباره ادبیات دفاع مقدس و دوره پهلوی دوم است. این مبحث دست‌مایه پژوهش‌های آینده گروه دفاع مقدس خواهد بود.

مباحث این نشست ذیل دو محور اصلی بررسی شده است:

۱. وجوه افتراق و اشتراک ادبیات داستانی دوره دفاع مقدس و ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم.
۲. مشخصه‌های ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس.

دکتر حنیف در آغاز بحث به دو نکته ضروری اشاره کردند:

- در بیان مطالب، تفاوتی بین ادبیات جنگ و دفاع مقدس قائل نشده و هر دو را از یک منظر نگریسته است.



کتاب‌های گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند^۱ و دل دادگی^۲ از جمله این آثار هستند.

ویژگی‌های ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم

ویژگی اصلی و شاخص این دوره خلق شاهکارهای ادبیات داستانی است. این شاهکارهای ادبی در دهه ۴۰ و نیمه دهه ۵۰، در شرایط فشار سیاسی و خفقان شدید، نوشته و منتشر شده‌اند. خلق این آثار شاخص محصول شرایط و عواملی است که از جمله آن‌ها به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- بلوغ فکری داستان‌نویسان و تجربه‌اندوزی در سال‌های گذشته؛
- ایجاد ممنوعیت و سانسور در مباحث سیاسی و محدودیت کمتر در مباحث اعتقادی و فکری؛
- شناخت کافی نویسندگان نسبت به قالب‌های نوظهور و سیر تاریخی این دوره؛
- آشنایی نویسندگان ایرانی با سبک‌های مختلف داستان‌نویسی و داستان‌های قوی از طریق ترجمه آثار غربیان؛
- تأثیر ادبیات مارکسیستی بر ادبیات داستانی آن دوره و غنای داستان‌ها و اقبال به مسائل اجتماعی.

الف) وجوه اشتراک و افتراق سیاسی و اجتماعی

در داستان‌نویسی دوره پهلوی دوم، دو دوره تاریخی مهم وجود دارد که در آثار داستانی این دوره به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مؤثر بوده است. این دو دوره عبارتند از:

۱. از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ ش که تا حدودی آزادی سیاسی در ایران برقرار شده است که در نهایت منجر به واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد.
۲. بعد از سال ۱۳۴۲ ش. که آغاز دوره خفقان

است و در کنار آن توسعه اجتماعی، اقتصادی، گسترش روابط با غرب، رشد شهرها، تضعیف عشایر و روستاها وجود دارد.

همچنان که در دوره دفاع مقدس، موضوع جنگ ایران و عراق تأثیر اساسی بر داستان‌های این دوره داشته است.

از وجوه مشترک این دو دوره می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد از جمله: رشد و گسترش شهرنشینی، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و در نتیجه زیاد شدن افرادی که توانایی خواندن کتاب را داشتند.

ب) وجوه اشتراک و افتراق فرهنگی

در دوره پهلوی دوم، گرایش به غرب رواج پیدا کرد اما در

۱. گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند، حسن بنی‌عامری، تهران: صریح، ۱۳۷۶.
۲. دل دادگی، شهریار مندنی‌پور تهران: علم، ۱۳۹۹ ش.

دفاع مقدس در روستا است اما اغلب آثار بدین گونه نبوده است.

در دوره پهلوی دوم اثری مانند: شازده احتجاب^۶ که ذاتاً ضد اشرافیت قاجار بود، مجوز می‌گیرد؛ روح زمانه در این دوره، به طور طبیعی به دلایل مختلف به دنبال سادگی است. سال‌های اول انقلاب مردم و مسئولین سادگی را دوست داشتند. به تدریج با انتشار کتاب بامداد خمار^۷، اثری ارزنده و مورد پسند میان عوام و خواص، آغازی بر تجمل‌گرایی در ادبیات داستانی شد. در این کتاب یک کارگر نجار تحقیر و اشراف‌زاده‌ای محق جلوه داده شده است.

دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی نویسنده‌های توانا بخصوص نویسنده‌های چپ، شروع به نوشتن کردند. جریان‌های چپ سبب رشد ویژه‌ای در ادبیات داستانی شدند و جامعه را به شدت به سمت جریان‌های نو داستانی با مفاهیم مخصوص به خود، بردند. بسیاری از نویسنده‌ها، آنچه را که در زمانه خود می‌بینند، منعکس می‌کنند. کتاب قلعه حیوانات^۸ از این جمله است. در ایران نیز کتاب سرگذشت کندوها^۹ به فضای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. می‌پردازد. ایدئولوژی مثل سایه، اثر ادبی را دنبال می‌کند. کتابی مانند سووشون^{۱۰} یک شاهکار در دهه ۴۰ به حساب می‌آید.

د) وجوه اشتراک و افتراق جریان‌های فکری

از جمله جریان‌های فکری غالب دوره پهلوی دوم یک دسته جریان‌های فکری سازمان نیافته هستند؛ اندیشه سنت‌ستیزی و تجددخواهی، اندیشه مبارزه مسلحانه، اندیشه قدرت‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه روستایی

دوره بعد از انقلاب و دفاع مقدس حکومت و مردم از غرب ابراز بی‌زاری می‌کردند. این بی‌زاری کم‌کم در حکومت شدت گرفت اما در بین مردم به خصوص روشن‌فکرها گرایش به غرب پیدا شد.

در دوره پهلوی دوم، بسیاری از روشنفکران نگاه سوسیالیستی داشتند و آثارشان در زمره ادبیات متعهد قرار نمی‌گرفت. در این دوره، طبقه متوسط جامعه روند رو به رشدی پیدا کرد و آن‌هایی که توان خرید کتاب داشتند، کتاب‌خوان شدند و یا حتی خودشان دست به تألیف زدند اما در دوره دفاع مقدس کتاب‌های مورد پسند طبقه متوسط، عموماً کتاب‌های عامه‌پسند بود.

ج) وجوه اشتراک و افتراق محتوایی

شاید بتوان گفت در آغاز هر دو دوره تاریخی بیشتر آثار واقع‌گرایانه است. به ویژه در دوره دفاع مقدس اغلب آثار از کتاب‌هایی مانند زمین سوخته^۱ و اسماعیل اسماعیل^۲ تا آثار دیگری که نوشته شد، عموماً واقع‌گرایانه بود. اما بعدها آثار غیر واقع‌گرایانه بیشتر شد.

در هر دو دوره، تنوع ساختاری و مضمونی به چشم می‌خورد و هر دو دوره را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های خلق و انتشار ادبیات داستانی ایران به حساب آورد.

در دوره پهلوی دوم، ادبیات داستانی روستایی و کارگری تقویت شد و جایگاه خاصی پیدا کرد اما پس از انقلاب اسلامی به ادبیات داستانی روستایی و کارگری توجه کمتری شد. آثاری مانند: عریان در برابر باد^۳ از جمله ادبیات روستایی است. کتاب‌های وقتی که دود جنگ در آسمان دهکده دیده شد^۴ و زخم شیر^۵ جزو آثار حوزه

۱. زمین سوخته، احمد محمود، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱ ش.

۲. اسماعیل اسماعیل، محمود گلایدره‌ای، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۰ ش.

۳. عریان در برابر باد، احمد شاکری، تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۸۰ ش.

۴. وقتی که دود جنگ در آسمان دهکده دیده شد، قاضی ریحاوی، انتشارات پاشار، ۱۳۵۹ ش.

۵. زخم شیر، صمد طاهری، تهران: نیماژ، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.

۶. شازده احتجاب، هوشنگ گلشیری، تهران: کتاب زمان، ۱۳۴۷ ش.

۷. بامداد خمار، فتانه حاج سیدجوادی، تهران: البرز، ۱۳۷۴ ش.

۸. قلعه حیوانات، جرج اورول، سکر و وارپورگ، ۱۹۴۵ م.

۹. سرگذشت کندوها، جلال آل احمد، ۱۳۳۳ ش.

۱۰. سووشون، سیمین دانشور، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸ ش.

خودسوزی یک رزمنده یا فرزند جانباز. جدول ۱ فراز و فرودهای ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس را در سال‌های اولیه جنگ و سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

عدم اقبال نویسندگان به تألیف در حوزه جنگ و دفاع مقدس

اختلاف نظر در حوزه جنگ / دفاع مقدس و مؤاخذه شدن نگاه‌های متفاوت یکی از دلایل اصلی عدم رغبت نویسندگان به نوشتن در این حوزه است. نگاه نویسنده، در داستان نویسی تعیین‌کننده است. نگاه‌های متفاوت، از منظر متولیان، مورد پرسش و مؤاخذه قرار می‌گیرد و در این شرایط، نویسنده به دنبال موضوعی است که بتواند از نگاه خود آن بدان بپردازد. برخی عوامل مؤثر دیگر در این زمینه عبارتند از:

- عدم شناخت و نگاه تازه به جنگ و پیامدهای آن؛
 - عدم وجود آزادی در نوشتن؛
 - تفاوت تعریف رسمی و دولتی از جنگ / دفاع مقدس با تعریف امروزی نویسندگان؛
 - نگاه بخشنده‌ای به جنگ و کم‌توجهی به قرائت‌های غیررسمی.
- در پایان این نشست برای آشنایی با هر دوره، کتاب‌های داستانی معرفی شدند.
- راه‌های سرزمین من، ۴ ج، رضا برهانی، تهران: مغان، ۱۳۶۶ ش.
 - سال‌های اجبری، ۴ ج، علی اشرف درویشیان، تهران: چشمه، ۱۳۷۰ ش.
 - سپیده دم ایرانی، امیرحسین چهل‌تن، تهران: نگاه، ۱۳۷۸ ش.
 - اهل غرق، منیرورانی‌پور، تهران: خانه آفتاب، ۱۳۶۸ ش.
 - لم یزرع، محمدرضا بایرامی، تهران: نیستان، ۱۳۹۴ ش.
 - سفر به گرای ۲۷۰ درجه، احمد دهقان، تهران: صریح، ۱۳۷۵ ش.

و گرایش به رئالیسم سوسیالیستی، اندیشه قدرت‌ستیزی در جامعه شهری، اندیشه دینی سازمان‌یافته که در آثار نویسندگانی از جمله: غلامرضا امامی، محمود حکیمی، محمدرضا سرشار، رحماندوست و قاسمعلی فراس‌ت به چشم می‌خورد. اندیشه مارکسیستی به شکل سازمان‌یافته در این دوران در جریان است.

اما بعد از انقلاب اسلامی، جریان‌های فکری غالب در آثار، مذهب، بومی‌گرایی، اخلاقی، و مفاهیم تازه‌ای مانند: ایثار، شهادت، جانباز، آزاده و... است. این مفاهیم تازه در جریان‌های فکری، برای اولین بار بعد از انقلاب و با وقوع جنگ تحمیلی وارد ادبیات داستانی ما شد. به عبارت دیگر باید گفت وجوه افتراقی جریان‌های غالب در هر دو دوره، بیشتر از اشتراکات آن است.

مشخصه‌های ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس

دوره‌های ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس

ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

- **دهه اول:** دهه آرمان‌گرایی: بیشتر آثار این دوره حماسی است.
- **دهه دوم:** دهه صداهای تازه.
- **دهه سوم:** دهه تنوع در ساختار و موضوع، نقد گذشته.
- **دهه چهارم:** دهه مردم‌گرایی، درون‌گرایی، سیاه‌بینی، عصبان و پوچگرایی؛ بسیاری از بهترین آثار دفاع مقدس که در این دهه منتشر شده‌اند، توسط ناشران وابسته به حاکمیت است. از آثار ادبی ارزنده با نگاه انسانی به مقوله جنگ، می‌توان به آثار داستانی «مجید پورولی کلشتری» اشاره کرد.

نویسنده، اثر ادبی و جامعه سه ضلع یک مثلث هستند. نویسنده از جامعه الگو می‌گیرد و جامعه به آن خط می‌دهد و بر شکل‌گیری اثر ادبی تأثیر می‌گذارد. نویسنده دهه اول، حماسه‌ها را می‌بیند، اما نویسنده دهه سوم تصاویر متفاوتی دریافت می‌کند؛ از جمله

جدول ۱: فراز و فرودهای ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس و ویژگی‌های آن

سال‌های اولیه جنگ	سال‌های اخیر
حجم کم	حجم زیاد
توجه ویژه به جنبه‌های حماسی جنگ	توجه و استفاده از سبک‌های مختلف داستان‌نویسی
توجه بسیار کم به جنبه‌های سیاه جنگ	توجه به مسائل انسانی جنگ و نشان دادن مصائب جنگ
زبان ساده	تنوع واژگانی و گرایش به طنز، ارتقاء دایرهٔ واژگان تحت تأثیر گسترش وسایل ارتباط جمعی
توجه ویژه به واقع‌گرایی	استفاده بیشتر از فضاهای تخیلی و فانتزی
مردانه بودن عرصهٔ نویسندگی	ورود زنان داستان‌نویس به عرصهٔ رمان نوجوان جنگ و دفاع مقدس
مذکر بودن شخصیت اصلی اکثر داستان‌ها	قرارگرفتن بانوان در زمرهٔ شخصیت‌های اصلی داستان
محدود بودن زمان داستان‌ها در زمان وقوع جنگ	متنوع شدن زمان داستان‌ها
محدود بودن مکان داستان‌ها در جبهه و شهرهای جنگ‌زده	متنوع شدن مکان داستان‌ها
انتخاب شخصیت‌های اصلی از میان طبقات پایین و فقیر جامعه	انتخاب شخصیت‌های اصلی داستان‌ها از میان طبقات فقیر و متوسط و گاه بالاتر از متوسط
استفاده از پیرنگ‌های خطی	استفاده از پیرنگ‌های فرعی و پیچیده برای عمیق‌تر کردن درونمایه و استحکام پیرنگ
سادگی و تکراری بودن کانون روایت	تنوع کانون روایت
استفاده از قالب‌های معمول داستان کوتاه و داستان بلند و رمان	استفاده از قالب‌های متنوع (داستانک یکی از این نمونه‌هاست)
تک‌صدایی	چند صدایی و چند لایگی
محدود بودن شخصیت‌ها	تنوع شخصیت‌ها
	نشان دادن چهره انسانی از سربازان دشمن

پیوستگی است. بررسی وجوه اشتراک و افتراق سایر انواع ادبی با دوره‌های قبل، در شناخت مشخصه‌های انواع ادبی ادبیات جنگ / دفاع مقدس کارآمد خواهد بود. ادبیات جنگ / دفاع مقدس درگیر مسائل اجرایی و مسائل محتوایی است. اندیشکدهٔ ادبیات‌پایداری با توجه به اهداف و اساس‌نامهٔ خود، تلاش دارد مسئله‌های هر دو حوزه را شناسایی کرده و راهکارهای مورد نیاز را ارائه دهد.

برای ارتباط با گروه دفاع مقدس اندیشکدهٔ ادبیات‌پایداری می‌توانید دیدگاه‌ها، نظرات، طرح‌های پیشنهادی خود را به نشانی andishkadeh.defa@yahoo.com ارسال نمایید. ■

- عریان در برابر باد، احمد شاکری، تهران: فرهنگ‌گستر، ۱۳۸۰ ش.
- زمین سوخته، احمد محمود، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱ ش.

کلام آخر

ادبیات داستانی جنگ / دفاع مقدس، هرچند عنوانی مستقل از دوره‌های داستان‌نویسی دیگر است اما برآمده از راهیست که تا قبل از آن طی شده است. ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس وارث ادبیات داستانی دوره‌های گذشته و حتی ترجمه‌ها است. آنچه که در این نشست مطرح شد، بخشی از این ارتباط و



گزارش نشست

دفاع مقدس، زیستمان ایرانی و ظرفیت‌های مختلف آن

گزارشی از نشست تخصصی گروه بینارشته‌ای

مقدمه

بینارشته‌ای ادبیات پایداری، رابطه بین ادبیات پایداری و سیاست است. بافت و گفتمان‌های سیاسی موجود در یک جامعه با آفرینش‌های ادبی پایداری آن پیوند نزدیکی دارد. هدف از برگزاری این نشست، توجه به تجربه زیستمان انسان ایرانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی و توسعه‌ای آن در محیط و گفتمان‌های سیاسی مرجع و مسلط در جامعه ایران در دوره دفاع مقدس و بعد از آن بوده است.

چهارمین نشست تخصصی گروه مطالعات بینارشته‌ای ادبیات پایداری^۱ در روز چهارشنبه ۲۷ مهرماه سال ۱۴۰۱ با موضوع «دفاع مقدس، زیستمان ایرانی و ظرفیت‌های مختلف آن»، با سخنرانی دکتر سیدرضا شاکری و دبیری دکتر لیلا باقری برگزار شد.

یکی از مباحث مورد توجه در گروه مرجع مطالعات

۱. پانزدهمین نشست از نشست‌های تخصصی اندیشکده ادبیات پایداری.

بار اصلی ساختن سرنوشت و کنش را در دوره ده ساله انقلاب و جنگ بر دوش گرفته است. مباحث مهم مترتب بر موضوع اصلی این نشست، نظام جنگ مدرن و تفاوت‌های بنیادین آن با دفاع مقدس، تجربه‌های زیسته انسان ایرانی و ظرفیت‌های آن، و نسبت ادبیات جنگ با انسان ایرانی با تأکید بر اشعار و وصیت‌نامه‌ها و خاطرات (به مثابه متون و اسناد مستقیم مربوط به جنگ) بوده است.

سخنرانی دکتر شاکری در ۵ محور به شرح زیر خلاصه شده است.

محور اول: چگونگی شکل‌گیری مسئله رابطه سیاست و ادبیات

پیشینه شکل‌گیری مسئله نسبت بین «دانش سیاست» و «زبان و ادبیات فارسی» به طرحی با عنوان «تجربه زیسته انسان در شعر نو فارسی» مربوط می‌شود که در سال ۱۳۸۹ در پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی انجام شد.

نتایج طرح نشان داد که زبان و گونه‌های مختلف ادبی، آثار و کارکردها و درس‌هایی برای سیاست‌نظری و عملی دارد که می‌تواند ظرفیت‌های نوینی برای نهادها و کنشگران، دولتمردان و مدیران و نخبگان سیاسی و نیز ساختارهای غیررسمی سیاسی داشته باشد. احتیاط و دوراندیشی در سیاست‌های توسعه‌ای فراگیر، گفتگو و انتقادپذیری، مدارا و تحمل همدیگر، مشارکت در سرنوشت و امور خویش، تعهد و مسئولیت‌پذیری از جمله این درس‌ها است. بوطیقا و سیاست که پروژه فکری این پژوهشگر است به این امور می‌پردازد.

محور دوم: انقلاب اسلامی، گستره کنش متکثر فاعلان
در اینجا مقایسه‌ای از دوره ده ساله دفاع مقدس و دوره سی ساله بعد از آن توسط دکتر شاکری انجام شده که به‌طور خلاصه در جدول ۱ نشان داده شده است.

دکتر شاکری دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) و دکتری اندیشه سیاسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. برخی از فعالیت‌ها و سوابق علمی و پژوهشی ایشان به شرح زیر است:

- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی؛
- تألیف کتاب دفتر شعر آبنامه مجموعه رباعی سروده مؤلف درباره حضرت ابوالفضل (ع)، آب و عطش (۱۳۹۳)
- تألیف کتاب تن و زبان فارسی؛ پژوهشی درباره انسان ایرانی (۱۳۹۵)
- تألیف کتاب درآمدی بر رهبری سیاسی امام خمینی (۱۳۹۷)
- تألیف کتاب بوطیقا و سیاست (۱۴۰۰)
- اجرای چند پروژه پژوهشی میان‌رشته‌ای در زمینه سیاست و زبان فارسی
- محور اصلی این نشست، انسان ایرانی است که تجربه زیسته در زمینه انقلاب و دفاع مقدس داشته و

محور سوم: انسان ایرانی: زیست

در درون هستی‌شناسی تاریخی و فرهنگی

در اینجا تعریفی از زیست‌مان و انسان ایرانی ارائه شده که به شرح زیر است:

• **تعریف زیست‌مان:** زندگی در یک دوره، منظومه‌ای از مناسبات، کارکردها، اهداف و آرمان‌ها است که ماندگار شده و به کانونی برای گفتگو تبدیل می‌شود. به عبارتی قابلیت گفتگو و نقدپذیری پیدا می‌کند. ما

در چارچوب این مناسبات می‌توانیم زندگی و گفتگو کنیم، خصلت‌هایش را برشمريم، درباره آن پژوهش کنیم و در درون این زیست‌مان خود را بیابیم. • **انسان ایرانی:** منظور از انسان ایرانی، موجودیتی تاریخی- فرهنگی است که در دوره‌ای طلایی به نام دفاع مقدس، به عنوان بازیگر، کنشی انجام داده و در جنگ و هستی خویش مشارکت کرده و به تعبیر گادامر، سرنوشت انسان ایرانی توسط فاعل انسانی رقم خورده است.

آسیب‌های شناسایی شده که نشان از فاصله وضعیت موجود تا چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های پنج ساله توسعه دارد شامل اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، سکونت‌های غیررسمی و... است.

علت‌العلل این توسعه‌نیافتگی ناتوانی در استفاده از تجربه‌های زیستی پنهان و آشکار دوره جنگ بوده است.

محور چهارم: نظام جنگ مدرن

و تفاوت‌های بنیادین دفاع مقدس با آن

چه تفاوتی بین دفاع مقدس و جنگ مدرن وجود دارد؟ جنگ به شکل مدرن آن بر عهده سربازهای حرفه‌ای است

که توسط ارتش‌ها تربیت شده‌اند. یعنی نهادهای نظامی و سیاسی پشتوانه سربازهایی هستند که از پیش تربیت شده و به منظور اهداف خاصی می‌جنگند. ولی تجربه دفاع مقدس اینگونه نبود؛ رزمندگان با همه وجودشان درگیر جنگ شدند و خانواده‌ها نیز به همین شکل درگیر این مسئله شدند. جنگ، کل مناسبات زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داد و به همین دلیل با ادبیات و زبان و فرهنگ عجین شده است.

در جنگ‌های مدرن، با شکست یا پیروزی یک طرف، جنگ تمام می‌شود اما در دفاع مقدس، زندگی جدیدی برای ایرانی‌ها شروع شد گویی که ادامه انقلاب بود. جنگ بهانه‌ای برای بازتولید این مناسبات و ارزش‌ها شد.

محور پنجم: نسبت ادبیات جنگ با انسان ایرانی (با تأکید بر شعر، وصیت‌نامه‌ها و خاطرات) و درس‌هایی برای آینده

انجام پژوهش و اندیشه‌ورزی و شناسایی امکانات و اراده‌ها می‌تواند در حل مشکلات بعد از جنگ کمک کند. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: پیشرفت منوط به رعایت حریم است. اگر حریم‌های «هستی»

را رعایت نکنیم و درنیابیم، «هستی» به ما امکان گفتگو و برقراری ارتباط را نمی‌دهد. دفاع مقدس حریمی دارد که در ادبیات ما به ویژه در شعر جنگ، وصیت‌نامه‌ها و خاطرات نهاده شده است. در این سه حوزه ادبی، محدودیت‌ها و امکانات جنگ ثبت شدند و می‌توان در این آثار برآمده از تجارب زیسته به این سؤال پاسخ داد: انسان ایرانی چه ویژگی‌های کاربردی برای آیندگان دارد؟

محور اصلی این نشست، انسان ایرانی است که تجربه زیسته در زمینه انقلاب و دفاع مقدس داشته و بار اصلی ساختن سرنوشت و کنش را در دوره ده ساله انقلاب و جنگ بر دوش گرفته است. مباحث مهم مترتب بر موضوع اصلی این نشست، نظام جنگ مدرن و تفاوت‌های بنیادین آن با دفاع مقدس، تجربه‌های زیسته انسان ایرانی و ظرفیت‌های آن، و نسبت ادبیات جنگ با انسان ایرانی با تأکید بر اشعار و وصیت‌نامه‌ها و خاطرات (به مثابه متون و اسناد مستقیم مربوط به جنگ) بوده است.



و دفاع روی داده، آشکار می‌کند. این گفتگو با زیستمان دفاع مقدس می‌تواند برای ما راهگشا باشد و به ما درس انصاف، فداکاری، ایثار اجتماعی و ایثار فرهنگی بدهد. با انتقال یافته‌ها، نتایج پژوهش‌های ادبی و نظریه‌پردازی به حوزه حکومت و سیاست می‌توان چراغ راه روشنی برای سیاستگذاران روشن کرد تا راه درست را پیدا کنند و با در نظر داشتن سرمایه‌ها و ظرفیت‌ها مغایر تجربه‌های تاریخی مان عمل نکنند. ■

از طریق زبان و ادبیات می‌توانیم روح و معنای تجربه زیسته جنگ را درک و فاصله نسلی را کم کرده و انسان‌های دیروز را به فردا پیوند بزنیم. ادبیات قوای وجودی سوژه‌های درگیر جنگ را روایت می‌کند و همچون پزشکی جراح، تجربه را جراحی و کالبدشکافی می‌کند و سپس به تألیف و ترکیب آن تجربه می‌پردازد تا بتواند آن را ماندگار کند. یا همچون یک باستان‌شناس بدون دخل و تصرف، آنچه را که در جهان

جدول ۱: مقایسه بین دوره دفاع مقدس و دوره بعد از جنگ با تأکید بر زیست فاعلان و کنشگران

دوره ده ساله دفاع مقدس	دوره سی ساله بعد از جنگ
مشارکت آگاهانه و مسئولانه همه مردم ایران برای دفاع از کشور و شکل‌گیری امر ملی و تجربه زیسته دفاعی	شروع به ساختن کشور و ویرانی‌ها و سپس تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه صرفاً بر اساس ظرفیت‌های نهادی قدیم و جدید
محوریت نقش همه مردم ایران در پشت و میدان جبهه در شکل‌گیری تجربه دفاع ملی و عمومی	غفلت از کمیت و کیفیت تجربه مسئولانه فاعلان انسانی در فضای جنگی، در سیاست‌های توسعه‌ای کشور
انسجام و وحدت نظری و عملی در تجربه زیسته دفاعی ایرانیان و ظرفیت‌های برآمده از آن	شکل‌گیری نزاع‌های گفت‌وگامی و نهادی در دوره پس از جنگ و در فضای برنامه‌های توسعه

سوژه ایرانی یا تمنای بازاحیای انسان بسیجی دهه شصت؟

نقد سخنرانی دکتر سیدرضا شاکری
با عنوان تجربه زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس

فرانک جمشیدی

ایشان صراحت بخشم و اینها همگی، محتوای بند نخست این نوشتار را رقم می‌زند. در این بند، اغلب آنچه در میان دو گیومه نشانده‌ام، نشان از آن دارد که از واژه‌ها یا اصطلاحات موجود در سخنرانی ایشان بهره گرفته‌ام.

در بند دوم، می‌خواهم تصریح کنم نزدیک‌ترین منبع به دغدغه طرح‌شده ازسوی دکتر شاکری چیست. پیش‌بینی‌ام این است که معرفی آن منبع و در میان‌گذاشتن جان‌مایه‌اش، برای فهم بیشتر و عمیق‌تر آنچه ایشان در صدد بیان آن بوده، سودمند باشد.

در بند سوم، که به نتیجه‌گیری اختصاص داده‌ام، اراده کرده‌ام که اثبات کنم هر نوع بازخوانی از یک تجربه (ازجمله تجربه فوق)، باید بر مبانی نظری و چارچوبی که با توجه به آن مبانی، ضرورت شکل‌گیری پیدا می‌کند، متکی و مبتنی باشد تا آشکار شود در بازخوانی یک تجربه سپری‌شده، آن هم در سایه «اکنونیت»ی که به‌لحاظ اقتضائات زمانی و موقعیت ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و مطالبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و

من‌دراین‌نقد مسئله‌شناختی می‌خواهم ابتدا مروری کنم بر آنچه دکتر شاکری در نشست یادشده طرح کرده‌اند و نشان دهم چگونه ایشان با بیان اجمالی تجربه زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس، می‌کوشد به بازشناسی

ظرفیت‌های متعدد انسان بسیجی به‌عنوان نمونه آرمانی انسان انقلاب اسلامی بپردازد. به‌این‌منظور، تلاش کرده‌ام به چرایی مسئله‌شدگی تجربه زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس برای شخص دکتر شاکری، به‌گزاره‌ای که مفروض و مسلم گرفته‌اند، به فرضیه‌هایی که سعی در به‌اشتراک‌گذاری آنها در قالب نشست مذکور داشته‌اند، به پرسش‌های اصلی و فرعی‌شان، به ضرورت و اهدافی که بیانگر چشم‌اندازهایی است که در بحث از آن تجربه زیستمانی دنبال می‌کنند، و سرانجام به پیشنهاد نهایی



مناسبات و کارکردها، اهداف و آرمان‌هاست که عطف به پسوند «مان»، از آن میزان «ماندگاری» برخوردار است که بتوان آن را یک «تجربه» خواند و در نتیجه، درباره‌اش گفت‌وگو و نقد و پژوهش کرد یا آن تجربه را به یک الگوی عمل مُبدل ساخت و تعمیمش داد، تصحیح و تنقیح و تکمیلش کرد و از آن نسخه‌ای به‌روز فراهم آورد. با این ملاحظه، می‌توان از سخنان ایشان چنین دریافت که وقتی از مفهومی به نام «زیستمان انسان ایرانی» سخن به میان می‌آید، منظور احدی از احاد ایرانی که در جامعه ایران زندگی می‌کند نیست بلکه منظور رویکرد فرهنگی به تاریخ موجودیت‌یافتگی هویتی است که انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به ظهور و بروز آشکار آن و تشخیص یا برجستگی یافتنش کمک کرد (و البته نه به پیدایی آن، چون چنین هویتی، ریشه‌های دور و دیر در تاریخ این مرزوبوم، خصوصاً تاریخ عاشورا دارد).

به‌زعم شاکری، آنچه «بود» و «نمود» چنین انسانی را به یک مسئله تبدیل می‌کند یا، به بیان دیگر، مسئله‌شدگی

شهروندی مردم ایران تقریباً به‌طور کامل، متفاوت با قبل است، دقیقاً نظر به چه چیز داریم؛ آیا صرفاً می‌خواهیم آن تجربه را توصیف کنیم و نشان دهیم چه بوده است؟ آیا می‌خواهیم چرابود و چرانیست آن تجربه در زمان حاضر را تحلیل کنیم؟ آیا می‌خواهیم با توصیف چگونه‌بود آن، یک نسخه عملی برای چگونه‌شدگی آن در جامعه امروز ایران تهیه و تدوین و فرایند آن را تبیین کنیم؟ آیا می‌خواهیم با روشن کردن منطق پیدایی یا ظهور و بروز آن تجربه، از شرایط امکان یا امتناع زیست آن منطق در موقعیت کنونی ایران بحث کنیم و برآورد کنیم که آیا ظهور مجدد آن تجربه، بار دیگر شدنی خواهد بود یا خیر؟ آیا....

کاری که من در بند پایانی انجام داده‌ام، بیشتر درحکم صراحت‌بخشی به برخی ناگفته‌ها یا صراحت‌نیافته‌های بحث دکتر شاکری است.

۱

به‌زعم دکتر شاکری، «زیستمان»، «منظومه»‌ای از

تجربه زیست‌مان انسان ایرانی در دفاع مقدس در اکنونیت عصر حاضر، از آن‌روست که از بعد از پایان یافتن جنگ هشت‌ساله، دیگر شاهد جدی گرفته شدن چنان تجربه‌ای در عرصه‌های متعدد جامعه، خاصه در عرصه سیاسی نیستیم. حال آنکه می‌بایست تیمی از متخصصان و صاحب‌نظران و استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگران، درباره آن تجربه موشکافی می‌کردند و قابلیت‌هایی را که به‌واسطه آنها، انقلابی نوپا و جنگی نابرابر، از خطر فروپاشی و شکست، به سلامت رسته بود، شناسایی می‌کردند و با اهتمام جمعی، درخصوص بازنگری آن قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و بازسامان‌دهی آن در قالب دسته‌بندی‌ها و مقوله‌بندی‌های جدید، نسخه به‌روزشده‌ای از آن انسان آرمانی در اختیار می‌نهادند؛ انسانی اراده‌مند از حیث در اختیار گرفتن مهار سرنوشت خویش و علاقه‌مند به مشارکت داوطلبانه در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی‌اش. چنین انسانی می‌توانست کشور را نه فقط از کام بحران‌های پساجنگ، در سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی نجات دهد که از عوارض و تبعات برنامه‌های توسعه و نوسازی جامعه نیز ایمن نگه دارد. و پرسش برانگیز است که چرا این مهم صورت تحقق نبست.

شاگردی برای اثبات «غفلت» از این سوژه ایرانی و نشان دادن ضرورت بازخوانی تجربه زیسته وی، به یک «مقایسه تطبیقی» دست می‌زند میان «دهه نخست» از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران با «سه دهه پس از آن»، با محوریت این پرسش که «چه نسبت و پیوند و رابطه‌ای میان این دو مقطع وجود دارد؟»

به‌زعم ایشان، در مقطع نخست، عمده بار مسئولیت‌ها در حوزه زیست و زندگی و پیشرفت جامعه بر دوش «اعلان انسانی» بوده است. به بیان دیگر، اگر جامعه را متشکل از انسان‌ها و نهادها بدانیم، در مقطع نخست از عمر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، که اغلب قریب به اتفاق نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و نظامی مربوط به نظام شاهنشاهی فرو ریخته و نهادهای جدید هم چندان قوت و استحکام نیافته بودند که بتوانند عهده‌دار مسئولیت تأمین امنیت و آموزش و تربیت و... باشند و، درعین حال، منازعات سیاسی متعدد میان گروه‌ها و جناح‌های فکری نیز خطر و تهدیدی جدید برای نظام نوپای جمهوری اسلامی محسوب می‌شد، این فاعلان انسانی بودند که یک‌تنه، شانه زیر چنان باری دادند. با اتمام جنگ و آغاز برنامه‌های توسعه و روشن شدن تکلیف و نقش و جایگاه هریک از نهادهای جامعه، شاهد بازیگری «نهادها»، و، متقابلاً، «غفلت» از نقش و جایگاه و اهمیت «سوژه ایرانی» هستیم؛ سوژه‌ای که طی دهه نخست از عمر انقلاب اسلامی توانسته بود توانمندی‌هایش را درخصوص برقراری پیوند میان آرمان‌های انقلاب و اهدافی که در

به‌زعم دکتر شاگردی،
«زیست‌مان»، «منظومه‌ای»
از مناسبات و کارکردها،
اهداف و آرمان‌هاست که
عطف به پسوند «مان»،
از آن میزان «ماندگاری»
برخوردار است که بتوان آن را
یک «تجربه» خواند و در نتیجه،
درباره‌اش گفت‌وگو و نقد و
پژوهش کرد یا آن تجربه را
به یک الگوی عمل مبدل ساخت
و تعمیمش داد، تصحیح و
تنقیح و تکمیلش کرد و
از آن نسخه‌ای به‌روز
فراهم آورد.

چشم‌اندازهای میان‌مدت و بلندمدت برای این انقلاب تعریف شده بود، ثابت کند. می‌توان حدس زد که اهمیت ده سال نخست نزد ایشان ناشی از وقوع انقلاب اسلامی و، اندکی پس از پیروزی آن، وقوع جنگ هشت‌ساله عراق با ایران تا پایان یافتن جنگ و امضای قرارداد ۵۹۸ میان این دو کشور و تأثیر دو پدیده بزرگ اجتماعی انقلاب و جنگ

• آیا انسان آرمانی انقلاب و دفاع مقدس نمونه آرمانی یا تیپ ایده‌آل توسعه و بازسازی و پیشرفت هم می‌توانست / می‌تواند باشد؟

• آیا برای تیپ‌سازی از انسان توسعه‌اندیش توسعه‌گرا؛ یعنی انسانی که در منش و روش و گرایش و نگرش، توسعه‌مندان رفتار می‌کند، ضرورت داشته و دارد که به تیپ‌سازی دیگری غیر از بسیجی (به عنوان تیپ ایده‌آل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) اهتمام شود؟

• اگر پاسخ به پرسش اخیر مثبت باشد، چه وجوه اشتراکی میان دو تیپ ایده‌آلی یادشده وجود دارد که می‌توان از آن اشتراکات به نفع گذار از اقتضائات متفاوت زمان حال بهره گرفت؟

به‌زعم من، شاکری پاسخ احتمالی خود به پرسشی را که طرح کرده در قالب چهار فرضیه زیر به اشتراک می‌گذارد. این فرضیه‌ها، مُعَرِّف بازدارنده‌های موجود بر سر راه تحقق سوژه ایرانی دفاع مقدسی هستند:

• **فرضیه اول:** به نظر می‌رسد، تجربه زیست‌مان انسان ایرانی در دفاع مقدس و «ظرفیت‌ها»ی گسترده این زیست‌مان، خصوصاً ظرفیت‌های

سیاسی آن، که طی انقلاب و دفاع مقدس به منصه ظهور و بروز رسید، به دقت و ظرافت شناسایی نشده و در نتیجه، پیوندی که می‌بایست میان تجربه زیست‌مانی این سوژه و جامعه پسا‌جنگ صورت می‌گرفت و جامعه را در مسیر اهداف و آرمان‌های انقلاب و دفاع پیش می‌راند، تحقق نیافته است.

• **فرضیه دوم:** به نظر می‌رسد راه برقراری این پیوند،

بر ظهور سوژه انسان ایرانی و، مهم‌تر از آن، ظهور تجربه زیست‌مانی این انسان در خلال این دو پدیده باشد. و اما در باب چرایی مبادرت ایشان به مقایسه دهه نخست با سه دهه پس از آن، احتمال‌پذیر است که ناشی از مبادرت دولت‌های پس از جنگ به انجام و اجرای برنامه‌های توسعه باشد، زیرا در مسیر توسعه‌ای که هرگز به تمامی و مطابق آنچه در چشم‌اندازهای توسعه پیش‌بینی شده

بود تحقق نیافت، شاهد مواجهه جدی نظام با نقدهای متعدد و متنوع منتقدان از حیث دور شدن تدریجی مسئولان از آرمان‌های امام و انقلاب و رهبری، ناشی از گم‌بودگی سوژه یادشده هستیم. این نقدها چندان با وجود این سوژه گره خورده است که گویی سوژه مذکور، یگانه جلوه‌گاه آرمان‌های امام و انقلاب و رهبری بوده و هست. گواه بَیِّن برای درستی این برداشت، پرسشی است که شاکری در ادامه طرح کرده است، مبنی بر اینکه چرا از دهه دوم به بعد، به مدت سه دهه، جایگاه سوژه‌گی انسان ایرانی (نمونه آرمانی دفاع مقدسی) در عرصه‌های متعدد جامعه دچار افول تدریجی شده است؟

با نظر به پرسش فوق، به‌زعم

بنده، در ورای قریب به اتفاق نقدهایی که نظام با آنها مواجه بوده، پوشیده و پنهان یا آشکارا و روشن، عمدتاً ردونشان یکی از چهار دغدغه زیر را می‌توان باز یافت:

• چرا مسئولان و دست‌اندرکاران از انسان آرمانی انقلاب و دفاع مقدس غفلت ورزیده و، در نتیجه، جامعه به مرور از وجود آنها تهی شده یا، دست‌کم، آنها را به حاشیه رانده است؟

می‌توان از سخنان ایشان چنین دریافت که وقتی از مفهومی به نام «زیست‌مان انسان ایرانی» سخن به میان می‌آید، منظور احدی از آحاد ایرانی که در جامعه ایران زندگی می‌کند نیست بلکه منظور رویکرد فرهنگی به تاریخ موجودیت یافتگی هویتی است که انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به ظهور و بروز آشکار آن و تشخیص یا برجستگی یافتنش کمک کرد (و البته نه به پیدایی آن، چون چنین هویتی، ریشه‌های دور و دیر در تاریخ این مرزوبوم، خصوصاً تاریخ عاشورا دارد).

زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس»، در پی طرح پرسش‌های عمیق‌تری باشیم که دست‌کم سه فقره از آن پرسش‌ها این است:

۱. چرا در فضای پساجنگ، به‌تدریج میدان آزادی عمل برای سوژه ایرانی دفاع مقدسی تنگ شد و چگونه این سوژه- که جوهره شگفتی‌آفرینی‌اش در عرصه عمل و نظر، همانا آزادی و حق انتخاب‌اش است- با سلب/

محدودیت امتیازاتی که به وی داده شده بود، به حاشیه رانده شد یا موجودیت سایه‌ای یافت؛ گویی «بود»ی در عین «نبود» باشد؛ انسانی که به‌ظاهر «هست»، اما چون آن جوهره از وی ستانده شده، چنان است که «نیست».

۲. آیا حذف یا سایه‌شدگی یا به حاشیه‌رانی چنین سوژه‌ای برای سطوح متفاوت جامعه پساجنگ تبعاتی به همراه داشته است؟ با چه استدلالی می‌توان بحران‌ها و چالش‌ها و تضادها و کشمکش‌های فضای پساجنگ را به حذف یا سایه‌شدگی یا به حاشیه‌رانی این سوژه ربط داد؟

۳. پرسش سوم را از درون اصلی که شاکری درباره چرایی ضرورت طرح بحث درباره زیستمان انسان

ایرانی در دفاع مقدس به آن تکیه می‌کند می‌توان بیرون کشید، همان اصلی که اغلب اظهارنظرها نیز به آن استناد می‌کنند؛ یعنی اصل «منحصربه‌فرد بودن» تجربه‌ای که در جنگ هشت ساله رخ داد و، به‌زعم برخی، نظیر و بدیل آن را در تاریخ جنگ‌هایی که ایران پشت‌سر گذاشته است نمی‌توان دید و ظاهراً اصطلاح «دفاع مقدس»، خواسته‌ناخواسته، تکینگی (تک و یگانه بودن، معطوف

فراخوان همه نخبگان سیاسی و علمی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی و...، برای تبدیل کردن جان‌مایه «تجربه دفاع مقدس» به اندیشه باشد تا از این طریق (تعبیر از بنده است)، ابتدائاً آن تجربه را اندیشیدنی و سپس زیستنی کنند.

به‌گمانم، دو «یاء» لیاقت در پایان دو مصدر «اندیشیدن» و «زیستن» کمک کند که فرضیه دوم شاکری

وضوح بیشتری یابد، مبنی بر اینکه تا تفکر دفاع مقدسی در ذهن و زبان و ضمیر افراد جای نگیرد و افراد با لنزی که این طرز فکر در اختیارشان می‌گذارد، به هر چیز و کس و پدیده و واقعه و رخداد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی ننگرند، گویی اصلاً آن تجربه را نمی‌زیند. بنابراین، منهای این شرط، هرگونه اهتمام به ترویج کردارها و رفتارهای دفاع مقدسی، محتمل تقلید صرف و، درنتیجه، فراموش‌شدنی خواهد بود.

• **فرضیه سوم:** به‌نظر می‌رسد پیدایی سوژه ایرانی دفاع مقدسی و تجربه‌زیسته‌ای که در طول دوره دفاع مقدس شکل گرفت، بیش از هر چیز محصول «آزادی انتخاب» این سوژه بوده است.

بنابراین، رفتارهایی که به تبع این آزادی از وی صادر می‌شده (که عمده‌ترین آنها «مسئولیت‌پذیری»، «خطرپذیری» و «تعهد» است)، فقط یک گزینه از میان گزینه‌های متعدد پیش روی او به‌شمار می‌آمده است.

فرضیه اخیر شاکری، بیش از دو فرضیه نخست، می‌تواند کمک کند که درباره موضوعی به نام «تجربه

به نظر می‌رسد،

تجربه زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس و «طرفیت‌های گسترده این زیستمان، خصوصاً ظرفیت‌های سیاسی آن، که طی انقلاب و دفاع مقدس به منصف ظهور و بروز رسید، به‌دقت و ظرافت شناسایی نشده و درنتیجه، پیوندی که می‌بایست میان تجربه زیستمانی این سوژه و جامعه پساجنگ صورت می‌گرفت و جامعه را در مسیر اهداف و آرمان‌های انقلاب و دفاع پیش می‌راند، تحقق نیافته است.

واژه‌های کلیدی در سخنان ایشان، که به واسطه آنها می‌توان به اهداف پنهان در ورای توجه به تجربه زیستمانی انسان ایرانی پی برد، عبارت‌اند از:

• تحریک «اراده معطوف به شناخت» انسان‌های عصر حاضر برای راه بردن به گُنه حقیقت تجربه زیستمانی انسان دفاع مقدس

• تجدید عهد انسان‌های کنونی با سوژه ایرانی

یادشده به منظور ایجاد «پیوند» میان گذشته‌ای سپری‌شده و اکنونیتی که بدون آگاهی به آن گذشته، سرگردان بر سر دوراهی‌ها و بحران‌ها و چالش‌هاست

• ترسیم «سپهر»ی مجازی از همه روابط و مناسبات و تعاملات جامعه که در شکل ایده‌آل، نقطه کانونی آنها باید تجربه زیستمانی دفاع مقدس باشد

• تهیه بستری مناسب از تجربه زیستمانی یادشده که بتواند زمینه «مواجهه علمی» با این تجربه و تفهم یا همدلی عمیق با آن (در معنای وبری) را فراهم آورد

• تسهیل مسیر «ایثارگری اجتماعی و فرهنگی».

پیشنهادی که شاکری در پایان به آن تصریح می‌کند، بیش از سایر

قسمت‌های بحث وی بیانگر این است که سوژه ایرانی مدنظر ایشان در سخنرانی یادشده، سوژه آرمانی و مطلوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران است. این پیشنهاد، از رابطه معناداری پرده برمی‌دارد که ایشان میان تجربه زیستمانی سوژه ایرانی در دفاع مقدس و نظام سیاسی مذکور به وجود آن قائل است، اما اینکه نظر به کدام دوره از نظام سیاسی یادشده دارند، نامشخص است

به سابقه نبودن) چنین تجربه‌ای را در درون خود صورت‌بندی و سپس توصیف و تحلیل و تبیین می‌کند.

با ملاحظه اصل فوق، پرسش این است که آیا پذیرش منحصر به فرد بودن آن رخداد به نوعی مُتضمن یگانه‌بود آن سوژه و تکرارناپذیری آن است؟ و آیا تلویحاً به این معناست که اگر آن برهه یا دوره آخرالزمانی بازگشت‌پذیر نیست و اگر آن انسان‌های آخرالزمانی جز در همان دوره

و برهه منطقی نمی‌توانند ظهور و بروز یابند، پس با بسته شدن، به تعبیر شهید آوینی، «درهای آسمان»، هبوط آن انسان‌ها به زمین را نیز دیگر بار شاهد خواهیم بود و دوره‌ها و برهه‌های بعد، انسان خاص خودش را می‌طلبد؟ به این ترتیب، آیا تأکید بر تکینگی رخداد دفاع مقدس، در روندی آهسته و ناآشکار، اراده شده یا نشده، رو به سمت بی‌کارکردی کژکارکرد نشان دادن سوژه ایرانی بالیده و برآمده از درون آن رخداد، در دوره‌های پس‌دفاع را دارد؟

• **فرضیه چهارم:** به نظر می‌رسد سوژه ایرانی ظهور یافته طی دو واقعه انقلاب و دفاع مقدس و تجربه زیستمانی وی، برترین نسخه «گفت‌وگوپذیر» با جهان پساجنگ

در سطح ملی و فراملی و، فراتر از آن، با «تمدن‌ها» باشد. ولی دلیل تحقق نیافتگی این مهم را باید در تبیین نکردن دقیق منطق دفاع مقدس جست‌وجو کرد. از سخنان شاکری این مطلب استنباط‌شدنی است که نشانه موفقیت در تبیین دقیق این منطق این است که اکنون بتوان با آن تجربه زیست‌شده (در مقام یک متن گفت‌وگو کرد.

به نظر می‌رسد

راه برقراری این پیوند،
فراخوان همه نخبگان سیاسی
و علمی و فرهنگی
و اجتماعی و اقتصادی و نظامی
و...، برای تبدیل کردن
جان‌مایه «تجربه دفاع مقدس»
به اندیشه باشد
تا از این طریق
(تعبیر از بنده است)،
ابتدائاً آن تجربه را اندیشیدنی
و سپس زیستنی کنند.



یاری دهد) و نیز با ماهیت بازدارنده احتیاط‌برانگیز که بتواند مانع از اتخاذ سیاست‌های مغایر با تجربه‌های تاریخی و یا سیاست‌هایی شود که اعمال آنها حاصلی جز نادیده‌انگاری سرمایه‌های مادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه ندارد.

۲

دغدغه سید جواد طاهایی در دو کتاب تیرگی درخشان؛ راهبردی به بنیادهای مکتوم در نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها (۱۳۸۱) و پدیدارشناسی بسیجی شهید (۱۳۹۷) را می‌توان نزدیک‌ترین به دغدغه دکتر شاکری در طرح بحث یادشده به‌شمار آورد. طاهایی در فصل دوم از کتاب نخست خویش، زیرعنوان «برخی ملاحظات اساسی‌تر

(که به این، در بند پایانی نوشتار حاضر خواهم پراخت). ایشان بر آن است که با توجه به نقش تردیدناپذیر این ساخت در «مدیریت» جامعه و منازعات اجتماعی و «حفظ امنیت»، اولاً ضروری است به مسئله‌شدگی تجربه زیستمانی یادشده در وضعیت کنونی ایران با «رویکرد میان‌رشته‌ای» اقبال و اعتنا شود و نتایج پژوهش‌ها در اختیار «بخش سیاسی» (احتمالاً همان نظام سیاسی منظورشان باشد) قرار گیرد. زیرا رویکردهایی از این‌دست، همکاری‌های علمی و روشمندانه‌تری از سوی صاحب‌نظران و دانشگاهیان و اهالی علم و نظر و روش اقتضا می‌کند. ثانیاً پژوهش‌ها عمدتاً راهبردی و توسعه‌ای باشند با ماهیت ایجابی (که دست‌اندرکاران حوزه سیاست‌گذاری را در انتخاب سیاست‌های درست‌تر

طرح می‌کند؛ بحثی که از یک سو خواه‌ناخواه به شدت با قدرت و نظام سیاسی و مشروعیت آن در هم تنیده و از سوی دیگر بیانگر باید و نبایدهایی است که یکسره فارغ از ملاحظات مربوط به تأثیرگذاری شرایط و اقتضائات زمانی و نوع نظام سیاسی و مشروعیت آن در ظهور و بروز یک سوژه است.

از آنجاکه نگاه طاهایی در کتاب یادشده، زیر دو عنوان «چگونه بسیجی موجودی فلسفی است؟» (صص ۱۰۶ - ۱۲۳) و «چگونه بسیجی موجودی جهان‌پرداز است؟» (صص ۱۲۳ - ۱۴۱)، مشابهت بسیار دارد با نگاه دکتر شاکری به سوژه ایرانی دفاع مقدسی و مصادیقی که ایشان از منش و کنش چنین سوژه‌ای برشمرده و داعیه‌ای که طرح کرده (مبنی بر اینکه سوژه ایرانی دفاع مقدسی، سوژه‌ای گفت‌وگوپذیرست که همچنان می‌تواند عهده‌دار امور حال و آتی ایران و موجد تغییرات بنیادین در سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی باشد)، در ادامه به آن می‌پردازم تا تناقض بحث ایشان را ملموس‌تر سازم. با تصریح به اینکه عنوان‌گذاری‌ها برای مطالب نقل‌شده از کتاب طاهایی از بنده است و در اصل منبع نیامده است. به نظر طاهایی، بسیجیان یا همان سوژه ایرانی دفاع مقدسی دکتر شاکری:

• «مردان بزرگ تاریخ» اند چون «امر بزرگی را اراده کرده‌اند» و آن، «تغییر نظام استکباری در جهان» (ص ۱۰۸) به نفع «احیا یا گسترش توحید و یکتاپرستی بر روی زمین» (ص ۱۱۲) و «رهسپار [کردن] جامعه به سوی کلمه توحید و توحید کلمه و امر بندگی» (ص ۱۱۹) است؛ «اهدافی خاص» که صرفاً «یک خیال یا یک درخواست محض» نیست بلکه منطبق با «واقعیات» و پاسخگوی «نیازهای عصر» است و پیگیری‌اش «اراده [مستتر در ورای] روح جهانی» را می‌طلبد (صص ۱۰۶ - ۱۰۷).

• «این مردان، قهرمان» اند به این اعتبار که «مقصدها و انگیزه‌ها [یی که دنبال می‌کنند]، از جریان معمول و آرام

درباره نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها» (صص ۸۳ - ۱۴۸)، «بنیاد یا اصالت» گفت‌وگوی تمدن‌ها را همان «اندیشه انقلاب اسلامی» می‌داند که «سپس [این اندیشه] در فضای دفاع مقدس تداوم و ابعاد انضمامی‌تری یافت» و در «فلسفه زندگی و مرگ بسیجی» متبلور شد (ص ۸۴). به زعم وی، گفت‌وگوی تمدن‌ها، «بهانه‌ای برای ابلاغ صریح‌تر یا روشن‌تر پیام‌های انقلاب اسلامی [شد]» (ص ۸۵).

طاهایی زیرعنوان «وحدت مفهوم بسیجی» (صص ۹۰ - ۹۲) در همان فصل دوم کتاب «تیرگی درخشان»، از «وصیت‌نامه‌های شهیدان»، به عنوان «بیانیه اصولی یا مانیفست» شهدا یاد می‌کند (ص ۹۰)؛ موضوعی که دکتر شاکری نیز در بخش‌هایی از سخنرانی‌اش به آن پرداخت و با اشاره به یکسانی زبان و نگاه در این وصیت‌نامه‌ها، قصد داشت که نشان دهد هریک از وصیت‌نامه‌ها چگونه دیگری را نمایندگی می‌کند و بیانگر نوعی توحید آرا یا وحدت در عقاید و توصیه‌ها و خواسته‌ها و شعارهای آنهاست. طاهایی بسیجیان را «سربازان یک موجبیت تاریخی مقدس یا عناصر تحقق یک آینده نزدیک با ماهیتی آسمانی اما نتیجه‌ای زمینی» می‌داند که حصول آن نتیجه، «مشروط به اراده خود آنان است» (صص ۹۰ - ۹۱). توصیفاتی که طاهایی از بسیجیان می‌کند عیناً ناظر است به همه آنچه دکتر شاکری از سوژه ایرانی به آن نظر دارد؛ انسان‌هایی با اندیشه‌هایی درخصوص «ضرورت اقدام» یا عمل به «تکلیف»، دارای «درد هستی»، ستایشگر «شان انسان در جهان»، دغدغه‌مند «اتصال به [قدرت] مطلق»، و، مهم‌تر از همه اینها، انسانی که برای خود «گونه‌ای پیامبری و رسالت‌مآبی» قائل است و باور دارد که «فلسفه حیات و معنای زندگی» چیزی جز «جهاد مستمر» و «رنج» و «حق [خواهی]» نیست (ص ۹۱).

تناقضی که به لحاظ روش‌شناختی در بحث دکتر شاکری وجود دارد، ناظر است به آنچه ایشان در باب سوژه

درد و رنج» است (ص ۱۱۳)، از آن رو، که «حقیقت ناظر بر شدن است، نه بودن؛ یعنی حقیقت باید ساخته شود و از طریق کوشش و رنج مستقر گردد، نه آنکه از قبل ساخته شده باشد» (ص ۱۱۵). به همین سبب، «پیروزی یا فتح تضمین شده نیست» و انسان فقط «مکلف به مبارزه» است با «حق [واگذاری] پیروزی به خداوند» (ص ۱۱۳).

• این انسان‌ها خود را «سرباز حقیقت در حال تبلور» می‌دانند با «شأنیت جاده صاف‌کنی و زمینه‌سازی» برای «قیام مهدویتی ناگزیر» تا «پیام‌های انقلاب نبوی سرانجام در زمانی و در جایی با ظرفیت کامل جاری شود» (ص ۱۱۹).
• انسانی که از آن سخن به میان آمد، «نمی‌تواند باورهای ایده‌آلیستی و آرمان‌گرایانه‌اش را ... [اینکه چرا برای این «ایده‌آلیسم معنوی» به «برتری هژمونیک» قائل است]، موضوع دیالوگ و تفاهم ملی با بخشی از جامعه قرار دهد که سخن او را درک نمی‌کنند» (ص ۱۲۱).

• چنین می‌نماید که این انسان دو راه بیشتر پیش‌رو ندارد؛ «یا به جد و به سختی، اندیشه کلی دفاع مقدس را به عنوان مسیری برای آینده اتخاذ

کند یا قاطعانه آن را کنار بگذارد» (ص ۱۲۳). زیرا «حقیقت» نیازمند «صراحت» و «شفافیت مرزها و مواضع» است. با این ملاحظه، انسان موضوع بحث باید بتواند «فضای فعلی و آتی جامعه و منطقه و بین‌الملل را در دو ساحت «سیاسی» و «اعتقادی»، بر مبنای «ارزش‌های دفاع مقدس به‌گونه‌ای «مفهوم‌بندی» کند که «از نظر سیاسی، شجاعانه و مدعیانه» و «از نظر اعتقادی، غیرالتقاطی» باشد (ص ۱۲۴) و «هدف» ی

امور نشئت [نمی‌گیرد] و [به‌همین علت] نظم موجود را تأیید [نمی‌کند]» (صص ۱۰۶-۱۰۷).

• «انسان‌هایی اندیشمند» هستند که گرچه از آن امر عظیم در حال رخ دادن (رستاخیز بزرگ مستضعفان جهان) چندان دقیق آگاهی نداشته‌اند، اما به ضروریات زمان یا آنچه مستعد تحول و گسترش بوده بینش داشته‌اند، گویی «برعهده آنان بوده که پدیدارهای در

شرف تولد را بشناسند و از آن گام لازم که جهان می‌بایست بردارد، آگاه باشند و توان خود را در پیشبرد آن به‌کار گیرند» (صص ۱۰۷-۱۰۸).

• آنها «موجود [اتی] صرفاً سیاسی یا یک انقلابی کوتاه‌مدت» نیستند بلکه «سرباز [انی با] نیروهای ژرف تاریخی و «با ذخیره دانش‌های انسانی» اند (ص ۱۰۸) که ظهورشان برای برخی بشارت و برای برخی دیگر انذار است. ادراک چنین موجودی که «هدف تاریخی دارد»، «نباید در زمان [ی]» بلکه باید فرازمانی باشد، چون در این صورت در راه ادراک این موجود به «ورطه‌های معنایی و مفهومی وسیعی» فرو خواهیم افتاد (صص ۱۰۹-۱۱۰).

• «موجود [اتی] که [چون] هدف تاریخی دار [ند]، نباید در زمان

درک [شان] کرد» بلکه باید «مستقل از شرایط جامعه‌شناختی [شان]» به درک آنها اهتمام کرد. در غیر این صورت، سقوط به «ورطه معنایی و مفهومی وسیع» اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و به‌طور کلی راه بر فهم چنین انسانی مسدود خواهد شد (ص ۱۱۰).

• مسئله این انسان‌ها، «آزادی» توأم با «مسئولیت» است. زیرا به باور آنها، «دنیا عرصه مبارزه و مسئولیت و

به‌نظر می‌رسد
پیدایی سوژه ایرانی
دفاع مقدسی و تجربه زیسته‌ای
که در طول دوره دفاع مقدس
شکل گرفت،
بیش از هر چیز محصول
«آزادی انتخاب» این سوژه
بوده است. بنابراین، رفتارهایی
که به تبع این آزادی از وی
صادر می‌شده (که عمده‌ترین
آنها «مسئولیت‌پذیری»،
«خطرپذیری» و «تعهد» است)،
فقط یک گزینه
از میان گزینه‌های متعدد
پیش‌روی او به‌شمار
می‌آمده است.

و حساسیت به اهداف برتری طلبانه ابرقدرت‌ها، احترام به سنت‌های مذهب تشیع و در رأس آنها روحانیت»، چندان‌که «می‌توان از استعاره بسیجی خمینی سخن گفت»، از فرط «نزدیکی فوق‌العاده افکار و احساس امام خمینی و بسیجی به یکدیگر» (ص ۹۳).

ایشان در ادامه چنین می‌نویسد: «بدون درک رابطه ویژه انسان بسیجی با امام، این انسان انقلاب اسلامی» یا، به گفته دکتر شاکری، سوژه ایرانی دفاع مقدسی، «قابل درک نخواهد بود». به‌زعم طاهایی، اگر «عمق باورهای بسیجی و سطوح وجدان» او را بکاویم، درخواهیم یافت که «منطق اصلی یا عصاره فکر انقلاب اسلامی، در روابط بسیجی با امام خمینی جاری است» و عصاره فکر انقلاب اسلامی این است که «امام خمینی نماینده یک اراده مقدس یا تبلور آن بوده که توسط خداوند به ملت ایران نمایانده شده و این ملت می‌توانست آن را بپذیرد یا نپذیرد، اما ملت ایران با پذیرش آن، به عقد قراردادی با خداوند دست بازیده‌اند که مسئولیت سنگینی را متوجه آنان کرده است» (ص ۹۴).

بنابر آنچه گذشت، متقاعد شدن نخبگان جامعه در سطوح

متعدد به اینکه ضرورت دارد چنین سوژه‌ای دیگر بار ظهور کند، و اقناع آنها به اینکه حل معضلات جامعه و عبور از تنگناها به دست چنین سوژه‌ای شدنی خواهد بود، صرفاً به حرف تحقق‌یافتنی نیست بلکه تبدیل این ضرورت به یک مسئله، در گرو دست‌کم رعایت دو شرط لازم و کافی است: یکی، تعیین اینکه چنین سوژه‌ای سوژه آرمانی کدام نظام سیاسی است

که «تفکر جهان‌گرایانه انقلاب اسلامی» به آن نظر دارد، «حقیر» نسازد (ص ۱۳۸).

۳

مایلم نتیجه‌گیری را اختصاص دهم به صراحت نیافته‌ها در اظهارات دکتر شاکری که صراحت بخشی به آنها می‌تواند بحث را از نقطه‌ای که ایشان پایان داده است، آغاز کند و گامی فراموش‌نشد.

• فراخوان نخبگان بدون متقاعدسازی آنها درخصوص مسئله‌شدگی چیزی یا پدیده‌ای یا واقعه‌ای امکان‌پذیر نیست. در غیر این صورت، فراخوان، صورت دستوری و بخشنامه‌ای و سفارشی پیدا می‌کند و جز به اقدامات صوری و بی‌حاصل / کم‌حاصل نمی‌انجامد. به این منظور، اساسی‌ترین اقدام، تبدیل موضوعی به نام «سوژه ایرانی» به یک مسئله است، زیرا هر رخداد بزرگ اجتماعی داعیه خلق سوژه خاص خود را دارد و با خلق آن، خواه ناخواه یک «سوژه غالب» و پرشمار «سوژه‌های حاشیه‌ای» می‌آفریند. همان‌طور که انقلاب اسلامی داعیه خلق سوژه‌ای را داشت که دفاع مقدس، نه فقط

آن را به تمامی تجسد بخشید که میدان فراخی برای عینیت‌یابی توانمندی‌هایش فراهم آورد.

در کتابی که پیش‌تر به آن ارجاع دادم، «تیرگی درخشان»، طاهایی تصریح می‌کند «بسیجی در ابتدا و انتها از طریق امام خمینی تعریف می‌شود و به نوعی تداوم انقلابی‌گری مقدس امام خمینی است» از حیث «شجاعت و تحقیر مرگ، ستم‌ستیزی، سوز و حال بندگی، سیاسی بودن

می‌توان احتمال داد
گفت‌وگویی که
دکتر شاکری به آن نظر دارد
و متوقع است
میان نخبگان جامعه
با یک تجربه «کیفی»
به نام «تجربه زیستمان
انسان ایرانی در دفاع مقدس»
درگیرد، گفت‌وگویی
با رعایت توأمان اصولی
هفتگانه باشد.

که قدرت را در دست دارد و دوم، تعیین مشروعیت آن نظام.

استنباط من این است که ترغیب شدن نخبگان به اجابت فراخوان گفته‌شده، فقط در صورت لحاظ شدن دو شرط فوق امکان‌پذیر است؛ یعنی در چنین حالتی، مسئله محقق به ماهیت آنچه به عنوان «واقعیت اجتماعی» می‌شناسیم، نزدیک می‌شود و این استعداد

را پیدا می‌کند که از درون تکثیر شود به پرشمار مسئله آموزشی (در مقاطع متفاوت)، تربیتی و تعلیمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و انتظامی، امنیتی (در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی) و.... آن‌گاه می‌توانیم ادعا کنیم ما با مسئله / مسئله‌شدگی سوژه ایرانی دفاع مقدسی مواجهیم. چنین بینگرایی که قرابت مسئله با واقعیت اجتماعی اکنون یک جامعه (در اینجا جامعه ایرانی حال حاضر)، در مقام مثال، چونان قرابت بذر و زمین حاصلخیز است. با رعایت آن دو شرط، محقق، بذر مسئله را در زمینی مستعد می‌افشاند و آن بذر به سرعت فراگیر می‌شود و دیگران رغبت دارند در رشد و گسترش آن، سهم و بهره‌ای داشته باشند و

مسئله محقق را از آن ذهن و زبان و ضمیر خود کنند.

با توضیح فوق، می‌توان احتمال داد گفت‌وگویی که دکتر شاکری به آن نظر دارد و متوقع است میان نخبگان جامعه با یک تجربه «کیفی» به نام «تجربه زیستمان انسان ایرانی در دفاع مقدس» درگیرد، گفت‌وگویی با رعایت توأمان اصول هفتگانه زیر باشد:

بازخوانی این زیستمان، بازشناسی ظرفیت‌های

بالقوه و بالفعل آن، بازنگری شرایط و موقعیت‌های فعلی در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی برای فراهم کردن عرصه نظر و عمل برای سوژه دفاع مقدسی، بازاندیشی قانون‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اتخاذشده و برنامه‌ریزی‌های در دست انجام و اجرا به منظور انطباق آنها با تجربه زیستمانی مدّ نظر، بازکاوی موانع بازدارنده بر سر راه این مهم، بازسامان‌دهی این تجربه با هدف

به‌روزرسانی آن، بازگفت و بازنوشت و بازتکرار درس‌ها و دستاوردهای انقلاب و دفاع با هدف آماده‌کردن زمین بازی برای سوژه ایرانی دفاع مقدسی، این بار به نفع پیش‌بینی آینده و بازدارندگی جامعه از خطر درافتادن در چالش‌های تباه‌کننده آتی.

اما به‌زعم من، چنین گفت‌وگویی فقط می‌تواند در عالم ذهن و انتزاع به وقوع بپیوندد و شاید بهتر باشد در معرفی آن، اصطلاح مونولوگ را به‌کار بگیریم. درحالی‌که اگر سوژه ایرانی دفاع مقدسی به یک مسئله در ایران معاصر تبدیل شده باشد و ما بتوانیم از آن به امر پارلمنتیک یا مسئله‌مندسازی شده یاد کنیم، به این معناست که سه اتفاق مبارک افتاده است: یکی اینکه، به جای

اولویت دادن به پاسخ این پرسش که «چه باید کرد؟» پرسش «به چه باید اندیشید و چگونه؟» اولویت می‌یابد؛ دوم اینکه، معلوم است وقتی داریم فکر می‌کنیم به چه بایسته است بیندیشیم، پس امکان ایجاد تغییر و مداخله در امور و بهبود موقعیت وجود دارد؛ و سوم اینکه، چون بحث از «سوژه»، هرگز بحثی فارغ از قدرت نیست، در تعیین خروجی چنین گفت‌وگویی با مشارکت نخبگان، حتماً نوع

اصول هفتگانه:

بازخوانی این زیستمان،
بازشناسی ظرفیت‌های
بالقوه و بالفعل آن،
بازنگری شرایط و موقعیت‌های
فعلی در سطوح ملی
و منطقه‌ای و بین‌المللی،
بازاندیشی قانون‌گذاری‌ها و
سیاست‌گذاری‌های اتخاذشده،
بازکاوی موانع بازدارنده
بر سر راه این مهم،
بازسامان‌دهی این تجربه
با هدف به‌روزرسانی آن،
بازگفت و بازنوشت و بازتکرار
درس‌ها و دستاوردهای انقلاب

تأملی بر آنچه به نقل از طاهایی در توصیف موجودیت فلسفی بسیجی و فلسفه وجودی این انسان گفته شد، بیانگر وجود یک تناقض روش‌شناختی در بحث دکتر شاکری است و آن، رفت و برگشت ایشان میان رویکرد مدرن به انسان به مثابه سوژه قدرت و رویکرد فلسفی-عرفانی به انسان به مثابه ابره شناخت.

● مزیت ورود به بحث «تجربه زیستمانی انسان ایرانی در دفاع مقدس» با رویکرد مسئله‌شناختی و از زاویه این تحلیل که تاریخ معاصر سوژه در ایران، اکنون اقتضای ظهور و بروز چه سوژه‌ای را دارد، این است که هم نوع پرسش‌های ما را در نگاه به تجربه زیست شده طی دفاع مقدس و سوژه برآمده و بالیده در خلال این تجربه تغییر می‌دهد، هم به پرسش‌های بیش از پاسخ‌ها اهمیت می‌دهد، چندان که اساساً پرسش‌ها را در کانون تحلیل می‌نشانند و سپس به کمک تحلیل، آنها را هرچه بهتر و روشن‌تر صورت‌بندی می‌کند و اجازه می‌دهد پرسش‌ها به گفتمان درآیند.

مرادم از تصریح به اینکه وجود یک چارچوب تحلیلی چه نقشی در طرح دقیق‌تر مسئله‌ها و پرسش‌ها،

طرح بحث و نقد و نظر، و راهکارها و پیشنهادها دارد، این است که بگویم چرا بحث‌هایی نظیر بحث دکتر شاکری، به گفتمانی برای شناخت روابط قدرت و سوژه و افشای ماهیت آن یا آشنایی‌زدایی از این روابط تبدیل نمی‌شوند و در همان نقطه پایان، حیاتشان پایان می‌پذیرد. حال آنکه مطلوب این است که تازه در ذهن مخاطبان، حیات جدیدی را آغاز کنند. ■

نظام سیاسی و مشروعیت آن نقش اساسی خواهد داشت. ● به‌نظرم لازم باشد به بحث دکتر شاکری درباره فاعلان انسانی و نهادها (که در بند یک به آن پرداخته‌ام، مبنی بر کاهش تدریجی کنشگری سوژه ایرانی دفاع مقدس از بعد از اتمام دهه نخست انقلاب به این سو) همچنان از زاویه نظام سیاسی نگاه کنیم. در این صورت، در خواهیم یافت که از دهه دوم به بعد از عمر چهل‌واندی انقلاب اسلامی،

ما شاهد رشد و پاگیری شکلی از اشکال نظام سیاسی مدرن در ایران هستیم که در آن، نظام سیاسی، به واسطه نهادهای آموزشی، هنری، رسانه‌ای، فرهنگی، رفاهی، خدماتی، قضایی و امنیتی، از احاد مردم، شهروند می‌سازد و آنها را در موقعیت شهروندی قرار می‌دهد؛ یعنی یکی از وظایف نظام سیاسی، می‌شود شهروندپروری یا ایجاد توانایی‌ها و آمادگی‌های شهروندی به کمک نهادهای گوناگون، به‌ویژه نهادهای آموزشی و فرهنگی. پس ناگفته پیداست که سوژه آرمانی و مطلوب، تغییر یافته و تبدیل شده به سوژه مدنی.

به‌نظرم ضعف روش‌شناختی بحث دکتر شاکری در این است که به‌رغم کاربرد اصطلاح سوژه (که

پیش‌تر هم تصریح کردم، کاربرد این اصطلاح خواه‌ناخواه ملاحظه روابط درهم‌تنیده سوژه با قدرت را الزامی می‌کند و ناگزیر از بها دادن به جایگاه و نقش نظام سیاسی و مشروعیت آن در برآمدن و بالیدن سوژه‌ای خاص است، تقریباً فارغ از واقعیت‌های امروز جامعه ایران است و نمی‌تواند به نفع برون‌رفت از تنگنای امروز ایران، به راهبردی مؤثر بینجامد.

**ضعف روش‌شناختی
بحث دکتر شاکری در این است
که به‌رغم کاربرد اصطلاح سوژه
(که پیش‌تر هم تصریح کردم،
کاربرد این اصطلاح خواه‌ناخواه
ملاحظه روابط درهم‌تنیده
سوژه با قدرت را
الزامی می‌کند و ناگزیر از بها
دادن به جایگاه و نقش نظام
سیاسی و مشروعیت آن
در برآمدن و بالیدن سوژه‌ای
خاص است)، تقریباً فارغ از
واقعیت‌های امروز جامعه ایران
است و نمی‌تواند
به نفع برون‌رفت از تنگنای
امروز ایران، به راهبردی
مؤثر بینجامد.**



گزارش نشست

وجوه افتراق و اشتراک شعر دفاع مقدس و شعر دوره پهلوی دوم

گروه مرجع ادبیات دفاع مقدس

فارغ‌التحصیل دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه قم و دارای مدرک درجه یک هنری در رشته شعر از شورای عالی ارزشیابی هنرمندان است. او در جشنواره‌هایی همچون جشنواره بین‌المللی طنز و جشنواره فجر در بخش فعالیت‌های ادبی رتبه نخست را به دست آورده و افزون بر این دبیری علمی دوره‌های نهم و دهم جشنواره شعر فجر را نیز بر عهده داشته است. دکتر امینی در داوری و

دومین نشست از سلسله نشست‌های گروه دفاع مقدس اندیشکده ادبیات‌پایداری، روز سه‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۱ از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در سالن صفارزاده حوزه هنری برگزار شد. موضوع این نشست «بررسی وجوه افتراق و اشتراک شعر دفاع مقدس و دوره پهلوی دوم» بود و در آن دکتر اسماعیل امینی پیرامون این موضوع سخنرانی کردند. دکتر اسماعیل امینی، متولد سال ۱۳۴۲ ش،

ذاتی و بخشی اکتسابی‌اند. محیط زندگی، وراثت، تربیت، مطالعه و سایر دریافت‌ها می‌توانند برای هر یک از انسان‌ها تجربه‌های منحصر به فردی را به وجود آورند. در این میان، هنرمند کسی است که اشارت‌های عالم را درک می‌کند و می‌تواند آن‌ها را بیان نماید:

«افتاد

آنان که برگ - آن اتفاق زرد - می‌افتد

افتاد

آنان که مرگ - آن اتفاق سرد - می‌افتد

اما

او سبز بود و گرم که

افتاد...» (قیصر امین‌پور)

تجربه‌های خاص یکی از راه‌هایی است که شاعران، خلاقیت خود را از آن راه بروز می‌دهند و در واقع تکیه اصلی سبک شخصی شاعر هم به همین است و باعث می‌شود سبک شاعران با یکدیگر تفاوت پیدا کند. این تجربه‌های خاص در بسیاری از وجوه دیگر شعر از جمله زبان و دایره واژگان نیز تأثیرگذار است.

فرهنگ عمومی و نظام‌های معنایی رایج در جامعه

ساختار جامعه بر چگونگی نگرش افراد اثرگذار است و با توجه به گسترش راه‌های ارتباطی، نظام‌های رایج در کل جهان بر فرد تأثیر می‌گذارد. یکی دیگر از این عوامل، مطالعات شاعر است. جهان بینی نویسندگان و شاعران را می‌توان از آثارشان دریافت. این تأثیرپذیری در ساخت معنایی شعر هویدا می‌شود. برون داد افراد بسته به نوع جامعه و تأثیری که از آن می‌پذیرند، متفاوت است. در عصر مشروطه مسائلی مانند آزادی، قانون و وطن اولویت یافته و این مسائل در شعر شاعران آن دوره نمود پیدا می‌کند و در این میان حتی واژگان دچار تحول معنایی می‌شوند. برای مثال، واژه «ملت» که تا پیش از مشروطه به معنای «دین» به کار می‌رفت، پس از آن دچار تحول معنایی شده و به معنای «مردم» به کار می‌رود.

کارشناسی جشنواره‌ها و کنگره‌ها تجربه زیادی دارد و مدت زیادی هم به فعالیت مطبوعاتی در حوزه نقد ادبی، طنز و شعر مشغول بوده است.

محورهای نشست

مطالب نشست پیرامون سه عنوان زیر مطرح شد:

- تکیه‌گاه‌های مفهومی شعر و مؤلفه‌های نظام معنایی در شعر؛
- جهان‌نگری و کلان‌روایت‌های حاکم بر زبان و بیان شعری؛
- مخاطبان مفروض شعر و تأثیر آن در تحولات زبانی، زیبایی‌شناسی و جهان‌نگری شعر.

تکیه‌گاه‌های مفهومی شعر

و مؤلفه‌های نظام معنایی در شعر

تکیه‌گاه‌های معنایی شعر در دوره پهلوی دوم و دفاع مقدس را می‌توان در ۵ گروه دسته‌بندی و وجوه افتراق و اشتراک شعر دو دوره را با توجه به این گروه‌ها بررسی کرد.

تجربه‌های عام

تجربه‌های عام از تعامل انسان با جهان درون و بیرون برمی‌آید. شعرهای برآمده از این تجربه‌ها برای همه قابل فهم است و حتی در ترجمه از زبانی به زبان دیگر هم به راحتی فهمیده می‌شوند. برای مثال بیت: دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تشنه‌ای ببارد (سعدی) از این نوع است.

تجربه‌های عام انسانی دچار تغییر نمی‌شوند از همین رو این تجربه‌ها در شعر دوره پهلوی و شعر دفاع مقدس یکسان‌اند و دستخوش تحولی نشده‌اند.

تجربه‌های خاص

هر انسانی دارای تجربه‌های خاصی است که بخشی

آشکار است. البته این مشخصه در شعر شاعران دوره پهلوی دوم نیز به صورت بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود.

جهان‌نگری و کلان‌روایت‌های حاکم بر زبان و بیان شعری

در جامعه‌شناسی ادبیات، جهان‌نگری و کلان‌روایت‌های حاکم بر زبان و بیان ادبی در شعر هر دوره بسیار مؤثر است. ویژگی جهان‌نگری و کلان‌روایت حاکم بر زبان شعر آن است که هم مؤلف از آن باخبر است و به آن دل بستگی دارد و هم مخاطبش. برای مثال یکی از مهم‌ترین کلان‌روایت‌های حاکم بر شعر دفاع مقدس، رویدادهای صدر اسلام و واقعه عاشورا است. این ویژگی در شعر دوره پهلوی دوم هم به صورتی گذرا به چشم می‌خورد، ولی تمرکزی روی آن نیست. کلان‌روایت حاکم بر شعرهای آن دوره بیشتر رویدادهای اساطیری هستند. در شعر دفاع مقدس هم کلان‌روایت‌های اسطوره‌ای وجود دارند اما تکیه‌گاه اول نیستند. جهان‌نگری حاصل از این دو کلان‌روایت با هم تفاوت دارند؛ جهان‌نگری حاصل از اساطیر به رویدادهای روزگار و زندگی قهرمان می‌پردازد و با مرگ او پایان می‌پذیرد. اما در جهان‌نگری حاصل از کلان‌روایت عاشورا زندگی قهرمان با کشته و مجروح شدن و اسارت پایان نمی‌پذیرد و همه چیز در عالم محسوسات خلاصه نمی‌شود. سخن‌گوی اصلی این روایت شاعران نیستند، بلکه مردمانی در حال دفاع از وطنشان هستند. از همین رو، حتی اگر این جهان‌نگری مورد پسند شاعر نبوده، در شعرش بازتاب یافته است. اما در شعر دوره پهلوی دوم، روشنفکر خودش را در جایگاه تولید اندیشه و جهان‌نگری می‌داند، بنابراین روایت برگزیده خود را در شعر می‌آورد، فارغ از این‌که در جامعه رواج داشته باشد یا نداشته باشد. برای مثال اسطوره مظلومیت حضرت مسیح (ع) و دلاوری نیروهای مقاومت در برابر فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی هم در شعر این دوره به چشم می‌خورند.

در دوران پهلوی دوم فرهنگ عمومی حاکم بر فضاهای روشن‌فکری و فضای شعری، بیشتر برگرفته از چپ‌گرایی و اندیشه چپ‌گرایان بود. حتی کسانی هم که چپ‌گرا نبودند از این اندیشه‌ها تأثیر پذیرفتند. مفاهیمی همچون قهرمان‌سازش‌ناپذیر، تقابل طبقاتی و تقابل با حاکمیت سیاسی در فرهنگ شعری آن روزگار بسیار رایج است. تأثیر اندیشه چپ تا این دوران هم ادامه دارد. در شعر دفاع مقدس چندان تحول معنایی در حوزه فرهنگ عمومی دیده نمی‌شود. فرهنگ عمومی همان است فقط برخی تکیه‌گاه‌هایش متفاوت شده است.

هنجارهای معنایی رایج در فرهنگ و زبان شعری

تکرار برخی هنجارها در شعر آن‌ها را به صورت پشتوانه فرهنگی شعر ما درآورده و به موتیف‌ها یا همان بن‌مایه‌های تکرارشونده تبدیل شده‌اند. استعاره‌های مفهومی هم از این دست هستند. برخلاف دوره پهلوی دوم در شعر جنگ / دفاع مقدس استعاره‌های مفهومی و انتزاعی کاربرد زیادی نداشته است. جنگ، جنگ میدانی است و در این فضا چنین استعاره‌هایی کاربرد چندانی ندارد.

بافت موقعیت و تعامل شاعر با وقایع زمانه

شاعران عصر تجدد بر این باور بودند که شعر سده‌های پیشین، در خلوت‌گاه زیبایی‌شناسی سنتی و نظام معنایی حاصل از مطالعه شعر و کتاب محصور است و با رویدادهای زمان و جهان محسوس خود ارتباط ندارد و شاعران سده‌های پیشین از تعامل با روح زمانه بی‌بهره بودند.

وجه اصلی افتراق شعر دفاع مقدس با شعر دهه چهل و پنجاه در همین نکته است که در شعر دفاع مقدس بافت موقعیت و تعامل شاعر با رویدادهای زمانه بسیار برجسته است. شاعران این دوره خود در صحنه جنگ حضور داشتند و تأثیر شرایط بر آن‌ها در شعرشان

در سال‌های ابتدایی جنگ فرهنگ یا کلان‌اندیشه غالب در میان حاکمیت و مردم به هم نزدیک می‌شود، اما به مرور کلان‌اندیشه حاکمیت با مردم فاصله می‌گیرد و شعر را به سمت روایت رسمی می‌برد.

کلام آخر

شعر در هر دوره‌ای تابع تفکر شاعر، زمانه و رویدادها است. هر دوره‌ای دارای مشخصه‌هایی است و در عین حال پیوند خود را با دوره‌های پیشین قطع نمی‌کند.

افتراق و اشتراک شعر دفاع مقدس و دوره پهلوی دوم، بر پایه سه مؤلفه بررسی شد که در هر سه مؤلفه، وجوه اشتراک و افتراق دیده می‌شود. در مؤلفه نخست، پنج عنصر برای بررسی تکیه‌گاه‌های مفهومی بررسی شدند که فقط در یک مورد اشتراک کامل وجود داشت و در چهار عنصر دیگر، اشتراک و افتراق - هر دو - دیده می‌شود. مهم‌ترین عنصر تفاوت شعر دو دوره در این مؤلفه، یافت موقعیت است. با وجود تکیه‌گاه‌های مشترک در هر دو دوره، به علت غلبه یک تکیه‌گاه در هر دوره، شعر این دو با هم متفاوت می‌شود. جهان‌نگری و کلان‌روایت‌های حاکم بر زبان و بیان شعری هم در دو دوره متفاوت‌اند. کلان‌روایت‌های هر دو مشترک‌اند اما بیان شعری بر اساس کلان‌روایت‌های غالب است و همین باعث تغییر می‌شود. تفاوت مخاطبان شعر دو دوره نیز موجب متفاوت شدن شعر این دو دوره است.

شعر دفاع مقدس، از وجوه دیگری نیز قابل مقایسه و بررسی است. یکی از برنامه‌های گروه دفاع مقدس شناسایی این وجوه و بررسی آن‌ها در نشست‌ها و برنامه‌های آینده است.

برای ارتباط با گروه دفاع مقدس اندیشکده ادبیات پایداری می‌توانید دیدگاه‌ها، نظرات و طرح‌های پیشنهادی خود را به نشانی andishkadeh.defa@yahoo.com ارسال فرمایید. ■



مخاطبان مفروض شعر و تأثیر آن

در تحولات زبانی، زیبایی‌شناسی و جهان‌نگری شعر

مخاطب شعر دوره پهلوی از نظر فکری، طبقات برگزیده هستند؛ یعنی اهل مطالعه و کتاب‌اند. اما در شعر دوره دفاع مقدس مخاطب مفروض تمام طبقات جامعه هستند و طبقات برگزیده هم مانند سایر مردم در جریان جنگ مستحیل شده‌اند. همه در کنار هم برای بیرون راندن دشمن می‌جنگند و دفاع می‌کنند. این صورت غالب شعرهای این دوره است.

دوره‌های شعر دفاع مقدس

گفتنی است شعر دوره دفاع مقدس در سال‌های آغازین جنگ، شعر ناگزیر است ولی به تدریج، با انسجام نیروهای ایرانی و دفاع مقتدرانه، شعر در این دوره تثبیت می‌شود و از حالت ناخودآگاه به حالت خودآگاه درمی‌آید.

پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، شعرها صورت روایت رسمی پیدا می‌کنند و رفته‌رفته روایت‌های غیررسمی چندان بازتاب نمی‌یابند و جهان‌نگری برگرفته از تحولات طبیعی جامعه تبدیل به روایت رسمی می‌شود. در روایت رسمی که اسطوره‌ای بر ساخته است، همه چیز در حد کمال و عالی است.

گزارش نشست

«شعر اعتراض»

گزارشی از نشست تخصصی گروه انقلاب اسلامی

گروه مرجع ادبیات انقلاب اسلامی



ایران اهمیت دارد. در این میان شنیدن صدای اعتراض اهل ادب و به‌ویژه شاعران به عنوان اولین کنشگران ادبی، از خلال سروده‌های خود می‌تواند در ادبیات این مقطع زمانی قابل تأمل و درنگ باشد. از این‌رو در ۲۸ آذر ۱۴۰۱ نشست با عنوان «شعر اعتراض» برگزار شد. رویکرد اصلی این نشست بررسی بازتاب اعتراض و نقدهای

ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیاتی جاری و سیال است و آن‌چه امروز در فضای شعر و داستان و ادبیات ایران روی می‌دهد، باید در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی بررسی شود. از این منظر، توجه به فضاها و موضوعات مطرح در عرصه ادبیات، خصوصاً با توجه به جریان‌ات و اعتراضات اخیر (تابستان و پاییز ۱۴۰۱) در فضای سیاسی و اجتماعی

اسلامی حضوری فعال داشته‌اند. با توجه به اتفاقات اخیر، انتظار می‌رود که شاعران انقلاب، نویسندگان و هنرمندان، موضع خود را نشان بدهند و حضور تأثیرگذار و فعال داشته باشند. از آن جا که حوزه هنری، پایگاه شاعران، ادیبان و هنرمندان انقلاب است، شایسته است نشست‌هایی با این موضوع، برگزار کند و در جریان برگزاری نشست‌هایی از این دست، فرهیختگان، نخبگان و اهالی فکر و فرهنگ را به تعامل و هم‌اندیشی و هم‌افزایی دعوت کند تا در عرصه تبیین اتفاقات اخیر سهمی داشته باشد و از این طریق، به دیدگاه‌های هنرمندان توجه بیشتری شود. این نشست‌ها باید رنگ و بویی از شرایط روز جامعه داشته باشد و مطابق مطالبات و انتظارات جامعه حرکت کند. حوزه هنری به عنوان پرچمدار، باید از نمایندگان مجلس به ویژه اعضای کمیسیون فرهنگی دعوت کند تا در تعامل اهل ادب و سیاستمداران، راهکارهای خوبی پیشنهاد و ارائه دهد. بایسته است برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی که از مطالبات مقام معظم رهبری است مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

رسالت هنرمند ترویج زیبایی‌ها و خوبی‌ها است

تولستوی رمان نویس نام‌آور روسی در کتابی با موضوع فلسفه هنر، با عنوان هنر چیست؟ می‌گوید: «هنر باید یک ارتباط احساسی مشخص بین هنرمند و مخاطب ایجاد کند، طوری که مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین هنر واقعی باید برای متحد کردن مردم از طریق ارتباط ظرفیت لازم را داشته باشد. هنر انسان را از حیات فردی به حیات جمعی ارتقا می‌دهد، هنر خوب اتحاد برادرانه میان انبای بشر است.» این تعریف به آموزه‌های دینی ما بسیار نزدیک است. وقتی از هنر اسلامی سخن می‌گوییم، جان مایه و درون مایه هنر اسلامی، تعهد است و از نظر تولستوی، از مؤلفه‌های هنر خوب، داشتن محتوای ارجمند و انسانی است. به عبارت دیگر صداقت و صمیمیت هنرمند در آفرینش آثار هنری مهم‌تر از مباحث

درون‌گفتمانی در فضای شعر شاعران بود. اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی پیشینه‌ای طولانی دارد و شاعران نسل اول انقلاب، پرچمدار شعر اعتراض و آغازگر این راه بوده‌اند.

سخنران این نشست، رضا اسماعیلی، شاعر، منتقد و پژوهشگر ادبی از چهره‌های آشنای ادبیات انقلاب اسلامی بود که او را با آثار گوناگونی اعم از شعر و کتاب‌های نقد و پژوهش می‌شناسیم. برخی از فعالیت‌ها و سوابق علمی و اجرایی ایشان بدین شرح است: عضو هیئت مدیره انجمن قلم ایران، عضو شورای عالی شعر و موسیقی صدا و سیما، رئیس شورای شعر سازمان بسیج هنرمندان و صاحب ۵۸ اثر شامل پژوهش، مجموعه مقالات، تذکره ادبی و شعر.

در این گزارش چکیده‌ای از محتوای نشست، در چند محور اصلی پیش روی خواهد آمد. این محورها عبارتند از:

- حوزه هنری و پرچم‌داری ادبیات انقلاب اسلامی؛
 - رسالت هنرمند ترویج زیبایی‌ها و خوبی‌ها است؛
 - رسالت شعر اعتراض، بیان دردها است؛
 - پیشینه شعر اعتراض؛
 - اعتراض در عصر مشروطه؛
 - مؤلفه‌های مضمونی شعر اعتراض؛
 - انواع اعتراض و تقسیم‌بندی شاعران معترض در جریان‌ات اخیر؛
 - جمع‌بندی.
- پیش از این در شهریور ماه سال جاری، نشستی با عنوان «متن انقلاب و انقلاب متن» با سخنرانی فریدون اکبری شلدره در همین گروه برگزار شد که گزارش آن در شماره پنجم اندیشه‌نامه پایداری درج گردید.

حوزه هنری و پرچم‌داری ادبیات انقلاب اسلامی

اصحاب فکر و فرهنگ، به‌ویژه شاعران و نویسندگان گفتمان انقلاب اسلامی، همیشه دغدغه‌مند بودند و همواره در فراز و نشیب تاریخ چهل و سه ساله انقلاب

می‌بینیم و در می‌یابیم که دغدغه اصلی آنها حفظ حرمت انسان و احیای کرامت‌های انسانی بوده است.

رسالت شعر اعتراض، بیان دردها است

اعتراض فرزند درد است. فریاد، نشان دهنده درد کشیدن است. در حال حاضر فریادهای اعتراضی که در عالم شعر و ادبیات بلند شده، فریاد شاعرانی دغدغه‌مند است؛ شاعرانی که با تشخیص درد، در پی راه درمان‌اند. خاموش کردن این صداها، به ضرر خود ماست. بدن انسان حسگر دارد و وقتی دچار جراحت می‌شود، زنگ خطر آن درد است. افراد معتاد به دلیل استفاده از مواد مخدر و فرسایش ناشی از آن، درد را احساس نمی‌کنند. این افراد، وقتی مریض می‌شوند خودشان متوجه نمی‌شوند، چون درد نمی‌کشند. چون آن قدر مُسکن در درونشان انباشته شده که عصب‌ها را از کار انداخته است. وقتی ما درد را احساس نکنیم، روز به روز تحلیل می‌رویم و دچار مرگ خاموش می‌شویم. جامعه همین حکم را دارد. وقتی شاعران و نویسندگان در مقابل ناهنجاری‌ها فریاد نکشند، جامعه روز به روز فرسوده‌تر می‌شود و زمانی از خواب بیدار می‌شود که کار از کار گذشته است.

پیشینه شعر اعتراض

پیشینه شعر اعتراض در ادبیات فارسی به قرن پنجم و ششم و اشعار ناصرخسرو و سنایی برمی‌گردد. این دو شاعر در ابتدای زندگی‌شان یک دوره خاکستری داشته‌اند. آن‌ها در دوران جوانی به دربار وابسته بودند، اما بعدها تحولی در روح و زندگی‌شان ایجاد شد و به انسان‌های متعالی تبدیل شدند. در دوران بعد از تحول، شعرشان به شعر سیاسی-اجتماعی تبدیل شد و به واگویه دردهای اجتماعی پرداختند.

از دیگر شاعرانی که کمتر در حوزه شعر به او اشاره شده، سیف فرغانی است. او پنجاه سال پیش از حافظ زندگی می‌کرد و یکی از بزرگ‌ترین منتقدان و شاعران زمانه

تکنیکی و فرمی است. دیگر این که هدف غایی و نهایی هنر، تولید و خلق زیبایی و یا التذاذ هنری نیست؛ بلکه لذت هنری در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. هنرمند باید با صمیمت و صداقت دست به خلق هنر بزند، محتوای ارجمند و انسانی و بیان احساسات و عواطف داشته باشد، طوری که این احساسات، مخاطب را دچار انفعال عاطفی کند و در او تأثیر بگذارد. هنرمند باید هنر خود را به ساده‌ترین زبان بیان کند که مخاطب آن را بفهمد. به نظر تولستوی زمانی که هنر حرفه‌ای می‌شود، نقدنویسان درباره رموز و پیچیدگی آن هنر بحث می‌کنند تا بفهمند لایه‌های درونی و پنهانی آن چیست.

بنابراین هنرمند باید نماینده و سخنگوی افکار عمومی جامعه و در کنار مردم باشد و در عین حال حلقه پیوند مردم با دولتمردان و مسئولان باشد. دغدغه‌ها و مطالبات مردم را بشناسد و آن‌ها را به صورت تلطیف شده و با لحاظ کردن مسائل سیاسی، اجتماعی و امنیتی به دولتمردان و مسئولان انتقال دهد. یک هنرمند، ادیب، شاعر و یا نویسنده باید با زبان ادبی و با لهجه مردم صحبت کند؛ یعنی باید به واسطه ادبیات به عرصه سیاست ورود پیدا کند. سیاستمداران را عتاب و خطاب کند، مطالبه‌گری کند و این رسالت هنرمند است. معمولاً هنرمندان در تمام دوره‌ها مطالبه‌گر و معترض بوده‌اند. آن‌ها از وضع موجود ناراضی و به دنبال مدینه فاضله بودند و سعی می‌کردند فاصله بین واقعیت و حقیقت را بکاهند. آن‌ها با ترسیم و ترویج زیبایی‌ها، عدالت، مردم‌داری، ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی، جامعه را به حرکت به سمت آرمان‌شهر دعوت می‌کردند. هنرمند واقعی روحی لطیف دارد و هیچ‌گاه فطرت انسانی خود را لگدمال نمی‌کند و نمی‌تواند دنبال تخلف و جرم باشد. اکثر هنرمندان فرشتگی خود را حفظ کرده‌اند و در این مسیر حرکت می‌کنند. حتی وقتی شعر شاعران بزرگ قبل از انقلاب را می‌خوانیم، با وجود دیدگاه‌های تند و لهجه معترض برخی از آن‌ها، روحی لطیف در آینه آثارشان

و در این گونه ادبی به چهره‌ای شاخص تبدیل شد. نکته دیگر این که ردپای شعار «زن، زندگی، آزادی» را در عصر مشروطه با یک تغییر جزئی یعنی «وطن، زن، آزادی» می‌توان یافت که شعار آزادی خواهان عصر مشروطه بوده است. اتفاقاً در این دوره شاعران بسیاری زنان را مخاطب خود قرار می‌دادند. متأسفانه ادبیات گذشته ما زن ستیز بوده و حتی بزرگ‌ترین قله‌های ادب پارسی شخصیت انسانی زن را نادیده گرفته‌اند. اما

در عصر مشروطه، به دلیل توجه به آزادی‌های اجتماعی، بسیاری از شاعران آزادی خواه در اشعار خود زنان را مخاطب قرار می‌دهند.

زبان شعر اعتراض در عصر مشروطه کلیشه‌ای و به دور از نوآوری و خلاقیت است. البته اعتراض‌ها صبغه و لهجه سیاسی- اجتماعی تند دارند؛ ولی در دوران پهلوی و با ظهور نیما یوشیج و شاعرانی همچون احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، حمید مصدق و بسیاری از شاعران پیرو نیما، در زبان، طراوت و نوآوری‌های خاصی دیده می‌شود و به دلیل استبداد جامعه رضاخانی، نوعی از سمبولیسم اجتماعی در شعر بروز می‌یابد تا شاعرانی مثل نیما و بیروانش در لافافه ایهام و در قالب سمبل (نماد) حرف‌های سیاسی خود را بزنند. از این منظر، هرچند نیما معتقد بود که باید به طبیعت صمیمی زبان برگردیم اما باید شعر او را رمزگشایی کرد.

پس از مشروطه، شاعران عصر انقلاب اسلامی در حوزه شعر اعتراضی- انتقادی و شعر سیاسی- اجتماعی سنگ تمام گذاشتند. مثنوی «باز امشب هوس گریه

خود بود. در روزگار تاخت و تاز ایلخانان مغول، سیف فرغانی، قصاید فراوانی در انتقاد به مغولان و نقد جامعه روزگار خود سرود که بعدها حافظ نیز در غزل راه او را دنبال کرد. پس از او از حضرت حافظ می‌توان نام برد که یکی از سیاسی‌ترین و معترض‌ترین شاعران تاریخ ادبیات ایران و حتی جهان است. بنابراین می‌توان از ناصر خسرو، سنایی و سیف فرغانی به عنوان شاعران آغازگر شعر اعتراض یاد

کرد. سیف فرغانی همان شاعری است که در رثای امام حسین (ع) قصیده عاشورایی معروف «ای قوم درین عزا بگریید / بر کشته کربلا بگریید» را سروده است. شعر سیف فرغانی، به ویژه قصاید انتقادی اش را می‌توان در حوزه شعر سیاسی- اجتماعی مورد بررسی قرار داد. چرا که در عصر مغولان که کسی جرأت نفس کشیدن نداشت، او با صلابت و استواری اعتراض می‌کند.

اعتراض در عصر مشروطه

عصر مشروطه، عصر بیداری است و بزرگ‌ترین شاعران انتقادی، سیاسی و اجتماعی، در این عصر ظهور کرده‌اند. عارف قزوینی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا، ملک الشعراء بهار، پروین اعتصامی، ابوالقاسم لاهوتی، فرخی

یزدی از شاعران نام‌دار این دوره به شمار می‌روند.

در شعر اعتراضی عصر مشروطه، شاخه‌های بسیاری مانند شعر کارگری، شعر چریکی، شعر چپ، حبسیه‌ها، غزل سیاسی و... داریم. هرچند در این دوره، فرخی یزدی به عنوان شاعر شاخص عصر مشروطه غزل‌های سیاسی سرود، در عصر انقلاب اسلامی دوران جنگ تحمیلی- نصرالله مردانی «غزل حماسی» را به اوج رساند

تولستوی رمان نویس
نام‌آور روسی در کتابی با
موضوع فلسفه هنر، با عنوان
هنر چیست؟ می‌گوید:
«هنر باید یک ارتباط احساسی
مشخص بین هنرمند و
مخاطب ایجاد کند،
طوری که مخاطب را تحت تأثیر
قرار دهد. بنابراین هنر واقعی
باید برای متحد کردن مردم
از طریق ارتباط ظرفیت لازم را
داشته باشد.

هنر انسان را از حیات فردی
به حیات جمعی ارتقا می‌دهد،
هنر خوب اتحاد برادرانه
میان ابنای بشر است.»

امروز، «ایران» یکی از کلیدواژه‌هاست. عدالت خواهی، آزادی خواهی، ظلم‌ستیزی و مظلوم‌نوازی، فقرستیزی و به ویژه توجه به بانوان در عصر مشروطه مورد توجه بودند. روشنگری و اصلاح‌طلبی چیزی نیست که بعد از انقلاب ایجاد شده باشد. ما در طول صد سال گذشته به ویژه عصر مشروطه - مصلحان بزرگ اجتماعی داشته‌ایم. سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد خیابانی، علامه اقبال لاهوری، سید قطب، مرتضی مطهری، امام خمینی و بسیاری از بزرگان، اصلاح‌طلب و روشنگر بودند. «اصلاح‌طلبی» جزو کلیدواژه‌های شعر اعتراضی است. از رسالت‌های شاعران معترض تقویت روح اتحاد، برادری و هم‌بستگی ملی و ترویج قانونمندی است. کلیدواژه «آزادی» هم یکی از اصلی‌ترین کلیدواژه‌های شعرهای سیاسی و اجتماعی است. اعتراض به دورویی، نفاق و تزویر در شعر اعتراض به ویژه در شعر سنایی، حافظ و سیف فرغانی و در دوران مشروطه هم در شعر شاعرانی چون پروین اعتصامی پیداست. این مضمون در شعر معروف «محتسب» پروین اعتصامی دیده می‌شود.

انواع اعتراض

و تقسیم‌بندی شاعران معترض در جریانات اخیر

اعتراض را می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد:

• **اعتراض برون‌مرزی:** نوک حمله آن به سمت دشمنان خارجی، استکبار، استعمار و استثمار است، و همچنین اعتراض به مظلومی که در جهان اتفاق می‌افتد؛ مثلاً اشغال‌گری و مظلومیت فلسطین، یمن، سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان آمریکا. اعتراض شاعر در این جا به چیزی

پنهان دارم» از احمد زارعی، با زبانی تند و تیز به بحث کاخ و کوخ و شکاف طبقاتی در دهه اول پس از انقلاب اشاره می‌کند. الگوی او چهره‌های عدالت‌طلب و آزادی خواهی چون حضرت امام (ره)، شهید بهشتی، آیت‌الله طالقانی و استاد مطهری بودند. نسل اول شاعران انقلاب مثل طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور، محمدرضا عبدالملکیان و علیرضا قزوه این راه را ادامه دادند و شعرهای فراوانی با موضوع اعتراض سروده شد. برای مثال دو شعر معروف سلمان هراتی «از بی خطی تا خط مقدم» و «یک قلم ناسزا به محترک قربه الی الله»، شعر «خیابان هاشمی» از محمدرضا عبدالملکیان، «منظومه مرداب‌ها و آب‌ها» از سیدحسن حسینی در اعتراض به شرایط جامعه است. شاعران عصر انقلاب و به ویژه نسل دهه هشتاد همچون علی‌محمد مؤدب، محمد مهدی سیار، میلاد عرفان‌پور و علی داودی هم از عدالت‌خواهان نسل جدید هستند که رگه‌های عدالت‌خواهی در شعر آنان بسیار پررنگ و برجسته است و حتی در حوزه شعر طنز، که با نوعی از ملاحه و شیرینی همراه هست، اعتراض می‌کنند. شعر «شکر ایزد! فناوری داریم» از سعید بیابانکی از این زمره است.

مؤلفه‌های مضمونی شعر اعتراض

شعر اعتراض چند نشانه یا مؤلفه مضمونی دارد. نخست، بحث ملیت و ایران‌دوستی و وطن‌دوستی است. در بررسی تمام اشعار اعتراضی از عصر مشروطه تا به

اعتراض فرزند درد است.
فریاد، نشان دهنده
درد کشیدن است.
در حال حاضر فریادهای
اعتراضی که در عالم
شعر و ادبیات بلند شده،
فریاد شاعرانی دغدغه‌مند
است؛ شاعرانی که
با تشخیص درد،
در پی راه درمان‌اند.
خاموش کردن این صداها،
به ضرر خود ماست.
بدن انسان حسگر دارد و
وقتی دچار جراحت می‌شود،
زنگ خطر آن درد است.

حذف رانت خواری و اختلاس و ریشه‌کن شدن آقا‌زادگی در جامعه بودند. در دولت‌های هفتم و هشتم و عصر اصلاح‌طلبی و گفت‌وگوی تمدن‌ها، شاعران با توجه به گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه به دنبال این بودند که با شعرهای خودشان توسعه سیاسی را در جامعه تعمیم دهند. برای مثال غزل «گره‌ای وانشد از دولت دکان داران! / غرقه گشتیم ز سرگیجه سکان داران» از محمدمهدی سیار نمونه نقد درون‌گفتمانی است که بر اساس کلیدواژگان غزل، گفتمان آن عدالت‌خواهانه و به گفتمان اصول‌گرایان نزدیک‌تر است. گروه دیگری از شاعران معترض در گفتمان انقلاب، شاعران فراجناحی، مستقل یا آزاد هستند. این دسته از شاعران به ادعای خودشان وابسته به هیچ حزب و جناح و گروهی نیستند و هدف آن‌ها اعتراض به کج‌روی‌هایی است که در جامعه می‌بینند.

۲. شاعران فراجناحی به دو گروه یا شاخه تقسیم می‌شوند:

ه شاعران فراجناحی فعال یا بالفعل: یعنی شاعرانی که در طول این سه، چهار ماه اخیر (اعتراضات ۱۴۰۱) به صورت دغدغه‌مند، موضع‌مند و فعال شعر سرودند و در فضای مجازی هم دغدغه‌هایشان را به اشتراک گذاشتند. دغدغه اصلی این گروه، توسعه آزادی و آزادی‌خواهی و رفع تنگناهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. این شاعران معتقد به نظام اسلامی و ملتزم به قانون اساسی و ولایت فقیه هستند، اما در جبهه اصول‌گرایی و اصلاح‌طلب نیستند و به عنوان شاعران مستقل و آزاد، اعتراضات و مطالباتی دارند.

ه شاعران فراجناحی خاموش یا بالقوه: شاعرانی هستند که در دوران چند ماهه شکل‌گیری اعتراضات، شعرهایی سروده‌اند اما اقدام به چاپ و یا انتشار آن‌ها نکرده‌اند، چون معتقدند

است که در خارج از مرزهای ایران اتفاق افتاده است.

• **اعتراض درون‌مرزی (اعتراض به خودی):** مثلاً در دوران مشروطه اعتراض به استبداد داخلی بود. اعتراض به خودی، مواردی چون اعتراض به شکاف‌های طبقاتی، فاصله‌های اجتماعی، نشنیدن صدای بخش خاکستری یا خاموش جامعه، بی‌عدالتی، تورم، بیکاری، مسائل اجتماعی، فقر، زباله‌گردی، کارتن‌خوابی و... است. در این‌گونه ادبی، گاهی اعتراض شاعر به طیفی از سیاست‌مداران و دولت‌مردان است که در مدیریت و اداره کشور از توانمندی و کارآمدی کافی برخوردار نیستند. وجه برجسته در اعتراضات اخیر نیز اعتراض به فقدان آزادی‌های اجتماعی است. این دسته از شاعران معترض را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. **شاعران معترض در ساختار (نقد درون‌گفتمانی):** یعنی شاعرانی که در چارچوب ساختار جمهوری اسلامی و با باور به قانون اساسی، ولایت فقیه، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی با هدف اصلاح‌گری با زبان شعر و هنر انتقاد می‌کنند. شاعران مؤمن به گفتمان انقلاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

ه شاعران اصول‌گرا (عدالت‌خواه، خواهان توسعه اقتصادی)؛

ه شاعران اصلاح‌طلب (خواهان توسعه سیاسی)؛

ه شاعران فراجناحی یا مستقل و آزاد.

شاعران اصول‌گرا، گفتمان عدالت‌خواهانه دارند و بیشتر به دنبال توسعه و بازسازی بنیان‌های اقتصادی جامعه هستند. گروه دوم یا شاعران اصلاح‌طلب در چارچوب ساختار جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند، ولی هدفشان بیشتر توسعه سیاسی و دغدغه‌شان توسعه آزادی‌های اجتماعی است. مثلاً در دولت‌های نهم و دهم بیشتر بحث عدالت‌خواهی، کاستن شکاف طبقاتی و توسعه اقتصادی مطرح بود و شاعران اصول‌گرا بیشتر به نابرابری‌های اجتماعی و بی‌عدالتی اعتراض می‌کردند. این دسته از شاعران به دنبال ایجاد رفاه عمومی،



اعتراض همراه با ادب و توأم با عقلانیت، استدلال و منطق را بسیاری از مسئولان می‌پذیرند و خودشان را اصلاح می‌کنند. شاعران معترض طنزپرداز نیز با شیرینی و حلاوت خاصی همراه با ادب، شعر می‌گویند و عیب و نقص‌ها را متذکر می‌شوند. بنابراین اگر شعر اعتراض با حسن نیت و خیرخواهی همراه باشد و به نقد اجتماعی بپردازد، زمینه پذیرش آن از سوی جامعه فراهم می‌شود و جامعه ما ظرفیت نقدپذیری دارد. باید ادب و آداب اعتراض رعایت شود. شعر طنز اعتراضی، شعر کم‌هزینه‌ای است. شاعرانی که نمی‌خواهند با شعرهای جدی و انتقادی برای خودشان حاشیه درست کنند، به سایه‌سار طنز پناه می‌برند که روزه‌ای برای بیان حرف‌های انتقادی است. طنز انتقادی می‌تواند چندان مشکل‌ساز نباشد و جامعه هم بپذیرد. شاعران معترض در این دوره، براساس آن رسالتی که به‌عنوان هنرمند دارند و نیز با توجه به دغدغه‌های انسانی خود، سعی کردند به وظیفه انسانی و فطری خویش عمل کنند و دغدغه‌هایشان را در قالب هنر شعر با جامعه به اشتراک گذارند و درد خود را فریاد کنند. ■

که این شعرها را یا نمی‌شود چاپ کرد (ممنوع است) یا انتشار آن‌ها موجب گرفتاری شاعر می‌شود. بعضی از این افراد شاعران مکتبی، انقلابی و حزب‌اللهی هستند. وقتی خواه ناخواه اشتباهی صورت می‌گیرد، این شاعران از سر دلسوزی و به نیت اصلاح امور شعری می‌سرایند. اما در شرایط ملتهب فعلی به دلایل مختلف از انتشار اشعارشان می‌گذرند تا بعدها در اوضاعی به سامان‌تر و مساعدتر اشعارشان را در قالب یک کتاب و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ کنند.

شاعران معترض برساختار (نقد برون‌گفتمانی یا نقد اپوزیسیون): یعنی کسانی که خارج از چارچوب و ساختار نظام انقلاب اسلامی اعتراض می‌کنند که هدفشان مخالفت با نظام است و خواهان حکومت دموکراتیک سکولار هستند.

جمع‌بندی

ذات شعر اعتراض با صراحت و صمیمت آمیخته است.

مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

گفت وگو با فرزانه قلعه‌قوند، مدیر پژوهشی مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

فاطمه سنگری

وقتی جنگی هشت‌ساله بر میهن تازه‌رسته از حکومت ستمشاهی تحمیل شد، مردمی عاشقانه به جبهه‌های جنگ پیوستند. شهادت، اسارت و جانبازی سرنوشت قهری آنانی بود که به جز دفاع از مرزوبوم این کشور و پاسداشت ارزش‌های والای انقلاب اسلامی به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. در این میان عده‌ای هم‌چون حضرت زینب (س) و اسیران مظلوم کربلا، دوران تلخ و سخت اسارت را چشیدند. دغدغهٔ روایت و ثبت خاطرات و وقایع آن روزها سبب شد تا به‌همت سید آزادگان، سیدعلی اکبر ابوترابی، مجموعه‌ای شکل بگیرد که هدف آن ترویج و تبیین فرهنگ آزادی و آزادگی است.

مصاحبهٔ پیش رو به منظور مروری بر فعالیت‌ها و دستاوردهای مؤسسهٔ پیام آزادگان از گذشته تا به امروز شکل گرفته تا بخشی از همت بلند و تلاش ارزشمند این مجموعه در ثبت تاریخ اسارت، خاطرات آزادگان هشت‌سال دفاع مقدس و ترویج فرهنگ آزادی را بنمایاند. این گفت‌وگو در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ با سرکار خانم فرزانه قلعه‌قوند، مدیر پژوهشی مؤسسهٔ پیام آزادگان صورت گرفته است.

هم مجلس، مشکل مسکن و اشتغال و درمان و آموزش آزاده‌ها را تصویب کرد. بعد از آزادی اسرا، ستاد آزادسازی اسرا به ستاد رسیدگی به امور آزادگان تبدیل شد. این ستاد، مستقیماً زیر نظر رئیس‌جمهور وقت اداره می‌شد و مرحوم سیدعلی اکبر ابوترابی طی حکمی از سوی رهبر انقلاب اسلامی به عنوان نمایندهٔ ولی فقیه در امور آزادگان انتخاب شدند و علاوه بر نمایندگی در ستاد آزادگان، در تمام امور مربوط به آزادگان کشور نیز مأموریت یافتند. البته شیوهٔ نمایندگی ایشان با سایرین متفاوت بود. سید آزادگان در همهٔ امور مربوط به آزادگان ورود

● پیش از هر چیز از شما برای فراهم کردن این فرصت متشکرم. گفت‌وگو را با توضیحی دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری مؤسسه پیام آزادگان شروع کنیم و اینکه فعالیت‌های مربوط به آزادگان از چه زمانی شروع شد و نقش مرحوم سید علی اکبر ابوترابی در شکل‌گیری و راه‌اندازی این مجموعه چگونه بود؟

قبل از تأسیس مؤسسهٔ پیام آزادگان، از سال ۱۳۶۸ مقدمات تأسیس «ستاد آزادسازی اسرا» به سبب تصویب قانون حمایت از آزادگان فراهم شده بود. همان موقع

گردهمایی‌ها شرکت می‌کردند. گردهمایی بزرگ سی هزار نفره آزادگان در ورزشگاه آزادی، برگزاری مراسم سالگرد آزادگان، کوهپیمایی و... به همت ایشان صورت گرفت. مرحوم ابوترابی پیوسته در جشنواره‌ها و مسابقات قرآنی و برنامه‌هایی که در این تشکیلات انجام می‌شد، حضور داشتند. پس از هجرت آسمانی ایشان در آخرین روزهای سال ۱۳۸۲، جلساتی به سرپرستی سیدمحمدحسن ابوترابی شکل گرفت که منجر به تأسیس مؤسسه فرهنگی و هنری پیام آزادگان شد که با ادغام سه نهاد ایثارگری:

می‌کردند. تجربه سخت و زجرآور سال‌ها اسارت سبب شده بود که او بیش از هر کس دیگری آزادگان را درک کند. فعالیت مرحوم ابوترابی فراتر از وظایف دولتی مشخص شده بود. سرکشی به خانواده آزادگان از کارهایی بود که ایشان به‌وفور انجام می‌دادند. بزرگترین دغدغه ایشان دغدغه فرهنگی بود و معتقد بودند کارهای فرهنگی باعث نجات اسیران در سال‌های اسارت بوده است. ابوترابی خود به‌تنهایی یک جریان فرهنگی سیال بود. ایشان شهر به شهر و خانه به خانه می‌رفتند و در تجمع‌ها و



آزادگان است. این فعالیت‌ها تاریخ مصرف مشخصی دارند؛ یعنی با نبودن آزادگان در صد سال دیگر پایان می‌یابند، اما آنچه ماندگار است استفاده از تجربیات آن‌هاست که باید در قالب تاریخ شفاهی و مصاحبه ثبت و همچنین اسناد، دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها و نامه‌های آنان جمع‌آوری شود. از این‌رو در یکی دو سال اخیر مؤسسه پیام آزادگان با تعیین سیاست‌های جدیدی فعالیت‌های پژوهشی را در دستور کار خود قرار داد و از آن حمایت می‌کند. اکنون فعالیت عمده ما درباره «آزادگان» است و مهمترین این فعالیت‌ها عبارت است از:

- اقدام به راه‌اندازی «ویکی آزادگان» (پروژه ایجاد سامانه تخصصی حفظ و نشر آثار و ارزش‌های اسارت و آزادگان) که هدف آن امکان دستیابی تمام آزادگان و رزمندگان دفاع مقدس به منابع موجود در باب مسائل و عناوین مرتبط با دفاع مقدس و آزادگان است.

- تهیه سمفونی صبر و پایداری (آزادگان) که هدف آن بیان عظمت یک موضوع ملی یعنی «آزادگان» در اذهان یک ملت است که در سطح بین‌المللی با مذاکره و حمایت «بنیاد رودکی» و «وزارت ارشاد اسلامی» تولید شده است. تولید این اثر فاخر را استاد «احمد پژمان» به عهده گرفته است.

- راه‌اندازی کتابخانه تخصصی آزادگان با هدف یاری‌رساندن به جامعه پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه اسارت. شناسایی و تهیه کتب موجود در زمینه آزادگان، شناسایی منابع مرتبط با خاطرات اسیران عراقی در ایران، تفکیک اردوگاهی همه کتاب‌های خاطرات و تاریخ شفاهی، تفکیک کتاب‌های مرجع، پژوهشی، و... بخشی از فعالیت‌های کتابخانه تخصصی پیام آزادگان است.

- انتشار بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان و بزرگسال و در قالب‌های خاطره، شعر، پژوهش، تاریخ شفاهی، رمان و... از جمله کتاب سرباز کوچک امام که مزین به تقریظ مقام معظم رهبری است. کتاب‌های این انتشارات پس از راستی‌آزمایی و تطبیق استنادی

ستاد آزادگان، بنیاد جانبازان و بنیاد شهید اتفاق افتاد. در سال ۱۳۸۴ با همت و حمایت ایشان فعالیت‌های فرهنگی در حوزه آزادگان رونق دوباره گرفت و مؤسسه‌ای که از ابتدا حالت هیئتی داشت، شکلی رسمی پیدا کرد.

در حال حاضر این مؤسسه دارای بخش‌های روابط عمومی، رسانه، اجتماعی، امور استان‌ها، پژوهش، انتشارات و... است. در طی این سال‌ها شش دفتر در مشهد، تبریز، اهواز، اصفهان، همدان و قم دایر شده است و در برخی از شهرها مثل یزد، دزفول و... نمایندگی‌هایی داریم که نماینده آن آزاده است و با او در ارتباط هستیم.

● در حال حاضر مهم‌ترین فعالیت‌ها و برنامه‌های مؤسسه چیست و تمرکز فعالیت‌های یکی دو سال اخیر بر چه موضوعاتی بوده است؟

در حال حاضر مؤسسه پیام آزادگان، تنها مؤسسه‌ای در کشور است که در حوزه ترویج فرهنگ آزادی فعالیت‌های تخصصی و گسترده دارد. بی‌تردید در حوزه دفاع مقدس، تنها حوزه‌ای که هم‌چنان فعال است حوزه اسارت است. گردآوری، ثبت و انتشار خاطرات، تاریخ و فرهنگ اسارت مهم‌ترین فعالیت مؤسسه است. به‌طورکلی فعالیت‌های مادر دو بخش «برای آزاده» و «درباره آزاده» شکل می‌گیرد. فعالیت برای آزادگان نیاز ماست و موجب انبساط خاطر آزادگان می‌شود. خود آزادگان هم از دوره‌های استقبال می‌کنند؛ چون زمانی با هم زندگی می‌کردند و خانواده هم بوده‌اند. همایش‌های اردوگاهی بخشی از این دوره‌های ما است که در استان‌های مختلف و با حمایت دفاتر استانی تشکیل می‌شود. همایش‌های دیگری هم وجود دارد مانند سالگرد ارتحال مرحوم ابوترابی یا همایش سالگرد ورود آزادگان که همه آزادگان در آن شرکت می‌کنند. سرکشی به خانواده‌هایی که مشکلاتی دارند، عیادت از بیماران، برگزاری اردوهای خانوادگی، تفریحی، زیارتی، سیاحتی، مسابقه‌های فرهنگی، مسابقات ورزشی و کوهنوردی و... از جمله فعالیت‌های حمایتی ما برای

• برگزاری همایش و جشنواره؛ مانند جشنواره ادبی کودک و نوجوان آزاد مثل «آزاده»، «همایش بانوی انتظار». یکی از پروژه‌های مهم «همایش بانوی انتظار» بوده است که با اهدافی مانند: توسعه و تداوم شیوه‌های صبری در بین خانواده‌ها و تقویت ارزش‌های مربوط خودسازی مانند انتظار و صبر به اجرا درآمد و خروجی آن مجموعه ۱۰ جلدی بانوی انتظار (قطع جیبی) بود.

از دیگر برنامه‌های جدید مؤسسه تمرکز و تأکید بر خاطرات گروهی است. به همین دلیل یکی از اهداف ما در برگزاری نشست‌های آینده، جمع‌آوری اسناد و تشکیل اتاق فکر اردوگاهی است. به این ترتیب از هر اردوگاه چند نفر به روایت خاطره می‌پردازند. ثبت خاطرات گروهی سبب می‌شود که ما گرفتار آفت فراموشی و تحریف و اشتباه نشویم. هم چنین مدت‌هاست که به جمع‌آوری خاطرات موضوعی مثلاً در مورد بهداشت، استخبارات و... پرداخته‌ایم. در خاطرات فردی به موضوعاتی مانند مدیریت در اردوگاه، سلوک سیاسی و فرهنگی در اردوگاه، طنز، غذا، بهداشت، رادیو، رسانه، تئاتر، ورزش، آموزش و... اشاره شده است؛ تمرکز بر یک موضوع، قطعاً نگاه جدیدی را ایجاد می‌کند. دلیل انتخاب پرداختن به اطلاعات موضوعی نیز اهمیت آن‌ها در غربت است، برای مثال در ایام الله دوران اسارت مراسمی چون تئاتر و شعرخوانی، سرود و... برگزار می‌شد. گروه‌های سرود، خاطره و لطیفه سبب روحیه‌بخشی و نشاط اسرا بود و بیشتر درون‌مایه طنز داشت. حتی برای افراد صلیب سرخ سؤال بود که چطور بین اسرا خودکشی و یا افسردگی نیست یا انگشت‌شمار است! آن‌ها واقعاً یک حکومت و مملکت کوچک برای خودشان درست کرده بودند. یک گروه تحلیلگر سیاسی وجود داشت که به تحلیل روزنامه‌ها می‌پرداخت یا گروهی با عنوان گروه رادیو بودند که پنهانی از عراقی‌ها رادیو می‌گرفتند و اخبار را پی‌گیری می‌کردند. سرودها یا نمایش‌های اردوگاهی نیز وجود داشت. البته این موارد در اسارت متناسب با موقعیت ارزشمند بود

چاپ می‌شود. از دیگر کتاب‌ها می‌توان به کتاب پژوهشی نگاره‌نگاشت آزادگان اشاره کرد. این کتاب با هدف معرفی آزادگان هر استان و استفاده سریع و آسان از اطلاعات عمومی آزادگان، ضمن تفکیک استانی آزادگان و شهدای اسارت، دربرگیرنده تصویر آزادگان جنگ تحمیلی است و شامل برخی از اطلاعات مهم مربوط به اسارت نیز می‌شود. کتاب منشور پاک و خدمتگزاری و نیز مجموعه چهار جلدی آموزش عربی در اسارت بر اساس اسناد ثبت شده روی لف سیگار در دوران اسارت گردآوری شد و به نگارش درآمده است.

• اجرای طرح‌های علمی پژوهشی؛ از جمله تدوین «دانشنامه آزادگان» تحت نظارت بنیاد دانشنامه (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دو پروژه اردوگاه پژوهشی، پروژه سبک زندگی آزادگان، طرح بررسی عوامل تأثیرگذار بر استحکام یا تزلزل بین خانواده‌های آزادگان (در سطح ملی با شیوه پیمایش)، سند راهبردی جامعه آزادگان و....

• آرشیو اسناد و اطلاعات آزادگان؛ ساماندهی بانک اطلاعات فردی و فرهنگی مربوط به آزادگان و جلوگیری از امحا و به فراموشی سپردن دستاوردها و میراث گرانبهای دوران مقاومت، انتقال مفاهیم برجسته و ارزشی دوران مقاومت به نسل‌های آینده در نهایت منجر به تهیه آرشیو اسناد و اطلاعات آزادگان شد. این آرشیو شامل جمع‌آوری حدود ده هزار نامه، گردآوری بالغ بر پانزده هزار ساعت مصاحبه، اسناد دوران اسارت مانند دست‌نوشته‌ها و عکس و... است.

• اجرای برنامه‌های هنری؛ تاکنون در همه شاخه‌های هنری از جمله سینما، تهیه مستند، فیلمنامه، انجام مشاوره‌های هنری برای تهیه فیلم سینمایی، سریال، تله‌فیلم و... وارد شده‌ایم. ساخت بالغ بر هفتاد مستند تلویزیونی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، نماهنگ، سرود، بخشی از فعالیت‌های هنری مؤسسه پیام آزادگان است.

وگرنه لزوماً ارزش هنری و ادبی نداشت. سروده‌ها اغلب مشکل وزن و قافیه داشتند و یا گاهی بازسازی سروده‌های دیگران با همان ریتم ولی با کلمات دیگر بود. تئاترها هم بیشتر از داستان‌ها و اتفاقات روز گرفته می‌شد که اغلب هم ترکیبی از نمایش و سرود بود. اسرای شاعر هم در شرایط سخت زندان و با همه فشارهای روحی، روانی و ممنوعیت کاغذ، خودکار و مداد یک پتو رویشان می‌انداختند و شعر می‌گفتند. کتاب زمان ایستاده بود از نوع خاطرات موضوعی است که درباره لحظه اسارت است. حسن ثبت موضوعی خاطرات این است که به پژوهشگران یا سازمان‌ها یا وزارتخانه‌ها برای پرداختن و بررسی یک موضوع مشخص کمک می‌کند. برای مثال وزارت بهداشت یا وزارت ورزش و جوانان می‌تواند از این موضوعات استفاده کنند. مؤسسه سال‌هاست که به این موارد می‌پردازیم و به دنبال تقویت آن است.

کار دیگر مؤسسه آن است که به سراغ افرادی می‌رود که تأثیرگذاری خاصی در دوران اسارت از جهت فرهنگی داشته‌اند. مثلاً در خاطرات آقای مهدی طحانیان، فقط داستان مصاحبه با ناصره شارما نبود، رویارویی هوشمندانه او با عدنان خیرالله وزیر دفاع و اتفاقات دیگری وجود داشت که به نوعی نشانگر هوشیاری و سواد رسانه‌ای مهدی طحانیان است، بدون اینکه ایشان در آن مقطع تحصیلات دانشگاهی یا حتی دبیرستانی داشته باشند. به نظر می‌رسد در این برهه که عصر رسانه است ما بسیار به این افراد نیازمندیم. مهدی نوجوانی بود که شیطنت رسانه و دشمن را می‌شناخت و در مقابل آن تمکین نکرد و هوشمندانه تشخیص داد که چه باید بگوید، اما امروزه جوان و نوجوان ما خبرها را در هر رسانه‌ای بدون منبع و سند می‌پذیرد و به راحتی آن را بازنشر می‌کند. این نشان می‌دهد که با وجود رسانه‌های مختلف و تحصیلات دانشگاهی ما همچنان قدرت تشخیص اخبار صحیح را پیدا نکرده‌ایم.

امروزه با وجود تنگناها و تحریم‌های تحمیل شده

ضرورت ترویج سبک زندگی آزادگان به شدت احساس می‌شود. در میان اسرا، تعدادی دانش‌آموز با سن پایین داشتیم که رزمنده هم نبودند ولی اسیر شدند. برای نمونه آقای علیرضا احمدی با دوازده یا سیزده سال سن، زمانی که با پدرشان در جبهه نذری پخش می‌کردند، اسیر شدند. تبلیغات دشمن در این موارد این بود که ایرانی‌ها رزمنده ندارند و امام خمینی رزمندگان را از مهدکودک‌ها به جبهه آورده و در یک نمایش تبلیغاتی جلوی رسانه‌های دنیا، برای نشان دادن مهربانی و رأفت اسلامی به او اسباب بازی می‌دادند. بعد در مقابل بلندگوها و دوربین‌ها از او پرسیده بودند ماشین، هواپیما، خوراکی یا لباس می‌خواهی؟ اما او در جواب گفته بود که این فقط برای من یک قرآن بیابید. من با وجود این که این خاطره بارها شنیده و بازگو کرده‌ام اما هر بار که آن را بیان می‌کنم، دوباره منقلب می‌شوم. بعد هم به او آب داده بودند ولی او آن را زمین ریخته و گفته بود تا همه آب نخورند، من هم نمی‌خورم. شما از این نمونه‌ها کجای دنیا سراغ دارید؟

نظر برخی این است که دیگر این افراد مثل قبل نیستند، اعتقاد قبلی را ندارند و تغییر کرده‌اند؛ روزی با آقای مهدی طحانیان صحبت می‌کردم و از او پرسیدم: «آیا شما به اقتضای سن از روی احساس و هیجان به جنگ رفتید و...؟» ایشان گفتند: اگر از روی احساس بود این احساس باید با گذشت زمان فروکش می‌کرد، اما من مهدی طحانیان هیچ تغییری نکرده‌ام.» نمونه دیگر آقای قنبرعلی بهارستانی است که او هم در سن نوجوانی اسیر شد. قنبرعلی در آبادان زندگی می‌کرد اما زمان جنگ به داران اصفهان مهاجرت کردند. بعد از مدتی پدر او می‌خواهد برای سرکشی به خانه و زندگی، کشاورزی و دام به آبادان برود. او و پدرش در آبادان اسیر شدند در حالی که رزمنده نبودند. در اسارت متوجه می‌شود که یکی از برادرهایش که رزمنده بوده هم اسیر شده است. زمان اسارت او پاییز بوده و یک سرهنگ عراقی که دلش برای او سوخته بود، یک انار به او می‌دهد اما قنبرعلی انار را به

زندگی و خاطرات اسیران مدافع حرم، اسیران افغان (فاطمیون)، اسرای جنگ‌های مرزی و مرزبانانی که اسیر می‌شوند، نیست؟ شاید ثبت این موضوعات هم در این برهه کم از ثبت خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی نباشد که چه بسا اگر امروز به آن نپردازیم، بعدها افسوس خواهیم خورد که چرا این کار زودتر انجام نشده و باز هم دچار مشکلات فراموشی و از دست رفتن خاطرات شویم.

بله درست است اتفاقاً بارها خواسته‌ایم که به موضوع مدافعان حرم ورود کنیم ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد؛ این رویکرد در اساسنامه ما نیست و ورود به این موضوعات مستلزم تغییر در اساسنامه است. به هر حال مأموریت ما در جنگ عراق با ایران خلاصه می‌شود. البته ما اطلاعات نسبی و فردی از زندانی‌های زمان شاه که در در زندان ساواک بودند، یا کسانی که بعد از جنگ برای تفحص رفته بودند، یا در کشورهای دیگر اسیر شده بودند را داریم ولی همان‌طوری که عرض کردم مأموریت ما فقط جنگ تحمیلی عراق با ایران است، بنابراین روی مواردی غیر از آن

زمین می‌اندازد و می‌گوید که من از دست دشمن چیزی نمی‌خورم. او و پدرش در اردوگاه موصول بودند و حاج آقا ابوترابی و علیرضا احمدی هم بودند. بعد او را از پدرش جدا کردند و زودتر به ایران فرستادند. برادر او هم در اردوگاه دیگری اسیر بود. زمانی که او به ایران آمد دریافت که دو برادر دیگرش هم در ایران شهید شده‌اند. با وجود همه این سختی‌ها و این‌که می‌دانست طبق قوانین

جنگ اگر اسیر جنگی آزاد شده، دوباره اسیر شود حکم او تیرباران است، اما دوباره به عنوان رزمنده به جبهه بازگشت. این بار او از ناحیه پا و دست و چشم مجروح و جانباز ۷۰ درصد شد. او چند سال پیش، در کمال مظلومیت شهید شد. به همین دلیل من فکر می‌کنم ما خیلی به این آزادگان بدهکاریم، به همه آن‌ها که در دفاع مقدس بودند بدهکاریم، اما به اسرا بیشتر؛ چون آن‌ها در دو جبهه می‌جنگیدند، جنگیدن بدون سلاح آن هم در دست دشمن سخت‌تر است!

در حال حاضر مؤسسه پیام آزادگان، تنها مؤسسه‌ای در کشور است که در حوزه ترویج فرهنگ آزادگی فعالیت‌های تخصصی و گسترده دارد. بی‌تردید در حوزه دفاع مقدس، تنها حوزه‌ای که هم چنان فعال است حوزه اسارت است. گردآوری، ثبت و انتشار خاطرات، تاریخ و فرهنگ اسارت مهم‌ترین فعالیت مؤسسه است. به‌طور کلی فعالیت‌های ما در دو بخش «برای آزاده» و «درباره آزاده» شکل می‌گیرد.

● رزمندگان هم در میدان جنگ با سلاح و تفنگ و مسلسل می‌جنگیدند و هم در اسارت با دست

بسته و بدون سلاح جنگی اما با سلاح ایمان می‌جنگیدند. چون ما در معرض خطر تحریف یا فراموشی این خاطرات هستیم، ثبت این خاطرات اهمیت دارد. اما به نظر شما در کنار مواردی که مطرح شد، به چه موضوعاتی هنوز پرداخته نشده و جای آن‌ها خالی است؟ برای مثال آیا رویکرد مؤسسه پرداختن به

● با بررسی کارنامه فعالیت‌ها و آثار منتشر شده، متوجه می‌شویم که مؤسسه در سال‌های اخیر، به غیر از کار ثبت خاطرات، به‌طور چشمگیری به کارهای پژوهشی‌اش افزوده است. لطفاً در مورد این آثار توضیح بفرمایید.

نیز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌پردازد. از دیگر کتاب‌های پژوهشی، کتاب شرح ققص است که در آن اطلاعات مختصر و مفیدی برای شناخت کلیه اردوگاه‌ها و وضعیت اسرای ایرانی گردآوری شده است. این طرح به‌طور گسترده و به‌صورت مجزا با عنوان اردوگاه‌پژوهی در ۲۱ عنوان کتاب منتشر خواهد شد.

مجموعه آثار منتشرشده مؤسسه را می‌توان در کتابنامه آزادگان ملاحظه کرد، اما دانشنامه آزادگان از مهم‌ترین آثار مؤسسه است که تمامی مدخل‌های کتاب توسط یک تیم علمی و با همکاری بنیاد دانشنامه استخراج شده است. این کتاب، مرجع خوبی برای پژوهشگران و دانشجویان است.

همچنین مؤسسه با اهدافی مانند: شناساندن صحیح

جامعه آزادگان از ابعاد مختلف انسانی و ارزشی، فراهم آوردن فرصت برای نهادینه کردن ارزش‌های دوران مقاومت اسرای ایرانی، شفاف‌سازی مقوله‌های مهم و پنهان دوران مقاومت و... اقدام به چاپ کتابی با عنوان مقوله‌های پژوهشی کرده است که به معرفی نیازهای پژوهشی در پانزده ساحت مطالعاتی و ۴۴۸ عنوان موضوع برای نوشتن مقاله، پایان‌نامه و رساله دکتری می‌پردازد. کتاب‌شناسی سید آزادگان حجت‌الاسلام حاج سید علی اکبر ابوترابی و سیره ابوترابی در ۲ جلد، مجموعه سخنرانی‌های مرحوم ابوترابی با عنوان منشور پاکی و خدمتگزاری، از دیگر کارهای خوب و تأثیرگذار مؤسسه است. کتاب و دوباره خورشید به قلم بیژن کیانی

مجموعه آثار منتشرشده مؤسسه را می‌توان در کتابنامه آزادگان ملاحظه کرد، اما دانشنامه آزادگان از مهم‌ترین آثار مؤسسه است که تمامی مدخل‌های کتاب توسط یک تیم علمی و با همکاری بنیاد دانشنامه استخراج شده است. این کتاب، مرجع خوبی برای پژوهشگران و دانشجویان است.

● تحلیل شما از وضعیت فعلی نشر در حوزه ادبیات پایداری به‌ویژه پژوهش چیست؟

واقعیت امر این است که وضعیت نشر مساعد نیست؛ اوضاع اقتصادی مردم در زندگی روزمره و گرانی کتاب، انگیزه و زمان کافی برای مطالعه باقی نگذاشته است. حوزه ادبیات پایداری هم از این قاعده مستثنی نیست، به‌خصوص در اوضاع کنونی. قبلاً ادبیات پایداری مخاطب خاص نداشت و از هر باور و طرز تفکر و فرهنگ و... به سراغ این حوزه می‌آمدند. البته کتاب‌هایی که مورد عنایت مقام معظم رهبری قرار می‌گیرند، هنوز هم طیف زیادی را به خود جذب می‌کنند.

اوضاع کتاب‌های پژوهشی کمی متفاوت است. اینگونه آثار گرچه

مخاطب عام ندارد، اما همان تعداد محدود و خاص نیز ناگزیر به مراجعه به این آثار هستند، در ثانی آثار پژوهشی حاصل یافته‌های یک فرایند علمی هستند، بنابراین همچنان مراجعان خود را دارند.

● درباره پروژه اردوگاه‌پژوهی بیشتر توضیح بفرمایید.

از کتاب‌های موضوعی است که به نامه‌ها، اشعار و روایت خاطرات شماری از آزادگان در رثای امام خمینی (ره) و آرامش ناشی از انتخاب رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. کتاب جنگ، اسارت، مذاکره بر اساس یک طرح پژوهشی تدوین شده که به اهمیت حضور بیش از چهل هزار اسیر جنگی در اردوگاه‌های عراق و بررسی تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری، اتاق فکر جنگ، مذاکرات دوران جنگ و

● **در تولید و نشر آثار، مخاطب‌یابی برای شما اهمیت بیشتری دارد یعنی رویکرد مجموعه، خواندنی کردن آثار است یا کار علمی و دقیق را مبنا قرار داده‌اید؟ چون یکی از مسائل مهم در مستندنگاری و ثبت خاطرات، دقت در استناد و جلوگیری از تحریف تاریخ است تا کار مستندی به دست مخاطبان برسد. توجه شما به صحت روایت و استناد در آثار به چه شکلی است؟**

قطعاً هر دو برای ما اهمیت دارند. اما مؤسسه برای جلب و جذب مخاطب، اصل را فدا نمی‌کند. شخص اول کتاب (راوی، قهرمان یا نقش اول) در آثار ما صرفاً خود شخص است. او را با صنایع ادبی آرایش و پیرایش نمی‌کنیم و از او شخص دیگری نمی‌سازیم تا خواننده خوشش بیاید، سعی می‌کنیم روان و درست بنویسیم.

نکته قابل تأمل دیگر که شاید فقط در انتشارات پیام آزادگان به آن توجه می‌شود، حساسیت نسبت به مستند بودن اتفاقات و انتخاب درست افراد است. همان چیزی که ما را وادار می‌کند همه مطالب کتاب را راستی‌آزمایی کنیم. شاید فرصت دسترسی به جامعه آزادگان، در این مسیر بی‌تأثیر نباشد. این نکته آنقدر اهمیت دارد که همان روزهای نخست که به مجموعه پیوسته بودم و شناخت و تجربه کافی نداشتم، در یک اشتباه جزیی و شاید قابل اغماض مجبور شدم، یک چاپ کتاب را خمری کنم تا توزیع نشود.

● **مشکلات پیش روی شما در تدوین و جمع‌آوری اطلاعات چیست؟**

من به عنوان معاون پژوهشی مؤسسه نشر کتاب و پیگیری و مدیریت آثار پژوهشی و طرح‌ها را توأم انجام می‌دهم که هرکدام در جای خود نیاز به یک تیم مجزا دارد و به قول خودم نیاز به یک لشکر آدم است! این درهم‌تنیدگی به کار لطمه می‌زند. مدیریت پروژه‌ها و طرح‌ها و اصولاً آثار پژوهشی

به‌طورکلی اسرای ما دوران اسارت خود را در بیست اردوگاه و چندین زندان گذراندند که تعدادی از این آزادگان ثبت نام شده و تعدادی هم مفقود بودند و تا پایان جنگ خانواده‌های اسرا از آن‌ها اطلاعی نداشتند. اردوگاه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، موصل، ۱۷، تکریت، ۶، ۷ (اردوگاه اطفال یا بین‌القفسین)، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۳ رمادی ثبت‌نام شده بودند، اردوگاه تکریت ۵ را که در سه قسمت می‌توان تعریف کرد، هم آزاده ثبت‌نام شده داشت و هم مفقود، قسمت سوم در مردادماه ۱۳۶۷ با انتقال حدود ۷۵۰ اسیر شکل گرفت که تا پایان دوران اسارت مفقود بوده‌اند. تعداد اسرای ایرانی، سی و نه هزار و بیست و شش نفر بودند که از این تعداد نزدیک به بیست و سه هزار اسیر مفقودالثر داشتیم یعنی ۴۸ درصد از اسرای ایرانی ثبت‌نام شده و ۵۲ درصد تا پایان جنگ مفقودالثر بودند. بنابر این بیشتر اسرا ثبت‌نام نشده و از چشم صلیب سرخ دور مانده بودند. این اسرا در اردوگاه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ تکریت، ۱۷ نهروان و ۱۸ بعقوبه، نگهداری می‌شدند. در طرح اردوگاه‌پژوهی، بناسست با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، هر اردوگاه در یک کتاب معرفی شود که این کار در مرحله نگارش و تدوین است و ان‌شاءالله در ۲۱ جلد به چاپ خواهد رسید.

● **تازه‌ترین‌ها و مهم‌ترین‌های نشر پیام آزادگان را معرفی بفرمایید.**

بخش اعظمی از کتاب‌های ما، خاطرات آزادگان و اغلب خاطرات خودنگاشت است. کتاب‌های ارشد سلطنتی، چند وجب جای خالی، عکس دسته‌جمعی، آزادی بیان، نغمه‌های کبود (سرودهای اردگاهی)، مثل عیددیدنی، گل کاشتی عباس، پنج خطی و مجموعه ۲۰ جلدی (پالتویی) سفری کوتاه به اردوگاه، از تازه‌ترین آثار ما در سال جاری (۱۴۰۱) است، که هر کدام در جای خود دارای اهمیت است، زیرا وقایع مشترک نبوده و در اردوگاه‌های مختلف اتفاق افتاده است. کتاب اهمیت سفری کوتاه به اردوگاه هم به دلیل پژوهشی بودن آن است.

خاطره‌نویسی ندارند اما برای چاپ خاطراتشان اصرار دارند که متأسفانه مقدور نیست. زیرا این دست‌نوشته‌ها بدون رعایت اصول و در قالب یک گزارش ناقص نوشته شده است و اغلب فاقد جزئیات، گفت‌وگو، زمان، مکان و نام افراد حاضر در گزارش و... می‌باشد. به لحاظ ادبی و ساختاری نیز استاندارد و قواعد و ادبیات لازم را ندارد. از دیگر موانع، دولتی نبودن ماست که مورد حمایت نهادها و سازمان‌های مرتبط نیستیم. با این حساب، ترویج فرهنگ دوران مقاومت به‌کندی صورت می‌گیرد و همچنان «کریلا در کریلا می‌ماند».

● در صحبت‌هایتان به آرشیو اطلاعات اشاره کردید. کمی درباره بانک اطلاعات مجموعه توضیح بفرمایید. این بانک شامل چه موارد و موضوعاتی است؟ دسته‌بندی موضوعی آرشیو چگونه است؟ چند ساعت گفت‌وگو جمع‌آوری شده؟ آیا امکان دسترسی به منابع برای دیگران نیز وجود دارد؟

ما در این جایک بانک اطلاعاتی یعنی آرشیوی از اسناد داریم که پیوسته در حال ارتقای آن هستیم. قبلاً هم ذکر شد که آرشیو اسنادی مانند مصاحبه‌ها، فیلم، عکس، نامه و... جزو اولویت‌های ما است. از آنجایی که نرم‌افزار قبلی قابلیت آرشیوی نداشت و دارای امکاناتی ضعیف بود، برای این منظور با کارشناسی و بررسی نرم‌افزارهای گوناگون که دارای ظرفیت‌های متنوع هستند درصدد یافتن نرم‌افزار دیگری با قابلیت‌های آرشیوی، جست‌وجو و خروجی هستیم. در این صورت، با تعریف دسترسی، امکان استفاده دیگران از آن فراهم خواهد شد. بخش IT مؤسسه فعال و کارآمد است.

● چشم‌انداز آینده و برنامه‌های آتی مؤسسه چیست؟

قطعاً «پژوهش» مهم‌ترین اولویت ماست؛ زیرا متأسفانه در حال از دست دادن آزادگان هستیم. بی‌تردید بیماری‌های

که رویه خود را دارد. در نشر کتاب پس از دریافت خاطره، ویرایش، بازنویسی، پیگیری‌های مالی و چاپ و حتی توزیع کتاب با خودمان است که این کار انرژی زیادی از ما می‌گیرد و سبب می‌شود که ما به ۱۰۰ درصد اهدافمان نرسیم. البته کارهای خوبی انجام داده‌ایم و تلاش بر این بوده که تطبیق استنادی و راستی‌آزمایی را هم انجام دهیم که کار بسیار سختی است. یکی از دلایل سختی کار راست‌آزمایی این است که در دوران اسارت، بچه‌ها همدیگر را با اسم و فامیلی نمی‌شناختند و مثلاً به حسین عباس‌زاده خالدي، عباس تهرانی می‌گفتند. حالا من دو عباس تهرانی دارم و چه‌طور باید او را پیدا کنم. یا مثلاً در مواردی اصلاً فامیلی مطرح نبوده و به اسم پدر یا پدربزرگ شناخته می‌شدند. گاهی چون فامیلی مشخص نبوده براساس کاری که آنجا انجام می‌دادند، شناخته می‌شدند؛ مثلاً احمد آشپز. کار بسیار مشکلی است و به همین دلیل من قدم به قدم، آسایشگاه به آسایشگاه باید بگردم تا افراد را پیدا کنم. گاهی در آرشیو اطلاعات هم وقتی به سراغ شماره فردی می‌رویم، متوجه تشابه اسمی می‌شویم؛ مثلاً در آرشیو، پنج محمدعلی داریم و بعد باید بر اساس اطلاعات دیگری مثل زمان اسارت، نام اردوگاه، محل تولد و... آن‌ها را شناسایی کنیم. این کار در عین دشواری بسیار بارز است. چون ما تاریخ را صحیح و مستند به نسل آینده منتقل می‌کنیم ولی متأسفانه این کار ما نه در جشنواره جلال، و نه کتاب سال دفاع مقدس و نه هیچ‌جای دیگری دیده نمی‌شود، چون اغلب این جشنواره‌ها تحت الشعاع برخی مسائل مثل عنوان سنگین نویسندگان و انتشارات‌های صاحب‌نام است. در حالی که باید امتیاز رعایت‌کردن چارچوب سند و تطبیق استنادی بالاتر باشد. کار ما اهمیت تاریخی دارد. گاهی ممکن است برای پیدا کردن یک سر نخ با پنجاه نفر تماس بگیرم. در عین حال هر شب حداقل ده نفر در گروه‌های مجازی آزادگان، برای من خاطره ارسال می‌کنند.

در بخش انتشارات یکی از مشکلات و موانع ما نگارش خاطرات عزیزانی است که تخصصی در زمینه

● از دیگر کارهای در دست اقدام و یا برنامه‌های جانبی مجموعه بفرمایید؟

کتابی پیرامون زندگی دوران اسارت و مبارزات قبل از انقلاب، در مورد سید آزادگان، مرحوم ابوترابی، در دست اقدام است که پژوهش و نگارش آن را نصرت‌الله محمودزاده به عهده دارد. همچنین در ساخت و تولید قسمتی از برنامه مستند «ثریا» با محوریت مرحوم ابوترابی مشارکت داریم که این برنامه از شبکه اول سیما در حال پخش است.

برای ما مصاحبه با برخی از افراد در اولویت است مثلاً مصاحبه با خانم جوزیان که در روز عروسی، همسرش اسیر و پدر و پدرشوهرش شهید شدند. مصاحبه با آقای رسول ملایری معروف به رسول رادیو و آقای احمدی‌نیا که مدت‌ها مفقود بوده است، مصاحبه با علی شطنیسانی و... را در دست اقدام داریم. طبق دستورالعملی که برای دفاتر و نمایندگی‌هایمان فرستاده‌ایم، به صورت مستمر مصاحبه‌هایی صورت می‌گیرد که برای ما ارسال می‌شود. همچنین با بهره‌گیری از الگوی اقتصادی آزادگان در دوران اسارت و با استفاده از کاغذپاره‌ها، دفترچه‌ای از اتفاقات و اطلاعات

اردوگاهی هم به چاپ رسیده که تقویم ولی روزها در آن مشخص و در حاشیه روزهای سال به وقایع مهم دوران اسارت اشاره شده است.

● در پایان از لطف و همکاری شما در فراهم کردن این فرصت گفت‌وگو سپاسگزارم. موفق و پاینده باشید. ■

ناشی از دوران اسارت مهم‌ترین عامل مرگ و میر زود هنگام آزادگان عزیز است. نقش فراموشی هم در تعیین این اولویت بی تأثیر نیست. فردا خیلی دیر است و دوستان آزاده یک گام به نسیان نزدیک‌تر خواهند شد. تا زمان باقی است باید در صدد گردآوری و آرشیوسازی غنی باشیم زیرا برای تألیف زمان هست و حتی اگر ما نباشیم، آیندگان حاصل پژوهش‌ها را خواهند نوشت، اما اگر آزادگان نباشند، کسی

خاطرات و اسناد را بازگو نخواهد کرد و هر آنچه به جای می‌ماند نقل قول‌ها است؛ زیرا از دوران اسارت سند خاصی نداریم. به عبارت دیگر جز خود آزادگان اصلاً سند دیگری نداریم. در اردوگاه مفقودان نه خبری از نامه بود و نه عکس و فیلم؛ این یعنی هیچ.

قطعاً یکی از برنامه‌های آینده ما نشر یک فصلنامه پژوهشی است و نیز پرداختن به فرزندان، همسران و مادران انتظار، که البته مصاحبه با همسران و مادران در دست اقدام است.

● از مجموعه آثار منتشر شده در مؤسسه، چه آثاری ترجمه شده و یا با الهام از ادبیات اسارت در خارج از ایران تألیف شده است؟

ما کتابی که خودمان ترجمه کرده باشیم، نداریم ولی دو کتاب زمان ایستاده بود و سرباز کوچک امام به انگلیسی و عربی، اردو و پشتو ترجمه شده است که البته بعضی از آن‌ها به دست ما رسیده است. کتاب اسیر شماره ۷۷۷۷ به زبان فرانسه است که چون خود آزاده به زبان فرانسه تسلط داشته آن را نوشته است.

تأملی بر محتوای کتاب

«تأملی بر روش شناسی پژوهش در حوزه دفاع مقدس»

جعفر گلشن روغنی



پاسخگویی به آن‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. زیرا این‌گونه آثار تخصصی‌اند و مخاطبان خاص دارند و طبیعتاً استقبال عمومی و فراگیر در میان نیست و بیشتر زیر نگاه تیزبین و کارشناسانه متخصصین امر قرار می‌گیرد. پس لازم است تا نویسندگان یا پدیدآورندگان این‌گونه آثار ابتدا از خود این پرسش را مطرح کنند که چرا باید چنین کتابی را نوشت؛ چه اهمیتی دارد؛ و چه نکته یا مسئله‌ای را روشن می‌کند؛ مخاطب چرا باید آن را بخواند و حاصل مطالعه آن چه فهمی در خوانندگان ایجاد می‌کند؛ آیا حرف تازه‌ای در آن زده شده است و کار نکرده‌ای را به انجام رسانده و خلایق در تحقیقات علمی را پر کرده است؛ آیا راه جدیدی گشوده، بر غنای مطالب این‌گونه آثار افزوده، نیاز مبرم و مهمی را در این عرصه برطرف کرده و جواب داده است؛ اهمیت طرح این سؤالات از سوی پدیدآورندگان بدان جهت است که به نظر می‌رسد به‌صراحت می‌توان گفت که دیگر دوران نگارش و انتشار هر کتابی و با هر کیفیت محتوایی به پایان رسیده است. چه بسیار کتاب‌های ضعیف که طی دهه‌های گذشته به چاپ رسیده‌اند و امروزه بلا استفاده مانده‌اند و صرفاً در تاریخ انتشار آثار در ایران اعلام حضور کرده‌اند. این نیز روشن است که انتشار کتاب‌هایی با

بدون تردید در بیان و نگارش و انتشار هر سخن و مطلبی در قالب‌های مختلف همچون مقاله و کتاب، نخستین پرسشی که حائز اهمیت است و مطرح می‌شود این است که محتوای آن چه اهمیتی دارد و چه پرسش یا پرسش‌هایی را پاسخ می‌دهد؛ چه مسئله یا مسائلی را حل می‌کند و در چه زمینه‌ای ما را یاری می‌رساند؛ در واقع پرسیده می‌شود که چرا و به چه دلیل این سخن و نوشته به نگارش درآمد و انتشار یافت و به چه کار می‌آید.

بر این اساس اگر بتوان برای این پرسش یا پرسش‌های اساسی پاسخ خوب و مناسب و منطقی ارائه کرد، کاملاً درخواهیم یافت که تا چه میزان حضور آن سخن یا نوشته ضرورت داشته است. آنگاه می‌توان ارزش آن را سنجید، برایش نمره تعیین کرد و جایگاهش را در گستره دانش مربوطه مشخص نمود. در باب کتاب‌های تحقیقی و پژوهشی از یک سو و کتاب‌های نظری و تئوریک علمی از سوی دیگر طرح این پرسش یا پرسش‌ها و در نتیجه

موضوعات تخصصی و با محتوای کیفی متوسط نیز چندان توجیه‌پذیر نیست و حتی به نوعی در عرصه علوم انسانی و اجتماعی و رفتاری از حیز انتفاع افتاده است. لاجرم باید به تولید آثار ارزشمند و غنی از محتوا و عالی فکر کرد و اقدام نمود. شاید تا سال‌ها پیش که فضای جهانی اینترنت و دنیای ابزارها و شبکه‌ها و تلفن‌های همراه با نرم‌افزارهای متنوع، تولید و انتشار داده‌ها و اطلاعات و مفاهیم را تا این حد گسترش نداده بود، چاپ آثار متوسط توجیه داشت اما یقیناً امروزه دیگر دلایل بسیاری می‌توان ارائه کرد که دیگر لزومی به طبع آنها نیست. خاصه بدان جهت که مخاطبان می‌توانند با ورود به دنیای اینترنت و سایت‌های مختلف، محتواهایی از این‌گونه را به دست آورده و از مطالعه آن‌ها برای آشنایی اولیه و بعدی بهره ببرند.

کتاب تأملی بر روش‌شناسی پژوهش در حوزه دفاع مقدس به قلم آقایان اصغر محمدی فاتح و سید مهدی حسینی، از سوی انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا در ۱۷۶ صفحه در سال جاری به چاپ رسیده است. همان‌گونه که از نام آن هویدا است، نویسندگان محترم وارد عرصه مسائل نظری و تخصصی علوم انسانی و اجتماعی و رفتاری شده و در این باره چنین کتابی را تألیف کرده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که محتوای کتاب از غنای خوب و قابل قبولی برخوردار باشد؛ زیرا ورود به این عرصه (بررسی مسائل نظری و تخصصی) در قابلیت و توانایی هر علاقه‌مند و پژوهشگری نیست، بلکه باید سال‌ها علاوه بر کسب دانش در رشته تخصصی مورد نظر و کسب دانش کامل از کلیات و حتی جزئیات آن، بر مسائل نظری آن رشته نیز احاطه کامل یابند؛ کاری که از عهده هر فردی بر نمی‌آید و ساخته نیست. به عبارت دقیق‌تر ورود به عرصه نگارش و تحلیل مسائل نظری حداقل دو تخصص کامل و کافی نیاز دارد: اول تسلط کامل بر محتوای دانش مورد نظر و مسائل عمومی و کلی و جزئی آن، و دوم تسلط و تخصص ویژه بر مسائل نظری و فلسفی و «چیستی و چرایی و چگونگی» آن دانش است. بر این اساس با توجه

به عنوان کتاب یاد شده توقع می‌رود که نویسندگان این کتاب این دو مهارت و تخصص و تسلط و تبحر را داشته باشند. نکته مهم این که با توجه به موضوع تخصصی مورد نظر مؤلفان در این کتاب یعنی دفاع مقدس و بحث پژوهش‌های آن به نظر می‌رسد که مؤلفان محترم باید از تخصص سومی هم در نگارش این کار برخوردار باشند؛ تاریخ دفاع مقدس را بدانند؛ بر نوشته‌های منتشر شده از نخستین سال‌ها تا کنون در باب جنگ ایران و عراق آگاهی کامل و احاطه داشته باشند و از چگونگی نگارش و روند طی شده در دهه‌های گذشته مطلع باشند تا بتوانند کتابی در این عرصه با کیفیت فراتر از متوسط ارائه دهند. در باب روش‌شناسی در حوزه علوم انسانی نیز در سال ۱۳۸۹ش سه کتاب ارزشمند به قلم احمد محمدپور از سوی انتشارات جامعه‌شناسان به فارسی منتشر شد که اگر مؤلفان گرامی آن‌ها را مطالعه کرده بودند بهره بسیار می‌بردند. نخستین کتاب ایشان روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی است که بر بیان مفهوم و سابقه و انواع پارادایم‌ها تمرکز داشت. فراروش؛ بنیانهای فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیب در علوم اجتماعی و رفتاری دومین کتاب وی است و سومین اثر او ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی حاوی مطالبی است که مؤلفان عزیز کتاب مورد نقد بدان توجه ویژه داشته‌اند. بنده بر این نظرم که چنانچه مؤلفان گرامی این سه جلد کتاب را مورد توجه قرار می‌دادند قطعاً به گونه‌ای دیگر و با محتوای بسیار غنی‌تر اقدام به نگارش اثر حاضر می‌کردند.

بنابر آنچه در فهرست و پیشگفتار و محتوای کتاب ارائه شده است، مؤلفان گرامی کوشیده‌اند تا «مباحث موجود در حوزه روش‌شناسی علوم اجتماعی را تبیین [کنند] و سعی شده تا کاربردهای آن‌ها را در عرصه دفاع مقدس بررسی» نمایند (ص ۱۱). از این رو کتاب را در پنج فصل تنظیم و مطالب را ارائه کرده‌اند. کتاب با بیان «کلیات مباحث روش‌شناختی در عرصه دفاع مقدس و اهمیت و

ضعف و کاستی به چشم می‌خورد و البته بر سراسر کتاب سایه افکنده، عدم تسلط کافی مؤلفان بر مباحث نظری است، به‌ویژه آنکه این مسائل را باید با مسائل و مفاهیم و پدیده‌های دفاع مقدس پیوند می‌زدند. این ضعف و کاستی در فصل اول به‌وضوح دیده می‌شود. مؤلفان گرامی برای ارائه توضیحات حداقلی در باب روش‌شناسی، به‌خصوص روش‌شناسی جنگ، از خود مطلبی ارائه نکرده‌اند، بلکه به نقل گلعلی بابایی (۱۳۹۲)، با عنوان «چهار نکته درباره تاریخ شفاهی دفاع مقدس» در سایت Farsi.khamenei.ir و ناصر هادیان (۱۳۹۶)، با عنوان «گزارش نشست روش‌شناسی مطالعات جنگ در ایران» در سایت ispa.ir بیان شده‌اند. البته همین دو مطلب هم جامع و کامل نیست، زیرا در نقل از هادیان روش‌شناسی جنگ از روش‌شناسی مطالعات جنگ تفکیک شده و نقل از بابایی «به حوزه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و نه روش تحقیق مرتبط است». در ادامه هم با ذکر مطلبی از بابایی به بیان چپستی روش‌شناسی مطالعه جنگ پرداخته که در یک نگاه کلی به دو شکل «مطالعه همزمانی (مطالعه جنگ به‌عنوان پدیده‌ای نظامی و راهبردی) و مطالعه در زمانی (پدیده‌ای با ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که حیات جمعی مردم را متأثر ساخته)» دسته‌بندی کرده است (ص ۱۷).

مؤلفان در ذیل عنوان «روش تحقیق در حوزه دفاع مقدس» به ذکر رویکردهای متعددی که پژوهشگران با اتکا به آن‌ها مسائل مختلف دفاع مقدس را واکاوی کرده‌اند، پرداخته‌اند و لزوم بهره‌گیری از رویکرد علمی را یادآور شده‌اند. بر این اساس تصریح می‌کنند که اگر بخواهیم «رویکرد علمی را برای تبیین و اکتشاف دفاع مقدس انتخاب کنیم به‌ناچار بایستی به روش‌شناسی اتکا کنیم» (ص ۲۱). نکته حائز اهمیت در این مطلب این است که مؤلفان تعریفی از رویکرد علمی و آکادمیک در حوزه دفاع مقدس ارائه نمی‌دهند و تنها به کلی‌گویی و اهمیت به‌کارگیری این رویکرد اشاره می‌کنند. در واقع

ضرورت موضوع «آغاز می‌شود. در واقع انتظار بر این است که مؤلفان گرامی کلیات مسائل نظری، تعاریف، و کاربردها و کارکردهای آن‌ها را برای مخاطبان در ابتدای کتاب و فصل آغازین آن ارائه نمایند تا خوانندگان با چارچوب نظری نویسندگان آشنا شوند. ضرورت این بحث به‌ویژه آنجا مشخص می‌شود که علاوه بر خوانندگان حرفه‌ای و تخصصی مسائل نظری دفاع مقدس، خوانندگان نه‌چندان متخصص هم که خواهان کسب آگاهی و دانش در این موضوعات هستند و احساس نیاز کرده‌اند تا از این مسائل آگاهی یابند، بتوانند از این مسائل و ضرورت توجه به آن‌ها در پژوهش‌های جنگ بهره‌مند شوند. بنابراین طبیعی بود که در فصل آغازین کتاب با عنوان «دفاع مقدس در آئینه پژوهش» ابتدا مقصود و منظور دقیق مؤلفان از نگارش این کتاب بیان شود و چرا به این موضوع توجه کرده‌اند و در باب آن دست به نگارش زده‌اند و از چه تخصص‌های علمی بهره‌مندند و همان‌گونه که خودشان در جای جای متن کتاب اشاره کرده‌اند، چرا روش‌شناسی علوم اجتماعی را برای تحلیل انتخاب کرده‌اند. از این رو بدیهی است که تعریف «روش‌شناسی» و اصطلاحات «روش» و اینکه چرا روش‌شناسی در علوم اجتماعی مد نظر قرار گرفته ضروری به نظر می‌رسد. افزون بر این باید مشخص شود این روش‌شناسی چه ویژگی و اهمیتی در تحلیل پژوهش‌های دفاع مقدس ارائه می‌کند که در سایر روش‌شناسی‌ها موجود نیست. از آنجا که محتوا دال بر توجه کامل نویسندگان بر روش‌شناسی علوم اجتماعی است، پس به نظر می‌رسد که عنوان کتاب نارسا و نادقیق است. از این رو بهتر بود در عنوان کتاب تکلیف مخاطب را با محتوای آن روشن می‌کردند و به‌صراحت از نوع روش‌شناسی مورد نظر خود سخن می‌گفتند. بدین ترتیب چه بسا بهتر بود که نام اثر بدین‌گونه تغییر می‌یافت: «تأملی بر روش‌شناسی علوم اجتماعی در پژوهش‌های دفاع مقدس».

نکته اساسی که در فصل نخست کتاب به‌عنوان



تاریخی جنگ است که البته اگر روش علمی بر این آثار سایه نیفکند، ظهور «تحریف، مبالغه‌گویی و یا فراموشی» دامن‌گیر آن خواهد شد. هرچند این مطلبی که به عنوان مثال آورده شد از مسائل بدیهی تحلیل‌ها و پژوهش‌های جنگ است ولی مؤلفان فراموش کرده‌اند که این مطلب ناقص را تکمیل کنند و بر آن بیفزایند که فقط به سبب محتوای کتاب‌های تاریخی و نوشته‌های راویان نبوده که چنین تحلیلی بر جامعه حاکم شده است، بلکه باید به نقش و اهمیت روایت‌هایی اشاره کنند که رسانه‌های دیداری و شنیداری همچون رادیو و تلویزیون، رسانه‌های مکتوب همچون روزنامه‌ها و مجلات و برنامه‌های کوتاه و بلند مناسبی و حتی تریبون‌های رسمی و سخنرانی‌های

به‌صراحت می‌توان گفت که مؤلفان از ورود به تعاریف دقیق و مشخص و تبیین ابعاد هر سخن و نکته یا روش و شیوه و رویکردی که بیان می‌کنند، عاجزند، یا حداقل بدان اعتنایی ندارند و همواره در سطح حرکت می‌کنند و از بیان عمیق و موشکافانه و دقیق مطالب خودداری می‌ورزند. ارجاعات بی‌مورد و نالازم و مکرر و بسیار در این فصل و دیگر صفحات کتاب نیز دلیلی بر این مدعاست که نویسندگان احاطه کامل و جامع بر این موضوعات ندارند از این‌رو از سایر نوشته‌ها برای بیان مطالبشان بهره گرفته‌اند. به عنوان مثال به نقل از یآوری و جانی‌پور، به وضعیت تحلیل موجود از جنگ تحمیلی اشاره می‌کنند که ناشی از روایت راویان یعنی محققان و نویسندگان آثار

در قسمت بعدی مطالب فصل اول کتاب، مؤلفان به «مطالعات فراتئوریک و فراتحلیل در عرصه دفاع مقدس» پرداخته‌اند و به نقل از کتاب گهن، غرض از به‌کارگیری این دو اصطلاح علمی را چنین ذکر کرده‌اند: «در مطالعه فراتئوریک و فراتحلیل، اوضاع یک رشته علمی از بیرون و از یک سطح بالاتر مورد کنکاش قرار می‌گیرد. یک فراتئوری که به عنوان راه حلی برای بلوغ یک رشته است، مجموعه منسجمی از قوانین فراهم می‌کند که منجر به شکل‌گیری کار آینده در یک روش سازگار می‌شود. این فراتئوری زمینه را برای ورود به مرحله علمی فراهم می‌کند» (ص ۲۷).

«جامعه علمی و دفاع مقدس» مطلب پایانی بخش اول است و آنگاه در ادامه نتیجه‌گیری مطالب فصل اول ارائه می‌شود. بیان فشرده مطالب گفته شده در هر فصل با عنوان نتیجه‌گیری خواننده را به یاد کتاب‌های درسی و درسنامه‌ها و کتب آموزشی برای دانش‌آموزان یا دانشجویان می‌اندازد که لازم است بعد از بیان تفصیلی مطالب، نتیجه‌گیری از مطالب نیز به خواننده غیر متخصص و تازه‌کار ارائه شود. کاری که در تضاد با محتوای آثار تخصصی در حوزه تألیف کتاب نظری علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری است. مؤلفان در این مطلب به لزوم ایجاد انجمن‌ها و تشکل‌های علمی برای پژوهشگران متخصص دفاع مقدس تأکید می‌ورزند و تشکیل جامعه علمی را ضرورت می‌شمارند تا بر علمی شدن تحقیقات مؤثر واقع شود. در پایان نیز با ذکر مطلب کوتاهی از سخنان رهبری انقلاب در سال ۱۳۸۰ش و استناد به سخنان ایشان در حدوداً بیست سال پیش، «نبود جامع‌نگری در نگرش و عدم ارائه تحلیل‌های چندبعدی و عمیق در نگارش تاریخ جنگ» را متذکر می‌شوند.

در پایان این فصل مؤلفان به صورت ناقص و یک جانبه‌نگرانه، هفت پیشنهاد برای ارتقای وضعیت موجود درباره روش‌شناسی در پژوهش‌های دفاع مقدس ارائه می‌دهند:

۱. هم‌افزایی علمی از طریق اتصال روش‌شناسان

سخنرانان و... در شکل‌گیری تحلیل امروزه و موجود بر فضای مسئله جنگ مؤثر بوده‌اند.

نویسندگان با ذکر این مسئله که در «تحقیقات و پژوهش‌های اجتماعی در مورد جنگ ایران و عراق در منابع فارسی... متأسفانه کارنامه چندان مقبولی» نداریم، با عنوان «برخی مطالعات روش‌شناختی در حوزه دفاع مقدس» به صورت گذرا و کلی و از نگاه آمار به پیشینه پایان‌نامه‌های دانشگاهی در این زمینه پرداخته‌اند؛ زیرا بر این نظرند که بهترین محمل و مکان برای توجه علمی به مسائل دفاع مقدس، دانشگاه‌هاست که از ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۷ش، دانشگاه‌های ۲۸۵۰ عنوان پایان‌نامه، رساله دکتری و غیره را به ثبت رسانده‌اند.

ایجاد این اختلال‌ها که به مجموع اینها آسیب‌شناسی می‌گویند» (ص ۳۹). شایسته بود تا مؤلفان گرامی کتاب پژوهش دفاع مقدس: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش اول تا پنجم پژوهش و دفاع مقدس انتشار یافته در سال ۱۳۸۹ش را مطالعه کرده تا با مطالبی با عنوان آسیب‌شناسی پژوهش در دفاع مقدس به قلم آقایان علیرضا کمری (دو مطلب در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ش)، سردار رضا صادقی، سرتیپ مسعود بختیاری، سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری، رضا نجفی و رمضان فیضی، آشنایی کافی پیدا می‌کردند. نکته قابل توجه در این فصل به هم‌ریختگی و عدم انسجام و ترتیب و اولویت‌بندی ذکر مسائل و مطالب است. این عدم رعایت ترتیب ذکر مطالب در برخی دیگر از فصول هم مشاهده می‌شود. اما در این فصل کافی بود تا مطالب بند دوم و سوم از صفحه ۴۰ در ابتدای فصل آورده می‌شد زیرا مطلب درباره معادل‌سازی اصطلاح آسیب‌شناسی در ادبیات انگلیسی و دیگر مسائل و معانی لغوی این واژه و اصطلاح است. از این رو گمان بر این می‌رود که هریک از دو مؤلف محترم موظف بوده‌اند بخش‌هایی از محتوای کتاب را تهیه کنند و سرانجام با کنارهم نهادن مطالب، شکل کتاب کامل شود. اما به نظر می‌رسد در این کنارهم قرار دادن، اولویت و اهمیت محتوایی مطالب و تقدم و تأخرشان رعایت نشده است به نحوی که انگار تکه‌های مختلف را ناهماهنگ، پشت سرهم چیده‌اند آن گونه که ربط منطقی به مسائل مطروحه در قبل یا بعدشان دیده نمی‌شود. در این فصل هم ارجاعات بی‌دلیل و بی‌مورد بسیار دیده می‌شود. به عنوان نمونه مطلب بدیهی و روشن زیر به کتاب تأملی بر تدوین سیاستهای فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، انتشار یافته در سال ۱۴۰۰ش ارجاع داده شده است: شناسایی آسیب‌ها و شناخت چگونگی پیدایش آن‌ها مهمترین وظیفه آسیب‌شناس است. «این امر مستلزم دستیابی به اطلاعات صحیحی از علائم آسیب‌هاست که در آسیب‌شناسی در حوزه‌های

دانشگاهی به کارگزاران و پژوهشگران و متولیان حوزه دفاع مقدس؛

۲. برقراری مطالعه بین‌رشته‌ای، فراتحلیل و فراتئوریک؛

۳. ایجاد جامعه علمی؛

۴. انتشار فصلنامه مطالعات تخصصی و تاریخ شفاهی دفاع مقدس: الماس ایران و سایر نشریات دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه امام حسین؛

۵. تبیین‌های تئوریک و مبتنی بر روش‌شناسی و همراه کردن آن‌ها با عمل؛

۶. انتخاب و تدوین درست و علمی موضوع‌یابی و روش‌شناسی معارف جنگ؛

۷. توجه به فراتحلیل و فراتئوری در دفاع مقدس.

با کمی تأمل در این حوزه می‌توان مسائل دیگری را نیز مطرح کرد که قطعاً در ارتقای پژوهش‌های دفاع مقدس و علمی شدن آن‌ها مؤثر واقع خواهد شد، همچون: ایجاد مراکز اسنادی مناسب و منظم و کاربردی برای دسترسی آسان پژوهشگران به اسناد جنگ سپاه و ارتش و ژاندارمری و...؛ ایجاد بانک‌های اسناد دیداری و شنیداری همچون بانک عکس، فیلم، صوت و...؛ برگزاری نشست‌ها و همایش‌های تخصصی و غیر تبلیغاتی و دانشگاهی.

«آسیب‌شناسی پژوهش در حوزه دفاع مقدس» فصل دوم کتاب را تشکیل می‌دهد. در صفحات نخست این فصل، انتظار بر این است که معنا و منظور دقیق خود را از آسیب‌شناسی، به خصوص از منظر تعاریف اصطلاحات علمی بیان کنند اما چنین نیست. در صفحات ۳۸ تا ۴۱ کتاب به بیان معانی مختلف آسیب در رشته‌ها و علوم مختلف همچون روانشناسی، تعلیم و تربیت و غیره می‌پردازند. به عبارت دیگر به روشنی و وضوح تعریفی از آسیب‌شناسی ارائه نمی‌دهند و به این اکتفا می‌کنند که «به هر حال باید هم اختلال‌ها بازشناسی شود و هم علل

تا ۶۹ آسیب‌ها براساس افراد نظریه‌پرداز در این زمینه که در چند سطر گذشته نام آن‌ها را ذکر کردیم، دسته‌بندی و ارائه شده است. در حالی که به نظر می‌رسد جهت کاربردی کردن مطالب بهتر بود دسته‌بندی آسیب‌ها بر اساس نوع و گونه و محتوای هرکدام صورت می‌پذیرفت.

«راهنمادهای پژوهش در علوم انسانی و نقش آن‌ها در مطالعات حوزه دفاع مقدس» مهمترین مطلب نظری

این کتاب است که در فصل سوم آمده است. با ذکر این نکته که

پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند، مؤلفان صرفاً به راهنمادهای پژوهش کمی شامل:

پیمایش، آزمایش، شیوه‌های رسمی و شیوه‌های عددی اشاره می‌کنند.

سپس به تفصیل از ص ۷۷ تا ۹۴ به راهنمادهای کیفی شامل: روایتی

(روایی)، پدیدارشناسی، داده‌بنیاد، مطالعه موردی، مطالعه تاریخی

و اقدام (عمل) پژوهی می‌پردازند. مؤلفان در این فصل در تلاشند تا

با بیان انواع راهنمدها، لزوم توجه علمی و متخصصانه به پژوهش در

دفاع مقدس را یادآوری کرده و بر اهمیت بسیار آن برای رسیدن به

بهترین و دقیق‌ترین و درست‌ترین فهم و شناخت از دفاع مقدس تأکید ورزند. البته ارجاعات

بی‌مورد برای مطالبشان به منابع متعدد و نادقیق بودن و کلی‌گویی و نامفهوم بودن برخی از مطالب، از ویژگی‌های

مطالب این فصل است. آنچه به روشنی مشخص است این نکته است که مؤلفان گرامی فهم عمیق و درونی از

مباحث نظری مطرح‌شده در این فصل نداشته‌اند از این رو در تبیین مقولات نظری تلاش بسیار داشته‌اند تا با

فرهنگی این مسئله از ظرافت و حساسیت و دقت بیشتری برخوردار است» (ص ۴۱).

مؤلفان در ادامه مطالب‌شان در این فصل، سی‌ویک مورد آسیب‌های پژوهشی موجود در حوزه دفاع مقدس

را برشمرده‌اند. نکته قابل تأمل این است که در بیان تشریح اکثر این آسیب‌ها، فقط به نقل قول از پژوهشگران

و فعالان حوزه تحقیقات دفاع مقدس همچون سرتیپ مسعود بختیاری، نصرت‌الله معین

وزیری، علیرضا سوادکوهی، حسین علائی فعال، نصرت‌الله محمودزاده،

علی محمد نائینی و یک تیم دونفره به نام‌های یآوری و جانی‌پور

بسنده کرده‌اند و تحلیل و بررسی از مؤلفان دیده نمی‌شود. در همان

شماره اول نام بردن از آسیب‌ها که با عنوان «آسیب‌های محتوایی»

است، به بیش از یک صفحه از متن مصاحبه سرتیپ بختیاری در

۱۳۹۶ش ارجاع داده شده و نقل قول مستقیم آورده شده است. بر

همین منوال دیگر توضیحات موارد آسیب‌ها از نویسندگان محترم،

به صورت نقل قول مستقیم آمده است. یعنی به عبارتی از ص ۴۱ تا ۶۴

بر اساس نقل قول مستقیم و بدون تحلیل مؤلفان به رشته تحریر درآمده

است. جالب آنکه حتی این سی‌ویک مورد آسیب نیز دسته بندی نشده‌اند، در حالی که بنابر نوشته خود مؤلفان،

بختیاری آسیب‌ها را در سه گروه محتوایی، ساختاری و کاربردی تقسیم کرده است. البته لازم به ذکر است که در

برخی از این توضیحات ذیل عنوان هر یک از آسیب‌ها، مطالب اضافی، نامربوط و حتی نادرست هم به صورت نقل

قول مستقیم ذکر شده است. عجیب آنکه در صفحات ۶۵

**پژوهشگر می‌تواند
برای تسلط بر موضوع
و مسئله‌ای که می‌خواهد از
طریق مصاحبه به اطلاعات
و فهم بیشتری دست یابد،
از داده‌های مکتوب و غیر
مکتوب بهره گیرد. این گردآوری
داده‌ها ربطی به خود مصاحبه
و تاریخ شفاهی ندارد
و تنها برای افزایش دانش
و آگاهی و احاطه بیشتر محقق
بر موضوع و یا در اضافه
کردن توضیحات در پانویست
یک مطلب ناشناخته و ناگویا
استفاده می‌شود.**

بهره‌گیری از نوشته‌ها و سخنان دیگران و ارجاعات مکرر به آنها مسائل نظری را تبیین کنند.

عنوان فصل چهارم کتاب «ابزارها و فنون گردآوری داده در حوزه دفاع مقدس» است. در همان مقدمه «مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و پرسشنامه» را چهار ابزار حوزه علوم انسانی برای گردآوری داده‌های تحقیق معرفی می‌کنند. ناگهان به یک باره از تاریخ شفاهی سخن

می‌گویند و در باب مصاحبه مطالبی نامرتب و غیردقیق را ذکر می‌کنند. از جمله اینکه ذکر می‌کنند که در تاریخ شفاهی «در گردآوری داده‌ها می‌توان به دو شیوه متفاوت اقدام کرد: نخست، بهره‌گیری از روایت‌ها و داده‌های آماده که از قبل توسط نهادهای رسانه‌های مختلف به صورت صوتی، تصویری و یا نوشتاری (پیاپی‌شده) فراهم شده‌اند مانند: سخنان، مواضع، تحلیل‌ها، خاطره‌ها و نیز فیلم‌ها، تصاویر و اعمال و حرکت‌های شخصیت‌های مهم و برجسته سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و... دوم، گردآوری روشمند و آگاهانه داده‌ها با روش‌های میدانی چون مصاحبه. در این روش پژوهشگر به منظور پرکردن خلأها، رفع ابهام‌ها و روشن ساختن نقاط کور

برخی از تحول‌های معاصر به مصاحبه با برخی از بازیگران و آگاهان رخداد مزبور می‌پردازد» (ص ۹۹-۱۰۰). حال با توجه به این مطلب به وضوح می‌توان بر عدم آگاهی کافی و کامل و عدم تسلط مؤلفان بر مقوله تاریخ شفاهی و مصاحبه دست یافت. تاریخ شفاهی که بنیانش بر مصاحبه فعال و متخصصانه استوار است فقط به یک شیوه دریافت داده‌ها از طریق مصاحبه فعال، خواه مصاحبه‌های از قبل انجام

شده و خواه انجام مصاحبه تازه و جدید از سوی پژوهشگر به مقتضای نیاز، می‌توان عمل کرد. بنابراین عبارت «دو شیوه متفاوت» کاملاً نادرست است. یعنی «روایت‌ها و داده‌های آماده» هیچ جایگاه و مفهومی در تاریخ شفاهی و مصاحبه ندارند. پژوهشگر می‌تواند برای تسلط بر موضوع و مسئله‌ای که می‌خواهد از طریق مصاحبه به اطلاعات و فهم بیشتری دست یابد، از داده‌های مکتوب و غیر مکتوب بهره گیرد. این گردآوری داده‌ها ربطی

به خود مصاحبه و تاریخ شفاهی ندارد و تنها برای افزایش دانش و آگاهی و احاطه بیشتر محقق بر موضوع و یاد اضافه کردن توضیحات در پانویست یک مطلب ناشناخته و ناگوا استفاده می‌شود.

پس از این مقدمه، مؤلفان به تشریح هر یک از چهار ابزار گردآوری داده می‌پردازند. ذیل عنوان «مصاحبه» این جمله در صفحه ۱۰۰ با چهار ارجاع به منابع انگلیسی دیده می‌شود که بسیار تعجب‌آور است: «ادبیات تأکید می‌کند که مصاحبه‌های کیفی مهمترین روش جمع‌آوری داده‌ها در علوم اجتماعی قلمداد می‌شود. (فودی، ۱۹۹۳؛

روبین و روبین، ۱۹۹۵؛ دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ بین، ۱۹۹۴)». حال

سؤال این است که دلیل ارجاع جملاتی کاملاً ساده و روشن آن هم به چهار منبع غیر فارسی چه می‌تواند باشد. ارجاع مطالب روشن و بدیهی در مفاهیم و تعاریف و کاربردهای تاریخ شفاهی به منابع غیر فارسی در این فصل باز هم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد مؤلفان محترم از میزان کیفیت بالا و ارزشمند نظرات و نوشته‌های پژوهشگران عرصه مسائل نظری تاریخ شفاهی در ایران

مؤلفان از اسناد و مدارک به دو تعبیر استفاده کرده‌اند. گاهی آن را ابزار و منابع تحقیق در نظر گرفته‌اند و گاهی روش تحقیق. این جملات بازگوکننده عدم دقت مؤلفان در این موضوع است؛ «اسناد منبع غنی داده‌هاست»؛ روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی به‌شمار می‌روند؛ «مطالعه اسناد دفاع مقدس، مکمل سایر روش‌های پژوهشی (مصاحبه، پرسشنامه و...) است»

گفت که اسناد به دو بخش «مکتوب» و «غیر مکتوب» تقسیم می‌شوند که هر آنچه از دفاع مقدس به صورت نوشته درآمده باشد، می‌تواند در شمار «اسناد مکتوب» درآیند همچون نامه‌ها و صورت جلسات و یادداشت‌ها و خاطرات و نقشه‌ها و جداول و... در بخش «اسناد غیر مکتوب» هم می‌توان هر آنچه به صورت منابع دیداری یا شنیداری موجود هستند همچون فیلم و عکس و برنامه تلویزیونی و صوت و اشیاء و بناها و وسایل و ادوات و... می‌توانند در شمار منابع غیر مکتوب به حساب آیند. آقای علیرضا کمری در کتاب ارزشمند خود با عنوان اثر نشان به مفهومی جامع و کامل و البته نوین از اسناد جنگ به صورت مفصل پرداخته‌اند. شایسته بود که مؤلفان گرامی به کتاب اسناد افتخار: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های پنجمین همایش پژوهشی اسناد دفاع مقدس انتشار یافته در ۱۳۹۰ش مراجعه کنند تا از مقالات و مطالب ارزشمند در باب اسناد و جایگاه و نقش آن‌ها در پژوهش دفاع مقدس بهره‌مند شوند. در این مجموعه، مقاله «اسناد دفاع مقدس: تعاریف و گونه‌ها، شیوه‌های اطلاع‌رسانی» به قلم آقای رضا پیکار ارزشمند است.

• مؤلفان از اسناد و مدارک به دو تعبیر استفاده کرده‌اند. گاهی آن را ابزار و منابع تحقیق در نظر گرفته‌اند و گاهی روش تحقیق. این جملات بازگوکننده عدم دقت مؤلفان در این موضوع است: «اسناد منبع غنی داده‌هاست» (ص ۱۰۷)؛ روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی به شمار می‌روند» (ص ۱۰۸)؛ «مطالعه اسناد دفاع مقدس، مکمل سایر روش‌های پژوهشی (مصاحبه، پرسشنامه و...) است» (ص ۱۰۸)؛ «شکی نیست برای درک عمیق پدیده‌های دفاع مقدس، نخستین ابزار همان مصاحبه است اما می‌توان از اسناد جاری برای پیشرفت کار استفاده و مرتب به آن‌ها رجوع کرد» (ص ۱۰۹)؛ «به طور کلی اهمیت اسناد دفاع مقدس در این است که در زمینه‌های پژوهشی متعددی در حوزه جامعه‌شناختی

غافلند و الا نیازی نبود تا به منابع غیر فارسی ارجاع داده شود. نمونه‌ای از این دست ارجاعات را می‌توان در مطلب ابتدای صفحه ۱۰۲ نیز مشاهده کرد. البته در این فصل همچون دیگر فصول نیز ارجاع بدیهیات به منابع به چشم می‌خورد. چنانچه این جمله که به مصاحبه شهرام‌نیا در ۱۳۸۸ش ارجاع داده شده است: «مقولۀ تاریخ شفاهی به عنوان مطالعات میان‌رشته‌ای جدید، به تدریج جایگاه خود را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه پیدا کرد» (ص ۱۰۲). البته جملات نامفهوم و نادقیق نیز در این کتاب دیده می‌شود: «جدید و حرفه‌ای نبودن مصاحبه‌کننده، باعث می‌شود بسیاری از مطالب با واقعیت منطبق نباشد.» (ص ۱۰۳).

پس از ذکر توضیحاتی چند درباره ابزار «مشاهده» و تقسیم‌بندی آن به دو نوع «مستقیم و مشارکتی»، مؤلفان به تشریح ابزار «اسناد و مدارک» می‌پردازند. در این مطلب دو نکته حائز اهمیت است که می‌تواند دلیلی بر عدم تسلط یا عدم توجه کافی به این موضوع باشد:

• در این قسمت مؤلفان از «سند» و «مدرک» تعریف جامع و دقیقی ارائه نکرده‌اند. گاه فقط اسناد موجود در مراکز اسنادی و ادارات و نهادهای «اسناد» می‌شمارند و گاه هرگونه دست‌نوشته و متنی تایپ شده همچون «نامه، یادداشت، صورت جلسه، دستورکار، تذکره‌های تاریخی، بروشور و کتابچه» و گاه اسناد قابل مراجعه همچون «بایگانی‌ها، شمارش‌های آماری، مطبوعات و جراید، اسناد شخصی، ابزار آلات و ادوات، تصاویر، عکس‌ها، فیلم‌ها، نوارهای ضبط شده» و گاه «جداول، نقشه‌ها، کروکی و حتی فرم‌های شبه پرسشنامه و یا ترکیبی از آن‌ها» (ص ۱۰۸). جالب اینکه مؤلفان در پنج صفحه بعد به بیان انواع اسناد (مکتوب و غیر مکتوب) براساس مقاله عباسعلی رستمی نسب پرداخته‌اند. درباره مفهوم سند در پژوهش‌های حوزه دفاع مقدس تقسیم‌بندی‌های کلی و سپس جزئی متعددی می‌توان ارائه کرد که جامعیت نیز داشته باشد. مثلاً می‌توان

مقدس را مطابق تقسیم‌بندی «مستوره ستاری» در مقاله‌ای در مجله کتاب ماه ادبیات (۱۳۸۹ش)، به چهار نوع دسته‌بندی می‌کنند:

۸. ارزش محور
۹. جامعه محور
۱۰. انتقاد محور
۱۱. انسان محور

در صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۸ به پژوهش روایتی (روایی) توجه داشته‌اند و آن را پژوهشی خوانده‌اند که «در آن محقق زندگی افراد را توصیف کرده، داستان‌هایی را درباره زندگی آن‌ها جمع‌آوری کرده و روایت‌هایی از تجارب افراد می‌نویسد» (ص ۱۴۲). آن‌ها با تأکید بر این مطلب که روایت‌گری و داستان‌گویی راهبرد پژوهشی است، «مطالعه تجربه در قالب روایت و به بیان دیگر، شیوه تفکر درباره تجربه» را روایت‌گری می‌خوانند که «به مطالعه تجربه فرد در جهان می‌پردازد» (ص ۱۴۳).

مؤلفان در فصل آخر (فصل ششم) با ارائه جداول متعدد به ترسیم آماری سهم روش‌های پژوهشی در دفاع مقدس پرداخته‌اند. در پایان کتاب نیز فهرست طولانی از مشخصات صدونه مأخذ آورده شده است که با کاستن دو منبع تکراری تعداد آن‌ها به عدد صد و هفت می‌رسد و شامل هفتاد و هفت منبع فارسی و سی منبع انگلیسی می‌شود. از این میان هفده کتاب و دست‌نامه و پایان‌نامه، نوزده مقاله منتشره در سایت‌ها؛ پنج سخنرانی و سی‌وشش مقاله منتشره در مجلات به زبان فارسی هستند. همچنین پنج مقاله منتشره در سایت‌ها، ۸ مقاله منتشره در مجلات و هفده کتاب و دست‌نامه در منابع انگلیسی به چشم می‌خورد. در پایان لازم به یادآوری است که مطالعه کتاب بررسی مطالعات علوم انسانی درباره دفاع مقدس به قلم آقای بیژن زارع انتشار یافته در ۱۳۸۳ش می‌توانست مؤلفان کتاب را در فهم عمیق و دقیق پژوهش‌های دفاع مقدس یاری رساند. ■

و روانشناختی، نقش رهبری، مردم، اعتقادات، تاریخ، نقاط قوت و ضعف، عوامل پیروزی و شکست و عوامل مداخله‌گر در جنگ را فراهم می‌آورد» (ص ۱۰۹).

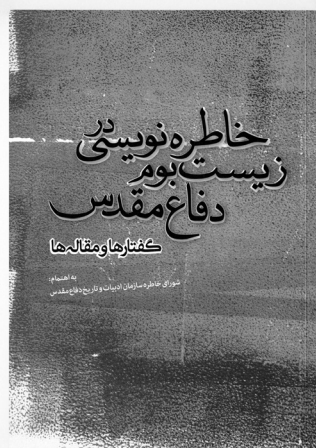
نویسندگان در مطلبی دیگر از این فصل، ادبیات مکتوب جنگ را در سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف) ادبیات اسنادی، ب) ادبیات پژوهشی تحلیلی و ج) ادبیات داستانی. البته پس از معرفی کوتاهی از هر کدام در بندی دیگر به صورت تکمله «ادبیات نقلی» و «ادبیات خاطره‌ای» را نیز توضیح می‌دهند. (ص ۱۱۰-۱۱۲). در همان نگاه اول می‌توان فهمید که این دسته‌بندی دقیق و کامل نیست. اگر بر اساس شکل و محتوا این امر صورت گرفته باشد پس باید از «ادبیات ناداستان» و «ادبیات نمایشی» نیز یاد می‌کردند. ضمن اینکه ادبیات جنگ را می‌توان به دو گونه «مستند» و «غیر مستند» تقسیم‌بندی کرد که دو نوع اسنادی و پژوهشی. تحلیلی در گونه «مستند» و داستانی و نمایشی و ناداستان و غیره در گونه «غیر مستند» جا می‌گیرند.

«روایت پژوهشی و پژوهش روایتی با تأکید بر مطالعات حوزه دفاع مقدس» پنجمین فصل این کتاب را تشکیل می‌دهد که همچون فصول اول و سوم بیشتر محتوای آن مسائل نظری است. مؤلفان با بیان اینکه «روایت، بازنمایی از وقایع گذشته توسط ابزارهای مختلف است» (ص ۱۲۷)، غرض خود را از روایت در ابتدا شکل داستانی بیان وقایع و قضایای جنگ به حساب می‌آورند که می‌تواند نسل‌های جدید را با ایام دفاع مقدس آشنا سازد. سپس در صفحه ۱۲۸ از خاطره به عنوان نوع دیگری از روایت سخن می‌گویند و با بهره‌گیری از مقاله علیرضا ملایی توانی انتشار یافته در ۱۳۹۰ش، به تعریف و توصیف خاطره و نسبت آن با روایت می‌پردازند. در ادامه با توجه به «کارکرد روایت‌ها»، دوباره به داستان به عنوان مهمترین شکل روایت و داستان‌گویی پرداخته و در چهار صفحه و با ارجاعات متعدد به منابع انگلیسی به تبیین آن پرداخته‌اند. سپس انواع داستان‌های دفاع

خاطره‌نویسی در زیست‌بوم دفاع مقدس

زهره قاسمی

خود را داراست. با فاصله گرفتن از جنگ و متفاوت شدن شیوه‌های خاطره‌نگاری، متولیان ادبیات دفاع مقدس بر آن شدند تا سر و سامانی به وضعیت آن بدهند و آثاری منتشر کنند که ضمن انتقال وقایع، خواندنی، مستند و بلیغ باشند. سازمان ادبی و هنری دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، طی بازه زمانی اسفند ۱۳۹۲ تا فروردین ۱۳۹۷، در حوزه خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی دفاع مقدس با سخنرانی صاحب‌نظران این حوزه، ۱۱ کارگاه برگزار کرد که متن این کارگاه‌ها در نشریه پلاک هشت منتشر شد. پس از سال‌ها، با توجه به خلأهای آموزشی در این حوزه و برای سامان بخشی حوزه نظری ادبیات مستند به‌ویژه خاطره، شورای خاطره سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس (زیرمجموعه سازمان ادبیات و تاریخ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس) تصمیم گرفت با استفاده از محتوای کارگاه‌ها کتابی جهت ارتقای سطح علمی این حوزه برای علاقه‌مندان منتشر کند. اعضای شورای علمی شورای خاطره دکتر محمدرضا سنگری، معصومه رامهرمزی، دکتر جواد کامور بخشایش، حمید حسام، گلعلی بابایی و مصطفی رحیمی هستند. برای تکمیل محتوای قبلی، مقالاتی به این گفتارها افزوده شد. کتاب خاطره‌نویسی در زیست‌بوم دفاع مقدس دارای فهرست مطالب، فهرست تفصیلی، مقدمه ناشر، سرآغاز، مقدمه شورای راهبردی، گفتارها و مقاله‌ها، سخن پایانی و نمایه اشخاص و کتاب‌هاست. این کتاب به همت شورای



خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاری یکی از گونه‌های ادبی نگارش وقایع و رویدادهاست که در حوزه دفاع مقدس از ابتدای جنگ شروع شده و تا کنون ادامه دارد. در بررسی سیر این‌گونه با موضوع دفاع مقدس، دوره‌های مختلفی را می‌توان مشاهده کرد که هر دوره ویژگی‌های

«پژوهش، گام نخست در خاطره‌نگاری» نوشته یحیی نیازی افزوده شده است. در این مقاله، پژوهش به عنوان یکی از ارکان مهم در فرآیند خاطره‌نگاری از وجوه مختلف بررسی شده است؛ اهمیت، رویکرد، فرآیند و جایگاه پژوهش از مباحث این مقاله به شمار می‌روند.

۳. دومین کارگاه ۲۴ خرداد ۱۳۹۳ در ساری با سخنرانی احمد دهقان برگزار شده است. این بخش با عنوان «سوژه و نقش آن در تعالی بخشی خاطرات دفاع مقدس» به اهمیت سوژه‌یابی و معیارهای انتخاب درست سوژه، تفاوت خاطره شفاهی با تاریخ شفاهی و دقت در شناسایی ذائقه مخاطب از مباحث این کارگاه است. برای تکمیل این مبحث، یک مقاله با عنوان «واکاوی مفهوم سوژه در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» افزوده شده است. معصومه رامهریزی در این مقاله به بررسی جایگاه موضوع و انتخاب مناسب آن و ضرورت توجه به مخاطب و انتخاب شیوه‌های درست برای انتقال تجربیات دفاع مقدس به نسل‌های دیگر پرداخته است.

۴. سومین کارگاه با موضوع «مصاحبه و مهارت‌های مصاحبه‌گر در گفت‌وگو» با سخنرانی محسن کاظمی ۱۲ شهریور ۱۳۹۳ در تبریز برگزار شد. ابعاد مصاحبه برای خاطره‌نگاری و عوامل مؤثر بر این فرایند، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «مهارت‌های مصاحبه در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» که توسط جواد کلاته عربی نوشته شده به انواع مستندنگاری، سیر تکوینی خاطره‌نگاری، بررسی مصاحبه و شرایط و لوازم مصاحبه مناسب پرداخته است.

۵. ششمین کارگاه با عنوان «سند؛ تکیه‌گاه خاطره» با سخنرانی نصرت‌اله محمودزاده در ۲۱ تیر ۱۳۹۶ در کرمان برگزار شد. کاربرد سند در تکمیل خاطره و شاخص‌های اثبات سندیت خاطره از مهم‌ترین مطالب این کارگاه بوده‌اند. در ادامه این گفتار، مقاله «زوایای استناد در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» نوشته غلام‌رضا عزیزی، سند را از دو منظر راوی و خواننده با اهمیت دانسته و معتقد

خاطره سازمان ادبیات و تاریخ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تدوین و توسط انتشارات صریح با ۶۲۳ صفحه قطع وزیری در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است.

کتاب خاطره‌نویسی در زیست‌بوم دفاع مقدس شامل محتوای کارگاه‌ها و نه مقاله است. «شکل‌گیری خاطره‌نویسی»، «سوژه‌یابی»، «مصاحبه»، «تدوین»، «استناد»، «نثر» و «پژوهش» موضوعاتی هستند که بیشتر به آن‌ها پرداخته شده است. کارگاه‌ها بر اساس موضوع در هفت گروه دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه مباحث هر یک از کارگاه‌ها، یک یا دو مقاله مرتبط قرار گرفته است.

۱. «ظرفیت‌های مطالعاتی دفاع مقدس در عرصه خاطرات» اولین کارگاه برگزار شده در ۳ اسفند ۱۳۹۲ در کرج است. نصرت‌اله صمدزاده، سخنران کارگاه، درباره دوره‌های خاطره‌نگاری دفاع مقدس، انواع زیست کتاب، پدیدآورندگان خاطرات، میزان ضرورت تدوین خاطرات به شکل کتاب، نقد، انواع روایت، ساختار خاطرات و رابطه تاریخ شفاهی و خاطره سخن گفته است. دو مقاله در تکمیل این مطالب و ادامه این مباحث آمده است: الف) «بررسی شکل‌گیری خاطره‌نگاری در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی»: محسن شاه‌رضایی در این مقاله به جنبه‌های عمومی خاطره، اصالت و نگاه تاریخی و کاربردی در بستر شکل‌گیری آن پرداخته است. ب) «گونه‌های مستندنگاری در ادبیات دفاع مقدس»: مرتضی قاضی‌گونه‌های مستندنگاری را در پنج گروه سامان‌دهی، باز سامان‌دهی، بازنویسی، باز روایی و بازآفرینی بررسی کرده است.

۲. جست‌وجوگری و پرسش‌گری در خاطره عنوانی است که برای هشتمین، نهمین و دهمین کارگاه‌های برگزار شده در تاریخ‌های ۹ و ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ در شهرهای اصفهان، قم و دماوند انتخاب شده است. موضوع مباحث این کارگاه‌ها بیشتر در حوزه استناد در خاطره‌نگاری، اصول و مبانی پژوهش و روش‌های پژوهشی مناسب خاطره‌نگاری، شناخت زبان، سوژه‌یابی و گویاسازی است. یک مقاله برای تکمیل مطالب این کارگاه با موضوع

سخنرانان کارگاه‌های برگزار شده، شخصیت‌هایی هستند که در حوزه‌ی خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی دفاع مقدس فعالیت داشته و آن چه گفته‌اند حاصل تجربه و نگرش آن‌هاست. بر این اساس، می‌توان مباحث را ذیل چند موضوع طرح کرد: خاطره و انواع آن، مصاحبه، تدوین، پژوهش، سوژه، استناد و زبان مناسب خاطره‌گویی و خاطره‌نگاری. از این میان مسئله «استناد» و سندیت در خاطرات دفاع مقدس بیشترین محتوا را به خود اختصاص داده است. این موضوع از منظرهای گوناگونی که در هر بخش به‌طور جداگانه ذکر شد، مورد بررسی قرار گرفته است. بعد از استناد، دومین مسئله درباره «سوژه» خاطرات دفاع مقدس در ابعاد گوناگون آن است. سوژه‌یابی و معیارهای انتخاب سوژه مناسب از مهم‌ترین مباحث آن هستند. در ادامه «پژوهش»، «مصاحبه»، «تدوین» و «ساختار خاطرات و ویژگی‌های زبانی» از مهم‌ترین مسئله‌هایی هستند که به آن‌ها پرداخته شده است.

مقاله‌هایی که به گفتارها افزوده شده، بیشتر متن برآمده از تجربه و شناخت نویسندگان است. در حوزه تعاریف، روش و منابع، مقاله‌ها علی‌رغم کاربردی بودن محتوای آن‌ها در حوزه‌ی خاطره، توجهی به این سه مهم نداشته‌اند. این در حالی است که یکی از دغدغه‌های نشر این کتاب، نزدیک کردن مسیر خاطرات به روند علمی است. با توجه به نزدیک بودن موضوع در گفتارها و مقاله‌ها، مطالب تکراری هم زیاد به چشم می‌خورد.

شورای خاطره پرداختن به مسئله‌های موجود را امری ضروری می‌داند و در ادامه این مسیر قصد دارد به سوی جریان‌شناسی دوره‌های خاطره‌نویسی دفاع مقدس و شناخت زمینه‌های بسط و گسترش معنایی خاطرات دفاع مقدس حرکت کند. بررسی مجدد مسائل این حوزه با صاحب‌نظران و پرداختن به آن به شکل موضوعی و منسجم می‌تواند پاسخ به دغدغه‌های پدیدآورندگان این کتاب را آسان‌تر نماید. ■

است مستندسازی خاطرات در سه گروه کلی مکانی، زمانی و موضوعی با دو روش درون‌متنی و برون‌متنی انجام می‌شود.

۶. دو کارگاه چهارم و یازدهم که به ترتیب در ۱۲ آبان ۱۳۹۵ در کرمانشاه و ۲۷ فروردین ۱۳۹۷ در رشت با سخنرانی حمید حسام و رضا رئیسی برگزار شدند، با عنوان «تدوین و روش‌های گردآوری اطلاعات»، به گونه‌ها و آفت‌های مصاحبه، ضرورت تحقیق برای تدوین، روش‌های تدوین و توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان‌ها در مصاحبه پرداخته‌اند. «شیوه‌های تدوین در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» نوشته مرتضی قاضی، مقاله‌ای است که در ادامه مبحث کارگاه‌ها، مراحل تدوین، توجه به انتخاب قالب مناسب برای خاطرات و راهکارهای تدوین را بیان کرده است. این مقاله به شکلی راهنمای محقق و نویسنده خاطرات می‌تواند باشد.

۷. به کارگاه پنجم و ششم با عنوان «نثر و زبان و لحن روایت در خاطره» به ترتیب ۵ اسفند ۱۳۹۵ در شیراز و ۲۷ آذر ۱۳۹۶ در اهواز با سخنرانی گلعلی بابایی و کوروش علیانی برگزار شده‌اند. دوره‌های زمانی ادبیات دفاع مقدس، ویژگی‌های نثر روایی و شیوه‌های انتخاب نثر مناسب خاطرات از مباحث این کارگاه‌ها بوده‌اند. دو مقاله در تکمیل این مبحث استفاده شده است:

«تعاریف نثر و لحن در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» نوشته مرضیه نظری که به تعریف نثر و انواع آن و معیارهای انتخاب نثر مناسب با ذکر نمونه‌هایی پرداخته است.

«روش‌های جاسپاری اسناد در خاطره‌نگاری دفاع مقدس» نوشته معصومه رامهرمی هم بیشتر به بررسی انواع سند در خاطره‌نگاری‌های دفاع مقدس پرداخته و با دسته‌بندی آن‌ها به متنی، توصیفی و دیداری و شنیداری نحوه استفاده از آن‌ها را با ذکر نمونه‌هایی بیان کرده است. این مقاله با گفتار پنجم ارتباط بیشتری دارد.

• **دیوارنوشته‌های تبلیغاتی:** این نوع دیوارنوشته‌ها بیشتر کارکرد اقتصادی و اطلاع‌رسانی دارند که در حال حاضر از سوی مؤسسات، نهادها، سازمان‌ها، مجموعه‌ها و افراد نگاشته می‌شوند و در گذشته از سوی پادشاهان و امیران و... حکاکی می‌شدند.

• **دیوارنوشته‌های عاشقانه:** این نوع از دیوارنویسی در ایران کمتر از کشورهای اروپایی و آمریکایی رواج دارد. این نوع نوشته‌ها بیان غم و اندوه عشق، پیام‌های عاشقانه و مواردی از این دست است.

• **دیوارنوشته‌های مذهبی:** این گونه از دیوارنوشته‌ها بیشتر برای بیان عقاید و گاه هماهنگ با مناسبت‌های

چندین هزاره از نوشته‌ها و نقش‌هایی که بر سنگ‌ها، دیوارها و درختان نگاشته یا حک شده است، می‌گذرد. شاید نقش‌های حک شده بر دیواره غارها را بتوان نخستین دیوارنوشته یا دیوارنگاره محسوب کرد. استفاده از دیوارنوشته به عنوان رسانه، پیوسته همگام با زندگی بشر در اعصار مختلف به پیش رفته و اینک در هزاره سوم، عصر دانایی و انفجار اطلاعات، هنوز هم کارایی و حضور برجسته و پررنگی دارد.

به این نوع نوشته‌ها و نگاره‌ها Graffiti (برگرفته از واژه ایتالیایی گرافیتو به معنای خط خطی) و در زبان عربی «جدریات» و در فارسی «دیوارنوشته» و «دیوارنگاره»

بر دیوارهای سوریه

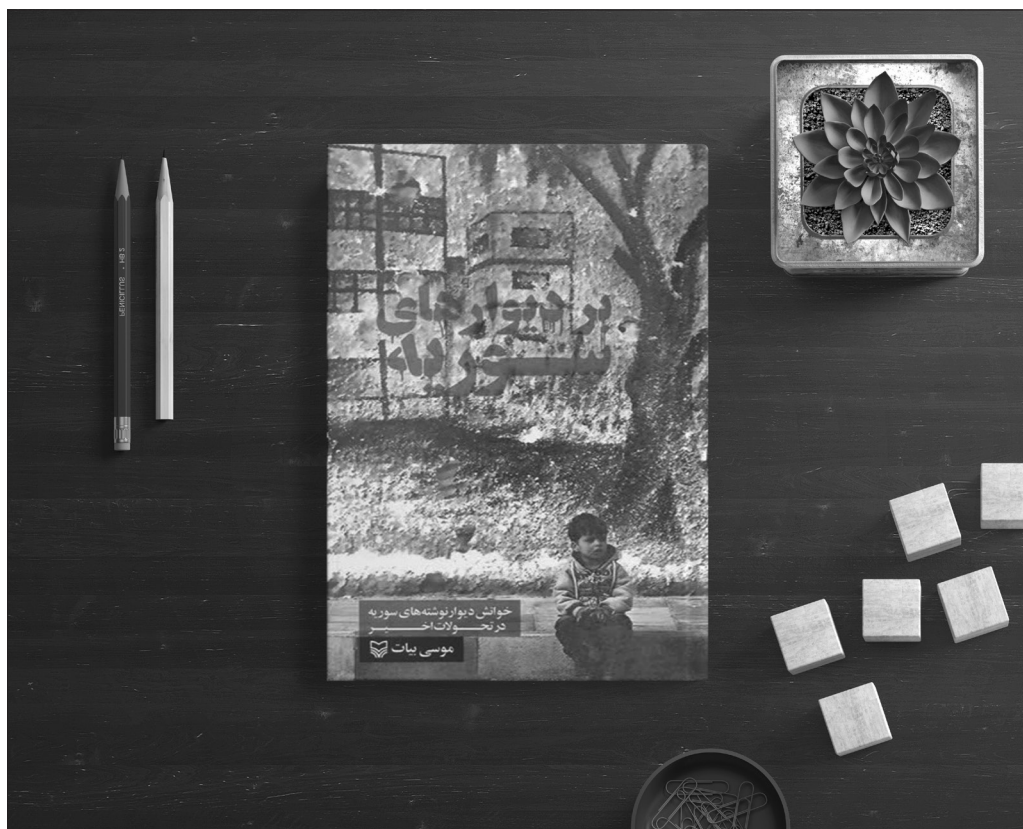
فاطمه سنگری

مذهبی نگاشته می‌شوند و بیشتر وجه تبلیغی و تربیتی و گاهی سیاسی می‌یابند.

• **دیوارنوشته‌های سیاسی:** این نوع بیشتر توسط گروه‌های سیاسی و حاکمیت نوشته می‌شود و مثلاً در زمان انتخابات بیشتر مشهود است. اما گاه مضمون این نوع از دیوارنوشته‌ها اعتراض و مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی است.

دیوارنوشته‌ها در زبان امروز انواع نوشته‌ها، آیات، احادیث، شعارها و شعرهایی را دربرمی‌گیرد که در قالب‌ها و گونه‌های زبانی مختلف مانند شعر، نثر، طنز، هجو و... نمود و ظهور می‌یابد. امروزه جز دیوارها، بر بدنه وسایل

می‌گویند. دیوارنوشته‌ها توسط افراد با سنین و جنسیت مختلف و با ابزار گوناگون (گچ، رنگ، ماژیک، کنده‌کاری و حکاکی و...) بر دیوارها یا سطوح مختلف چون درها، پنجره‌ها، نماها، تابلوهای تبلیغاتی، بدنه خودروها یا هر سطح سنگی، گچی و فلزی دیگری نگاشته و حکاکی می‌شد. آنچه بر دیوار نگاشته می‌شود، گاه نوشته، گاه نگاره و گاه ترکیب نگاره و متن نوشتاری است. دیوارنوشته‌ها به مثابه راهی برای انتقال پیام، ارزش رسانه‌ای دارند و در طول تاریخ بشریت با موضوعات مختلف به یادگار گذاشته شده‌اند که در نگاهی کلی می‌توان مضمون و محتوای آن‌ها را در چند دسته تقسیم‌بندی نمود:



کافی در اختیار است و وجه رسانه‌ای رسمی آن غالب است؛ اما در دیوارنوشته‌های غیررسمی که ذیل ادبیات عامه قابل بررسی است، معمولاً وجه رسانایی پیام مد نظر است و در این متون، جزئیات محل قابل اعتنا است؛ مثلاً این‌که عبارتی دقیقاً در کدام محل (کدام نقطه از دیوار شهر، دیوار زندان و...) نگاشته شده و یا این‌که از فرصت تاریکی شب برای نگارش استفاده شده، اهمیت دارد. دیوارنوشته‌ها از منابع مکتوب و دست‌اولی هستند که داده‌ها و یافته‌های مناسبی برای بررسی شرایط اجتماعی غالب در جامعه دارند و می‌توانند منبع مناسبی برای بررسی فضای غیررسمی جامعه باشند.

نقلیه و حتی موشک‌ها و سفینه‌ها، نوشته‌ها و نگاره‌هایی دیده می‌شود که آن‌ها را نیز در دسته «دیوارنوشته‌ها» به‌شمار می‌آورند. در مطالعه و بررسی دیوارنوشته‌ها چند نکته محل اعتناست که می‌تواند داده‌های میدانی دست‌اولی را از آن‌ها بازجست. نوع خط، انتخاب رنگ، اندازه و ابعاد، مضمون، موضوع، بلندی و کوتاهی عبارات، محل نگارش، زمان نگارش، تعدد و کثرت نوع خاصی از نوشته‌ها، داشتن امضا و نشانه برای معرفی نگارنده، همراه بودن متن با نقاشی و نگاره و... در بررسی این مؤلفه‌ها، باید میان دیوارنوشته‌های «رسمی» و «غیررسمی» تفاوت قائل شد. در دیوارنویسی‌های رسمی، معمولاً زمان، هزینه و فرصت

تصویری از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های شهروندان ارائه دهد؛ تصویری که رسانه‌های رسمی از آن در غفلت بوده یا آگاهانه از آن چشم پوشیده‌اند».

در نگاهی اجمالی به منابع و کتب فارسی، می‌توان دریافت پیش از انتشار این کتاب، دیوارنوشته‌ها بارها مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است در اینجا به چند اثر شاخص اشاره می‌شود:

تصاویر دیوارنوشته‌های انقلاب
اثر مرتضی ممیز که در سال ۱۳۶۱
به مناسبت چهارمین سالگرد
پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط
انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ
رسید. این اثر مجموعه عکس‌هایی
است که در دوران مبارزات انقلاب
اسلامی از دیوارنوشته‌های انقلابیون
گرفته شده است. عکس‌های این
کتاب گزیده‌ای از آلبوم مرتضی ممیز
است که در موزه هنرهای معاصر
ایران نگهداری می‌شود. گردآوری
این کتاب را شهرزاد چنگلویی
عهده‌دار بوده است.

شعارها و دیوارنوشته‌ها در
انقلاب به روایت اکبر ناظمی که به
همت انتشارات سورۀ مهر در سال
۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. این
کتاب چهارمین جلد از مجموعه

چهار جلدی «مجموعه عکس‌های انقلاب به روایت اکبر
ناظمی» است. سه کتاب دیگر از عکس‌های اکبر ناظمی،
زنان در انقلاب، انقلاب و کودکان و نوجوانان در انقلاب
می‌باشد. این اثر شامل عکس‌های رنگی منتشرنشده از
وقایع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ است.

دیوارها سخن می‌گویند اثر ام‌الیه فرهادی آردکپان
که گزیده عکس‌هایی از دیوارنوشته‌های انقلاب در

بعد از وقوع تحولاتی در کشورهای عربی که از آن با
عنوان «بهار عربی» یاد می‌شود موجی از دیوارنویسی با
عناوینی هم چون «جداریات» آغاز شد. مضامین جداریات
به عنوان نوعی از ادبیات عامه از شرایط اجتماعی تأثیر
می‌پذیرفتند. این نوشته‌ها دربردارنده مفاهیم انقلابی،
جنگ، مبارزه، وطن‌دوستی، آزادی، شهادت و اعتراض
هستند. آن‌چه در این نوشته آمده پیرامون دیوارنوشته‌های

سیاسی سوریه است که در کتابی با
عنوان بر دیوارهای سوریه: خوانش
دیوارنوشته‌های سوریه در تحولات
اخیر به همت موسی بیات‌گردآوری
شده است. این کتاب در ۱۶۳ صفحه
توسط انتشارات سورۀ مهر در سال
۱۴۰۱ منتشر و با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه
در قطع رقعی عرضه شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب درباره
اهمیت دیوارنوشته‌ها در جنبش‌های
کشورهای عربی می‌نویسد: «از همان
ابتدای جنبش‌های کشورهای عربی،
از تونس تا بحرین و سوریه، دیوارها
به میدانی برای نبرد واژگان تبدیل
شد و به همین سبب دیوارهای
شهرها همیشه پر بود از نگاره‌ها و
نوشته‌ها. گفته می‌شود ۱۵ مارس
۲۰۱۱ در شهر درعا، در جنوب غرب
سوریه، چند دانش‌آموز با اسپری

روی دیوار مدرسه‌شان علیه حکومت، دیوارنوشته‌های
اعتراضی نوشتند و این چنین نخستین اعتراضات در
سوریه به ثبت رسید». نگارنده اثر معتقد است: «مطالعه
این دیوارنوشته‌ها می‌تواند داده‌های میدانی دست اولی از
پشت صحنه تحولات سوریه، واقعیت‌های روزمره مردم در
شهرهای جنگ‌زده و تجربه‌های زیسته شهروندان حلب،
دمشق، غوطه، ادلب، کوبانی و دیگر شهرها به دست دهد.

بعد از وقوع تحولاتی در
کشورهای عربی که از آن
با عنوان «بهار عربی»
یاد می‌شود موجی از
دیوارنویسی با عناوینی
هم چون «جداریات» آغاز شد.
مضامین جداریات به عنوان
نوعی از ادبیات عامه از شرایط
اجتماعی تأثیر می‌پذیرفتند.
این نوشته‌ها دربردارنده
مفاهیم انقلابی، جنگ، مبارزه،
وطن‌دوستی، آزادی، شهادت و
اعتراض هستند.

بشار اسد نوشته شده‌اند. شعارهایی چون: «الأسد أولاً أحد: یا اسد یا هیچ‌کس دیگر» و «الأسد أو نحرق البلد: یا اسد یا کشور را به آتش می‌کشیم» از این زمره‌اند که در صفحات اولیه کتاب، به این شعارها اشاره شده است.

• **مخالفت با رژیم بشار اسد:** روی دیگر سکه، کسانی هستند که خواهان سقوط حکومت بشار اسد هستند که نمونه این اعتراض‌ها در صفحات ۱۷ تا ۲۱ کتاب به تصویر

کشیده شده است. به اذعان

نویسنده عبارت «یسقط بشار الأسد:

بشار اسد سقوط می‌کند» از جمله

دیوارنوشته‌هایی است که به‌وفور در

سوریه و سایر کشورهای عربی از سوی

معترضان (درباره سران کشورها و در

خصوص معمر قذافی یا حسنی مبارک

در لیبی و مصر) به‌کار رفته است.

• **وطن‌ستایی:** مضمون بخش

گسترده‌ای از دیوارنوشته‌ها، ستایش

وطن و عشق‌ورزی به مام میهن است.

ستایش کسانی که پشت به میهن

نمی‌کنند و سرزنش و اعتراض به کسانی

است که به محض وقوع بحران در

کشورشان آن را ترک کردند. این دست

از دیوارنوشته‌ها، سرشار از آرزوی التیام

درد و رنج برای وطن است. عباراتی

پر از احساس مانند «وطنی... ألف

لا بأس عليك: میهنم... بلا به دور/

سرت سلامت»، «سوریتی بحبک یا أمی: سوریه‌ام، مادرم،

دوستت دارم»، «قلبی عليك یا وطنی و أنت تنام علی حجر:

دل بسته توام ای وطن: در حالی که تو بر سنگ می‌خوابی

(رنجور هستی)»، «همچنین در این مضامین، بر اتحاد و همدلی

برای بازسازی و آبادی وطن تکیه شده است مانند: «یداً بید...

نبنی الوطن»: دست به دست هم... وطن را می‌سازیم»،

«رُج نرجع نمرها: برخواهیم گشت تا آبادش کنیم».

تهران ۱۳۵۸-۱۳۵۷ را دربردارد. هرچند این کتاب یک اثر عکس‌محور است و تاریخ انقلاب اسلامی را در دهه ۵۰ شمسی به تصویر کشیده، اما علاوه بر آن به توصیف نمادها و علائمی پرداخته است که فضای شهر و وضعیت ساکنان آن را در زمان وقوع انقلاب اسلامی بازگو می‌کند. همچنین شروع این کتاب با جستارهایی از متخصصین عکاسی و صحبت پیرامون تجربه‌های انقلابی آن‌ها همراه است.

در این موضوع مقالات متعددی

به رشته تحریر درآمده است و

پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی

دیوارنوشته‌های شهر تهران از دیدگاه

زبان‌شناسی اجتماعی» به قلم شکوفه

بهاری نیز نگاشته شده است.

در کتاب بر دیوارهای سوریه، ۷۶

دیوارنوشته و دیوارنگاره ارائه شده

(عکس‌های سیاه و سفید) و ذیل

آن عبارت عربی و همچنین ترجمه

فارسی آن آمده است. نگارنده اثر

کوشیده است به پیوست و تناسب

هر تصویر، نکاتی در تفسیر و توضیح

دیوارنوشته / نگاره نیز بیاورد که از

این حیث، اثری متمایز و قابل توجه

است.

بررسی و تحلیل‌های نویسنده در

مقدمه اثر نشان می‌دهد که مضمون

دیوارنوشته‌های این مجموعه طیف

وسعی از معانی را دربرمی‌گیرند. در یک بررسی همه‌جانبه

می‌توان آن‌ها را در چند شاخه اصلی دسته‌بندی کرد:

• **حمایت از بشار اسد:** محتوای بخشی از دیوارنوشته‌ها

در حمایت از بشار اسد و توسط طرفداران او نگاشته شده

است. این متون معمولاً سرشار از قدرت‌نمایی و پابندی

به شخص رئیس‌جمهور است و معمولاً در خطاب به

گروه‌های سازمان‌یافته سیاسی و یا شبه‌نظامی مخالف

مخالفت با حضور بیگانگان در کشور عباراتی مانند: «لالتدخل الأجنبی» با معنای محکومیت و مخالفت با دخالت بیگانگان در امور داخلی یک کشور از دیگر مضامین پرتکرار دیوارنوشته‌هاست. عباراتی با این مضمون نه تنها در دیوارنوشته‌های سوریه، بلکه در بسیاری از کشورهای عربی به ویژه الجزایر بسامد و برجستگی بسیاری داشته است. **• کودکان در جنگ:** در تعدادی از این دیوارنوشته‌ها به موضوع کودکان پرداخته شده و حضور کودکان به عنوان سرباز جنگی به شکل‌های مختلف محکوم شده است. عباراتی چون «اطفال لا جنود: کودکان سرباز نیستند» و «عیش طفولتک من دون سلاح: کودکی‌ات را بدون سلاح زندگی کن».

به نظر می‌رسد تلاش نویسندگان بر آن بوده تا در طرح تصاویر نوعی چپ‌نویسی موضوعی را در نظر بگیرد طوری که تصاویر با مضمون مشترک در پی هم قرار گرفته است. همچنین توضیحاتی که در کنار هر تصویر توسط نویسندگان آمده است به تفسیر حال و هوای آن و درک فضای معنوی و تاریخی آن کمک شایانی می‌کند. اما در صفحات پایانی کتاب اندک‌اندک موضوعات شکلی پراکنده به خود می‌گیرند. شاید بهتر بود در این مجموعه نوعی از دسته‌بندی به لحاظ مضمون یا بر اساس شکل دیوارنوشته‌ها (تفکیک بر اساس دیوارنوشته و دیوارنگاره) صورت می‌گرفت و نوعی تحلیل در پایان کتاب انجام می‌شد.

از نکات قابل توجه در دیوارنوشته‌های سوریه، نقش و حضور پررنگ اشعار شاعران عرب به ویژه محمود درویش (شاعر مقاومت فلسطین) است. هر چند نویسندگان به این بروز و ظهور، با ذکر متن اشعار اشاره کرده است اما به نظر می‌رسد این موضوع نیازمند تحلیل و بررسی بیشتری است و این‌که دیوارنوشته‌ها تا چه میزان مردم‌نوشته و تا چه میزان با بهره‌گیری از کلام شخصیت‌های شناخته شده نگاشته شده‌اند. به طور کلی، موضوع دیوارنوشته‌ها می‌تواند به عنوان گونه‌ای از ادبیات مقاومت (پایداری) همچنان محل بحث و بررسی و پژوهش قرار گیرد. ■

• مضامین عاشقانه: در میانه جنگ و بحران‌ها، دغدغه آزادی و رهایی و قصه عشق همچنان ادامه دارد. نمونه‌هایی از این مضامین عاشقانه که در میان حجم انبوهی از دیوارنوشته‌های سیاسی و اجتماعی به چشم می‌خورد، نشان از این دارد که در فضای جنگ‌زده و بحرانی سوریه، هنوز بارقه‌های احساسات عاشقانه وجود دارد. «بس فک الحصار / رج أجي أحطک: حصر که شکسته شود، خواهیم آمد تا از تو خواستگاری کنم»، «راجعین یا هوا: ای عشق، برمی‌گردیم».

• مرگ و عشق به زندگی: جدال میان مرگ و زندگی از دیگر درون‌مایه‌های دیوارنوشته‌هاست. مفاهیمی چون عشق به زندگی، تلاش برای بهبود اوضاع، دوری از ناامیدی و مرگ از معانی دریافتی از این طیف دیوارنوشته‌هاست. برای نمونه: «لن نألف الموت و سنبقى نحب الحياه و بنى موسم عشق بين قذيفتين: هرگز به مرگ خو نمی‌گیریم و به زندگی عشق می‌ورزیم و فصل عشق را میان دو گلوله بنا می‌کنیم».

• صلح و آزادی: اشاره به مفهوم صلح و نماد زیتون، یکی از مضامین پرتکرار و برجسته در ادبیات مقاومت و هم چنین دیوارنوشته‌هاست. «تمادنا نحترف الحياه، لن ينتهى الزيتون: تا زمانی که زنده هستیم، زیتون (صلح) پایان نخواهد یافت».

• شهیدان وطن: از دیگر مضامین دیوارنوشته‌ها اشاره به جایگاه شهیدان وطن و قهرمانان ملی است. در این دیوارنوشته‌ها، کشته‌های وطن را شهید می‌خوانند و برایشان شیون سر می‌دهند. «غنى لمن رحلوا: برای سفر کرده‌ها ترانه سرايید»، اشاره به نقش زنانی که پشتوانه شهدا هستند. «وراء كل شهيد إمرأه تقف كوطن: پشت سر هر شهیدی، زنی است که به سان میهن ایستاده است».

• شهرهای سوریه: پرداختن به حال و روز شهرهای جنگ‌زده مانند: ادلب، حمص، رقه و دمشق از دیگر درون‌مایه‌هاست. «دمشق – نحن و الأبدية سكان هذا البلد: دمشق / ما تا همیشه ساکن این سرزمینیم».

جنگ و مطالعات ادبی

مفاهیم انتقادی کمبریج

لیلا باقری

مشخصات کتاب

این کتاب مجموعه مقالات گردآوری شده دربارهٔ جنگ و مطالعات ادبی است و شامل یک مقدمه و ۲۲ فصل است که هر فصل آن به یک مقاله اختصاص یافته است.

ویراستاران

آندرس انگبرگ - پدرسِن^۱، نیل رمزی^۲

تاریخ انتشار: ژانویه ۲۰۲۳

ناشر: انتشارات دانشگاه کمبریج

موضوعات: ادبیات، ادبیات انگلیسی، علایق عمومی،

نظریه ادبی، جنگ

ایده نگارش این کتاب قبل از آن بود که کسی تصور کند یک بیماری همه‌گیر ممکن است به زندگی در سراسر جهان پایان دهد. با این حال، در میان تمام مصیبت‌هایی که پس از این ویروس به وجود آمد، مقالات این کتاب نوشته شد. کتاب جنگ و مطالعات ادبی دو

1. Anders Engberg-Pedersen.

2. Neil Ramsey.

سؤال اصلی را مطرح می‌کند:

• اول، چگونه جنگ حوزه مطالعات ادبی را شکل داده است؟

• دوم، مفاهیم کلیدی ادبیات جنگ برای محققان امروزی کدامند؟

این کتاب به منظور تکمیل پژوهش‌های موجود، با رویکردی گسترده‌تر و نظام‌مندتر به رشته تحریر درآمده است؛ زیرا توجه ما را به رابطه جنگ و مطالعات ادبی به عنوان یکی از حوزه‌های دانش معطوف می‌کند.

ویژگی‌های کلیدی زبان جنگ چیست؟ جنسیت در جنگ به چه معناست؟ کدام پرسش‌ها برای نحوه درگیر شدن ما با جنگ و آسیب، و یا جنگ و احساسات مهمند؟ نظریه‌های برجسته قرن بیستم از جمله نظریه انتقادی، نظریه پسا جنگ فرانسه، نظریه پسا استعماری، از چه طریقی توسط جنگ شکل گرفتند؟ چگونه ممکن است مفاهیم نوظهور مانند «انقلاب»، «ظهور دوره

جدید» یا «سرمایه‌داری»، مطالعه جنگ و ادبیات را تحت تأثیر قرار دهد؟

این کتاب ۳۸۵ صفحه‌ای در یک مقدمه و سه بخش تنظیم شده است. ویراستاران این کتاب در «مقدمه: جنگ، ادبیات و تاریخ معرفت» به اجمال چنین گفته‌اند که از حماسه‌های باستانی فهمیده‌ایم که جنگ از قدیم‌الایام با ادبیات عجین بوده و تأثیر عمیقی بر حوزه

گسترده مطالعات ادبی داشته است. در واقع نظریه‌های بزرگ قرن بیستم و بیست و یکم با جنگ شکل گرفته، زیرا چالش‌های انتقادی معاصر مفاهیم پرتکرار و نوظهوری را به وجود آورد که این مفاهیم در کنار هم زمینه شکل‌گیری حوزه مطالعات ادبی جنگ را فراهم ساخته‌اند.

فصل مقدماتی در پی آن است که جنگ و ادبیات را در چارچوب بزرگتری به نام تاریخ معرفت ثبت کند. این کتاب به شکل‌گیری نظریه و تاریخ دانش به عنوان رشته‌ای متمایز از خاستگاه فرانسوی آن در باستان‌شناسی فوکو تا باستان‌شناسی دانش آلمانی معاصر می‌پردازد و جایگاه ادبیات جنگ را در این سنت بررسی می‌کند.

این فصل ادبیات را به عنوان بایگانی دانش‌های نظامی معرفی می‌کند و آن را در نوع خود شکلی متمایز از دانش برمی‌شمارد، و افزون بر این جنگ را به عنوان پدیده‌ای ویرانگر و یا سازنده بررسی می‌کند و از همین رو مفاهیم و نظریه‌های مرسوم را به چالش می‌کشد و شیوه‌های جدیدی از دانستن، تفکر و نوشتن را ارائه می‌نماید.

بخش اول: ریشه‌ها و نظریه‌ها

این بخش شامل هفت فصل است. خلاصه این فصول به شرح زیر است:

• **فصل اول:** جنگ و آتن باستان (ص ۲۱-۳۵) نوشته ادیت فاستر؛ آتن در قرن پنجم از طریق تاریخ‌نگاری باستان و بهره‌گیری از گونه‌های ادبی همچون تراژدی و خطابه و با تلاش‌های بسیار زیاد ادبی به جنگ‌های

مستمر دولت‌شهرهای یونان پاسخ داد و اولین نگارش‌های ادبی درباره جنگ را در غرب رقم زد. این فصل به بررسی بازنمایی جنگ در ادبیات آتن با در نظر گرفتن حماسه هومر و زمینه‌های تاریخی، سیاسی و هنجاری در قرن پنجم می‌پردازد و می‌کوشد اولویت‌های متنی و راهبردهای روایی را روشن کند.

بازنمایی‌های تحلیلی از شرایط نامساعد با مرگ در نبرد - که اغلب به عنوان آزمون نهایی مردانگی مطرح می‌شود - و شکست نظامی آغاز می‌شود و سپس با بازنمایی‌های دوره جنگ، تحلیل نقش رهبری پیروزمندانه، هوش و شجاعت و توصیف دردها و رنج‌ها و نیز خطاهای انسانی ادامه می‌یابد، و پس از آن بازنمایی آغاز می‌شود و

علل انسانی جنگ همچون: طمع، تلافی توهین و میل به قدرت، منفعت‌طلبی و حکومت بر دیگران می‌پردازد و در آخر محبوبیت جنگ را به عنوان موضوعی ادبی منعکس و با کوروش نامه گزنفون^۲ به ظهور داستان جنگ اشاره می‌کند.

کتاب جنگ و مطالعات ادبی دو سؤال اصلی را مطرح می‌کند:

اول، چگونه جنگ حوزه مطالعات ادبی را شکل داده است؟
دوم، مفاهیم کلیدی ادبیات جنگ برای محققان امروزی کدامند؟
این کتاب به منظور تکمیل پژوهش‌های موجود، با رویکردی گسترده‌تر و نظام‌مندتر به رشته تحریر درآمده است؛ زیرا توجه ما را به رابطه جنگ و مطالعات ادبی به عنوان یکی از حوزه‌های دانش معطوف می‌کند.

1. Athens Edith Foster.
2. Xenophon's Cyropaedia.

• فصل دوم: جنگ و فرهنگ چین (ص ۳۶-۴۷) نوشته

هو یون هلن ژانگ^۱، هاون ساوسی^۲، سی. چی. وانگ^۳
در سال ۱۹۷۵ بازنمایی‌های اولیه چینی‌ها از جنگ را
عموماً مبتنی بر «توجه به جنبه‌هایی از جنگ» دانسته
است. او می‌گوید چینی‌ها علل جنگ و نتایج نهایی آن
را به آسانی روایت می‌کنند اما از شرح دقیق آن اجتناب
می‌ورزند، و دلیل این کار در «نظریه منسین»^۴ نهفته

است؛ زیرا بر اساس این نظریه
«حاکم واقعی جهان باید کسی باشد
که عاشق کشتن نیست». بنابر این
حاکمان واقعی خواه عاشق کشتار
باشند یا نه، باید طوری نمایش داده
می‌شدند که گویی تنها برخلاف میل
خود جنگ را برگزیده‌اند. شرایط قرن
بیستم، معنای جنگ را در چین
همانند جاهای دیگر تغییر داد و
اکنون جنگ توسط ارزش‌هایی
انجام می‌شود که به‌طور گسترده
از میان مردم بسیج شده‌اند و
غیرنظامیان خود را در نقش فعال یا
قربانیان جنگ به‌شمار می‌آورند،
جنگ داخلی چین، مردم این کشور
را در مقابل هم قرار داد و شاعران
بر سر دو راهی قرار گرفتند: اولویت
دادن به شهروندان چینی در مبارزه
با مرگ یا زندگی برای بقای ملت، یا

پافشاری در موضع فردگرایانه‌ای که این مبارزه را در معرض
خطر قرار می‌داد؟ نمونه‌هایی از تفکر شاعران مدرن از
طریق کنش‌های واقعی و خیالی جنگ نشان می‌دهد که
چگونه ادبیات چینی قرن بیستم تابوهای دیرینه را از بین

می‌برد و مدعی قلمروهای موضوعی جدیدی می‌شود.

• **فصل سوم: جنگ و رمانتیسم** (ص ۴۸-۶۶) نوشته
ولف کیتتر^۵: رمانتیک‌گرایی جنگ که در این فصل شرح
داده شده، نظریه گروهی از افسران پروس با تحصیلات
عالی است که می‌کوشند شرایط جدید سیاست و جنگ را
در پی انقلاب فرانسه درک کنند. آن‌ها فلسفه روشنگری،
تاریخ جنگ، ریاضیات احتمالات و آثار شاعران کلاسیک
و رمانتیک زمان خود را خوانده و در
جنگ‌های انقلابی و ناپلئونی شرکت
داشتند.

کارل فون کلاوزیتس^۶ یکی از
برجسته‌ترین متفکران در تعریف
ماهیت جنگ بر فلسفه استعلائی
امانوئل کانت^۷ تکیه کرد. او همچنین
در توصیف واقعیت جنگ بر سه علم
جدیدی که در فلسفه کانت نقش
داشتند، تأکید داشت: علم ایستایی
و مکانیک، علم الکترومغناطیس و
علم جامعه آماری.

در این فصل دانسته می‌شود
که چگونه کلاوزیتس با اینکه پیشرو
نظریه ریاضی ارتباطی کلو شانون^۸
نبود، اما به عنوان اولین نظریه‌پرداز
جنگ‌های نامنظم تا به امروز مطرح
بوده است.

• فصل چهارم: جنگ و نظریه

انتقادی (ص ۶۷-۸۴) نوشته مکس پنسکی^۹: نظریه
انتقادی مکتب فرانکفورت فرزند یک جنگ تمام‌عیار بود.
این مقاله متون اصلی هورکهایمر و آدورنو^{۱۰} را مرور می‌کند

ویژگی‌های کلیدی

زبان جنگ چیست؟ جنسیت
در جنگ به چه معناست؟ کدام
پرسش‌ها برای نحوه درگیر
شدن ما با جنگ و آسیب، و
یا جنگ و احساسات مهمند؟
نظریه‌های برجسته قرن بیستم
از جمله نظریه انتقادی، نظریه
پساجنگ فرانسه، نظریه
پسااستعماری، از چه طریقی
توسط جنگ شکل گرفتند؟
چگونه ممکن است مفاهیم
نوظهور مانند «انقلاب»، «ظهور
دوره جدید» یا «سرمایه‌داری»،
مطالعه جنگ و ادبیات را تحت
تأثیر قرار دهد؟

5. Wolf Kittler.

6. Carl von Clausewitz.

7. Immanuel Kant.

8. Claude Shannon.

9. Max Pensky.

10. Horkheimer and Adorno.

1. Huiwen Helen Zhang.

2. Haun Saussy.

3. C. H. Wang.

4. Mencian doctrine.

است. این متن به بررسی متقابل مطالعه جنگ و رسانه‌ها بر یکدیگر می‌پردازد.

فصل هفتم: جنگ و مطالعات پسااستعماری (ص ۱۱۹-۱۳۶) نوشته سانتانو داس^۳: با توجه به جنگ جهانی اول به عنوان اولین درگیری جهانی، این فصل چگونگی رویکرد پسااستعماری مطالعات جنگ را از نظر دیدگاه‌ها و روش‌شناسی مطرح می‌کند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که چگونه تمرکز بر جنگ بر انتزاعات نظریه پسااستعماری فشار وارد می‌کند. در شرایطی که اکثر جنگجویان و غیرجنگجویان جهان تا همین اواخر عمدتاً بی‌سواد بودند، اصطلاحاتی مانند «آرشیو جنگ» و «ادبی» به چه معناست؟ چگونه تجربه مشکلات استعمار بین «جنگ» و «صلح» در تاریخ‌های جهانی از هم متمایز می‌شود؟ و چه ارتباطی بین مقاومت ضداستعماری و نقد پسااستعماری وجود دارد؟

بخش دوم: مفاهیم بنیادی

این بخش شامل هشت فصل است. خلاصه هر فصل به شرح زیر است:

فصل هشتم: جنگ و زبان (ص ۱۳۹-۱۵۲) نوشته نیل سانتیانیز^۴:

جنگ و زبان رابطه همزیستی دارند. از یک سو، جنگ‌ها از طریق تکثیر گفتمان زبانی ادامه می‌یابند و یادآوری می‌شوند و از سوی دیگر، غالباً زبان محل اعمال خشونت‌آمیز و میدان نبردهای شدید برای کسب قدرت است.

و در بخش پایانی به این می‌پردازد که این نظریه انتقادی بهای سنگینی به‌همراه داشت؛ چرا که نظریه‌پردازان انتقادی با آگاه شدن از ماهیت کامل جنگ مدرن، برای پاسخ به درگیری‌های مسلحانه جدید، با شدت کمتر که مشخصه مبارزات استعمارزدایی است، منابع اندکی در اختیار داشتند.

فصل پنجم: جنگ و نظریه فرانسه (ص ۸۵-۱۰۱) نوشته اندرس انگبرگ-پدرسن^۱: جنگ در شکل‌گیری گسترده‌تر اندیشه‌ای که معمولاً به عنوان «نظریه فرانسوی» شناخته می‌شود، نقش مهمی داشته است. این مطالعه نقش کلیدی جنگ را از دهه ۱۹۷۰ به بعد در نظریه فرانسوی بررسی کرده، جریان شکل‌گیری مفاهیم تاریخی را از تفکر نظامی پروس در اوایل قرن نوزدهم به نظریه عالی در فرانسه و تبدیل آن‌ها از مفاهیم نظامی به استعاره‌ها و چهره‌های فکری نشان می‌دهد، و مروری بر تأثیر سازنده جنگ بر نظریه فرانسوی ارائه می‌کند، اما به‌طور انتقادی محدودیت‌های نظامی‌سازی تفکر را نیز مشخص می‌کند.

فصل ششم: مطالعات جنگ و

رسانه (ص ۱۰۲-۱۱۸) نوشته جفری

وینتر-یانگ^۲: در طول دهه‌های گذشته، هم «جنگ» و هم «رسانه». از نظر مفهومی و در عمل. به شیوه‌هایی راه‌اندازی شده‌اند که درک متعارف اصطلاحات را به چالش می‌کشند. از دلایل آشکار دیجیتالی شدن، رشد انفجاری و در هم تنیده جنگ سایبری و فضای سایبری

3. Santanu Das.
4. Nil Santiañez.

1. Anders Engberg-Pedersen.
2. Geoffrey Winthrop-Young.

متعاقباً جنگ‌های ویتنام و بوسنی، نویسندگان را بر آن داشت تا از گزارش‌های میدانی به شیوه‌های مدبرانه و پساواقع‌گرایانه^۶ استفاده کنند، که گاهی اوقات منعکس‌کننده شعرهای مدرنیستی است. با بررسی تغییرات زیبایی‌شناختی که در بالا ذکر شد، این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه معمای رسمی بازنمایی در ادبیات جنگ مدرن روشن شده، با آن دست و پنجه نرم کرده و در نهایت برای اهداف سازنده استفاده شده است.

• **فصل دهم:** جنگ و تاریخ (ص ۱۶۸-۱۸۳) نوشته الیزابت کریمر^۷: با تکیه بر آثار ادبی جنگ‌های انقلابی (خدمتکار اورلئان اثر شیرل و نبرد هرمان اثر کلايست)^۸، جنگ جهانی اول (چیز جدیدی در غرب نیست اثر اریش ماریا رمارک و رد و برق فولادی اثر ارنست جینگر)^۹، جنگ جهانی دوم (الگوهای کودکی اثر کریستا ولفس)^{۱۰}، جنگ اخیر عراق (مقالات هند اثر یوگوسلاویا و یلینک بامیلند)^{۱۱}. این فصل استدلال می‌کند که چگونه جنگ‌های تاریخی خاص با پیکربندی‌های زمانی و تاریخی مشخص درک می‌شود.

بازنمایی‌های ادبی جنگ‌های انقلابی تمایل دارند که نقش جنگ را به تدریج در سرنوشت ملی آشکار کنند. در اینجا زمان شبکه‌ای است که در آن گذشته بر حال و حال بر آینده تأثیر می‌گذارد. در نهایت، متون هاندکه و یلینک^{۱۲} هر دو با جدایی یا حتی بیگانگی از زمان و مکان مشخص می‌شوند که ناشی از میانجی‌سازی جنگ در تلویزیون و وب است.

• **فصل یازدهم:** جنگ و احساس (ص ۱۸۴-۲۰۰) نوشته سارا کول^{۱۳}: بازخوانی‌های ادبی و سینمایی از جنگ، اغلب حول بیان احساسات و تمایلات ذاتی سازماندهی

این متن به بررسی هم‌زیستی جنگ و زبان در دو سطح مختلف می‌پردازد:

نخست، تحلیل زبان جنگ که توسط نویسندگان و متفکران مدرن و معاصر بررسی شده است. و دوم، زبان جنگ را با رایج‌ترین شباهت‌های خانوادگی نوشته‌های جنگی تحلیل می‌کند (به عنوان مثال، آرایه‌های ادبی، پوچی، تعالی، فرهیختگی، و خودارجاعی، جاسازی (تعبیه) تأملات در مورد جنگ، وجود موضع اختلافی مؤلف، اهمیت حواس، واقعیت) و نیز با مطالعه سه شاخص اصلی آن، در نهایت، این فصل استدلال می‌کند که چگونه یک نوشته درباره جنگ به طور آشکار به موضوعات معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و اخلاقی می‌پردازد. در میان محصولات ادبی، جنگ‌نویسی یک ابهام ادبی است.

• **فصل نهم:** جنگ و زیبایی‌شناسی (ص ۱۵۳-۱۶۷) نوشته پل شیهان^۱: در مفهوم زیبایی‌شناسی جنگ، بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان کانون توجه جاذبه‌های هنری مربوط به نظم، زیبایی و تشخیص ذاتی را در مورد وحشت‌های حقیرانه جنگ مدرن به کار برد؟ به همین دلیل ادبیات مدرن در تلاش است تا برای دستورالعمل‌های بازنمایی مستقیم جایگزین‌های زیبایی‌شناختی بیابد. این تلاش در نیمه اول قرن بیستم قابل مشاهده است؛ زیرا زیبایی‌شناسی رئالیسم (که توسط شاعران جنگ تمرین می‌شود) با زیبایی غیرمستقیم (که در آثار مدرنیستی بیتس و وولف^۲ مشهود است) رقابت می‌کند. در نیمه دوم قرن، در سایه ترور هسته‌ای، چرخشی به داستان‌های هجوآمیز و پرخاشگر روی می‌دهد، به ویژه در سه رمان آمریکایی جنگ جهانی دوم که این حوزه را برای یک نسل با بیشتر تعریف می‌کرد: تبصره^۳ ۲۲، سلاح خانه شماره ۴^۴ و رنگین کمان جاذبه^۵.

6. post-realist.

7. Elizabeth Krimmer.

8. Schiller's Die Jungfrau von Orleans and Kleist's Hermannsschlacht.

9. Erich Maria Remarque Im Westen nichts Neues and Ernst Jünger In Stahlgewittern.

10. Christa Wolfs Kindheitsmuster.

11. Handke's Yugoslavia essays and Jelinek's Bambiland.

12. Handke's and Jelinek's.

13. Sarah Cole.

1. Paul Sheehan.

2. Yeats and Woolf.

3. Catch-22.

4. Slaughterhouse-Five.

5. Gravity's Rainbow.

تروما)^۳ (ص ۲۱۶-۲۲۹) نوشته نیل رمزی^۴ و آندرس انگبرگ. پدرس^۵: مفاهیم کمی به اندازه تروما با ادبیات جنگ ارتباط برقرار کرده‌اند. ادبیات جنگ حول صداهای غریبانه سربازان و زندگی پس از مرگ آن‌ها می‌چرخد و تجربه فردی و پیامدهای جنگ را موضوع خود قرار می‌دهد. این سؤال از توده یا مقیاس، محوری برای این است که چگونه تروما را به طور کلی‌تری مفهوم‌سازی کنیم و دریابیم این موضوع، چه رابطه‌ای با نسل‌کشی، بیماری‌های همه‌گیر، محدودیت‌های زیست‌محیطی برای رشد و نیز پیامدهای سیاسی مالی جهانی یا حتی آسیب‌های جسمی و روانی جمعی دارد؟

• **فصل چهاردهم: جنگ و دین** (ص ۲۳۰-۲۴۶) نوشته پیترو مدسن^۶: در حوزه ادبی، درهم‌تنیدگی جنگ و مذهب در هیچ‌جا به اندازه شعر حماسی پررنگ نیست. در افق فکری اروپا، مواجهه مسیحیان و مسلمانان نه تنها در داستان‌های حماسی و منظوم سده‌های دوازده تا چهارده فرانسه^۷ و در حماسه‌های رنسانس، بلکه رویارویی اولیه مسلمانان و بیزانس و جنگ‌های کارولینژین^۸ در شبه جزیره ایبری و همچنین از طریق آن، در قرن هفدهم و هجدهم، برجسته‌ترین معیارهای تاریخ ادبی مشهود است.

این مطالعه سهم شعر حماسی را در تعریف مکانی و مفصل‌بندی فرهنگی اروپا به عنوان قلمرو مسیحیت از شبه جزیره ایبری تا مدیترانه و اروپای شرقی و مرکزی مشخص می‌کند.

• **فصل پانزدهم: جنگ و جنسیت** (ص ۲۴۴-۲۵۸) نوشته مارگو نوریس^۹: فرانسیس دامیکو^{۱۰} در بررسی خود از کتاب

می‌شوند. احساس در آسیب‌های جنگی کارکرد دارد و راهی است برای ترسیم تجربه افراطی جنگ، زمانی که با آسیب وارد کردن به سربازان، آن‌ها را به عنوان شهروندی عادی متمایز می‌کند. در عین حال، نویسندگان متعدد متون غیرنظامی مانند اچ. جی. ولز، ویرجینیا ولف، ربکا وست، و کورت ونه‌گات^۱، شیوه‌ای را بررسی کرده‌اند که احساس و سایر اشکال تعالی بخشی ممکن است تجربه غیرنظامی جنگ را به همراه داشته باشد. این فصل با در نظر گرفتن متون جنگی و غیرنظامی، ارتباط نزدیک بین موضوع تعالی و احساس در جنگ را با سایر اصول مرتبط که ویژگی ادبیات قرن بیستم است، بررسی می‌کند. این مطالعه استدلال می‌کند که فرهنگ اخلاقی قرن بیستم مستلزم آن است که تجربه مشترک جنگ را در خطوط جنگی و غیرجنگی به رسمیت بشناسد، و افزون بر آن تفسیر از تعالی به عنوان ارزشی که می‌توان آن را از جنگ انتزاع کرد، خطرات اخلاقی خود را دارد.

• **فصل دوازدهم: جنگ و غیرنظامیان** (ص ۲۰۱-۲۱۵) نوشته مارک راولینسون^۲: این مطالعه به مفهوم غیرنظامی می‌پردازد که از اوایل قرن بیستم به بعد نمایان می‌شود. مقوله غیرنظامی برای توسعه مطالعات ادبی جنگ، هم به عنوان شکلی برای مبارزه هژمونیک و هم به عنوان «دیگری» فراموش شده یا سرکوب شده در ساخت‌های تجدیدنظرطلب، تاریخ‌ها و قوانین غیرپدرسالارانه اهمیت ویژه‌ای دارد. مطالعات ادبی جنگ، با تمرکز بر مبارزه در قرن بیستم، ساختارهای صریح و ضمنی غیرنظامی را بازتولید کرده است. در ادبیات اعتراض، غیرنظامیان به عنوان مرجع ادبیات جنگ، خارجی محسوب می‌شوند و از جنگ بی‌خبرند. به طور ضمنی، غیرنظامیان مخاطب جنگ نویسی هستند.

• **فصل سیزدهم: جنگ و صدمات جسمی و روانی**

3. Trauma.

4. Neil Ramsey.

5. Anders Engberg-Pedersen.

6. Peter Madsen.

7. chanson de geste.

8. Carolingian. A امپراتوری کارولینژی تولد دوباره فرهنگ امپراتوری روم به

حساب می‌آمد

9. Margot Norris.

10. Francine D'Amico.

1. H. G. Wells, Virginia Woolf, Rebecca West, and Kurt Vonnegut.

2. Mark Rawlinson.

شرح زیر است.

• **فصل شانزدهم:** جنگ و هواپیماهای بدون سرنشین (ص ۲۶۱-۲۷۷)، نوشتهٔ دیبجانی گانگولی^۵: این مقاله به بررسی آثار ادبی و سینمایی می‌پردازد که ظهور اشکال حیاتی فناورانه در مناطق جنگی را از طریق بینایی مصنوعی هواپیمای بی‌سرنشین (پهپاد) به تصویر می‌کشد: آن دستگاه نظارت هوایی و ماشین کشتار مانند سیاره‌ای است و در برخورد، فاجعه به بار می‌آورد.

منظور من از شکل‌های حیات تکنولوژیک، انتزاع‌های ماشینی از شکل ارگانیک انسانی است که برای دستکاری، تبعید و نابودی به‌وجود آمده‌اند. این شکل‌های حیات، محصول تغییر مقیاس بینایی انسان معمولی از طریق زیرساخت دیجیتال ترکیبی پهپاد است.

این فصل به بررسی زیبایی‌شناختی اصول زیربنایی و هدایت‌کنندهٔ هنری رمان‌هایی مانند نیش هواپیمای بدون سرنشین اثر ریچارد کلارک^۶ (۲۰۱۴) و رانش قدیمی اثر ناموالی سرپل^۷ (۲۰۱۹)، فیلم‌هایی مانند «زخم‌های مدیحه طاهر» اثر وزیرستان^۸ (۲۰۱۳) و «پهپاد با من برخورد می‌کند:

خاطرات غزه» از عاطف ابوسیف^۹ (۲۰۱۶) می‌پردازد.

• **فصل هفدهم:** جنگ و بشردوستی (ص ۲۷۸-۲۹۲)، نوشتهٔ النی کوندوریوتیس^{۱۰}: ارتباط بین جنگ و

جنگ و جنسیت جاشوا گلدشتاین^۱ چگونه شکل دادن نظام جنگ توسط جنسیت را بررسی می‌کند و با نظری مخالف می‌نویسد: جنگ به عنوان نشانهٔ مردانگی / مردانه ساخته شده است: پیروزی تأیید هویت مردانه است و شکست، انزجار است. زنانگی برای تقویت ساختار «مرد به عنوان جنگجو» هم در نقش‌های حمایتی به عنوان پرستار، مادر یا همسر و هم در مقابل به عنوان فعال صلح

ساخته شده است، و همهٔ مردانگی نظامی شده را تأیید می‌کند. با تکیه بر این مشاهدات، این مقاله می‌پرسد که آیا داستان‌های جنگی و شعر این مفاهیم رایج را حمایت و تقویت می‌کنند یا اینکه دیدگاه‌های مخالف و پیچیده‌تری ارائه می‌دهند؟ به عنوان نمونه، برخی از رمان‌های جنگی کلاسیک و محبوب قرن بیستم مانند رمان همه آرام در جبهه غرب اثر اریش ماریا رمارک^۲، وداع با اسلحه اثر ارنست همینگوی^۳ و خانم دالووی اثر ویرجینیا وولف^۴ بررسی شده است.

این مطالعه نشان می‌دهد که این رمان‌های جنگی محبوب قرن بیستم «مردانگی نظامی» را ترویج نمی‌کنند، بلکه با به تصویر کشیدن هزینه‌های فیزیکی، روانی و عاطفی جنگ بر اثرات مخرب آن بر مردان و زنان تمرکز می‌کنند.

بخش سوم: مفاهیم نو ظهور

این بخش شامل هفت فصل است. خلاصه هر فصل به

5. Debjani Ganguly.

6. Richard Clark's The Sting of the Drone.

7. Namwali Serpell's The Old Drift.

8. Madiha Tahir's Wounds of Waziristan.

9. Atef Abu Saif's war diary The Drone Eats with Me.

10. Elenioundouriotis.

1. Francine D'Amico.

2. Erich Maria Remarque's All Quiet on the Western Front.

3. Ernest Hemingway's A Farewell to Arms.

4. Virginia Woolf's Mrs. Dalloway.

لازاراتو^۱ اصرار دارند که خشونت، انباشت اولیه همه روابط سرمایه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. آن‌ها استدلال می‌کنند که سرمایه‌داری همیشه به سلب مالکیت طبیعت وابسته بوده است و بنابراین به عنوان شکلی از جنگ استعماری عمل می‌کند. این فصل از بینش آن‌ها استفاده می‌کند تا کتاب در انتظار بربرها اثر کوتزی را بررسی کند. گرچه این رمان به دلیل نداشتن تحلیل طبقاتی واقعی مورد انتقاد قرار گرفته است، روایت آن از مبارزات

بی‌رحمانه امپراتوری بی‌نام علیه نیروهای بربر شرحی از چگونگی سلب مالکیت از زندگی و زمین توسط تجارت ارائه می‌دهد. این فصل بحث می‌کند که اخلاق شخصی، حقیقت و درد که در رمان به تصویر کشیده شده است را نمی‌توان خارج از این دغدغه با خشونت و تجربه جمعی انباشت سرمایه درک کرد.

• **فصل نوزدهم: جنگ و انقلاب** (ص ۳۰۷-۳۲۰)، نوشته جان میسکوفسکی^۲: همان‌طور که محققان ادبی به طور فزاینده‌ای به اهمیت فرهنگی جنگ توجه می‌کنند، مفهوم انقلاب که به‌طور کاملاً سنتی در بحث‌های زیبایی‌شناسی و سیاست مطرح

بود، اقتدار خود را از دست داده است. این فصل بحث می‌کند که مطالعات ادبی چیزهای زیادی برای آموختن از گزارش‌های زبان و خشونت موجود در گفتمان‌های نظامی و انقلابی دارد. بخش اول این فصل بر وضعیت نابسامان واژه «انقلاب» در اندیشهٔ پساروشنگری تمرکز

بشردوستی پیچیده است. رمان جنگ برای پاسخگویی به جنایات جنگی به حقوق بشر تمایل دارد. این رمان‌ها دیدگاه‌های ضد جنگ را بیان می‌کنند، در حالی که تبارشناسی بشردوستی در قوانین جنگ، نشان‌دهنده پذیرش جنگ به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر است. گفتمان بشردوستی، پارادایمی روایی را به کار می‌گیرد که رنج انسان در جنگ را از طریق بررسی تروما (آسیب‌های روحی و جسمی) ببیند.

ادبیات داستانی غالباً نقش پزشکان و پرستاران را به عنوان شاهدان مصائب جنگی نشان می‌دهد. این فصل استدلال می‌کند که ادبیات جنگ پسااستعماری شاهدهی متضاد ارائه می‌دهد که از روایت‌های تأثیرگذار صدمات جسمی و روحی فراتر می‌رود و نقض ضرورت بشردوستانه برای نجات جان انسان‌ها را پررنگ می‌کند. تعامل انتقادی ادبیات پسااستعماری با جنگ بر دستیابی به فرصت برابر و دیده شدن همهٔ زندگی‌ها متمرکز است.

• **فصل هجدهم: جنگ و سرمایه‌داری** (ص ۲۹۳-۳۰۶)، نوشته نیل رمزی: مارکسیسم مدت‌هاست که به دلیل ناکامی

در ارائهٔ تحلیل نظری جنگ مورد انتقاد قرار گرفته است. مارکسیسم با اولویت دادن به دیدگاه تجاری از تاریخ، جنگ را به عنوان ابزار سیاست یا یک انحراف نابهنگام تلقی کرده است. با این حال، دانشمندان مارکسیست که به جایگاه انباشت در تاریخ سرمایه‌داری توجه دارند، نقش اساسی‌تر و تعیین‌کننده‌تری برای خشونت سرمایه‌داری آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، آلیز و

این متن به بررسی
هم‌زیستی جنگ و زبان در
دو سطح مختلف می‌پردازد:
نخست، تحلیل زبان جنگ که
توسط نویسندگان و متفکران
مدرن و معاصر بررسی شده
است. و دوم، زبان جنگ را با
رایج‌ترین شباهت‌های
خانوادگی نوشته‌های جنگی
تحلیل می‌کند.

1. Alliez and Lazzarato.
2. Jan Mieszkowski.

از داستان‌ها و نظریه‌های معاصر مرتبط یافت. امروزه در عصر آن‌تروپوسن^۴، جنگ زیست سیاسی^۵ از موضوع نژادپرستی دولتی فراتر رفته است و شامل انقراض، مسائل انسانی و غیره. از جمله انقراض خود ادبیات می‌شود.

• **فصل بیست و یکم: جنگ و نقد هسته‌ای (ص ۳۳۶-۳۵۱)**، نوشتهٔ آدام پیت^۶: این فصل به ویرانی‌های ناشی از آزمایش‌های هسته‌ای، پیوندهای بین تفکر زیست‌محیطی و فرهنگ هسته‌ای، تحلیل آخرالزمانی قرن بیست و یکم ناشی از تغییرات آب و هوایی و ماهیت عصر هسته‌ای پس از چرنوبیل و فوکوشیما می‌پردازد.

این فصل به بررسی زیبایی‌شناختی اصول زیربنایی و هدایت‌کنندهٔ هنری برخی آثار می‌پردازد که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است: نوچه‌ها اثر جان ویندهام، سه‌گانه مادام اثر مارگارت اتوود، چاقوی آب اثر پائولو گاسیگالوبی، داستان‌هایی از جی. جی. بالارد و کار جسیکا هرلی بر کتاب جاده‌های اقیانوسی اثر مائوری جیمز جورج، مارلو استار در فیلم «ایپ جالتوک» اثر کتی جتنیل. کیچینر، «داستان کوتاه (نوع دوم)» اثر فیلیپ ک. دیک، «جهان زیرین» اثر دلیوو^۷ و کارگروه تحقیقاتی فرهنگ هسته‌ای.

4. Anthropocene.

5. biopolitical war.

6. Adam Piette.

7. John Wyndham's The Chrysalids, Margaret Atwood's MaddAddam trilogy, Paolo Bacigalupi's The Water Knife, stories by J. G. Ballard and the work of Jessica Hurley on Maori author James George's Ocean Roads, Marlo Starr on Kathy Jetñil Kijiner's Iep Jaltok, Philip K. Dick's short story 'Second Variety', DeLillo's Underworld.

دارد و ظهور نظریهٔ زبان انقلابی را در مارکس و وارثانش توصیف می‌کند. بخش دوم بر درک کلاوزویتز^۱ از خشونت دولتی متمرکز است و می‌پرسد چرا تصور او از جنگ باید برای انقلابیون جذاب باشد؟ بخش پایانی هم به این موضوع می‌پردازد که آیا توجه به جنگ و انقلاب به غفلت از شکل بالقوه اساسی‌تر جنگ داخلی منجر شده است؟ در نهایت پیشنهاد می‌شود که با از دست

دادن انحصار دولت. ملت‌ها بر خشونت سازمان‌یافته در مقیاس بزرگ، مطالعات ادبی و فرهنگی باید پارادایم‌های جدیدی از نزاع‌های ملی و فراملی و فروملی (محلی. بومی) را دربرگیرند.

• **فصل بیستم: جنگ و سیاست زیستی (ص ۳۲۱-۳۳۵)**، نوشتهٔ آرن دو بوور^۲: این فصل کار نویسندهٔ آلمانی دبلیو جی سبالد^۳ را در پارادایم جنگ زیستی فوکو قرار می‌دهد که بین نگرانی از نژادپرستی دولتی و نگرانی از انقراض سیر می‌کند. آثار سبالد اغلب دربارهٔ جنگ جهانی دوم و هولوکاست و به عبارت دیگر، دربارهٔ نژادپرستی دولتی مطرح شده است.

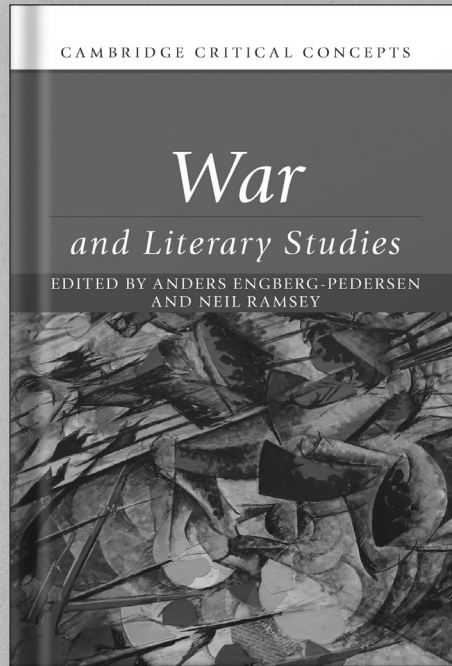
به‌طور خاص این فصل استفاده از فهرست‌ها را در آثار

سبالد، نه تنها به عنوان تلاشی برای یادبود ویرانی جنگ جهانی دوم، بلکه به عنوان تلاشی برای ثبت تمام زندگی در انتظار ناپدید شدن آن در نظر می‌گیرد. در نهایت، نشان می‌دهد که چنین استفاده‌ای از فهرست داستان‌های سبالد فراتر می‌رود و می‌توان آن را در طیفی

1. Clausewitz.

2. Arne de Boever.

3. W. G. Sebald.



حامیان‌ش و شیدایی منفی او نسبت به مخالفانش اغلب در قالب سنتی هم‌ذات‌پنداری با یک رهبر کاریزماتیک تحلیل می‌شود.

این واقعیت پنهان می‌ماند که ترامپ به همان اندازه که یک سوژه روان‌شناختی است یک برند شرکتی و یک پدیدهٔ انتخاباتی است. این فصل بررسی می‌کند که چه مفهومی ممکن است از «شخص» برای چنین اَعمالی به کار رود و اصطلاح «شخصیتِ قدرت‌طلب» در عصر اینترنت چه معنایی دارد. ■

• **فصل بیست و دوم: جنگ و شخصیت قدرت‌طلب (ص ۳۵۲-۳۶۹)**، نوشتهٔ برایان ماسومی هاید: این مطالعه به بررسی دوران ریاست جمهوری ترامپ می‌پردازد و معتقد است که او در دوران ریاست جمهوری‌اش دوگانه رفتار می‌کرده است: یکی مرکزگرا که به سمت شخصی‌سازی افراطی دفتر ریاست جمهوری، و دیگری گریز از مرکز، یعنی به سمت زیاد شدن انتشار تحریکات عاطفی مداوم از کاخ سفید از طریق رسانه‌های اجتماعی بود. حمایت ترامپ از

1. Brian MassumiHide.

کتاب‌های پژوهشی منتشره ادبیات پایداری در سال ۱۴۰۰

زهره قاسمی

حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس؛ ۶ عنوان از کتابخانه جنگ حوزه هنری؛ ح) ۱ عنوان از اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه و ط) ۱۱ عنوان از کتابخانه ملی. دسترسی به متن ۴ عنوان کتاب آسمان توی فنیجان؛ تألیف مریم بیات‌تبار، قلم‌های خاکی؛ تألیف فاطمه مصطفوی‌فر، مجموعه شعر پایداری و اعتراض؛ سروده محمد مرادی و فرهنگ پایداری در شعر پارسی‌گویان گیلان؛ تألیف خدیجه گنجی بیجارپس از هیچ راهی میسر نشد.

متن حاضر در سه بخش به معرفی این کتاب‌ها پرداخته است؛ بخش اول، گزارش آماری؛ بخش دوم معرفی هر یک از کتاب‌ها؛ بخش سوم بررسی و مقایسه اطلاعات به دست آمده از کتاب‌ها.

کل کتاب‌های معرفی شده، ۲۵ عنوان است. ۱۲ عنوان توسط ناشران دولتی و یا با استفاده از خدمات دولتی (سوره مهر، صریح، مرصاد، بنیاد حفظ آثار و

در سال ۱۴۰۰، بیست و نه عنوان کتاب در حوزه پژوهشی ادبیات پایداری شناسایی شدند. این شناسایی از طریق جست‌وجو در سایت کتابخانه ملی، کتابخانه جنگ حوزه هنری، کتابخانه باغ‌موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با استفاده از کلیدواژه‌های «ادبیات پایداری»، «پژوهش ادبی»، «پایداری»، «شعر دفاع مقدس»، «جنگ ایران و عراق» و «ادبیات جنگ ایران و عراق» و محدود کردن تاریخ نشر به سال ۱۴۰۰ انجام شده است. همچنین طی نامه‌ای از «خانه کتاب و ادبیات ایران» خواسته شد فهرست کتاب‌های منتشره در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ در حوزه ادبیات پایداری را در اختیار این مجموعه بگذارند که از فهرست ارسال شده، ۳ عنوان کتاب مرتبط با موضوع و مربوط به سال ۱۴۰۰ است. کتاب‌های معرفی شده، از راه‌های مختلف فراهم شد؛ الف) ۳ عنوان از انتشارات سوره مهر؛ ب) ۲ عنوان از کتابخانه اندیشکده ادبیات پایداری؛ ج) ۱ عنوان بر اساس فایل کتاب از بنیاد

در فصل سوم، معرفی نویسندگان و خلاصه داستان‌ها، در سه دوره زمانی دسته‌بندی شده است؛ دهه شصت، دهه هفتاد و دهه هشتاد. در فصل چهارم، شخصیت‌پردازی و آرمان‌گرایی در رمان‌ها بررسی شده است. این رمان‌ها عبارتند از: سرود ارون‌درد، ثریا در اغما، دل فولاد، نقش پنهان، عشق سال‌های جنگ، دل دلدادگی، اشکانه، بازی آخر بانو و خاله‌بازی است. تحلیل شخصیت‌های زن، پیرنگ و نقد تحلیل از عناصری هستند که بیشتر در بررسی مورد توجه قرار گرفته‌اند اما برای همه کتاب‌ها این عناصر یکسان نیستند. فصل پنجم هم حاوی نتیجه بررسی‌های مؤلف است. ساختار کتاب به پایان‌نامه نزدیک است اما پایان‌نامه‌ای با این مشخصات یافت نشد.

عنوان: بررسی سورئالیسم در اشعار کودکان با تکیه بر ادبیات پایداری

نویسنده: سپیده رجبی دهکردی

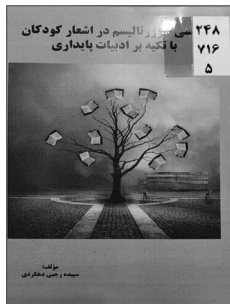
محل نشر؛ ناشر: تهران: سنجش و دانش

شمارگان: ۳۰ نسخه

تعداد صفحات: ۷۲ صفحه

قطع: وزیری

متن در ۵ فصل و دو بخش نتیجه‌گیری و منابع تنظیم شده است. کتاب مقدمه و پیشگفتاری ندارد تا اطلاعاتی در مورد شیوه پژوهش بدهد. در فصل اول، مقدمه، اهداف و فرضیه‌ها بیان شده‌اند. در فصل دوم به تعریف مفهومی سورئالیسم و ادبیات کودکان پرداخته است. در فصل سوم، اشعار سورئالیستی کودک در دوران جنگ بر اساس اشعار قیصر امین‌پور و عبدالجبار کاکائی بررسی شده‌اند.



نشر ارزش‌های دفاع مقدس و گرا) منتشر شده‌اند. ۱۳ کتاب دیگر مربوط به ناشران خصوصی است (اودیس، سنجش و دانش، پادینا، آرمان دانش، خویی، نیلون، کتاب‌چه، نگار کمال، دانش پژوهان شریف‌پار، دیار آفتاب، اهوراقل، رج و نوین پویا).

شمارگان چاپ کتاب‌ها در بخش خصوصی از ۳۰ نسخه تا ۱۰۰۰ نسخه است. اما در بخش دولتی، شمارگان از ۵۰۰ نسخه شروع و به ۱۲۵۰ نسخه می‌رسد.

از نظر جلد و ظاهر کتاب‌ها، بیشتر آن‌ها ضعیف هستند و به نظر می‌رسد که قطع‌شان نامناسب است. ۹ کتاب در قطع رقعی و ۱۶ کتاب در قطع وزیری منتشر شده است.

فهرست کامل کتاب‌ها طبق جدول ۱ است.

در معرفی آثار، ابتدا آن‌ها را بر اساس نوع ناشران (دولتی، خصوصی) دسته‌بندی کرده و نخست به کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران خصوصی پرداخته‌ایم.

عنوان: آرمان‌خواهی در ادبیات دفاع مقدس

نویسنده: فریبا رحیمی

محل نشر؛ ناشر: اراک: نگار کمال

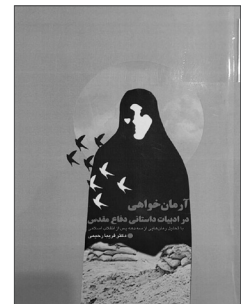
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۴۰۰ صفحه

قطع: وزیری

این اثر با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران به نگارش درآمده و سطح این همکاری مشخص نشده است. متن در پنج فصل تنظیم شده؛ فصل اول، حاوی کلیات و فصل دوم، مبانی نظری (ادبیات دفاع

مقدس، آرمان‌گرایی، شخصیت‌شناسی) است.



جدول ۱:

ردیف	عنوان	پدیدآور / مترجم	ناشر	تعداد صفحات	قطع
۱	ادبیات پایداری از خوش‌بینی‌های آغازین تا ناامیدی‌های پایانی	عادل الاسطه؛ مترجم: تورج زینی‌وند، مریم رحمتی و فاطمه محمدی	مرصاد	۲۲۲	وزیری
۲	ادبیات دفاع مقدس و شعر کودک و نوجوان	فرخنده (مینا) خداشناس، گیتی لؤلؤ	نوبین پویا	۲۰۸	وزیری
۳	آرمان خواهی در ادبیات دفاع مقدس	فریبا رحیمی	نگار کمال	۴۰۰	وزیری
۴	افق قاف (تذکره شاعران پایداری استان گیلان)	اسماعیل محمدپور	رج	۱۰۱۷	رقعی
۵	بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس	توران محمدی	سوره مهر	۱۷۶	رقعی
۶	بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمدعلی شمس‌الدین و قیصر امین‌پور	لیلی اصل رکن‌آبادی	سوره مهر	۴۴۰	رقعی
۷	بررسی سورئالیسم در اشعار کودکان با تکیه بر ادبیات پایداری	سپیده رجبی دهکردی	سنجش و دانش	۷۲	وزیری
۸	بررسی مفهوم‌سازی جنگ در روایت زنان و مردان از دوران جنگ تحمیلی با رویکرد معناشناختی	تورج دشمن‌زیاری	دانش پژوهان شریف‌یار	۱۵۴	وزیری
۹	پایداری در سانتاماریا	امیرحسین لنگافرخی	خوبی	۱۴۷	رقعی
۱۰	تأثیر جنسیت در رمان‌های دفاع مقدس	سمیرا جهان تیغ	دیار آفتاب	۱۰۲	وزیری
۱۱	تأملاتی در ادب پایداری (مجموعه مقالاتی در حوزه ادبیات دفاع مقدس، پایداری و بیداری)	رضا اسماعیلی	صریر	۱۷۴	وزیری
۱۲	تحلیل داستان‌های دفاع مقدس بر اساس الگوی گرماس (بررسی رمان عربیان در برابر باد و داستان زنی بر بام)	زیبا پورگی ابریشم‌کار	اهوراقلم	۳۴	رقعی
۱۳	جلوه‌های پایداری در اشعار اسماعیل صبری باشا	مرتضی حیدری	نیلون	۸۵	وزیری
۱۴	داستان برای گشایش درهای آسمان: گفت‌وگوهای ادبیات داستانی (دفتر ۲: پنجاه و یک گفت‌وگوی موضوعی با سی و شش نویسنده ایرانی و پنج کارگزار فرهنگی)	محمد رضا سرشار	سوره مهر	۶۰۲	وزیری
۱۵	غوطه‌خوردنی غریب در داستان (دفتر اول گفت‌وگو درباره ادبیات داستانی)	محمد رضا سرشار	سوره مهر	۶۷۵	وزیری
۱۶	فرهنگ پایداری: دو مقاله در باب فرهنگ مقاومتی	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس کردستان	کتاب چه	۱۱۸	رقعی
۱۷	کارنامه داستان‌نویسی ادبیات پایداری استان فارس از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸	زهرا اکبری	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس	۱۵۰	رقعی
۱۸	کودک جنگ‌زده در ادبیات داستانی کودک و نوجوان دفاع مقدس از نگاه روان‌کاوی ژاک لکان	بابک روزبه	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس	۱۰۶	رقعی

ردیف	عنوان	پدیدآور / مترجم	ناشر	تعداد صفحات	قطع
۱۹	منشور دوم	محمد مرادی	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس	۴۱۸	وزیری
۲۰	نامه پایداری ۸	احمد امیری خراسانی	گرا	۴۷۲	وزیری
۲۱	نخل تا زیتون (مقایسه تطبیقی ادبیات پایداری در ایران و فلسطین)	ناهید محمدی	اودیسه	۱۹۴	رقعی
۲۲	نخل‌های ایثار (سیری در ادبیات پایداری ایران در دوران دفاع مقدس)	سپیده سپهری، ماندانا هاشمی	پادینا	۱۲۲	وزیری
۲۳	هشت گنجینه	حکیمه خاتون محمدی	آرمان دانش	۴۰۲	وزیری
۲۴	همسایه با آهی‌مسا	سمانه علی‌زاده	صریر	۲۳۴	وزیری
۲۵	هوا سرشار از کلمات است (دفتر سوم)	محمد رضا سرشار	سوره مهر	۴۳۵	-
۲۶	آسمان توی فتنان: آثار برگزیده مرحله استانی دوره‌های هشتم و نهم جشنواره ادبی یوسف (کتاب در دسترس نبود)	مریم بیات‌تبار	صریر	۷۰	-
۲۷	فرهنگ پایداری در شعر پارسی‌گویان گیلان (کتاب در دسترس نبود)	خدیجه گنجی بیجارپس	شمس لاهیجی	۲۰۰	-
۲۸	قلم‌های خاکی (کتاب در دسترس نبود)	فاطمه مصطفوی‌فر	صریر	۱۷۰	-
۲۹	مجموعه شعر پایداری و اعتراض (کتاب در دسترس نبود)	محمد مرادی	صریر	۱۷۴	-

در این پژوهش استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های فرهنگی در روایت‌های زنانه و مردانه از دفاع مقدس با مطالعه توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند. استعاره‌های به‌کار رفته در گفتمان جنگ در هفت حوزه زیر دسته‌بندی



فصل چهارم به بررسی سورئالیسم در شعر کودک بعد از جنگ اختصاص دارد که اشعار محمود کیانوش و ناصر کشاورز مورد نظر بوده‌اند. در فصل پنجم مقایسه گونه فانتزی و سورئالیستی شعر بررسی شده است. متن برگرفته از پایان‌نامه مؤلف با همین نام در دانشگاه شهرکرد است. در کتاب اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

عنوان: بررسی مفهوم‌سازی جنگ در روایت زنان و مردان از دوران جنگ تحمیلی با رویکرد معناشناختی

نویسنده: تورج دشمن‌زیاری

محل نشر؛ ناشر: تهران: دانش پژوهان شریف‌یار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۵۴ صفحه

قطع: وزیری

شده‌اند.

۱. اعتقادات مذهبی

۲. حیوانات

۳. اعضای بدن

۴. ورزش

۵. تجارت و داد و ستد

۶. آموزش و مدرسه

۷. جان بخشی

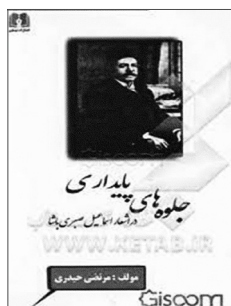
نویسنده: مرتضی حیدری

محل نشر؛ ناشر: سمنان: نیلون شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۸۵ صفحه

قطع: وزیری

متن کتاب در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول، به کلیات موضوع از جمله تعریف ادبیات مقاومت، زمینه‌های پیدایش، ویژگی‌های کلی، عناصر تشکیل‌دهنده، عوامل پیدایش و رواج ادبیات



پایداری در شعر عرب پرداخته است. بخش دوم با عنوان ادبیات مقاومت در مصر و اسماعیل صبری باشا، در یک بخش به وضعیت سیاسی اجتماعی مصر و ادب مقاومت در آن و در بخش دیگر، به زندگی اسماعیل صبری باشا و شعر او پرداخته است. در بخش سوم، جلوه‌های پایداری در شعر اسماعیل صبری باشا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ هم دو بخش پایانی کتاب را تشکیل می‌دهند. متن برگرفته از پایان‌نامه نویسنده با همین عنوان در دانشگاه سمنان است. اشاره‌ای به این موضوع در کتاب نشده است.

عنوان: فرهنگ پایداری: دو مقاله در باب فرهنگ مقاومتی

نویسنده: معین پرویزی، مرتضی ملاولی و کیومرث فیضی

محل نشر؛ ناشر: سنندج: کتابچه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۱۸ صفحه

قطع: رقعی

«دو مقاله در باب فرهنگ مقاومتی» با عنوان‌های «گفتمان مقاومت» و جایگاه شهید قاسم سلیمانی در ارتقای قدرت بازدارندگی محور مقاومت» نوشته معین پرویزی و «مقایسه کنش نظامی جمال عبدالناصر و

متن در ۵ فصل تنظیم شده است؛ مقدمه به روش انجام کار و تبیین اهداف پژوهش پرداخته است. فصل اول، حاوی کلیات پژوهش است. فصل دوم، شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش است. فصل سوم، روش تحقیق، فصل چهارم، تحلیل داده‌ها، و فصل پنجم، نتیجه‌گیری است. در نهایت منابع قرار گرفته‌اند.

عنوان: پایداری در سانتاماریا

نویسنده: امیرحسین لنگافرخی

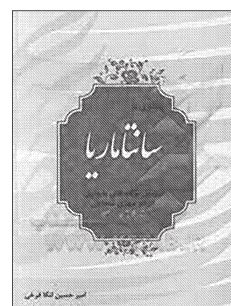
محل نشر؛ ناشر: قم: خویی

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۴۷ صفحه

قطع: رقعی

این اثر با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که رویکرد مهدی شجاعی در مجموعه داستان «سانتاماریا» چه بوده و کدام یک از مؤلفه‌های پایداری در آن انعکاس داشته است. تألیف شده است.



نتیجه به دست آمده نشان داده که روحیه شهادت‌طلبی، عشق به وطن، هویت عرفانی رزمندگان، معجزه و امداد الهی، پایداری در برابر ظلم و استقامت مردم به عنوان مؤلفه‌های پایداری در این اثر وجود دارند. متن در ۵ فصل تنظیم شده است: که شامل، فصل اول، کلیات، فصل دوم، چارچوب نظری، فصل سوم، زندگی، اندیشه و سبک آثار مهدی شجاعی، فصل چهارم، تحلیل یافته‌ها و فصل پنجم، نتیجه‌گیری و در پایان منابع ذکر شده است.

عنوان: جلوه‌های پایداری در اشعار اسماعیل صبری باشا

فصل دوم، نگارنده به تحلیل و مقایسه شعر پایداری در دو کشور پرداخته و اشعار سلمان هراتی و قیصر امین‌پور که هر دو از شاعران دفاع مقدس هستند و المتوکل طه که فلسطینی است در این اثر مقایسه و بررسی شده است. این اشعار از منظر عنصر زبان، واژگان، قالب و وزن، تخیل و عاطفه بررسی و تحلیل شده است.

بر اساس تحلیل مضمونی اشعار، تصاویر فضاهای جنگی، دل‌دادگی به وطن در این اشعار به چشم می‌خورد. عناصر فولکوریک، نوستالژی و غم غربت، دعوت به مبارزه و آزادی، یادکرد مبارزان و شهیدان راه آزادی، نماد و اسطوره‌ها، مصائب و ویرانی‌های جنگ از مؤلفه‌هایی اصلی آن است که در این تحلیل مد نظر بوده‌اند. روش کار، مطالعه تطبیقی است.

عنوان: نخل‌های ایثار (سیری در ادبیات پایداری ایران

در دوران دفاع مقدس)

نویسنده: سپیده سپهری، ماندانا هاشمی

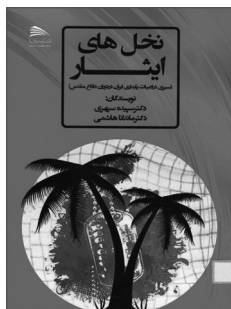
محل نشر؛ ناشر: تهران: پادینا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۲۲ صفحه

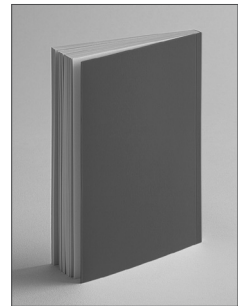
قطع: وزیری

بر اساس آنچه در مقدمه آمده، این کتاب به عنوان درس‌نامه نوشته شده است. متن حاوی ۵ فصل است: فصل اول با عنوان «نگاهی به شعر در ادبیات پایداری» به بررسی ویژگی‌های زبانی، گستردگی واژه‌ها، قالب‌های شعری، ویژگی‌های معنایی برجسته شعر پرداخته و این ویژگی‌ها بر اساس دیدگاه‌های نگارنده با ذکر مصادیقی از شاعران پایداری است. فصل دوم با عنوان «نگاهی به ادبیات دفاع مقدس»،



شهید سلیمانی در مواجهه با اسرائیل؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها» نوشته مرتضی ملاولی و کیومرث فیضی، از مقاله‌های منتشر شده در کنگره هشتم ادبیات پایداری است که در اسفند ۱۳۹۹ برگزار شده است.

هر دو مقاله مرتبط با فرهنگ مقاومت و عملکرد شهید قاسم سلیمانی است. ناشر این کتاب خصوصی است اما محتوای آن توسط اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کردستان آماده شده است. علت چاپ جداگانه این مقاله‌ها مشخص نیست و در مقدمه نکته‌ای در این خصوص گفته نشده است.



عنوان: نخل تا زیتون (مقایسه تطبیقی ادبیات پایداری

در ایران و فلسطین)

نویسنده: ناهید محمدی

محل نشر؛ ناشر: آمل: اودیسه

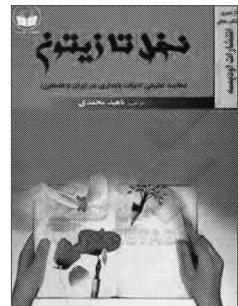
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۹۴ صفحه

قطع: رقعی

متن کتاب در حوزه ادبیات پایداری ایران و فلسطین است و نویسنده در مقدمه دلایل تألیف این کتاب را توضیح داده است. متن در دو فصل ارائه شده: فصل اول شامل کلیاتی درباره ادبیات پایداری و پیشینه آن در ایران و فلسطین است.

بخش مربوط به ایران مفصل‌تر بوده و ادبیات پایداری دفاع مقدس آخرین بند این قسمت است. در



۱. نظام و جریان‌های شعری

۲. زیبایی‌شناسی بدیعی

- بیانی

۳. مضامین مطرح در

ادبیات پایداری

۴. آثار و جایگاه سیدحسن

حسینی در ادبیات معاصر

۵. زیبایی‌شناسی مضامین

ادبیات پایداری در دفاتر شعری سیدحسن حسینی که بحث اصلی است و حجم بیشتری به خود اختصاص داده است

۶. نتیجه‌گیری.

در انتهای کتاب، بخش منابع گنجانده شده است.

عنوان: ادبیات دفاع مقدس و شعر کودک و نوجوان

نویسنده: فرخنده (مینا) خداشناس، گیتی لؤلؤ

محل نشر؛ ناشر: چاپکسر: نوین پویا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۰۸ صفحه

قطع: وزیری

پیشگفتار نویسندگان بیشتر

به توضیحاتی درباره کتاب

پرداخته و به بیان سرفصل‌ها

و محتوای کتاب اکتفا کرده

است. متن دارای سه فصل

است: فصل اول با عنوان

«ادبیات دفاع مقدس»

که به بررسی این نوع ادبیات

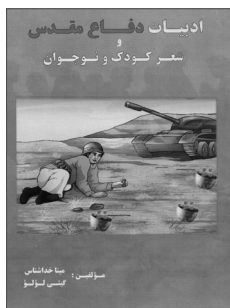
از منظر پیدایی، مزیت‌ها و الگوسازی پرداخته است.

فصل دوم با عنوان «شعر کودک»، در یک بخش به

بررسی ویژگی‌های دوره‌های مختلف سنی و نیازهای

آن و در بخش بعدی به ادبیات ویژه کودک و نوجوان

پرداخته است. در فصل سوم با عنوان «شعر دفاع مقدس



غزل در دفاع مقدس را بررسی کرده است. در فصل سوم با عنوان «ناموران حوزه شعر در ادبیات انقلاب اسلامی»، مختصری درباره شاعران این دوره و مصادیقی از شعرشان را آورده است. فصل چهارم به «ادبیات داستانی انقلاب و پایداری» پرداخته است.

پیشینه ادبیات داستانی، نقش ادبیات انقلاب اسلامی در ادبیات داستانی ایران، مروری بر ادبیات داستانی دفاع مقدس، داستان نویسان و نگرش به جنگ، زمان و مکان در رمان‌ها و داستان‌های بلند جنگ، ویژگی‌های عمده ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، تأثیر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر ادبیات داستانی، خاطره‌نگاشته‌ها و خاطره‌نویسی در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه در این فصل گنجانده شده‌اند. فصل پنجم به داستان نویسان اختصاص یافته که ظاهراً برگرفته از کتاب فرهنگ داستان نویسان حسن میرعبدینی است.

در این فصل داستان نویسانی بر اساس مشخصات شناسنامه‌ای و آثارشان هر کدام در حدود یک صفحه معرفی شده‌اند. در بخش پایانی، منابع مورد استفاده آمده، ولی ارجاع درون متنی ندارند. متن ساختار منظمی ندارد.

عنوان: هشت گنجینه

نویسنده: حکیمه خاتون محمدی

محل نشر؛ ناشر: تهران: آرمان دانش

شمارگان: ۵۰ نسخه

تعداد صفحات: ۴۰۲ صفحه

قطع: وزیری

بر اساس آنچه که در مقدمه کتاب آمده است، مؤلف به بررسی اشعار سید حسن حسینی با مضامین پایداری پرداخته است. وی اشعار حسینی را از منظر آرایه‌های بدیعی - بیانی و باریک‌بینی‌های معنایی بررسی کرده است. کتاب حاوی ۶ فصل است:

عنوان: تحلیل داستان‌های دفاع مقدس بر اساس الگوی گرماس (بررسی رمان عریان در برابر باد و داستان زنی بر بام)

نویسنده: زیبا پورگلی ابریشم‌کار

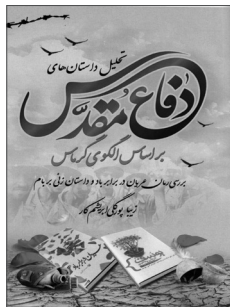
محل نشر؛ ناشر: دزفول: اهوراقلم

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۴ صفحه

قطع: رقعی

دو داستان کوتاه عریان در برابر باد و زنی بر بام در این کتاب بر اساس نظریه گرماس بررسی شده است. با این‌که کتاب حجم کمی دارد، اما در پیشگفتار، نویسنده درباره موضوع و شیوه کار توضیح داده است. محتوای کتاب



مختصر و مناسب است.

عنوان: افق قاف

نویسنده: اسماعیل محمدپور

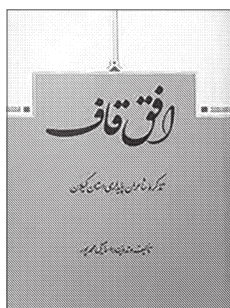
محل نشر؛ ناشر: رشت: رج

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حجم: ۱۰۱۷ صفحه

قطع: رقعی

کتاب با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان گیلان منتشر شده است. کتاب حاوی زندگی‌نامه و گزیده‌ای از اشعار ۱۲۹ شاعر استان گیلان است که در شعرشان به موضوع پایداری پرداخته‌اند. محدوده زمانی مورد نظر برای شعر پایداری، دوره معاصر



و کودک»، مضامین شعر دفاع مقدس، قالب‌های آن و دفاع مقدس در شعر کودک مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پایانی کتاب، منابع مورد استفاده ذکر شده‌اند.

عنوان: تأثیر جنسیت در رمان‌های دفاع مقدس

نویسنده: سمیرا جهان تیغ

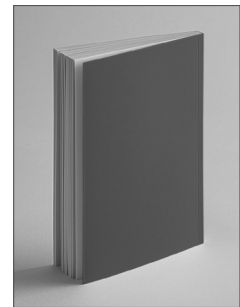
محل نشر؛ ناشر: زاهدان: دیار آفتاب

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۰۲ صفحه

قطع: وزیری

این کتاب در کتابخانه‌های در دسترس یافت نشد. آنچه در معرفی کتاب آمده، بر اساس اطلاعاتی است که از فضای مجازی و اسکن صفحات اولیه کتاب در سایت «خانه کتاب» بارگذاری شده است. کتاب برگرفته از پایان‌نامه



مؤلف با عنوان «تأثیر جنسیت نویسنده بر استفاده از ابزارهای انسجام‌واژگانی و دستوری در برخی از رمان‌های دفاع مقدس بر پایه نظریه هالیدی و حسن» در دانشگاه سیستان و بلوچستان بوده و به این نکته در کتاب اشاره‌ای نشده است.

متن مطابق فصل‌بندی پایان‌نامه‌ها، حاوی پنج فصل کلیات، پیشینه، مفاهیم نظری و روش‌شناسی، توصیف و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهادات و در پایان هم منابع و مأخذ است. پژوهشگر به بررسی تأثیر جنسیت بر انسجام دستوری و واژگانی در دو رمان حکایت زمستان و دختر شینا پرداخته و به این نتیجه رسیده که میان انسجام دستوری و واژگانی در این دو رمان با جنسیت نویسنده ارتباط معناداری وجود ندارد.

۲. ادبیات دفاع مقدس (ادبیات داستانی دفاع مقدس، بررسی شخصیت‌های داستان‌های جنگ / دفاع مقدس
۳. روان‌کاوی و ادبیات که به روان‌کاوی ادبی و تأثیر متن و نویسنده بر نوجوانان پرداخته است
۴. روان‌کاوی لکانی (مباحث نظری)
۵. بررسی و تحلیل داستان‌های برگزیده پانزده دوره کتاب سال دفاع مقدس (در بعضی دوره‌ها اثر برگزیده وجود نداشته و شش داستان بررسی شده است. هدف از این بررسی‌ها، آزمون صحت و سقم اندیشه‌های روان‌کاوانه در داستان بیان شده است).
۶. نتایج پژوهش.

عنوان: کارنامه داستان‌نویسی ادبیات پایدار استان فارس از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸

نویسنده: زهرا اکبری

محل نشر؛ ناشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۵۰ صفحه

قطع: رقعی

کتاب حاضر به سفارش اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان فارس تدوین شده است. کارنامه داستان‌نویسی ادبیات پایدار استان فارس در دو دوره منتشر شده است؛ یکی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ و دیگری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ که در آن‌ها کتاب‌های داستانی نویسندگان استان فارس گردآوری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

نحوه معرفی آثار و نویسنده‌ها در این کتاب به این ترتیب است: زندگی‌نامه مختصر نویسنده، آثار داستانی

است. نهضت جنگل، ماجرای گوه‌رشاد، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، نهضت‌های مقاومت اسلامی، نهضت بیداری اسلامی و مفاهیم وطنی و جهان‌وطنی موضوع‌هایی هستند که در این پژوهش برای شناسایی شاعران مد نظر بوده‌اند.

مقدمه کتاب، اطلاعات کافی مورد نیاز برای یک اثر پژوهشی را ندارد. اثر فاقد پیشگفتاری است که روش پژوهش نویسنده را توضیح دهد و نیز به نحوه انتخاب اشعار، حجم شعرهای پایدار هر شاعر و... بپردازد. این کتاب در حوزه شناسایی وضعیت ادبیات پایدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از نکات قابل توجه در شعرهای این کتاب، نبود اثری از لهجه گیلکی در اشعار آن است.

بخش دوم، معرفی کتاب‌هایی است که توسط ناشران دولتی منتشر شده‌اند.

عنوان: کودک جنگ‌زده در ادبیات داستانی کودک و نوجوان دفاع مقدس از نگاه روان‌کاوی ژاک لکان

نویسنده: بابک روزبه

محل نشر؛ ناشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس

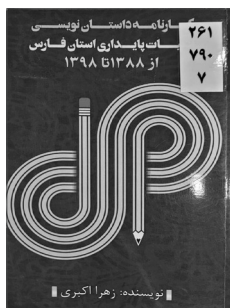
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۰۶ صفحه

قطع: رقعی

نگارنده هدف خود از این پژوهش را بررسی ادبیات پایدار از منظر روان‌شناسی برای راه‌گشایی در خلق آثار خلاق در حوزه کودک و نوجوان بیان کرده است. این پژوهش در ۶ فصل تقسیم‌بندی شده است:

۱. مروری بر ادبیات و سوابق روان‌کاوی در ادبیات



به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. متن در ۴ فصل تنظیم شده است: فصل اول با عنوان «ادبیات پایداری، مبانی و گونه‌ها» است که به تعریف ادبیات پایداری و سیر آن، شعر جنگ / دفاع مقدس و متغیرهای تعریف ادبیات پایداری پرداخته است. فصل دوم به دریاچه‌ها و زمینه‌های شعر پایداری فارسی پرداخته است. ادبیات حماسی، شعر عاشورایی و شعر شیعی در این فصل بررسی شده‌اند. فصل سوم با عنوان «مقدمه‌ای بر شعر پایداری معاصر»، به شعر پایداری در عصر قاجار، دوران مشروطه، زمینه‌های شکل‌گیری شعر پایداری در عصر پهلوی و جریان‌های شعری پرداخته است. فصل چهارم، بررسی شعر پایداری پس از انقلاب است. شعر پایداری فلسطین، قیصر امین‌پور و شعر پایداری انقلاب اسلامی، اشاره به شخصیت‌های صدر اسلام در شعر پایداری انقلاب اسلامی، غزل پایداری، نگاهی به جشنواره‌های دوره‌های سوم، چهارم و پنجم شعر دفاع مقدس استان فارس، شعر کودک و نوجوان و یادداشت‌ها و نقدهای کوتاه مباحث این فصل را تشکیل می‌دهند. بخش پایانی کتاب به منابع اختصاص یافته است.

او در رابطه با دفاع مقدس، تکه‌ای کوتاه از متن داستان نویسنده و تحلیل آثار. نویسندگان و آثار دفاع مقدس استان فارس در سه فصل دسته‌بندی شده‌اند:

۱. داستان‌های بزرگسال

۲. داستان‌های نوجوان

۳. داستان‌های کودک.

در فصل اول، زندگی و آثار مهدی زارع، اکبر صحرایی، بیژن کیا، میثم محمدی، محمد محمودی نورآباد، علی مرادی و آرزو مهبودی معرفی شده‌اند. در فصل دوم، زندگی و آثار احمد اکبرپور، اکبر صحرایی، زهرا فرشاد و فاطمه فروتن و در فصل سوم، زندگی و آثار مرضیه جوکار، اعظم سبحانین، اکبر صحرایی، بیژن کیا، الهام مزارعی و میثم محمدی معرفی شده‌اند. نویسنده در پایان هر فصل، نتیجه‌گیری کلی، مختصر و مفید خود از بررسی نویسندگان و داستان‌های شان را آورده است. فهرست آثار نام‌برده در کتاب، در قسمت پایانی گنجانده شده‌اند.

عنوان: منشور دوم

نویسنده: محمد مرادی

محل نشر؛ ناشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۴۱۸ صفحه

قطع: وزیری

عنوان: بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس

نویسنده: توران محمدی

محل نشر؛ ناشر: تهران: سوره مهر

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

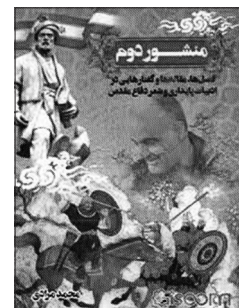
تعداد صفحات: ۱۷۶ صفحه

قطع: رقعی

در این اثر مؤلف به پیشینه و تعریف ادبیات منظوم پرداخته است. در چیدمان مطالب کتاب، ارتباط بین فصل‌ها کمی به هم ریخته است. متن دارای ۲۸ سرفصل است که ساختار



کتاب مجموعه‌ای از مقاله‌ها، یادداشت‌ها و گفتارهایی است که نویسنده در دو دهه اخیر با موضوع ادبیات پایداری و ریشه‌ها و زمینه‌ها و ادوار آن نوشته است. تقدم و تأخر زمانی متن‌ها مشخص نیست و



محل نشر؛ ناشر: تهران: سوره مهر
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
تعداد صفحات: ۶۷۵ صفحه
قطع: وزیری

عنوان: داستان برای گشایش درهای آسمان: گفت‌وگوهای ادبیات داستانی (دفتر ۲: پنجاه و یک گفت‌وگوی موضوعی با سی و شش نویسنده ایرانی و پنج کارگزار فرهنگی)
نویسنده: محمدرضا سرشار
محل نشر؛ ناشر: تهران: سوره مهر
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
تعداد صفحات: ۶۰۲ صفحه
قطع: وزیری

عنوان: هوا سرشار از کلمات است (دفتر سوم)
نویسنده: محمدرضا سرشار

محل نشر؛ ناشر: تهران: سوره مهر
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
تعداد صفحات: ۴۳۵ صفحه
قطع: وزیری

محمدرضا سرشار مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای در خصوص ادبیات داستانی که در فصل‌نامه ادبیات داستانی منتشر شده‌اند را پس از بازبینی مجدد در سه دفتر منتشر کرده است. دفتر اول با عنوان غوطه‌خوردنی غریب در داستان، شامل چهل و شش گفت‌وگو با چهل و دو نویسنده ایرانی است.

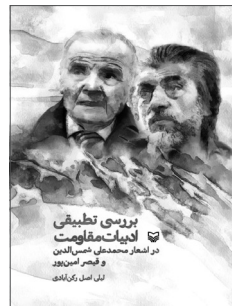
دفتر دوم این گفت‌وگوها، داستان برای گشایش



منظمی ندارد. مباحث کتاب ذیل پیشینه شعر فارسی تا پیش از انقلاب، تأثیر جنگ بر ادبیات، شعر جنگ و شعر دفاع مقدس می‌گنجند.

عنوان: بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمدعلی شمس‌الدین و قیصر امین‌پور
نویسنده: لیلی اصل رکن‌آبادی
محل نشر؛ ناشر: تهران: سوره مهر
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
تعداد صفحات: ۴۴۰ صفحه
قطع: رقعی

متن دارای یک مقدمه و چهار فصل است. کتاب، رساله دکتری نگارنده است. بخش مقدمه، به تعریف ادبیات تطبیقی، تعریف موضوع و اهمیت آن، پیشینه موضوع پرداخته است. فصل اول با عنوان تاریخچه ادبیات



مقاومت، به بررسی آن در دو بخش «ادبیات مقاومت [در فلسطین]» و «ادبیات مقاومت در جهان» پرداخته است.

فصل دوم، به زندگی‌نامه، آثار، اندیشه، اشعار و... محمدعلی شمس‌الدین و فصل سوم نیز به زندگی‌نامه، آثار، اندیشه، اشعار و... قیصر امین‌پور اختصاص یافته است. بررسی تطبیقی - تحلیلی اشعار مقاومت این دو شاعر، در فصل چهارم آمده است. محتوای اثر در دفتر پژوهش مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری آماده شده است.

عنوان: غوطه‌خوردنی غریب در داستان (دفتر اول گفت‌وگو درباره ادبیات داستانی)
نویسنده: محمدرضا سرشار

عنوان: همسایه با آهیمنسا
نویسنده: سمانه علی‌زاده
محل نشر؛ ناشر: تهران: صریح
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۳۴ صفحه
قطع: وزیری

«آهیمنسا» یک روش زندگی بر مدار صلح و درونی خالی از هرگونه نفرت و آزار نرساندن است. این از اصولی است که ماهاتما گاندی روی آن تأکید داشته است. نویسنده این روش را به آموزه‌های عرفانی ایرانی - اسلامی نزدیک



می‌داند و با توجه به آن، به بررسی مؤلفه‌های پایداری بدون خشونت در منطق الطیر عطار و مثنوی معنوی پرداخته است. متن شامل سه فصل و بخش منابع است. فصل اول، کلیات، فصل دوم، مبانی نظری پژوهش (پایداری بدون خشونت بر اساس روش ساتیاگراها و آهیمنسا، احوال و آرای ماهاتما گاندی، احوال و آرای فریدالدین عطار نیشابوری و احوال و آرای مولانا جلال‌الدین) را شامل می‌شود. فصل سوم، تطبیق مؤلفه‌های پایداری بدون خشونت در آموزه‌های ماهاتما گاندی با منطق الطیر و مثنوی است که بخش اصلی کتاب را تشکیل داده است. متن برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد مؤلف با عنوان «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری بدون خشونت در آموزه‌های گاندی با منطق الطیر عطار و مثنوی معنوی مولوی» در دانشگاه شیراز است و در کتاب اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

عنوان: نامه پایداری ۸
به‌کوشش: احمد امیری خراسانی
محل نشر؛ ناشر: کرمان: گرا

درهای آسمان نام دارد. در بخش اول گفت‌وگوها، گفت‌وگو با داستان‌نویسان و فعالان این حوزه و گزارش‌ها و نظرخواهی‌ها در قسمت دوم گنجانده شده است.

دفتر سوم با نام هوا سرشار از کلمات است هم

بخشی از گفت‌وگوها را در خود جای داده است. اما این گفت‌وگوها با نویسندگان خارجی و مترجمان فعال ادبیات داستانی انجام شده است. هر سه کتاب فاقد مقدمه است و مشخص نیست با چه هدفی چاپ شده است.



عنوان: تأملاتی در ادب پایداری

(مجموعه مقالاتی در حوزه ادبیات دفاع مقدس، پایداری

و بیداری)

نویسنده: رضا اسماعیلی

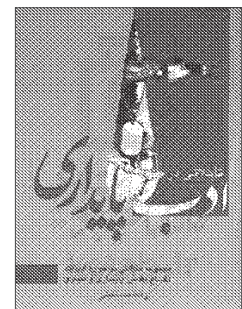
محل نشر؛ ناشر: تهران: صریح

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۷۴ صفحه

قطع: وزیری

آنچه از عنوان و محتوای کتاب برمی‌آید، نویسنده بیست عنوان از مقاله‌ها و یادداشت‌ها و نقدهای خود که حول ادبیات پایداری بوده‌اند را در این کتاب جمع‌آوری و منتشر کرده است. از این عنوان‌ها، پنج



عنوان مقاله، یک نقد و بقیه یادداشت‌های مناسبی نویسنده هستند. محتوای اثر توسط اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان فارس آماده شده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۴۷۲ صفحه

قطع: وزیری

پیشگفتار مترجم، مقدمه مؤلف بر چاپ دوم کتاب، مقدمه دکتر اسامه الاشقر، مدیر کل مؤسسه فرهنگی فلسطین و متن اصلی است.

در بخش اول متن، سه مقاله از دکتر عادل الاسطه توسط ناشر یعنی مؤسسه فرهنگی فلسطین در چاپ دوم کتاب به متن افزوده شده است. این سه مقاله عبارتند از: «متن ادبی انتفاضه»، «پرسش از نوگرایی» و «پذیرش شعر مقاومت در نقد ادبی جهان عرب» که شامل ۱۰ گفتار است.

سپس متن اصلی کتاب قرار

گرفته است. عادل الاسطه،

نویسنده و پژوهشگر

فلسطینی است. او این

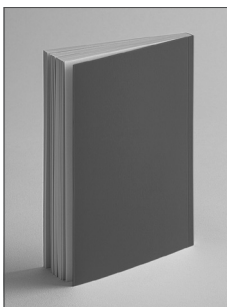
کتاب را با تأمل در دو پدیده

خوش‌بینی و بدبینی در آثار

شاعران نوشته است. در

بخش اصلی کتاب پس از

دیبچه، در بیست و سه قسمت به بررسی اشعار شاعران



فلسطینی پرداخته است.

«ترجمه و تحلیل کتاب ادب‌المقاومه من تفاؤل البدايات الى خيبة النهايات (ادبیات پایداری از خوش‌بینی تا شکست)» عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خانم فاطمه محمدی در دانشگاه رازی کرمانشاه است.

در معرفی و بررسی مختصر کتاب‌ها، چند شاخص در نظر گرفته شدند: ۱. عنوان؛ ۲. تناسب موضوع و مقدمه با محتوا؛ ۳. منابع؛ ۴. روش تحقیق؛ ۵. پیشینه پژوهش.

عنوان‌ها در بیشتر کتاب‌ها گویای محتوا نیستند؛ مقدمه کتاب‌ها و پیشگفتار هم معمولاً ارتباط لازم را با عنوان و محتوا ندارند.

از ۲۵ عنوان کتاب بررسی شده، غیر از ۸ عنوان، باقی کتاب‌ها یا مقدمه ندارند و یا مقدمه ارتباطی با محتوا

بیست و دو مقاله از هفتاد و هشت مقاله ارسال شده به کنگره هشتم ادبیات پایداری، در این کتاب منتشر شده است. پیشگفتار، فراخوان هشتمین کنگره و بیانیه هیئت داوران و شرکت‌کنندگان هشتمین کنگره سراسری ادبیات پایداری، اطلاعات مورد نیاز در خصوص کنگره و مقاله‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهند.

از بیست و دو مقاله حاضر

در این کتاب، دو مقاله در

خصوص ادبیات انقلاب

اسلامی، هفت مقاله در

خصوص دفاع مقدس، سه

مقاله در حوزه بین‌الملل و

ده مقاله هم مربوط به سایر

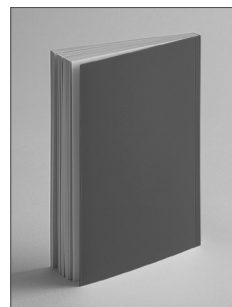
حوزه‌ها است. در تقسیم‌بندی

مقاله‌ها بر اساس انواع، یک مقاله در حوزه خاطره، یک

مقاله در حوزه داستان، نه مقاله در حوزه شعر، دو مقاله

در حوزه کلیات ادبیات پایداری و نه مقاله در خصوص

انواع دیگر است.



عنوان: ادبیات پایداری از خوش‌بینی‌های آغازین تا

ناامیدی‌های پایانی

نویسنده: عادل الاسطه

ترجمه: تورج زینی‌وند، مریم رحمتی و فاطمه محمدی

محل نشر؛ ناشر: کرمانشاه: مرصاد

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۲۲ صفحه

قطع: وزیری

اصل کتاب در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸م) توسط وزارت فرهنگ حکومت خودگردان فلسطین منتشر شده است. کتاب حاضر، ترجمه چاپ دوم کتاب است. کتاب شامل

۵ عنوان از کتاب‌ها، برگرفته از پایان‌نامه و رساله مؤلفان هستند و ۲ عنوان هم ساختاری شبیه به پایان‌نامه دارند ولی پایان‌نامه‌ای با آن عنوان یا مشابه آن یافت نشد.

در کتاب‌هایی که بر اساس پایان‌نامه هستند هم غیر از ۱ عنوان، در باقی اشاره‌ای به این موضوع نشده است. بر این اساس حدود ۲۰ درصد کتاب‌ها برگرفته از پایان‌نامه است.

دسترسی به همه کتاب‌هایی که عنوان آن‌ها پس از جست‌وجو فراهم آمد، ممکن نشد. این امر نشان‌دهنده توزیع نامناسب کتاب و بی‌توجهی به جمع‌آوری این کتاب‌ها و دیده شدن آن‌ها در کنار هم است. این موضوع شاید به عنوان یکی از مسائل ادبیات پایدار قابل بازنگری و برنامه‌ریزی باشد.

با بررسی شاخص‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد که حوزه پژوهش ادبیات پایدار دچار آشفتگی است. محتوای بیشتر کتاب‌ها بیانگر این نکته است که در پی پاسخ به پرسش و یا حل مسئله‌ای نوشته نشده‌اند؛ شاید انتشار کاغذی کتاب، یکی از دغدغه‌های نویسندگان بوده است.

متأسفانه در حوزه پژوهشی ادبیات پایدار و به خصوص ادبیات دفاع مقدس هم کمیت بر کیفیت غلبه کرده و منابع آن بدون توجه به مسائل این حوزه تولید می‌شوند.

سخن آخر

جست‌وجو برای یافتن کتاب‌های پژوهشی منتشر شده در سال ۱۴۰۰ تا حد امکان در اندیشکده صورت پذیرفت و نتیجه آن نوشتار پیش‌رو است.

از شما خواننده گرامی خواهشمندیم با معرفی کتاب‌های مرتبط دیگری که در این نوشته بدان‌ها اشاره نشده، ما را در تکمیل فهرست آثار پژوهشی سال ۱۴۰۰ یاری نمایید. Andishkadeh.defa@yahoo.com

ندارد. غیر از ۴ مورد، پیشگفتاری هم وجود ندارد که مؤلف در آن به بیان ضرورت‌های تألیف و وجوه آن پرداخته باشد.

در خصوص منابع مورد استفاده، کتاب‌هایی که برگرفته از پایان‌نامه است، دقت بیشتری در ارجاعات و ذکر منابع مورد استفاده داشته‌اند و در بقیه کتاب‌ها، در اکثر موارد دقتی برای ثبت منابع وجود ندارد.

بیشتر کتاب‌های بررسی شده، به پیشینه کارهایی که در حوزه مشابه انجام شده پرداخته‌اند. این از جمله معضلاتی است که پژوهش‌های ادبیات پایدار با آن روبه‌رو هستند و عدم توجه به آن موجب تکرار در محتوای آثار شده است. فقط در یکی از کتاب‌ها با عنوان بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمدعلی شمس‌الدین و قیصر امین‌پور، سه مورد پایان‌نامه که موضوعی مشابه رساله مؤلف داشته‌اند، بررسی شده‌اند.

در تعیین روش پژوهش هم، غیر از پنج کتاب، مشخص نیست که باقی مؤلفان برای انجام پژوهش از چه شیوه‌ای استفاده کرده‌اند. محتوای آثار گویای آن است که پژوهشگران با روش‌ها و شیوه‌های مناسب آشنایی ندارند و توانسته‌اند آن را در قالبی درست ارائه کنند.

در خصوص موضوع کتاب‌ها، با دسته‌بندی آن‌ها در دو بخش کلیات و انواع ادبی به این نتیجه رسیدیم که بیشتر کتاب‌ها در حوزه انواع ادبی و در این حوزه هم بیشتر در خصوص شعر پایدار هستند. شعر به عنوان پررنگ‌ترین نوع، در ادبیات پایدار هم بیشترین پژوهش‌ها و تألیف‌ها را به خود اختصاص داده است. از ۲۵ عنوان، ۱۰ عنوان شعر، ۹ عنوان داستان، ۱ عنوان خاطره، ۳ عنوان در حوزه کلیات ادبیات پایدار و ۲ عنوان شامل انواع و کلیات هستند. مفاهیم نظری هم به عنوان مباحث کلی در بخش کلیات دیده شدند.

معرفی آثار مکتوب استان‌ها

داوود خدایی

این فصل از نشریه اندیشکده آینه‌ای خواهد بود برای انعکاس تولیدات استان‌ها در حوزه ادبیات‌پایداری. رویکرد کارگروه تحریریه نشریه معرفی‌آثاری است که ویژگی خاصی به لحاظ محتوایی دارند. امید آن داریم که فعالان این حوزه ما را در انتشار مناسب اخبار مرتبط با سیاستگذاری‌های نشریه یاری فرمایند.

اندکی بنشین که باران بگذرد

دسته‌بندی کرد:

- وجه تمایز این اثر با دیگر کتب ادبیات‌پایداری، توجه ویژه به زندگی همسر شهید است و نویسنده بیشتر همراه راوی بوده تا شهید؛
 - روان بودن نثر و خوانش آسان اثر؛
 - پرداختن به زندگی دختری که در یک جامعه سنتی علی‌رغم مخالفت‌های خانواده ادامه تحصیل داده و سپس راه معلمی را پیش گرفته است؛
- اندکی بنشین که باران بگذرد نوشته لیلا داورزنی، روایت زندگی‌نامه و همسرانه‌ای ساده و صمیمی از خاطرات شمسی فلاحتی همسر معلم شهید، سید امیرحسین موسوی است که به همت حوزه هنری زنجان و توسط انتشارات سوره مهر تولید و روانه بازار نشر شده است.
- عمده ویژگی‌های این اثر را می‌توان در محورهای زیر

این کتاب حاصل هفت جلسه گفت‌وگو با خلبان لوتر یادگاری است که در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول، خاطرات راوی از خانواده، روستای محل زندگی و دوران کودکی و نوجوانی او را دربرمی‌گیرد. فصل دوم به خاطرات وی از نحوه پیوستن به نیروی هوایی و دوره‌های مختلف آموزش خلبانی در آمریکا اختصاص دارد. فصل سوم به خاطرات راوی از پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس و پرواز با مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان پرداخته است، و فصل چهارم نیز به اسناد و عکس‌های راوی در مقاطع مختلف زمانی مربوط می‌شود.

بچه‌های مسجد بلال

بچه‌های مسجد بلال تجربه‌نگاری پایگاه بسیج مسجد بلال مشهد در سرگذشت‌پژوهی شهدا به قلم نوید ظریف کریمی است که در ۱۰۰۰ نسخه از سوی انتشارات «راه یار» چاپ و



روانه بازار نشر شد.

این اثر اولین کتاب در «پایگاه‌نگاری» (پایگاه بسیج مسجد و محله) و اولین در «مسجدنگاری»، ثبت تجربه فعالیت مردمی در مساجد با هدف ارائه الگو برای سایر مساجد در کشور است.

صبورانه

کتاب صبورانه خاطرات انسیه تاج‌زاده قمی جانباز بمباران هوایی قم به قلم ریحانه غلامیان در آبان‌ماه ۱۴۰۱ منتشر گردید. این اثر که با همکاری اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم و توسط انتشارات «وئشق» در ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است. روز پنجشنبه پنجم آبان ۱۴۰۱

• عدم پرداخت مناسب به موضوع بعد از شهادت همسر راوی؛

• تصاویر مناسب و قوی از روابط عاشقانه یک زوج متعهد.

شایان ذکر است مصاحبه با همسر و دوستان شهید موسوی سه سال به طول انجامیده و نویسنده بیشتر مصاحبه‌ها را در روستای «حسن ابدال» زنجان، زادگاه شهید انجام داده است.

کانال جنوبی نهر خین

کتاب کانال جنوبی نهر خین خاطرات سرتیپ دوم پاسدار علی سلیمانی توسط اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس کرمانشاه در مهرماه ۱۴۰۱ به چاپ رسید. مصاحبه و تدوین این اثر توسط زهرا صیادی در ۱۰۰۰ نسخه و ۶۰۰ صفحه روانه بازار نشر گردید.

عنوان فصل‌های این کتاب: تولد تا ازدواج، آغاز جنگ تحمیلی و حضور در جبهه نبرد، حضور در تیپ نبی اکرم (ص)، حضور در جبهه پس از غیبت اجباری، دیدار با امام، فرماندهی گردان تبوک و اعزام یگان‌های عملیاتی به جنوب، کربلای ۴، عملیات کربلای ۵، اعزام به دوره عالی و عملیات نصر ۷ و والفجر ۱۰ و عملیات مرصاد و در نهایت تداوم فعالیت‌ها پس از هشت سال ایستادگی می‌باشد.

مأموریت در آسمان

روایت زندگی سرهنگ خلبان «لوتر یادگاری» به کوشش سیاوش رحیمی در کتابی با عنوان مأموریت در آسمان به چاپ رسید. این اثر در ۱۱۸ صفحه به همت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آذربایجان غربی به چاپ رسیده است.



همراه با کاروان عشق

کتاب همراه با کاروان عشق روایتگر تاریخ شفاهی «سید فرج‌الله نظریور» از رزمندگان دوران دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد است که آذرماه سال ۱۴۰۱ به چاپ رسید.

این کتاب در هفت فصل و ۳۳۶ صفحه نوشته شده و در شمارگان ۵۰۰ نسخه توسط انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس منتشر گردید که در آن، روایت‌هایی از دوران کودکی، دوران مدرسه، مبارزات انقلابی و مجاهدت‌های دوران دفاع مقدس سید فرج‌الله نظریور را می‌توان خواند.

ماهی‌ها هم گریه می‌کنند

کتاب تاریخ شفاهی «توران وفائیان» یکی از زنان امدادگر آذربایجان غربی با عنوان ماهی‌ها هم گریه می‌کنند منتشر شد. نویسنده کتاب «لیلا سپری» و ناشر اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آذربایجان غربی می‌باشد.

ماهی‌ها هم گریه می‌کنند، آذرماه سال ۱۴۰۱ در ۱۳۶ صفحه و هفت فصل شامل: «تولد تا انقلاب اسلامی»، «دوران انقلاب اسلامی»، «دوران دفاع مقدس»، «خاطرات شهید علیرضا وفائیان»، «دوران بعد از ازدواج»، «فعالیت‌های بعد از دفاع مقدس» تنظیم و به چاپ رسید.



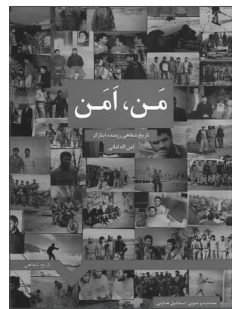
چهل روز انتظار

چهل روز انتظار، زندگی‌نامه داستانی تنها شهید مدافع حرم ایرانی استان بوشهر، محمداحمدی جوان است. ■

در سومین اجلاسیه کنگره شش هزار و نود شهید استان قم گرامی داشت شهدای زن رونمایی شد.

مَن؛ اَمَن

خاطرات رزمنده لشکر ۳۱ عاشورا «امن‌اله امانی» در قالب کتابی با عنوان مَن؛ اَمَن آذرماه سال جاری رونمایی شد. این کتاب سرگذشت خاطرات رزمنده ایتارگر «امن‌اله امانی» است



که مصاحبه و تدوین آن توسط اسماعیل هدایتی در قالب تاریخ شفاهی انجام گرفته است.

این اثر سرگذشت رزمنده‌ای روستایی است که گرچه به‌طور رسمی پاسدار کمیته انقلاب اسلامی است، اما شروع جنگ او را به جبهه‌ها می‌کشاند و تا پایان دفاع مقدس، ابتدا در ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید «چمران» و سپس در لشکر ۳۱ عاشورا به نبرد می‌پردازد.

از آن‌جا که عمده مدت حضور «امن‌اله امانی» در جبهه به فعالیت در واحد اطلاعات و عملیات لشکر ۳۱ عاشورا گذشته، خاطرات وی حاوی مطالب ارزشمند و قابل توجهی از اقدامات این واحد به‌ویژه در عملیات‌های پرمخاطره و سخت شناسایی البته با چاشنی طنز است. همچنین راوی مطالبی نیز درباره فعالیت‌هایش در دوران انقلاب، وضعیت عمومی شهرها در آن دوران، زندگی شخصی، حضور در گروه‌های تفحص، روایتگری در اردوهای راهیان نور، حضور در جبهه مقاومت اسلامی و... بیان می‌کند.

چاپ نخست این کتاب در ۲۸۹ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط نشر «معر آسمانی» اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آذربایجان شرقی منتشر و آبان‌ماه سال جاری در نهاد عمومی کتابخانه‌های آذربایجان شرقی رونمایی شد.

خداوند را شاکریم که شماره پیشین اندیشه‌نامه مورد توجه و استقبال صاحب‌نظران و استادان حوزه ادبیات پایدار قرار گرفت و یادداشت‌ها و پیشنهادها و نقد و نظرانشان مایه دلگرمی ما شد. از همه بزرگواران سپاسگزاریم و اذعان داریم به این رهنمودها و نظرها برای ادامه مسیر نیاز فراوان داریم. از میان یادداشت‌های رسیده به دبیرخانه، برای درج در این شماره از نشریه نوشته دکتر احمد شاکری را انتخاب کردیم. ایشان با تأمل و ژرف‌نگری عمیق در محتوای نشریه نظرات‌شان را در هفت بند ارائه داده‌اند. سپاسگزارشان هستیم و عین یادداشت‌شان را درج می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر سنگری

مدیر مسئول محترم اندیشه‌نامه پایدار

با سلام و احترام

به توفیق الهی، آخرین شماره (بهار و تابستان ۱۴۰۱) فصلنامه "اندیشه‌نامه پایدار" مطالعه شد.

پیش از هر چیز از شما و همکارانتان برای جهاد علمی در ساحت کم‌رهرو مباحث نظری ادبیات سپاسگزارم. به عنوان کسی که از آغاز نشریه "اندیشه‌نامه" پایدار را دنبال کرده و کمابیش با دشواری‌های تأسیس و استدامه این نوع اقدامات آشنایی دارم، راهی که آغاز شده را پر امید و سازنده ارزیابی می‌کنم و توفیقات الهی را برای شما و همکاران خدمت این مجموعه خواستارم.

قطعاً بازخوردهای عمل جمعی عزیزان در "اندیشه‌نامه پایدار" ضلع تکمیل‌کننده فرایند، جهت دهنده و تصحیح‌کننده آن خواهد بود. قطعاً

چیزی که ارزش خواندن و آموختن داشته باشد ارزش تحلیل و نقد را نیز خواهد داشت. لذا نکاتی را خدمت شما تقدیم می‌دارم.

نخستین گام پیش از قرار گرفتن در موضع "بیان"، شناخت موضع "خود" به عنوان صاحب نظر است.

نکته دوم در مخاطب‌شناسی نشریه است. در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی به معنای عام و ادبیات دفاع مقدس در معنای خاص و ادبیات مستندنگار به صورت اخص، از دیرباز شاهد شکاف نظری-گفتمانی بوده‌ایم. بدین معنی که طیفی از کنشگران ادبیات مستندنگار و داستانی دفاع مقدس را "راویان" و "نویسندگان"ی تشکیل می‌داده‌اند که جنس اقدام آنها "عملی" و سویه مسئله مندی آنها نیز از جنس "چه باید کرد؟" - به جای "چه هست؟" - بوده است. طرح پرسش‌های نظری از سوی برخی کنشگران عملی ادبیات مستندنگار و داستانی نیز اصالتاً در جهت حل مسئله عملی و به شدت ناظر بر عمل بوده و به سمت گره‌گشایی و گزاره‌های تجویزی تمایل داشته است. طیفی که از سویی در معرض "واقعۀ" بوده و "ناگزیر" به روایت از آن بوده‌اند و از سوی دیگر، با مقوله "گفتمان حاکمیت" و "گفتمان دیگری" در مراتب مختلف تولید از جمله، سفارش، انتشار و تبلیغ مباشر بوده‌اند. پس نوع مسئله مندی این طیف آنها را به نحو خاص و مرتبه خاصی به مسائل نظری مسئله مند کرده و این نحو مسئله‌مندی در پاسخ-سامان‌هایی که بدان متمایل می‌شده‌اند آشکار

شده است. در نقطه مقابل محافل دانشگاهی از منظری بیرونی با طیف مسئله‌مندی‌های متفاوت و البته منشأ و علل مسئله‌مندی متفاوت حضور دارند. موضوعی که در محافل دانشگاهی وجود داشته است، مسئله‌مندی "بیرونی" و "متأخر" درباره ادبیات دفاع مقدس است. مسئله‌مندی اولاً برای این طیف بیرونی است به این معنی که از منظرگاهی خارج از دایره تولیدکنندگان به موضوع نگاه می‌کنند و از جهتی دیگر تأخیری است. چنانکه راه اندازی رشته‌ای با نام ادبیات پایدار نیز پس از سال‌ها ظهور نمونه‌ها و زیرگونه‌های این عنوان صورت گرفته و حرکت کند مجامع دانشگاهی در اجابت به این رشته، تدوین درسنامه‌های لازم برای این رشته در مقاطع ارشد و دکتری، تدوین منابع نظری برای این رشته، ورود اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی به مسائل مضاف این رشته، تفصیل این رشته و تکثیر گروندگان به آن، همگی نشان دهنده روند کند-البته رو به رشد- اقبال مجامع دانشگاهی است. با این صورت بندی کلی از کنشگران و بازیگران اصلی و فرعی حاضر در عرصه ادبیات پایدار و دفاع مقدس، ادبیات پایدار نیازمند تأسیس و تجمیع و سامان‌دهی کنشگران اصلی، جای‌شناسی آنها، مسئله‌شناسی آنها و مخاطب سازی و مخاطب پذیری واقعی است. این موضوعی است که نشریه اندیشه‌نامه پایدار به عنوان هدفی بلند مدت لازم است بدان چشم بدوزد. این تلاش‌ها البته در نشریه آغاز شده است. دعوت از اهالی دانشگاهی و

و به صورت مشخص اندیشه‌نامه پایداری خط مقدمی است که در دو جبهه به صورت توأمان باید عمل کند. نخست آنکه ظرفیت‌های دانشگاهی و نظری را وارد حوزه مورد علاقه خود کرده و دیگر آنکه در این توجه‌دهی و ظرفیت‌سازی و تجمیع و هدایت کنشگران، از آنچه تاکنون در نتیجه تلاش‌های کنشگران عملی ادبیات پایداری و اندک کنشگران نظری آن که خارج از محافل دانشگاهی عمل کرده‌اند فراهم آمده محافظت و صیانت نماید. تقریب مجامع دانشگاهی به گفت‌وگوی واقعی به اندازه تقریب کنشگران سنتی عرصه ادبیات پایداری برای گفت‌وگو دشوار و سخت بوده و با معضلات و پیچیدگی‌های متعددی همراه است. شاید در بادی امر به نظر آید عرصه "ادبیات پایداری" برای فتح باب این گفت‌وگو مناسب باشد. چرا که حداقل در چند دهه گذشته اصطلاح "ادبیات دفاع مقدس" توانسته است در محافل دانشگاهی پذیرفته شده و ضریب یافته و برایش تأسیس مبنای نظریه شود. در نقطه مقابل، جایگیر شدن اصطلاح "ادبیات جنگ" و تثبیت و ارجاع مکرر به مبانی و توجه به مصادیقی از این مفهوم که به ادبیات داستانی سیاه دفاع مقدس تقریب دارند، نشانه‌ای است تا مشخص شود محافل دانشگاهی به حقیقت این مفهوم (دفاع مقدس) بی‌موضع نیستند و نسبت با آن مقاومت‌هایی وجود دارد. شاید انتخاب اصطلاح ادبیات پایداری به واسطه عمومیت معنایی و سعه مفهومی اصطلاحی باشد که مقاومت‌ها و پیش‌فرض‌های منفی کمتری را نسبت به خود

تحلیلی انتقادی تولیدات دانشگاهی با مبانی و ارزش‌های ادبیات متعهد و بطن و متن ادبیات انقلاب اسلامی ناسازگار و ناهمخوان است. در نتیجه، تقریب اگر از لایه ظاهری آشنایی با موضوعات و آثار فراتر نرود محتمل بلکه متوقع است تفوق نظری و تجهیز محافل دانشگاهی به روش‌ها و مبانی نظری ترجمه‌ای و خالی بودن دست کنشگران سنتی این عرصه در خارج از محافل دانشگاهی به این نقطه منجر شود که رویکردهای ترجمه‌ای دانشگاهی با غلبه بر اندیشه کنشگران سنتی، عملاً به گفتمان غالب در این عرصه بدل شود. چنانکه می‌دانید و می‌دانیم اصطلاح ادبیات پایداری نیز اگر از سوی ادبیات علمی دانشگاهی مورد توجه نسبی واقع شده به این دلیل است که نسبتی با ادبیات کهن - یعنی موضوع مورد علاقه مجامع دانشگاهی - برقرار کرده است. و اینکه این مجامع چندان اقبالی به ادبیات تولید شده در پی انقلاب اسلامی نداشته و عملاً ادبیات کهن را دست‌مایه‌ای برای توقف خود قرار می‌دهند. طراحی و مدیریت این سیر نیازمند دقت نظر در چگونگی شکل‌گیری فرایندها و فهم دقیق و عمیق و به روز از دو ساحتی است که باید به یکدیگر نزدیک شوند و اینکه مخاطبان و کنشگران سوم یا مطلوب تولید شده از چه جنسی بوده و در کجا ظهور می‌یابند. یکی از راهکارهای نیل به مقصود پیش‌گفته در بند قبل، توجه به گفت‌وگوهای واقعی و مبنایی میان منتخبان دو طیف کنشگر پیش‌گفته است. چرا که اندیشکده ادبیات پایداری

ایجاد کرسی برای ایراد سخن درباره آنها و مسئله‌مند کردن آنها به موضوع ادبیات پایداری با طرح موضوعات و همچنین فراهم آوردن بستر گفتگو میان اهالی دانشگاه با اهالی ادبیات می‌تواند آغازی بر این راه باشد. سخن در آن است که تقریب این دو ساحت به یکدیگر، ساحت جدید و مطلوبی را فراهم خواهد آورد. ساحتی که کنشگران خود، مسائل خود، پاسخ‌های خود و ادبیات خود را دارد. شاید در بادی امر گمان شود که مسئله ما با محافل دانشگاهی ندیدن و آشنا نبودن یا اهمیت نایافتگی مقوله ادبیات پایداری است. اینکه محافل دانشگاهی عموماً بر آثار جهانی و آثار مطرح پیش از انقلاب اسلامی یا ادبیات کهن تمرکز دارند و با فضا و تولیدات ادبیات پس از پیروزی انقلاب اسلامی خاصه ادبیات تولید شده در ساحت گونه‌ای ادبیات دفاع مقدس از سوی کنشگران متعهد به ارزش‌های آن آشنا نیستند. پس طرد آنها نشأت گرفته از جهل آنها است. اما به نظر می‌رسد مسئله از این فراتر است. به تعبیری صرف مواجهه با ادبیات پایداری توسط اهالی مجامع علمی نمی‌تواند تضمین‌کننده کشف مسائل و پاسخ‌گویی دقیق به آنها باشد. این شکاف، شکافی مبنایی - روشی است. چنانکه ورود مجامع دانشگاهی به حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس و پایان نامه‌ها و مقالاتی که در این باره نوشته شده نوعاً مبتلای به دو عارضه همجنس است. نخست آنکه آثار مشخصی از گفتمان روشنفکری در حوزه ادبیات جنگ و دفاع مقدس انتخاب شده و دیگر آنکه رویکردهای

در مجامع دانشگاهی ایجاد کند و به این واسطه بهانه یا مستمسک گفت‌وگو را فراهم نموده مخرج مشترکی برای رابطه ایجاد نماید. اما این نیز تمام واقعیت نیست. انتخاب اصطلاح پایداری گرچه در مبنای خود از ارزش‌های انسانی و دینی برآمده است اما در استراتژی تعاملی میان دو ساحت کنشگران پیش گفته نباید به معنای نوعی عقب نشینی مبنایی از اهم و اتم مصادیق پایداری در دوره معاصر چند ده ساله یعنی دفاع مقدس و ارزش‌های اصیل و دینی آن تلقی شود. به تعبیری آیا با عقب نشینی از اصطلاح ادبیات دفاع مقدس به ادبیات پایداری، برنامه یافزیندی برای آغاز از اصطلاح پایداری برای دست‌یابی به مفهوم دفاع مقدس و تثبیت حقایق آن در نظر گرفته شده است؟ از جمله معضلات در حوزه ادبیات مستند دفاع مقدس و پایداری فقر تولید نظر و انباشتگی تولیدات اندک، رسوخ مشهورات غیرعلمی و دور تکراری مسئله‌مندی حداقلی و پاسخ‌گرایی حداقلی است. علی القاعده نشریه اندیشه‌نامه پایداری قادر نخواهد بود در موضوعاتی چون ادبیات مستند یا مستند داستانی دست به تولید محتوا آن هم در حوزه‌ای چون ادبیات دفاع مقدس بزند مگر آنکه کنشگران سنتی این عرصه را به میدان گفت‌وگو وارد کند. هم از این حیث که بخشی از تولیدات و تأملات نظری از سوی این طیف صورت گرفته است هم از سویی توجه دادن مخاطبان به ساحت‌های مسائلی که این طیف به صورت مباشر با آنها مواجه هستند و هم در هدف‌گذاری نهایی، صیوروت و

سیردهی این طیف از جایگاه کنشگران سنتی به کنشگران نظری و تئوری پردازد. نکته‌ای که به وضوح می‌توان به آن اشاره کرد این است که نوعاً این طیف اساساً ادبیات "مکتوب" و "علمی-نظری" ندارند. لذا خروجی‌هایی که از این طیف دریافت می‌شود نوعاً از جنس مصاحبه‌های شفاهی یا حضور در میزگردها است. تولیدات مکتوب این طیف نیز -ولو اندک- جنس مقالات علمی و مرسوم دانشگاهی را نداشته و بعضاً فاقد استدلال، مبنا‌گزینی نظری، حمایت‌شدگی توسط یک نظریه و مرجع‌یابی مناسب است. اما همین استفاده حداقلی از کسانی که مومنانه و مسئولانه دغدغه ادبیات دفاع مقدس خاصه در عرصه ادبیات مستندنگار را دارند نیز نمی‌توان تنها به تربیون دادن به آنها بسنده کرد. این بیش از هر چیز به کاربست روش‌های گفتگو محور عمیق، نقادانه و جهت‌مند وابسته است. این که "گفت" ها با "گفت" های دیگری همراه شود. روشی که فعلاً و خاصه در این شماره در چند نوبت تکرار شده می‌تواند ارزشمند باشد. گرچه کافی نیست. به این صورت که در شماره اخیر تلاش شده متن‌های تلخیص‌گونه روش‌مندی برای برخی مطالب از جمله جلسه آقای دکتر گودرزی، مصاحبه با برخی فعالان و اصحاب نظر حوزه مستندنگاری یا نشست نوشته مشارکتی در نظر گرفته شده و تلاش شده خروجی‌ها یا مبانی دسته‌بندی شده و به صورت ضابطه‌مندتر و گویاتری در اختیار مخاطب قرار گیرد. پیرو مطلب بند گذشته، مروری

اجمالی بر گفت‌وگوهای صورت گرفته (سه گفت‌وگو: گفت‌وگو با آقای بهبودی، گفت‌وگو با ده تن از فعالان عرصه نویسندگی و گفت‌وگو با مدیر انتشارات روایت فتح) می‌تواند روشنگر باشد. انتخاب طرف مصاحبه حائز اهمیت است. گرچه به لحاظ سنخ لازم بود تنوع بیشتری در گفت‌وگوها لحاظ شود. آقای بهبودی فعال عرصه مستند نگاری هستند گرچه در مقایسه با استاد کمری کمتر اهل مباحث نظری و بیشتر درگیر امر اجرا و تولید و به این سبب صاحب تجربه هستند. ده نفری که با آنها مصاحبه شده است از کنشگران نوعاً عملی حوزه ادبیات مستند -و در مواردی کنشگر نظری و علمی- هستند که به نظر انتخاب درستی درباره آنها صورت گرفته است. انتخاب مدیر انتشارات روایت فتح نیز با احتساب مسائل عملی و نه نظری می‌تواند مفید باشد. آنچه روشن است این است که اولاً جای کنشگران نظری در مصاحبه‌ها خالی است و گفتگوها بیشتر به سمت طیف عملیاتی و اجرایی و با غلظت کم نظری رفته است. حضور کنشگران نظری در این عرصه خالی است. دیگر آنکه جای کنشگران عملی طیف‌های فکری مقابل از گفتمان مقابل خالی است. نکته دیگر حائز اهمیت این است که گرچه ظاهر این گفت‌وگوها و صورت آن "گفت‌وگو" است اما در واقع با گفت‌وگو مواجه نیستیم. بلکه با سؤالاتی مواجه هستیم که از پیش طراحی شده و توسط "پرسشگر" بیان می‌شود. این خاصه در گفت‌وگو با ده تن از نویسندگان کاملاً آشکار است. البته لزوماً و در هر گفت‌وگویی نیاز

"تکرار" از جمله آسیب‌های نشریه است. به عنوان مثال هم از سویی گزارش نشست نوشتار مشارکتی با محوریت سخنرانی خانم دکتر محمد اسماعیل زاده آمده و هم یادداشتی از سوی ایشان در همین زمینه بیان شده است. هم اقتراح نظرات ده تن از کنشگران ادبیات مستند آمده است و هم یادداشت جمع بندی آن آمده است. هم گزارش نشست آقای دکتر دیباج آمده است و هم جمع بندی و مسئله‌کاوی این نشست ارائه شده است. به نظر می‌رسد، توجه موضوعی این شماره از نشریه به "ادبیات مستند" و "ادبیات مستند داستانی" بوده است. این محوریت موضوعی و پرونده مشخص موضوعی امری لازم و مبارک است که می‌دانید در این باره مطالب بسیار و مسائل فراوانی قابل طرح است. در این صورت مطالب حاشیه‌ای از جمله: "مؤلفه‌های پایداری کتاب زیتون سرخ" یا "نشانه‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی رزمندگان دفاع مقدس" خروج موضوعی از محوریت موضوعی نشریه محسوب می‌شود.

مقاله "نکته‌هایی چند در باب پیدایی عنوان اصطلاح ادبیات پایداری" که نویسندگان آن آقایان علیرضا عبدالرحمن و حسین الهی ذکر شده اند از حیث محتوا و پیشینه‌شناسی اصطلاحات می‌تواند موضوع با اهمیتی باشد. اما در نهایت نویسندگان مشخص نکرده اند که با پذیرش دامنه موسع پایداری چه بر سر اصطلاح ادبیات دفاع مقدس و مختصات هویتی آن خواهد آمد. با آرزوی توفیق ■

برجسته‌ای نخواهد داشت. زیرا اولاً مسائل خرد و جزئی نمی‌شود ثانیاً دلایل کافی بر اثبات گزاره‌هایی که بیان می‌شود ارائه نشده و به کلی‌گویی پرداخته خواهد شد.

گرچه جمع بندی از گفت‌وگوها - همان‌طور که پیش از این نیز آمد در قالب متنی مستقل - می‌تواند ارزشمند باشد، اما بعضاً این جمع‌بندی‌ها تبدیل به تکرار مطالب گذشته شده است. در صورتی که گفت‌وگوها به صورت جذابی هدایت و تولید شود، نیاز به جمع‌بندی‌های مستقلی از سنجی که گذشت در برخی موارد نیست.

بخش "اخبار و رویدادها" جزو روش‌ها و بخش‌های منسوخ‌ی است که حداقل در دو دهه پیش کارکرد داشته است. در شرایطی که با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال اخبار با خروجی‌های مکتوب، صوتی و تصویری به صورت بر خط و در کمترین مدت در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد اختصاص چنین بخشی در فصلنامه‌ای که قرار است دو فصل از سال را پوشش دهد عملاً خطا است. به عنوان مثال اعلام نتایج دومین جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی که "فروردین ۱۴۰۱" برگزار شده است در نشریه‌ای که در دی ماه این سال منتشر می‌شود چه معنی دارد؟! با فاصله حداقل ده ماهه آیا خبری سوخته محسوب نمی‌شود؟ حتی در صورت ضرورت اطلاع رسانی در این باره یا باید راهکاری از جنس تأسیس کانال مخصوص نشریه و انتشار این اخبار در آن تدارک دیده شود یا حداقل اخبار با تحلیل ارائه شود.

نیست گفت‌وگوکنندگان هم رتبه باشند یا گفت‌وگوکننده کنشگری فعال باشد، اما خلافاً و اغراضی که برگفت‌وگو مترتب است و فرصتی که نشریه ایجاد کرده اقتضا می‌کرد گفت‌وگوها از حالت شاگرد - استادی خارج شود و به چالش‌های جدی‌تری بدل شود. همان‌طور که عرض کردم، طیف مسئله‌مند سنتی عملی سال‌ها است که در حوزه ادبیات مستند تجربه می‌کنند و بعضاً ادبیات نظری متناسب با محتوای خود را در اختیار ندارند. هدف گفت‌وگو می‌تواند تدقیق در مبانی و نقد نظرها باشد و این امکان ندارد مگر آنکه گفت‌وگوکننده نیز با مسائل بیان شده توسط گفت‌وگو شونده آشنا بوده و قدرت تحلیل و چالش آنها را داشته باشد. این همان چیزی است که نشریه را خواندنی کرده و گره‌های موجود را می‌گشاید. در غیر این صورت آقای بهبودی و بزرگواران دیگر سال‌ها است که درباره این موضوعات سخن می‌گویند و نوعاً حرف‌ها تازه نیست.

نکته دیگری که در گفت‌وگو با ده تن از نویسندگان به چشم می‌آید، این است که پاسخ دهندگان با یازده پرسش مواجه هستند و البته به اقتضای حجم و زمانی که ظاهراً در اختیار آنها بوده برخی به سلیقه خود به برخی پرسش‌ها اساساً پاسخ نداده‌اند. بنابراین نمی‌توان وجه جامعی بین این گفته‌ها پیدا کرد که کاملاً با هم قابل مقایسه و ارزیابی باشد. در صورتی که با محدود شدن پرسش‌ها این مقایسه امکان پذیرتر بود. تجربه و البته دلایل علمی نشان داده است این گونه اقتراح‌ها چندان محصول علمی

اخبار و رویدادها

انتصاب دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی حکمی، محسن پرویز را به عنوان «نماینده تام الاختیار وزیر و دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور» منصوب کرد.

انتصاب دو نفر از اعضای اندیشکده ادبیات پایدار در شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در احکامی جداگانه محمدرضا سنگری و محسن مومنی شریف را به عنوان اعضای شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور منصوب کرد. گفتنی است، شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور به منظور ارزش‌گذاری به تخصص، تجربه و پاسداشت شأن و منزلت هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور تشکیل شده است و ارزشیابی و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و آثار هنرمندان و نویسندگان و شاعران منحصراً توسط این شورا انجام می‌شود.

برگزاری مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

آیین اختتامیه پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ۲۴ دی ماه با حضور محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ



و ارشاد اسلامی، یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی رضائی، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و علاقه‌مندان این حوزه در تالار وحدت برگزار شد و این جایزه برگزیدگان خود را شناخت. اسامی برگزیدگان این دوره به شرح زیر است:



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در محل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد. در این مراسم سردار سرتیپ دوم غلامرضا علاماتی، رئیس سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، گفت: در طول ۵ سال گذشته به کمک سازمان اسناد، ۱۰ میلیون سند سازمان دهی شده‌اند و آماده هستیم تا آنها را در سامانه قرار دهیم. اینها در راستای اهداف و قوانین بین‌المللی هستند. در بخش حفظ اسناد، مخازن، توصیف و پردازش اطلاعات ذی‌قیمتی گردآوری شده و امیدواریم برگزاری چنین جلسه‌ای بتواند حرکت را سریع کند. وی از برگزاری ۱۷۰ هزار ساعت مصاحبه در حال پیاده‌سازی از دوران جنگ صحبت کرد و گفت: از سال ۹۵ نزدیک به ۴۰۰ عنوان کتاب تاریخ شفاهی تولید شده و سامان‌دهی ۲۵ میلیون برگ سند مکتوب و دیداری و شنیداری انجام شده است. همچنین، ۶۸ پروژه دفاع مقدس تعریف شده که در حال سامان‌دهی هستیم که بعدها در سامانه اسناد قرار می‌گیرد.

نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس

علی ناظری، مدیر اجرایی و جانشین دوره یازدهم نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس، انقلاب اسلامی و مقاومت گفت: این دوره از نمایشگاه ملی قرار است در شهر مقدس قم برگزار شود. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ایبنا افزود: این نمایشگاه در قالب برنامه کنگره شهدای قم به مناسبت هفته کتاب و به‌طور مشترک بین بنیاد حفظ

بخش داستان بلند و رمان: کتاب «صور» نوشته حسینعلی جعفری از نشر سروش و کتاب «عزرائیل» اثر نیما اکبرخانی از نشر کتابستان معرفت به عنوان شایسته تقدیر معرفی شدند.

بخش داستان کوتاه: کتاب «ویروس عاشق» اثر مجید رحمانی از نشر صاد شایسته تقدیر شد.

بخش مستندنگاری کتاب: «سازمان سیاسی بهائیت» نوشته حمیدرضا اسماعیلی از نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به عنوان برگزیده و کتاب «عقیله» اثر الهام امین، از انتشارات به نشر شایسته تقدیر شد. در این بخش هیأت داوران از کتاب «نبرد تنگه‌ها» نوشته مصطفی رحیمی از انتشارات شهید حسن باقری نیز تجلیل کردند.

بخش نقد ادبی: کتاب «تماشای روایت؛ بررسی تحلیلی روش انتقال عناصر داستان از روایت به درام» اثر مجید آقایی از انتشارات علمی فرهنگی و کتاب «خودانتقادی ادبی؛ رساله‌ای در نقد هنر خویشتن در عرصه ادبیات» اثر مهرداد نصرتی از نشر فرهنگ عامه شایسته تقدیر شدند. این بخش نیز برگزیده‌ای نداشت.

در بخش‌های جنبی این دوره نیز در بخش حاج قاسم کتاب‌های «حاج قاسمی که من می‌شناسم» اثر سعید علامیان از نشر خط مقدم و «شاید پیش از اذان صبح» اثر احمد یوسف‌زاده از نشر سوره مهر برگزیده شدند. در بخش کرونا نیز کتاب «جهاد در قرنطینه» اثر فروغ زال از نشر راه‌یار برگزیده شد. همچنین در دیگر بخش جنبی یعنی بخش ویراستاری کتاب مرحوم حسین جلال‌پور برای کتاب «صور سکوت» و نرجس توکلی لشکرجانی برای ویراستاری کتاب «اینجا سوریه است» از نشر راه‌یار برگزیده شدند.

اسناد جنگ

مراسم امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با سازمان اسناد و

به فرهنگ و زبان کتابی داشته باشد که قصد ترجمه آن را دارد و به زعم بسیاری از مترجمان ما، تعداد چنین افرادی بسیار اندک است و می‌توان از ظرفیت مترجمان حاضر در کشورهای مربوطه استفاده کرد.

اسناد افتخار- گفتار ماندگار



به گزارش ایبنا، هم‌زمان با هفته پژوهش، مراسم اختتامیه جشنواره ملی «اسناد افتخار- گفتار ماندگار» با حضور امیر سرتیپ نبی سهرابی، جانشین رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، محمدجواد جعفریان، معاون اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و جمعی از سرداران و فعالان حوزه فرهنگ مقاومت و دفاع مقدس برگزار شد. براساس گزارشی که در این برنامه اعلام شد سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس تاکنون ۲۰ هزار ساعت مصاحبه انجام داده و تعداد ۴۰۰ عنوان کتاب تاریخ شفاهی منتشر کرده و در نشست امروز بیش از ۱۲۰ عنوان اثر در حوزه تاریخ شفاهی و ۳۰ عنوان کتاب سندی رونمایی شد. همچنین ۱۱ عنوان کتاب براساس ترجمه اسناد آرشیوی انگلیس درباره دفاع مقدس نیز رونمایی شدند.

برگزاری دهمین کنگره ادبیات پایداری

دهمین کنگره ادبیات پایداری با محوریت جهاد تبیین

آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، سپاه پاسداران قم و خانه کتاب و ادبیات ایران برپا می‌شود. مدیر اجرایی دوره یازدهم نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس در بخش دیگری درباره پیش‌بینی تعداد ناشران شرکت‌کننده در

این نمایشگاه گفت: از بین ۱۸۷ ناشر حوزه دفاع مقدس و انقلاب اسلامی، احتمال می‌دهم تعداد ۱۳۰ ناشر در این دوره نمایشگاه شرکت کنند. همچنین حدود ۸ الی ۹ هزار اثر هم در نمایشگاه در معرض دید مخاطبان و بازدیدکنندگان نمایشگاه قرار خواهد داشت.

سرمایه‌های کشور

به گزارش ایبنا، علی میرهاشمی، معاون پژوهشی پژوهشگاه دفاع مقدس گفت: کتاب‌های دفاع مقدس سرمایه‌هایی محسوب می‌شوند که در معرفی فرهنگ کشور به دنیا تأثیرگذار هستند. به گفته معاون پژوهشی پژوهشگاه دفاع مقدس، دفاع مقدس کشور دارای ویژگی خاص و منحصر به فردی است، ولی به دلیل هجمه‌های مختلفی که در کشورهای دیگر در مورد دفاع مقدس ما صورت گرفته، به نوعی تحریف شده است. بنابراین، ارائه تاریخ و حقایق و رویدادهای واقعی هشت سال دفاع مقدس به زبان‌های دیگر برای آگاه کردن جوامع دیگر از این واقعه، کاری بسیار ضروری است و به همین دلیل، حتماً باید توسط دستگاه‌هایی که در این حوزه کار می‌کنند به آن توجه شود و اقداماتی انجام شود. باید سازوکاری برای ترجمه کتاب‌های دفاع مقدس فراهم شود و به دنبال آن، نکته‌ای که مترجمان در حوزه ترجمه مطرح می‌کنند، این است که مترجمی می‌تواند مفهوم و پیام کتابی را به فرهنگی دیگر منتقل کند که تسلط کافی



پایه‌گذاری کمیته‌های دائمی و تخصصی، راه‌اندازی تارنمای اختصاصی ادبیات پایداری و کتابخانه مجازی، ایجاد دانشنامه اینترنتی ادبیات پایداری با عنوان ویکی پایداری، راه‌اندازی دوره دکتری ادبیات پایداری، همکاری با اندیشکده ادبیات پایداری، توجه به جنبه‌های تطبیقی ادبیات پایداری و ... تأکید شد.

گوی بیان

به نقل از تسنیم، به گزارش ستاد خبری سی‌امین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، آیین رونمایی از کتاب گوی بیان، سه‌شنبه (بیست و چهارم آبان‌ماه ۱۴۰۱) با حضور مهدی کاموس، جواد کاموربخشایش، محسن شاه‌رضایی و محمدقاسم فروغی جهرمی، گردآورنده کتاب با اجرای سید رضا میربابا، در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد. در ابتدای این نشست، مهدی کاموس با اشاره به اینکه در حوزه آثار دفاع مقدس کتابی از جنس گوی بیان نداشتیم، عنوان کرد: این اثر از شش نشست تخصصی و گفت‌وگو با ۱۴ کارشناس تشکیل شده است. این اثر دو مسئله مهم را مطرح کرده است: یکی ادبیات فاخر دفاع مقدس و دیگری ارتقای ادبیات دفاع. درواقع، این دو مسئله محور اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند که می‌توان گفت مباحث نو و جدیدی در حوزه ادبیات دفاع مقدس به‌شمار می‌آیند. نکات مهمی که بعد از گذشت چند دهه از دفاع مقدس وجود دارد، ازجمله مباحث مطرح‌شده در این کتاب است؛ مباحثی مثل اینکه آثار دفاع مقدس ما چقدر باید جدی و چقدر عامه‌پسند باشد؟ آیا می‌شود آثار حوزه دفاع مقدس را ارتقا داد؟ همچنین طرح بحث مقاومت بین‌المللی که خود یک اصطلاح است و باید دانست چه ویژگی‌هایی دارد و چه آثار تولیدشده‌ای در این خصوص داریم و با دفاع مقدس چه پیوندی می‌تواند داشته باشد؟ در ادامه این نشست، جواد کامور بخشایش بیان

دهم اسفند ماه در دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد. در برنامه امسال از میان ۱۴۳ مقاله ارسالی به دبیرخانه کنگره، شانزده مقاله برای ارائه برگزیده شد. دکتر حسین اکبری‌فرد، رئیس همایش و دکتر امیری خراسانی، دبیر علمی آن بودند.

از میان مقاله‌های ارائه شده، می‌توان به «ملازمه ادبیات پایداری با جهاد تبیین به استشهداد تعلیمات سعدی» از دکتر محمدصادق بصیری و «وجوه جهاد تبیین در ادبیات پایداری / دفاع مقدس» از دکتر محمدرضا سنگری اشاره کرد. در جریان برگزاری کنگره از دوازده اثر هم رونمایی شد. عناوین این آثار عبارتند از: «والدین صالح، فرزند صالح: نقش تربیتی پدر و مادر شهید حاج قاسم سلیمانی»، «کتابشناسی ادبیات پایداری استان کرمان»، «تحلیلی بر نوشتارهای شهید آوینی»، «مدرس‌ه زندگی: برگرفته از اخلاق سرداران شهید استان کرمان»، «شاید پیش از اذان صبح»، «از ادبیات به سینما: مطالعه موردی فیلمنامه پرواز در شب»، «uncle qasem: زندگینامه و خاطرات کوتاه شهید حاج قاسم سلیمانی»، «بررسی زاویه دید سرگذشت نوشته‌های دفاع مقدس دهه ۸۰»، «شمیم انقلاب: سنت و نوآوری در سبک شاعران برجسته انقلاب اسلامی»، «واژه‌های سرخ: سیر تحلیل بن‌مایه اعتراض در شعر فارسی انقلاب اسلامی»، «نقش زنان استان کرمان در دفاع مقدس»، «نامه پایداری».

در بیانیه پایانی کنگره بر استمرار برگزاری کنگره ادبیات پایداری در دانشگاه شهید باهنر کرمان با تکیه بر مطالعات بین‌رشته‌ای و مسایل مورد نیاز جامعه، تشکیل اتاق فکر در محیط حقیقی دانشگاه‌های کشور و محیط مجازی تارنماها برای ایجاد ارتباط دائمی اندیشمندان، آسیب‌شناسی آفرینش‌ها و پژوهش‌های ادبیات پایداری، مذاکره با انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، ضرورت ترویج نگاه انتقادی و استدلالی به جای نگاه تفسیری و استنباطی، تدوین معیارهای دقیق برای پژوهش و آفرینش ادبی در حوزه ادبیات پایداری،

چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد حافظ انتخاب شده است. یعنی برای به انجام رساندن هرکاری باید لوازم آن هم مهیا باشد. درواقع، اسم کتاب خود از صنعت ایهام بهره برده است که مثل یک منشور می‌توان از زاویه‌های گوناگون به آن نگاه کرد. این کتاب اثری خوب بوده و جزو اولین‌ها به حساب می‌آید و راهگشا خواهد بود.

نظریه‌سازی از اندوخته‌های دفاع مقدس

به‌گزارش خبرگزاری تسنیم، نشست «مبنای نظری معرفتی دفاع مقدس»، با حضور اسماعیل منصوری لاریجانی، داوود ضامنی و محسن شاهرضایی در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد، منصوری لاریجانی اظهار داشت: امروزه باید از اندوخته‌های دفاع مقدس نظریه‌سازی کنیم و کرسی‌های آزاداندیشی، نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی داشته باشیم. بسیاری از ارزش‌های دفاع مقدس مغفول مانده است و باید برای آنها فکری کرد. اسماعیل منصوری لاریجانی با تأکید بر اینکه در کنار فعالیت‌های نوشتاری در حوزه‌های ادبیات، هنر، شعر، سینما و... باید به معرفت نیز توجه شود، گفت: طبق بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هرچه از تاریخ جنگ بگذرد، باید معرفت ما به دفاع مقدس نیز بیشتر شود. فلاسفه اخلاق و سیاست تعریف زیادی از ارزش ارائه داده‌اند؛ ارزش فعلی است که خداوند امر کرده و برای آن مزد و ثواب در نظر گرفته است. در دوران دفاع مقدس، فعل و افعالی از افراد حاضر در جنگ بر جای مانده که بارزش است؛ آنها فی سبیل الله را به عنوان دستور خداوند اجرا کردند. منصوری لاریجانی فعل ارزشی را فرازمان و فرامکان دانست و گفت: فعل ارزشی برای هر دوره‌ای پیام دارد و کسی که اثری را آفریده، آثار و بقای آن را حفظ می‌کند. به عبارتی، معرفت تولید و بالندگی دارد؛ بعضی از افعال ذاتاً دارای ارزش هستند و جنگ فرصتی برای ظهور این افعال فراهم کرد. تلخی‌های



کرد: کتاب گوی بیان تعاملی در تعالی بخشی ادبیات دفاع مقدس به حساب می‌آید. بعد از فراز و فرودهای زیادی که در این حوزه پشت سر گذاشتیم، نیازمند تولید دانش در مباحث نظری ادبیات دفاع مقدس بودیم. وی ادامه داد: هر ساله رویدادها و جشنواره‌هایی برای تعالی بخشی به آثار حوزه دفاع مقدس برگزار می‌شود. هدف جشنواره کتاب سال دفاع مقدس این است که در مباحث نظری ادبیات دفاع مقدس تعالی ایجاد شود. وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: اینکه نظام ارزیابی ما بر چه مبنایی فعالیت کند تا کتاب خوب را انتخاب کنیم، بسیار مهم است. برای داوری بهتر باید ارزش‌ها و ارزیابی‌ها را به صورت روشن بیان و دیدگاه اساتید و اهل فن را بررسی کنیم. هر جشنواره از بخش‌های متعددی تشکیل شده که علاوه بر ارزیابی آثار مباحث نظری را مطرح می‌کند که در جهت دهی اهالی قلم و نویسندگان اثرگذار است.

در بخش پایانی این نشست، محسن شاهرضایی استاد دانشگاه و از پیشکسوتان حوزه کتاب دفاع مقدس، بیان کرد: ۱۹ دوره جشنواره کتاب سال دفاع مقدس برگزار شده و در هیچ کدام از دوره‌های قبلی، نشست علمی با داوران و کارشناسان برگزار نشده و این اولین بار است که چنین اتفاقی رخ می‌دهد که امیدوارم ادامه دار باشد. انتشار آثاری مثل گوی بیان، حرکت مبارکی است. فکر می‌کنم اسم کتاب با الهام از بیت عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است //

ادامه داد: باید کاری کرد که مجموعه ارزش‌هایی که در دوران هشت سال دفاع مقدس بروز کرد از حافظه جمعی ما ایرانیان خارج نشود؛ بروز و ظهور جنگ صرفاً در میادین جنگ نبود بلکه گاهی این ارزش‌ها در حافظه فردی افراد بودند. در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰ در آثار دفاع مقدس، نقش زنان و افراد پشت جبهه کمتر دیده می‌شد و عمدتاً در دهه ۶۰، تاریخ و روایت جنگ از دیدگاه فرماندهان روایت می‌شد، اما بعد از جنگ ساحت‌هایی از جنگ در ظرف هنر، تاریخ، ادبیات، شعر و... ریخته شد که منجر به رویش جنبه‌های مختلف جنگ شد.

جایزه شهید قاسم سلیمانی

دومین دوره دوسالانه انتخاب آثار برتر پژوهشی دفاع مقدس و جبهه مقاومت «جایزه سردار سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی» چهارشنبه ۲۳ آذر با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. به گزارش ایسنا، در این دوره کتاب‌ها، رساله‌های دکتری و فصلنامه‌های پژوهشی در حوزه دفاع مقدس و جبهه مقاومت تولید و منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ در پنج گروه نظامی-امنیتی، تاریخی-سیاسی، فرهنگی-ادبی، اجتماعی-اقتصادی، حقوقی-بین‌الملل مورد ارزیابی داوران قرار گرفته است. برگزیدگان این گروه‌ها شامل:

گروه نظامی-امنیتی

- کوهستان آتش / اثر برگزیده / گلعلی بابایی / نشر ۲۷ و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
- نبرد ماووت / اثر شایسته تقدیر / حسن جعفرزاده / مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

گروه تاریخی-سیاسی

- کتاب سی‌وهشتم جنگ ایران و عراق / اثر برگزیده /



یک فعل ارزشی هم شیرین است. جهاد ظاهراً جنگ است، اما شهیدان در لحظه شهادت از همه امور خشنود هستند. مولانا می‌گوید: «در بلا هم می‌چشم لذت او / مات اویم مات اویم مات او». هر چیزی که بار ارزشی نداشته باشد، خطرناک است. ارزش‌ها معنایی می‌کنند و در همه دوره‌ها جوان هستند و رویش دارند. تمام وصایای شهدا فهرستی از ارزش‌ها هستند چرا که ارزش‌ها در هیچ زمانی کهنه نمی‌شوند و در هر دوره‌ای می‌توانند آلودگی‌ها را پاک کنند.

در ادامه داوود ضامنی با بیان اینکه ارزش‌ها تعریف لفظی، صوری و انضمامی دارند، گفت: در تاریخ باید شرایط و زمینه بروز و ظهور برخی از ارزش‌ها به وجود بیاید. شرایط دفاع مقدس و جنگ هشت ساله ظرفی در طول تاریخ ما بود که به واسطه آن برخی از ارزش‌ها نمود بیرونی پیدا کرد. البته این امر به این معنا نیست که در گذشته نمود ایشان را درک نمی‌کردیم بلکه جلوه‌ای از گذشت، جهاد، ایثار و... در طول هشت سال دفاع مقدس نمود پیدا کرد که ممکن است در ادوار گذشته تاریخ آنها را ندیده باشیم یا کمتر دیده باشیم. اگر ربط ارزش با دفاع مقدس را از زاویه هشت سال دفاع مقدس به مثابه ظرف ببینیم، این ظرف امکان تشخیص برخی از ارزش‌ها را فراهم کرده است. آیا بعد از جنگ این امکان از بین رفته یا امکان باز تولید آن فراهم شده است؟ وی

■ فصلنامه علمی امنیت ملی / مدیر مسئول؛ دکتر کاظم سام دلیری / دانشگاه عالی دفاع ملی
■ فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس / مدیر مسئول؛ دکتر عبدالعلی پورشاسب / پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

نتایج مراکز برتر پژوهشی

یکی دیگر از بخش‌های این مراسم معرفی مراکز برتر پژوهشی بود که در حوزه دفاع مقدس و جبهه مقاومت فعالیت داشته و در این عرصه پژوهش کرده‌اند. این مراکز برتر پژوهشی عبارت‌اند از:
■ جمعیت احیاء از لبنان / نجوی رعد
■ دانشگاه عالی دفاع ملی جهت انتشار فصلنامه‌های متعدد پژوهشی / دکتر احمدی مقدم
■ مؤسسه پیام آزادگان / سرکار خانم فرزانه قلعه‌قوند
■ مرکز مطالعات، تحقیقات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران / امیر سرتیپ دوم خلبان دکتر علیرضا رودباری

پژوهشگران فعال

همچنین، در این مراسم از چهارده تن از پژوهشگران فعال در عرصه دفاع مقدس و جبهه مقاومت، استاد نصرت‌الله محمودزاده، سعید علایمان، داوود رنجبر، دکتر یحیی نیازی، مرتضی قاضی، سردار حسن رستگاری‌ناه، مصطفی رحیمی، دکتر محسن شاه‌رضایی، موسی ترابی، دکتر محسن مرادیان، معصومه رامهرمزی، مرحوم نادر طالب‌زاده، مرحوم محمدسرور رجایی و مرحومه مریم کاظم‌زاده تجلیل به عمل آمد.

خبر تکمیلی

با خبر شدیم که مراسم اختتامیه جشنواره کتاب سال دفاع مقدس روز دوشنبه ۲۲ اسفند ماه در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار خواهد شد. امید است بتوانیم در شماره بعدی خبرهای این رویداد مهم را بازتاب دهیم. ■

حمیدرضا فراهانی / هانیه مرشدی / مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
■ قدرت متعالی / اثر شایسته تقدیر / دکتر یعقوب نعمتی وروجنی / مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

گروه اجتماعی-اقتصادی

■ حوض خون / اثر شایسته تقدیر / فاطمه سادات میرعالی / انتشارات راه یار

گروه حقوقی-بین‌الملل

■ جنگ شیمیایی عراق علیه ایران / اثر برگزیده / دکتر شیرزاد خزایی / مرکز اسناد انقلاب اسلامی
■ شهادت‌طلبان / اثر شایسته تقدیر / حمید داوود آبادی / نشر شهید کاظمی

گروه فرهنگی-ادبی

■ تأملی بر روش‌شناسی پژوهش در حوزه دفاع مقدس / دکتر اصغر محمدی فاتح / سید مهدی گل افشانی / عقیدتی سیاسی ارتش / اثر برگزیده
■ نقد رتوریک ادبیات حماسی معاصر / دکتر کریم شنی / بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس / اثر شایسته تقدیر

نتایج رساله‌ها

■ بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه مریوان / دکتر کیومرث فیضی / دانشگاه بین‌المللی امام خمینی / اثر برگزیده

نتایج فصلنامه‌ها

■ فصلنامه نگین ایران / مدیر مسئول؛ دکتر علی محمد نائینی / مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
■ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام / مدیر مسئول؛ دکتر سعداله زارعی / مؤسسه اندیشه‌سازان نور